



اقتصاد و برنامه‌ریزی شهری

دوره ۵، شماره ۱، بهار ۱۴۰۳

- ۸ تبیین اثرگذاری هوش مصنوعی بر بهبود کیفیت زندگی شهروندان با رویکرد آینده‌پژوهی (مورد مطالعه: کلان‌شهر مشهد) علی اکبر عنایستانی، جمیله توکلی‌نیا، نسیم نیکنامی
- ۲۴ واکاوی مفهوم انقباض شهری و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن (نمونه موردی: شهر اراک استان ایلام) زینب عادل، آذین پیراسته
- ۴۲ تبیین پدیده رانت‌زایی در شهرسازی و ارائه الگوی جایگزین مازیار نبی‌زاده ذوالپیرانی، محمد تقی پیریابایی، یاسر شهبازی
- ۵۸ ارائه الگوی مفهومی جهت مدیریت عملکرد در شهرداری با استفاده از رویکرد تحلیل محتوا و دلفی فازی (مورد مطالعه: شهرداری بندرعباس) حمیده افشار، محمد تقی امینی، محمدمهدی پرهیزکار، محمد خیری
- ۷۶ الگوهای تعیین دستور کار در شوراهای شهر، نقش مجریان و سیاست‌گذاران سید حامد رستگار
- ۹۲ تبیین وضعیت و عوامل اثرگذار بر کیفیت زندگی در بافت تاریخی و سطح شهر قزوین آرمن اسلانی، محمد صالح شکوهی بیدهندی
- ۱۰۸ بررسی وضعیت دسترس‌پذیری و پراکنش فضایی خدمات شهری با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) در محلات شهری اردبیل (نمونه موردی: واحدهای لباسشویی و خشکشویی) نوید غفاری چنراق، عطا غفاری گیلانده، وحید صفریان زنگبر
- ۱۲۲ طراحی مدل دینامیکی تأثیر زیرساخت و فناوری بر جریان ترافیک کلان‌شهر تهران سید جعفر تشکری هاشمی، عباس طلوعی اشلقی، شهریار افندی‌زاده
- ۱۴۰ بررسی ارزیابی وضعیت زیست‌پذیری محلات بافت فرسوده شهر بهبهان با رویکرد آینده‌پژوهی سعید امامیپور، اقبال نصیری برم‌الوان
- ۱۵۶ مروری بر تجربیات بین‌المللی ساماندهی دست‌فروشان با تأکید بر نقش دست‌فروشی در منظر شهری ناهیده رضائی، رعنا نجاری نابی
- ۱۷۴ تحلیل عدالت فضایی در توزیع و دسترسی به کاربری‌های شادی‌آفرین (مطالعه موردی: شهر بابل) میلاد حسنعلی‌زاده، محسن احدنژاد روستی، ابوالفضل مشکینی
- ۱۸۸ شناسایی مولفه‌های تأثیرگذار بر برندسازی گردشگری شهری (مطالعه موردی: شهر کرمانشاه) پریسانظری
- ۲۰۲ آسیب‌شناسی امنیت پایدار در محله ایده‌لو تبریز پیمان آقایی، حسن ستاری ساربانقلی، محمدرضا پاکدل فرد
- ۲۲۴ تحلیلی بر عوامل تأثیرگذار در بازآفرینی فرهنگ مینا در پهنه جنوبی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر تبریز بهرنگ مکاری، علی آذر، میرسعید موسوی





اقتصاد و برنامه‌ریزی شهری

فصلنامه



اعضای هیات تحریریه

دکتر بهناز امین زاده گوهرریزی

استاد، گروه شهرسازی، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

دکتر پروین پرتوی

استاد، گروه برنامه‌ریزی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، تهران، ایران

دکتر حسین پناهی

استاد، گروه توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

دکتر محمد تقی پیربابایی

استاد، دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران

دکتر علی خاکساری رفسنجانی

استاد، گروه برنامه‌ریزی اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

دکتر رضا خیرالدین

دانشیار، گروه شهرسازی، دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران

دکتر هاشم داداش پور

استاد گروه شهرسازی، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

دکتر رضا رنجپور

دانشیار، گروه توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

دکتر سید سعید زاهد زاهدانی

دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

دکتر علی اصغر عنایتانی

استاد، جغرافیای انسانی و آمایش، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

دکتر حسین کلانتری خلیل آباد

استاد، گروه برنامه‌ریزی شهری، پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری، جهاد دانشگاهی، تهران، ایران

دکتر محمد منان رئیسی

دانشیار، گروه معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه قم، قم، ایران

مدیر مسئول

دکتر عطاءالله رفیعی آتانی

رئیس مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران

ایمیل: rafeiatani@iust.ac.ir

سر دبیر

دکتر هاشم داداش پور

استاد گروه شهرسازی، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت

مدرس، تهران، ایران

ایمیل: h-dadashpoor@modares.ac.ir

مدیر اجرایی

مهندس زهرا روحی دهکردی

پژوهشگر دکتری گروه شهرسازی، دانشکده‌گان هنرهای

زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

ایمیل: zhr.rouhi@ut.ac.ir

ویراستار انگلیسی

دکتر لیلا قاسم پور

دکتری شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه

تربیت مدرس، تهران، ایران

طراح جلد و صفحه‌آرا

مهندس مرضیه نظرزاده

اطلاعات تماس نشریه

آدرس: تهران، خیابان استادحسن بنا شمالی، بالاتر از

تقاطع اتوبان همت و امام علی، کوچه شقایق، مرکز

نواوری و پارک فناوری شهر تهران

کد پستی: ۱۶۷۳۹۶۵۵۱۱

تلفن: ۰۲۱۹۶۰۱۵۴۲۴ و ۰۹۰۲۲۴۵۸۴۵۷

فکس: ۰۲۱۹۶۰۹۰۶۴۱

ایمیل: info@juep.net

وبسایت: JUEP.net

چاپخانه:

نشر شهر



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- ۱ تبیین اثرگذاری هوش مصنوعی بر بهبود کیفیت زندگی شهروندان با رویکرد آینده‌پژوهی (مورد مطالعه: کلان شهر مشهد) ۸
علی اکبر عنابستانی، جمیله توکلی نیا، نسیم نیکنامی
- ۲ واکاوی مفهوم انقباض شهری و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن (نمونه موردی: شهر اراکواز استان ایلام)..... ۲۴
زینب عادل، آذین پیراسته
- ۳ تبیین پدیده رانت‌زایی در شهرسازی و ارائه الگوی جایگزین ۴۲
مازیار نبی‌زاده ذوالپیرانی، محمدتقی پیربابایی، یاسر شهبازی
- ۴ ارائه الگوی مفهومی جهت مدیریت عملکرد در شهرداری با استفاده از رویکرد تحلیل محتوا و دلفی فازی (مورد مطالعه: شهرداری بندرعباس) ۵۸
حمیده افشار، محمدتقی امینی، محمد مهدی پرهیزگار، محمد خیری
- ۵ الگوهای تعیین دستور کار در شوراهای شهر، نقش مجریان و سیاست‌گذاران ۷۶
سید حامد رستگار
- ۶ تبیین وضعیت و عوامل اثرگذار بر کیفیت زندگی در بافت تاریخی و سطح شهر قزوین ۹۲
آرمین اسلامی، محمد صالح شکوهی بیدهندی
- ۷ بررسی وضعیت دسترس‌پذیری و پراکنش فضایی خدمات شهری با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) در محلات شهری اردبیل (نمونه موردی: واحدهای لباسشویی و خشکشویی) ۱۰۸
نوید غفاری چندانق، عطا غفاری گیلانده، وحید صفریان زنگیر
- ۸ طراحی مدل دینامیکی تأثیر زیرساخت و فناوری بر جریان ترافیک کلان شهر تهران ۱۲۲
سید جعفر تشکری هاشمی، عباس طلوعی اتسلی، شهریار افندی‌زاده
- ۹ بررسی و ارزیابی وضعیت زیست‌پذیری محلات بافت فرسوده شهر بهبهان با رویکرد آینده‌پژوهی ۱۴۰
سعید امانپور، اقبال نصیری برم‌الوان
- ۱۰ مروری بر تجربیات بین‌المللی ساماندهی دست‌فروشان با تأکید بر نقش دست‌فروشی در منظر شهری ۱۵۶
ناهیده رضائی، رعنا نجاری نابی
- ۱۱ تحلیل عدالت فضایی در توزیع و دسترسی به کاربری‌های شادی‌آفرین (مطالعه موردی: شهر بابل) ۱۷۴
میلاذ حسنعلی‌زاده، محسن احدنژادروستی، ابوالفضل مشکینی
- ۱۲ شناسایی مولفه‌های تأثیرگذار بر برندسازی گردشگری شهری (مطالعه موردی: شهر کرمانشاه) ۱۸۸
پریسانظری
- ۱۳ آسیب‌شناسی امنیت پایدار در محله ایده‌لو تبریز ۲۰۲
پیمان آقایی، حسن ستاری ساربانقلی، محمدرضا پاکدل فرد
- ۱۴ تحلیلی بر عوامل تأثیرگذار در بازآفرینی فرهنگ مینا در پهنه جنوبی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر تبریز ۲۲۴
بهزنگ مکاری، علی آذر، میرسعید موسوی

CONTENTS

Vol 5(1), Spring 2024

- 1 The Role of Artificial Intelligence in Improving Citizens' Quality of Life with a Future Study Approach (Case Study: Mashhad Metropolis) 7
Aliakbar Anabestani, Jamileh Tavakolinia, Nasim Niknami
- 2 Analyzing the Concept of Urban Shrinkage and the Factors Affecting its Formation (Case Study: Arkauz City, Ilam Province) 23
Zainab Adeli, Azin Pirasteh
- 3 Explaining the Phenomenon of Rent Generation in Urban Planning and Presenting an Alternative Model 41
Mazyar Nabizadeh Zolpirani, Mohammad Taghi Pirbabaei, Yaser Shahbazi
- 4 Presenting a Conceptual Model of Performance Management in Municipalities Using Content Analysis and Fuzzy Delphi Approach (Study Case: Bandar Abbas Municipality) 57
Hamideh Afshar, Mohammad Taghi Amini, Mohamad Mehdi Parhizgar, Mohammad Kheiri
- 5 Agenda Setting Models in City Councils, the Role of Policy Makers and Executives 75
Seyed Hamed Rastegar
- 6 Explanation of the Situation and Factors Affecting the Quality of Life in the Historical Context and Surface of Qazvin City 91
Armin Eslami, Mohammad Saleh Shokouhi Bidhendi
- 7 Investigating the Accessibility and Spatial Distribution of Urban Services Using Geographic Information System (GIS) in Ardabil Urban Neighborhoods (Case Example: Laundry and Dry-Cleaning Units) 107
Navid Ghaffari Chanzanaq, Ata Ghaffari Gilandeh, Vahid Safarian Zengir
- 8 Designing a Dynamic Model of the Impact of Infrastructure and Technology on the Traffic Flow of Tehran Metropolis 121
Seyyed Jafar Takshari Hashemi, Abbas Toloui Ashlaghi, Shahriar Effendizadeh
- 9 Investigating and Evaluating the Livability Status of Worn-Out Neighborhoods in Behbahan City with a Future Research Approach 139
Saeed Amanpour, Eghbal Nasiri Barm Elvan
- 10 A Review on the International Experiences of Organizing Peddlers with an Emphasis on the Role of Peddlers in the Urban Landscape 155
Nahideh Rezaei, Rana Najjari Nabi
- 11 Spatial Justice Analysis in the Distribution and Access to joy-generating Land Uses (Case Study: Babol City) 173
Milad Hasanalizadeh, Mohsen Ahadnejad Reveshty, Abolfazl Meshkini
- 12 Identifying the Influential Components on Urban Tourism Branding (Case Study: Kermanshah City) 187
Parisa Nazari
- 13 Pathology of Sustainable Security in Tabriz's Ideloo Neighborhood 201
Peyman Aghaei, Hassan Sattari Sarbanghooli, Mohammadreza Pakdel Fard
- 14 An Analysis of the Influencing Factors in Culture-Led Regeneration in the Southern Part of the Informal Settlements of Tabriz City 223
Behrang Mokari, Ali Azar, MirSaeed Moosavi

University of Mashhad branch, non-profit higher education institutions located in Mashhad, and other urban domain specialists. To identify the key factors, structured interviews with some of the urban planning and information technology experts were conducted using the Delphi method. Subsequently, after consolidating the factors obtained from the interviews and reviewed documents in the research background, the validity and reliability of the variables were confirmed by experts, and ultimately, the factors were evaluated in the form of a future-oriented questionnaire.

Findings

By utilizing field and library studies, the most influential factors affecting the role of artificial intelligence in citizens' quality of life were identified. Subsequently, using a quantitative future-oriented approach and the Mircmac software, the significance and impact of the identified factors were measured. The research findings indicate that among the 24 influential factors in improving citizens' quality of life with the use of artificial intelligence, after extracting the influential key factors (direct and indirect), six key drivers: governmental policy making in the field of information technology and artificial intelligence, coordination and collaboration between governmental, non-governmental, and urban management sectors towards the optimal utilization of AI technology, management of smart energy networks' development (for example, electricity) in cities through the use of artificial intelligence, organizing the state of international communications and limitations as a prerequisite for artificial intelligence, cost-effectiveness and affordability of utilizing artificial intelligence for citizens, and the role of artificial intelligence in promoting good urban governance have had the most significant impact on improving citizens' quality of life with the use of artificial intelligence in the city of Mashhad.

Conclusion

In summary, it can be stated that governmental policymaking and urban management can promote technological development by supporting

and providing financial incentives to technology companies. Implementing appropriate policies can help in improving urban services, optimizing resources, reducing costs, and enhancing efficiency, ultimately contributing to the realization of smart cities. Transparency can further bolster citizens' trust in the government and urban administrators. This sector, while safeguarding citizens' rights, can also be effective in achieving sustainable development goals. Additionally, coordination and collaboration among governmental, non-governmental, and urban management sectors in utilizing artificial intelligence can have significant positive effects on the efficacy and efficiency of this technology in cities, enabling data sharing, innovative solutions, and more. Organizing the state of international communications can facilitate the exchange of experiences and knowledge, standards and laws development, data and resource exchange, and international collaboration. The cost-effectiveness and affordability of artificial intelligence facilities in cities and organizations can lead to increased technology access, cost reduction, improved efficiency, and accelerated innovation processes, thereby fostering a competitive technological environment. This can contribute to the development of advanced technologies, increase competitive capabilities, and attract investment. Artificial intelligence can play a crucial role in good urban governance, influencing smart decision-making in a large city, and facilitating automatic and precise activities such as traffic management, waste management, pollution control, and urban security monitoring. Moreover, in terms of citizen communications, it can enable citizens to easily communicate with urban organizations, express complaints, suggestions, and improve urban services. In the realm of governance, artificial intelligence's role in monitoring and preventing crises, prediction, and appropriate planning for dealing with them can be effective.

COPYRIGHTS

©2022 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.



HOW TO CITE THIS ARTICLE

Anabestani A. Tavakolinia J. Niknami N. The Role of Artificial Intelligence in Improving Citizens' Quality of Life with a Future Study Approach (Case Study: Mashhad Metropolis). Urban Economics and Planning Vol 5(1):6-21. [In Persian]

DOI: 10.22034/UEP.2024.442663.1461



The Role of Artificial Intelligence in Improving Citizens' Quality of Life with a Future Study Approach (Case Study: Mashhad Metropolis)

Original Article

Aliakbar Anabestani^{1*}, Jamileh Tavakolinia², Nasim Niknami³

1- Professor, Department of Human Geography and Spatial Planning, Faculty of Earth Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

2- Associate Professor, Department of Human Geography and Spatial Planning, Faculty of Earth Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

3- MSc in Geography and urban planning, Faculty of Earth Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

ARTICLE INFO

Article History

Received: 2024-02-10

Revised: 2024-03-06

Accepted: 2024-04-30

Keywords

Artificial Intelligence

Future Studies

Mashhad Metropolis

Quality of Life

ABSTRACT

Introduction

Artificial Intelligence (AI) permeates all aspects of human life, paving the way for numerous innovations and undoubtedly impacting individuals' quality of life. Recently, people have increasingly been influenced by AI in their roles as citizens, as governments worldwide are increasingly relying on AI-based technologies. This technology, known by some as the Fourth Industrial Revolution (IR 4.0), will change how tasks are performed and our interactions with others and alter what we know about ourselves. With the continuous advancement of this technology, various facilities and services are being offered in cities, significantly impacting the quality of life for citizens. This technology can contribute to creating smart cities, improving urban security, optimizing public transportation, managing waste, enhancing healthcare services, reducing traffic and air pollution, improving urban communications, and many other aspects, ultimately aiding citizens in leading easier and better lives in their cities. Mashhad, as the second most extensive and populous city in Iran, is increasingly taking steps toward the use of AI technology. This necessitates further studies and necessary infrastructure concerning this subject to better utilize the technology. In this regard, the present research aims to move forward by identifying the key influential factors and drivers for improving the quality of life using AI in the future of the Mashhad metropolis. Therefore, the research question is: What are the key influential factors driving the role of AI in improving the quality of life for citizens in the Mashhad metropolis in the future? (by 2033).

Materials and Methods

The upcoming research method is a mixed method. In terms of purpose, it is an applicable study. Also, in terms of methodology, this study encompasses descriptive-analytical techniques and a future-oriented framework. In this regard, the most influential factors affecting the role of artificial intelligence in improving the quality of life for citizens in the city of Mashhad have been evaluated. Data collection for the research was conducted through documentary methods (library resources and scientific journals) and fieldwork (utilizing questionnaire tools). The research population in this study includes 25 experts, specialists, and urban opinion leaders, including city managers (mayors of districts, deputies, officials of organizations, and urban area managers), members of the City Islamic Council, urban planning experts, and the officials of the Khorasan Razavi Road and Urban Development Department, particularly professors from Ferdowsi University of Mashhad, Islamic Azad

* Corresponding author: a_anabestani@sbu.ac.ir

تبیین اثر گذاری هوش مصنوعی بر بهبود کیفیت زندگی شهروندان با رویکرد آینده‌پژوهی (مورد مطالعه: کلان شهر مشهد)

مقاله پژوهشی

علی اکبر عنابستانی^{۱*}؛ جمیله توکلی‌نیا^۲؛ نسیم نیکنامی^۳

۱- استاد گروه جغرافیای انسانی و آمایش، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۲- دانشیار گروه جغرافیای انسانی و آمایش، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۳- کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

مقدمه

هوش مصنوعی (AI) با نفوذ در تمام جنبه‌های زندگی بشر، راه را برای بسیاری از نوآوری‌ها هموار می‌کند و بر کیفیت زندگی افراد تأثیر می‌گذارد. اخیراً، مردم نیز در نقش شهروندی خود به طور فزاینده‌ای تحت تأثیر هوش مصنوعی قرار می‌گیرند. در جهان کنونی دولت‌ها هم بیشتر و بیشتر بر فناوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی تأکید می‌ورزند، این فناوری که به عنوان انقلاب صنعتی ۴.۰ شناخته می‌شود، نه تنها نحوه انجام کارها و چگونگی ارتباط ما با دیگران، بلکه آنچه را که در مورد خود می‌دانیم نیز تغییر خواهد داد. با پیشرفت روزافزون این فناوری، امکانات و خدمات مختلفی در شهرها ارائه می‌شود که تأثیر چشمگیری در کیفیت زندگی شهروندان دارد. این فناوری می‌تواند در ایجاد شهرهای هوشمند، بهبود امنیت شهری، حمل‌ونقل عمومی بهینه، مدیریت پسماندها، بهبود خدمات بهداشتی و درمانی، کاهش ترافیک و آلودگی هوا، بهبود ارتباطات شهری و بسیاری از جوانب دیگر کمک کند و در نهایت کمک کند تا شهروندان زندگی راحت‌تر و بهتری در شهر خود داشته باشند. شهر مشهد در جایگاه دومین شهر پر وسعت و پر جمعیت ایران روزبه‌روز در راستای استفاده از تکنولوژی هوش مصنوعی گام برداشته است، ولی به مطالعات بیشتر و ایجاد بسترهای مناسب برای بهره‌گیری بهتر و بیشتر از این فناوری نیازمند است. در این راستا، پژوهش حاضر بر آن است تا با شناسایی عوامل و پیشران‌های کلیدی مؤثر بر بهبود کیفیت زندگی با بهره‌گیری از هوش مصنوعی در کلان‌شهر مشهد در آینده حرکت کند. بنابراین سؤال پژوهش پیش رو عبارت است از: محرک‌های کلیدی اثرگذار بر نقش هوش مصنوعی در بهبود کیفیت زندگی شهروندان در کلان‌شهر مشهد در آینده (افق ۱۴۱۲) کدام است؟

مواد و روش‌ها

روش پژوهش پیش رو از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش انجام کار، آمیخته‌ای از توصیفی-تحلیلی و در ساختار با رویکرد آینده‌پژوهی انجام گرفته و به این منظور، مهم‌ترین عوامل مؤثر بر نقش هوش مصنوعی در بهبود کیفیت زندگی شهروندان در شهر مشهد مورد ارزیابی قرار گرفته است. جمع‌آوری اطلاعات پژوهش به شیوه اسنادی (منابع کتابخانه‌ای و مجلات علمی) و میدانی (با استفاده از ابزار پرسشنامه) انجام شده است. جامعه آماری در پژوهش حاضر شامل ۲۵ نفر از کارشناسان، خبرگان و صاحب‌نظران شهری شامل مدیران شهری (شهرداران مناطق، معاونان، مسئولان سازمان‌ها و مدیران حوزه‌های شهری)، اعضای شورای اسلامی شهر، کارشناسان عمرانی و اداره کل راه و شهرسازی خراسان رضوی و به طور ویژه اساتید دانشگاه‌های فردوسی مشهد، آزاد اسلامی واحد مشهد، مؤسسه‌های آموزش عالی و غیرانتفاعی واقع در مشهد و سایر متخصصان حوزه شهری بوده‌اند. ابتدا برای شناسایی

اطلاعات مقاله

تاریخ‌های مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۲/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۱

کلمات کلیدی

آینده‌پژوهی
کلان‌شهر مشهد
کیفیت زندگی
هوش مصنوعی

مالی به شرکت‌های فناور موجب توسعه فناوری شود و با اجرای سیاست‌گذاری‌های درست جهت بهبود خدمات شهری، بهینه‌سازی منابع، کاهش هزینه‌ها و افزایش کارایی به تحقق شهر هوشمند کمک کند و با شفافیت لازم سبب افزایش اعتماد شهروندان به دولت و مدیران شهری شود. این بخش ضمن حفظ حقوق شهروندان در راستای تحقق اهداف توسعه پایدار نیز مؤثر واقع خواهد شد. در ادامه هماهنگی و همکاری بین بخش‌های دولتی، غیردولتی و مدیریت شهری در استفاده از هوش مصنوعی می‌تواند تأثیرات مثبت زیادی بر بهره‌وری و اثربخشی این فناوری در شهرها در راستای اشتراک داده‌ها، توسعه راه‌حل‌های نوآورانه و ... داشته باشد. همچنین ساماندهی وضعیت ارتباطات فراملی در سطح بین‌المللی به اشتراک تجربیات و دانش، توسعه استانداردها و قوانین، تبادل داده‌ها و منابع و تحقق همکاری بین‌المللی کمک می‌کند. از تأثیر به‌صرفه بودن و کم‌هزینه بودن امکانات هوش مصنوعی در شهرها و سازمان‌ها می‌توان به افزایش دسترسی به فناوری ضمن کاهش هزینه‌ها و بهبود کارایی و تسریع فرایند نوآوری به عبارتی توسعه راه‌حل‌های نوآورانه و ایجاد فضای رقابتی در حوزه فناوری اشاره کرد. این امر می‌تواند به توسعه فناوری‌های پیشرفته، افزایش توانایی رقابتی و جذب سرمایه‌گذاری منجر شود. هوش مصنوعی می‌تواند نقش مهمی در توسعه حکمروایی خوب شهری ایفا کند. این امر با تأثیر در تصمیم‌گیری هوشمند در یک شهر بزرگ و یا با پایش و کنترل از جمله ترافیک، مدیریت پسماندها، کنترل آلودگی هوا و آب، و پایش امنیت شهری، این فعالیت‌ها را به صورت خودکار و دقیق‌تر انجام می‌دهد. در ضمن، در زمینه ارتباطات شهروندان که می‌توانند به راحتی با سازمان‌های شهری ارتباط برقرار کرده، شکایت‌ها و پیشنهادهای خود را اعلام کنند و خدمات شهری را بهبود بخشند نیز نقش‌آفرین است. هوش مصنوعی در مقوله حکمروایی با پایش و پیشگیری از بحران در پیش‌بینی و برنامه‌ریزی مناسب برای مقابله با آن‌ها نیز مؤثر واقع خواهد شد.

عوامل کلیدی، مصاحبه‌های ساختاریافته با صاحب‌نظران حوزه‌های برنامه‌ریزی شهری و فناوری اطلاعات با استفاده از روش دلفی انجام گرفته، در ادامه با تجمیع عوامل حاصل از مصاحبه و اسناد مطالعه‌شده در پیشینه پژوهش روایی و پایایی متغیرها توسط متخصصان تأیید شده و در نهایت عوامل در قالب پرسشنامه آینده‌پژوهی مورد ارزیابی قرار داده شد.

یافته‌ها

با بهره‌گیری از مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای، مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر نقش هوش مصنوعی در کیفیت زندگی شهروندان شناسایی شد، و در ادامه با استفاده از روش کمی آینده‌پژوهی و نرم‌افزار Micmac میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری عوامل شناسایی شده سنجیده شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد از بین عوامل ۲۴ گانه اثرگذار بر بهبود کیفیت زندگی شهروندان با بهره‌گیری از هوش مصنوعی پس از استخراج عوامل کلیدی تأثیرگذار (مستقیم و غیرمستقیم)، ۶ پیشران کلیدی سیاست‌گذاری‌های بخش دولتی و مدیریت شهری در بخش فناوری اطلاعات و هوش مصنوعی، هماهنگی و همکاری بین بخش‌های دولتی، غیردولتی و مدیریت شهری در راستای بهره‌گیری بهینه از فناوری هوش مصنوعی، مدیریت توسعه شبکه‌های هوشمند انرژی (مانند برق و ...) در شهرها با کاربرد هوش مصنوعی، ساماندهی وضعیت ارتباطات فراملی و محدودیت‌های موجود در سطح بین‌المللی به عنوان پیش‌نیاز هوش مصنوعی، به‌صرفه بودن و نداشتن هزینه بالای بهره‌مندی از هوش مصنوعی برای شهروندان، نقش هوش مصنوعی در راستای توسعه حکمرانی خوب شهری دارای بیشترین اثرگذاری بر بهبود کیفیت زندگی شهروندان با استفاده از هوش مصنوعی در شهر مشهد بوده‌اند.

نتیجه‌گیری

در یک جمع‌بندی از نتایج پژوهش می‌توان بیان کرد سیاست‌گذاری‌های بخش دولتی و مدیریت شهری می‌تواند با حمایت‌ها و اعطای تسهیلات

مقدمه

جمعیت جهان در قرن گذشته به سرعت شهرنشین شده است و پیش‌بینی می‌شود نرخ شهرنشینی تا سال ۲۰۵۰ به حدود ۷۰ درصد برسد. در راستای این روندها و شناخت روزافزون اهمیت شهرها در مقابله با چالش‌های محلی و جهانی، تحقیقات زیادی انجام شده است [۱]. توجه به بهره‌گیری از هوش مصنوعی یک روند بین‌المللی از سیاست‌های شهری با هدف بهبود کیفیت زندگی شهروندان ساکن در مناطق شهری با استفاده از فناوری‌های مدرن و استقرار فناوری‌ها برای رسیدگی به مسائل ایجادشده توسط جمعیت بسیار زیاد است [۲]. مفهوم اولیه هوش مصنوعی برای برنامه‌ریزی محیط‌های شهری شامل برنامه‌ریزی منابع بهینه، کاهش هزینه‌ها با استفاده از منابع کمتر (زمین، جاده‌ها و غیره) و بهینه‌سازی ساختار همه فضاها و زیرساخت‌ها است. هوش مصنوعی که در شهر اعمال می‌شود، به طور قابل توجهی مسائل پایداری و کارایی را که شامل مشکلات آلودگی و مصرف انرژی است بهبود می‌بخشد [۳]. مفهوم هوش مصنوعی به دنبال پرداختن به مسائل شهرنشینی، به‌ویژه مصرف زمین، آلودگی محیط زیست، مشارکت اجتماعی، نیازهای انرژی و ازدحام حمل‌ونقل است [۴]. در حقیقت ظهور شهرهای هوشمند فقط یک هدف دارد: بالا بردن استانداردهای زندگی مردم با گنجاندن فناوری در زندگی روزمره آن‌ها [۵]. به بیانی، نوآوری‌های فناوری و دیجیتال و هوش مصنوعی برای توسعه بهبود در مدیریت عمومی، تحرک، محیط زیست، اقتصاد و کیفیت زندگی در شهرها بسیار مهم هستند. آنچه برای دستیابی به انتقال از یک شهر معمولی به یک شهر هوشمند ضروری است، توجه به تغییر روند از سیستم‌های کاربردی به سیستم‌های پایدارتر و هوشمندتر است که این تغییرات با درگیر کردن شهروندان و افراد علاقه‌مند (دانشگاه‌ها، شرکت‌ها و مراکز تحقیق و توسعه و غیره) به دست می‌آیند. در این راستا باید از مجموعه‌های کامل از استراتژی‌ها و ابزارهای فناوری استفاده کنیم تا زمینه را برای تصمیم‌گیری باز کنیم که ارزش درک‌شده شهرها را افزایش می‌دهد. بنابراین، تجزیه و تحلیل و به‌کارگیری حوزه هوش مصنوعی برای دستیابی به تغییرات مخرب در تمام مناطق محیط شهری کلیدی است [۶]. از سویی محیط برنامه‌ریزی شهری به طور فزاینده‌ای به فناوری‌های تخصصی روی می‌آورد تا به کاربردهای مرتبط با پایداری، جامعه، امنیت، حمل‌ونقل، زیرساخت‌ها و حاکمیت رسیدگی کند. در واقع اصطلاح هوش مصنوعی شهری به هوش مصنوعی گفته می‌شود که در فضاها و زیرساخت‌های شهری تجسم یافته است. این فناوری‌ها شهرها را به نهادهای مستقلی تبدیل می‌کنند که به شیوه‌ای بدون نظارت عمل می‌کنند و افزایش داده‌ها امکانات جدیدی را برای طراحی، مدیریت و اقتصاد به ارمغان می‌آورد [۷]. پردازش داده‌های مبتنی بر هوش مصنوعی می‌تواند از طریق ایجاد محیطی پاک، سالم و مساعد برای زندگی و کار مردم، غلبه بر چالش‌های شهری ناشی از آلودگی و ازدحام، به ارائه پیش‌بینی بهتری از زیست‌پذیری کمک کند [۸]. در حال حاضر فناوری‌هایی که از هوش مصنوعی استفاده می‌کنند در بسیاری از شهرهای جهان مانند آمستردام، لندن، سانفرانسیسکو، استکهلم، سنگاپور، هنگ‌کنگ، وین و تورنتو برای بهینه‌سازی عملکرد شهری و کارایی خدمات استفاده می‌شوند [۹]. طی سال‌های اخیر شاهد پیشرفت مطلوب فناوری هوش مصنوعی در ایران بوده‌ایم. از این فناوری در صنایع و مشاغل مختلف به‌ویژه سیستم‌های امنیتی تشخیص چهره و اثر انگشت، طراحی سلاح‌های هوشمند و... استفاده می‌شود. بسیاری از امور روزمره به صورت مستقیم یا غیرمستقیم با هوش مصنوعی پیوند خورده است و هر روزه بر اهمیت آن افزوده می‌شود. کشور ایران در عصر کنونی به شکل گسترده‌ای از هوش مصنوعی در حوزه‌های مختلف پزشکی، صنعتی، تحقیقات، اقتصاد و... استفاده می‌کند. به همت متخصصان کشورمان، پیش‌بینی می‌شود تا ۱۰ سال آینده بتوانیم در صدر جدول کشورهای مجهز به پیشرفته‌ترین فناوری‌های هوش مصنوعی، قرار بگیریم. به نقل از رئیس مرکز نوآوری و توسعه هوش مصنوعی، هم‌اکنون ایران در میان ۱۰۰ کشور برتر مجهز به هوش مصنوعی در جایگاه هفتاد و

پنجم قرار دارد [۱۰]. در این خصوص در کلان‌شهرهای ایران از جمله مشهد تغییرات آب‌وهوایی، جمعیت بیش از حد و هدر دادن منابع در حال حاضر مشکلاتی ایجاد می‌کند که برای کاهش اثرات خود نیاز به تغییر در روند دارند. در این راستا آگاه ساختن جامعه از حقایق و آموزش شهروندان در مورد مزایایی که فناوری‌های جدید می‌توانند برای توسعه شهری کارآمد فراهم کنند امری ضروری است. تا با شناسایی و گسترش این فناوری‌ها در جهت افزایش کیفیت زندگی شهروندان اقدام کنیم. از این‌رو، پژوهش حاضر بر آن است تا بتواند با شناسایی عوامل و پیشران‌های کلیدی مؤثر بر بهبود کیفیت زندگی شهروندان با استفاده از هوش مصنوعی در آینده کام بردارد. بنابراین سؤال پژوهش حاضر عبارت است از: محرک‌های کلیدی اثرگذار بر بهبود کیفیت زندگی شهروندان با استفاده از هوش مصنوعی در کلان‌شهر مشهد در آینده (افق ۱۴۱۲) کدام است؟

پیشینه تحقیق

با پیشرفت جوامع و ارتقای سطح معیشت، نیاز بشر به ابزارهایی کارآمد در تعاملات اجتماعی و صنعت مشهود است. در این راستا تکنولوژی و صنعت در راستای تأمین رفاه زندگی انسان با سرعت چشمگیری به تولید محصولاتی تحت عنوان هوش مصنوعی اقدام کرده‌اند [۱۲]. امروزه، انقلاب صنعتی ۴.۰ (IR4: Industrial Revolutions) مستلزم پذیرش واقعیت پیشرفت در فناوری کامپیوتر است. فناوری سیستم‌های کامپیوتری معاصر در بسیاری از سیستم‌های فناوری فیزیکی و سیستم‌های زندگی انسان نفوذ کرده است. این همان چیزی است که به عنوان هوش مصنوعی (Artificial Intelligence) شناخته می‌شود. ویژگی‌های هوش مصنوعی ارتباط نزدیکی با یک سیستم کامپیوتری دارد که برای به حداکثر رساندن رفتار و نقش‌های انسان برنامه‌ریزی شده است [۱۱ و ۱۲]. فواید و افسوس زندگی در قرن بیست و یکم بسیار زیاد است. چندین ستون فناوریانه در ساخت شهرهای هوشمند پایدار دخیل هستند. از جمله هوش مصنوعی (AI) و اینترنت اشیا (Internet of things) که فرصت‌های جدیدی را برای همکاری در زمینه‌هایی مانند حمل‌ونقل، مراقبت‌های بهداشتی، صنعت و ایجاد زیرساخت‌های دیجیتال ارائه می‌دهد. با تجسم این موضوع، هیچ‌کس در ازدحام ترافیک، هنگام رفتن به دفتر یا برای خرید، گرفتار نمی‌شوند. هر روز، پزشک شما جزئیات کاملی در مورد خواب روزانه، ضربان قلب، ضربان نبض، قدم‌های روزانه، کالری‌های سوزانده‌شده، دریافت کالری و غیره دریافت می‌کند... با رسیدن به خانه، دمای اتاقی را که می‌خواهید کولر/ترموستات خود را روشن کنید، مناسب کنید. هوش مصنوعی و اینترنت اشیا (IoT) دو فناوری هستند که پتانسیل تبدیل شهرها به شهرهای هوشمند پایدار را دارند. این دو فرصت‌های جدیدی را برای همکاری در زمینه‌های حمل‌ونقل، مراقبت‌های بهداشتی، صنعت و توسعه زیرساخت‌های دیجیتال پیشنهاد می‌کنند [۵]. هوش مصنوعی (AI) رشته‌ای است که به سرعت در حال توسعه علوم کامپیوتر بوده و از رایانه‌ها برای شبیه‌سازی یادگیری، حافظه، تجزیه و تحلیل و حتی نوآوری انسان استفاده می‌کند که معمولاً به هوش انسانی نیاز دارد. ایده هوش مصنوعی برای مدت طولانی وجود داشته است. آلن تورینگ برای اولین بار هوش مصنوعی را در مقاله خود در سال ۱۹۵۰ با عنوان «ماشین‌های محاسباتی و هوش» مفهوم‌سازی کرد که در آن ایده‌های یادگیری ماشین، الگوریتم‌های ژنتیک، یادگیری تقویتی و آزمون تورینگ را معرفی کرد [۱۳]. به بیانی، هوش مصنوعی علم ساخت ماشین‌های هوشمندی است که وظایف را به همان خوبی، یا بهتر و سریع‌تر از انسان انجام می‌دهند [۱۴]. به بیانی دیگر، هوش مصنوعی (AI) یک فناوری قدرتمند با محبوبیت و کاربردهای روزافزون در حوزه‌های مختلف از بازاریابی گرفته تا بانکداری و مالی، از کشاورزی تا مراقبت‌های بهداشتی و امنیت، از اکتشاف فضا تا رباتیک و حمل‌ونقل، و از چت‌بات‌ها تا خلاقیت و تولید مصنوعی است [۱۵]. درخور یادآوری است چهار جزء اصلی هوش مصنوعی عبارت‌اند از:

زمینه کاری خود به تعریف و ارائه شاخص برای سنجش کیفیت زندگی پردازد؛ این گونه که برخی نگرش‌ها به مجموعه‌ای از عوامل از قبیل سلامت، محیط کالبدی، منابع طبیعی، توسعه شخصی و ایمنی اشاره می‌کند. برخی محققان بعد اقتصادی را به عنوان یکی از ستون‌های کیفیت زندگی بیان می‌کنند، همچنین برخی به عنوان مفهومی عمدتاً ذهنی، و برخی دیگر به عنوان رضایتمندی از زندگی و عده‌ای آن را به عنوان درجه‌ای که شخص از امکانات زندگی‌اش لذت می‌برد تعریف می‌کنند [۳۶]. در این راستا هوش مصنوعی یک فناوری همه‌منظوره است که می‌تواند برای افزایش کارایی، ایمنی و کیفیت فرایندهای تولید تقریباً در هر صنعتی مورد استفاده قرار گیرد. هوش مصنوعی در حال حاضر برای حل مشکلات چالش برانگیز در سلامت، رفاه، ایمنی، محیط زیست، انرژی، زیرساخت‌ها، حمل‌ونقل، آموزش و سایر بخش‌ها استفاده می‌شود که همگی این موارد عوامل تأثیرگذار در کیفیت زندگی را شامل می‌شوند [۳۷]. به بیانی، رابطه هوش مصنوعی با کیفیت زندگی شهری به دلیل توانایی‌های این فناوری در بهبود عملکرد و خدمات شهری بسیار مهم است تا شهرها به کمک این فناوری بتوانند بهبودهایی در زمینه مدیریت ترافیک، مدیریت پسماندها، امنیت شهری، خدمات شهری هوشمند، بهبود مدیریت منابع آب و انرژی داشته باشند و در محیط زیست پایدارتر و پویاتر زندگی کنند [۳۸].

در این میان، پژوهش‌هایی که نزدیکی بیشتری با موضوع پژوهش دارند عبارت‌اند از: کمال جین [۲۰] در پژوهشی با هدف مروری بر چگونگی استفاده از روش‌های مصنوعی برای فرایندهای برنامه‌ریزی پویای شهری. برای این کار، کاربرد تکنیک‌های هوش مصنوعی در دینامیک زمین شهری بررسی شده است. پژوهش یادشده به این موضوع می‌پردازد که چگونه اتوماتای سلولی، منطق فازی، شبکه‌های عصبی برای برنامه‌ریزی شهری به دلیل پیش‌بینی‌ناپذیری، ناپایداری، محاسبه‌ناپذیری، کاهش ناپذیری و ظهوری که در فرایند تکامل شهری وجود دارد، استفاده شده‌اند. بر اساس نتایج پژوهش یادشده نویسنده رویکردهای مبتنی بر هوش مصنوعی راه‌حل‌های ممکن را برای پویایی شهری ارائه می‌دهد. ناواراتنا [۲۱] در پژوهشی با عنوان «هوش مصنوعی در تحلیل شهر هوشمند»، برخی فناوری‌ها و راه‌حل‌های اصلی را برای مشکلات مختلفی که شهروندان به دلیل عدم دیجیتال سازی با آن مواجه هستند، برجسته می‌کند. ناواراتنا مسائل مربوط به زیرساخت‌های شهر، ایمنی عمومی، امنیت را نشان می‌دهد و راه‌حل‌های بهینه‌ای را برای آن ارائه می‌دهد. ودا و رادو [۲۲] پژوهشی با هدف ارائه اینکه چگونه فناوری‌های هوش مصنوعی مانند یادگیری ماشینی پردازش زبان طبیعی و رباتیک می‌توانند برای غلبه بر چالش‌های اصلی شهرهای هوشمند (محدودیت‌های بودجه، رویکرد یکسان، مهارت‌های دیجیتال و اصلاحات برنامه‌ریزی، مشکلات امنیتی و حریم خصوصی) خدمت کنند، انجام داده‌اند. آودگی، تراکم ترافیک، شمول شهروندان، حاکمیت و چارچوب مقرراتی چالش‌های مهمی را نشان می‌دهد که توسعه شهرهای هوشمند با آن مواجه است. پژوهش کوگورولو [۷] در تئوری و عمل، چگونگی تلاقی توسعه هوش مصنوعی با توسعه شهر را بررسی می‌کند. مقاله یادشده به سه مفهوم اشاره می‌کند: اول، این مقاله یک چارچوب نظری برای درک هوش مصنوعی به طور خاص در زمینه‌های شهری ارائه می‌کند. مفهوم هوش مصنوعی شهری را توسعه می‌دهد و جلوه‌های اصلی هوش مصنوعی را در شهرها به تصویر می‌کشد. دوم، این مقاله به یک آزمایش شهری می‌پردازد تا نشان دهد چگونه پیدایش هوش‌های مصنوعی شهری بخشی از یک فرایند طولانی مدت توسعه فناوری و یک برنامه سیاسی-اقتصادی است و سوم، یک دستور کار تحقیقاتی را برای بررسی آنچه که مقاله شهر خودمختار می‌نامیم، پیشنهاد می‌کند. بیگیتکانالار و همکاران [۱۵] پژوهشی با هدف مطالعه ارتقای درک ما از رابطه بین فناوری‌های کلیدی هوش مصنوعی و حوزه‌های کاربردی کلیدی آن‌ها در برنامه‌ریزی و توسعه شهری داشتند. برای این منظور، مطالعه یادشده ادراکات عمومی را در مورد چگونگی درک و استفاده از فناوری‌های هوش مصنوعی و حوزه‌های کاربردی آن در برنامه‌ریزی و توسعه شهری در مطالعه موردی بستر

سیستم خبره. وضعیت تحت بررسی را به عنوان یک متخصص مدیریت می‌کند و عملکرد مورد نظر یا مورد انتظار را ارائه می‌دهد؛ حل مسئله اکتشافی: شامل ارزیابی طیف کوچکی از راه‌حل‌ها است و ممکن است شامل حدس و گمان برای یافتن راه‌حل‌های تقریباً بهینه باشد؛ پردازش زبان طبیعی: ارتباط بین انسان و ماشین را به زبان طبیعی امکان‌پذیر می‌کند؛

بینایی کامپیوتری: توانایی تشخیص اشکال و ویژگی‌ها را به صورت خودکار ایجاد می‌کند [۱۵].

بنا به آنچه گفته شد، هوش مصنوعی بدون شک یک فناوری قدرتمند است و در حال حاضر شروع به تغییر شکل و اختلال در اقتصاد، جامعه، شهرها و سیستم‌های مدیریت شهری ما کرده است امروزه، درک محدودی از فناوری‌های متداول هوش مصنوعی و حوزه‌ها یا مفاهیم کاربردی آن‌ها در زمینه‌های برنامه‌ریزی و توسعه شهری وجود دارد. علاوه بر این، یک شکاف دانش در نحوه درک عموم از فناوری‌های هوش مصنوعی، حوزه‌های کاربردی آن‌ها و سیاست‌ها و عملکردهای مرتبط با هوش مصنوعی در شهرهای ما وجود دارد [۱۶]. همچنین در سال‌های اخیر، برنامه‌های کاربردی هوش مصنوعی نیز آغاز شده‌اند تا به بخشی جدایی‌ناپذیر از شهر تبدیل شوند. هوش مصنوعی سیستم‌های حمل‌ونقل شهرها را به شکل اتومبیل‌های خودران مدیریت می‌کند، ربات‌ها رستوران‌ها و مغازه‌هایی را اداره می‌کنند که در آن جنبه‌های اصلی زندگی شهری در آن‌ها انجام می‌شود و زیرساخت‌های شهری را تعمیر می‌کنند، پلتفرم‌های هوشمند نامرئی، حوزه‌های شهری متعددی را از ترافیک گرفته تا ایمنی، و از جمع‌آوری زباله تا نظارت بر کیفیت هوا، کنترل می‌کنند. ما به این رشته از هوش مصنوعی به عنوان هوش مصنوعی شهری اشاره می‌کنیم که در آن هوش مصنوعی در فضاهای شهری، زیرساخت‌های شهری و فناوری‌های شهری تجسم می‌یابد که با هم شهرها را به موجودیت‌های مستقلی تبدیل می‌کنند که به شیوه‌ای بدون نظارت عمل می‌کنند [۱۷]. بنا به آنچه گفته شد، اشاره به ۸ حوزه در پیشرفت هوش مصنوعی و کاربردهای آن در زندگی شهری حائز اهمیت است: بحث حمل‌ونقل خودمختار به زودی عادی خواهد شد، شهرنشینان خودروهای کمتری دارند و دورتر زندگی می‌کنند. همچنین شاهد حضور ربات‌های خانگی/خدماتی خواهیم بود. از طرفی، مراقبت‌های بهداشتی، دستگاه‌های نظارت شخصی و برنامه‌های تلفن همراه و پرونده الکترونیک سلامت گسترش خواهند یافت. به علاوه در آموزش و پرورش و مدیریت منابع موجود در جوامع شاهد حضور آن خواهیم بود. البته بحث امنیت عمومی و اشتغال و محل کار و تفریحات و سرگرمی نیز تحت تأثیر این امر قرار خواهد گرفت [۱۸]. همچنین از چالش‌های ورود هوش مصنوعی در شهر هوشمند می‌توان به حفظ حریم خصوصی، نابرابری دسترسی، مدیریت داده‌ها، هماهنگی بین بخش‌ها، پذیرش و مشارکت شهروندان، پایداری و مدیریت منابع، مقاومت در برابر خطرات اشاره کرد [۱۹]. با توجه به حوزه‌های اشاره‌شده، ورود هوش مصنوعی و کاربردهای آن در زندگی شهری و ارتقای مفهوم کیفیت زندگی می‌توان اظهار داشت کیفیت زندگی مفهومی پیچیده، چندبعدی و فرارشته‌ای است که از دهه ۱۹۶۰ به طور گسترده توسط رشته‌های مختلف علوم بهداشتی، علوم اقتصادی و علوم اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است و به رفاه عمومی زندگی افراد اشاره دارد که عموماً از طریق مفاهیم بهزیستی عینی و ذهنی ساختار یافته است [۳۳]. کیفیت زندگی مفهومی ناملموس بوده که از دو جزء فیزیکی و روانی تشکیل شده و نمی‌توان آن را به طور مستقیم اندازه‌گیری کرد. جنبه فیزیکی آن شامل مواردی مانند سلامتی، ایمنی و حفاظت است، و جنبه روانی آن شامل استرس، نگرانی، لذت و سایر حالات هیجانی مثبت و منفی است [۳۴]. به بیانی، در بحث‌های مرتبط با کیفیت زندگی تنها زیستن مهم نیست، بلکه کیفیت آن نیز دارای اهمیت است که میزان رضایت فرد از زندگی در ابعاد گوناگون را نشان می‌دهد. این ابعاد می‌تواند زمینه‌های تغذیه‌ای، آموزشی، بهداشتی، امنیت و اوقات فراغت را شامل شود [۲۵]. تعداد حوزه‌های درگیر در بررسی مفهوم کیفیت زندگی باعث شده تا هر محقق متناسب با تخصص و

محل کار، و سرگرمی. هدف آن ارائه تصویری دقیق علمی و فنی از وضعیت فعلی هوش مصنوعی و پتانسیل آن به عموم مردم و کمک به تصمیم‌گیری در صنعت و دولت‌ها و همچنین اطلاع‌رسانی به تحقیق و توسعه در این زمینه است.

یافته‌های پژوهش زرقانی و بایگی [۳۲] نشان می‌دهد کاربرد هوش مصنوعی توسط افراد، گروه‌های سازمان‌یافته، دولت‌ها و ... می‌تواند تأثیر دوگانه مثبت یا منفی بر امنیت شهروندان و زیرساخت‌های شهری داشته باشد. بر این اساس، هوش مصنوعی می‌تواند در مدیریت ترافیک و حمل‌ونقل شهری، تحول در کسب‌وکارهای شهری، پیش‌بینی و هشدار بلاایا طبیعی، مدیریت بحران، آلودگی هوا، سلامت و بهداشت شهروندان، مدیریت زیرساخت‌های شهری مانند آب، برق، گاز، گردشگری، دیپلماسی شهری و ... تأثیرات مثبتی داشته باشد. در مقابل، سوء استفاده از این فناوری پیشرفته و مدرن توسط برخی دولت‌ها، باندهای جرم و جنایت، گروه‌های تروریستی، افراد خلافکار و ... می‌تواند امنیت جانی، اقتصادی، حقوق شهروندی شهروندان را با تهدید جدی مواجه کند. گراوند [۳۹] در تحقیقی به نقش و جایگاهی که هوش مصنوعی می‌تواند در نظام و ساختار برنامه‌ریزی شهری داشته باشد می‌پردازد. در این پژوهش به مزایایی که هوش مصنوعی در ساختار فضاهای شهری دارد می‌پردازد و چالش‌هایی که برای پیاده‌سازی این ایده وجود دارد، مورد بحث قرار می‌گیرد. در نتیجه پژوهش میوریان و همکاران [۴۰] یک چارچوب استعاری به نام «پلکان سیاست‌گذاری هوش مصنوعی برای شهرها» ارائه شده است که پنج مرحله را شامل می‌شود: جهان‌بینی، جامعه، نظام حقوقی، مدیریت شهری و مدیریت فناوری. چارچوب استعاری پژوهشگران با نگاهی میان‌رشته‌ای، به اولویت‌بندی میان پنج مفهوم بالا و معرفی ابعاد اصلی هر یک پرداخته است و به‌ذی‌نفعان در موضوع خط‌مشی‌گذاری هوش مصنوعی در مدیریت شهری کمک می‌کند.

با مطالعه پیشینه موجود در خصوص موضوع تحقیق می‌توان دریافت که پژوهش‌های صورت‌گرفته در این زمینه اشاره بر این موضوع دارند که هوش مصنوعی در شهر هوشمند نقش مهمی ایفا می‌کند و باعث بهبود کیفیت زندگی ساکنان، بهینه‌سازی منابع، بهبود مدیریت ترافیک، ارتباطات هوشمند، امنیت و حفاظت، ارتقای خدمات شهری و مدیریت بحران‌ها می‌شود. و مدیریت این مباحث در کلان‌شهرها با جمعیت زیاد و نیازهای نشست‌گرفته از آن‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد. بر پایه مطالعات انجام‌شده می‌توان چنین اظهار داشت با توجه به اینکه روند رشد جمعیت همچنان ادامه دارد و نیازها و چالش‌های حاصله روزبه‌روز افزایش می‌یابد، موضوع آینده پژوهش در این میان اهمیت ویژه‌ای می‌یابد به خصوص در شهرهایی که در میان این مسیر قرار دارند و در راستای رسیدن به اهداف آن نیازمند برنامه‌ریزی و اقدامات هوشمندی هستند. بر این اساس، علاوه بر جدید بودن منطقه مورد مطالعه در این بحث، پژوهش حاضر به لحاظ آینده‌پژوهی حاوی نوآوری است و تا کنون مطالعات کمی حوزه کیفیت زندگی شهروندان با بهره‌گیری از هوش مصنوعی را در کلان‌شهر مشهد مورد مطالعه قرار داده‌اند.

■ مواد و روش‌ها

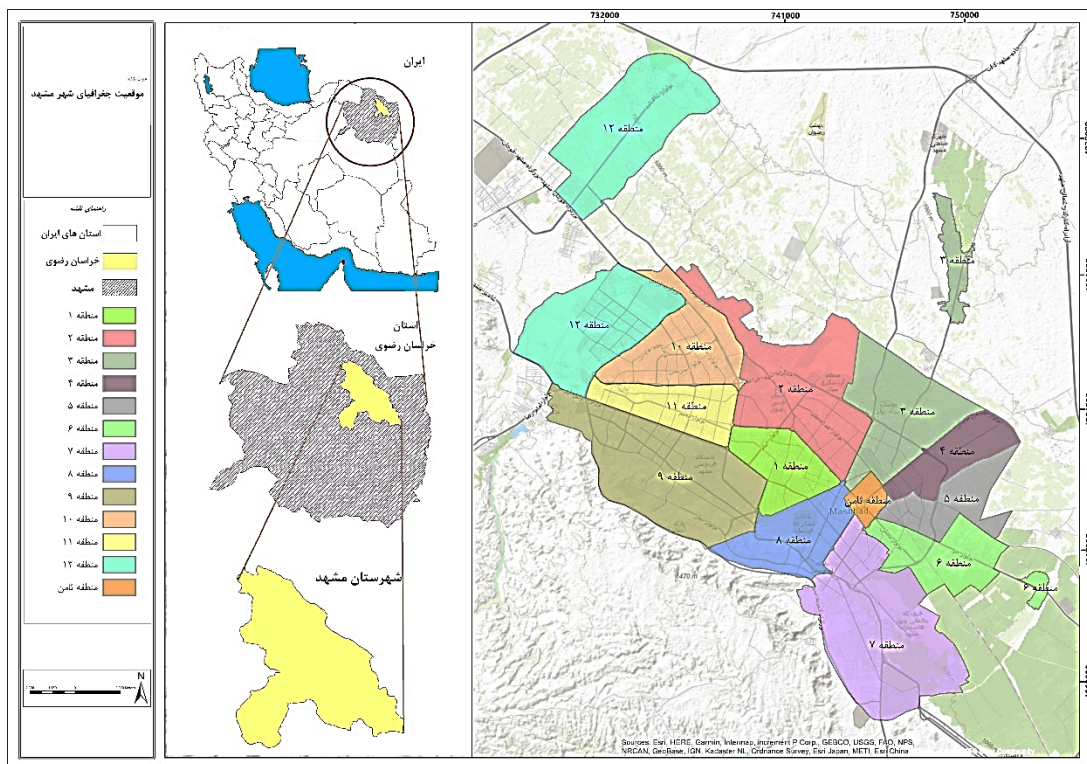
روش پژوهش پیش رو از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش انجام کار آمیخته‌ای از توصیفی-تحلیلی و در ساختار با رویکرد آینده‌پژوهی انجام گرفته و به این منظور، مهم‌ترین عوامل مؤثر بر نقش هوش مصنوعی در بهبود کیفیت زندگی شهروندان در شهر مشهد مورد ارزیابی قرار گرفته است. جمع‌آوری اطلاعات پژوهش به شیوه اسنادی (منابع کتابخانه‌ای و مجلات علمی) و میدانی (با استفاده از ابزار پرسشنامه) انجام شده است. جامعه آماری در پژوهش حاضر شامل ۲۵ نفر از کارشناسان، خبرگان و صاحب‌نظران شهری شامل مدیران شهری (شهرداران مناطق، معاونان، مسئولان سازمان‌ها و مدیران حوزه‌های شهری)، اعضای شورای اسلامی شهر، کارشناسان عمرانی و اداره راه و شهرسازی خراسان رضوی و به طور ویژه اساتید دانشگاه‌های فردوسی مشهد، آزاد اسلامی واحد مشهد، مؤسسه‌های آموزش عالی غیرانتفاعی

آزمایشی ایالت‌ها و مناطق استرالیا بررسی می‌کند. نتایج پژوهش یادشده نشان می‌دهد: (الف) تحول دیجیتال، نوآوری و پایداری محبوب‌ترین حوزه‌های کاربردی هوش مصنوعی در برنامه‌ریزی و توسعه شهری هستند. (ب) هواپیماهای بدون سرنشین، اتوماسیون، رباتیک و کلان داده محبوب‌ترین فناوری‌های هوش مصنوعی هستند که در برنامه‌ریزی و توسعه شهری مورد استفاده قرار می‌گیرند. (ج) دستیابی به تحول دیجیتال و پایداری شهرها از طریق استفاده از فناوری‌های هوش مصنوعی-مانند داده‌های بزرگ، اتوماسیون و رباتیک-موضوع اصلی بحث جامعه است. یگیتکانلار و کوگورولو [۲۳] پژوهشی در زمینه پایداری هوش مصنوعی به انجام رساندند. این دیدگاه بررسی کاملی از وضعیت فعلی هوش مصنوعی و ادبیات، تحقیقات، تحولات، روندها و برنامه‌های کاربردی شهرهای هوشمند و پایدار را به کار می‌گیرد. با انجام این کار، به بحث‌های دانشگاهی موجود در زمینه شهرهای هوشمند و پایدار و هوش مصنوعی کمک می‌کند. علاوه بر این، با روشن کردن جذب هوش مصنوعی در شهرها، این دیدگاه به دنبال کمک به سیاست‌گذاران شهری، برنامه‌ریزان و شهروندان است تا در مورد پذیرش پایدار هوش مصنوعی تصمیم‌گیری کنند. اشوینی و همکاران [۲۴] در مطالعه‌ای به بررسی مفصلی از آخرین راه‌حل‌های مبتنی بر هوش مصنوعی در پیاده‌سازی شهر هوشمند پرداختند. استنباط‌های زیر از طریق بررسی یادشده انجام می‌شود: (الف) برنامه‌های کاربردی مبتنی بر هوش مصنوعی برای یک شهر هوشمند توسط کشورهای مختلف در حال توسعه و توسعه‌یافته در سراسر جهان پذیرفته شده است. (ب) مؤلفه‌هایی مانند برنامه‌ریزی شهری، حکمرانی و آموزش در مقایسه با سایر مؤلفه‌ها کمتر مورد بررسی قرار می‌گیرند. (ج) مدل‌های مبتنی بر شبکه از جمله مدل‌های یادگیری عمیق در مقایسه با مدل‌های دیگر مانند مدل‌های درختی، ژنتیکی، خطی و ساده‌لوح محبوب‌ترین هستند. در نهایت، از بررسی یادشده مشاهده می‌شود که هوش مصنوعی در حال حاضر بخشی ضروری از یک شهر هوشمند است و در آینده نیز ادامه خواهد داشت. بر اساس مطالعات داش و شارما [۲۵] هوش مصنوعی از جمله فناوری‌هایی است که برای توسعه شهرهای هوشمند به کار گرفته شده است که نقش مهمی در کمک به سیستم‌های هوشمند در سطح شهر در حوزه‌های مختلف ایفا می‌کند. بنابراین، تصمیم‌گیری درباره پیشرفت‌های تحقیقاتی مدرن برای درک نقشی که هوش مصنوعی در شهرهای هوشمند برای جمع‌آوری و انتشار اطلاعات ایفا می‌کند، حیاتی است. پژوهش آنان تحقیقاتی روی نقش هوش مصنوعی، کاربردهای آن و چالش‌های مرتبط با مفاهیم و فناوری‌های شناسایی شده به عنوان هوش مصنوعی در شهرهای هوشمند تمرکز داشته و سعی دارد بینشی در مورد نقش هوش مصنوعی در شهرهای هوشمند برای جمع‌آوری و انتشار اطلاعات ارائه دهد. یافته‌های سامسوریجان و همکاران [۲۶] در بررسی تأثیر هوش مصنوعی در خدمات شهری در مالزی نشان می‌دهد تأثیر هوش مصنوعی در خدمات شهری مدت‌هاست که وجود داشته و از زمان استعمار توسط مقامات محلی به‌دقت برنامه‌ریزی شده است. توسعه فناوری دیجیتال جهانی بر ارتقای هوش مصنوعی در خدمات شهری در مالزی تأثیر می‌گذارد. همچنین موفقیت هوش مصنوعی در این خدمات شهری تحت تأثیر میزان سواد فناوری اطلاعات در میان جمعیت شهری است. این تحولات منجر به تعریف شهر مفهومی شده است. طبق پژوهش استون و همکاران [۱۸] در سپتامبر ۲۰۱۶، پروژه «مطالعه صدساله هوش مصنوعی» استنفورد (AI100) اولین گزارش از ارزیابی دوره‌ای برنامه‌ریزی‌شده بلندمدت خود از هوش مصنوعی (AI) و تأثیر آن بر جامعه را منتشر نمود. این مقاله توسط هیئتی متشکل از ۱۷ نویسنده مطالعه نوشته شده است که هر یک از آن‌ها به‌شدت در تحقیقات هوش مصنوعی ریشه دارند و ریاست آن را پیتر استون از دانشگاه تگزاس در آستین به عهده دارد. این گزارش با عنوان «هوش مصنوعی و زندگی در سال ۲۰۳۰» به بررسی هشت حوزه از محیط‌های شهری معمولی می‌پردازد که هوش مصنوعی احتمالاً در سال‌های آینده بر آن‌ها تأثیر خواهد گذاشت: حمل‌ونقل، ربات‌های خانگی و خدماتی، مراقبت‌های بهداشتی، آموزش، ایمنی و امنیت عمومی، پایین-جوامع منابع، اشتغال و

استفاده از روش دلفی انجام گرفته، در خور یادآوری است با توجه به اینکه اطلاعات توسط محقق مستقیم مورد پرسشگری قرار گرفته، شرط رضایت شرکت‌کنندگان و محرمانگی داده‌ها در نظر گرفته شده است. در ادامه با جمع‌آوری عوامل حاصل از مصاحبه و اسناد مطالعه‌شده در پیشینه پژوهش روایی و پایایی متغیرها توسط متخصصان تأیید شده و در نهایت عوامل در قالب پرسشنامه آینده‌پژوهی مورد ارزیابی قرار گرفته است. بنابراین، پرسشنامه اشاره‌شده با بهره‌گیری از رویکرد آینده‌پژوهی تهیه و در اختیار خبرگان قرار داده شد و از افراد خواسته شد تا در چارچوب ماتریس اثرات متقاطع (Micmac) متغیرها را بر مبنای میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیریشان (مستقیم و غیر مستقیم) با اعدادی که در طیف صفر تا ۳ هستند و عدد صفر به منزله بدون تأثیر، ۱ تأثیر ضعیف، ۲ تأثیر متوسط، ۳ تأثیر زیاد و ۳P اثرگذاری مستقیم و غیر مستقیم بالقوه هستند، مورد سنجش قرار دهند. در ادامه، با تشکیل ماتریس اثرات متقاطع، امتیاز شاخص‌ها بر حسب میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری آن‌ها به دست آمد. با محاسبه میزان ضریب رشدگی داده‌ها، صحت ابزار گردآوری داده‌ها مورد سنجش قرار گرفت و با توجه به ماتریس نهایی به دست آمده پیشران‌های کلیدی این پژوهش شناسایی شدند.

واقع در مشهد و سایر متخصصان حوزه شهری هستند. جهت دستیابی به عوامل مؤثر بر بهبود کیفیت زندگی شهروندان با بهره‌گیری از هوش مصنوعی، ابتدا با مطالعه مبانی نظری عوامل مرتبط با هوش مصنوعی و نقش آن در ابعاد مختلف کیفیت زندگی استخراج شد که این موارد شامل بحث حمل‌ونقل، حضور ربات‌های خانگی/خدماتی، مراقبت‌های بهداشتی، دستگاه‌های نظارت شخصی و برنامه‌های تلفن همراه و پرونده الکترونیک سلامت گسترش خواهند یافت. به علاوه در آموزش و پرورش و مدیریت منابع موجود و بحث امنیت عمومی و اشتغال و محل کار و تفریحات و سرگرمی و سایر موارد اشاره‌شده تحت تأثیر این امر قرار خواهد گرفت. در ادامه ضمن همپوشانی فاکتورهای مربوطه، شاخص‌های نهایی برگزیده شده و با استفاده از آن‌ها پیشران‌های مؤثر جهت بهبود کیفیت زندگی با بهره‌گیری از هوش مصنوعی تهیه شدند. سپس پیشران‌ها به روش دلفی توسط کارشناسان اولویت‌بندی شدند و مورد بازنگری قرار گرفتند و در نهایت، پرسشنامه‌ای متشکل از پیشران‌های نهایی برای امتیازدهی متخصصان و شناسایی پیشران‌های کلیدی تهیه شد.

در این راستا ابتدا برای شناسایی عوامل کلیدی مصاحبه‌های ساختار یافته با تعدادی از صاحب‌نظران حوزه‌های برنامه‌ریزی شهری و فناوری اطلاعات با



شکل ۱. نقشه موقعیت منطقه مورد مطالعه

نسبت به شناسایی نیازها و تهیه اسناد بالادستی جهت برنامه‌ریزی زیرساخت‌های شهر هوشمند و هوش مصنوعی اقدام کرده و با استفاده از توان اجرایی بخش خصوصی نسبت به پیاده‌سازی زیرساخت‌ها و تعریف و ارائه خدمات شهر هوشمند و هوش مصنوعی اقدام کرده است [۲۹]. هوش مصنوعی در کلان‌شهر مشهد به عنوان یکی از شهرهای پرجمعیت، در مدیریت ترافیک، پارکینگ هوشمند، پیش‌بینی و مدیریت فشارهای شهری، بهبود امنیت شهری و سلامت عمومی و حتی در مدیریت زباله و منابع طبیعی

محدوده مورد مطالعه این پژوهش کلان‌شهر مشهد واقع در شمال شرقی ایران با جمعیت ۲/۱ میلیون نفری و مساحت ۳۴۳/۵ کیلومتر مربعی، دومین شهر پرجمعیت ایران قلمداد می‌شود که دارای ۱۳ منطقه رسمی است [۲۷ و ۲۸]. سازمان فاوای شهرداری مشهد با یاری شهرداری در عرصه گسترش کاربردهای هوش مصنوعی در تلاش است از طریق ایجاد بسترهای لازم و ارائه خدمات مربوطه گام بردارد. همچنین معاونت برنامه‌ریزی و توسعه سرویس‌های شهر هوشمند با به‌کارگیری ظرفیت پژوهشی دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی

تأثیرگذار است. همچنین استفاده از هوش مصنوعی در سیستم‌های سلامت، آموزش و مشاوره، و حتی در فرایندهای صنعتی و تجاری می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی شهروندان در مشهد کمک کند.

یافته‌ها

در این مرحله ابتدا محرک‌های کلیدی در ارتقای کیفیت زندگی شهروندان با بهره‌گیری از هوش مصنوعی مورد بررسی قرار گرفت، سپس با استفاده از مطالعات میدانی و اسنادی و همچنین روش دلفی، مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار شناسایی شدند، در گام بعد با استفاده از روش کمی آینده‌پژوهی و استفاده از نرم‌افزار Micmac میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری عوامل سنجیده شد. جدول ۱ نشان‌دهنده دسته‌بندی متغیرها جهت معرفی به نرم‌افزار یادشده است. بر اساس مقادیر جدول ۲، ماتریس مربوطه 24×24 تنظیم شده است.

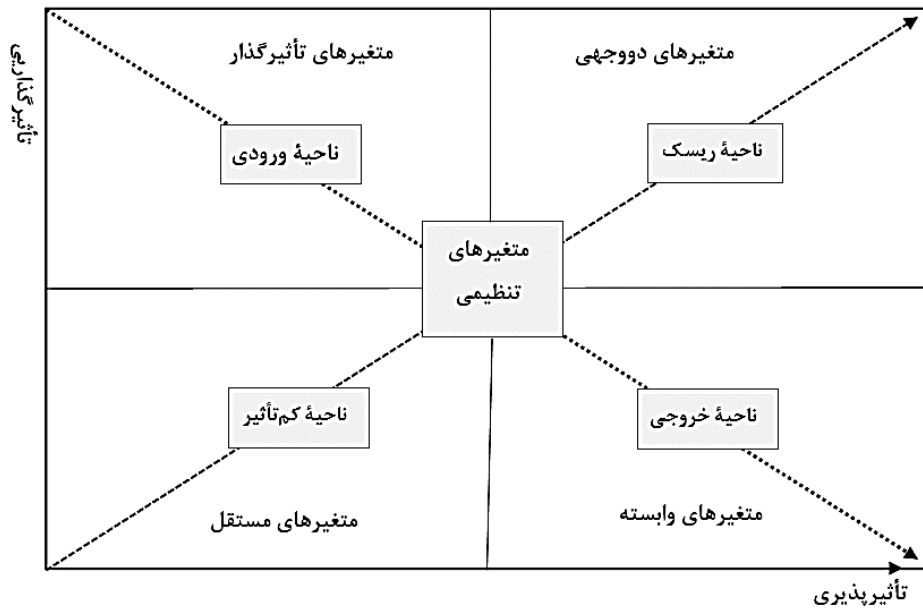
درجهٔ پرشدگی $82/98$ درصد است که تأثیر نسبتاً زیاد عوامل انتخاب‌شده بر هم را نشان می‌دهد. از مجموع 478 رابطه قابل ارزیابی در این ماتریس، 98 رابطه با مقادیر صفر بوده‌اند، به این معنا که روی هم تأثیر نگذاشته یا یکدیگر را نپذیرفته‌اند، و تعداد 135 رابطه شامل عدد یک بوده‌اند، که نشان‌دهنده تأثیر کم عوامل بر یکدیگر بوده، تعداد 117 رابطه، عدد 2 بوده، به این معنا که تأثیرگذاری نسبتاً قوی داشته‌اند و تعداد 169 رابطه نشان‌دهنده عدد 3 بوده‌اند، که تأثیرگذاری بسیار قوی روی عوامل دیگر داشته‌اند و در نهایت 57 رابطه عدد P را شامل می‌شوند که بیانگر رابطه پتانسیلی و بالقوهٔ عامل‌ها و به بیانی تأثیر احتمالی است. مشخصات استادان دانشگاه و کارشناسان مربوطه که مورد پرسشگری قرار گرفته‌اند در قالب جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. مشخصات کارشناسان پرسشگری‌شده در رابطه با روش تحلیل ساختاری میک‌مک

وضعیت تحصیلات		وضعیت تأهل		جنسیت		شرح
دکتری	فوق لیسانس	مجرد	متاهل	زن	مرد	
۵۷	۴۳	۳۰	۷۰	۴۵	۵۵	درصد
سن						
۵۰ به بالا	۵۰-۴۱	۴۰-۳۱		۳۰-۲۱		
۱۱	۲۵	۴۹		۱۵		درصد
شغل						
کارمند	استاد دانشگاه	فارغ‌التحصیل		دانشجو		
۴۳	۴۵	۵		۷		درصد

جدول ۲. تحلیل داده‌های ماتریس و جدول متقاطع حاصل از میک‌مک

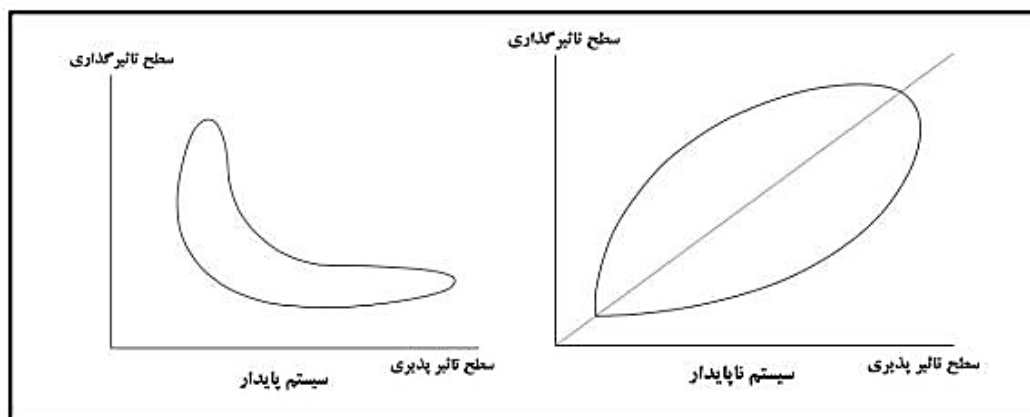
مقدار (عوامل بیرونی)	اطلاعات ماتریس
۲۴	ابعاد ماتریس
۲	تعداد تکرار
۹۸	تعداد صفرها (بدون تأثیر)
۱۳۵	تعداد یک‌ها (اثرگذاری ضعیف)
۱۱۷	تعداد دو‌ها (اثرگذاری متوسط)
۱۶۹	تعداد سه‌ها (اثرگذاری بسیار زیاد)
۵۷	تعداد P (اثرگذاری بالقوه)
۴۷۸	جمع
$82/98\%$	درجهٔ پرشدگی



شکل ۲. تحلیل تأثیر گذاری و تأثیر پذیری متغیرها، [۳۰]

تأثیر پذیری بالایی دارند، سه دسته متغیر در سیستم‌های پایدار در خور یادآوری هستند: الف) متغیرهای بسیار تأثیر گذار بر سیستم یا عوامل کلیدی؛ ب) متغیرهای مستقل؛ ج) متغیرهای خروجی سیستم یا متغیرهای نتیجه. شکل ۴ موقعیت و نقش هر یک از عوامل را در سیستم نشان می‌دهد. بنابراین، طبق نقشه پراکنده‌گی عوامل وضعیت سیستم پایدار است و امکان رسیدن به اهداف مورد نظر در این سیستم را محتمل خواهد بود.

در ادامه، در ماتریس تقاطع مجموع اعداد سطرهای هر متغیر، میزان تأثیر پذیری و مجموع اعداد ستونی هر متغیر میزان تأثیر پذیری یا وابستگی آن متغیر نسبت به متغیرهای دیگر است، در صفحه پراکنده‌گی آزمون چگونگی توزیع متغیرها نشان‌دهنده پایداری و ناپایداری سیستم است. سیستم‌های پایدار و سیستم‌های ناپایدار دو نوع پراکنش در روش شناسی و تحلیل معروف میک‌مک هستند، در سیستم‌های پایدار متغیرها به صورت L انگلیسی پراکنده شده‌اند که بیانگر این است برخی متغیرها تأثیر گذاری بالا و برخی دیگر



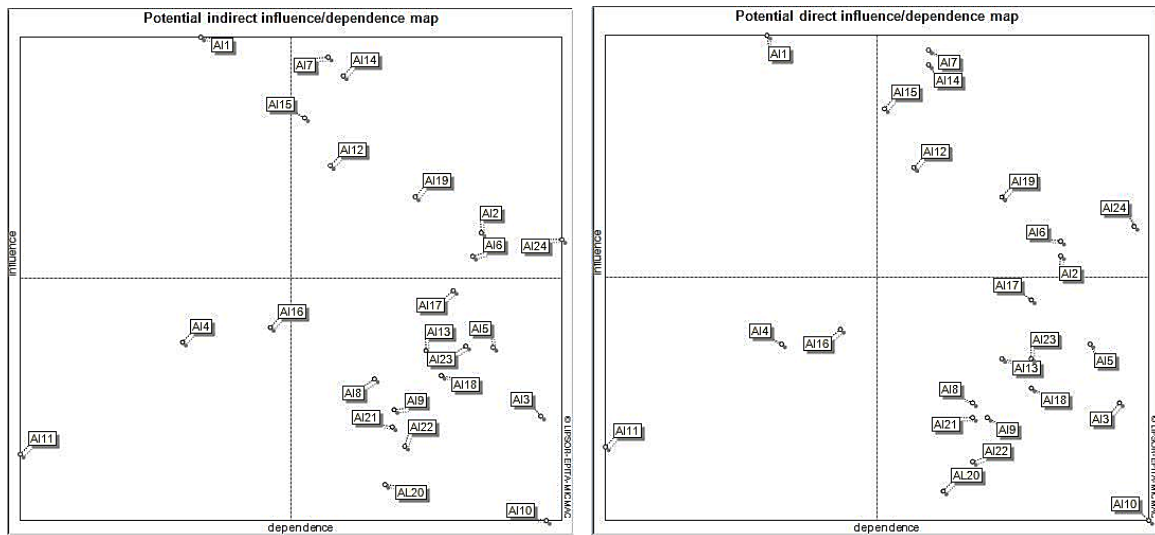
شکل ۳. وضعیت پایداری یا ناپایداری سیستم، [۳۱]

کمی تأثیر پذیری و تأثیر گذاری را نشان می‌دهد (جدول ۳). در این راستا با توجه به ۲۴ متغیر (شکل سمت راست) برای شاخص سیاست گذاری‌های بخش دولتی و مدیریت شهری در بخش فناوری اطلاعات و هوش مصنوعی (AI1) دارای بیشترین ارزش ستونی محاسبه شده و بیشترین میزان تأثیر گذاری از دیگر متغیرها بوده. در واقع مهم‌ترین ویژگی این متغیر تأثیر پذیری پایین و

همان‌طور که در نقشه پراکنده‌گی شکل ۳ تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم نمایان است، ۲۴ عامل کلیدی عوامل مؤثر بر بهبود کیفیت زندگی شهروندان با بهره‌گیری از هوش مصنوعی در منطقه مطالعه شده دیده می‌شود، همچنین میزان تأثیری که هر یک از عوامل بر یکدیگر می‌گذارند توسط مدل تحلیل ساختاری میک‌مک به توان‌های مختلف رسیده است، که مجموع آن‌ها مقدار

که هر چه از ناحیه ۳ در جنوب غربی به ناحیه ۱ در شمال شرقی پیش می‌رویم بر میزان اهمیت و استراتژیک بودن متغیرها افزوده می‌شود. بنابراین در این سیستم متغیرهای AI1 دارای تأثیرگذاری بالا و AI12- AI14- AI15- AI17 از متغیرهای دووجهی استراتژیک و متغیر AI19- AI24- AI6- AI2 از متغیرهای دووجهی هدف هستند.

تأثیرگذاری بالای آن است. در محاسبه تأثیرات غیرمستقیم متغیرها بر یکدیگر، نرم‌افزار این متغیرها را به توان‌های ۲، ۳، ۴، ۵ و ... رسانده است، که بر این اساس متغیر سیاست‌گذاری‌های بخش دولتی و مدیریت شهری در بخش فناوری اطلاعات و هوش مصنوعی AI1 با ضریب اثر ۱۱۶۸۵۷ دوبراره بیشترین و تنها متغیر تأثیرگذار است. قابل توجه است متغیرهای استراتژیک و کلیدی در حوالی خط قطری نمودار هستند

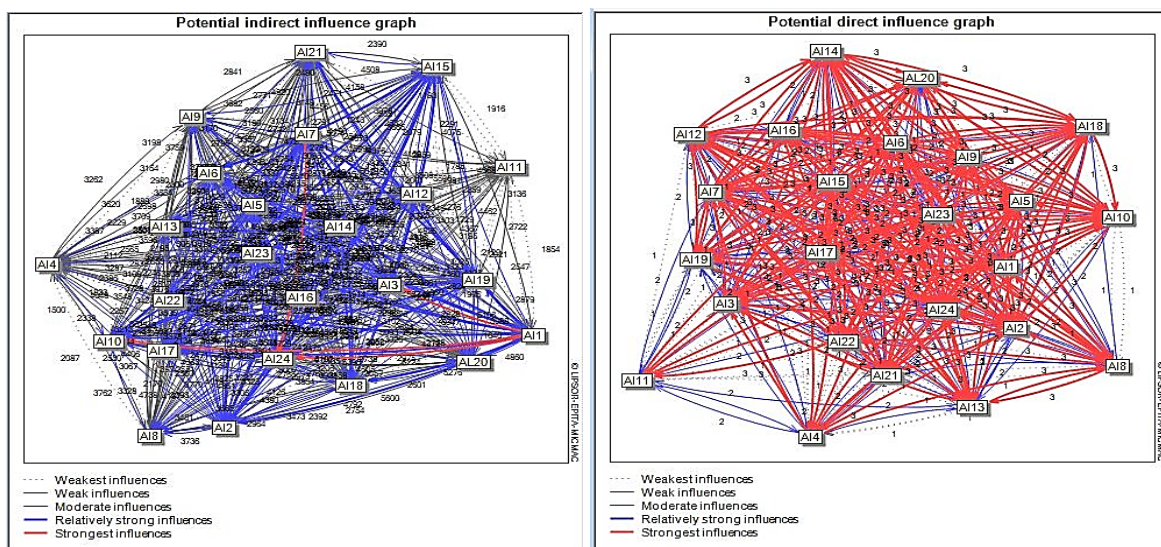


شکل ۴. نقشه وضعیت توان اثرگذاری مستقیم (سمت راست) و غیرمستقیم (سمت چپ) عوامل مؤثر بر بهبود کیفیت زندگی شهروندان با بهره‌گیری از هوش مصنوعی شهر مشهد در افق ۱۴۱۲

جدول ۳. تحلیل توان اثرگذاری و اثرپذیری عوامل مؤثر بر بهبود کیفیت زندگی شهروندان با بهره‌گیری از هوش مصنوعی شهر مشهد در افق ۱۴۱۲

اثرگذاری خالص	غیرمستقیم		اثرگذاری خالص	مستقیم		متغیر	کد
	اثرپذیری	اثرگذاری		اثرپذیری	اثرگذاری		
۵۸۵۱۶	۵۸۳۴۱	۱۱۶۸۵۷	+۳۲	۳۰	۶۲	سیاست‌گذاری‌های بخش دولتی و مدیریت شهری در بخش فناوری اطلاعات و هوش مصنوعی	AI1
-۲۹۵۲	۹۴۰۷۰	۹۱۱۱۸	-۳	۵۰	۴۷	شرکت‌های نوآور و دانش‌بنیان در حوزه فناوری هوش مصنوعی جهت ایجاد سامانه‌ها و زیرساخت‌های مدیریت داده‌ها و اطلاعات در حجم زیاد (Big Data)	AI2
-۳۴۶۵۵	۱۰۱۶۳۸	۶۶۹۸۳	-۱۷	۵۴	۳۷	اجرای طرح‌ها و پروژه‌های توسعه شهری با در رأس قرار دادن فاکتورهای هوش مصنوعی	AI3
+۲۰۶۹۲	۵۶۰۱۸	۷۶۷۱۰	+۱۰	۳۱	۴۱	نقش سازمان‌های مردم‌نهاد با حمایت از حقوق و منافع شهروندان تحت تأثیر هوش مصنوعی و آگاهی آنان	AI4
-۱۹۵۳۷	۹۵۵۶۳	۷۶۰۲۶	-۱۱	۵۲	۴۱	پذیرش و مشارکت فعال شهروندان در حوزه بهره‌برداری از هوش مصنوعی	AI5
-۴۹۵۴	۹۲۹۷۳	۸۸۰۱۹	-۲	۵۰	۴۸	تلاش مؤسسات علمی با ارائه تحقیقات و دستورالعمل‌ها برای استفاده و گسترش هوش مصنوعی و تربیت متخصصان برای آینده	AI6
+۳۹۶۷۹	۷۴۵۵۵	۱۱۴۲۳۴	+۲۰	۴۱	۶۱	همانگی و همکاری بین بخش‌های دولتی، غیردولتی و مدیریت شهری در راستای بهره‌وری بهینه از فناوری هوش مصنوعی	AI7
-۸۵۸۱	۸۰۴۶۰	۷۱۱۷۹	-۷	۴۴	۳۷	دسترسی عادلانه و برابر شهروندان به فناوری و ارتباطات در شهرهای هوشمند با تمرکز بر هوش مصنوعی	AI8
-۱۵۱۲۳	۸۲۹۵۵	۶۷۸۳۲	-۹	۴۵	۳۶	رعایت امنیت و حریم خصوصی در حوزه داده‌های شخصی در راستای بهره‌مندی از هوش مصنوعی	AI9

کد	متغیر	مستقیم		غیرمستقیم		اثرگذاری خالص
		اثرگذاری	اثرپذیری	اثرگذاری	اثرپذیری	
AI10	رعایت شفافیت و پاسخ گویی لازم سیستم‌های هوش مصنوعی برای شهروندان	۲۹	۵۶	-۲۷	۵۳۳۴۴	-۴۹۱۰۵
AI11	توجه به امنیت شغلی شهروندان با هدف استفاده از ظرفیت‌های هوش مصنوعی	۳۴	۱۹	۱۵	۶۱۹۷۰	+۲۶۶۲۳
AI12	به‌صرفه بودن و نداشتن هزینه بالای بهره‌مندی از هوش مصنوعی برای شهروندان	۵۳	۴۰	+۱۳	۹۹۹۴۷	+۲۵۱۰۲
AI13	تأثیر مثبت هوش مصنوعی بر جامعه در راستای کاهش نابرابری‌ها در جامعه توأم با ملاحظات اخلاقی	۴۰	۴۶	-۶	۷۵۶۱۲	-۱۱۴۱۰
AI14	مدیریت توسعه شبکه‌های هوشمند انرژی (مانند برق و ...) در شهرها با بهره‌گیری از هوش مصنوعی	۶۰	۴۱	+۱۹	۱۱۱۷۵۴	۳۵۲۷۶
AI15	ساماندهی وضعیت ارتباطات فراملی و محدودیت‌های موجود در سطح بین‌المللی به عنوان پیش‌نیاز هوش مصنوعی	۵۷	۲۸	+۱۹	۱۰۶۲۴۲	+۳۴۶۷۴
AI16	تقویت آگاهی و فرهنگ بهره‌مندی از هوش مصنوعی توسط شهروندان	۴۲	۳۵	+۷	۷۸۶۵۳	+۱۱۴۴۹
AI17	ایجاد زیرساخت‌های جدید در حوزه مدیریت محیط زیست شهری توسط هوش مصنوعی	۴۴	۴۸	-۴	۸۳۵۰۴	-۶۹۸۵
AI18	اشتغال‌زایی و ایجاد زمینه‌های جدید در حوزه کارآفرینی شهری توسط هوش مصنوعی	۳۸	۴۸	-۱۰	۷۳۳۳۵	-۱۶۶۳۹
AI19	نقش هوش مصنوعی در راستای توسعه حکمرانی خوب شهری	۵۱	۴۶	+۵	۹۵۸۵۴	۱۰۲۰۵
AI20	هوش مصنوعی و استفاده بهینه از تصاویر ماهواره‌ای و هوایی در راستای کنترل توسعه فیزیکی شهرها	۳۱	۴۲	-۱۱	۵۷۹۷۹	-۲۳۸۱۶
AI21	هوش مصنوعی و بهره‌مندی از حمل‌ونقل پاک و کارآمد شهری	۳۶	۴۴	-۸	۶۵۵۶۷	-۱۷۱۶۴
AI22	توسعه زیرساخت‌های پزشکی هوشمند با بهره‌گیری از هوش مصنوعی	۳۳	۴۴	-۱۱	۶۳۰۱۴	-۲۱۲۹۵
AI23	زیرساخت‌های آبیاری و کشاورزی هوشمند در توسعه فضاهای سبز شهری با بهره‌گیری از هوش مصنوعی	۴۰	۴۸	-۸	۷۶۲۰۵	-۱۵۸۸۲
AI24	سطح سواد دیجیتالی و آموزش در بهره‌مندی از فرصت‌های هوش مصنوعی در شهرها	۴۹	۵۵	-۶	۹۰۲۱۵	-۱۴۱۱۸
	جمع	۸۷۶	۸۷۶		۱۹۶۱۷۴۳	۱۹۶۱۷۴۳



شکل ۵. تحلیل روابط مستقیم (سمت راست) و غیرمستقیم (سمت چپ) بین عوامل مؤثر بر بهبود کیفیت زندگی شهروندان با بهره‌گیری از هوش مصنوعی (تأثیر بسیار ضعیف تا بسیار قوی)

تا سوم در تأثیرگذاری غیرمستقیم قرار دارند. بر اساس ماتریس توان وابستگی مستقیم و غیرمستقیم در سمت چپ شکل ۷ می‌توان گفت که متغیرهای رعایت شفافیت و پاسخ‌گویی لازم سیستم‌های هوش مصنوعی برای شهروندان (AI10)، سطح سواد دیجیتالی و آموزش در بهره‌مندی از فرصت‌های هوش مصنوعی در شهرها (AI24)، اجرای طرح‌ها و پروژه‌های توسعه شهری با در رأس قرار دادن فاکتورهای هوش مصنوعی (AI3) به ترتیب در رتبه اول تا سوم وابستگی مستقیم قرار گرفته‌اند و بیشترین سهم در ارتباط با موضوع بهبود کیفیت زندگی شهروندان با بهره‌گیری از هوش مصنوعی را دارند، و در قسمت راست تصویر متغیرهای سطح سواد دیجیتالی و آموزش در بهره‌مندی از فرصت‌های هوش مصنوعی در شهرها (AI24)، رعایت شفافیت و پاسخ‌گویی لازم سیستم‌های هوش مصنوعی برای شهروندان (AI10)، اجرای طرح‌ها و پروژه‌های توسعه شهری با در رأس قرار دادن فاکتورهای هوش مصنوعی (AI3) به ترتیب در رتبه اول تا سوم وابستگی غیرمستقیم قرار گرفته‌اند.

بر اساس ماتریس توان تأثیرگذاری مستقیم در سمت چپ شکل ۶ می‌توان بیان داشت که شاخص‌های سیاست‌گذاری‌های بخش دولتی و مدیریت شهری در بخش فناوری اطلاعات و هوش مصنوعی (AI1)، هماهنگی و همکاری بین بخش‌های دولتی، غیر دولتی و مدیریت شهری در راستای بهره‌وری بهینه از فناوری هوش مصنوعی (AI7)، مدیریت توسعه شبکه‌های هوشمند انرژی (مانند برق و ...) در شهرها با بهره‌گیری از هوش مصنوعی (AI14)، به ترتیب در رتبه تأثیرگذاری اول تا سوم قرار گرفته‌اند و بیشترین سهم را در ارتباط با موضوع بهبود کیفیت زندگی شهروندان با بهره‌گیری از هوش مصنوعی دارند، همچنین در تصویر سمت راست یعنی در توان اثرگذاری غیرمستقیم متغیرهای سیاست‌گذاری‌های بخش دولتی و مدیریت شهری در بخش فناوری اطلاعات و هوش مصنوعی (AI1)، هماهنگی و همکاری بین بخش‌های دولتی، غیر دولتی و مدیریت شهری در راستای بهره‌وری بهینه از فناوری هوش مصنوعی (AI7)، مدیریت توسعه شبکه‌های هوشمند انرژی (مانند برق و ...) در شهرها با بهره‌گیری از هوش مصنوعی (AI14) در رتبه اول

Classement par dépendance

Rank	Variable	Variable
1	10 - AI10	24 - AI24
2	24 - AI24	10 - AI10
3	3 - AI3	3 - AI3
4	5 - AI5	5 - AI5
5	2 - AI2	2 - AI2
6	6 - AI6	6 - AI6
7	17 - AI17	23 - AI23
8	18 - AI18	17 - AI17
9	23 - AI23	18 - AI18
10	13 - AI13	13 - AI13
11	19 - AI19	19 - AI19
12	9 - AI9	22 - AI22
13	8 - AI8	9 - AI9
14	21 - AI21	21 - AI21
15	22 - AI22	20 - AI20
16	20 - AI20	8 - AI8
17	7 - AI7	14 - AI14
18	14 - AI14	12 - AI12
19	12 - AI12	7 - AI7
20	15 - AI15	15 - AI15
21	16 - AI16	16 - AI16
22	4 - AI4	1 - AI1
23	1 - AI1	4 - AI4
24	11 - AI11	11 - AI11

شکل ۷. رتبه‌بندی متغیرها بر اساس میزان وابستگی مستقیم (سمت چپ) و غیرمستقیم (سمت راست)

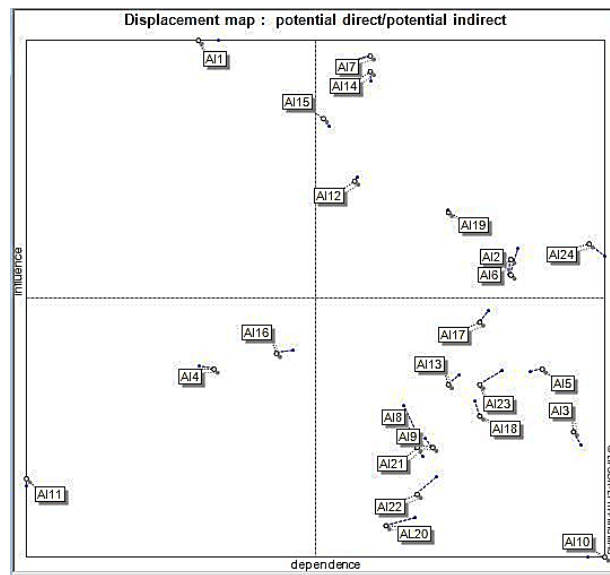
Classify variables according to their

Rank	Variable	Variable
1	1 - AI1	1 - AI1
2	7 - AI7	7 - AI7
3	14 - AI14	14 - AI14
4	15 - AI15	15 - AI15
5	12 - AI12	12 - AI12
6	19 - AI19	19 - AI19
7	24 - AI24	2 - AI2
8	6 - AI6	24 - AI24
9	2 - AI2	6 - AI6
10	17 - AI17	17 - AI17
11	16 - AI16	16 - AI16
12	4 - AI4	4 - AI4
13	5 - AI5	23 - AI23
14	13 - AI13	5 - AI5
15	23 - AI23	13 - AI13
16	18 - AI18	18 - AI18
17	3 - AI3	8 - AI8
18	8 - AI8	9 - AI9
19	9 - AI9	3 - AI3
20	21 - AI21	21 - AI21
21	11 - AI11	22 - AI22
22	22 - AI22	11 - AI11
23	20 - AI20	20 - AI20
24	10 - AI10	10 - AI10

شکل ۶. رتبه‌بندی متغیرها بر اساس میزان اثرگذاری مستقیم (سمت چپ) و غیرمستقیم (سمت راست)

زیرساخت‌های آبیاری و کشاورزی هوشمند در توسعه فضاهای سبز شهری با بهره‌گیری از هوش مصنوعی (AI23)، اشتغال‌زایی و ایجاد زمینه‌های جدید در حوزه کارآفرینی شهری توسط هوش مصنوعی (AI18) بیشترین جابه‌جایی و تغییر وضعیت را داشته‌اند.

مطابق شکل ۸ که نمایشگر میزان جابه‌جایی ماتریس غیرمستقیم نسبت به ماتریس مستقیم است، متغیرهای هوش مصنوعی و استفاده بهینه از تصاویر ماهواره‌ای و هوایی در راستای کنترل توسعه فیزیکی شهرها (AI20)، توسعه زیرساخت‌های پزشکی هوشمند با بهره‌گیری از هوش مصنوعی (AI22)،



شکل ۸. جابه‌جایی متغیرهای مؤثر بر بهبود کیفیت زندگی شهروندان با بهره‌گیری از هوش مصنوعی در نقشه اثرگذاری غیر مستقیم نسبت به اثرگذاری مستقیم

بحث و نتیجه‌گیری

در مجموع، از بین عوامل ۲۴ گانه ذکر شده و پس از استخراج عوامل کلیدی تأثیرگذار (مستقیم و غیرمستقیم)، ۶ پیشران کلیدی سیاست‌گذاری‌های بخش دولتی و مدیریت شهری در بخش فناوری اطلاعات و هوش مصنوعی (AI1)، هماهنگی و همکاری بین بخش‌های دولتی، غیر دولتی و مدیریت شهری در راستای بهره‌وری بهینه از فناوری هوش مصنوعی (AI7)، مدیریت توسعه شبکه‌های هوشمند انرژی (مانند برق و ... در شهرها با بهره‌گیری از هوش مصنوعی (AI14)، ساماندهی وضعیت ارتباطات فراملی و محدودیت‌های موجود در سطح بین‌المللی به عنوان پیش نیاز هوش مصنوعی (AI15)، به‌صرفه بودن و نداشتن هزینه بالای بهره‌مندی از هوش مصنوعی برای شهروندان (AI12)، نقش هوش مصنوعی در راستای توسعه حکمرانی خوب شهری (AI19)، در جایگاه پیشران‌های کلیدی در حوزه اثرگذاری مستقیم و غیرمستقیم نام برده می‌شوند.

مطالعات آینده‌نگاری هوش مصنوعی در شهرها می‌تواند بهبود قابل توجهی در کارایی و کاربرد فناوری‌های نوین در بهبود کیفیت زندگی شهروندان و مدیریت بهینه شهر از لحاظ ترافیک، امنیت، پارکینگ، منابع طبیعی و سلامت عمومی ایجاد کند. بنابراین شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های مؤثر بر بهبود کیفیت زندگی با بهره‌گیری از هوش مصنوعی با رویکرد سیستمی و راهبردی و ارتباط همه اجزا و عناصر این سازمان فضایی به گونه‌ای نظام‌مند حائز اهمیت است. این پژوهش در راستای هدف در نظر گرفته شده یعنی شناسایی محرک‌های کلیدی مؤثر بر بهبود کیفیت زندگی شهروندان با بهره‌گیری از هوش مصنوعی، ابتدا ۲۵ نفر از متخصصان و مسئولان اجرایی حوزه برنامه‌ریزی شهری در این پژوهش جهت مشارکت برگزیده شدند و در گام بعد با روش میک‌مک و پرسشنامه مهم‌ترین پیشران‌های مؤثر بر بهبود کیفیت زندگی شهروندان با بهره‌گیری از هوش مصنوعی در شهر مشهد شناسایی شدند که

جدول ۴. پیشران‌های کلیدی نهایی تأثیرگذار (مستقیم و غیرمستقیم) بر بهبود کیفیت زندگی شهروندان با بهره‌گیری از هوش مصنوعی بر اساس روش تحلیل ساختاری

رتبه	تأثیرگذاری مستقیم	تأثیرگذاری غیرمستقیم
۱	سیاست‌گذاری‌های بخش دولتی و مدیریت شهری در بخش فناوری اطلاعات و هوش مصنوعی (AI1)	سیاست‌گذاری‌های بخش دولتی و مدیریت شهری در بخش فناوری اطلاعات و هوش مصنوعی (AI1)
۲	هماهنگی و همکاری بین بخش‌های دولتی، غیر دولتی و مدیریت شهری در راستای بهره‌وری بهینه از فناوری هوش مصنوعی (AI7)	هماهنگی و همکاری بین بخش‌های دولتی، غیر دولتی و مدیریت شهری در راستای بهره‌وری بهینه از فناوری هوش مصنوعی (AI7)
۳	مدیریت توسعه شبکه‌های هوشمند انرژی (مانند برق و ...) در شهرها با بهره‌گیری از هوش مصنوعی (AI14)	مدیریت توسعه شبکه‌های هوشمند انرژی (مانند برق و ...) در شهرها با بهره‌گیری از هوش مصنوعی (AI14)
۴	ساماندهی وضعیت ارتباطات فراملی و محدودیت‌های موجود در سطح بین‌المللی به عنوان پیش‌نیاز هوش مصنوعی (AI15)	ساماندهی وضعیت ارتباطات فراملی و محدودیت‌های موجود در سطح بین‌المللی به عنوان پیش‌نیاز هوش مصنوعی (AI15)
۵	به‌صرفه بودن و نداشتن هزینه بالای بهره‌مندی از هوش مصنوعی برای شهروندان (AI12)	به‌صرفه بودن و نداشتن هزینه بالای بهره‌مندی از هوش مصنوعی برای شهروندان (AI12)
۶	نقش هوش مصنوعی در راستای توسعه حکمرانی خوب شهری (AI19)	نقش هوش مصنوعی در راستای توسعه حکمرانی خوب شهری (AI19)

■ مشارکت نویسندگان

نویسنده اول (پژوهشگر اصلی ۵۰ درصد)، نویسنده دوم (۲۰ درصد)، نویسنده سوم (۳۰ درصد)

■ تشکر و قدردانی

پژوهش حاضر حامی مالی نداشته و حاصل فعالیت علمی نویسندگان است.

■ تعارض منافع

نویسندگان هیچ گونه تعارض منافی ندارند.

Applied Research in Geographical Sciences. 2017(47):171-89. [in Persian] https://jgs.khu.ac.ir/browse.php?a_id=2944&sid=1&slc_lang=en https://jgs.khu.ac.ir/browse.php?a_id=2944&sid=1&slc_lang=en

- [32] Zarkhani, Seyedhadi, Qabasfidi Baighi, Seyed Elham. Artificial intelligence and urban security, opportunities and challenges. The second national conference and the third international conference on urban planning and urban management 2023 Nov 15. <https://profdoc.um.ac.ir/paper-abstract-1097425.html>
- [33] Hazrati, Ahmadzadeh, Hassan, Panahi. Measuring the impact of urban tourism development on the quality of life of the residents of the urban areas of Tabriz metropolis. Economy and urban planning. 2023 Dec 1;4(3):142-57. [In Persian] https://www.juep.net/article_184269.html
- [34] Zinali Azim, Rezaei, Bagher, Faraji, Sanbal, Rafizadeh. Measuring the social indicators of the quality of urban life with a micro scale in Tabriz. Economy and urban planning. 2023 May 24;4(2):34-51. [In Persian] https://www.juep.net/article_171704.html
- [35] Qalibaf Mohammad Baqer, Roustai Mojtabi, Ramzanzadeh Lasboi Mehdi, Taheri Mohammad Reza. Assessing the quality of urban life (case study: Yaftebad neighborhood). [In Persian] <https://www.sid.ir/paper/150469/fa>
- [36] Ram Dibeklo, Sahib Ali, Satari Sarbangoli, Faramarezi Asl, Ders Khan. Investigating the status of social and physical indicators of the quality of urban life in the 3rd region of Ardabil. Socio-cultural changes. 2021 Nov 22;18(3):41-53 https://journals.iau.ir/article_690269.html
- [37] Hajkowicz S, Karimi S, Wark T, Chen C, Evans M, Rens N, Dawson D, Charlton A, Brennan T, Moffatt C, Srikumar S. Artificial intelligence: Solving problems, growing the economy and improving our quality of life. <https://apo.org.au/node/268341>
- [38] Ikeda Y, Kobayakawa M, Nakao H, Iseki F, Matsushita H. Information Technology/Artificial Intelligence Innovations Needed for Better Quality of Life in Caregiving Homes. Health Informatics: Translating Information into Innovation. 2021:37-58. https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-981-15-3781-3_3
- [39] the ground the place of artificial intelligence and its impact in urban spaces. Applied researches in technology and engineering. 1400: 51-65. [In Persian] <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1876452>
- [40] Manourian, Sadeghi, Pirannejad. The policy framework for applying artificial intelligence systems in the urban area using a hybrid approach. governmental management. 2023 Sep 23;15(3):512-52. [In Persian] https://jipa.ut.ac.ir/article_94429.html

بنا به نتایج پژوهش می‌توان بیان کرد سیاست‌گذاری‌های بخش دولتی و مدیریت شهری می‌تواند با حمایت‌ها و اعطای تسهیلات مالی به شرکت‌های فناوری موجب توسعه فناوری شود و با اجرای سیاست‌گذاری‌های درست جهت بهبود خدمات شهری، بهینه‌سازی منابع، کاهش هزینه‌ها و افزایش کارایی به تحقق شهروشمند کمک کند و با شفافیت لازم سبب افزایش اعتماد شهروندان به دولت و مدیران شهری شود. این بخش ضمن حفظ حقوق شهروندان در راستای تحقق اهداف توسعه پایدار نیز مؤثر واقع خواهد شد. در ادامه هماهنگی و همکاری بین بخش‌های دولتی، غیر دولتی و مدیریت شهری در استفاده از هوش مصنوعی می‌تواند تأثیرات مثبت زیادی بر بهره‌وری و اثربخشی این فناوری در شهرها در راستا اشتراک داده‌ها، توسعه راه‌حل‌های نوآورانه و... داشته باشد. همچنین ساماندهی وضعیت ارتباطات فراملی در سطح بین‌المللی به اشتراک تجربیات و دانش، توسعه استانداردها و قوانین، تبادل داده‌ها و منابع و تحقق همکاری بین‌المللی کمک می‌کند. از تأثیر به‌صرفه بودن و کم‌هزینه بودن امکانات هوش مصنوعی در شهرها و سازمان‌ها می‌توان به افزایش دسترسی به فناوری ضمن کاهش هزینه‌ها و بهبود کارایی و تسریع فرایند نوآوری به عبارتی توسعه راه‌حل‌های نوآورانه و ایجاد فضای رقابتی در حوزه فناوری اشاره کرد. این امر می‌تواند به توسعه فناوری‌های پیشرفته، افزایش توانایی رقابتی و جذب سرمایه‌گذاری منجر شود. هوش مصنوعی می‌تواند نقش مهمی در توسعه حکمروایی خوب شهری ایفا کند. این امر با تأثیر در تصمیم‌گیری هوشمند در یک شهر بزرگ و یا با پیش و کنترل از جمله ترافیک، مدیریت پسماندها، کنترل آلودگی هوا و آب، و پیش امنیت شهری، این فعالیت‌ها را به صورت خودکار و دقیق‌تر انجام می‌دهد. در ضمن، در زمینه ارتباطات شهروندان که می‌تواند به راحتی با سازمان‌های شهری ارتباط برقرار کرده، شکایت‌ها و پیشنهادهای خود را اعلام کنند و خدمات شهری را بهبود بخشند نیز نقش آفرین است. هوش مصنوعی در مقوله حکمروایی با پیش و پیشگیری از بحران در پیش‌بینی و برنامه‌ریزی مناسب برای مقابله با آن‌ها نیز مؤثر واقع خواهد شد. در ضمن، نتایج پژوهش حاضر با پژوهش‌های پیشین از قبیل ودا و رادو [۲۲] و استون و همکاران [۱۸] در زمینه همکاری و هماهنگی میان بخشی و بحث مدیریت توسعه شبکه‌های هوشمند انرژی هم‌راستا بوده علاوه بر آن نتایج مطالعات آشونینی و همکاران [۲۴] با توجه به بخش دولتی و سیاست‌های شهری و توسعه حکمروایی لزوم تأکید و توجه به این بخش را یادآوری شده که در این پژوهش نیز از پیشران‌های کلیدی نهایی تلقی می‌شود.

در پایان پیشنهادها زیر می‌تواند تا حدودی بستر لازم برای ارتقای کیفیت زندگی شهروندان از طریق هوش مصنوعی را فراهم کند:

- لزوم همکاری مدیریت شهری و دستگاه‌های اجرایی برای فراهم کردن زیرساخت‌های بهره‌مندی از هوش مصنوعی توسط شهروندان؛
- بهره‌گیری از هوش مصنوعی در راستای بهینه‌سازی جریان ترافیک، کاهش ازدحام و بهبود ایمنی برای عابران پیاده و وسایل نقلیه؛
- استفاده از هوش مصنوعی در پیش‌بینی و طراحی سیستم‌های واکنش اضطراری و تجزیه و تحلیل داده‌ها برای بهبود ایمنی عمومی با نظارت بر پیشگیری از وقوع جرم، آمادگی در برابر بلایا و کمک‌های پزشکی در مواقع اضطراری؛
- آموزش هوشمند و پیاده‌سازی پلتفرم‌های آموزش الکترونیکی، دوره‌های آنلاین برای بهبود دسترسی و کیفیت آموزش برای همه شهروندان بدون نظر گرفتن سن و مکان با استفاده از هوش مصنوعی؛
- ایجاد اقتصاد دیجیتال در حوزه هوش مصنوعی از طریق پلتفرم‌های تجارت الکترونیک، بازارهای آنلاین که تراکنش نقدی را کاهش دهد و فرصت کسب درآمد برای افراد ایجاد کند.

• و غیره.

- [1] Sharifi A, Khavarian-Garmsir AR, Allam Z, Asadzadeh A. Progress and prospects in planning: A bibliometric review of literature in Urban Studies and Regional and Urban Planning, 1956–2022. *Progress in Planning*. 2023 Jan 20;100740. [In Persian] <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0305900623000016>
- [2] Alderete MV. Determinants of smart city commitment among citizens from a middle city in Argentina. *Smart Cities*. 2021 Aug 6;4(3):1113-29. <https://www.mdpi.com/2624-6511/4/3/59>
- [3] Chui KT, Lytras MD, Visvizi A. Energy sustainability in smart cities: Artificial intelligence, smart monitoring, and optimization of energy consumption. *Energies*. 2018 Oct 23;11(11):2869. <https://www.mdpi.com/1996-1073/11/11/2869>
- [4] Kamel Nia R, Parnian H. Investigating the role of artificial intelligence in the social interactions of the urban space (case study: Urmia city). In 2023. the first national conference of Future Day, Future City, Tehran. <https://civilica.com/doc/1764485>
- [5] Mahor V, Rawat R, Kumar A, Garg B, Pachlasiya K. IoT and artificial intelligence techniques for public safety and security. In *Smart urban computing applications 2023* Feb 7 (pp. 111-126). River Publishers. <https://www.taylorfrancis.com/chapters/edit/10.1201/9781003373247-5>
- [6] Khan S, Paul D, Momtahan P, Aloqaily M. Artificial intelligence framework for smart city microgrids: State of the art, challenges, and opportunities. In *2018 third international conference on Fog and Mobile Edge Computing (FMEC) 2018* Apr 23 (pp. 283-288). IEEE. <https://ieeexplore.ieee.org/abstract/document/8364080>
- [7] Cugurullo F. Urban artificial intelligence: From automation to autonomy in the smart city. *Frontiers in Sustainable Cities*. 2020 Jul 30; 2: 38. <https://www.frontiersin.org/articles/10.3389/frsc.2020.00038/full>
- [8] Allam Z, Dhunny ZA. On big data, artificial intelligence and smart cities. *Cities*. 2019 Jun 1;89:80-91. <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0264275118315968>
- [9] Kassens-Noor E, Hintze A. Cities of the future? The potential impact of artificial intelligence. *AI*. 2020 May 13;12(2):12. <https://www.mdpi.com/2673-2688/12/2/12>
- [10] Artificial intelligence in the smart city (1402). [In Persian] <https://cipg.ir>
- [11] Schalkoff RJ. *Artificial intelligence engine*. McGraw-Hill, Inc.; 1990 Jan 1. <https://dl.acm.org/doi/abs/10.5555/542198>
- [12] Russell SJ, Norvig P. *Artificial intelligence a modern approach*. London; 2010. <https://www.amazon.com/Artificial-Intelligence-Modern-Approach-3rd/dp/0136042597>
- [13] Guo J, Li B. The application of medical artificial intelligence technology in rural areas of developing countries. *Health equity*. 2018 Aug 1;2(1):174-81. <https://www.liebertpub.com/doi/full/10.1089/heq.2018.0037>
- [14] Ortega-Fernández A, Martín-Rojas R, García-Morales VJ. Artificial intelligence in the urban environment: Smart cities as models for developing innovation and sustainability. *Sustainability*. 2020 Sep 23;12(19):7860. <https://www.mdpi.com/2071-1050/12/19/7860>
- [15] Yigitcanlar, T., Kankanamge, N., Regona, M., Ruiz Maldonado, A., Rowan, B., Ryu, A., Desouza, K.C., Corchado, J.M., Mehmood, R. and Li, R.Y.M., 2020. Artificial intelligence technologies and related urban planning and development concepts: How are they perceived and utilized in Australia?. *Journal of Open Innovation: Technology, Market, and Complexity*, 6(4), p.187. <https://www.mdpi.com/2199-8531/6/4/187>
- [16] Panda G, Upadhyay AK, Khandelwal K. Artificial intelligence: A strategic disruption in public relations. *Journal of Creative Communications*. 2019 Nov;14(3):196-213. <https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/0973258619866585>
- [17] Rjab AB, Mellouli S. Smart cities in the era of artificial intelligence and internet of things: promises and challenges. *Smart cities and smart governance: towards the 22nd century sustainable city*. 2021:259-88. https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-3-030-61033-3_12
- [18] Stone P, Brooks R, Brynjolfsson E, Calo R, Etzioni O, Hager G, Hirschberg J, Kalyanakrishnan S, Kamar E, Kraus S, Leyton-Brown K. Artificial intelligence and life in 2030: the one hundred year study on artificial intelligence. *arXiv preprint arXiv:2211.06318*. 2022 Oct 31. <https://arxiv.org/abs/2211.06318>
- [19] Efthymiou IP, Egleton TE. Artificial Intelligence for Sustainable Smart Cities. In *Handbook of Research on Applications of AI, Digital Twin, and Internet of Things for Sustainable Development 2023* (pp. 1-11). IGI Global. <https://www.igi-global.com/chapter/artificial-intelligence-for-sustainable-smart-cities/318843>
- [20] Kamal Jain P. A review study on urban planning & artificial intelligence. *International journal of soft computing & engineering*. 2011;1(5):101-4. <https://www.researchgate.net/publication/266738470>
- [21] Navarathna PJ, Malagi VP. Artificial intelligence in smart city analysis. In *2018 International conference on smart systems and inventive technology (ICSSIT) 2018* Dec 13 (pp. 44-47). IEEE. <https://ieeexplore.ieee.org/abstract/document/8748476>
- [22] Voda AI, Radu LD. How can artificial intelligence respond to smart cities challenges?. In *Smart Cities: Issues and Challenges 2019* Jan 1 (pp. 199-216). Elsevier. <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/B9780128166390000120>
- [23] Yigitcanlar T, Cugurullo F. The sustainability of artificial intelligence: An urbanistic viewpoint from the lens of smart and sustainable cities. *Sustainability*. 2020 Oct 15;12(20):8548. <https://www.mdpi.com/2071-1050/12/20/8548>
- [24] Ashwini BP, Savithamma RM, Sumathi R. Artificial Intelligence in Smart city applications: An overview. In *2022 6th International Conference on Intelligent Computing and Control Systems (ICICCS) 2022* May 25 (pp. 986-993). IEEE. <https://ieeexplore.ieee.org/abstract/document/9788152>
- [25] Dash B, Sharma P. Role of artificial intelligence in smart cities for information gathering and dissemination (a review). *Academic Journal of Research and Scientific Publishing*. 2022 Jul 5;4(39). https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=4335352
- [26] Samsurijan MS, Ebekozen A, Azazi NA, Shaed MM, Badaruddin RF. Artificial intelligence in urban services in Malaysia: a review. *PSU Research Review*. 2022 Mar 3 (ahead-of-print). <https://www.emerald.com/insight/content/doi/10.1108/prr-07-2021-0034/full/html>
- [27] Mashhad Municipality. Mashhad urban area information. 2018, Mashhad: Mashhad Municipality. [In Persian] Available from: <https://new.mashhad.ir>
- [28] Advisors of the Municipality of Etminan Sharq. 17 districts of Mashhad (not implemented yet) 2023. [In Persian] <https://www.mashhad-city.ir/17-mantaghe>
- [29] Information and Communication Technology Organization (FAVA), Mashhad Municipality, 2021. [In Persian] <https://fava.mashhad.ir>
- [30] Anabestani A, Hoseini SP. Analysis of Key Drivers Affecting the Acceptance of Community-based Tourism in Rural Settlements with a Futuristic Approach (Case Study: Shirvan County). *Geography & Development Iranian Journal/Jughrafiyā va Tusiāh*. 2022 Jan 1. [In Persian] https://gdij.usb.ac.ir/article_6531.html
- [31] Sasanpour A. Urbanization Bubble in Tehran Metropolis. Tehran:

to collect data. 54 interviews were conducted with residents and officials. Then, the coding method was used for data analysis.

Findings

Theoretical studies and research background show that the causes of urban shrinkage in the world can be found in the dimensions of globalization, economic decline and deindustrialization, political decisions and reclassification of cities, environmental issues, physical issues (access to services and infrastructures), demographic changes can be categorized due to the decrease in the birth rate or the increase in the death rate. To find out the causes of urban shrinkage in Arkavaz, residents, managers, and officials of the city and province were interviewed. The residents over 25 years old who have lived for at least 5 years have been selected for the interview. The officials of Arkavaz City were selected from people with a history of living and working in the municipality of this city and the governorate of Ilam. The concepts extracted from the interviews to identify the factors affecting the urban shrinkage in Arkavaz were initially 63, and by merging some of them and removing some others to avoid repetition during the interview, 40 concepts became the basis of the work. These concepts were categorized into 5 main categories. 12 concepts were placed in the "physical category", 12 concepts in the "economic category", 5 concepts in the "social category", 6 concepts in "political category", and 5 concepts in the "environmental" category. The physical category consisted of the lack of educational facilities, lack of medical facilities, lack of recreational facilities, lack of banking services, lack of access to fast transportation systems, lack of sports facilities, lack of suitable housing, lack of technological infrastructure, poor quality of existing educational and medical facilities, and lack of urban facilities. Lack of employment opportunities, lack of local markets, market stagnation, low level of incomes, lack of investment opportunities, lack of jobs corresponding to

the higher education level of young people, lack of municipal budget, the impossibility of progress, poverty, and lack of jobs, the low employment rate of women, low income, lack of industry and factory were among the concepts mentioned by the interviewees and were included in the economic category. In the environmental category, the concepts of lack of water resources, even in the drinking water sector, lack of drinking water and its low quality, weather conditions, and fine dust were mentioned. The concepts of tension-causing border points, inattention of officials of border cities, unfulfilled promises of officials, change of political boundaries (turning of Arkavaz into a district), country management, and lack of attention to border areas, and lack of government facilities were included in the political category. Finally, in the social category, the movement of the population towards old age, the feeling of insecurity, the reluctance of young people to have children, the reluctance of young people to engage in agriculture due to low economic efficiency despite a lot of hard work, and the lack of hope for the future of young people to improve the situation in Arkavaz were mentioned.

Conclusion

The findings of this research showed that the factors of urban shrinkage in Arkavaz City can be categorized into different physical, economic, environmental, political, and social dimensions. In this research, based on the repetition of the concepts mentioned in the interviews, the extracted concepts of the urban shrinkage phenomenon in Arkavaz were prioritized. Concepts in the economic dimension, such as lack of jobs and poverty, low levels of income, the impossibility of progress, and the environmental dimension, including the quality of drinking water and water supply sources, have had the greatest impact on the urban deterioration of Arkavaz.

COPYRIGHTS

©2022 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.



HOW TO CITE THIS ARTICLE

Adeli Z. Pirasteh A. Analyzing the Concept of Urban Shrinkage and the Factors Affecting its Formation (Case Study: Arkavaz City, Ilam Province). Urban Economics and Planning Vol 5(1):22-39. [In Persian]

DOI: 10.22034/UEP.2024.440680.1458



Analyzing the Concept of Urban Shrinkage and the Factors Affecting its Formation (Case Study: Arkavaz City, Ilam Province)

Original Article

Zainab Adeli¹, Azin Pirasteh^{2*}

1- Assistant Professor of the Department of Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Imam Khomeini International University

2- Master Student in Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran

ARTICLE INFO

Article History

Received: 2024-01-29

Revised: 2024-04-20

Accepted: 2024-05-02

Keywords

Arkavaz

City Decline

Qualitative Method

Urban Shrinkage

ABSTRACT

Introduction

One of the most fundamental challenges related to the growth and development of cities in recent years is the phenomenon of urban shrinkage. There are various reasons for this phenomenon due to the different political, social, and economic situations of cities in the world. Most of the studies conducted in this field show that one of the main reasons for urban shrinkage is the loss of the population and the shrinking of cities. Urban shrinkage was first used in the late 1990s to describe housing vacancies and depopulation that were experienced in post-socialist East German cities. The term urban shrinkage was first proposed by German researchers to refer to cities that suffered population decline and economic losses due to industrialization. The purpose of this research is to review the theoretical literature related to urban shrinkage, summarize the indicators of this phenomenon, and finally investigate the reasons for the occurrence of this phenomenon in the border city of Arkavaz in Ilam province. Arkavaz is one of the border towns of Ilam province. Arkavaz is located 43 km south of Ilam City, 75 km northeast of Mehran, and 180 km northwest of Pol Dokhtar. This city has emerged from the merger of 7 villages named Qaladara, Workbod, Khushnamabad, Shahrak, Ban Babakhan, Mansoorabad, and Darab, and according to the 2015 census, its population is 11,977. The occupations of the residents of this city are mostly agriculture and animal husbandry. The trend of population changes in this city shows that in 1345, the population of Arkavaz was 369, which reached 1308 people with a growth rate of 13.5% in 1355. The population of this city in 1365 was 7413, and its growth rate during the period 65-55 was equal to 18.9%, reaching out to 10654 people in 1375, the growth rate during the period 75-65 was equal to 3.7%, and in 1385, with a population of 14,334, the city's growth rate in this decade reached 10.3%. It should be noted that the population growth of Arkavaz in 1955 and 1965 was not related to the natural growth of the city's population or migration to Arkavaz, but it was related to the population of the settlements that were annexed to the city and merged to Arkavaz. From 1385 to 1395, the growth rate of this city was negative and equal to -0.01. According to these statistics, this city is experiencing the phenomenon of population decline and urban shrinkage.

Materials and Methods

The method of conducting this research is qualitative. In this way, using the qualitative content analysis method has tried to identify the factors and driving forces of urban shrinkage in Arkavaz-city in Ilam province. Semi-structured interviews with people and city officials were used separately

* Corresponding author: a.pirasteh@edu.ikiu.ac.ir

واکاوی مفهوم انقباض شهری و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن (نمونه موردی: شهر ارکواز استان ایلام)

مقاله پژوهشی

زینب عادل؛ آذین پیراسته*

۱- استادیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران
 ۲- دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

چکیده

مقدمه

از اساسی‌ترین چالش‌های مرتبط با رشد و توسعه شهرها در سال‌های اخیر، پدیده انقباض شهری است که با توجه به موقعیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شهرهای مختلف جهان، دلایل مختلفی برای شکل‌گیری آن وجود دارد. اکثر بررسی‌های صورت‌گرفته در این زمینه نشان می‌دهد یکی از دلایل عمده به وجود آمدن پدیده انقباض شهری، از دست رفتن جمعیت و کوچک شدن شهرها است. انقباض شهری برای اولین بار در پایان دهه ۱۹۹۰ برای اذعان عمومی به صنعتی شدن گسترده، خالی بودن مسکن و کاهش جمعیت تجربه شده در شهرهای آلمان شرقی پاساوسالیستی مورد استفاده قرار گرفت. در واقع اصطلاح انقباض شهری اولین بار توسط محققان آلمانی برای اشاره به شهرهایی که دچار کاهش جمعیت و زیان اقتصادی ناشی از صنعتی شدن بودند، پیشنهاد شد. هدف از این پژوهش، بررسی ادبیات نظری مرتبط با پدیده انقباض شهری، جمع‌بندی شاخص‌های مطرح در این پدیده و در نهایت بررسی این شاخص‌ها و علل رخداد این پدیده در استان ایلام و شهر مرزی ارکواز در این استان است.

ارکواز یکی از شهرهای مرزی استان ایلام و در فاصله ۴۳ کیلومتری جنوب شهر ایلام و ۷۵ کیلومتری شمال شرقی مهران و ۱۸۰ کیلومتری شمال غربی پل دختر است. این شهر از ادغام ۷ روستا به نام‌های قلعه‌دره، ورکبود، خوشنام‌آباد، شهرک، بان باباخان، منصورآباد و داراب پدید آمده است و براساس سرشماری آمار سال ۱۳۹۵، ۱۱۹۷۷ نفر جمعیت دارد.

شغل اهالی این شهر بیشتر کشاورزی و دامداری است. روند تحولات جمعیت در این شهر نشان می‌دهد در سال ۱۳۴۵، جمعیت ارکواز معادل ۳۶۹ نفر بوده که با نرخ رشدی برابر ۱۳/۵ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۱۳۰۸ نفر رسیده است. جمعیت این شهر در سال ۱۳۶۵ برابر ۷۴۱۳ نفر بوده که نرخ رشد آن طی دوره ۱۳۵۵-۱۳۶۵ معادل ۱۸/۹ درصد بوده و در سال ۱۳۷۵ به ۱۰۶۵۴ نفر رسیده است که نرخ رشد این دوره (۱۳۶۵-۱۳۷۵) نیز به ۳/۷ برابر ۳/۷ درصد رسیده است. درخور یادآوری است که رشد جمعیت ارکواز در سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ مربوط به رشد طبیعی جمعیت شهر و یا مهاجرت به شهر ارکواز نبوده، بلکه مربوط به جمعیت‌آبادی‌هایی است که به شهر الحاق شده و شهر ارکواز را تشکیل داده‌اند. اما از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۹۵ نرخ رشد این شهر منفی و برابر ۰/۰۱- بوده است. با توجه به آمار یادشده این شهر در حال تجربه پدیده کاهش جمعیت و انقباض شهری است.

مواد و روش‌ها

روش انجام این پژوهش به صورت کیفی است، به این صورت که تلاش شده است با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی، عوامل و پیشران‌های حاکم بر انقباض شهری شهر ارکواز در استان ایلام

اطلاعات مقاله

تاریخ‌های مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۹
 تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۲/۰۱
 تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۳

کلمات کلیدی

ارکواز
 انقباض شهری
 روش کیفی
 زوال شهرها

کمیود فرصت شغلی، کمیود بازارهای محلی، رکود بازار، سطح پایین درآمدها، نبود فرصت‌های سرمایه‌گذاری، کمیود شغل متناسب با سطح تحصیلات بالاتر جوانان، کمیود بودجه شهرداری، عدم امکان پیشرفت، فقر و کمیود شغل، میزان اشتغال پایین زنان، درآمد پایین، نبود صنعت و کارخانه از مفاهیمی بود که مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره کرده بودند و در مقوله اقتصادی قرار گرفتند.

در مقوله زیست‌محیطی به مفاهیم کمیود منابع آبی حتی در بخش آب شرب، کمیود آب شرب و کیفیت پایین آن، وضعیت آب‌وهوا و ریزگردها اشاره شد. مفاهیم تنش‌زا بودن نقاط مرزی، بی‌توجهی مسئولان شهرهای مرزی، وعده‌های محقق‌نشده مسئولان، تغییر مرزهای سیاسی (تبدیل شدن ارکواز به بخش)، مدیریت کشور و بی‌توجهی به نواحی مرزی و توجه صرف به مرکز و کمیود امکانات دولتی در مقوله سیاسی قرار گرفتند. در نهایت در مقوله اجتماعی به حرکت جمعیت به سمت سالخوردگی، احساس عدم امنیت، عدم تمایل جوانان به فرزندآوری، عدم تمایل نیروی جوان به کشاورزی به دلیل بازدهی اقتصادی پایین به‌رغم زحمت زیاد، عدم امید به آینده جوانان جهت بهبود وضعیت در ارکواز اشاره شد.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان داد عوامل انقباض شهری در شهر ارکواز را می‌توان در ابعاد مختلف کالبدی، اقتصادی، محیط زیستی، سیاسی و اجتماعی دسته‌بندی کرد. در این پژوهش براساس تکرار مفاهیم یادشده در مصاحبه‌ها، مفاهیم و مقولات استخراج‌شده در بررسی علل پدیده انقباض شهری در ارکواز اولویت‌بندی شدند. مقولات وابسته به بعد اقتصادی از جمله کمیود شغل و فقر، سطح پایین درآمدها، عدم امکان پیشرفت و بعد محیط زیستی شامل کیفیت آب شرب و منابع تأمین آب بیشترین تأثیر را بر زوال شهری ارکواز داشته‌اند.

شناسایی شوند. برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با مردم و مسئولان شهری به صورت جداگانه استفاده شده و در مجموع ۵۴ مصاحبه از ساکنان و مسئولان صورت گرفته و از روش کدگذاری برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است.

یافته‌ها

بررسی‌های نظری و پیشینه پژوهش نشان داد علل بروز پدیده انقباض شهری در جهان را می‌توان در ابعاد جهانی شدن، زوال اقتصادی و صنعت‌زدایی، تصمیمات سیاسی و طبقه‌بندی مجدد شهرها، مسائل محیط زیستی، مسائل کالبدی (دسترسی به خدمات و زیرساخت‌ها) و تغییرات جمعیتی به دلیل کاهش میزان مولد یا افزایش مرگومیر، دسته‌بندی کرد. برای دستیابی به علل وقوع پدیده انقباض شهری در ارکواز با ساکنان، مدیران و مسئولان شهر و استان مصاحبه شد. جهت مصاحبه، افراد از میان ساکنان بالای ۲۵ سال که سابقه سکونت حداقل ۵ سال داشته‌اند برای مصاحبه انتخاب شدند. مسئولان شهر ارکواز از میان افراد با سابقه سکونت و اشتغال در شهرداری این شهر و استانداری ایلام انتخاب شدند.

مفاهیم استخراج‌شده از مصاحبه‌ها به منظور شناسایی عوامل مؤثر بر پدیده انقباض شهری در ارکواز ابتدا ۶۳ مورد بود که با ادغام بعضی از آن‌ها و همچنین حذف تعداد دیگری به علت عدم تکرار طی مصاحبه، ۴۰ مفهوم مبنای کار قرار گرفت. این مفاهیم در قالب ۵ مقوله اصلی دسته‌بندی شدند. ۱۲ مفهوم در «مقوله کالبدی»، ۱۲ مفهوم در «مقوله اقتصادی»، ۵ مفهوم در «مقوله اجتماعی»، ۶ مفهوم مرتبط با «مقوله سیاسی» و ۵ مفهوم در مقوله «زیست‌محیطی» قرار گرفتند.

در مقوله کالبدی مفاهیم کمیود امکانات آموزشی، کمیود امکانات درمانی، کمیود امکانات تفریحی، کمیود خدمات بانکی، عدم دسترسی به سیستم‌های حمل‌ونقلی سریع، کمیود امکانات ورزشی، کمیود مسکن مناسب، کمیود زیرساخت‌های فناورانه، کیفیت سطح پایین امکانات آموزشی و درمانی موجود و نبود امکانات شهری به‌رغم تبدیل شدن از روستا به شهر، قرار دارند.

مقدمه

ساختارهای شهری همواره دستخوش تحولات مداوم هستند و تحت تأثیر اثرات خارجی و عوامل داخلی، نوعی از زندگی شهری را تشکیل می‌دهند؛ که به طور مستمر بر یکدیگر اثر می‌گذارند و یک زنجیره پیچیده از فعل و انفعالات متقابل را شکل می‌دهند [۳-۱]. طی سه دهه گذشته شهرهای بزرگ تغییرات جمعیتی بالایی داشته‌اند. برخی از این شهرها جمعیتشان به سرعت در حال رشد است و برخی دیگر جمعیت خود را از دست داده‌اند [۴]. جذابیت شهرها به عنوان مکان‌هایی برای زندگی، جابجایی جمعیت به داخل یا خارج از آن‌ها را تعیین می‌کند. جاذبه‌های یک شهر نیز می‌تواند شامل جنبه‌های اقتصادی، در دسترس بودن امکانات رفاهی و ساختارهای روان‌شناختی باشد، که درک این ویژگی‌ها برای دولت‌های محلی در شهرهایی که با کاهش جمعیت مواجه هستند، امری ضروری و اساسی است [۵]. امروزه بسیاری از شهرهای دنیا با کاهش جمعیت مواجه هستند، که از آن به عنوان انقباض شهری یاد می‌شود که به عنوان از دست دادن جمعیت و تحول اقتصادی با علائم یک بحران ساختاری تعریف می‌شود و از نیمه دوم قرن بیستم در حال تبدیل شدن به یک مسیر رایج تغییر و تحول برای بسیاری از شهرها در سراسر جهان است [۶]. کاهش جمعیت در شهرها ناشی از تحولات هر یک از عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی، کاهش نرخ باروری، مهاجرت، کمبود فرصت‌های شغلی، حومه‌سازی و نظایر آن است که با اثرات مختلفی همچون کاهش رونق اقتصادی، بیکاری و فقر، کمبود نیروی کار، از دست رفتن سرمایه اجتماعی، رد نامتوازن جمعیت در سازمان فضایی شهر، خانه‌های خالی از سکنه و زمین‌های ساخته نشده در بافت داخلی شهر و غیره همراه است [۸-۱۰]. انقباض شهری ناشی از فعل و انفعالات خاص در فرایندهای کوچک در سیستم‌های اقتصادی، جمعیتی یا مسکونی، خطرات زیست‌محیطی و تغییرات در سیستم‌های سیاسی یا اداری یک شهر است [۱۱-۱۳]. محققان در سراسر جهان مطالعات زیادی درباره عوامل تعیین کننده برای پدیده انقباض شهری انجام داده‌اند، که در این مطالعات از دست دادن جمعیت به طور گسترده به عنوان شاخص اصلی انقباض شهری شناخته می‌شود [۱۴]. با این وجود، انقباض شهری یک مجموعه چندبعدی است که شامل فرایندهای جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی و اثرات هریک از آن‌ها است [۱۵]. همچنین عوامل انقباض شهری بسیار فراوان و پیچیده و دارای ویژگی‌های متفاوتی هستند که به شرایط ملی، منطقه‌ای و محلی بستگی دارند [۱۶]. علل انقباض شهری نیز در کشورهای مختلف، به دلیل ناهمگنی بافت نهادی و اقتصادی متفاوت است [۱۷ و ۱۸]. با این حال این پدیده یک روند خود تشدیدکننده دارد و در بیشتر شهرهایی که این فرایند را تجربه می‌کنند، مشاهده می‌شود [۱۹]. بین سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۹۰ میلادی یک شهر از هر شش شهر در جهان به پدیده انقباض دچار شد، به طوری که در دهه ۱۹۹۰ میلادی، بیش از یک چهارم شهرها جمعیت خود را از دست داده بودند [۲۰]. در واقع انقباض شهری همواره در سرتاسر جهان اتفاق می‌افتد، ولی زمینه، دلایل و اثرات ناشی از آن‌ها متفاوت بوده و به همین جهت تا کنون تعریف واحدی از آن به دست نیامده است. با این وجود اکثر تعاریف بیان شده در متون نظری بر روند از دست دادن جمعیت در این مفهوم تأکید دارند [۲۱ و ۲۲]. کوچک شدن و کاهش جمعیت در شهرها، نتیجه جهانی شدن و اثرات آن از نظر جابجایی صنعت و متروپولی شدن است. با این حال دلایل پدیده انقباض شهری در شهرهای کشورهای مختلف جهان متفاوت است. برای مثال در برخی کشورها، توزیع جدید ساختارهای اقتصادی به تراکم جمعیت در برخی مناطق و کاهش جمعیت در برخی از دیگر نواحی آن منجر شده است. در برخی دیگر از کشورها نیز، مانند فرانسه و بریتانیا، تحول سیستم‌های تولیدی محلی به قطبی شدن فضاهای منطقه‌ای و عدم تعادل رو به رشد در میان قلمروهای شهری منجر شده است [۲۳]. در کشورهای اروپایی، عمده دلایل مربوط به پدیده انقباض شهری، مربوط به صنعت‌زدایی است [۲۴]. حومه‌گرایی نیز موجب نوع خاصی از انقباض شهری می‌شود. این پدیده هنگامی رخ می‌دهد

که ساکنان محلی از شهر اصلی به سمت مکان‌های حاشیه‌ای حرکت می‌کنند و در منطقه شهری پراکنده می‌شوند [۲۵]. به طور کلی در بیشتر کشورهای توسعه یافته و مرفه جهان، پدیده انقباض شهری مربوط به حومه‌گرایی است، اما در کشورهای در حال توسعه عمده دلایل مرتبط با انقباض شهری، رکورد اقتصادی است.

کشور ایران که کشوری در حال توسعه است، در سال‌های اخیر طبق بررسی سرشماری‌های سازمان آمار و بررسی تغییرات جمعیتی در شهرها، پدیده انقباض شهری را در شهرهای کوچک خود، تجربه کرده است. رکود اقتصادی، از بین رفتن امکانات رفاهی و خدماتی در برخی شهرهای کوچک کشور ایران، پدیده انقباض شهری را رقم زده است. طبق بررسی‌های آماری سال‌های اخیر، استان ایلام، به لحاظ آمار جمعیتی، پایین‌ترین نرخ رشد جمعیت در کشور را دارد [۲۶]. طبق بررسی‌های صورت گرفته از تغییرات جمعیتی در براساس داده‌های آماری سازمان آمار، شهر اروکواز در استان ایلام با نرخ رشد ۰/۰۱- به عنوان نمونه موردی در این پژوهش انتخاب شده است. هدف از این پژوهش، بررسی ادبیات نظری مرتبط با پدیده انقباض شهری، جمع‌بندی شاخص‌های مطرح در این پدیده و در نهایت بررسی این شاخص‌ها و علل رخداد این پدیده در استان ایلام و شهر مرزی اروکواز در این استان است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

انقباض شهری برای اولین بار در پایان دهه ۱۹۹۰ برای اذعان عمومی به صنعتی شدن گسترده، خالی بودن مسکن و کاهش جمعیت تجربه شده در شهرهای آلمان شرقی پاسوسیالیستی مورد استفاده قرار گرفت [۲۷]. در واقع اصطلاح انقباض شهری اولین بار توسط محققان آلمانی برای اشاره به شهرهایی که از جمعیت و زیان اقتصادی ناشی از صنعتی شدن رنج می‌برند، پیشنهاد شد [۲۸]. اصطلاح انقباض شهری اوایل دهه ۲۰۰۰ از طریق پروژه‌های شهرهای در حال کوچک شدن بنیاد فرهنگی فدرال آلمان مورد توجه محافل دانشگاهی و رسانه‌ای قرار گرفت و آگاهی از خالی شدن شهرها در جهان شمال را افزایش داد [۲۹]. محققان بسیاری بر سر تعریف انقباض شهری با چالش‌های متعددی مواجه شدند، اما کاهش جمعیت را عامل اصلی کوچک شدن شهرها و پدیده انقباض شهری مطرح کردند. در نهایت محققان مختلف جهان تصمیم گرفتند که انقباض شهری و کوچک شدن شهرها را به عنوان نرخ منفی تغییر سالانه جمعیت در یک دوره زمانی تعریف کنند [۳۰ و ۳۱]. انقباض شهری نتیجه هم‌پوشانی پیچیده عواملی است که پدیده‌ای را توصیف می‌کند که از نظر کمی و کیفی خود را در یک شهر یا بخش‌هایی از آن نشان می‌دهد. به طور کلی چهار نوع انقباض می‌تواند در یک شهر پدید آید که عبارتند از: انقباض اجتماعی-فرهنگی که بیشتر به بسته شدن امکانات شهری مانند تئاتر، سینما، باشگاه‌های ورزشی، خانه‌های فرهنگی و اجتماعی اشاره دارد. انقباض فیزیکی که می‌توان آن را از طریق تخریب ساختمان‌های تاریخی، فضاهای متروکه و تخریب بیشتر از ساخت‌وساز جدید مشاهده کرد. انقباض اقتصادی که خود را در کمبود اشتغال و کاهش ارزش املاک و مستغلات نشان می‌دهد و در نهایت انقباض جمعیتی که به معنای کاهش جمعیت در یک دوره خاص است [۳۲]. انقباض شهری ناشی از تعامل خاص فرایندهای کلان در سیستم‌های اقتصادی، جمعیتی یا مسکونی، خطرات زیست‌محیطی و تغییرات در سیستم‌های سیاسی یا اداری است [۱۲ و ۱۳]. فرایندهای فعلی تعیین‌کننده انقباض شهری نیز به شکل افول صنایع سنتی پدیدار می‌شوند، کاهش جمعیتی که به صورت بحران‌های عمومی اقتصادی، بیکاری و مهاجرت به سایر مناطق پررونق می‌شود. همچنین حاشیه‌نشینی بی‌رویه به ترک شهر توسط ساکنان منجر می‌شود. هر دو فرایند اغلب به سرعت باعث افزایش سن جمعیت باقی‌مانده و در نتیجه کاهش بیشتر جمعیت می‌شود [۳۳-۳۴]. انقباض شهری پدیده جدیدی نیست، تا جایی که پیش‌تر طی بحران‌های اقتصادی جنگ‌ها، انقلاب‌ها و دگرگونی‌های سیستمی یا فاجعه‌های همه‌گیر و خطرناک همراه با تلفات جمعیت، رخ داده است [۳۷] و تحت عنوان «زوال شهری» به معنای تغییرات گسترده در سازمان

انقباض شهری تا حد زیادی می‌تواند بر کیفیت زندگی شهری تأثیر بگذارد [۴۰]. در حالی که وقوع انقباض شهری نسبتاً جهانی است، عوامل تعیین‌کننده آن پنهان هستند و از الگوهای جهانی پیروی نمی‌کنند، در بسیاری از کشورهای جهان این پدیده نتیجه تغییرات جمعیتی است، در حالی که در بسیاری دیگر از کشورهای مختلف جهان، ناشی از مهاجرت‌های گسترده ناشی از اشتغال است [۴۱]. به طور کلی کاهش جمعیت شهری و از دست دادن فرصت‌های شغلی ارتباط نزدیکی با یک مارپیچ نزولی دارند که به مهاجرت جمعیت منجر می‌شود [۴۲]. در ادامه در جدول ۱ پیامدهای انقباض شهری همراه با تبیین مسائل اجتماعی آن‌ها آورده شده است.

فضایی مناطق شهری مورد بحث قرار گرفته است [۳۸]. از دیدگاه هگر اصطلاح انقباض شهری در واقع نوعی روند مقابله طبیعی از رشد یا کاهش منفی است [۹]. پدیده انقباض شهری به معنای کاهش جمعیت در بخش‌های بزرگی از یک منطقه شهری پرجمعیت (حداقل ۰/۱۵ درصد برای ۵ سال) و دگرگونی‌های اقتصادی است [۳۹]. انقباض شهری به عدم تطابق عرضه و تقاضای فضا و زیرساخت در شهرها منجر می‌شود. در این راستا انقباض شهری می‌تواند به پیکربندی یا تغییر شکل ساختارها یا الگوهای کاربری اراضی شهری، ایجاد فضای خالی و کاهش انسجام در محله‌های آسیب‌دیده بینجامد و امکان توزیع مجدد خانوار براساس ترجیحات فعلی مسکن به دلیل هزینه‌های پایین مسکن در مکان‌های مطلوب شهری را فراهم کند. بنابراین

جدول ۱. پیامدهای انقباض شهری همراه با تبیین مسائل اجتماعی آن‌ها [۱۳]

پیامدهای انقباض شهری	مسائل اجتماعی
کاهش تراکم	کاهش جمعیت به کاهش تراکم مسکونی، تجاری و دیگر کاربری‌های زمین منجر می‌شود.
افزایش فضاهای خالی مسکونی و تجاری	کاهش تقاضا به مازاد عرضه و استفاده کم از مسکن و سهام تجاری منجر می‌شود.
استفاده از زیرساخت‌ها	کاهش تراکم به کاهش تقاضا و استفاده کمتر و یا حتی تخریب زیرساخت‌هایی مانند مدارس، پادگان‌ها، حمل‌ونقل عمومی و غیره منجر می‌شود.
افزایش اراضی بدون استفاده شهری	پیامدهای کاهش تقاضا و استفاده کم از زمین‌های شهری ساخته‌شده و ساخته‌نشده می‌تواند موجب به وجود آمدن بیابان شهری شود.
تخریب سازه‌های شهری	تخریب، رهاسازی و استفاده کمتر به انحلال خیابان یا شبکه بلوکی یک شهر یا منطقه شهری منجر می‌شود.
تغییر ساختارهای جمعیتی-اجتماعی	تلفات جمعیتی و مهاجرت‌گزینشی به پیری و تغییر ساختارهای خانوار منجر می‌شود.
کامبود بازار کار محلی	کاهش اشتغال به افزایش زمین‌های پسا صنعتی و کاهش تقاضا برای زمین‌های برای مصارف اقتصادی و تجاری منجر می‌شود.
افزایش پراکندگی اجتماعی-فضایی و تفکیک مسکونی	مهاجرت‌گزینشی به یک ساختار اجتماعی-اقتصادی مبهم از ساکنان و تمرکز جمعیت محروم در مناطق محروم با کامبود شدید مسکن منجر می‌شود.
تغییر در تحرک مسکن در شهر و منطقه آن	عرضه بیش از حد مسکن در ترکیب با هزینه‌های متوسط مسکن به تحرک بیشتر مسکن و انتخاب بیشتر برای گروه‌های مختلف مسکونی منجر می‌شود.
کاهش بودجه شهرداری	کاهش درآمدهای مالیاتی در نتیجه کاهش جمعیت در بسیاری از موارد به افزایش هزینه‌ها و افزایش وابستگی به پول خارجی منجر می‌شود.

شهری را رقم زد. به گفته بری کوچک شدن شهرها، بخش جدایی‌ناپذیر از توسعه شهری بود؛ بنابراین، به طور شبه‌جهانی به کاهش اجتناب‌ناپذیر جمعیت در هسته مرکزی و شروع گسترش شهری در حاشیه شهرها اشاره دارد [۴۳]. در ادامه ابعاد و شاخص‌های انقباض شهری بررسی شده در مقالات مختلف در جدول ۲ آورده شده است.

کاهش جمعیت و رکود اقتصادی موضوع اصلی طیف گسترده‌ای از نظریه‌پردازی‌های شهری از اواخر دهه ۱۹۷۰ بوده است. آنچه امروز تحت عنوان «انقباض شهری» مورد توجه قرار گرفته است، عمدتاً در مرحله «ضد شهرسازی» اتفاق می‌افتد. این امر به عنوان نتیجه‌ای از کاهش ارزش سهام درون شهرها توضیح داده شد که همراه با ازدحام بیش از حد، به مهاجرت درون شهر و در نتیجه باعث کاهش جمعیت در هسته شهر منجر شد و پدیده انقباض

جدول ۲. ابعاد و شاخص‌های انقباض شهری بررسی شده در منابع مختلف، براساس منابع یادشده در جدول

ابعاد	شاخص‌ها	نویسنده/گان
اقتصادی	کشاورزی	[۴۴]
	صنعت	
	خدمات	
	انواع سپرده نزد بانک‌ها	
	تولید ناخالص داخلی	
	شاغلین صنعت، خدمات	

نویسنده/گان	شاخص‌ها	ابعاد	
[۴۴]	طرح واحدهای صنعتی	اقتصادی	
	تغییر سهم اشتغال		
[۱۹]	پایه‌های مالیاتی		
[۳۹] [۴۵]	جذب سرمایه‌گذار		
	کسری بودجه شهرداری		
	وابستگی به بودجه‌های خارجی		
[۴۶]	نرخ بیکاری		
[۴۵]	رقابت‌پذیری		
	ایجاد اقتصاد دانش‌بنیان		
[۴۷]	سرمایه‌گذاری‌های دولتی و خصوصی		
[۴۴]	حومه‌گرایی		کالبدی
	زیرساخت و امکانات (خدمات گردشگری، خدمات فرهنگی، فضاهای ورزشی)		
[۴۸]	نفوذناپذیری سازه‌های کاربری‌های		
	ناپایداری سازه‌های کاربری‌ها		
	دسترسی فیزیکی به خدمات شهری		
	ارزش اقتصادی زمین		
	عرض معابر		
	سیمای مطلوب (نشانه‌های و ارزش‌های بصری)		
	خوانایی		
	هویت		
	حس مکان		
[۱۳]	مسکن اجتماعی		
	بافت فرسوده شهری		
[۱۹]	طراحی ضعیف		
	خانه‌های خالی		
[۳۷] [۱۳]	خانه‌های فرسوده		
[۴۹] [۱۳]	زمین‌های قهوه‌های شهری		
[۳۹]	تخریب تأسیسات و فضاهای عمومی		
	وضعیت نابسامان مسکن		
	زیرساخت‌های فیزیکی (تأسیسات زیربنایی و فراصنعتی)		
[۴۶]	حفظ بناهای تاریخی		
	حفاظت از مراکز تاریخی شهر		
	بازسازی مراکز شهری و مراکز محله‌ای		

نویسنده/گان	شاخص‌ها	ابعاد
[۴۴]	توسعه انسانی	اجتماعی-جمعیتی
[۱۳]	کاهش جمعیت	
[۱۹]	فقر	
[۳۹]	نرخ تولد و زادوولد پایین	
	مشوق‌های مهاجرت	
	پیری جمعیت	
[۵۰]	کاهش بعد خانوار	
[۵۰]	مهاجرت در مناطق محروم روستایی	
[۴۴]	سرمایه طبیعی	زیست‌محیطی
[۴۸]	آلودگی هوا	
[۴۴]	سهم اعتبارات	سیاسی
[۵۰]	فروپاشی نظام سیاسی	
		ناآرامی‌های سیاسی
[۴۸]	خروج ساکنان از محلات	اجتماعی-اقتصادی
	تماس‌های طبقاتی و تعاملات اجتماعی	
	بهره‌وری سیستم‌های زیرساختی	
	هزینه تأمین زیرساخت‌های جدید	

پیشینه پژوهش

هاس و رینک [۵۵] مدلی اکتشافی برای مفهوم‌سازی و ادغام فرایندهای تاریخی در ادبیات نظری شهرهای در حال انقباض ارائه کردند. آن‌ها تأکید کردند که انقباض شهری پدیده‌ای وابسته به زمینه و زمان است. نل و همکاران [۵۶] شرایط، گفتمان‌ها و سیاست‌های مربوط به انقباض شهرها در آلمان را طی چهار دهه گذشته بررسی کردند. آن‌ها ادعا کردند در حالی که بحث‌های آکادمیک در مورد انقباض شهرها در دهه ۲۰۰۰ آغاز شده، از دهه ۲۰۱۰ به لطف افزایش پروژه‌ها و انتشارات تحقیقاتی بین‌المللی، این مفهوم به سرعت تکامل یافته است. دورینگر و همکاران [۱۸] یک متاآنالیز کیفی از مطالعات انجام‌شده در زمینه انقباض شهری در اروپا و ژاپن انجام دادند که یکی از معدود مقاله‌های مروری سیستماتیک در این زمینه است. آن‌ها دریافتند که تمرکز تحقیقات انقباض شهری از موضوع علل و پیامدهای این پدیده به موضوع سیاست و حکمرانی در خصوص این شهرها تغییر کرده است. در نهایت خاوریان گرمسیر [۵۸] در پژوهش خود با عنوان «بررسی سیستماتیک ادبیات شهرهای در حال انقباض: درس‌هایی از گذشته و جهت‌گیری برای آینده» به مرور نظام‌مند و تجزیه و تحلیل کتاب‌شناسی این پدیده پرداخته است. دیتابیس این تحلیل شامل ۵۶۲ مقاله که در پایگاه داده‌های Scopus و Web of Science نمایه شده بودند، بود. برای تحلیل این دیتابیس از نرم‌افزار Vos-Viewer استفاده شده است. نتایج مطالعات ایشان نشان می‌دهد روند انتشار مقالات مرتبط با این موضوع را به سه زبردوره می‌توان تقسیم کرد: دوره پیدایش (۱۹۷۸-۲۰۰۴)، دوره رشد (۲۰۰۴-۲۰۱۵)، و دوره رشد سریع (۲۰۱۵-۲۰۲۱). بر اساس نتایج، بیش از نیمی از اسناد توسط محققانی از ایالات متحده منتشر شده است، سپس محققان در آلمان و چین، مطالعات تأثیرگذاری بر توسعه ادبیات شهرهای در حال انقباض دارند. سه خوشه موضوعی اصلی در این مطالعات شناسایی شدند: (۱) سیاست و

تاریخچه تحقیقات شهری شهرهای در حال انقباض را می‌توان در اواخر دهه ۱۹۷۰ ردیابی کرد، زمانی که تعداد محدودی از مطالعات بر موضوع انقباض شهری شهرهای آمریکا (۵۱ و ۵۲) و بریتانیا [۵۳] انجام شد. در دهه ۲۰۰۰، با افزایش تعداد شهرهای در حال انقباض و شکست برنامه‌ریزی‌های رشد محور، این موضوع توجه بیشتری را به خود جلب کرد و به یک نگرانی جهانی در جهان تبدیل شد [۵۴-۵۷].

اصطلاح انقباض شهری در اوایل دهه ۲۰۰۰، در جریان برنامه‌ای که مساکن خالی شده در شرق آلمان را به صورت گسترده به نمایش می‌گذاشت، در مباحث دانشگاهی و عمومی برجسته‌تر شد [۲۷ و ۲۹]. اولین تلاش چشمگیر در اوایل دهه ۲۰۰۰ در جریان پروژه شهرهای در حال انقباض (۲۰۰۴-۲۰۰۸) اقدام مهم مشترکی از دانشگاهیان، فعالان، هنرمندان، معماران و طراحان شهری انجام شد که توجه بین‌المللی را به خود جلب کرد [۲۴] و از همان زمان اصطلاح و مفهوم علمی انقباض در تعداد زیادی از نشریات علمی، ویژه‌نامه‌های مجلات دانشگاهی و همچنین ابتکارات بین‌المللی تدوین و بازتاب یافته است.

تا کنون چندین مطالعه مروری روی مفهوم انقباض شهری انجام شده است. غالب این مطالعات به صورت روایی و با تمرکز بر مفهوم‌پردازی این مفهوم نگارش شده‌اند. مثلاً، به عنوان اولین تلاش‌ها برای دستیابی به درک علمی از این پدیده و حساس کردن پژوهشگران، گروسمن و همکاران (۲۰۱۳) تلاش کردند تا دستور کاری بین‌المللی و از نوع تحقیقاتی برای شهرهای در حال انقباض ارائه دهند. آن‌ها در مطالعه خود خاطر نشان کردند که پیش از سال ۲۰۰۰، مطالعاتی که در این زمینه صورت گرفته است، پراکنده، محلی و در کشورهای شمالی جهان انجام شده است [۲۴].

برنامه‌ریزی شهری و اقتصادی؛ (۲) برنامه‌ریزی کالبدی و اکولوژیکی و (۳) توسعه جمعیتی و منطقه‌ای که در مطالعات مرتبط با انقباض شهری مورد بررسی قرار گرفته‌اند [۵۸].

همان‌گونه که در بررسی مطالعات مروری گفته شد، تعداد زیادی از مطالعات مبتنی بر نمونه‌های موردی، در ایالات متحده، آلمان و چین انجام شده است. در ادامه به نمونه‌های از این مطالعات اشاره شده است.

به عنوان نمونه مطالعه تانگ و همکاران [۳۱] با عنوان «انقباض شهری در زمینه توسعه: بازنگری در روند حال و آینده چین» محققان به این مهم پرداختند که در حالی که بسیاری از مطالعات انجام‌شده در زمینه انقباض شهری شهرهای چین، بیشتر بر تغییر مرزهای سیاسی که منجر به تغییر جمعیت شده است، تأکید کرده‌اند، مطالعه آن‌ها بر داده‌های کاربری زمین تأکید دارد. آن‌ها برای شناسایی میزان انقباض شهری از داده‌های نور شبانه که با تصویربرداری مادون قرمز (NPP-VIIRS) انجام شده بود برای تخمین تغییر جمعیت شهری از سال ۲۰۱۲ تا سال ۲۰۱۹ استفاده کردند. در مرحله بعد، فرایندهای مهاجرت و دگرگونی آن‌ها برای توضیح انقباض شهری فعلی و کشف روندهای آینده انجام شد. نتایج تحقیقات آن‌ها نشان داد ۶/۳ درصد از شهرهای مورد بررسی از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۹ کاهش قابل توجهی از جمعیت شهری را تجربه کردند که بیشتر آن‌ها شهرهای دارای منابع خام واقع در منطقه شمال شرقی چین بودند. فقدان فرصت‌های شغلی، رشد راکد اقتصادی و نرخ پایین زادوولد، دلایل اصلی انقباض شهری بودند. براساس این مطالعات، انقباض شهری در چین ممکن است در آینده به دلیل تغییر در فرایندهای مهاجرت به توسعه نامتوازن منطقه‌ای منجر شود و از این‌رو این مسئله باید توسط سیاست‌گذاران مورد توجه قرار گیرد.

بارتولوما و همکاران [۴۶] در مقاله‌ای با عنوان «انقباض شهری در شهرهای آلمان شرقی» بیان می‌دارند که از زمان سقوط دیوار برلین در سال ۱۹۸۹، مردم آلمان شرقی سابق را ترک می‌کنند. اقتصاد آلمان شرقی وابسته به صنایع منسوخ بود و زمانی که دیوار سقوط کرد، صنعت نیز به طرز چشمگیری سقوط کرد. بسیاری از افراد شغل خود را از دست دادند. جوانان به سمت غرب حرکت کردند و این امر به پیری و کوچک شدن شهرها منجر شد. میزان زادوولد در آلمان شرقی در مقایسه با سایر کشورهای اروپایی بسیار پایین است [۵۹]. بارتولوما و همکاران [۴۶] موازی کاری گسترده توسعه جمعیتی و اقتصادی در توصیف انقباض شهری در آلمان را زیر سؤال می‌برند و استدلال می‌کنند که استفاده از متغیر جمعیت به عنوان شاخص واحد به توصیه‌های سیاستی نادرست برای مبارزه با انقباض شهری منجر می‌شود. مطالعه شهرهای آلمان شرقی (ارفورت، روستوک و ماگدبورگ، هاله، کوتبوس و شورین) نشان داد انقباض شهری در درجه اول به دلیل شکست در فرایند تحول پسا صنعتی است. لذا اقدامات برنامه‌ریزی اخیر که به سمت کند کردن روند کاهش جمعیت (از طریق اقدامات بازآفرینی شهری برای جلوگیری از حاشیه‌نشینی و تراکم هسته مرکزی شهری) جهت‌گیری شده است، به طور مؤثر به این مشکل رسیدگی نمی‌کند و باید اقدامات فعال‌تری در این شهرها برای ایجاد تولید رقابتی (شرکت‌های جدید با فناوری پیشرفته) و تقویت وابستگی متقابل رشد آن با خدمات محلی مدرن مورد توجه قرار گیرد.

در گزارش هیبتات [۵۸] آمده است که حومه‌گرایی یکی از دلایل انقباض شهری است. شهر پیسبورگ به دلیل حومه‌گرایی از دهه ۱۹۵۰ با فرایند کاهش جمعیت در داخل شهر و انتقال این جمعیت به سمت حومه‌ها روبه‌رو بوده است. آلبرز و برنت [۶۰] در یک بررسی همه‌جانبه بیان داشتند که دلیل

انقباض شهری دیترویت نیز حومه‌گرایی است.

گاناپاتی [۶۱] بیان می‌دارد نبود زیرساخت‌ها و خدمات، به‌خصوص زیرساخت‌های آموزشی و درمانی علت مهاجرت جمعیت از شهرهای رو به زوال است. در گزارش هیبتات [۵۸] بیان شده است که مشکلات زیست‌محیطی در کنار مشکلات اقتصادی و اجتماعی یکی از دلایل مهم انقباض شهری است. به عنوان نمونه شهر سینگراولی در هند که دارای هفت کارخانه ذغال سنگ و ۱۱ نیروگاه حرارتی است، به دلیل آلودگی زیاد، جمعیت بسیاری را از دست داد. همچنین شهر زامبیا مونتسیرا در مکزیک علاوه بر مشکلات سیاسی و اقتصادی، به دلیل غلظت بالای دی‌اکسید گوگرد و آلودگی آب آشامیدنی به دلیل وجود معادن، کاهش جمعیت را نیز تجربه کرده است [۶۲].

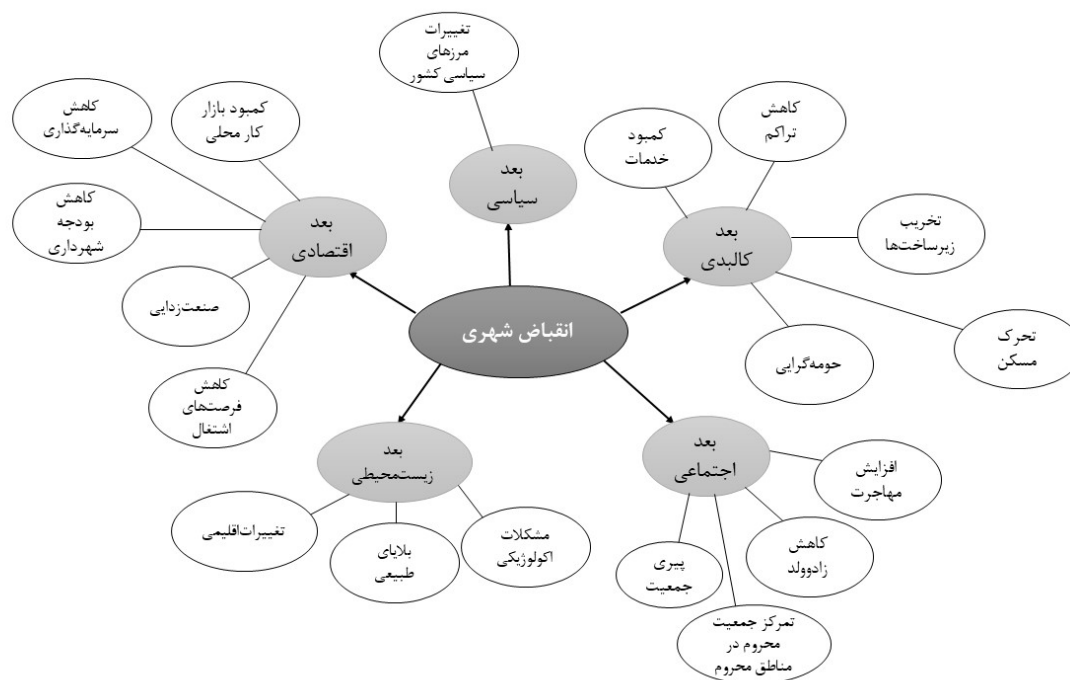
مسائل سیاسی و طبقه‌بندی مجدد شهرهای یک منطقه از دلایل دیگری است که برای انقباض شهری بر شمرده‌اند. شهرهای متوسط چینی با جمعیت بین پانصد هزار تا یک میلیون نفر به واحدهای اداری شهری کوچک‌تر تقسیم شدند که به کاهش جمعیت منجر شد. شهرهای هائوآن، جینچنگ، قینگ یوان، یانجیانگ، کوتین، دایانگ و هوآویوا در چین شهرهایی هستند که به این دلیل دچار کاهش جمعیت شده‌اند [۶۲].

در سال‌های اخیر این مفهوم در ایران نیز مورد توجه قرار گرفته است. به صورت نمونه می‌توان به مطالعات زیر اشاره کرد. غلامی گوهره [۴۴] در مطالعه خود با عنوان «پدیده انقباض شهری؛ مفهومی مغفول در ادبیات نظری داخلی؛ مورد پژوهی: شهر هرسین» با اشاره به مفهوم انقباض شهری، پیشران‌های آن در شهرهای کشورهای شمال و جنوب، وضعیت پراکنش این پدیده در استان کرمانشاه به تحلیل و کشف پیشران‌های انقباض شهری در شهر هرسین می‌پردازد. اشتغال، کمبود امکانات، مشکلات اجتماعی و سیاسی از مهم‌ترین پیشران‌های شناسایی‌شده در بروز انقباض شهری این شهر بوده است. تغییرات جمعیتی به واسطه کاهش زادوولد از دیگر دلایل انقباض شهری است. هسه و همکاران [۵۵] نشان دادند شهر هاله در آلمان در سال ۱۹۸۹ به دلیل کاهش میزان مولید پدیده انقباض شهری را تجربه کرده است.

منصورزاده و همکاران [۶۴] در مطالعه‌ای با عنوان «آینده پیش روی شهرهای کوچک مرزی متأثر از فرایند انقباض شهری» با استفاده از روش آینده‌پژوهی نشان دادند شهرهای کوچک مرزی کشور به دلیل عوامل مختلف اجتماعی، اقتصادی، محیط زیستی و سیاسی، در خطر انقباض شهری قرار دارند. جودی و همکاران [۴۸] در پژوهش خود نشان دادند در منطقه ۸ کلان‌شهر تبریز مؤلفه‌های کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و آلودگی محیطی و منظر شهری به‌ترتیب به بروز پدیده انقباض شهری در این منطقه از شهر منجر شده است.

در این بخش از مقاله پیشینه ادبیات مرتبط با پدیده انقباض شهری در دو بخش مقالات مروری و کاربردی در جهان و ایران بررسی شد. با جمع‌بندی موارد یادشده می‌توان دریافت علل پدیده انقباض شهری در جهان در ابعاد زوال اقتصادی و صنعت‌زدایی، تصمیمات سیاسی و طبقه‌بندی مجدد شهرها، مسائل محیط زیستی، کالبدی (دسترسی به خدمات و زیرساخت‌ها)، تغییرات جمعیتی به دلیل کاهش میزان مولید یا افزایش مرگ‌ومیر قابل دسته‌بندی است. در این پژوهش کوشیده شده پس از جمع‌بندی از عوامل و شاخص‌های تأثیرگذار بر پدیده انقباض شهری در یک مدل مفهومی، پدیده انقباض شهری را در شهر مرزی اراک‌کواز مورد بررسی قرار دهد و دلایل بروز این پدیده در این شهر را با روش کیفی بررسی کند.

در ادامه مدل مفهومی پژوهش براساس ابعاد و شاخص‌های مطالعه‌شده، آورده شده است.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

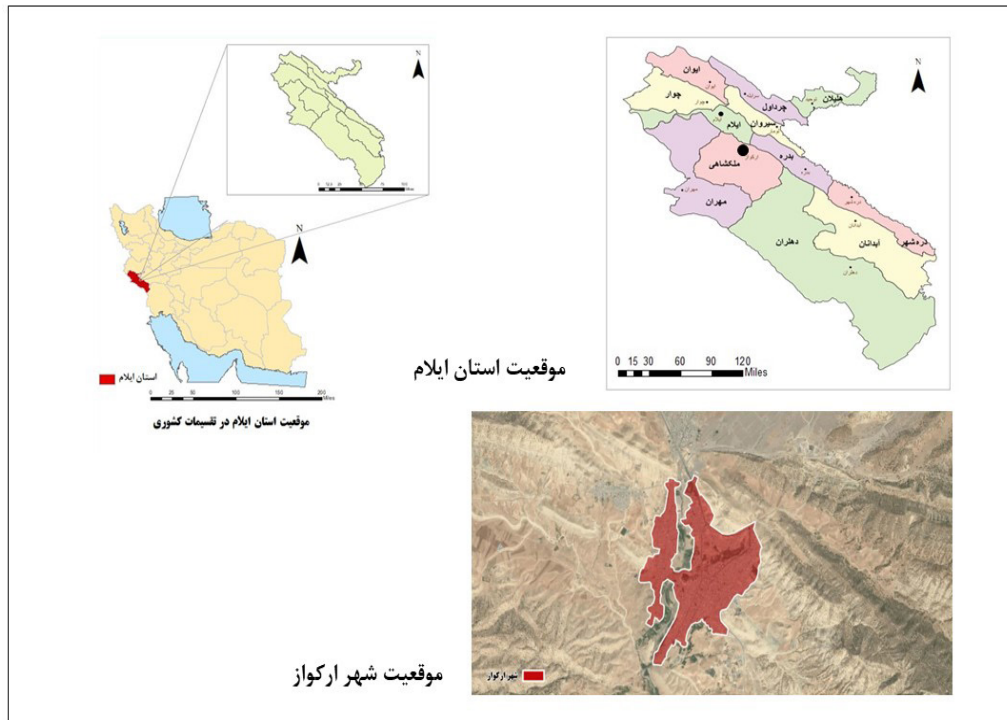
■ شناخت عرصه پژوهش

طوری که جمعیت این شهر در سال ۱۳۳۵ برابر ۶۹۰ نفر بوده که در سال ۱۳۴۵ جمعیت آن کاهش یافته و به ۳۶۹ نفر رسیده و در سال‌های ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ به ترتیب جمعیت آن به ۱۳۰۸، ۱۳۱۳، ۱۰۶۵۴، ۱۴۳۳۴، ۱۲۳۵۸ و ۱۱۹۷۷ نفر رسیده است. (درخور یادآوری است در سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۵۵ شهر ارکواز ملکشاهی جزء نقاط روستایی محسوب می‌شده است). روند تحولات جمعیت در این شهر نشان می‌دهد در سال ۱۳۴۵ جمعیت ارکواز معادل ۳۶۹ نفر بوده که با نرخ رشدی برابر ۱۳/۵ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۱۳۰۸ نفر رسیده است. جمعیت این شهر در سال ۱۳۶۵ برابر ۱۳۱۳ نفر بوده که نرخ رشد آن طی دوره ۱۳۶۵-۱۳۵۵ معادل ۱۸/۹ درصد بوده و در سال ۱۳۷۵ به ۱۰۶۵۴ نفر رسیده است. درخور یادآوری است که رشد جمعیت ارکواز در سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ مربوط به رشد طبیعی جمعیت شهر و یا مهاجرت به شهر ارکواز نبوده، بلکه مربوط به جمعیت‌آبادی‌هایی است که به شهر الحاق شده و شهر ارکواز را تشکیل داده‌اند. اما از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۹۵ نرخ رشد این شهر منفی و برابر ۰/۰۱- بوده است [۶۳].

ارکواز از شهرهای استان ایلام در طول جغرافیایی ۴۶ درجه، ۳۶ دقیقه و ۱۰ ثانیه و عرض جغرافیایی ۳۳ درجه، ۲۳ دقیقه و ۳۲ ثانیه و در ارتفاع ۱۳۳۸ متری از سطح دریا قرار گرفته است. شهر ارکواز از شمال و شمال شرقی و مشرقی با دامنه کبیرکوه و شهر بدره، از جنوب و جنوب شرقی به رودخانه چنگوله و مرز عراق و از مغرب و جنوب غربی به شهر مهران محدود می‌شود. ارکواز در فاصله ۴۳ کیلومتری جنوب شهر ایلام و ۷۵ کیلومتری شمال شرقی مهران و ۱۸۰ کیلومتری شمال غربی پل دختر واقع شده است. ارکواز از سکونتگاه‌های نسبتاً قدیمی است که از ادغام ۷ روستا به نام‌های قلعه‌دره، ورکبود، خوشنام‌آباد، شهرک، بان باباخان، منصورآباد و داراب پدید آمده است. شغل اهالی این شهر بیشتر کشاورزی و دامداری است که ۴۴/۳۴ درصد شاغلان این شهر را به خود اختصاص داده و محصولات آن‌ها گندم، جو، برنج و لبنیات است. اغلب جمعیت این شهر را ایل‌نشینان تشکیل می‌دهند [۶۶]. شهر ارکواز طی دوران مختلف از روند تغییرات جمعیتی یکسانی پیروی نکرده است، به

جدول ۳. جمعیت و نرخ رشد شهر ارکواز طی سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۹۵. بر اساس طرح جامع شهر ارکواز

سال	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۵
جمعیت به نفر	۷۴۱۳	۱۰۶۵۴	۱۴۳۳۴	۱۱۹۷۷
نرخ رشد	۰،۰۳	۰،۰۲	-	۰،۰۱-

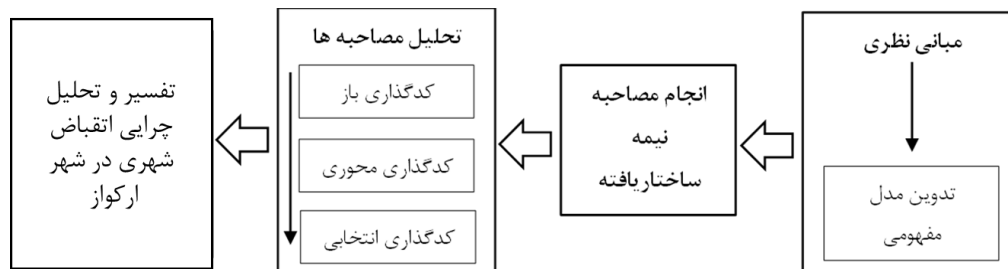


شکل ۲. موقعیت شهر ارکواز در شهرستان ملکشاهی استان ایلام

مواد و روش‌ها

گرفته شده است. روش نمونه‌گیری به صورت مبتنی بر انتخاب تصادفی از ساکنان شهر ارکواز است و مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه پیدا کرده (روش افزونگی اطلاعاتی) و در مجموع ۵۴ مصاحبه از ساکنان و مسئولان صورت گرفته است. در این پژوهش از میان ساکنان بالای ۲۵ سال که سابقه سکونت حداقل ۵ سال داشته‌اند، برای مصاحبه انتخاب شده‌اند. مسئولان شهر ارکواز از میان افراد با سابقه سکونت و اشتغال در شهرداری این شهر و استانداری ایلام انتخاب شدند. همچنین فرایند انجام این پژوهش در شکل ۳ قابل مشاهده است.

پژوهش حاضر از نوع کاربردی است و در آن تلاش شده است با استفاده از روش‌های کیفی عوامل و پیشران‌های حاکم بر انقباض شهری شهر ارکواز شناسایی شود. روش گردآوری داده‌ها استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با مردم و مسئولان شهری به صورت جداگانه و در قسمت تطابق کدها با واقعیات موجود از اسناد مختلف نظیر سالنامه‌های آماری، طرح هادی و جامع شهر و آمایش سرزمین استان ایلام استفاده شد. این پژوهش ماهیتی تفسیری دارد و در آن کوشیده شده با استفاده از داده‌های کیفی به کشف و تفسیر این پدیده بپردازد. در این پژوهش از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده و برای تحلیل داده‌ها از روش کدگذاری بهره



شکل ۳. فرایند انجام پژوهش

۰۱. آیا تمایل به مهاجرت از شهر ارکواز دارید؟ اگر پاسخ مثبت است، این مهاجرت را به‌تنهایی یا با خانواده خود انجام می‌دهید؟
۰۲. دلایل شما برای مهاجرت از این شهر چیست؟

در فرایند انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته چند سؤال اصلی به عنوان شروع مصاحبه در نظر گرفته شده و البته ادامه مصاحبه به صورت کاملاً باز و در اختیار مصاحبه‌شونده بوده است. این سؤالات به این ترتیب هستند:

۰۳ در چه صورت حاضرید از مهاجرت از این شهر صرف نظر کنید و در این شهر بمانید؟

۴۰ مفهوم مبنای کار قرار گرفت. در جدول ۴ مفاهیم استخراج شده در قالب ۵ مقوله اصلی دسته بندی شده اند. از این تعداد ۱۲ مفهوم در «مقوله کالبدی»، ۱۲ مفهوم در «مقوله اقتصادی»، ۵ مفهوم در «مقوله اجتماعی»، ۶ مفهوم مرتبط با «مقوله سیاسی» و ۵ مفهوم در مقوله «زیست محیطی» شناسایی شدند.

■ بحث و یافته ها

در این مرحله تعداد مفاهیم استخراج شده ابتدا ۶۳ مورد بوده است که با ادغام بعضی از آن ها و همچنین حذف تعداد دیگری به علت عدم تکرار طی مصاحبه

جدول ۴. بررسی میزان تکرار مفاهیم مرتبط با انقباض شهری شهر اركواز، مستخرج از مصاحبه ها

مؤلفه ها	مفاهیم استخراجی	درصد
مقوله کالبدی	کمبود امکانات آموزشی	۶۶٫۷
	کمبود امکانات درمانی	۶۵٫۲
	کمبود امکانات تفریحی	۲۷٫۳
	کمبود خدمات بانکی	۴۰٫۹
	کمبود امکانات حمل و نقلی	۳۴٫۸
	امکانات زیرساختی	۵۳٫۹
	عدم کیفیت امکانات درمانی	۵۱٫۸
	عدم کیفیت امکانات آموزشی	۴۵٫۲
	کمبود امکانات ورزشی	۴۵٫۸
	کمبود مسکن	۳۱٫۸
	کمبود زیرساخت های فناوریانه	۴۷٫۰
	نبود امکانات شهری به رغم تبدیل شدن به شهر از روستا	۴۶٫۳
مقوله اقتصادی	کمبود فرصت شغلی	۵۱٫۵
	کمبود بازارهای محلی	۶۶٫۸
	رکود بازار	۶۷٫۲
	سطح پایین درآمدها	۶۹٫۷
	نبود فرصت های سرمایه گذاری	۶۵٫۲
	کمبود شغل متناسب با سطح تحصیلات بالاتر جوانان	۶۳٫۴
	کمبود بودجه شهرداری	۴۵٫۲
	عدم امکان پیشرفت	۶۸٫۸
	فقر و کمبود شغل	۷۰٫۱
	میزان اشتغال پایین زنان	۵۶٫۱
	درآمد سطح پایین	۵۷٫۳
	نبود صنعت و کارخانه	۶۰٫۱
مقوله زیست محیطی	خشکسالی و کمبود بارش	۶۳٫۶
	کمبود منابع آبی حتی در بخش آب شرب	۷۷٫۵
	کمبود آب شرب و کیفیت پایین آن	۷۸٫۲
	وضعیت آب و هوا	۵۳٫۰
	ریزگردها	۴۳٫۷

درصد	مفاهیم استخراجی	مؤلفه‌ها
۵۱,۶	تنش‌زا بودن نقاط مرزی	مقوله سیاسی
۶۹,۹	بی‌توجهی مسئولان شهرهای مرزی	
۴۱,۱	وعده‌های محقق نشده مسئولان	
۴۳,۲	تغییر مرزهای سیاسی (تبدیل شدن ارکواز به بخش)	
۷۰,۱	مدیریت کشور و بی‌توجهی به نواحی مرزی و توجه صرف به مرکز	
۶۴,۲	کمبود امکانات دولتی	
۳۹,۶	حرکت جمعیت به سمت سالخورده‌گی	مقوله اجتماعی
۴۳,۸	احساس امنیت	
۵۳,۶	عدم تمایل جوانان به فرزندآوری	
۶۵,۳	عدم تمایل نیروی جوان به کشاورزی به دلیل بازدهی اقتصادی پایین به‌رغم زحمت زیاد	
۶۴,۹	عدم امید به آینده جوانان جهت بهبود وضعیت در ارکواز	

ماشین خیلی سخته» (نبود زیرساخت حمل‌ونقلی) ارتباط بین عوامل کالبدی و انقباض شهری در پژوهش‌های دیگر نیز اثبات شده است. به عنوان نمونه اسلج و همکاران [۶۷]، در مقاله خود با عنوان «انقباض و پایداری شهری: ارزیابی رابطه بین تراکم جمعیت، ساختارهای شهری و پایداری شهری» و جودی و همکاران [۴۸] در پژوهشی با عنوان «واکاوی سازوکار انقباض شهری و وابستگی آن با فرهنگ برنامه‌ریزی» بر تأثیر ساختارهای شهری بر پدیده انقباض شهری تأکید کرده‌اند.

مقوله اقتصادی

این مقوله ۱۲ مفهوم دارد که بر پیشران‌های اقتصادی که به زوال شهری منجر می‌شود، تأکید دارند. «کمبود شغل و فقر» و «پایین بودن درآمد»، «کمبود بازار محلی»، «رکود بازار»، «نبود فرصت سرمایه‌گذاری»، «عدم تطابق سطح تحصیلات جوانان با فرصت‌های شغلی موجود در شهر» بالاترین درصد تکرار را در مصاحبه‌ها داشته‌اند.

در پژوهش‌های مختلفی نیز این مسائل اقتصادی مورد تأکید قرار گرفته است. به عنوان نمونه، ایوان آفودی‌یراک [۱۹] در مقاله خود با عنوان «انقباض شهرها، اصطلاحی نامناسب برای سیاست شهری آمریکا» و کارینا پالاگست [۴۷] در پژوهشی با عنوان «آینده شهرهای در حال انقباض، مشکلات، الگوها و راهبردهای تحول شهری در یک زمینه جهانی» و محمدرضا غلامی گوهره [۴۴] در پژوهش خود تحت عنوان «پدیده انقباض شهری، مفهومی مغفول در ادبیات نظری داخلی، مورد پژوهی: شهر هرسین» بر تأثیر جنبه‌های اقتصادی در شهر بر پدیده انقباض شهری تأکید کرده‌اند.

مصاحبه‌های ذیل، نمونه‌هایی از مصاحبه‌هایی است که در آن به مفاهیم یادشده اشاره شده است:

«... اینجا هر چقدر که کار کنی فایده نداره، درآمدها خیلی پایینه...» (سطح پایین درآمدها)

«... من خودم فوق لیسانس صنایع دارم از دانشگاه رازی، ولی کار مرتبط تو شهرم پیدا نکردم...» (عدم تطابق سطح تحصیلات با فرصت‌های شغلی موجود شهر)

«... بازار محلی نداریم... بازار خوابیده...» (رکود بازارهای محلی)
 «من خیلی دنبال کار گشتم، ولی کار نیست...» (نبود فرصت‌های شغلی)

مقوله زیست‌محیطی

این مقوله ناظر بر ۵ مفهوم زیست‌محیطی در بستر فضا را مورد توجه قرار

همان‌طور که در جدول ۴ مشخص است، بیشترین تکرار مربوط به مفاهیم «کمبود آب شرب و کیفیت آن» (۷۸/۲) و «کمبود منابع آب» (۷۷/۵)، «مدیریت کشور و عدم توجه به نواحی مرزی و توجه صرف به مرکز» (۷۰/۱)، «کمبود امکانات درمانی» (۶۵/۲)، «کمبود بازارهای محلی» (۶۶/۸)، «رکود بازار» (۶۷/۲)، «سطح پایین درآمدها» (۶۹/۷)، «نبود فرصت‌های سرمایه‌گذاری» (۶۵/۲)، «عدم امکان پیشرفت» (۶۸/۸)، «فقر و کمبود شغل» (۷۰/۱)، «بی‌توجهی مسئولین شهرهای مرزی» (۶۹/۹) و «عدم تمایل نیروی جوان به کشاورزی به دلیل بازدهی اقتصادی پایین علی‌رغم زحمت زیاد» (۶۵/۳) است و کمترین تکرار مربوط به مفاهیم «کمبود امکانات تفریحی» (۲۷/۳)، «کمبود خدمات بانکی» (۴۰/۹)، «کمبود امکانات حمل‌ونقلی» (۳۴/۸)، «کمبود مسکن» (۳۱/۸)، «ریزگردها» (۴۳/۷)، «وعده‌های محقق نشده مسئولین» (۴۱/۱)، «تغییر مرزهای سیاسی (تبدیل شدن ارکواز به بخش)» (۴۳/۲) و «حرکت جمعیت به سمت سال‌خوردگی» (۳۹/۶) است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، فاکتورهای مربوط به مقوله اقتصادی و محیط زیست بیشترین تکرار را داشته‌اند.

بررسی مقولات

مقوله کالبدی

این مقوله بیشتر مبتنی بر مفاهیمی است که به نوعی بر مفاهیمی که ساختار، عملکردها و خدمات شهری را پوشش می‌دهند، تأکید دارد. مفاهیمی همچون «کمبود خدمات مرتبط با نقش شهر به‌رغم تبدیل شدن از روستا به شهر»، «کمبود و عدم کیفیت کاربری آموزشی»، «کمبود و عدم کیفیت کاربری درمانی»، «ساختار نامناسب شبکه معابر»، «کمبود مسکن»، «کمبود مراکز تفریحی-فرهنگی و ورزشی» و... در این دسته قرار گرفته‌اند. به عنوان مثال در بخش‌هایی از مصاحبه که در ذیل آمده، این مفاهیم قابل شناسایی است.

«... شهر ما هیچ خدماتی نداره... از وقتی شهر شده خدماتی بهش اضافه نشده» (کمبود خدمات مرتبط با نقش شهر علی‌رغم تبدیل شدن از روستا به شهر)

«... مدرسه‌های اینجا امکانات ندارن، معلم خوب نداریم» (عدم کیفیت مراکز آموزشی)

«... بیمارستان درست درمون نداریم، برای بیماری‌های تخصصی باید بریم ایلام و تهران» (عدم کیفیت مراکز درمانی)

«... تو این شهر، برای تفریح جایی نیست...» (نبود مراکز تفریحی)

«... تو این شهر اگر بخوای بری شهر دیگه باید ماشین داشته باشی... بی

۲۰۱۰» و محمدرضا غلامی گوهره [۴۴] با عنوان «پدیده انقباض شهری، مفهومی مغفول در ادبیات نظری داخلی، مورد پژوهی: شهر هرسین» نیز به این پدیده اشاره کرده که بر پدیده زوال شهری تأثیر می‌گذارد، تأکید شده است.

مقاله اجتماعی

این مقاله در مجموع از ۵ مفهوم تشکیل شده است. «عدم تمایل نیروی جوان به کشاورزی به دلیل بازدهی اقتصادی پایین علی‌رغم زحمت زیاد»، «عدم امید به آینده جوانان جهت بهبود وضعیت در ارکواز»، «عدم تمایل جوانان به فرزندآوری»، «احساس امنیت»، «حرکت جمعیت به سمت سالخوردگی» مفاهیم تشکیل‌دهنده این مقاله هستند. در ادامه نمونه‌ای از مصاحبه‌ها که نشان‌دهنده این مفاهیم هستند، آورده شده است:

«... اینجا باید کلی روی زمین کشاورزی با آب شور کاری کنی و در نهایت برات سودی نداشته باشه...»

«... چون دوست ندارم روی زمین‌های کشاورزی کار کنم...» (عدم تمایل نیروی جوان به کشاورزی به دلیل بازدهی اقتصادی پایین به‌رغم زحمت زیاد)...

«... من که امیدی ندارم با اینجا موندن وضعیت زندگی‌م بهتر شه... عمر تلف کردنه...» (عدم امید به آینده جوانان جهت بهبود وضعیت در ارکواز)...

«... من دوست ندارم اینجا فرزندم رو به دنیا بیارم...» (عدم تمایل جوانان به فرزندآوری)

نتایج پژوهشی که با عنوان «بازیگران و عوامل شبیه‌سازی کاربری زمین: چالش انقباض شهری» توسط هاس و همکاران [۱۳] انجام شده، «انقباض شهرها، اصطلاحی نامناسب برای سیاست شهری آمریکا» که توسط ایوان آندریاک [۱۹] صورت گرفته و «فرایند انقباض به عنوان یک چالش برای حکمرانی شهری» که توسط استریاکیویچ و یاروسفسکا [۳۹] انجام شده است نیز مؤید تأثیر این مفاهیم بر انقباض شهری است.

در ادامه داده‌های کمی متناظر به دست‌آمده از مفاهیم مستخرج از مصاحبه‌ها به منظور راستی‌آزمایی هر چه بیشتر نتایج حاصل از مصاحبه‌ها در جدول ۵ آورده شده است:

می‌دهد. مفاهیم «کمبود منابع آب شرب و کیفیت پایین آن»، «کمبود منابع پایدار آب»، «بروز خشکسالی»، «تغییرات آب‌وهوایی» و «وجود ریزگردها» در سال‌های اخیر در این مقاله قرار گرفته‌اند.

«... وقتی اینجا چند روز تو هفته آب شرب نداریم و قطعه... دیگه چه امیدی داشته باشیم...»؛ «... الان سال‌هاست دارن وعده آب شیرین کن و حل مشکل آب رو می‌دن، ولی کو نتیجه...» (مشکل آب شرب و کیفیت پایین آب).

«... بارون نمی‌باره... سداها اجازه رسیدن آب به ما رو نمی‌دن... آب شیرین برای نوشیدن و کشاورزی نداریم...» (خشکسالی و نبود منابع آب پایدار).

«... آب که نداریم... هوا هم نداریم... هوا هم پر خاکه...» (ریزگردها و کیفیت هوا)

در پژوهش‌های پیشین تحت عنوان «پدیده انقباض شهری، مفهومی مغفول در ادبیات نظری داخلی، مورد پژوهی: شهر هرسین» که توسط محمدرضا غلامی گوهره [۴۴] صورت گرفته و «واکاوی سازوکار انقباض شهری و وابستگی آن با فرهنگ برنامه‌ریزی» که توسط جودی و همکاران [۴۸] انجام گرفته است، به تأثیر مقوله زیست‌محیطی بر زوال شهری تأکید شده است.

مقاله سیاسی

این مقاله اشاره به شش مفهوم سیاسی مؤثر بر زوال شهری دارد. «نحوه مدیریت کشور و عدم توجه به نواحی مرزی و توجه صرف به مرکز»، «بی‌توجهی مسئولین شهرهای مرزی»، «تنش‌های مرزی»، «کمبود امکانات دولتی»، «وعده‌های محقق‌نشده مسئولان» مفاهیم پرتکرار در این مقاله بودند.

«... همه امکانات برای تهرانی‌هاست... به ما چیزی نمی‌رسه...»؛ «... همه بودجه تو مرکز استان مصرف می‌شه، به شهرستان ما چیزی نمی‌رسه...» نحوه مدیریت کشور و عدم توجه به نواحی مرزی و توجه صرف به مرکز دولت به ما امکانات و بودجه نمی‌ده...» (کمبود امکانات دولتی)

«... مسئولین به ما فقط وعده می‌دن... کارها تموم نشده، رها می‌شن...» (وعده‌های محقق‌نشده مسئولان).

در پژوهش‌های، ویچمن و وولف [۵۰] با عنوان «انقباض شهری در چشم‌انداز فضایی، عملیاتی‌سازی شهرهای در حال انقباض در اروپا طی سال‌های ۱۹۹۰-

جدول ۵. مقدار داده‌های کمی به دست‌آمده از مصاحبه، با بهره‌گیری از منابع یادشده در جدول

اطلاعات		نام سند	متغیرها
۳.۴۸ ۲۰۳۸-هکتار	سرانه کاربری آموزشی تفاوت وضع موجود با طرح پیشین	طرح جامع شهر ارکواز (۱۳۹۴) و مقایسه با طرح هادی مصوب پیشین طرح	کمبود خدمات
۱.۴۹ -۴۰۰۳	سرانه کاربری ورزشی تفاوت وضع موجود با طرح پیشین		
۰.۶۳ -۰۰۲۵	سرانه کاربری فرهنگی تفاوت وضع موجود با طرح پیشین		
۰.۶۶ -۲۰۴۵	سرانه کاربری درمانی تفاوت وضع موجود با طرح پیشین		
۲۱۰ نفر در هکتار در سال ۱۳۹۰ که نسبت به مقدار مشابه سال ۱۳۸۵ (۲۴۴ نفر در هکتار) کاهش یافته است.	طرح جامع شهر ارکواز (۱۳۹۴)	تراکم خالص (کاهش)	
زیرساختی تخریب نشده است.	طرح جامع شهر ارکواز (۱۳۹۴)	تخریب زیرساخت‌ها	
تعداد پروانه‌های ساختمانی صادر شده در سال ۱۳۹۰، ۹۶ بوده است. این رقم در سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۳۸۸، به ترتیب ۳۵۲ و ۱۲۵ بوده که بیانگر روند کاهشی آن است	طرح جامع شهر ارکواز (۱۳۹۴)	تحرک مسکن	
تعدادی از ساکنان که به ایلام مهاجرت کرده‌اند، منازل خود در شهر ارکواز را حفظ کرده‌اند، ولی پدیده حومه‌گرایی و تحرک جمعیت از سمت شهر مرکزی به سمت شهر ارکواز دیده نمی‌شود.	مصاحبه با مسئولان	حومه‌گرایی	

متغیرها	نام سند	اطلاعات
افزایش مهاجرت	داده‌های آماری سازمان آمار	طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ مهاجرت در این شهر افزایش پیدا کرده است.
کاهش زادوولد	داده‌های آماری سازمان آمار	نرخ خام موالید در این شهر از ۲۲/۱ در سال ۱۳۸۵ به ۲۰/۱ در سال ۱۳۹۰ کاهش پیدا کرده است.
تمرکز جمعیت محروم در مناطق محروم	طرح جامع شهر ارکواز (۱۳۹۴)	بیش از دو سوم جمعیت شهر ارکواز در محلات پل کبود، خوشنام، سراب، منصور آباد و قلعه‌دره که بافت فرسوده با هسته اولیه روستایی هستند، ساکن‌اند.
پیری جمعیت	داده‌های آماری سازمان آمار (۱۳۹۵)	براساس نتایج سرشماری آماری حدود ۱۰ درصد از کل جمعیت این شهر بالای ۶۵ سال و در سن پیری جمعیت هستند.
بلایای طبیعی	طرح جامع شهر ارکواز (۱۳۹۴)	به لحاظ لرزه‌خیزی، این شهر در پهنه خطر لرزه‌خیزی کم و متوسط قرار دارد. وجود رودخانه در داخل شهر، خطر سیل را افزایش می‌دهد. هر چند در سال‌های اخیر به دلیل خشکسالی، رودخانه کم آب شده است.
تغییرات اقلیمی	طرح جامع ارکواز (۱۳۹۴) و مصاحبه با مسئولان	استان ایلام به لحاظ آب‌وهوایی به مناطق مختلفی تقسیم می‌شود. یک قسمت آب‌وهوای معتدل و قسمت دیگر آب‌وهوای گرم و در خشک دارد. مناطق کم‌ارتفاع و سمت غرب و جنوب غربی استان به‌خصوص در دشت مهران، آب‌وهوای گرمسیری و مناطق کوهستانی استان، آب‌وهوا معتدل است. در دشت‌ها و کوهپایه‌های غرب استان هوا به‌شدت گرم و خشک و دارای بادهای گرم و سوزان موسمی است. در بعضی مناطق به دلیل وجود آب فراوان هوا معتدل‌تر است. در سال‌های اخیر به دلیل کمبود بارش‌ها و کم‌آب شدن رودها، هوا گرم‌تر شده است.
کاهش فرصت‌های اشتغال	طرح آمایش سرزمین استان ایلام	نرخ بیکاری در شهر ارکواز در سال ۱۳۸۵، برابر ۵/۳ و در سال ۱۳۹۵، برابر ۷/۱ بوده است.
صنعت‌زدایی	طرح آمایش سرزمین استان ایلام	نقش شهر خدماتی است. در حال حاضر ۶۰/۳ درصد از شاغلان شهر، در بخش خدمات؛ ۱۵/۵ درصد در بخش کشاورزی و ۸/۲ درصد در بخش صنعت مشغول به کار هستند. صنایع در شهر صنعتی ارکواز مستقر بوده که تعداد کمی از ساکنان در آن شاغل هستند. بنا بر طرح آمایش استان، در این شهر (استان) صنایع (با تأکید بر صنایع دامداری) به صورت کامل شکل نگرفته‌اند و لذا پدیده صنعت‌زدایی رخ نداده است.
کاهش بودجه شهرداری	طرح جامع شهر ارکواز (۱۳۹۴) و مصاحبه با مسئولان	بررسی درآمدهای شهرداری نشان می‌دهد در سال‌های مختلف، درآمد شهرداری افزایش داشته، ولی هزینه‌کرد آن در بخش عمرانی هر سال کاهش یافته است. به عنوان نمونه در سال تصویب طرح جامع، بودجه شهرداری نسبت به سال قبل ۱۱۲ درصد افزایش یافته در حالی که هزینه عمرانی در مدت مشابه از ۲۵ درصد به ۱۴ درصد کاهش یافته است.
کاهش سرمایه‌گذاری	مصاحبه با مسئولان	به دلیل دوری از مرکز، سرمایه‌گذاری بخش دولتی محدود و به دلیل عدم بازدهی بخش خصوصی تمایل به سرمایه‌گذاری در بخش عمرانی ندارد.
کمبود بازار کار محلی	مصاحبه با مردم و مسئولان	این شهر فاقد بازارچه مرزی است. یک بازارچه محلی توسط شهرداری برای ساماندهی دست‌فروشان احداث شده است که افراد کالاهای تولیدی (اغلب کشاورزی) خود را در آن می‌فروشند. در سال‌های اخیر رونق چندانی ندارد.
تغییرات مرزهای سیاسی کشور	طرح آمایش سرزمین استان ایلام	به استناد سالنامه آماری استان ایلام ۱۳۸۵، بخش ملکشاهی به عنوان بخشی از شهرستان مهران محسوب می‌شد که دارای یک نقطه شهری به نام ارکواز و ۳ دهستان به نام دهستان‌های شوهان، چمزی و گچی بود که در سال ۱۳۸۸ به دلیل تغییرات سیاسی در استان از لحاظ سیاسی از بخش به شهرستان ارتقا و از شهرستان مهران منفک شد که هم‌اکنون دارای ۲ بخش نرمزی و گچی و ۳ نقطه شهری به مرکزیت ارکواز، دلگشا و مهر است. علی‌رغم اینکه انتظار می‌رود این تغییر سیاسی در مرزهای شهرستان و جذب دستگاه‌های و نهادهای اداری در سطح شهرستان در این شهر به ماندگاری جمعیت یا حتی افزایش جمعیت در این شهر منجر شود، این امر محقق نشده و شهر ارکواز همچنان با کاهش جمعیت روبه‌رو بوده است.

نتیجه‌گیری

دوره‌های رشد همراه باشد یا شهرها را در یک فرایند کاهش ناگسخته جمعیت بدون بازگشت به شرایط سابق و رشد قرار دهد و اغلب به یک مشکل بزرگ اجتماعی-اقتصادی تبدیل می‌شود. در نمودار زیر پیش‌ران‌های تأثیرگذار بر انقباض شهری که شامل کالبدی، اقتصادی، زیست‌محیطی، اقتصادی و سیاسی است همراه با معیارها و عوامل زمینه‌ای در هر یک از این پیش‌ران‌ها و پیامدهای تأثیرگذار آن‌ها آورده شده است. برای مثال در بعد کالبدی، معیارهای «کمبود خدمات»، «کاهش تراکم»، «تخریب زیرساخت‌ها»، «تحرک مسکن» و «حومه‌گرایی» منجر به افزایش زمین‌های پسا صنعتی و افزایش اراضی بدون استفاده شهری خواهد شد، در بعد اقتصادی با بررسی معیارهای «کمبود بازار کار محلی»، «کاهش سرمایه‌گذاری»، «کاهش بودجه شهرداری»، «صنعت‌زدایی» و «کاهش فرصت‌های اشتغال» این نتیجه حاصل شد که

پدیده انقباض شهری، به عنوان فرایند کاهش جمعیت که با اصطلاحات زوال شهری، پوسیدگی شهری، فرسودگی شهری، تباهی، رهاشدگی، بی‌هویتی، بحران شهری و افسردگی جمعیتی نیز شناخته می‌شود، نخستین بار توسط محققان آلمانی در اواخر دهه ۱۹۹۰، در جریان کاهش جمعیت و زیان اقتصادی حاکم در شهرها مطرح شد و امروزه در حال تبدیل شدن به یک پدیده رایج در سراسر جهان است. انقباض شهری می‌تواند ناشی از تغییر ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست‌محیطی در شهر باشد که پیامدهایی را همچون مهاجرت از شهر، کاهش سکنه در شهر، کاهش ارزش املاک و غیره به دنبال دارد. نکته درخور توجه در خصوص انقباض شهری این است که انقباض یک فرایند طبیعی در چرخه زندگی یک شهر است که می‌تواند با

پیامدهای حاصل از مشکلات اقتصادی در شهرهای در حال انقراض شامل از بین رفتن فرصت‌های اشتغال، کاهش درآمدهای مالیاتی، از بین رفتن نیروی کار جوان و عدم تعادل کار و مسکن خواهد بود و به همین ترتیب پیشران‌های دیگر بررسی شده‌اند.



شکل ۴. نتایج نهایی پژوهش

غلامی گوهره [۴۴] در پژوهش‌های خود این مقوله را مورد بررسی قرار داده‌اند، ۶ مفهوم مرتبط با «مقوله سیاسی» (ویچمن و وولف [۵۰] و محمدرضا غلامی گوهره [۴۴] این مقوله را در پژوهش‌های خود مورد ارزیابی قرار داده‌اند) و ۵ مفهوم در مقوله «زیست‌محیطی» (به عنوان نمونه محمدرضا غلامی گوهره [۴۴] و جودی و همکاران [۴۸] این مقوله را در پژوهش‌های خود ارزیابی کرده‌اند) دسته‌بندی شد. تفاوت این پژوهش با پژوهش‌های انجام شده در این زمینه، مطالعه موردی (شهر اراکواز) بوده است. از منظر روش‌شناسی [۶۴] نیز تفاوت این پژوهش با پژوهش‌های صورت گرفته، استفاده از روش کیفی و تحلیل محتوا برای بررسی علل شکل‌گیری پدیده انقباض شهری با توجه به ابعاد موجود در شهر اراکواز بوده است. مفاهیم ذیل دو مقوله اقتصادی و محیط زیستی به ترتیب بیشترین تکرار را در بین عوامل مستخرج داشتند؛ به این معنا که پیشران‌های اقتصادی و محیط زیستی بیشترین تأثیر را بر خروج جمعیت در شهر اراکواز داشته است و مدیریت منطقه‌ای و شهری ضروری است بر حل مشکلات این دو بخش در این منطقه، تأکید بیشتری کند.

در این پژوهش با استفاده از روش تحلیل محتوا و انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ساکنان و مسئولان و کدگذاری مفاهیم، ۴۰ مفهوم در خصوص پیشران‌ها و عوامل انقباض شهری شهر اراکواز شناسایی شد. این مفاهیم در قالب ۵ مقوله اصلی اقتصادی، محیط زیستی، اجتماعی، سیاسی و کالبدی دسته‌بندی شدند. در مرور ادبیات نظری در منابع مختلف نیز این مقولات بسته به شرایط هر کشور، تکرار شده‌اند، که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره شده است. از این تعداد ۱۲ مفهوم در «مقوله کالبدی» (برای مثال هاس و همکاران [۱۳]، ایوان آتودیراک [۱۹]، استریاکیویچ و یاروسفسکا [۳۹]، شوارتز و همکاران [۴۹] جودی و همکاران [۴۸]، بارتولوما و همکاران [۴۶] در پژوهش‌های خود به بررسی این مقوله پرداخته‌اند)، ۱۲ مفهوم در «مقوله اقتصادی» (به عنوان نمونه ایوان آتودیراک [۱۹]، استریاکیویچ و یاروسفسکا [۳۹]، محمدرضاغلامی گوهره [۴۴]، ارایدین و اوزاتاغان [۴۵]، بارتولوما و همکاران [۴۶] و پالاگست [۴۷] در پژوهش‌های خود به این مقوله اشاره کرده‌اند)، ۵ مفهوم در «مقوله اجتماعی» (ویچمن و وولف [۵۰]، هاس و همکاران [۱۳]، ایوان آتودیراک [۱۹]، استریاکیویچ و یاروسفسکا [۳۹]، محمدرضا

rope, 1991–2008: The examples of Poland and the UK. *International Journal of Urban and Regional Research*. 2012 Nov;36(6):1326-48. <http://doi.org/10.1111/j.1468-2427.2012.01114.x>

- [37] Rieniets T. Shrinking cities: Causes and effects of urban population losses in the twentieth century. *Nature and Culture*. 2009 Dec 1;4(3):231-54. <http://doi.org/10.3167/nc.2009.040302>
- [38] Van den Berg L. Drewett R. Klaassen LH. Rossi A. Vijverberg CH. A study of growth and decline. Oxford: Pergamon Press; 1982. <http://doi.org/10.1016/C2013-0-03056-3>
- [39] Stryjakiewicz T. Jaroszevska E. The process of shrinkage is a challenge to urban governance. *Quaestiones Geographicae*. 2016 Jun 15;35(2):27-37. <http://doi.org/10.1515/quageo-2016-0013>
- [40] Fritsche M. Langner M. Köhler H. Ruckes A. Schüler D. Zakirova B. Appel K. Contardo-Jara V. Diermayer E. Hofmann M. Kulemeyer C. Shrinking Cities—A new challenge for research in urban ecology. *Shrinking cities: Effects on urban ecology and challenges for urban development*. 2007:17-33.
- [41] Rink D. Wilderness: The nature of urban shrinkage? The debate on urban restructuring and restoration in Eastern Germany. *Nature and Culture*. 2009 Dec 1;4(3):275-92. <http://doi.org/10.3167/nc.2009.040304>
- [42] Hollander JB. Pallagst K. Schwarz T. Popper FJ. Planning shrinking cities. *Progress in planning*. 2009 Jan 9;72(4):223-32.
- [43] Haase A. Nelle A. Mallach A. Representing urban shrinkage—The importance of discourse as a frame for understanding conditions and policy. *Cities*. 2017 Sep 1;69:95-101. <http://doi.org/10.1016/j.cities.2016.09.007>
- [44] Gholami Gohare M. The phenomenon of urban shrinkage, a neglected concept in domestic theoretical literature. [Internet] page. 1402;33(101):81-98. Available from: <https://sid.ir/paper/1062178/fa>. [In Persian]
- [45] Eraydin A. Özatağan G. Pathways to a resilient future: A review of policy agendas and governance practices in shrinking cities. *Cities*. 2021 Aug 1;115:103226. <http://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103226>
- [46] Bartholomae F. Woon Nam C. Schoenberg A. Urban shrinkage and resurgence in Germany. *Urban Studies*. 2017 Sep;54(12):2701-18. <https://doi.org/10.1177/0042098016657780>
- [47] Pallagst K. The future of shrinking cities: problems, patterns and strategies of urban transformation in a global context.
- [48] joodi, P. Habibi, S. Mokhtari S. Exploring Urban Shrinkage and its Dependence on the Planning Culture (Case Study: District 8 of Tabriz Metropolis). *Geography and Urban Space Development*, 2022; 8(2): 21-37. <https://doi.org/10.22067/jgusd.2022.47898.0> [In Persian]
- [49] Schwarz N. Haase D. Seppelt R. Omnipresent sprawl? A review of urban simulation models with respect to urban shrinkage. *Environment and Planning B: Planning and Design*. 2010 Apr;37(2):265-83. <https://doi.org/10.1068/b35087>
- [50] Wiechmann T. Wolff M. Urban shrinkage in a spatial perspective—operationalization of shrinking cities in Europe 1990–2010. In *AE-SOP-ACSP Joint Congress 2013 Jul 15 (Vol. 1519)*. Dublin, Ireland: ResearchGate. <https://doi.org/10.1177/0969776417694680>
- [51] Bradbury KL. Downs A. Small KA. Some dynamics of central city-suburban interactions. *The American Economic Review*. 1980 May 1;70(2):410-4.
- [52] Frey WH. Black in-migration, white flight, and the changing economic base of the central city. *American Journal of Sociology*. 1980 May 1;85(6):1396-417. <https://doi.org/10.1086/227170>
- [53] Bailey SJ. Central city decline and the provision of education services. *Urban Studies*. 1982 Aug;19(3):263-79. <https://doi.org/10.1080/00420988220080501>
- [54] Cortese C. Grossmann K. Haase A. Ticha I. Governing Social Cohesion in Shrinking Cities. *Future Directions for the European Shrinking City*.

مشارکت نویسندگان

نویسنده اول: ۵۵ درصد، نویسنده دوم ۴۵ درصد

تشکر و قدردانی

مقاله حاضر حامی مادی و معنوی ندارد.

تعارض منافع

نویسندگان منافعی تجاری در این پژوهش نداشته‌اند و در قبال انجام و ارائه این پژوهش وجهی دریافت نکرده‌اند. همچنین، این اثر پیش از این در جایی منتشر نشده و هم‌زمان به نشریه دیگری ارائه نشده است.

2016 Jan 13:27.

- [55] Haase A. Rink D. Grossmann K. Bernt M. Mykhnenko V. Conceptualizing urban shrinkage. *Environment and Planning A*. 2014 Jul;46(7):1519-34. <https://doi.org/10.1068/a46269>
- [56] Nelle A. Großmann K. Haase D. Kabisch S. Rink D. Wolff M. Urban shrinkage in Germany: An entangled web of conditions, debates and policies. *Cities*. 2017 Sep 1;69:116-23. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2017.02.006>
- [57] Pallagst K. Wiechmann T. Martinez-Fernandez C. editors. *Shrinking cities: International perspectives and policy implications*. Routledge; 2013 Aug 15. <https://doi.org/10.4324/9780203597255>
- [58] Khavarian-Garmsir AR. A systematic review of shrinking cities literature: lessons from the past and directions for the future. *International Planning Studies*. 2023 Apr 27:1-20. <https://doi.org/10.1080/13563475.2023.2205030>
- [59] Delken E. Happiness in shrinking cities in Germany: a research note. *Journal of Happiness Studies*. 2008 Jun;9:213-8. <https://doi.org/10.1007/s10902-007-9046-5>
- [60] Aalbers MB. Bernt M. The political economy of managing decline and rightsizing. *Urban Geography*. 2019 40(2), pp.165-173. <https://doi.org/10.1080/02723638.2018.1524654>
- [61] Ganapati S. The paradox of shrinking cities in India. In *Shrinking cities 2014 Mar 14 (pp. 169-181)*. Routledge. <http://doi.org/10.4324/9780203079768-12>
- [62] Un-Habitat. *State of the World's cities 2008/9: Harmonious Cities*. Earthscan; 2008.
- [63] Haase D. Haase A. Rink D. Conceptualizing the nexus between urban shrinkage and ecosystem services. *Landscape and Urban Planning*. 2014 Dec 1;132:159-69.
- [64] Mansourzadeh A. Sasanpour F. Shamaï A. Habibullah F. The Future of Small Border Towns Affected by the Process of Urban Shrinkage (Case Study: Arkavaz City). *Social Geography*, 2022; 9 (1), 233-252. <http://doi.org/10.22103/IJUSG.2022.2069> [In Persian]
- [65] The Comprehensive Plan of the city of arkavaz, Chapter Three, knowledge of the city. [In Persian].
- [66] Habibi H. Nasiri M. *Cities of Iran Shahr (Volume 1; Abadan, Ivaoghli)*. 2010.
- [67] Slach O. Bosák V. Krtička L. Nováček A. Rumpel P. Urban shrinkage and sustainability: Assessing the nexus between population density, urban structures and urban sustainability. *Sustainability*. 2019 Aug 1;11(15):4142.

- منابع ■
- [1] Wiechmann T. Errors expected—Aligning urban strategy with demographic uncertainty in shrinking cities. *International Planning Studies*. 2008 Nov 1;13(4):431-46. <http://doi.org/10.1080/13563470802519097>
 - [2] Von Gebhardt G. Shrinkage – Polarization – Re-Urbanization?. The department International Planning Systems (IPS) 2015 May; Plan It! 1, 46-66.
 - [3] Segers T. Devisch O. Herssens J. Vanrie J. Conceptualizing demographic shrinkage in a growing region—Creating opportunities for spatial practice. *Landscape and Urban Planning*. 2020 Mar 1;195:103711. <https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2019.103711>
 - [4] Stansel D. Why some cities are growing and others shrinking. *Cato J.* 2011;31:285.
 - [5] Guimarães MH. Nunes LC. Barreira AP. Panagopoulos T. What makes people stay in or leave shrinking cities? An empirical study from Portugal. *European Planning Studies*. 2016 Sep 1;24(9):1684-708. <http://doi.org/10.1080/09654313.2016.1177492>
 - [6] Richardson HW. Nam CW. editors. *Shrinking cities: A global perspective*. Routledge; 2014 Mar 14.
 - [7] Pallagst K. Fleschurz R. Nothof S. Uemura T. PlanShrinking2—Trajectories of Planning Cultures in Shrinking Cities: The cases Cleveland/USA, Bochum/Germany, and Nagasaki/Japan. IPS Working Paper. 2018. Available online: https://www.ru.unikl.de/fileadmin/int-plan/Publicationen/Working_Paper_Series/IPS_WP_1_2018_-_PlanShrinking.pdf (accessed on 2 August 2021); 2018. <http://doi.org/10.13140/RG.2.2.14528.02563>
 - [8] Hartt M. Warkentin J. The development and revitalization of shrinking cities: A twin city comparison. *Town Planning Review*. 2017 Jan 1;88(1):29-41. <http://doi.org/10.3828/tpr.2017.4>
 - [9] Gilcher E. Changes in Planning Culture caused by Urban Shrinkage. *PlanIt!*. The department International Planning Systems (IPS) University of Kaiserslautern Germany Plan It! 2013 November;VOL: 1,83-99
 - [10] Röschlau V. Coherences between Shrinking and Planning Culture. The department International Planning Systems (IPS) PlanIt! 2013 June; Vol.1,6-28
 - [11] Haase A. Bernt M. Großmann K. Mykhnenko V. Rink D. Varieties of shrinkage in European cities. *European urban and regional studies*. 2016 Jan;23(1):86-102. <http://doi.org/10.1177/0969776413481985>
 - [12] Haase D. Schwarz N. Strohbach M. Kroll F. Seppelt R. Synergies, trade-offs, and losses of ecosystem services in urban regions: an integrated multiscale framework applied to the Leipzig-Halle Region, Germany. *Ecology and Society*. 2012 Sep 1;17(3).
 - [13] Haase D. Haase A. Kabisch N. Kabisch S. Rink D. Actors and factors in land-use simulation: The challenge of urban shrinkage. *Environmental Modelling & Software*. 2012 Jul 1;35:92-103. <http://doi.org/10.1016/j.envsoft.2012.02.012>
 - [14] Alves D. Barreira AP. Guimarães MH. Panagopoulos T. Historical trajectories of currently shrinking Portuguese cities: A typology of urban shrinkage. *Cities*. 2016 Mar 1;52:20-9. <http://doi.org/10.1016/j.cities.2015.11.008>
 - [15] Morrill R. 5 Shrinking cities. *Shrinking Cities: A Global Perspective*. 2014 Mar 14:61.
 - [16] Pallagst K. Shrinking cities: Planning challenges from an international perspective. *Cities growing smaller*. 2008 Feb 8;10:5-16.
 - [17] Mallach A. Haase A. Hattori K. The shrinking city in comparative perspective: Contrasting dynamics and responses to urban shrinkage. *Cities*. 2017 Sep 1;69:102-8. <http://doi.org/10.1016/j.cities.2016.09.008>
 - [18] Döringer S. Uchiyama Y. Penker M. Kohsaka R. A meta-analysis of shrinking cities in Europe and Japan. Towards an integrative research agenda. *European Planning Studies*. 2020 Sep 1;28(9):1693-712. <http://doi.org/10.1080/09654313.2019.1604635>
 - [19] Audirac I. Shrinking cities: An unfit term for American urban policy?. *Cities*. 2018 May 1;75:12-9. <http://doi.org/10.1016/j.cities.2017.05.001>
 - [20] Röschlau V. Coherences between Shrinking and Planning Culture. *PlanIt!*. 2013.
 - [21] Pallagst K. Fleschurz R. Nothof S. Uemura T. Shrinking cities: Implications for planning cultures?. *Urban Studies*. 2021 Jan;58(1):164-81. <http://doi.org/10.1177/00420980198855>
 - [22] Luffy T. Kloska K. Lines of Development of Urban Shrinkage—Threads, Chances and Potentials for the City of Porto, Portugal. *PlanIt! Vol. 1/2013*.
 - [23] Cunningham-Sabot E, Fol S. Shrinking cities in France and Great Britain: A silent process. The future of shrinking cities: Problems, patterns and strategies of urban transformation in a global context. 2009:17-28.
 - [24] Großmann K. Bontje M. Haase A. Mykhnenko V. Shrinking cities: Notes for the further research agenda. *Cities*. 2013 Dec 1;35:221-5. <http://doi.org/10.1016/j.cities.2013.07.007>
 - [25] Großmann K. Bontje M. Haase A. Mykhnenko V. Shrinking cities: Notes for the further research agenda. *Cities*. 2013 Dec 1;35:221-5. <http://doi.org/10.1016/j.cities.2013.07.007>
 - [26] <https://www.farsnews.ir.1400>
 - [27] Bernt M. Partnerships for demolition: The governance of urban renewal in East Germany's shrinking cities. *International Journal of Urban and Regional Research*. 2009 Sep;33(3):754-69. <http://doi.org/10.1111/j.1468-2427.2009.00856.x>
 - [28] Häußermann H. Siebel W. Die schrumpfende Stadt und die Stadtsoziologie. *Soziologische stadtforschung*. 1988:78-94. http://doi.org/10.1007/978-3-531-19988-7_7-1
 - [29] Martinez-Fernandez C. Weyman T. Fol S. Audirac I. Cunningham-Sabot E. Wiechmann T. Yahagi H. Shrinking cities in Australia, Japan, Europe and the USA: From a global process to local policy responses. *Progress in planning*. 2016 Apr 1;105:1-48. <http://doi.org/10.1016/j.progress.2014.10.001>
 - [30] He X. Guan D. Zhou L. Zhang Y. Gao W. Sun L. Huang D. Li Z. Cao J. Su X. Quantifying spatiotemporal patterns and influencing factors of urban shrinkage in China within a multidimensional framework: A case study of the Yangtze River Economic Belt. *Sustainable Cities and Society*. 2023 Apr 1;91:104452. <http://doi.org/10.1016/j.scs.2023.104452>
 - [31] Tong Y. Liu W. Li C. Rong Y. Zhang J. Yang Y. Yan Q. Gao S. Liu Y. County town shrinkage in China: Identification, spatiotemporal variations and the heterogeneity of influencing factors. *Journal of Rural Studies*. 2022 Oct 1;95:350-61. <http://doi.org/10.1016/j.jrurstud.2022.09.029>
 - [32] Beldiman AG. Shrinking cities. A specific phenomenon of urban dynamics. *THE JOURNAL OF URBAN ANTHROPOLOGY*. 2023;11(21):124-38.
 - [33] Rink D. Haase A. Grossmann K. Couch C. Cocks M. From long-term shrinkage to re-growth? The urban development trajectories of Liverpool and Leipzig. *Built environment*. 2012 Jun 1;38(2):162-78. <http://doi.org/10.2148/benv.38.2.162>
 - [34] Couch C. Karecha J. Nuissl H. Rink D. Decline and sprawl: an evolving type of urban development—observed in Liverpool and Leipzig. *European planning studies*. 2005 Jan 1;13(1):117-36. <http://doi.org/10.1080/0965431042000312433>
 - [35] Nuissl H. Rink D. The 'production' of urban sprawl in eastern Germany as a phenomenon of post-socialist transformation. *Cities*. 2005 Apr 1;22(2):123-34. DOI: [10.1016/j.cities.2005.01.002](http://doi.org/10.1016/j.cities.2005.01.002)
 - [36] Kabisch N. Haase D. Haase A. Urban population development in Eu-

make a comparative comparison and provide alternative solutions, the present research plans the macro components of anti-rental urbanization derived from Islamic thought, based on Islamic culture, against the rent-generating urbanization system influenced by capitalism.

Findings

The basic themes and main credits related to the phenomenon of rent generation in Iran's urban planning system can be investigated in three main urban planning sub-systems, including the cultural-social system of the city, the urban management system, and the urban planning and development system. Based on this, the main credits in the cultural-social system of the city are the impossibility of effective protest against the decisions of the city management, the weak civil society in the city, the security of the space, the lack of proper support of laws and structures to the people against rent-seeking, the public's lack of knowledge about development plans and programs, the low participation of people in the process of preparing development plans and programs, the high dependence of development decisions on the personal taste of officials, top-down development in contrast to the popularization of development decisions and measures, little transparency in urban development decisions, little participation of cooperatives and people's groups in the city development process and failure to address urban development issues to the main needs of the city's people. Moreover, the main credits of the urban management system are: the influence of different groups with power and wealth in determining projects, support of development rules and structures from capitalists, difficulty in benefiting the deprived class from development loans and incentives, sale of urban development rules to generate income for urban management, rent generation of development laws, plans and programs, the influence of development agents in the distribution of rent, incompetence of urban development officials, the effect of beneficiary groups on the distribution of urban development opportunities, the high impact of cumbersome bureaucracy on the arbitrary direction of urban resources, failure of urban management to seriously confront the request for sale of development laws, the impossibility of meeting the needs of the urban space by the people, the polar development of the city, the waste of resources in urban development and unnecessary expenses in the city, and the high control of people with power and wealth over the structure of urban management. Additionally, the main credits in the urban planning and development system are the capitalization of the land and housing market, small urban projects carried out in deprived urban areas, the unequal competition of different classes in the development of the city, the greater benefit of the capitalist classes from the advantages and opportunities of urban development, the lack of impact of urban development on the reduction of class differences in the city, the flow

of capital towards good areas of the city, capital construction in the city and land and housing speculation, uncertain distribution of the proceeds of urban development projects, privatization of public urban assets, failure to consider appropriate tax laws to prevent speculation, and the high role of financial markets (banks, as an example) in the accumulation of capital in the city.

Conclusion

The results of the present research show that in a rent-oriented urban development system, which is affected by the macro-values of the capitalist system, the macro-value of consumerism versus the macro-value of justice-oriented (which itself includes necessities such as respecting the right, preventing oppression, and public benefit influenced by Islamic culture. In case consumerism is based in the city instead of justice in urban development, the market and competition are placed as the center of affairs and the process of commodification spreads in urban development and it leads to the capitalization of the land and housing market. The capitalization of the land and housing market leads to an increase in the price of land and housing, and it becomes difficult to solve the essential need of providing housing shelter, and land for employment, especially for the deprived and oppressed classes. The continuation of the process of consumerism and the lack of attention to the category of public benefit is associated with the withdrawal of productive circuits from the urban space and the increase of speculative activities in this market. In this way, speculative investments in this market have led to the transformation of land and housing as one of the main places of capital accumulation and will lead to the production of a capitalist atmosphere. Following this, although many of the weak sections of society are facing problems in meeting their shelter needs, the ratio of the number of empty houses has increased, especially in valuable urban areas, and luxury malls and commercial centers are expanding in the cities. On the other hand, in rentier urban development, the great value of maintaining the system of capital accumulation in the city by the disciplinary institution is opposed to the great value of urban governance based on Islamic thought and the disciplinary institution by pushing development projects towards the goals and desires of powerful groups, creates the ground for aristocracy and waste. Also, implementing non-privileged and rent-seeking projects distorts the preservation of human dignity as the main duty of the government. In the rent-oriented urban development, the domination of the public sphere in the cities with the spread of classism in the urban areas has caused the weak strata to leave the good urban areas, and this results in the gathering of people with high power and influence in one space, after that, it is possible to get more benefits of development in these areas. Finally, rentier urban development has led to the creation of a social gap in the space and leads to individualism and social decay in front of the social province in the city.

COPYRIGHTS

©2022 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.



HOW TO CITE THIS ARTICLE

Nabizadeh Zolpirani M. Pirbabaie M. T. Shahbazi Y. Explaining the Phenomenon of Rent Generation in Urban Planning and Presenting an Alternative Model. Urban Economics and Planning Vol 5(1):40-55. [In Persian]

DOI: 10.22034/UEP2024.442937.1463



Explaining the Phenomenon of Rent Generation in Urban Planning and Presenting an Alternative Model*

Original Article

Mazyar Nabizadeh Zolpirani¹, Mohammad Taghi Pirbabaei^{2}, Yaser Shahbazi³**

1- Ph.D. Candidate, Faculty of Architecture and Urban Planning, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran

2- Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran

3- Associate Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran

ARTICLE INFO

Article History

Received: 2024-02-12

Revised: 2024-04-21

Accepted: 2024-04-27

Keywords

Credit Perceptions
Capitalist System
Rent Generation
Urban Justice
Urban Planning

ABSTRACT

Introduction

Although the concept of rent is considered a reprehensible phenomenon and contrary to justice and equality in the minds of the general public, today, due to the lack of accurate understanding of the issue of rent and rent-seeking, this phenomenon in urban issues is considered one of the main processes of development affairs. In recent years, it has attracted the attention of scientific circles, especially critical thinkers. According to many specialists in urban affairs in Iran, many of the mechanisms created in Iran's urban planning system in the 14th century (H-S) were affected by capitalist practices. Despite the efforts made after the Islamic revolution to expand justice in Iran, Iran's urban development system still has a quasi-capitalist image, and due to the macro-procedures of the capitalist system, the production and distribution of rent has become an irreplaceable part of it. Examining the research about rent in connection with urban issues shows that most of the researches deal with the issue of rent in the city as an example. Each of them analyzes one of the rent-generating processes in the cities from their perspective. It is necessary to carry out a fundamental analysis of the large rent-generating components in the urban planning system. Rent has always been condemned in Islamic thought, and among the opinions of scholars in the field of Islamic justice, Allameh Tabatabai's theory of credit perceptions, with its methodical analytical method, has created a suitable field for the root analysis of the rent-seeking phenomenon. In this regard, the current research aims to present the criteria of the non-rental urban planning model based on Islamic thought and culture.

Materials and Methods

The current research, using qualitative research methods, seeks to gain a comprehensive understanding of the issue of rent-seeking in Iran's urban development, based on a critical approach, and is considered a type of fundamental-developmental research. At first, by identifying the problem of rent generation as one of the basic foundations of urban planning systems affected by capitalist macro-procedures, which has a significant impact on the urban development of the present era, the present research tries to identify the main components of rent production in Iran's urban planning system. Therefore, in this regard, the meta-analysis method was used and in the present research, after examining the sources that were somehow related to the issues in the field of rent generation in Iran's urban planning system, 108 articles were examined and registered more than 2000 open codes on these articles. In the next stage of the current research, by converting open codes into basic themes, using the method of logical reasoning analysis, the main components of rent generation in Iran's urban planning system were extracted and then, on this basis, using the opinions of thinkers, a critical approach, based on the method of exploratory research and the method of analyzing logical reasoning, by delving into reliable sources such as articles, books, documents, and plans, for a comprehensive understanding of the production of rent phenomenon, identified the macro-credits of the urban development system affected by capitalism. Then, to

* This Article is derived from the doctoral thesis of the first author and under the guidance of the second Author and third authors at Tabriz Islamic Art University.

** Corresponding author: pirbabaei@tabriziau.ac.ir

تبیین پدیده رانت‌زایی در شهرسازی و ارائه الگوی جایگزین*

مقاله پژوهشی

مازیار نبی‌زاده ذوالپیرانی^۱؛ محمدتقی پیربابایی^{۲*}؛ یاسر شهبازی^۳

- ۱- دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران
- ۲- استاد گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران
- ۳- دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران

چکیده

مقدمه

هرچند مفهوم رانت در ذهن عموم مردم به عنوان یک پدیده مذموم و مغایر با عدالت و برابری در نظر گرفته می‌شود، اما امروزه به دلیل عدم شناخت دقیق مسئله رانت و رانت‌جویی، این پدیده در مسائل شهری به یکی از فرایندهای اصلی شکل‌دهنده امور توسعه تبدیل شده و طی سالیان اخیر مورد توجه محافل علمی، به‌ویژه اندیشمندان رویکرد انتقادی قرار گرفته است. به اذعان بسیاری از متخصصان امور شهری در ایران، بسیاری از سازوکارهای ایجادشده در نظام شهرسازی ایران در قرن ۱۴ (ه.ش) متأثر از رویه‌های سرمایه‌داری بوده و با وجود تلاش‌هایی که بعد از انقلاب اسلامی در راستای گسترش عدالت در ایران صورت گرفت، اما همچنان نظام شهرسازی ایران، شمایی شبه‌سرمایه‌داری دارد و متأثر از کلان‌رویه‌های نظام سرمایه‌داری، تولید و توزیع رانت به جزئی بی‌بدیل از آن تبدیل شده است. بررسی پژوهش‌های انجام‌شده پیرامون رانت در ارتباط با مسائل شهری نشان می‌دهد غالب پژوهش‌ها به صورت تصادفی به مسئله رانت در شهر پرداخته و هر یک از زاویه نگاه خود به تحلیل یکی از فرایندهای رانت‌زا در شهرها پرداخته‌اند و در این میان جای یک تحلیل ریشه‌ای از مؤلفه‌های کلان رانت‌زا در نظام شهرسازی، خالی است. رانت و رانت‌جویی در اندیشه اسلامی نیز همواره تقبیح شده و از میان نظرات اندیشمندان مختلف در مباحث مربوط به عدالت اسلامی، نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبایی با داشتن شیوه تحلیلی روشمند، زمینه مناسبی، جهت تحلیل ریشه‌ای پدیده رانت‌جویی ایجاد کرده است. در همین راستا هدف پژوهش حاضر، ارائه اعتباریات الگوی شهرسازی غیررانت‌زا مبتنی بر اندیشه و فرهنگ اسلامی است.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر با استفاده از روش‌های تحقیق کیفی به دنبال به دست آوردن درکی کل‌نگر نسبت به مسئله رانت‌جویی در شهرسازی ایران مبتنی بر رویکرد انتقادی است و از نوع تحقیقات بنیادی-توسعه‌ای محسوب می‌شود. پژوهش حاضر ابتدا با شناسایی مسئله رانت‌زایی به عنوان یکی از بنیادهای اساسی نظام‌های شهرسازی متأثر از کلان‌رویه‌های سرمایه‌داری که تأثیر به‌سزایی بر توسعه شهری عصر کنونی دارد و توسعه آینده شهرها را با مخاطرات جدی مواجه کرده است، تلاش می‌کند تا ضمن تحلیل دقیق مسئله، اعتباریات اصلی تولید رانت در نظام شهرسازی ایران را ارائه کند. لذا در این راستا در پژوهش حاضر از روش فراتحلیل استفاده شده و پژوهش حاضر پس از بررسی منابعی که به نحوی با مسائل موجود در زمینه رانت‌زایی در نظام شهرسازی ایران مرتبط بودند، ۱۰۸ مقاله را به صورت دقیق مورد بررسی قرار داد و بیش از ۲۰۰۰ کد باز روی این مقالات ثبت کرد. در مرحله بعدی پژوهش حاضر با تبدیل کردن کدهای باز به مضامین پایه، با استفاده از روش تحلیل استدلال منطقی، اعتباریات اصلی پیرامون رانت‌زایی در نظام شهرسازی ایران را استخراج کرد و سپس بر این مبنای

اطلاعات مقاله

تاریخ‌های مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۳
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۲/۰۲
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۰۸

کلمات کلیدی

ادراکات اعتباری
رانت‌زایی
شهرسازی
عدالت شهری
نظام سرمایه‌داری

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری «مازیار نبی‌زاده ذوالپیرانی» و راهنمایی «دکتر محمدتقی پیربابایی» (استاد راهنمای اول) و «دکتر یاسر شهبازی» (استاد راهنمای دوم) در دانشگاه هنر اسلامی تبریز است.
** نویسنده مسئول: p.irbabaei@tabriziau.ac.ir

عدم در نظر گیری قوانین مالیاتی مناسب در جلوگیری از سوداگری و نقش بالای بازارهای مالی (بانک‌ها و غیره) در انباشت سرمایه در شهر.

نتیجه گیری

نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد در توسعه شهری رانتی که متأثر از کلان‌رویه‌های نظام سرمایه‌داری است، کلان‌اعتبار مصرف‌گرایی در مقابل کلان‌اعتبار عدالت‌گرایی (که خود شامل ضرورت‌هایی نظیر رعایت حق، جلوگیری از ظلم و منفعت عمومی است) در شهرسازی متأثر از فرهنگ اسلامی قرار گرفته و در صورت مبنا قرار گرفتن مصرف‌گرایی در شهر به جای عدالت‌گرایی در توسعه شهری، بازار و رقابت به عنوان محور امور قرار گرفته و فرایند کالایی‌سازی در توسعه شهری شیوع می‌یابد و سرمایه‌های شدن بازار زمین و مسکن را در پی دارد. سرمایه‌ای شدن بازار زمین و مسکن، افزایش قیمت زمین و مسکن را در پی دارد و حل نیاز ضروری تأمین مسکن و سرپناه و زمین برای اشتغال، به‌ویژه برای اقشار محروم و مستضعف، دشوار می‌شود. ادامه یافتن فرایند مصرف‌گرایی و بی‌توجهی به مقوله منفعت عمومی، با خارج شدن مدارهای مولد از فضای شهری و افزایش فعالیت‌های سوداگرانه در این بازار همراه است. به این ترتیب سرمایه‌گذاری‌های سوداگرانه در این بازار منجر به تبدیل زمین و مسکن به عنوان یکی از محل‌های اصلی انباشت سرمایه شده و به تولید فضای سرمایه‌داری خواهد انجامید. به دنبال این امر هر چند بسیاری از اقشار ضعیف جامعه در تأمین نیاز سرپناه خود با مشکل مواجه‌اند، نسبت تعداد خانه‌های خالی به‌ویژه در مناطق با ارزش شهری افزایش یافته و مال‌ها و مراکز تجاری لوکس در شهرها گسترش می‌یابد.

از طرف دیگر در توسعه شهری رانتی، کلان‌اعتبار حفظ نظام انباشت سرمایه در شهر توسط نهاد انضباطی، مقابل کلان‌اعتبار حکمروایی شهری مبتنی بر اندیشه اسلامی قرار گرفته و نهاد انضباطی با تحکیم هژمونی از طریق بروکراتیزه کردن در و به واسطه فضا به وسیله طرح‌های توسعه، قوانین و غیره و همچنین با سوق دادن پروژه‌های توسعه‌ای به سوی اهداف و امیال گروه‌های پر قدرت، زمینه اشرافی‌گری و تذبذب را ایجاد کرده و با اجرای پروژه‌های غیرمحرومیت‌زدا و رانت‌زا، حفظ کرامت انسانی را به عنوان وظیفه اصلی حکومت، مخدوش کرده است. همچنین نهاد انضباطی در توسعه شهری رانتی جهت حمایت از بورژوازی به منظور کنترل بحران‌های نظام سرمایه‌داری در شهر، با گسترش اعطای مجوزهای رانتی به تسهیل بازتولید شرایط عمومی تسلط طبقاتی در شهر می‌پردازد. در توسعه شهری رانتی، تسلط بر عرصه عمومی در شهرها با گسترش طبقاتی‌گرایی در محلات شهری، سبب خارج شدن اقشار ضعیف از محلات خوب شهری شده و این امر تجمع یافتن افراد با قدرت و نفوذ بالا در یک فضا را در پی دارد که به دنبال آن امکان جلب بیشتر مزایای توسعه در این محلات اتفاق می‌افتد. به این ترتیب شکل‌دهی به فضا به نفع سرمایه و سرمایه‌دار توسط قدرت رخ داده و زندگی کردن افراد متمول‌تر در محیط‌های شهری با کیفیت بالاتر ادامه می‌یابد. در نهایت توسعه شهری رانتی منجر به ایجاد شکاف اجتماعی در فضا شده و فردگرایی و اضمحلال اجتماعی را در مقابل ولایت اجتماعی در شهر، به دنبال دارد.

استفاده از نظریات اندیشمندان رویکرد انتقادی، مبتنی بر روش پژوهش اکتشافی و روش تحلیل استدلال منطقی با کنکاش در منابع معتبر اعم از مقالات، کتاب‌ها، اسناد، طرح‌ها و غیره، جهت ادراک کل‌نگر از پدیده رانت‌زایی به شناسایی اعتباریات کلان نظام شهرسازی متأثر از سرمایه‌داری پرداخت. سپس تحقیق حاضر جهت انجام مقایسه تطبیقی و ارائه راه‌حل‌های جایگزین، اعتباریات کلان شهرسازی ضد رانتی برگرفته از اندیشه اسلامی را مبتنی بر فرهنگ اسلامی در مقابل نظام شهرسازی رانت‌زای متأثر از سرمایه‌داری، طرح می‌کند.

یافته‌ها

مضامین پایه و اعتباریات اصلی مرتبط با پدیده رانت‌زایی در نظام شهرسازی ایران در سه زیرنظام اصلی شهرسازی یعنی نظام فرهنگی-اجتماعی شهر، نظام مدیریت شهری و نظام برنامه‌ریزی و توسعه شهری قابل بررسی است. بر این مبنا، اعتباریات اصلی در نظام فرهنگی-اجتماعی شهر، عبارت‌اند از: عدم امکان اعتراض اثرگذار نسبت به تصمیمات مدیریت شهری، جامعه مدنی ضعیف در شهر، امنیتی بودن فضا، عدم حمایت مناسب قوانین و ساختارها از مردم در مقابل رانت‌جویی، آشنایی کم عموم نسبت به طرح‌ها و برنامه‌های توسعه، مشارکت سطح پایین مردم در فرایند تهیه طرح و برنامه‌های توسعه، وابستگی زیاد تصمیمات توسعه به سلیقه شخصی مسئولان، توسعه از بالا به پایین در مقابل مردمی بودن تصمیمات و اقدامات توسعه، شفافیت ناچیز در تصمیمات توسعه شهری، مشارکت ناچیز تعاونی‌ها و گروه‌های مردمی در فرایند توسعه شهر، توزیع و واگذاری نابرابر یا انحصاری اجرای پروژه‌های توسعه شهری و عدم پرداختن امور توسعه شهری به نیازهای اصلی مردم شهر. همچنین اعتباریات اصلی نظام مدیریت شهری عبارت‌اند از: اثرگذاری گروه‌های مختلف دارای قدرت و ثروت در تعیین پروژه‌ها، پشتیبانی قوانین و ساختارهای توسعه از سرمایه‌داران، دنیواری در بهره‌مندی طبقه محروم از وام‌ها و مشوق‌های توسعه، فروش قوانین توسعه شهری به منظور درآمدزایی مدیریت شهری، رانت‌زایی قوانین، طرح‌ها و برنامه‌های توسعه، تأثیرگذاری کارگزاران امور توسعه در توزیع رانت، عدم شایستگی مسئولان توسعه شهری، تأثیر گروه‌های همسود بر چگونگی توزیع فرصت‌های توسعه شهری، تأثیر بالای بروکراسی دست‌وپاگیر بر هدایت خودسرانه منابع شهری، عدم مقابله جدی مدیریت شهری در برابر درخواست فروش قوانین توسعه، عدم امکان برطرف ساختن نیاز فضای شهری توسط مردم، توسعه قطبی شهر، اسراف منابع در امور توسعه شهری و هزینه‌های ناهجا در شهر و کنترل زیاد افراد دارای قدرت و ثروت بر ساختار مدیریت شهری. همچنین اعتباریات اصلی در نظام برنامه‌ریزی و توسعه شهری نیز عبارت‌اند از: سرمایه‌ای شدن بازار زمین و مسکن، پروژه‌های شهری ناچیز انجام‌شده در مناطق محروم شهری، سرمایه‌ای شدن ساخت‌وساز مسکن، مبادله‌ای شدن زمین و مسکن، رقابت نابرابر اقشار مختلف در توسعه شهر، بهره‌مندی بیشتر اقشار سرمایه‌دار از مزایا و فرصت‌های توسعه شهری، عدم تأثیر امور توسعه شهری بر کاهش اختلاف طبقاتی در شهر، حرکت جریان سرمایه به سمت مناطق خوب شهر. ساخت‌وساز سرمایه‌ای در شهر و سوداگری زمین و مسکن، توزیع نامشخص عواید پروژه‌های توسعه شهری، خصوصی‌سازی دارایی‌های عمومی شهری،

مقدمه

رانت‌زایی و رانت‌جویی در توسعه شهری منجر به توزیع ناعادلانه منابع و منافع شده و اختلاف طبقاتی و قطبی شدن شهرها را به دنبال دارد. نظام برنامه‌ریزی شهری و مدیریت شهری امروزه از راه‌های مختلفی نظیر تعیین طرح و برنامه‌های توسعه شهری و تعیین جهات توسعه، تغییر در برنامه‌های مصوب و فروش الزامات طرح، اجرای پروژه‌ها، انتخاب پیمانکاران، اعطای امتیازات و مجوزها و غیره، امکان تولید و توزیع رانت را دارد؛ لذا بررسی پدیده رانت‌زایی در امور توسعه شهری از ضرورت بالایی برخوردار است. در این راستا اندیشمندان رویکرد انتقادی با تبیین سازوکارهای ناعادلانه نقش برجسته‌ای در شناسایی رویه‌های رانت‌زای نظام سرمایه‌داری داشته‌اند. تبیین سازوکارهای ناعادلانه با استفاده از رویکرد انتقادی می‌تواند رویه‌هایی را که نظام سرمایه‌داری با استفاده از ابزارهای مختلف قانونی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، جهت بازتولید خود و کمک به فرایند انباشت سرمایه، ایجاد کرده است، مورد نقد و تحلیل قرار دهد [۱-۶].

رانت‌جویی در اندیشه اسلامی نیز همواره مورد مذمت قرار گرفته و به علت افزایش نابرابری در جامعه، به عنوان یکی از موانع اصلی تحقق عدالت اسلامی قلمداد می‌شود. امور رانت‌جویانه نظیر غبن، غش، تدلیس و نجش در معامله، احتکار، ربا، اختلاس، قمار، کم‌فروشی و غیره، در دین اسلام به شدت تقیح شده و در مواردی جنگ با خدا تعبیر شده‌اند. مبتنی بر قاعده فقهی لاضرر در اسلام که بر قاعده تسلیط (اختیار تصرف در ملک شخصی)، تقدم دارد، امور رانت‌جویانه در توسعه شهری نظیر انواع و اقسام فعالیت‌های سوداگرانه همچون ساخت‌وساز بیش از حد مجاز، تخلفات ساختمانی، تغییر کاربری اراضی و غیره که موجب ضرر رساندن به سایرین شود و یا با منفعت عمومی در تعارض باشد، با اصول اسلامی مغایر است. بنابراین با توجه به جامعیت دین اسلام به عنوان کامل‌ترین و والاترین راه سعادت و کمال بشری، تحلیل پدیده رانت‌زایی در توسعه شهری از منظر اندیشه اسلامی ضرورت بالایی دارد [۷-۹].

از میان نظرات اندیشمندان مختلف در مباحث مربوط به عدالت اسلامی، نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبایی با داشتن شیوه تحلیلی روشمند، زمینه مناسبی جهت تحلیل ریشه‌ای پدیده رانت‌جویی ایجاد می‌کند که می‌توان از آن در امور توسعه شهری بهره برد. علامه طباطبایی در این نظریه به تبیین چگونگی گرایش انسان به بهره‌مندی از مزایا و نتایج زحمات دیگران، تحت نظریه استخدام اشاره کرده، که می‌توان آن را مهم‌ترین عنصر سوق‌دهنده جوامع انسانی به سوی رانت‌زایی و رانت‌جویی قلمداد کرد. مبتنی بر این نظریه، انسان به منظور بهره‌مندی بیشتر از لذت‌ها و منافع همواره به دنبال استخدام سایر هم‌نوعان خود بوده و بر این مبنای، به زندگی اجتماعی تمایل می‌یابد. اما انسان‌ها در همین زندگی اجتماعی، به دلیل وجود سلابی، علایق، اندیشه‌ها و تمایلات گوناگون و گرایش هر کسی به سود بیشتر خود، دچار اختلاف، کشمکش و نزاع می‌شود و جوامع انسانی در معرض اضمحلال قرار می‌گیرد. لذا بر همین مبنای انسان شروع به اعتبار و قراردادهای اجتماعی مختلف می‌کند و علامه طباطبایی نیز در همین راستا نظریه ادراکات اعتباری را طرح می‌کند [۱۰-۱۴].

بنا به آنچه گفته شد، پژوهش حاضر با توجه به اهمیت پدیده رانت در نظام شهرسازی و تأثیر آن بر افزایش بی‌عدالتی و همچنین با توجه به جایگاه عدالت به عنوان یکی از اصول اساسی اسلام، در نظر دارد تا ضمن تحلیل ریشه‌ای پدیده رانت‌زایی با استفاده از رویکرد انتقادی، با بهره‌گیری از نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبایی که رویکرد تحلیلی ویژه‌ای را در حوزه حکمت عملی و مباحث متناظر با زندگی اجتماعی انسان از منظر اندیشه اسلامی ایجاد کرده به ارائه اعتباریات مورد نظر فرهنگ اسلامی در مقابله با رانت‌زایی بپردازد و هدف آن ارائه اعتباریات شهرسازی اسلامی در مقابل پدیده رانت‌زایی در توسعه شهری است، لذا در این راستا به دنبال پاسخ‌گویی به سؤال ذیل است:

اعتباریات الگوی شهرسازی غیررانت‌زا مبتنی بر اندیشه و فرهنگ اسلامی، چگونه تبیین می‌شود؟

پیشینه پژوهش

مفهوم رانت با توجه به معنای لغوی آن، به نوعی بهره مالکانه گفته می‌شود که نوعی سود غیرتولیدی است و از طریق کنترل بر ابزار تولید به دست می‌آید. در معنای اصطلاحی ادبیات اقتصاد سیاسی، رانت هر گونه درآمد بدون استحقاق و بدون زحمت را شامل می‌شود و رانت‌جویی نوعی هزینه اجتماعی ناکارآمدی در نتیجه فعالیت‌های غیرمولد تعریف می‌شود که به منظور حداکثرسازی بهره‌مندی‌های شخصی، بدون تولید ثروت اجتماعی جدید، انجام می‌شود که با اتلاف منابع تحت محدودیت‌های نهادی معینی همراه است [۴، ۱۵ و ۱۶]. در ادامه سعی شده است برجسته‌ترین پژوهش‌های انجام‌شده طی سالیان اخیر، پیرامون رانت در نظام شهرسازی بررسی شود.

برادلی [۱۷] در مقاله «کمبود مصنوعی خانه‌سازی و تأثیر آن بر قیمت مناسب: بازگشت رانت مطلق» به این مسئله اشاره می‌کند که افزایش جمعیت و افزایش تقاضا می‌تواند به افزایش قیمت زمین و مسکن منجر شود، اما واکنش آهسته‌سازندگان مسکن به تغییرات تقاضا یکی از دلایل بحران جهانی قیمت مسکن است. فعالان بازار مستغلات با کارهایی نظیر خارج ساختن زمین‌ها از عرضه، قیمت‌ها را افزایش می‌دهند و با ایجاد یک کمبود مصنوعی، به نوعی یک رانت مطلق را برای خود فراهم می‌کنند. ترزا [۱۸] نیز در مقاله «ظهور مجدد قراردادهای زمین در شیکاگو: رانت انحصاری طبقاتی نژادی شده به عنوان یک هدف بازگشتی در بازارهای دارایی سرمایه‌داری» بیان می‌کند که حقوق مالکیت و قوانین و مقررات بخش زمین و مسکن به ابزاری برای تبعیض نژادی تبدیل شده است و بازار زمین و مسکن تحت تأثیر تمایلات سرمایه‌گرایانه با استفاده از رانت انحصاری طبقاتی، به یکرسان‌سازی محلات شهری و طبقاتی شدن شهر منجر شده است. اندرسون و همکاران [۱۹] در مقاله «رانت انحصاری طبقاتی، روابط دارایی و بحران بی‌خانمان‌ها در پورتلند» اشاره می‌کنند که بازیگرانی که ماشین‌های رشد شهری را تشکیل می‌دهند به طور مشترک برای کنترل فضای بی‌خانمان‌ها به عنوان ابزاری برای حفظ سرمایه‌گذاری‌هایشان در فضای شهری کار می‌کنند. در دوران نئولیبرال، به طور خاص بسیج مالکیت به سمت یک دسته خاص از رانت است: رانت انحصاری طبقاتی. نتیجه چنین رانت‌جویی، اعیان‌سازی مناطق شهری و به حاشیه راندن گروه‌های ضعیف است.

پرسل و وارد [۲۰] در پژوهشی با عنوان «تحلیل اقتصاد سیاسی از اخذ ارزش زمین در بریتانیا: رانت و زیست‌پذیری در چرخه نوین شهرداری سالفورد» به این مسئله می‌پردازند که با تبدیل اقتصاد کشورها به اقتصاد رانتی، تحریک، توزیع و تسخیر ارزش‌های زمین به اهداف اصلی سیاست فضایی-اقتصادی در حکمرانی شهری تبدیل شده است. در این راستا برنامه‌ریزی و سیاست مسکن توسط سیستم مدیریت شهری تنها به ابزاری برای افزایش ارزش زمین و ایجاد رانت‌های انحصاری و انتقال آن به مقامات و سرمایه‌گذاران شده است. در غیر این صورت هر گونه طرح توسعه‌ای شهری با استفاده از تشریفات سنگین دولتی مسدود می‌شود. عبدالعزیز و همکاران [۱۵] در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی مقدماتی مدل‌سازی رفتارهای رانت‌جویانه در فرایند تصویب برنامه‌ریزی مسکن مالزی: مسائل و مشکلات» اشاره می‌کنند که تصویب پروژه‌های برنامه‌ریزی مسکن می‌تواند با مسائل و مشکلات بسیاری مانند فرایند طولانی، نامطمئن و طاقت‌فرسا مواجه شود. توسعه‌دهندگان مسکن هم که از مسائل و مشکلات تأییدی برنامه‌ریزی مسکن ناامید شده‌اند، آن‌ها را به رفتارهای رانت‌جویانه برای استخراج رانت سوق می‌دهد. از این رو، رفتارهای رانت‌خواری در بین توسعه‌دهندگان و افسران تصویب‌کننده رایج است.

در زمرة پژوهش‌های فارسی نیز حدادی و همکاران [۲۱] در مقاله «شناسایی الگوی ایجاد رانت زمین و مسکن در شهرستان طالقان، با استفاده از روش گراندد تئوری» به این مسئله می‌پردازند که تجمیع منابع پولی حاصل از

کاربری اراضی سکونتگاه‌ها را تعیین می‌کنند، ظاهراً این فرایند را شکل می‌دهند، اما تغییرات رخ داده معمولاً با انتظارات سوداگران بازار زمین مطابقت دارد. در این شرایط که تغییرات توسعه شهری به واسطه سوداگران شهری به وقوع می‌پیوندد، ابزارهای جریان اصلی اقتصاد، ناکارآمد و حتی فریبده عمل می‌کنند و مسئله شهرنشینی و تولید فضای سرمایه‌داری به مسئله اصلی انباشت سرمایه تبدیل می‌شود. به این ترتیب فرایند کالایی‌سازی شهر و فضای شهری با سرعت جلو می‌رود و در این بین، طبقه‌ای از سودجویان و سوداگران همراه با ناکارآمدی سیستم‌های نهادی، بهره‌ای اصلی را از این توزیع بدون استحقاق سرمایه‌ها، نصیب خود کرده و این رانت‌زایی، نظام برنامه‌ریزی شهری را به سوی افزایش اختلاف طبقاتی در شهر هدایت می‌کند (۲، ۱۵ و ۱۲۶).

در یک دسته‌بندی می‌توان مسئله رانت در نظام شهرسازی را در دو حوزه سیاست‌های خرد و نظام‌های کلان مورد بررسی قرار داد. در حوزه خرد مسائلی نظیر قوانین و سیاست‌های موجود در نظام شهرسازی، همچون قوانین مربوط به تراکم‌های ساختمانی، تخلفات ساختمانی، تغییر کاربری، تعیین کاربری و... وجود دارد؛ اما در عرصه کلان، نظام‌های کلان اقتصادی- اجتماعی نظیر سازوکارهای نظام‌های کاپیتالیستی (سرمایه‌داری)، تعیین‌کننده رویه‌های حاکم بر نظام شهرسازی هستند که در ادامه به رانت‌زایی در حوزه خرد نظام شهرسازی منجر می‌شود. به بیان دیگر، رانت‌زایی ذاتی نظام‌های شهرسازی متأثر از کلان‌رویه‌های نظام‌های سرمایه‌داری، به ایجاد سازوکارهایی در نظام شهرسازی منجر می‌شود که از بین بردن رانت در آن را غیر ممکن می‌کند و یا تأثیر قوانین خرد در آن بین بردن رانت، پس از مدتی به علت رانت‌زا بودن اصل نظام، از راه‌های دیگری، خنثی می‌شود (۲۷-۲۹).

نظام شهرسازی ایران نیز متأثر از قوانین و سازوکارهای ایجادشده در نیمه اول قرن ۱۴ (ه.ش) همچون ورود مستشاران آمریکایی به کشور، راه‌اندازی سازمان برنامه، تهیه اولین برنامه توسعه کشور، تصویب لایحه قانونی تشکیل شهرداری و انجمن شهر، اصلاحات ارضی، تأسیس وزارت آبادانی و مسکن، تهیه طرح‌های جامع شهری، قانون نوسازی و عمران شهری و بسیاری دیگر از قوانین و سازوکارهای ایجادشده در این دوره شکل گرفت. به اذعان بسیاری از متخصصان امور شهری در ایران (رجوع شود به: [۳۰-۴۱]) بسیاری از سازوکارهای ایجادشده در نظام شهرسازی ایران در قرن ۱۴ (ه.ش) متأثر از رویه‌های سرمایه‌داری بوده و با وجود تلاش‌هایی که بعد از انقلاب اسلامی در راستای گسترش عدالت در ایران صورت گرفت، اما همچنان نظام شهرسازی ایران، شمایی شبه‌سرمایه‌داری دارد و متأثر از کلان‌رویه‌های نظام سرمایه‌داری، تولید و توزیع رانت به جزئی بی‌بدیل از آن تبدیل شده است [۳۲، ۳۶، ۳۸ و ۴۲].

نقد رویه‌های نظام سرمایه‌داری، بیش از همه، نزد اندیشمندان رویکرد انتقادی صورت گرفته است. نظریه انتقادی به‌رغم ریشه‌های متعدد آن رابطه نزدیکی با مجموعه افکاری دارد که تحت عنوان مکتب فرانکفورت شناخته شده و شامل مجموعه متنوعی از اندیشه‌های افرادی نظیر آدورنو، هور کهایمر، مارکوزه، هابرماس و دیگران است و در حوزه مسائل شهری، اندیشمندان نظیر هانری لوفور، مانوئل کاستلز و دیوید هاروی از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان این سنت هستند که به نقد کلان‌رویه‌های سرمایه‌داری پرداخته‌اند [۴۳ و ۴۴]. مفهوم رویکرد انتقادی قیل از هر چیز با شاخص انتقادی بودن باز شناخته می‌شود، وقتی اعضای مکتب فرانکفورت از واژه‌های نقد و انتقادی، استفاده می‌کنند، منظورشان نقد سیاسی و اقتصادی وضعیت موجود است. نظریه انتقادی از ابتدا دغدغه باز نمونی عمیق نابرابری‌ها در میان انسان‌ها را داشت و در مراحل بعد در صدد ارائه راه و روش‌هایی برای رهایی از سرمایه‌داری بازاری برآمد [۴۵].

به باور دیوید هاروی، گرایش دائمی انسان به انباشت بیشتر سود، در پرتو نهادسازی وی جهت حفظ و تداوم امنیت انباشت و توسعه سرمایه، به شکل‌گیری مجموعه‌ای از رویه‌های هم‌سو منجر شده است که تحت سیاق نظام سرمایه‌داری در شهرهای نئولیبرال، به کنترل خواست و اراده توده‌ها

فروش منابع طبیعی در دست دولت، سبب ایجاد نوعی درآمد رانتی برای دولت شده است. منبعی که دولت به صلاح دید خود در حوزه‌های مختلف توزیع می‌کند. همچنین ترکیب عامل پول (حاصل از رانت در قالب وام‌های بانکی، مجوزها، اخبار، اطلاعات) با زمین و مسکن در قالب رانت زمین و مسکن و تغییر کاربری اراضی در کشور می‌شود. مشکینی و امیرحاجیلو [۲۲] نیز در پژوهش «پروژه‌های توسعه شهری و تولید رانت در کلان‌شهر تهران» اشاره می‌کنند که میان پروژه‌های توسعه شهری و شکل‌گیری فرایند قطبی شدن در کلان‌شهرها رابطه ساختاری وجود دارد. پروژه‌های توسعه شهری به عنوان شیوه جدیدی از تولید محیط مصنوع به منافع اقتصادی خاص که سازگار با استراتژی انباشت رانت اولویت می‌دهد و تا حد زیادی از منافع و اولویت‌های گروه‌های اجتماعی بی‌قدرت از جمله فقرای شهری و طبقات کم‌درآمد صرف‌نظر می‌کند. پروژه‌های توسعه شهری به اجرا درآمده در کلان‌شهرها سطح بالایی از شکاف اجاره و رانت و افزایش قیمت زمین ایجاد می‌کند که به اعیانی‌سازی با شخصیتی سوداگرانه و رانت‌جویانه منتهی می‌شوند.

جعفری پابندی و همکاران [۲۳] در پژوهش «تحلیل ساختاری- کارکردی مورفولوژی شهری تحت تأثیر رانت حاصل از اقتصاد نفتی (مطالعه موردی: شهر زنجان)» اشاره می‌کنند که برنامه‌ریزی اقتصادی مبتنی بر نفت یکی از عوامل اساسی است که مکانیزم‌ها و مناسبات اقتصادی و کالبدی شهری را متأثر می‌سازد. این شیوه مدیریت فضا به افزایش فعالیت‌های سوداگرانه عدم تخصیص بهینه منابع و بی‌توجهی به ابعاد اجتماعی فرهنگی و نگاه صرفاً کالبدی و کارکردگرایانه به فضای شهری و مورفولوژی حاصل از آن منجر می‌شود. روستایی و همکاران [۲۴] در مقاله «تحلیل نیروهای مؤثر در شهری شدن رانت در قالب طرح‌های آماده‌سازی زمین مسکونی شهری» به این مسئله می‌پردازند که هر قدر قدرت نهادها و مدیران محلی در مدیریت جریان‌های اقتصادی- اجتماعی و کالبدی شهر ضعیف باشد، کنشگران فعال در بازار زمین و مستغلات شهری به عامل اصلی در توسعه شهری و تولید فضای رانتی تبدیل می‌شوند. کنترل محدوده شهری بیشترین ارتباط را با ساخت شهری مبتنی بر رانت دارد. کاظمیان و همکاران [۲۵] نیز در پژوهش «مدیریت تأمین مالی شهر و اقتصاد سیاسی شهری جدید (مطالعه موردی: کلان‌شهر مشهد)» بیان می‌دارند که اتکالی مالی شهرداری‌ها به درآمدهای ناپایدار ناشی از عوارض ساختمانی و زمین، به خصوص فروش تراکم‌ها، مازاد ساختمانی است. تحلیل اقتصاد سیاسی این پدیده نشان‌دهنده ایجاد اقتصاد سیاسی جدید مبتنی بر اعطای مجوزهای رانتی به زمین‌های شهری به عنوان پایه اصلی درآمدی شهرداری‌های کشور شده است؛ به گونه‌ای که فروش مازاد تراکم را می‌توان به مثابه توزیع رانت اقتصادی در نظر گرفت.

بررسی پژوهش‌های داخلی و خارجی انجام‌شده پیرامون رانت در نظام شهرسازی نشان می‌دهد گونه‌های مختلفی از رانت وجود دارد که به نحوی می‌تواند ایجادکننده و یا از بین‌برنده عدالت در شهرها باشد. اینکه چه فرایندهایی و چگونه می‌تواند ما را به سوی عدالت در شهرها سوق دهد مسئله‌ای است که با تبیین دقیق مفهوم رانت در شهر می‌توان تا حدی به سوی حل آن حرکت کرد. همچنین بررسی پژوهش‌های انجام‌شده پیرامون رانت در ارتباط با مسائل شهری نشان داد غالب پژوهش‌ها به صورت مصداقی به مسئله رانت در شهر پرداخته و هر یک از زاویه نگاه خود به تحلیل یکی از فرایندهای رانت‌زا در شهرها پرداخته‌اند و در این میان جای یک تحلیل ریشه‌ای از مؤلفه‌های کلان رانت‌زا در نظام شهرسازی، خالی است. بنابراین پژوهش حاضر در ادامه پژوهش‌های انجام‌شده پیرامون رانت در شهرسازی به دنبال ارائه یک تحلیل کلی از اعتباریات شهرسازی رانت‌زا مبتنی بر نگرش‌های انتقادی بوده و همچنین در این راستا تلاش می‌کند تا با استفاده از اندیشه اسلامی، به ارائه الگوی جایگزین بپردازد.

مبانی نظری

سکونتگاه‌ها در شهرها به دلیل پویایی توسعه شهری در مدت کوتاهی دستخوش تغییر و توسعه سریع می‌شوند. سیاست‌های برنامه‌ریزی که الگوی

متأثر از الگوهای سرمایه‌داری شکل گرفته و می‌توان نظام شهرسازی فعلی ایران را شبه‌سرمایه‌داری دانست. لذا در ادامه پژوهش تلاش می‌شود تا ضمن واکاوی اعتباریات اصلی تولید رانت در نظام شهرسازی ایران، با استفاده از نظرات اندیشمندان رویکرد انتقادی و کندوکاو در اندیشه و فرهنگ اسلامی، تحلیلی تطبیقی از اعتباریات شهرسازی در زمینه رانت‌زایی ارائه کرد.

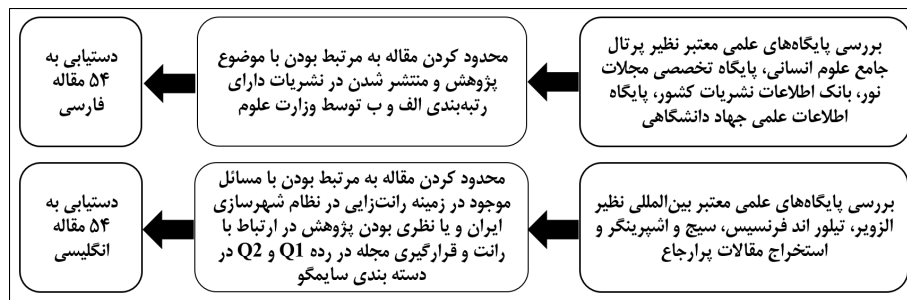
■ مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر با استفاده از روش‌های تحقیق کیفی به دنبال به دست آوردن درکی کل‌نگر نسبت به مسئله رانت‌جویی در شهرسازی ایران مبتنی بر رویکرد انتقادی است و از نوع تحقیقات بنیادی-توسعه‌ای محسوب می‌شود. پژوهش حاضر ابتدا با شناسایی مسئله رانت‌زایی به عنوان یکی از بنیادهای اساسی نظام‌های شهرسازی متأثر از کلان‌رویه‌های سرمایه‌داری که تأثیر به‌سزایی بر توسعه شهری عصر کنونی دارد و توسعه آینده شهرها را با مخاطرات جدی مواجه کرده است، تلاش می‌کند تا ضمن تحلیل دقیق مسئله، اعتباریات اصلی تولید رانت در نظام شهرسازی ایران را ارائه کند. لذا در این راستا در پژوهش حاضر از روش فراتحلیل استفاده شده و پژوهش حاضر پس از بررسی منابع فارسی و انگلیسی که به نحوی با مسائل موجود در زمینه رانت‌زایی در نظام شهرسازی ایران مرتبط بودند، ۱۰۸ مقاله (۵۴ مقاله فارسی و ۵۴ مقاله انگلیسی) را به صورت دقیق مورد بررسی قرار داد و بیش از ۲۰۰۰ کد باز روی این مقالات ثبت کرد (شکل ۱).

انجام‌دهنده است. در اندیشه هانری لوفور، زایش بورژوازی سرمایه‌محور، از پس خنثی‌سازی انگیزه‌های انقلابی پرولتاریا، موجد فرایندهایی در توسعه شهرها شده است که سود مضاعف سرمایه‌دار را تحکیم بخشیده و در گرو بهره‌مندی از مزایای توسعه، انقطاع طبقات را تثبیت کرده و انتفاع بیشتر از مزایا را برای جرگه‌های فوقانی و استیلائی آنان بر عامه، برآورده است. این کامیابی فزون‌تر از مزایای توسعه نسبت به کار انجام‌شده، تمایلی است که سازمان‌دهنده مجموعه فرایندهایی است که در ذات نظام سرمایه‌داری نهفته و در ادبیات اقتصاد سیاسی از آن با عنوان رانت‌جویی یاد می‌شود [۴۶-۴۸].

مبتنی بر نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبایی نیز ایشان در درجه نخست مبتنی بر گرایش ذاتی انسان به تکامل و برخورداری از مزایای حداکثری، در ارتباط با سایر انسان‌ها به گرایشی ذاتی از انسان اشاره می‌کند که بر تمایل انسان به در خدمت گرفتن سایرین به منظور بهره‌مندی از مزایا و سود بیشتر اشاره دارد و آن را گرایش به استخدام طلبی می‌نامد. مبتنی بر نگاه علامه طباطبایی، بر مبنای همین گرایش به استخدام است که انسان به استعمار و بهره‌کشی از دیگران می‌پردازد و به مزایایی خارج از حق خود (که همان رانت است) دست می‌یابد و به بی‌عدالتی منجر شده و به دنبال آن اختلاف طبقاتی، تبعیض و نظام‌های استعماری ایجاد می‌شود. در واقع مبتنی بر نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبایی، می‌توان ضمن تحلیل نظام‌های رانت‌زای، پاسخ‌های اندیشه اسلامی در مقابله با رانت‌زایی را ارائه کرد [۱۰، ۱۲ و ۴۹].

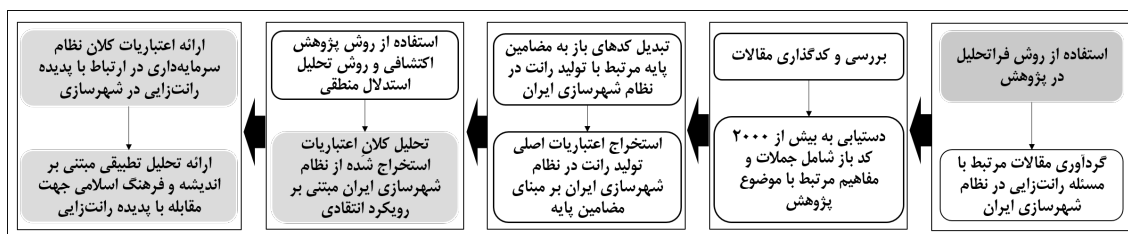
در مجموع با توجه به اینکه تولید رانت در سطح خرد، تابعی از مؤلفه‌های کلان نظام‌های اجتماعی-اقتصادی است و همچنین در ایران نیز نظام شهرسازی،



شکل ۱. نحوه دستیابی به مقالات فارسی و انگلیسی در فرایند فراتحلیل

نظام شهرسازی متأثر از سرمایه‌داری پرداخته و سپس جهت انجام مقایسه تطبیقی و ارائه راه‌حل‌های جایگزین، اعتباریات کلان شهرسازی ضد رانتی برگرفته از اندیشه اسلامی را مبتنی بر فرهنگ اسلامی در مقابل نظام شهرسازی رانت‌زای متأثر از سرمایه‌داری، طرح می‌کند. در شکل ۲ فرایند و روش انجام پژوهش ارائه شده است.

در مرحله بعدی پژوهش حاضر با تبدیل کردن کدهای باز به مضامین پایه، با استفاده از روش تحلیل استدلال منطقی، اعتباریات اصلی پیرامون رانت‌زایی در نظام شهرسازی ایران را استخراج کرد و سپس بر این مبنای استفاده از نظریات اندیشمندان رویکرد انتقادی، مبتنی بر روش پژوهش اکتشافی و روش تحلیل استدلال منطقی با کنکاش در منابع معتبر اعم از مقالات، کتاب‌ها، اسناد و طرح‌ها جهت ادراک کل‌نگر از پدیده رانت‌زایی به شناسایی اعتباریات کلان



شکل ۲. فرایند و روش انجام پژوهش

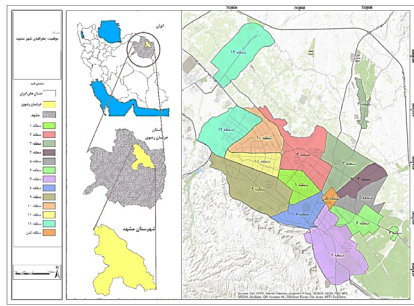
شهرسازی ایران، اقدام به بررسی مقالات با استفاده از روش فراتحلیل کرد که در نتیجه بیش از ۲۰۰۰ کد باز در این زمینه استخراج کرد و سپس با جمع‌بندی

■ یافته‌های پژوهش

پژوهش حاضر به منظور استخراج اعتباریات اصلی مؤثر بر تولید رانت در نظام

زیرنظام اصلی شهرسازی یعنی نظام فرهنگی-اجتماعی شهر (شکل ۳)، نظام مدیریت شهری (شکل ۴) و نظام برنامه ریزی و توسعه شهری (شکل ۵)، مبتنی بر بررسی تحقیق ارائه شده است.

و تحلیل کدها، آن‌ها را به یکسری مضامین پایه تبدیل کرد و در مرحله بعد با استفاده از روش استدلال منطقی، اعتباریات اصلی مؤثر بر تولید رانت در نظام شهرسازی ایران را از مضامین پایه استخراج کرد. در ادامه مضامین پایه و اعتباریات اصلی مرتبط با پدیده رانت‌زایی در نظام شهرسازی ایران در سه



شکل ۳. اعتباریات مرتبط با پدیده رانت‌زایی در شهرسازی ایران در نظام فرهنگی-اجتماعی شهر



شکل ۴. اعتباریات مرتبط با پدیده رانت‌زایی در شهرسازی ایران در نظام مدیریت شهری



شکل ۵. اعتباریات مرتبط با پدیده رانت‌زایی در شهرسازی ایران در نظام برنامه‌ریزی و توسعه شهری

طرح فضاهای شهری تضمین شود. با در نظر گرفتن فضا به عنوان منبع اصلی تحلیل جریان سرمایه‌داری، لوفور تولید فضا را اصلی‌ترین سازوکار بقای سرمایه‌داری می‌داند. به عقیده او، صنعتی شدن و توسعه سرمایه‌محور شهرها به جایگزینی ارزش بهره‌وری فضای اجتماعی و نمادین با ارزش مبادله‌ای فضای قابل خریدوفروش منجر شده است. لوفور همچنین استدلال می‌کند آن‌هایی که چگونگی بازنمایی فضا را کنترل می‌کنند، چگونگی تولید، سازماندهی و مصرف فضا را نیز در کنترل دارند. بنابراین، شهرسازی حرکتی مهم در راستای کنترل بازنمایی‌های فضا و همراه با آن، کنترل کاربرد کنش‌های فضایی است [۵۰ و ۵۱].

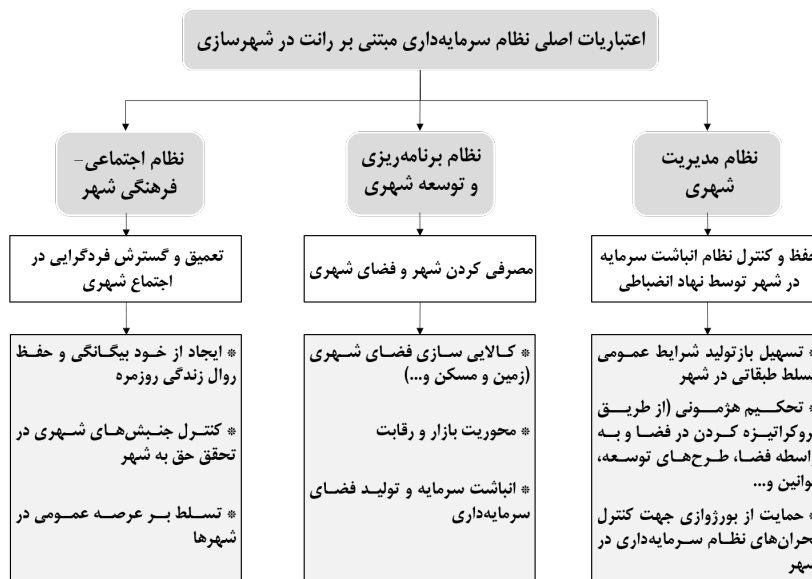
به تعبیر دیوید هاروی یکی از ویژگی‌های اصلی نظام سرمایه‌داری، استخراج ارزش اضافی از طریق انباشت برای انباشت است که در واقع نوعی کسب سود، از راه‌های غیر مولد بوده و معادل رانت است. همان‌گونه که مارکس نیز انباشت سرمایه را مهم‌ترین خصلت نظام سرمایه‌داری تعریف می‌کند و آن را فرایند لازم برای انجام تولیدات جدید می‌داند، اما وقتی انباشت برای انباشت انجام شود و در بازتولید به کار گرفته نشود و فقط منافع سرمایه‌داران را تأمین کند، سرمایه‌داری غیر مولد جریان یافته و نظام اقتصادی را طبقه بورژوازی در سیطره خود قرار می‌دهد. تحلیل چگونگی شکل گرفتن این فرایندهای انباشت سرمایه به منظور انباشت بیشتر و کسب سود از راه‌های غیرمولد و رانتی در نظام سرمایه‌داری، نیازمند شناخت جریان‌های اصلی این نظام است که فرایندهای یادشده را پابرجا نگاه می‌دارد [۴۸، ۵۲ و ۵۳]. شکل ۶ با توجه به اعتباریات اصلی تولید رانت در نظام شهرسازی ایران که در شکل‌های ۳-۵ ارائه شده، اعتباریات کلان نظام شهرسازی رانت‌زای متأثر از سرمایه‌داری را مبتنی بر تحلیل‌های اندیشمندان رویکرد انتقادی بر مبنای بررسی منابع موجود، نشان می‌دهد.

در ادامه جهت ارائه یک تحلیل کلان از نظام شهرسازی شبه‌سرمایه‌داری در ایران، مبتنی بر محورهای اصلی اعتباریات استخراج‌شده از مقالات، با استفاده از نظرات اندیشمندان رویکرد انتقادی و با کنکاش در منابع معتبر موجود در این زمینه و با استفاده از روش پژوهش اکتشافی و روش تحلیل استدلال منطقی، پژوهش حاضر تلاش می‌کند تا اعتباریات کلان و اصلی نظام سرمایه‌داری مؤثر بر تولید رانت در نظام شهرسازی را ارائه کند.

اعتباریات کلان نظام سرمایه‌داری در ارتباط با رانت‌زایی در شهرسازی

شهرسازی رابطه تنگاتنگی با تفکرات نظام‌های حاکم دارد و از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد، به بیان دیگر این تفکرات در شهرسازی منعکس می‌شود. هانری لوفور معتقد است که تحولی تاریخی در سرمایه‌داری رخ داده است، به گونه‌ای که دیگر تولید فقط در فضا رخ نمی‌دهد، بلکه به جای آن، حالا فضا، خود در و به واسطه فرایند انباشت سرمایه‌دارانه تولید می‌شود. بنابراین با توجه به اینکه وظیفه اصلی شهرسازی تولید فضاست، نقش و جایگاه آن را در این فرایند نمی‌توان نادیده گرفت. عمل برنامه‌ریزی شهری مستقیم بر روابط اجتماعی، قدرت، روابط تولید، انباشت سرمایه و زندگی جوامع تأثیر می‌گذارد و چه بسا در بلندمدت و مقیاس کلان باعث تغییرات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در زندگی جوامع شود [۴۶ و ۴۷].

فضا محصول نیروهای ایدئولوژیک و اقتصادی و سیاسی (قلمرو قدرت) است که به عاملی بنیادی در فهم سرمایه‌داری منجر شده است. همان‌گونه که زندگی روزمره به تسخیر سرمایه‌داری درآمده است، لوکیشن یا تجسد فیزیکی این زندگی روزمره-فضای شهری- نیز از تبعات و تأثیرات جریان سرمایه‌داری مصون نمانده است. درواقع، هژمونی سرمایه‌داری در و به واسطه فضا از طریق هدایت پول به سوی ساخت‌وسازهای مسکونی، توسعه فضا و غیره عملی می‌شود تا تفکیک و نظم‌بخشی به جامعه از طریق مداخله و کنترل ساختار و



شکل ۶. اعتباریات اصلی نظام سرمایه‌داری مبتنی بر رانت در شهرسازی بر مبنای تحلیل‌های اندیشمندان رویکرد انتقادی (مآخذ: نگارندگان با اقتباس از [۲۷-۲۹، ۴۶-۴۸، ۵۰، ۵۱]).

بپردازد؛ لذا در اینجا، حکومت اعتبار می‌یابد. ضرورت وجود یک رابطه حقیقی میان تک‌تک افراد و جامعه، آن است که سلسله‌ای از قوا ایجاد شود که زمانی که در اجتماع، نزاع و تضاد به وجود می‌آید، توسط این خواص نیرومند، حل و فصل شود. علامه معتقد است تا کنون اجتماعی از بدو زندگی اجتماعی انسان، بدون حکومت و یا سازمان اجتماعی حاکم، دیده نشده و همچنین معتقدند که یک اجتماع ممکن است با حکومت ظالم دوام یابد، اما بدون حکومت، به هرج‌ومرج کشیده می‌شود و باقی نمی‌ماند. در عین حال علامه طباطبایی با نقد حکومت‌های کمونیستی و لیبرال، فقط حاکمیت برآمده از اسلام را ضامن سعادت و کمال حقیقی انسانی می‌داند [۱۱، ۴۹، ۵۷-۶۲].

علامه طباطبایی پس از اعتبار اجتماع و ضرورت اعتبار حکومت پس از شکل‌گیری اجتماع، بیان می‌دارد که روابط بین اجتماع، حکومت و هر اعتبار دیگری، باید بر اساس یک اعتبار بنیادین حل و فصل شود. ایشان معتقدند که زمانی سایر اعتباریاتی که انسان تعیین کرده، می‌تواند زمینه‌های رشد و سعادت آدمی را محقق کنند که مبتنی بر عدالت تعریف شده باشند. ایشان لازمه و ابتنای اعتبار اجتماع و حکومت را، اعتبار عدالت می‌دانند تا هر ذی‌حقی به حق خود برسد. ایشان مبتنی بر نظریه ادراکات اعتباری بیان می‌کنند که در مرحله اول انسان مبتنی بر سرشت و طبیعت خود گرایش به استخدام دارد تا سود خود را جست‌وجو کند و در مرحله دوم برای سود خود، ناگزیر است که سود همه را بپذیرد و اجتماع را شکل می‌دهد و در مرحله سوم برای آنکه همگان سود کنند، عدل اجتماعی را اعتبار می‌کند (اعتبار حسن عدالت و قبح ظلم) [۱۰، ۶۴].

در مجموع می‌توان گفت که ولایت اجتماعی، حکمروایی اسلامی و عدالت‌گرایی سه اعتبار اصلی و بنیادین در نظریه ادراکات اعتباری و در راستای تحقق کمال بشر در پرتو زندگی اجتماعی هستند. بر این مبنا اعتبار شدن مفهوم عدالت در نظریه ادراکات اعتباری، جهت خوب عمل کردن اعتبار حکومت، بروز می‌یابد و اعتبار کردن مفهوم حکومت نیز، به منظور خوب عمل کردن اعتبار اجتماع و جامعه، بروز می‌یابد تا انسان‌ها بتوانند در پرتو زندگی اجتماعی به سعادت خود دست یابند. همچنین بررسی هر یک از سه اعتبار کلان در نظریات علامه طباطبایی، بیانگر آن است که هر یک از اعتبارات، بر یک سری معیارهایی استوار هستند که این معیارها ضرورت وجودی آن اعتبارات کلان را برقرار می‌سازد. به بیانی از منظر علامه

در ادامه تلاش شده است تا با استفاده از نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبایی به تبیین اعتباریات اصلی مورد تأکید اندیشه اسلامی در زمینه رانت‌زایی در نظام شهرسازی پرداخته شود. در این راستا با توجه به تبیین صورت‌گرفته در زمینه اعتباریات اصلی مرتبط با تولید رانت در نظام شهرسازی ایران (شکل‌های ۵، ۳) و همچنین اعتباریات اصلی نظام سرمایه‌داری در ارتباط با پدیده رانت‌زایی در شهرسازی (شکل ۶) و با توجه به ابعاد سه‌گانه اصلی نظام شهرسازی، به واکاوی نظرات علامه طباطبایی و ارائه راه‌حل‌های جایگزین مطابق با اندیشه اسلامی با استفاده از روش پژوهش اکتشافی و روش تحلیل استدلال منطقی، پرداخته می‌شود.

تبیین اعتباریات اصلی شهرسازی مبتنی بر اندیشه و فرهنگ اسلامی در برابر اعتباریات شهرسازی مبتنی بر رانت

علامه طباطبایی پس از تبیین نظریه ادراکات اعتباری در درجه نخست مبتنی بر گرایش ذاتی انسان به تکامل و برخورداری از مزایای حداکثری، در ارتباط با سایر انسان‌ها به گرایشی ذاتی از انسان اشاره می‌کند که به تمایل انسان به در خدمت گرفتن سایرین به منظور بهره‌مندی از مزایا و سود بیشتر اشاره دارد و آن را گرایش به استخدام طلبی می‌نامد. علامه طباطبایی بر مبنای شناسایی این گرایش ذاتی انسان و همچنین مبتنی بر آیه ۳۲ سوره زخرف، که به انس و الفت انسان‌ها به یکدیگر و تمایل به برقراری ارتباط با هم در طبیعت و ذات انسان‌ها اشاره دارد، معتقد است انسان به اجتماع فعلیت می‌دهد و بر این مبنا جامعه انسانی اعتبار می‌شود. در ادامه با توجه به آیه ۷۱ سوره توبه که در آن خداوند، مؤمنان را اولیای یکدیگر خطاب کرده و بر آن مبنا آن‌ها را به امر به معروف و نهی از منکر توصیه می‌کند، علامه طباطبایی معتقد است که مؤمنان نسبت به یکدیگر دارای ولایت بوده و این ولایت در تمام ابعاد اجتماعی جریان داشته و نوعی ولایت اجتماعی تحقق می‌یابد [۱۰، ۱۲، ۴۹، ۵۴-۵۷].

علامه طباطبایی معتقد است پس از اعتبار اجتماع، حین زندگی اجتماعی انسان‌ها در کنار یکدیگر، مبتنی بر نظریه استخدام و همچنین قاعده عقلی اخف و اسهل، هر کسی که قدرت بیشتری داشته باشد به دنبال بهره‌برداری بیشتر از افراد ضعیف‌تر است، بنابراین انسان به منظور دستیابی به کمال خود و رفع ناملایمات و ناهنجاری‌ها و همچنین جلوگیری از ظلم و ستم و حفاظت از کرامت انسانی، ناگزیر است تا به صورت منسجم، به اداره امور جامعه

طباطبایی، هر عدالت، حکومت و اجتماعی نمی‌تواند انسان‌ها را به سعادت برساند؛ بلکه باید هر یک از این اعتباریات کلان بر اصولی استوار باشند تا آن اعتبار به سوی هدف پیدایش خود، یعنی تحقق سعادت آدمی، حرکت کند. در

شکل ۷ با استفاده از بررسی منابع موجود اعتباریات کلان و معیارهای قوام یافتن آن‌ها جهت مقابله با پدیده رانت‌زایی مبتنی بر نظریات علامه طباطبایی و با بررسی و کنکاش در منابع معتبر موجود، ارائه شده است.



شکل ۷. ارائه اعتباریات کلان و معیارهای قوام یافتن آن‌ها در فرهنگ اسلامی جهت مقابله با پدیده رانت‌زایی با استفاده از بررسی منابع موجود

با توجه به نظریات علامه طباطبایی پیرامون اعتبار اجتماع و جامعه و چگونگی شکل گرفتن، تداوم و تکامل زندگی اجتماعی انسان، که این مباحث را ایشان از راه‌های عقلی و نقلی، بیان می‌دارند و همچنین با توجه به اهمیت مسئله اصول حاکم بر جامعه و اجتماع در شکل‌گیری اخلاق و رفتار رانت‌جویانه و شیوع رانت و رانت‌زایی در اجتماع، علامه طباطبایی هر نوع اجتماعی را تأیید نکرده و معتقدند اجتماع باید مبتنی بر ولایت باشد و در این راستا سه معیار اصلی که از فرهنگ اسلامی بر مبنای نظریات علامه طباطبایی می‌توان استخراج کرد، عبارت‌اند از: «تعاون، مشورت و شوری، امر به معروف و نهی از منکر». اصل تعاون به شکل‌گیری یک اجتماع اسلامی مبتنی بر همکاری و همیاری منجر می‌شود و زمینه‌های رشد جامعه را فراهم می‌آورد و از تکروری و استبداد و قرارگیری امور در دست افراد محدود، جلوگیری می‌کند. موضوع شوری و مشورت به مرتبط بودن مباحث توسعه به عموم مردم اشاره دارد و هر گونه توسعه غیرمشارکتی را مغایر با سرشت انسانی می‌داند. همچنین امر به معروف و نهی از منکر نیز سبب بازدارندگی جامعه اسلامی، از گسترش تخلفات و امور غیرقانونی شده و در مجموع این سه اصل زمینه لازم برای توسعه اجتماع بدون رانت را می‌توانند فراهم آورند.

همچنین با توجه به نظریات علامه طباطبایی پیرامون اعتبار حکومت و ضرورت‌هایی که ایشان مبتنی بر آن‌ها، اساس تداوم زندگی اجتماعی انسان به سوی کمال را بدون آن، ناممکن می‌دانند و همچنین تأثیر ویژه‌ای که حکومت‌ها در توزیع منابع و ثروت در جامعه دارند و به عنوان یکی از منشاهای اصلی توزیع رانت در جامعه محسوب می‌شوند، هر نوع حکومتی از منظر ایشان مورد تأیید نبوده و حکمروایی باید مبتنی بر معیارهای اسلامی باشد؛ در این راستا سه معیار اصلی که از نظریات علامه طباطبایی می‌توان در این زمینه استخراج کرد، عبارت‌اند از: «حمایت از مستضعفان، حفظ با دستیابی به کرامت و جلوگیری از اشرافی‌گری و تذبذب». اصل حمایت از مستضعفان ضرورت وجود حکمروایی اسلامی را در برابر گرایش انسان به استخدام‌گرایی و در اختیار گرفتن نیروهای افراد و ظلم و ستم به آنان، بیان می‌دارد. اصل حفظ کرامت انسانی به این مسئله اشاره دارد که حکمروایی اسلامی برای رساندن انسان‌ها به کمال خود باید موانع و محدودیت‌های راه سعادت انسان را حذف کنند و زمینه‌های شکوفایی استعداد آنان را فراهم سازند. اصل جلوگیری از اشرافی‌گری و تذبذب نیز هر گونه توسعه طبقاتی، مسرفانه و مصرف‌گرایانه را در جامعه نفی کرده و مقابله با آن را ضرورت اعتبار حکمروایی اسلامی قلمداد می‌کند.

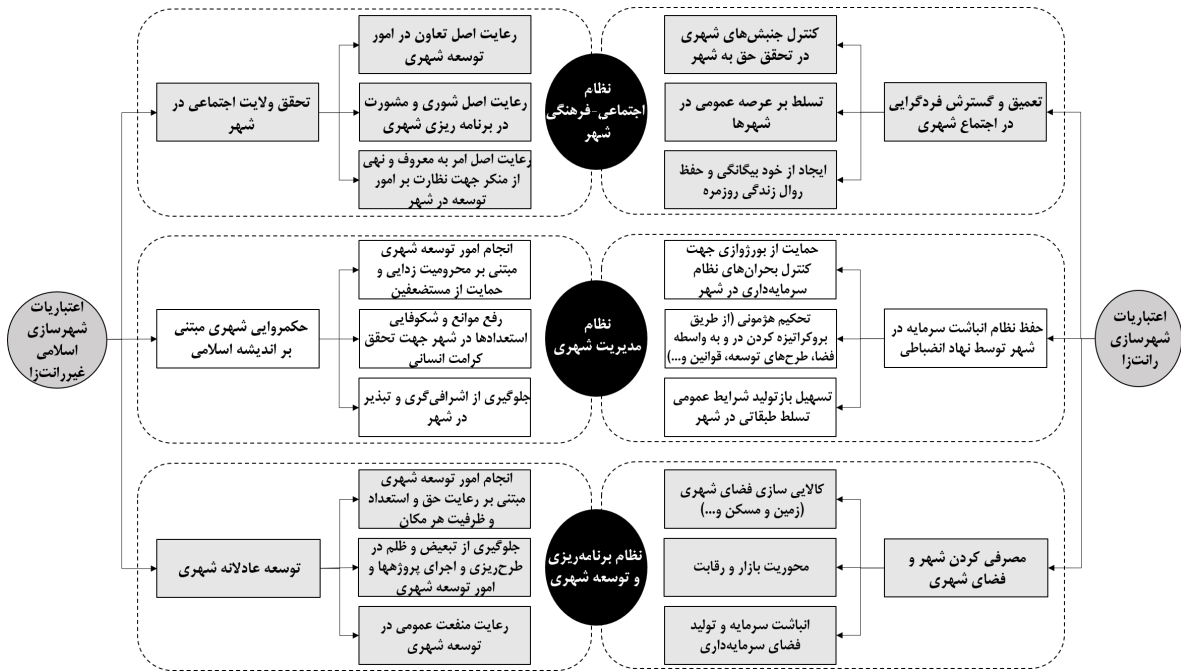
مبتنی بر مباحث علامه طباطبایی پیرامون عدالت، همراه با در نظر گرفتن نقش عدالت در مسئله رانت و رانت‌زایی در جامعه، سه معیار اصلی را که می‌توان از نظریات ایشان جمع‌بندی کرد، عبارت‌اند از: «رعایت حق و جلوگیری از ظلم و منفعت عمومی». این سه معیار می‌توانند با فراهم ساختن آنچه حق هر کسی است به او و جلوگیری از برخورداری‌های خارج از استحقاق برای افراد (که همان رانت است) و همچنین جلوگیری از ظلم و تبعیض به معنای اعطای مزایا به برخی از افراد و محروم ماندن عده‌ای دیگر، جلوی اختلاف طبقاتی ناشی از تبعیض (رانت) را گرفت. همچنین عدالت از منظر علامه طباطبایی نگاه ویژه‌ای به منفعت و مصلحت عمومی دارد؛ به این معنا که سود فردی فقط نمی‌تواند معیار توزیع و تصمیم‌گیری در جامعه قرار گیرد و آن توسعه‌ای که منفعت عمومی را در بر داشته باشد در اولویت قرار می‌گیرد و عدالت ایجاد می‌کند که در جایی که منفعت عده معدودی، سبب ضرر رساندن به عده کثیری شود، جلوی آن گرفته شود.

همچنین با توجه به نظریات علامه طباطبایی پیرامون اعتبار حکومت و ضرورت‌هایی که ایشان مبتنی بر آن‌ها، اساس تداوم زندگی اجتماعی انسان به سوی کمال را بدون آن، ناممکن می‌دانند و همچنین تأثیر ویژه‌ای که حکومت‌ها در توزیع منابع و ثروت در جامعه دارند و به عنوان یکی از منشاهای اصلی توزیع رانت در جامعه محسوب می‌شوند، هر نوع حکومتی از منظر ایشان مورد تأیید نبوده و حکمروایی باید مبتنی بر معیارهای اسلامی باشد؛ در این راستا سه معیار اصلی که از نظریات علامه طباطبایی می‌توان در این زمینه استخراج کرد، عبارت‌اند از: «تعاون، مشورت و شوری، امر به معروف و نهی از منکر». اصل تعاون به شکل‌گیری یک اجتماع اسلامی مبتنی بر همکاری و همیاری منجر می‌شود و زمینه‌های رشد جامعه را فراهم می‌آورد و از تکروری و استبداد و قرارگیری امور در دست افراد محدود، جلوگیری می‌کند. موضوع شوری و مشورت به مرتبط بودن مباحث توسعه به عموم مردم اشاره دارد و هر گونه توسعه غیرمشارکتی را مغایر با سرشت انسانی می‌داند. همچنین امر به معروف و نهی از منکر نیز سبب بازدارندگی جامعه اسلامی، از گسترش تخلفات و امور غیرقانونی شده و در مجموع این سه اصل زمینه لازم برای توسعه اجتماع بدون رانت را می‌توانند فراهم آورند.

همچنین با توجه به نظریات علامه طباطبایی پیرامون اعتبار حکومت و ضرورت‌هایی که ایشان مبتنی بر آن‌ها، اساس تداوم زندگی اجتماعی انسان به سوی کمال را بدون آن، ناممکن می‌دانند و همچنین تأثیر ویژه‌ای که حکومت‌ها در توزیع منابع و ثروت در جامعه دارند و به عنوان یکی از منشاهای اصلی توزیع رانت در جامعه محسوب می‌شوند، هر نوع حکومتی از منظر ایشان مورد تأیید نبوده و حکمروایی باید مبتنی بر معیارهای اسلامی باشد؛ در این راستا سه معیار اصلی که از نظریات علامه طباطبایی می‌توان در این

مبتنی بر نظریات علامه طباطبایی، در شکل ۸ سعی شده است، مقایسه‌ای تطبیقی میان اعتباریات اصلی نظام شهرسازی متأثر از سرمایه‌داری از منظر رویکرد انتقادی و ارائه اعتباریات جایگزین از منظر اندیشه اسلامی ارائه شود.

در مجموع با توجه به اعتباریات اصلی نظام شهرسازی متأثر از نظام سرمایه‌داری مبتنی بر تحلیل‌های اندیشمندان رویکرد انتقادی و همچنین با توجه به تحلیل‌های صورت‌گرفته پیرامون ارائه اعتباریات کلان برگرفته از اندیشه اسلامی و معیارهای قوام یافتن آن‌ها جهت مقابله با پدیده رانت‌زایی



شکل ۸ الگوی تبیینی اعتباریات شهرسازی غیررانت‌زا در مقایسه تطبیقی با اعتباریات شهرسازی رانت‌زا

■ بحث و نتیجه‌گیری

محرور و مستضعف، دشوار می‌شود. ادامه یافتن فرایند مصرف‌گرایی و بی‌توجهی به مقوله منفعت عمومی، با خارج شدن مدارهای مولد از فضای شهری و افزایش فعالیت‌های سوداگرانه در این بازار همراه است. به این ترتیب سرمایه‌گذاری‌های سوداگرانه در این بازار به تبدیل زمین و مسکن به عنوان یکی از اصلی‌ترین محل‌های انباشت سرمایه منجر شد و به تولید فضای سرمایه‌داری خواهد انجامید. به دنبال این امر هرچند بسیاری از اقدار ضعیف جامعه در تأمین نیاز سرپناه خود با مشکل مواجه‌اند، نسبت تعداد خانه‌های خالی به‌ویژه در مناطق با ارزش شهری افزایش یافته و مال‌ها و مراکز تجاری لوکس در شهرها گسترش می‌یابد. در ادامه توسعه شهری رانتی و پس از بی‌توجهی به اعتبار عدالت و ضرورت‌های آن در توسعه شهری، مجموعه مدیریت شهری به عنوان نهاد انضباطی به دنبال تحکیم هژمونی از طریق بروکراتیزه کردن در و به واسطه فضا به وسیله طرح‌های توسعه، قوانین و غیره است، اما در فرهنگ اسلامی، حکمروایی شهری مبتنی بر اندیشه اسلامی زمانی اعتبار و ضرورت می‌یابد که مدیریت شهری در مقابل بهره‌مندی‌های افزون بر تلاش اغنیا از مزایا، ایستادگی کند و به حمایت از مستضعفان بپردازد و موانع شکوفایی استعدادها را از میان بردارد و زمینه را برای دستیابی به کرامت انسانی فراهم کند و در مقابل مصرف‌گرایی، تجمل‌گرایی، ایجاد طبقات اجتماعی و مانور تجمل در شهرها، جلوی اشرافی‌گری و تذبذب را بگیرد.

نهاد انضباطی در توسعه شهری رانتی جهت حمایت از بورژوازی به منظور کنترل بحران‌های نظام سرمایه‌داری در شهر، گسترش اعطای مجوزهای رانتی نظیر فروش تراکم‌های ساختمانی، تغییر کاربری، تخلفات ساختمانی و به طور کلی فروش قوانین و مقررات شهری، در بلندمدت توزیع این گونه از رانت‌ها را عادی‌سازی کرده و برای رانت‌جویان تبدیل به نوعی حق می‌کند

پژوهش حاضر در قیاس با سایر پژوهش‌های انجام‌شده که در پیشینه پژوهش مورد بررسی قرار گرفت، فراتر از مصادیق خرد مؤثر بر تولید رانت در نظام شهرسازی، کلیت مسئله رانت‌زایی را در این نظام، مد نظر قرار داده و در این راستا بر نظام شهرسازی ایران تمرکز کرده است. در پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش فراتحلیل، ۱۰۸ پژوهش مورد بررسی دقیق قرار گرفت و از طریق استخراج مضامین اصلی مورد اشاره در هر یک از آن‌ها، گزاره‌های مورد نیاز جهت تحلیل نظام شهرسازی ایران به دست آمد. همچنین پژوهش حاضر به خلاف پژوهش‌های پیشین که غالباً هر یک مصادیقی از تولید رانت را مورد بررسی و ارزیابی قرار داده بودند، با جمع‌بندی و فراتحلیل آن‌ها و با بهره‌گیری از رویکرد انتقادی، به ریشه‌های تولیدکننده آن مصادیق از طریق نقد ماهوی نظام سرمایه‌داری پرداخته است و در پایان الگویی تبیینی از اعتباریات شهرسازی غیررانت‌زا در مقایسه تطبیقی با اعتباریات شهرسازی رانت‌زا ارائه کرد. در ادامه الگوی یادشده مورد تبیین قرار گرفته است.

تحلیل ریشه‌ای پدیده رانت‌زایی با استفاده از نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبایی، بیانگر آن است که توسعه شهری رانتی مقابل توسعه برگرفته از فرهنگ اسلامی قرار می‌گیرد. همچنین این تحلیل ریشه‌ای بیانگر آن است که در وهله اول متناظر با اعتبار کلان عدالت و ضرورت‌های آن نظیر رعایت حق، جلوگیری از ظلم و منفعت عمومی، در صورت مبنای قرار گرفتن مصرف‌گرایی در شهر به جای عدالت‌گرایی در توسعه شهری، بازار و رقابت به عنوان محور امور قرار گرفته و فرایند کالایی‌سازی در توسعه شهری شیوع می‌یابد و سرمایه‌های شدن بازار زمین و مسکن را در پی دارد. سرمایه‌ای شدن بازار زمین و مسکن، افزایش قیمت زمین و مسکن را در پی داشته و حل نیاز ضروری تأمین مسکن و سرپناه و زمین برای اشتغال، به‌ویژه برای اقشار

زمینه موضوع پژوهش بیان می‌دارد که با توجه به اینکه پژوهش حاضر تلاش کرد تا الگوی تبیینی از دو نظام متفاوت (نظام سرمایه‌داری و نظام اسلامی) در ارتباط با پدیده رانت‌زایی در نظام شهرسازی ارائه کند، اما هنوز موارد حل نشده، قابل بررسی و چالش‌برانگیز در زمینه موضوع پژوهش، وجود دارد که پژوهش‌های آینده می‌توانند در راستای پاسخ‌گویی به آن‌ها تلاش کنند. برخی از مهم‌ترین مسائل پیش رو عبارت‌اند از:

۱. واکاوی و تبیین عمیق هر یک از اعتباریات شهرسازی رانت‌زا و غیررانت‌زای ارائه‌شده در الگوی پژوهش به صورت جداگانه و در قالب پژوهش‌های منحصربه‌فرد.

۲. تبیین نحوه گذار و فرایند عملی حرکت از شهرسازی رانت‌زا به سوی شهرسازی غیررانت‌زا.

۳. بررسی مصداقی و عینی الگوی تبیینی ارائه‌شده در پژوهش حاضر، در شهرهای کشور و ارائه سازوکارهای رانت‌زای شهرسازی در هر یک از شهرها.

۴. تحلیل روابط قدرت، ذی‌نفعان و کنشگران مؤثر بر هر یک از اعتباریات شهرسازی رانت‌زا و تحلیل بازتوزیع قدرت در بین کنشگران با در نظر گرفتن اعتباریات شهرسازی غیررانت‌زا.

که هر گونه افزایش قیمت جریمه‌ها با اعتراض و واکنش رانت‌جویان همراه است. به این ترتیب قدرت مدیریت شهری در برابر رانت‌جویان تضعیف شده و حکومت و ابزارهای نظارتی آن ناکارآمد می‌شود. این امر ناکارآمد شدن طرح و برنامه‌های شهری را در پی دارد و به این ترتیب توسعه شهری به سوی آنچه رانت‌جویان دنبال می‌کنند، هدایت می‌شود و به توسعه شهری ناپایدار، گسترش پراکنده‌رویی و کاهش کیفیت و امنیت ساختمانی در شهرها منجر می‌شود و تسهیل بازتولید شرایط عمومی تسلط طبقاتی در شهر را در پی دارد.

مهم‌ترین جنبه توسعه شهری رانتی را می‌توان بر مبنای اعتبار اجتماع تحلیل کرد. مبتنی بر نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبایی، زندگی اجتماعی انسان زمانی اعتبار می‌یابد که گرایش انسان به استخدام، وی را ناگزیر به بهره‌مندی از نیرو و توان آنان می‌کند، اما این امر بدون وجود ولایت اجتماعی و اصول آن یعنی تعاون، مشورت و شوری و امر به معروف و نهی از منکر در اجتماع، به تک‌روی و استبداد می‌انجامد و در توسعه شهری، توسعه غیرمشارکتی را به همراه دارد که در ادامه تعمیق و گسترش فردگرایی در اجتماع شهری را در پی دارد. لذا با ادامه یافتن توسعه شهری رانتی، اثرات اجتماعی آن پدیدار می‌شود و شکاف و جدایی‌گزینی طبقاتی و اجتماعی در قالب کالبد در قامت شهرها رخ می‌کند.

در توسعه شهری رانتی، تسلط بر عرصه عمومی در شهرها با گسترش طبقاتی‌گرایی در محلات شهری، سبب خارج شدن اقشار ضعیف از محلات خوب شهری می‌شود و این امر تجمع یافتن افراد با قدرت و نفوذ بالا را در یک فضا در پی دارد که به دنبال آن امکان جلب بیشتر مزایای توسعه در این محلات اتفاق می‌افتد. به این ترتیب شکل‌دهی به فضا به نفع سرمایه و سرمایه‌دار توسط قدرت رخ می‌دهد و زندگی کردن افراد متمول‌تر در محیط‌های شهری با کیفیت بالاتر ادامه می‌یابد. چنین مسئله‌ای به توسعه شهری قطبی و محروم ماندن بسیاری مناطق از مواهب توسعه منجر می‌شود، و ارتقای امکانات و خدمات با کیفیت در محله‌های خوب و ضعف امکانات و خدمات در محله‌های ضعیف و رشد حاشیه‌نشینی را در پی دارد. در پایان پژوهش حاضر به منظور ارائه پیشنهادی برای پژوهش‌های آتی در

■ مشارکت نویسندگان

سهم مشارکت نویسندگان در این مقاله یکسان بوده است.

■ تشکر و قدردانی

این مقاله حامی مالی و معنوی ندارد.

■ تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

with Family in View of Allameh Tabataba'i. Gender and Family Studies, 2016; 4(1): 13-34. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.25381938.1395.4.1.1.8>. [In Persian].

- [62] Yazdani Moghadam A. Social justice and the state from the perspective of Allameh Tabatabai's political philosophy. Basic humanities research. 2019; 5 (2): 7-34. <http://frh.sccsr.ac.ir/article-1-120-fa.html>. [In Persian].
- [63] Hashemi S. A. Babaei H. 'Allāma Ṭabāṭabā'ī's Theory of Social Justice and its Foundations. Naqd Va Nazar, 2017; 22(86): 93-117. <https://doi.org/10.22081/jpt.2017.64520>. [In Persian].
- [64] Nosratpanah M. S. Seyfi M. M. Features of Human Dignity in the Opinion of Allameh Tabatabaee. POLITICAL QUARTERLY, 2019; 49(3): 881-900. <https://doi.org/10.22059/jpq.2019.216070.1006904>. [In Persian].
- [65] Afsari A. Social capital in Islam. Interdisciplinary researches of the Holy Quran [Internet]. 2013;3(1):101-118. Available from: <https://sid.ir/paper/149347/fa>. [In Persian].
- [66] Moharrami F. Enjoining to Virtue and Forbidding from Vice from Al-mizan 'Mafatih-ul-qaib Kashaf. Andisheh Allameh, 2021; -. <https://doi.org/10.22054/tat.2018.25201.50>. [In Persian].
- [67] Fahimi S. Mohammadi S. The place of reason in human dignity from the point of view of Allameh Tabataba'ii. Kalam Hikmat, 2020. 3(6), 11-30. <https://ensani.ir/fa/article/download/452673>. [In Persian].

- ronmental Studies, 2009; 35(51): -. <https://dori.net/dor/20.1001.1.10258620.1388.35.51.4.6>. [In Persian].
- [31] Momeni F. Imbalanced Distribution of Oil Rent and Its impact upon Rural Developmen. SPACE ECONOMY & RURAL DEVELOPMENT 2012; 1 (1) :55-68. <http://serd.khu.ac.ir/article-1-1561-fa.html>. [In Persian].
- [32] Palizban S. Shams M. Sarwar R. Investigating the socio-economic developments of unproductive capitalism in Iran and its effect on informal settlement in Tehran province. Regional Planning, 2013; 3(No. 9): 27-41. https://jzpm.marvdasht.iau.ir/article_21.html. [In Persian].
- [33] Razavi M. H. Sarrafi M. Tavakoli-nia J. Razavian M. T. Dominant Discourse to Globalization and City Development Policies, A Critic of Urban Investment Projects In Mashhad. Research Political Geography Quarterly, 2017; 1(4): 1-20. <https://doi.org/10.22067/pg.v1i4.61210>. [In Persian].
- [34] Vosooghi M. Abdollahi H. Social class structure and its Changing trend in Iran (1961 – 1913). Urban Sociological Studies, 2015; 4(13): 55-82. https://urb.dehaghan.iau.ir/article_641812.htm?lang=en. [In Persian].
- [35] Ali Akbari E. Taleshi M. Haj Amini N. Role of Local Economy in Excess Flow and Reconstruction of Regional Network System Case: Kerman Province. SPACE ECONOMY & RURAL DEVELOPMENT 2015; 4 (13) :71-92. <http://serd.khu.ac.ir/article-1-2570-fa.html>. [In Persian].
- [36] Ghalibaf M. B. Pourmoussavi S. M. Omid Avaj M. OIL REVENUES AND SPATIAL DISTRIBUTION OF POLITICAL POWERS IN IRAN. Geopolitics Quarterly, 2011; 7(22): 37-70. <https://dori.net/dor/20.10.01.1.17354331.1390.7.22.2.5>. [In Persian].
- [37] Habibi, S. M. Urban Transformation and Constancy. Soffeh, 2015; 25(1): 35-46. <https://dori.net/dor/20.1001.1.1683870.1394.25.1.3.9>. [In Persian].
- [38] Hadi Zenooz b. Poverty and inequality of income in Iran. refahj. 2005. 17. 235-304. <http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-2118-fa.html>. [In Persian].
- [39] Imani Jajarmi H. Critical study of urban development policies and plans in Iran. Quarterly of Social Studies and Research in Iran, 2016; 5(1): 79-102. <https://doi.org/10.22059/jisr.2016.58377>. [In Persian].
- [40] Imani Shamlou J. Rafeian M. Dadashpour H. Urban Speculation and Spatial Segregation (Analysis of Spatial Evolution of Tehran Metropolis in the Context of Oil-Based Economy). Geopolitics Quarterly, 2016; 12(41): 104-135. <https://dori.net/dor/20.1001.1.17354331.1395.12.41.5.1> [In Persian].
- [41] khezri, M., Ranani, M. Rent Seeking and its Social Costs. The Journal of Economic Studies and Policies, 2004; 0(6): 45-80. https://economic.mofidu.ac.ir/article_47998.html?lang=en. [In Persian].
- [42] Habibi S. M. From Shar to city. Tehran University Publications. Tehran. 2008. <https://www.adinehbook.com/gp/product/9640352069>. [In Persian].
- [43] Mosleh A. A. Golyar L. Frankfurt School's critical theory and a critique of modern culture. Journal of Philosophical Investigations, 2010; 3(214): 135-148. https://philosophy.tabrizu.ac.ir/article_2829.html?lang=en. [In Persian].
- [44] Taheri M. Afzaltousi E. Nowzari H. An analysis of critical theory in postmodern art socio-political discourse. Journal of Fine Arts: Visual Arts, 2020; 25(1): 5-16. <https://doi.org/10.22059/jfa.va.2018.244050.665776>. [In Persian].
- [45] Moieni Alamdari J. New Critical Theory: Beyond Postmodernism and Pos- Critical Thinking. Pizhuhish-i siyaset-i nazari, 2009; 6 :1-10. <https://political.ihss.ac.ir/en/Article/11786/FullText>. [In Persian].
- [46] Stanek L. Henri Lefebvre On Space, Architecture, Urban Research, And The Production of Theory. Minneapolis: University of Minnesota Press. 2011.
- [47] Tafuri M. "Project Truth, Artifices". In: Interpreting The Renaissance: Princes, Cities, Architects. New Haven: Yale University Press. 2006.
- [48] Harvey D. The ways of the world. Profile Books.2016 .
- [49] Nasiri A. sepehr M. Nouri Goljaei A. The Relationship Between Security and Freedom in Martyr Motahhari's Thought Based on Allameh Tabatabai's Theory of Recruitment. Islamic Politics Research, 2019; 7(15): 179-206. <https://dori.net/dor/20.1001.1.23455705.1398.7.15.7.8>. [In Persian].
- [50] Purcell M. "Possible Worlds: Henri Lefebvre And The Right To The City". Urban Affairs. 2014. 36(1): 141–154. <https://doi.org/10.1111/juaf.12034>
- [51] Soaita A.M. Dewilde C. "A Critical-Realist View Of Housing Quality within The Post Communist EU States: Progressing Towards A Middle-Range Explanation". Housing, Theory and Society. 2019. 36(1): 44-75. <https://doi.org/10.1080/14036096.2017.1383934>
- [52] Yousefi A. Arghan A. Kamyabi S. Real estate capitalism and space developments in Shahedshahr peripheral area. Space economy and rural development. 2018; 7 (25): 67-86. <http://serd.khu.ac.ir/article-1-3155-fa.html>. [In Persian].
- [53] Manafi Azar, Reza, Afarakhte, Hassan, Nazari, Abdul Hamid. Mechanism of real estate capitalism in Miandoab region. Human settlement planning studies, 2020. 15(2), 629-648. <https://ensani.ir/fa/article/download/544201>. [In Persian].
- [54] Faridi H. R., Behzad vakil abad F. Abdollahi Abed S. Review analysis Allameh's view About Originality of society. Journal of Social Theories of Muslim Thinkers, 2020; 10(1): 271-292. <https://doi.org/10.22059/jstmt.2020.77815>. [In Persian].
- [55] Jamshidiha G. Kafi M. The components of social theory based on the foundations of knowledge of society in the Qur'an. Quranic teachings. 2013; -(17):95-118. <https://sid.ir/paper/215969/fa>. [In Persian].
- [56] Nowrouzi R. A. Abedi M. Fundamentals of Society Formation from the Viewpoint of Allameh Tabatabaei (RH) and its Implications in Social Training. Isra Hikmat, 2012; 4(2): 165-195. <https://dori.net/dor/20.1001.1.23832916.1391.4.2.7.0>. [In Persian].
- [57] Pirbabaii M. Rahmani J. Participation of citizens in urban management according to Allameh Tabatabaii. Scientific Quarterly Journal of Social Theories of Muslim Thinkers, 2015; 6(2): 311-331. <https://doi.org/10.22059/jstmt.2018.219687.1083>. [In Persian].
- [58] Hasani Far A. The function of the theory of credit perceptions in the political-social thought of Allameh Tabatabaii. Journal of Philosophical Theological Research. 2017. 19 (71):181-200. <https://sid.ir/paper/98275/fa>. [In Persian].
- [59] Lakzaei N. Fallah M. Examining the position of the social system in the political thought of Allameh Tabatabayi. Iranian Political Research, 2015. 3(2), 83-114. <https://sanad.iau.ir/Journal/se/Article/862328>. [In Persian].
- [60] Mirkhalili S. Investigation and analysis of the position of government in the political philosophy of Allameh Tabatabai. Scientific Quarterly Journal of Islamic Revolution Studies. 2020; 17 (63):185-204. <http://ensani.ir/fa/article/download/470562>. [In Persian].
- [61] Mortazavi S. Z. The Scope of Authorities of Government in Regard

- منابع ■
- [1] Bakonyi J. The political economy of displacement: rent seeking, dispossessions and precarious mobility in Somali cities. *Global Policy*, 2021. 12, 10-22. <https://doi.org/10.1111/1758-5899.12849>
 - [2] Kan K. Accumulation without dispossession? Land commodification and rent extraction in peri-urban China. *International journal of urban and regional research*, 2019. 43(4), 633-648. <https://doi.org/10.1111/1468-2427.12746>
 - [3] Lv L. Li H. Wang Z. Zhang C. Qiao R. Evolutionary game analysis for rent-seeking behavior supervision of major infrastructure projects based on prospect theory. *Journal of Civil Engineering and Management*, 2022. 28(1), 6-24. <https://doi.org/10.3846/jcem.2021.15852>
 - [4] Mo Q. Analysis on the Rent-Seeking Phenomenon in Chinese Land Market. *Open Access Library Journal*, 2022. 9(6), 1-9. <https://doi.org/10.4236/oalib.1108942>
 - [5] Nabizadeh Zolpirani M. Pirbabaee M. T. Qualitative meta-analysis of rent mechanism in Iran's urban planning system. *Sustainable Development of Geographical Environment*, 2023; 4(7): 32-49. <https://doi.org/10.52547/sdge.4.7.32>. [In Persian].
 - [6] Anderson M. B. Class monopoly rent and the redevelopment of Portland's Pearl District. *Antipode*, 2019. 51(4), 1035-1056. <https://doi.org/10.1111/anti.12540>
 - [7] Ebrahimi Salari T. Moghadasi M. Ashourzadeh A. Consumer rights in Islam and its function in the Iran economy. *mieaoi* 2015; 4 (10) :53-84. <http://mieaoi.ir/article-1-168-fa.html>. [In Persian].
 - [8] Masoudi Nia M. Alizadeh Y. Economic dimensions of the rule of negation of hardship in Islamic jurisprudence. *Strategic Studies of Jurisprudence and Law*, 2021; 3(3): 19-30. <https://doi.org/10.22034/ejs.2021.142955>. [In Persian].
 - [9] Mazloun A. Nasiri-Jehanabad E. Hajti F. Explanation of the rule of harm and harm in jurisprudence. *Research of Nations*, 2017. 23(2), 17-30. <https://ensani.ir/fa/article/download/373722>. [In Persian].
 - [10] Hasani T. Gharavi S. Rafiee R. The truth of society and the study of existential concepts related to it with emphasis on the views of Allameh Tabatabaei. 12- *Studies Religion Muslims*, 2019; 5(10): 87-106. http://mam.journals.miu.ac.ir/article_4437.html?lang=fa. [In Persian].
 - [11] Qudsi M. The employment theory of Allameh Tabatabai and its political and legal effects. *Public Law Thoughts*, 8, 2019; 8(2): 89. <http://ensani.ir/fa/article/download/415569>. [In Persian].
 - [12] Ramazani A. The theory of "Employment" and the value origin of "Justice" from Allameh Tabatabai's point of view; (Based on the commentary of Shahid Motahari, Professor Misbah Yazdi and Professor Javadi Amoli). *Islamic government*. 2013;18(3 (69 consecutive)):161-189. <https://sid.ir/paper/99649/fa>. [In Persian].
 - [13] SaberKyoj E. The emergence and survival of society with an emphasis on the role of religion from the perspective of Allameh Tabatabaii. *Social Cultural Knowledge*. 2015. 26(7), 5-22. <http://marefatefarhangi.nashriyat.ir/node/259>. [In Persian].
 - [14] Sadeghi Mazidi M. Ghasemi S. Social justice from the point of view of Ayatollah Javadi Amoli and Allameh Tabatabai. *Siraj Munir*. 2022. 13(44), 139-164. https://journals.atu.ac.ir/article_15592.html. [In Persian].
 - [15] Ali S. Abdul-Aziz A. R. Mustapa N. A. Md F. Dahlan Z. Z. A. Ahmad A. C. Preliminary Survey of Modelling Rent-Seeking Behaviours (RsB) in Malaysia's Housing Planning Approval Process: Issues and Problems. *International Journal of Academic Research In Business & Social Sciences*. 2022. 12(7), 1008 – 1023. <http://dx.doi.org/10.6007/IJARBS/v12-i7/14329>
 - [16] S. G. Storr V. H. A culture of rent seeking. *Public Choice*, 2019. 181, 101-126. <https://doi.org/10.1007/s11127-018-0557-x>
 - [17] Bradley Q. Artificial scarcity in housebuilding and the impact on affordability: the return of absolute rent. *Antipode*.2023 . <https://doi.org/10.1111/anti.12925>
 - [18] Teresa B. F. The reemergence of land contracts in Chicago: Racialized class-monopoly rent as a recursive objective in capitalist property markets. *Geoforum*, 2022. 130, 35-45. <https://doi.org/10.1016/j.geoforum.2022.02.004>
 - [19] Anderson M. B. Hansen E. C. Arms Z. Tsikalas S. G. Class monopoly rent, property relations, and Portland's homeless crisis. *Urban Geography*, 2022. 43(2), 252-271. <https://doi.org/10.1080/02723638.2020.1847937>
 - [20] Purcell T. F. Ward C. The political economy of land value capture in the UK: Rent and viability in Salford's new municipalist turn. *Environment and Planning A: Economy and Space*, 2022. 0308518X221131322. <https://doi.org/10.1177/0308518X221131322>
 - [21] Haddadi Z. Sarvar R. Daryabari S. J. Identifying the Pattern of Creating Rentier Economy in Land and Housing Sector in Taleghan County, Using Grounded Theory. *Geography (Regional Planning)*, 2022; 12(48): 146-165. <https://doi.org/10.22034/jgeoq.2022.274848.2946>. [In Persian].
 - [22] Meshkini A. Amirhajlou E. Urban Development Projects and production of rent in Tehran Metropolis. *Physical Social Planning*, 2023; 9(4): 1-14. <https://doi.org/10.30473/psp.2023.58624.246>. [In Persian].
 - [23] Jafari pabandi M. H. Darskhan R. Mousavi M. Structural-functional analysis of urban morphology under the influence of rents from the oil economy (Case Study: Zanjan City). , 2022; 12(47): 203-218. <https://doi.org/10.30495/jupm.2022.4129>. [In Persian].
 - [24] Rostaei S. Heydari Chiyane R. Asgari Zamani A. Tavassolian R. Analysis of the Effective Forces in Urbanization of Rent in the Form of Urban Residential Land Development Plans (Case study: Zanjan city). *Human Geography Research*, 2021; 53(1): 85-103. <https://doi.org/10.22059/jhgr.2019.282830.1007949>. [In Persian].
 - [25] Kazemian G. Aliakbari E. Taleshi M. Hadad Hasanabadi M. Financing Management of Cities and Modern Urban Political Economy (Case Study: Mashhad Metropolis). *Geography and Urban Space Development*, 2021; 7(2): 229-209. <https://doi.org/10.22067/jgusd.2021.67959.1002>. [In Persian].
 - [26] Khandan M. Jahanshahloo L. Zabihi H. Analyze the factors affecting the increase of urban land rent in district one in Tehran metropolitan. *Geography (Regional Planning)*, 2019; 9(34): 255-239. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22286462.1398.9.2.16.2>. [In Persian].
 - [27] Biagi F. Henri Lefebvre's urban critical theory: Rethinking the city against capitalism. *International Critical Thought*, 2020. 10(2), 214-231. <https://doi.org/10.1080/21598282.2020.1783693>
 - [28] Moreno L. The urban process under financialised capitalism. *City*, 2014. 18(3), 244-268. <https://doi.org/10.1080/13604813.2014.927099>
 - [29] Rehbein B. Capitalism and inequality. *Sociedade e Estado*, 2020. 35, 695-722. <https://doi.org/10.1590/s0102-6992-202035030002>
 - [30] Mahdaviyafa H. Razavian M. Momeni M. The Role of Political Economic in Spatial Structure of Tehran and Periphery. *Journal of Envi-*

applied research. Also, based on the research plan and in terms of data collection, the current research is descriptive research and the combined methods of interview, content analysis, and fuzzy Delphi were used to collect information. This research has been done with a mixed approach (qualitative-quantitative) in three stages. The first stage was conducted using the interview method (qualitative), the second stage was conducted using the content analysis method (quantitative), and the third stage was conducted using the fuzzy Delphi method (quantitative). The statistical sample of the research in the interview method was 20 experts in Bandar Abbas Municipality who were selected using the snowball sampling method. The statistical sample in fuzzy Delphi was 25 experts (20 interviewees and 5 university professors). After conducting the interviews, using the content analysis method, the factors, components, and consequences of performance management were identified in 3 levels individual performance, group performance, and organizational performance. Then, using the fuzzy Delphi method, the researcher's conceptual model was sent to the experts for verification and refinement in three rounds.

Findings

Factors affecting individual management include two categories of behavioral factors including components (motivation, competence and individual skill, knowledge, participation in decisions, attitude, respect, and honor), and system factors including components (atmosphere and prevailing culture, system rules, promotion and reward and rights, leadership and management, cooperation and communication, justice and fairness, system structure, human resources development). In the field of group performance management, the influencing factors are divided into three categories of structural factors including (training and growth, fair recruitment and selection, goals and strategies, organizational atmosphere and culture, regulations, and rules, group promotion and reward, justice, and fairness, shared values) managerial factors include the components (knowledge management, validity of managers' decisions, managers' characteristics, management support, human capital management, delegation of authority and power) and technical factors include the components (information and communication technology, health and safety of the work environment). The factors affecting organizational performance are divided into three categories: social factors including the components (laws and regulations of the society, justice and fairness of the society, culture and common values of the society, society's view towards the municipality, human resources development) economic factors including the components (pricing of services, budget allocation, ability to receive budget, government's economic

approach) and political factors including (sanctions in supplying parts and services, power and influence of city council members, support for the organization (municipality), influence and power of municipal management in public arenas and government). The dimensions of individual performance management in the municipality are two categories of moral performance including components (morality, rule of law, humility, respect, patience), and functional performance including components (personal growth, individual productivity, creativity and innovation, cooperation and empathy, learning, responsibility, flexibility, effort, and diligence). In the field of group performance, its dimensions are divided into two categories of process performance including dimensions (timely information, accurate calculations of reports, quality of services, quantity, and speed of services, productivity and reducing costs, achieving goals, dealing with administrative violations) and human resource performance including (teamwork obligations, professional ethics, seriousness and group effort) were divided. The organizational performance of the municipality includes the aspects of financial performance with components (maintenance of treasury, payment of claims, compensation, and compensation, organizational efficiency, profitability, and income, protection of real estate), urban planning, and architecture performance including components (dealing with violations, quantity, and quality of issuing permits, renovation of worn-out fabric, implementation of the smart city) performance of urban infrastructure including components (equitable provision of opportunities, public transportation and traffic, improvement of safety and accidents, physical progress and quality of construction projects), performance Municipal and environmental services include components (municipal services on occasions, maintenance of waterways and canals, beautification of urban space, development and maintenance of green spaces, organizing industries and disturbing businesses). Finally, the consequences and results of performance management in municipalities are organizational excellence, stakeholder satisfaction, administrative transparency, public acceptance, improvement of financial and administrative challenges, productivity, efficiency, and effectiveness of the municipality.

Conclusion

To be successful, municipalities should move towards using new and optimal performance management methods. In this sense, municipalities can take advantage of the current research and its results to manage performance at different individual, group, and organizational levels. The current research gives a general view to city managers and by using the identified factors, dimensions, components, and consequences, it is possible to act in the direction of better performance management.

COPYRIGHTS

©2022 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.



HOW TO CITE THIS ARTICLE

Afshar H. Amiri M. T. Parhizgar M. M. Kheiri M. Presenting a Conceptual Model of Performance Management in Municipalities Using Content Analysis and Fuzzy Delphi Approach (Study Case: Bandar Abbas Municipality). *Urban Economics and Planning* Vol 5(1):56-72. [In Persian]

DOI: 10.22034/UEP.2024.442846.1462



Presenting a Conceptual Model of Performance Management in Municipalities Using Content Analysis and Fuzzy Delphi Approach (Study Case: Bandar Abbas Municipality)

Original Article

Hamideh Afshar¹, Mohammad Taghi Amini^{2*}, Mohamad Mehdi Parhizgar³, Mohammad Kheiri⁴

1- Ph.D. Candidate, Department of Business Management, Payame Noor University, Tehran, Iran

2- Professor, Department of Business Management, Payame Noor University, Tehran, Iran

3- Associate Professor, Department of Business Management, Payame Noor University, Tehran, Iran

4- Assistant Professor, Department of Management, Economics, Accounting, Payame Noor University, Tehran, Iran

ARTICLE INFO

Article History

Received: 2024-02-12

Revised: 2024-05-05

Accepted: 2024-05-06

Keywords

Content Analysis

Fuzzy Delphi

Municipal Performance Management Model

Performance Management

ABSTRACT

Introduction

Management knowledge always seeks to provide new models for the optimal management of organizations and solving their problems. Performance management is one of the management requirements that all organizations have used in different ways in the past to achieve the expected goals. The concept, approach, process, and method of performance evaluation have always been revised and continuously improved based on the need, and currently, it has reached its relative maturity with the concept of performance management. In the new approach, performance management is considered a tool to implement strategies and policies and achieve organizational goals, and its main goal is to increase the abilities and competencies and grow and nurture the evaluated organization. Such a view of performance management requires the existence of features that make the system efficient and effective, and the flexibility and dynamism of the performance management framework fulfill the above demand. Performance management is one of the main and fundamental tools of high management to achieve the goals and plans of the organization. In non-governmental public institutions, such as municipalities, this issue has been emphasized a lot. Since the municipality is in charge of managing the city, it is essential to pay attention to the management and functioning of the municipality. This is despite the fact that the proper management of any organization, including the municipality, will not be realized except with appropriate planning, implementation, monitoring, evaluation, and revision to create a suitable environment for improving performance. Currently, the problem that exists in our country is the inefficiency of municipalities in the field of performance management, and the expected improvements in performance, accountability, transparency, and service quality have not yet occurred. Also, the performance literature in the field of urban management shows that the existing approaches emphasize more on measurement and evaluation, and the management approach is less representative. The existing models and theories in performance management are focused either on the individual level or on the institutional level and are less focused on the wholeness and comprehensiveness of the organization. Therefore, the main problem of this research is the lack of a suitable performance management model in the municipality, and that too with a comprehensive view in all dimensions. In this sense, a comprehensive and desirable model should be prepared and compiled according to the requirements of the municipality. Based on that, it is possible to reach performance management in the municipality from the stage of pure performance evaluation and provide more accurate information for better and more effective management to the municipal managers.

Materials and Methods

Since this research seeks to identify and explain the factors, dimensions, and consequences of performance management in the municipality and presents a new plan of information, it is considered

* Corresponding author: m_amini@pnu.ac.ir

ارائه الگوی مفهومی جهت مدیریت عملکرد در شهرداری با استفاده از رویکرد تحلیل محتوا و دلفی فازی (مورد مطالعه: شهرداری بندرعباس)

مقاله پژوهشی

حمیده افشار^۱؛ محمدتقی امینی^{۲*}؛ محمد مهدی پرهیزگار^۳؛ محمد خیری^۴

- ۱- دانشجوی دکتری، گروه مدیریت بازرگانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
- ۲- استاد، گروه مدیریت بازرگانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
- ۳- دانشیار، گروه مدیریت بازرگانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
- ۴- استادیار، گروه مدیریت، اقتصاد، حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

چکیده

مقدمه

دانش مدیریت همواره به دنبال ارائه الگوهای نوین جهت اداره بهینه سازمانها و حل مسائل آنهاست. مدیریت عملکرد یکی از الزامات مدیریتی است که همه سازمانها از گذشته تا کنون به روشهای مختلفی از آن بهره گرفته‌اند تا اهداف مورد انتظار را محقق سازند. مفهوم، رویکرد، فرایند و روش ارزیابی عملکرد همواره به فراخور نیاز مورد بازنگری و بهبود مستمر قرار گرفته و در حال حاضر با مفهوم مدیریت عملکرد به بلوغ نسبی خود رسیده است. در نگرش نوین، مدیریت عملکرد به عنوان ابزاری جهت اجرای استراتژیها و خط مشیها و تحقق اهداف سازمانی مطرح است و هدف عمده آن افزایش تواناییها و شایستگیها و رشد و پرورش سازمان ارزیابی شونده است. چنین نگاهی به مدیریت عملکرد مستلزم وجود ویژگی‌هایی است که آن نظام را کارا و اثربخش سازد و انعطاف‌پذیری و پویایی چارچوب مدیریت عملکرد خواسته یادشده را محقق می‌کند. مدیریت عملکرد از ابزارهای اصلی و اساسی مدیریت عالی جهت تحقق اهداف و برنامه‌های سازمان است. در نهادهای عمومی غیر دولتی، نظیر شهرداریها نیز بر این موضوع تأکید فراوانی شده است. از آنجا که متولی مدیریت شهر شهرداری است توجه به نحوه مدیریت و چگونگی عملکرد شهرداری بسیار حائز اهمیت است. این در حالی است که مدیریت شایسته هر سازمانی از جمله شهرداری محقق نخواهد شد مگر با برنامه‌ریزی، اجراء، نظارت، ارزیابی و بازنگری مناسب در جهت ایجاد فضایی مناسب برای بهبود بخشیدن به عملکرد. در حال حاضر و در کشور ما مشکلی که وجود دارد ناکارآمدی شهرداریها در حوزه مدیریت عملکرد است و هنوز بهبودهایی مورد انتظار در عملکرد، پاسخ‌گویی، شفافیت و کیفیت خدمات رخ نداده است. همچنین ادبیات عملکرد در حوزه مدیریت شهری نشان می‌دهد رویکردهای موجود بیشتر بر سنجش و ارزیابی تأکید دارند و رویکرد مدیریت نمود کمتری دارد. مدلها و نظریات موجود در مدیریت عملکرد یا بر سطح فردی و یا بر سطح نهاد متمرکز است و کمتر به کلیت و جامعیت سازمانی پرداخته است. بنابراین مسئله اصلی این تحقیق نبود مدل مناسب مدیریت عملکرد در شهرداری و آن هم با نگاهی جامع و در تمامی ابعاد است. به این لحاظ باید الگویی جامع و مطلوب را با توجه به اقتضاهای شهرداری تهیه و تدوین کرد که بر مبنای آن، بتوان در شهرداری از مرحله ارزیابی عملکرد محض، به مدیریت عملکرد رسید، و اطلاعات درست‌تری را برای مدیریت بهتر و اثربخش‌تر، در اختیار مدیران شهرداری قرار داد.

مواد و روشها

از آنجا که این پژوهش به دنبال شناسایی و تبیین عوامل، ابعاد و پیامدهای مدیریت عملکرد در شهرداری است و طرحی نوین از اطلاعات ارائه می‌کند، یک پژوهش کاربردی محسوب می‌شود. همچنین براساس طرح تحقیق و از حیث نحوه گردآوری داده‌ها، تحقیق حاضر یک تحقیق توصیفی

اطلاعات مقاله

تاریخ‌های مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۳
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۲/۱۶
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۷

کلمات کلیدی

الگوی مدیریت عملکرد شهرداری
تحلیل محتوا
دلفی فازی
مدیریت عملکرد

شورای شهر، حمایت از سازمان (شهرداری)، نفوذ و قدرت مدیریت شهرداری در عرصه‌های عمومی و دولتی است. ابعاد مدیریت عملکرد فردی در شهرداری دو دسته عملکرد اخلاقی شامل مؤلفه‌های اخلاق مداری، قانون مداری، تواضع و احترام، صبر و شکیبایی و عملکرد کارکردی شامل مؤلفه‌های بالندگی شخصی، بهره‌وری فردی، خلاقیت و نوآوری، همکاری و همدلی، یادگیری، مسئولیت‌پذیری، انعطاف‌پذیری، تلاش و کوشش است. در حوزه عملکرد گروهی ابعاد آن به دو دسته عملکرد فرایندی شامل ابعاد (اطلاع‌رسانی به‌موقع، محاسبات دقیق گزارش‌ها، کیفیت خدمات، کمیت و سرعت خدمات، بهره‌وری و کاهش هزینه‌ها، دستیابی به اهداف، برخورد با تخلفات اداری) و عملکرد منابع انسانی شامل تعهدات کار گروهی، اخلاق حرفه‌ای، جدیت و تلاش گروه تقسیم شدند. عملکرد سازمانی شهرداری شامل ابعاد عملکرد مالی با مؤلفه‌های حفظ بیت‌المال، پرداخت مطالبات، جبران خسارت و غرامت، بهره‌وری سازمانی، سودآوری و درآمد، صیانت از املاک و مستغلات؛ عملکرد شهرسازی و معماری شامل مؤلفه‌های برخورد با تخلفات، کمیت و کیفیت صدور پروانه، نوسازی بافت فرسوده، اجرایی‌سازی شهر هوشمند؛ عملکرد زیرساخت شهری شامل مؤلفه‌های ارائه عادلانه فرصت‌ها، حمل‌ونقل عمومی و ترافیک، بهبود ایمنی و تصادفات، پیشرفت فیزیکی و کیفیت پروژه‌های عمرانی؛ عملکرد خدمات شهری و محیط زیست شامل مؤلفه‌های خدمات شهری در مناسبت‌ها، نگهداشت آبراهه‌ها و قنوات، زیباسازی فضای شهری، توسعه و نگهداشت فضای سبز، سامان‌دهی صنایع و مشاغل مزاحم است. در نهایت، پیامدها و نتایج مدیریت عملکرد در شهرداری‌ها تعالی سازمانی، رضایت ذی‌نفعان، شفافیت اداری، مقبولیت عمومی، بهبود چالش‌های مالی و اداری، بهره‌وری، کارایی و اثربخشی شهرداری است.

نتیجه‌گیری

شهرداری‌ها برای موفقیت، باید به سمت به‌کارگیری روش‌های مدیریت عملکرد نوین و مطلوب حرکت کنند. به این لحاظ شهرداری‌ها می‌توانند با بهره‌گیری از تحقیق حاضر و نتایج آن برای مدیریت عملکرد در سطوح مختلف فردی، گروهی و سازمانی اقدام کنند. پژوهش حاضر نگرش کلی را به مدیران شهری می‌دهد و با استفاده از عوامل، ابعاد، مؤلفه‌ها و پیامدهای شناسایی شده می‌توان در در راستای مدیریت عملکرد بهتر اقدام کرد.

است. این پژوهش با رویکرد ترکیبی (کیفی- کمی) در سه مرحله انجام شده است. مرحله اول با روش مصاحبه (کیفی)، مرحله دوم با استفاده از روش تحلیل محتوا (کمی) و مرحله سوم با استفاده از روش دلفی فازی (کمی) صورت گرفته است. نمونه آماری تحقیق در روش مصاحبه ۲۰ نفر از خبرگان و کارشناسان در شهرداری بندر عباس بودند، که با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله برفی انتخاب شدند. نمونه آماری در دلفی فازی ۲۵ نفر از خبرگان (۲۰ نفر از مصاحبه‌شونده‌ها و ۵ نفر از اساتید دانشگاهی) بودند. بعد از انجام مصاحبه‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوا به شناسایی عوامل، مؤلفه‌ها و پیامدهای مدیریت عملکرد در ۳ سطح عملکرد فردی، عملکرد گروهی و عملکرد سازمانی پرداخته شد. سپس با استفاده از روش دلفی فازی، الگوی مفهومی محقق ساخته شده جهت مذاقه و پالایش در سه دور برای خبرگان ارسال شد.

یافته‌ها

عوامل تأثیرگذار بر مدیریت فردی شامل دو دسته عوامل رفتاری شامل مؤلفه‌های انگیزه، شایستگی و مهارت فردی، دانش، مشارکت در تصمیمات، نگرش، احترام و تکریم، و عوامل سیستمی شامل مؤلفه‌های جو و فرهنگ حاکم، قوانین سیستم، ارتقا و پاداش و حقوق، رهبری و مدیریت، همکاری و ارتباطات، عدالت و انصاف، ساختار سیستم، بالندگی منابع انسانی است. در حوزه مدیریت عملکرد گروهی عوامل تأثیرگذار به سه دسته عوامل ساختاری شامل مؤلفه‌های آموزش و بالندگی، جذب و گزینش عادلانه، اهداف و راهبردها، جو و فرهنگ سازمانی، مقررات و قوانین، ارتقا و پاداش گروهی، عدالت و انصاف، ارزش‌های مشترک، عوامل مدیریتی شامل مؤلفه‌های مدیریت دانش، اعتبار تصمیم‌گیران، ویژگی‌های مدیران، حمایت مدیریت، مدیریت سرمایه انسانی، واگذاری اقتدار و قدرت و عوامل فنی شامل مؤلفه‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات، بهداشت و ایمنی محیط کار است. عوامل تأثیرگذار بر عملکرد سازمانی به سه دسته عوامل اجتماعی شامل مؤلفه‌های قوانین و مقررات جامعه، عدالت و انصاف جامعه، فرهنگ و ارزش‌های مشترک جامعه، دیدگاه جامعه نسبت به شهرداری، بالندگی منابع انسانی؛ عوامل اقتصادی شامل مؤلفه‌های قیمت‌گذاری خدمات، تخصیص بودجه، توانمندی دریافت بودجه، رویکرد اقتصادی دولت و عوامل سیاسی شامل مؤلفه‌های تحریم‌ها در تأمین قطعات و خدمات، قدرت و نفوذ اعضای

مقدمه

دانش مدیریت همیشه به دنبال عرضه مدل‌های جدید برای مدیریت بهتر سازمان‌ها و حل مشکلات آن‌ها است. ارزیابی و مدیریت عملکرد یکی از وظایف مهم مدیریتی است که تمامی سازمان‌ها از قدیم تا به حال به شیوه‌های متفاوتی از آن استفاده می‌کنند تا به هدف‌های مورد انتظار خود دست یابند. معنا، زاویه دید، فرایند و شیوه برآورد عملکرد همیشه به فراخور نیاز مورد بازنگری و توسعه مداوم قرار گرفته و اکنون با معنا و مفهوم مدیریت عملکرد نسبتاً به بلوغ خود رسیده است [۱].

سازمان‌ها تا هنگامی که برای بقای خود سعی می‌کنند و خود را نیازمند بودن در عرصه ملی و جهانی می‌دانند، باید اصل توسعه و بهبود مداوم را سرلوحه فرایندهای کاری خود قرار دهند. این اصل به موفقیت دست نمی‌یابد، مگر اینکه زمینه رسیدن به آن یا بهبود عملکرد امکان‌پذیر شود. این بهبود با کسب بازخورد از محیط داخلی سازمان و تجزیه و تحلیل ضعف‌ها، قوت‌ها، تهدیدها و فرصت‌های سازمان، مسئولیت‌پذیری و به دست آوردن رضایت مشتری، از طریق طراحی و استفاده از سیستم‌های مؤثر منابع انسانی، به‌ویژه سیستم مدیریت عملکرد حاصل می‌شود. مطابق پژوهش‌های پژوهشگران، پیاده‌سازی سیستم مدیریت عملکرد به عنوان روشی راهبردی برای همسوسازی فعالیت‌های منابع انسانی با اهداف سازمانی شکل می‌گیرد و مدیریت منابع انسانی را به عنوان یک فعالیت مهم و اساسی در خط مقدم استراتژی سازمان قرار می‌دهد [۲]. محققان اذعان دارند که سازمان‌ها با اجرای مدیریت عملکرد سعی در ارزیابی و توسعه شایستگی‌های کارکنان خود و ایجاد معیارهای پاداش دهی مبتنی بر عملکرد دارند. بیشتر از ۹۰ درصد سازمان‌های بزرگ سیستم‌های مختلف ارزیابی عملکرد را به کار می‌گیرند و بیش از ۷۵ درصد سیستم‌های استخدامی در سازمان‌ها نیاز به ارزیابی‌های سالانه دارند [۳].

نظام مدیریت عملکرد تا حد زیادی به انعطاف‌پذیری برنامه‌ها، اهداف و مأموریت‌های یک سازمان در محیطی پویا کمک می‌کند. نبود سیستم مدیریت عملکرد در سازمان به مفهوم عدم ارتباط با محیط داخلی و بیرون سازمان است که نتیجه آن پیر شدن و درنهایت مرگ سازمانی است [۴]. ادبیات مدیریت عملکرد نمونه‌های بسیاری از مسائل نظام‌های مدیریت عملکرد که سازمان‌ها با آن‌ها روبه‌رو هستند را ارائه کرده است. همین‌طور گزارش‌ها نشان می‌دهد با وجود سرمایه‌گذاری‌های کلان، بسیاری از سازمان‌ها از نتایج سیستم‌های مدیریت عملکرد ناامید هستند [۵]. شکاف بین استراتژی سیستم مدیریت عملکرد و پیاده‌سازی آن مانع از توانایی سازمان در استفاده از سیستم مدیریت عملکرد برای دستیابی به عملکرد سازمانی و نتایج آن می‌شود. جیانگ و همکاران [۶] بیان می‌کنند فقط پیاده‌سازی نظام مدیریت عملکرد انگیزه کارمندان را افزایش نمی‌دهد و سازمان باید آماده سرمایه‌گذاری قابل توجهی در راستای منابع و زمان مناسب برای اجرای هدف‌های سیستم مدیریت عملکرد باشد. سیستم مدیریت عملکرد به عنوان راهی برای ایجاد رابطه بین سازمان و اعضای آن در نظر گرفته شده است. هریستوف و همکاران [۷] گفتند که پیاده‌سازی بسیاری از سیستم‌های مدیریت عملکرد، به وسیله سازمان‌ها بر کارکنان تحمیل می‌شود. نتیجه این است که کارمندان به وسیله سیستم مدیریت عملکرد برانگیخته نمی‌شوند و آن را فرایندی اجباری - در عوض آنکه آن را به مثابه فرصت و ابزاری برای بهبود و توسعه عملکرد کارکنان و سازمان تلقی کنند - می‌دانند. در رابطه با نرخ بالای شکست پروژه‌های مدیریت عملکرد در بین ادبیات علمی و ادبیات رایج بین صاحب‌نظران اختلاف نظر وجود دارد. بدون تجزیه و تحلیل صحیح مسائل، سازمان‌هایی که سیستم مدیریت عملکرد را پیاده‌سازی می‌کنند، همیشه با مسائل مشابهی مواجه می‌شوند و این باعث ناکارآمدی، طولانی شدن زمان پروژه و حتی باعث لغو و پایان دادن به فعالیت‌های مربوطه می‌شود. در نتیجه پژوهش‌های ویژه‌ای باید روی این مسائل و مشکلات انجام شود تا میزان موفقیت سیستم مدیریت عملکرد افزایش یابد [۵].

از سوی دیگر در نظریه‌های امروزی، مدیریت عملکرد به عنوان ابزار و روشی برای اجرای استراتژی‌ها، خط‌مشی‌ها و دستیابی به هدف‌های سازمانی بیان می‌شود و هدف اصلی و عمده آن، بالا بردن توانایی‌ها، شایستگی‌ها، رشد و پرورش سازمان ارزیابی‌شونده است. این دیدگاه به مدیریت عملکرد مستلزم وجود ویژگی‌هایی است که آن سیستم را کارا و اثربخش سازد و انعطاف‌پذیری و پویایی چارچوب مدیریت عملکرد خواسته یادشده را محقق می‌سازد [۸]. مدیریت عملکرد از ابزارهای اصلی و اساسی مدیریت عالی برای تحقق اهداف و برنامه‌های سازمان است. در نهادهای عمومی غیر دولتی، نظیر شهرداری‌ها، نیز بر این موضوع تأکید فراوانی شده است.

متولی مدیریت شهر شهرداری است و پرواضح است که توجه به نحوه مدیریت و چگونگی عملکرد شهرداری بسیار بااهمیت است. این در حالی است که مدیریت شایسته هر سازمانی از جمله شهرداری محقق نخواهد شد به‌جز با برنامه‌ریزی، اجرا، نظارت و کنترل، ارزیابی و بازنگری مناسب در راستای ایجاد فضای خوب و کارا برای بهبود بخشیدن به عملکرد. ضرورت توجه به مدیریت عملکرد در شهرداری‌ها به دلیل پیچیدگی‌ها تأثیر بر نقش مهم آن به عنوان مجموعه اجرایی نظام شهری کشور و نیز تحولات سریع در حوزه شهر و شهرداری‌ها و به هم پیوستگی آن‌ها، بر کسی پوشیده نیست. مدیریت عملکرد ارزیابی آن این امکان را فراهم می‌آورد تا سازمانی مانند شهرداری مسیر خود را بر اساس شرایط متغیر اصلاح کند و به آن پویایی ببخشد. در این میان بررسی الگوهای مرسوم در حوزه مدیریت عملکرد سازمان‌ها در جهان، بیانگر ضرورت توجه به نحوه عملکرد، کارایی و اثربخشی این عملکرد، و توجه به اثرات عملکرد به‌ویژه در نظام شهری و شهرداری‌ها است.

مدیریت عملکرد در شهرداری پس از تبیین اهداف، خط‌مشی‌ها و استراتژی‌هایی که آن‌ها در چارچوب تعهدات قانونی اجرا می‌کنند، ایجاد می‌شود و سپس در آن راستا برنامه‌ریزی لازم برای دستیابی به اهداف، تعهدات و استراتژی‌ها انجام می‌شود. در فرایند برنامه‌ریزی، نیازها، اولویت‌ها و انتظارات شهروندان و نیز شرایط محیطی (ملاحظات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی)، تهدیدها، فرصت‌ها، منابع، امکانات و محدودیت‌ها ملحوظ قرار گرفته و بر این اساس، فعالیت‌های مورد نظر، برنامه زمانی اجرای فعالیت‌ها، رویه‌ها، روش‌ها، شاخص‌ها، معیارها و استانداردهای مورد نیاز تعیین می‌شود. در گام بعدی اجرای برنامه به وسیله مدیران اجرایی سازمان انجام می‌شود و نظارت بر اجرای صحیح برنامه و ارزیابی عملکرد در سطوح مختلف سازمان انجام می‌شود [۹]. از این نظر به منظور هدایت مدیران و کارکنان شهرداری در راستای تحقق برنامه‌های توسعه و خدمات شهری، طبق برنامه زمانی پیش‌بینی شده و با کیفیت مطلوب، تدوین نظام مدیریت عملکرد شهرداری از ارکان مهم و اصلی موفقیت این نهاد است [۴].

هرچند عملکرد یکی از مفاهیم محبوب در مباحث مدیریت است، اما هنوز ابهامات و حتی آشفتگی‌هایی درباره مفهوم عملکرد، روش‌های سنجش آن و نیز جایگاه مدیریت عملکرد باقی مانده است و در بسیاری از سازمان‌ها همچون شهرداری‌ها مشکلی که وجود دارد در حوزه مدیریت عملکرد است و هنوز بهبودهایی مورد انتظار در عملکرد، پاسخ‌گویی، شفافیت و کیفیت خدمات رخ نداده است. عملکرد و مدیریت عملکرد، مفاهیمی معماگونه هستند. اغلب دانشمندان مدیریت بر این باورند که چندی پیش بودن پدیده مدیریت عملکرد به این دلیل است که از سازمان‌ها انتظار می‌رود طیفی از اهداف را دنبال کنند که ممکن است برخی از آن‌ها با یکدیگر در تضاد باشند. بنابراین، نهادها و به‌ویژه شهرداری‌ها موظف هستند توجه خود را بر ابعاد چندگانه عملکرد متمرکز کنند [۹]. با توجه به تحقیقات اندکی که در این زمینه وجود دارد، هنوز هم نیاز به پژوهش‌های بیشتری در این زمینه حس می‌شود. هرچند بخشی از ناکارآمدی مدیریت عملکرد در شهرداری‌ها به چگونگی اجرای این نظام مربوط می‌شود، اما خلأ تئوری نیز یکی از مسائل اساسی است که ناپدید کردن آن اشتباه است. ابهامی که در ادبیات مدیریت عملکرد در شهرداری‌ها وجود دارد و نیز گستردگی و پراکندگی الگوهایی که وجود دارد و همراستا نبودن این الگوها با یکدیگر و نیز با توجه به دیدگاه صاحب‌نظران و تجربیات

از لحاظ فردی، عملکرد به سابقه موفقیت‌های یک شخص اشاره دارد. عملکرد رفتار فردی است و کاری است که هر فرد انجام می‌دهد. بنابراین نمی‌توان گفت که عملکرد خروجی است، بلکه خروجی نتیجه عملکرد افراد است. محققان عملکرد فردی را رفتار یا اقدام‌هایی شخصی که مربوط به اهداف سازمان است، تعریف کرده‌اند. بنابراین، عملکرد فردی بر رفتار یا اعمال کارکنان تمرکز می‌کند، نه بر نتایج این اقدام‌ها. علاوه بر این، رفتارها باید تحت کنترل فرد باشند. به این ترتیب، رفتارهایی که محرک محیط هستند، از بین می‌روند [۱۱]. برای اندازه‌گیری عملکرد کار فردی، تعیین ساختار اساسی آن مهم است. به طور سنتی، تمرکز اصلی ساختار عملکرد فردی بر عملکرد وظیفه است که می‌تواند به عنوان مهارت شناخته شود که افراد با انجام وظایف اصلی یا فنی اصلی در کار خود انجام می‌دهند [۱۲].

عملکرد گروهی

امروزه گروه و گروه کاری، واژه‌های متداولی در حلقه‌های مدیریتی به شمار می‌روند. سازمان‌ها به کار گروهی و تیمی متکی‌اند. گروه‌ها به عنوان عامل اصلی یادگیری و نوآوری، موجب تسهیل اعتماد در میان اعضا، اشتراک‌گذاری دانش و اطلاعات و ایجاد ایده‌های جدید از طریق بحث و گفت‌وگو می‌شود [۱۳]. رهبران سازمان‌ها باید از یادگیری گروهی برای توسعه خدمات به مشتریان، حمایت و پشتیبانی کنند. نظام مدیریت عملکرد در سطح گروه، به اعضا کمک می‌کند تا بهتر بتوانند چگونگی کار در کنار یکدیگر و نحوه بهبود خودمدیریتی برای دستیابی به سطوح بالای بهره‌وری و اثربخشی را درک کنند. محققان اذعان دارند که سازمان‌ها برای برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری، کنترل، بازخوردهای توسعه‌ای و جبران خدمات، باید از مدیریت عملکرد گروهی بهره‌گیری کنند. نظام‌های سنجش باید با راهبردها و ساختار سازمان پیوند داشته باشند و رفتارها و عملکرد گروهی را با نظام‌های ارزیابی فردی یکپارچه کرده باشند [۱۴].

عملکرد سازمانی

عملکرد سازمانی به عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم اندازه‌گیری میزان بهره‌وری در سازمان‌ها شناخته می‌شود و یکی از مفاهیم بنیادین در مدیریت به شمار می‌رود، چرا که بسیاری از وظایف مدیریت بر اساس آن شکل می‌گیرد. همچنین موفقیت سازمان‌ها را می‌توان در آیینة عملکردشان مشاهده کرد [۱۵]. عملکرد سازمانی پدیده‌ای پیچیده است که شاید ساده‌ترین تعبیر برای آن را بتوان مجموعه فعالیت‌های معطوف به دستیابی اهداف سازمان دانست. عملکرد سازمانی به چگونگی مأموریت‌ها و وظایف و فعالیت‌های سازمان و نتایج آن‌ها اطلاق می‌شود. این مفهوم ارزش مورد انتظار سازمان تعریف می‌شود که یک فرد در یک دوره از زمان انجام می‌دهد. هر سازمانی برای نیل به عملکرد مطلوب در جست‌وجوی راه‌هایی است تا محیط را برای کارکنان مساعد سازد تا به درجه‌ای از توانایی برسند که تأثیرگذاری بیشتری روی کارشان داشته باشند. عملکرد سازمانی فرایند تبیین کیفیت اثربخشی و کارایی اقدامات گذشته است [۱۶].

مدیریت عملکرد

مدیریت عملکرد کارکنان را می‌توان روشی در نظر گرفت که از ارتباط دوطرفه بین سرپرستان و کارکنان استفاده می‌کند، از یک طرف، درک نیازها و انتظارات سازمان از کارکنان و از سوی دیگر انتقال نیازها و تقاضاهای کارکنان به سرپرستان و مدیریت سازمان، فضایی را برای استفاده بهینه از تمامی تجهیزات و منابع در راستای دستیابی به هدف‌های سازمان به وجود می‌آورد. مدیریت عملکرد به سرپرستان کمک می‌کند تا عملکرد ضعیف کارکنان را تشخیص دهند و به نوبه خود برای بهبود آن گام بردارند. از طرف دیگر، با پاداش‌های به‌جا و مناسب به عملکرد مطلوب کارکنان آن‌ها را ترغیب کنند و تکرارپذیری آن‌ها افزایش می‌یابد. مدیریت عملکرد روشی است که هم ارزیابی عملکرد و هم سیستم‌های انضباطی و سیاست‌های مدیریت شکایات را به عنوان ابزار

چندساله محقق در شهرداری می‌توان گفت که الگوی مشخص و واضحی در مورد مهم‌ترین عناصر و مؤلفه‌ها و ابعاد تبیینی برای سنجش و مدیریت عملکرد در شهرداری‌ها وجود ندارد. همچنین در شهرداری‌ها، عملکرد به‌درستی و روشنی تعریف نشده است و مدیران و ناظران بیرونی ارزیابی‌هایشان از مدیریت عملکرد با مشکل مواجه است و با وجود داشتن معیار برای مدیریت عملکرد، معیارها، استخراج و مدون نشده‌اند تا مبنای عمل قرار گیرند. همچنین ادبیات نظری عملکرد در حوزه مدیریت شهری نشان می‌دهد رویکردهای موجود بیشتر بر سنجش و ارزیابی تأکید دارند و رویکرد مدیریت عملکرد نمود کمتری دارد. مدل‌ها و نظریات موجود در مدیریت عملکرد یا بر سطح فردی و یا بر سطح نهاد متمرکز است و کمتر به سطح گروه و کلیت و جامعیت سازمانی پرداخته است. به این لحاظ می‌توان ادعا کرد که مباحث مدیریت عملکرد، به‌ویژه در شهرداری‌ها، هنوز بلوغ نیافته و مسائل بی‌شماری برای پژوهش در این حوزه وجود دارد.

در سازمان‌های خدماتی همانند شهرداری نیز به‌رغم ضرورت و نیاز مبرم به داشتن نظام مدیریت عملکرد؛ هنوز در بسیاری از آن‌ها از روش‌های سنتی ارزیابی عملکرد استفاده می‌شود که اهداف توسعه‌ای، آینده‌نگری و هدفمندی در آن دیده نمی‌شود و اگر هم برخی شهرداری‌ها در ایران به طور محدود ادعای استقرار و کاربرد این نظام را دارند، در عمل نتایج مورد انتظار و کافی این سیستم به اذعان متولیان و ذی‌نفعان آن‌ها هرگز حاصل نشده است [۱]. از طرف دیگر نبود یک الگوی موفق از پیاده‌سازی نظام مدیریت عملکرد در شهرداری، در کنار تجربه‌های شکست مکرر از استقرار این نظام در بسیاری از سازمان‌ها، خود نشان‌دهنده مسئله‌ای است که نیازمند مطالعه و بررسی ویژه‌ای است.

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان ادعا کرد مسئله اصلی این تحقیق نبود مدل مناسب مدیریت عملکرد در حوزه مدیریت شهری و شهرداری و آن هم با نگاهی جامع و در تمامی ابعاد است. به این لحاظ باید الگویی جامع و مطلوب را با توجه به اقتضای شهرداری تهیه و تدوین کرد که بر مبنای آن بتوان در شهرداری از مرحله ارزیابی عملکرد محض، به مدیریت عملکرد رسید و اطلاعاتی درست‌تری را برای مدیریت بهتر و اثربخش‌تر در اختیار مدیران و تصمیم‌گیران مدیریت شهری از وضعیت عملکرد شهرداری قرار داد. به این لحاظ سؤال اصلی این تحقیق آن است که الگوی مناسب و مطلوب مدیریت عملکرد در شهرداری چگونه است؟

■ مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در این قسمت پس از بررسی مفاهیم عملکرد، عملکرد فردی، گروهی و سازمانی، و مدیریت عملکرد مبتنی بر ادبیات تحقیق، مدیریت عملکرد در شهرداری مورد بحث بررسی قرار گرفته است و در انتها به بررسی پیشینه تحقیق شامل تحقیقات پیشین انجام شده در ایران و سایر نقاط دنیا پرداخته شده است.

عملکرد

دیدگاه‌های مختلفی درباره مفهوم عملکرد وجود دارد. عملکرد را می‌توان فقط نتایج به‌دست‌آمده در نظر گرفت. عملکرد عبارت است از: چیزی که شخص، به عنوان سابقه از خود به جای می‌گذارد و صرف‌نظر از هدف به وجود می‌آید [۱۰]. عملکرد به عنوان نتایج کار تعریف شده است، چرا که آن‌ها قوی‌ترین پیوند را با اهداف راهبردی سازمان، رضایت مشتری و درآمدهای مالی دارند [۲]. مفهوم عملکرد شامل رفتارها و هم شامل نتایج است. بعضی از ابعاد عملکرد به فرایند عرضه خدمات اشاره می‌کنند که ورودی‌ها (منابع)، فعالیت‌ها (خروجی‌ها) و پیامدها را در بر می‌گیرد و بعضی دیگر مفاهیمی نسبی همچون کارایی، صرفه اقتصادی، اثربخشی، بهره‌وری، هزینه اثربخشی، مطلوبیت، پایداری و ارتباط هستند که اغلب عملکرد با آن‌ها معرفی می‌شوند [۱۰].

عملکرد فردی

مدیریتی خود در بر می‌گیرد. فنون و ابزار این مدیریت برای افزایش بهره‌وری کارکنان و کسب مزیت رقابتی سازمان به کار می‌رود [۱].

مدیریت عملکرد، نوعی ارتباط است وقتی که مدیران و کارکنان توأمان به یک نکته قابل درک می‌رسند که چه کاری باید انجام شود، چگونه باید انجام شود، چگونه انجام وظایف به نتیجه مورد نظر می‌رسد، و سرانجام بعد از تلاش‌های صرف‌شده چگونه این عملکرد توانسته است برنامه‌آلودستی را تکمیل کند. بعد از آن فرایند توسط مدیران و کارکنان بازنگری می‌شود تا برای فعالیت‌هایی که در دوره بعدی ارزیابی باید تکمیل شود، برنامه‌ریزی انجام گیرد [۱۷].

مدیریت عملکرد مانند چتری است که برنامه‌ریزی عملکرد، بازنگری عملکرد و ارزیابی عملکرد را در بر گرفته است. برنامه‌ها و ارزیابی‌های عملکردی اصلی معمولاً سالیانه ایجاد می‌شود و بازنگری عملکرد هر زمانی که یک مدیر و یک کارمند، صدیق، تنظیم یا اصلاح عملکردی کاری خودشان را مد نظر داشته باشند، قابل انجام است. برای مؤثر و کارا کردن سیستم مدیریت عملکرد برای بهبود و توسعه کارکنان، باید مکانیسم پاداش‌دهی یا انگیزشی با توجه به سطح عملکرد فرد وجود داشته باشد که با تلاش‌های فردی کارکنان در یک مجموعه تناسب داشته باشد [۱۸]. سازمان‌ها با به‌کارگیری سرمایه و دارایی‌های فیزیکی در کنار نیروی انسانی کارآمد، در تلاش هستند تا اهداف یادشده را محقق کنند. در سال‌های اخیر به نقش نیروی انسانی در سازمان‌ها نسبت به سایر منابع سازمانی، توجه خاصی شده و محققان به دنبال بهبود مدیریت عملکرد کارکنان هستند، که باعث افزایش کارایی نیروی انسانی و اثربخشی سازمان می‌شود. مدیریت عملکرد را می‌توان مجموعه یکپارچه‌ای از روش‌های برنامه‌ریزی و بازنگری دانست که سازمان به منظور برقراری ارتباط میان هر فرد و راهبرد کلی سازمان به جریان می‌اندازد. مدیریت عملکرد از راهبردها و فعالیت‌های مرتبط با یکدیگر برای بهبود عملکرد افراد، تیم‌ها و سازمان‌ها و نیز دستیابی به اهداف و پیامدها بهره می‌برد [۸].

مدیریت عملکرد در شهرداری

وجود تعاریف مختلف از مدیریت عملکرد و نبود توافق میان متخصصان دانشگاهی در این باره موجب شده است که غالباً دو اصطلاح سنجنش عملکرد و مدیریت عملکرد، به جای یکدیگر به کار رود؛ اما باید گفت که هدف مدیریت عملکرد، واکنش نشان دادن به سنجنش پیامدها و استفاده از آن به منظور مدیریت کردن عملکرد است. در شهرداری تا کنون اکثر مباحث درباره سنجنش عملکرد بوده است [۹]. سنجنش عملکرد، عنصری حیاتی از نظام مدیریت عملکرد است؛ یعنی رصدی که نشان می‌دهد تغییر در کجا نیاز است و چه چیزی رفتارهای مورد انتظار را ایجاد می‌کند. سنجنش عملکرد مربوط به گذشته است، ولی مدیریت عملکرد از تعمیم داده‌ها برای به دست آوردن اطلاعاتی درباره آینده استفاده می‌کند. بنابراین، این‌ها موجودیت‌های متفاوتی هستند [۲]. محققان معتقدند که مدیریت عملکرد، هسته مرکزی مدیریت در سازمان‌ها را تشکیل می‌دهد که شهرداری هم از این موضوع مستثنی نیست و به‌رغم داشتن سابقه‌های طولانی، خاستگاه متأخر آن، مدیریت جدید است؛ و با وجود بحث‌های دامنه‌دار درباره آن، هنوز مدیریت عملکرد در شهرداری شبیه معما باقی مانده و فاقد فراتحلیل‌های منسجم است [۹].

مطالعات در زمینه مدیریت عملکرد نشان می‌دهد که نظام مدیریت عملکرد در کشور ایران فقط ۳۱ درصد استقرار یافته است و این مقدار هم از کیفیت لازم و مناسبی برخوردار نیست، که مدیریت شهری و شهرداری‌های کشور هم از این موضوع جدا نیستند. موارد زیر از جمله مسائلی هستند که به با مصاحبه با صاحب‌نظران در شهرداری، مطالعه ادبیات تحقیق و از ساختار و ماهیت الگوهای فعلی نظام مدیریت عملکرد در کشور نشئت می‌گیرند:

۱- جهت‌گیری مدل‌های فعلی نظام مدیریت عملکرد در کشور ما و به‌ویژه در شهرداری نتیجه‌گرایی صرف است؛

۲- در الگوهای فعلی مدیریت عملکرد در سازمان‌های ایرانی، فرایندهای کسب نتیجه مرتبط با رسالت‌ها و مأموریت‌های هر نهاد، مورد سنجنش و ارزیابی

قرار نمی‌گیرد. به بیان دیگر، بی‌توجهی الگوها به فرایندهای اجرایی اصلی و فرعی یکی از موانع استقرار کامل نظام مدیریت عملکرد مناسب در سازمان‌ها است.

۳- برنامه‌های تحول اداری به عنوان توانمندساز با همان کارکرد مدل‌های تعالی سازمانی در الگوهای فعلی در نظر گرفته شده است. به بیان دیگر، گره‌برداری از مدل اروپایی تعالی سازمانی در الگوهای فعلی مدیریت عملکرد کشور و به‌خصوص بدون در نظر گرفتن الزامات و ویژگی‌هایی خاص مدیریت عملکرد در شهرداری، زمینه عدم استقرار فراگیر الگوهای مدیریت عملکرد مناسب شده است.

۴- از طرف دیگر نکته مهم در اجرای مدل‌های کنونی مدیریت عملکرد، شاخص‌های یکسانی است که از مجموعه برنامه‌های تحولی استخراج و به صورت یکسان برای تمامی نهادهای اجرایی معیار سنجنش و ارزیابی قرار می‌گیرد، که با توجه به وجود قوانین و مبانی متفاوت در سازمان‌های مختلف در کشور از ضعف‌ها محسوب می‌شود [۱۷].

پیشینه تحقیق

احمدوند و همکاران [۱۹] در پژوهشی با عنوان «مدل تلفیقی کارت امتیازی متوازن و تعالی به منظور بهبود عملکرد» که در سال ۱۳۹۰ انجام شد، بیان کرد که یکی از کاستی‌های موجود در حوزه مدیریت عملکرد، نبود یکپارچگی و انسجام بین اجزای این نظام در سطوح مختلف سازمانی است و این مشکل به‌ویژه در زمینه ایجاد انسجام بین نظام‌های ارزشیابی عملکرد در سطح سازمانی و ارزشیابی عملکرد کارکنان مشهودتر است. در این پژوهش تلاش شده تا الگویی ارائه شود که بتواند یکپارچگی لازم را بین نظام‌های ارزشیابی عملکرد در سطوح سازمانی و فردی ایجاد کند.

یاوری و زاهدی [۲۰] در مقاله‌ای تحت عنوان «طراحی مدل مفهومی مدیریت عملکرد سازمانی برای سازمان‌های دولتی و غیرانتفاعی» مدلی به منظور تحلیل شرایط موجود سازمان و نیل به وضعیت مطلوب برای سازمان‌های مورد نظر طراحی کردند. از منظر آنان مدل مطلوب مدیریت عملکرد سازمانی جامع، سه عنصر ابعاد و معیارهای عملکرد، پیشران‌های درونی و بیرونی عملکرد و فرایند مدیریت و بهبود عملکرد را در بر دارد.

بابایی زکلیکی و همکاران [۲۱] در طراحی الگوی پیاده‌سازی کارآمد نظام مدیریت عملکرد در سازمان‌های خدماتی بیان داشتند که عوامل بسترساز درون‌سازمانی بیشترین نقش را در تعریف و تبیین پیاده‌سازی کارآمد نظام مدیریت داشتند.

موسوی [۲] در تحقیقی به ارائه الگوی ارزیابی عملکرد سازمان‌های تابعه مدیریت شهری پرداخت، که مضاف بر ارائه شاخص‌های عملکردی، عوامل خارج از اراده سازمان‌های تابعه که بر عملکرد آن‌ها تأثیرگذار است را نیز مورد توجه قرار داد. الگوی طراحی‌شده نهایی مشتمل بر ۷ شاخص خوشه‌بندی مالی، ۲ شاخص خوشه‌بندی مشتری، ۱ شاخص خوشه‌بندی فرایند، ۲ شاخص خوشه‌بندی رشد، ۷ شاخص عملکردی مالی، ۴ شاخص عملکردی مشتری، ۷ شاخص عملکردی فرایند و ۷ شاخص عملکردی رشد بود.

ترابنده و رفیع‌زاده [۲۲] در مقاله‌ای تحت عنوان «ارائه تکنیکی در بهبود نظام مدیریت عملکرد دستگاه‌های اجرایی ایران مبتنی بر نقشه راه اصلاح نظام اداری»، نظامی برای ارزیابی عملکرد دستگاه‌های اجرایی تدوین کردند که در آن امتیاز شاخص‌های ارزیابی عملکرد مبتنی بر اهداف استراتژیک نقشه راه اصلاح نظام اداری صورت می‌گیرد.

قنبری و همکاران [۲۳] در مقاله‌ای تحت عنوان «مدیریت عملکرد، چالش‌های فراروی و تئوری پیچیدگی»، بیان داشتند که مدیریت عملکرد در بخش دولتی همچنان با مشکلات بزرگی مواجه است و تجدید نظر در شیوه‌های موجود برای جلوگیری از اثرات منفی به‌کارگیری آن ضروری است.

محمدی و شریف‌زاده [۲۴] در مقاله‌ای با عنوان «طراحی الگوی مدیریت عملکرد با رویکرد توسعه منابع انسانی در بخش دولتی» بیان داشتند که متغیرهای اصلی این الگو، دربرگیرنده تأثیرپذیری راهبرد سرمایه‌انسانی از

شد. بر این اساس، یک الگوی پنج‌بعدی برای مدیریت عملکرد منابع انسانی شهرداری تهران با توجه به الزامات شهر دیجیتال استخراج شد. بعد اول این الگو، برنامه‌ریزی استراتژیک عملکرد منابع انسانی با شش مؤلفه، بعد دوم، توسعه فرهنگی منابع انسانی با دو مؤلفه، بعد سوم، آموزش و توانمندسازی منابع انسانی با دو مؤلفه، بعد چهارم، توسعه ارتباطات منابع انسانی با سه مؤلفه و بعد پنجم بر ارزیابی عملکرد منابع انسانی با سه مؤلفه تأکید داشت.

جیا و همکاران [۳۶] پژوهشی تحت عنوان «مسیر تکامل و عوامل مؤثر بر سیستم مدیریت عملکرد: یک مطالعه موردی طولی در چین» انجام دادند. نتایج نشان داد که عوامل تأثیرگذار حیاتی شامل پیشینه حرفه‌ای خوب و ویژگی‌های شخصی مدیران خط، ارتباط شفاف در مورد اهداف مدیریت عملکرد بین رهبران و زیردستان آن‌ها، دانش حرفه‌ای متخصصان مدیریت عملکرد، و مشارکت گسترده رهبران ارشد در فرایندهای مدیریت عملکرد مؤثر است.

■ جمع‌بندی نظریه‌ها و تحقیقات انجام‌شده و مدل مفهومی اولیه

با توجه به مطالعات انجام‌شده در حوزه مدیریت عملکرد و آنچه در مدل‌ها و پیشینه تحقیق آورده شده است، می‌توان موارد زیر را مطرح کرد:

- بیشتر مطالعات انجام‌شده در نگاه اول از ماهیت تجربی برخوردارند. آن‌ها عمدتاً مطالعاتی هستند که به تجزیه و تحلیل ویژگی‌های سیستم‌های مدیریت عملکرد در سازمان می‌پردازند. مقالات تجربی بیشتر از پرسشنامه و مصاحبه عمیق استفاده می‌کنند و به ندرت به صورت مطالعه موردی هستند. این گونه مطالعات بیشتر به دنبال درک سیستم مدیریت عملکرد فعلی هستند تا طراحی مدل جدید.
- پژوهش‌های صورت‌گرفته بیشتر بر ارزیابی تمرکز دارند تا مدیریت عملکرد.
- با مطالعه ادبیات تحقیق تعداد پژوهش‌هایی که رویکرد مدل‌سازی در شهرداری صورت گرفته باشد، اندک است.
- پژوهش‌هایی که حوزه مطالعاتی آن‌ها ارائه مدل مدیریت عملکرد برای شهرداری با در نظر گرفتن ویژگی‌های خاص شهرداری همچون خدماتی بودن، مدیریت شهری، و... به شدت نیاز است.
- استخراج و تدوین معیارهای مناسب برای اندازه‌گیری و مدیریت عملکرد شهرداری هنوز چالشی بوده و در بیشتر پژوهش‌های کمی نیز تمایل به استفاده از معیارهای مالی بیشتر بوده است، در حالی که شاخص‌های یادشده بیشتر به موضوع انحراف از اهداف مبتنی بر کارایی می‌پردازند تا انحراف از اهداف مبتنی بر اثربخشی و موفقیت استراتژیک.
- چالش دیگر در این حوزه، حیطه سنجش و مدیریت در مطالعات عملکرد است که چندان از هم تفکیک نشده و در مواردی از این دو واژه به جای هم استفاده شده‌اند. با این توصیف گاه از یک مدل در منابع مختلف به دو عنوان یادشده است؛ مثلاً ایوانکویک، BSC و EFQM را مدل‌هایی برای سنجش دانسته است، در حالی که هریس و همکاران همین مدل‌ها را به عنوان مدل مدیریت عملکرد معرفی می‌کنند [۳۱].
- در ایران هنوز مطالعه‌های جامع و عمیق در زمینه مدیریت عملکرد شهرداری‌ها و ارائه مدلی مبتنی بر آن صورت نگرفته و تنها چند مطالعه محدود در زمینه ارزیابی عملکرد مدیریت شهری انجام شده است.
- با توجه به جمع‌بندی یادشده، انجام این تحقیق در مدیریت عملکرد در شهرداری‌ها بیش از پیش ضرورت پیدا می‌کند. در ادامه مدل مفهومی اولیه تحقیق نشان داده شده است.

راهبرد سازمانی و اسناد بالادستی، همخوانی و همراستایی فرایند پاسخ‌گویی، ارتباط بین مسئولیت و اختیار با معیارهای ارزیابی عملکرد کارکنان؛ تأثیر راهبردهای ارزیابی بر فرایند ارزیابی عملکرد کارکنان؛ وجود ارتباط مثبت و معنادار ویژگی‌های فردی کارکنان با فرایند ارزیابی عملکرد آن‌ها و در نهایت تأثیر ویژگی روابط کاری بینایی بر مدیریت عملکرد کارکنان است.

ادیب‌زاده و همکاران [۲۵] در مطالعه‌ای به طراحی الگوی مدیریت عملکرد برای سازمان‌های دولتی پرداختند. ابتدا از طریق انجام روش کیو و با طراحی فضای گفتمان و نظرخواهی از ۳۰ نفر از خبرگان، الگوی مدیریت عملکرد طراحی شد و در فاز کمی به کمک تحلیل عاملی تأییدی این مدل در سطح سه دستگاه دولتی شامل وزارت آموزش و پرورش، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مورد آزمون قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد الگوی مدیریت عملکرد نهایی در قالب سه سطح کارکنان مدیران و سازمان و چهار بعد فرایندی، محتوایی، زمینه‌ای و بهبود و توسعه عملکرد به همراه شاخص‌های مرتبط، شناسایی و طبقه‌بندی شده است. بر این اساس، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور وضعیت بهتری از لحاظ شاخص‌ها نسبت به دو دستگاه دولتی دیگر دارد و بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش پیشنهادهایی برای پیاده‌سازی الگوی مدیریت عملکرد در سازمان‌های دولتی ارائه شده است.

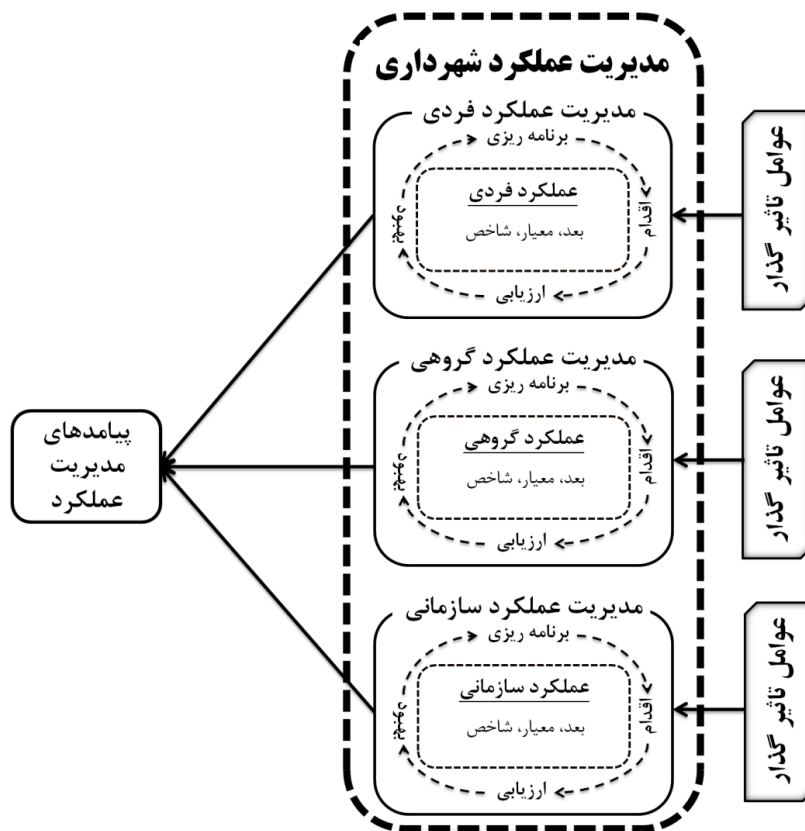
احمدی و همکاران [۲۶] به ارائه الگوی جامع تعیین و استقرار بهسازی عملکرد کارکنان با رویکرد فراترکیب پرداختند. براساس یافته‌های تحقیق، کدهای توسعه کارکنان، آموزش کارکنان، فرصت‌های شغلی، راهبردهای سازمان و مهارت‌های مدیریتی، بیشترین ضریب اهمیت را بین ابعاد چهارگانه بهسازی عملکرد کارکنان دارند. در نهایت، پس از طی گام‌های پژوهش، الگوی جامع تعیین و استقرار بهسازی عملکرد کارکنان در سه مرحله: شناسایی، ساختار اجرا و طراحی برنامه حمایتی بهسازی عملکرد کارکنان، ارائه شد.

بنی‌تیمیم و همکاران [۲۷] در پژوهشی با عنوان «طراحی مدل نظام جامع ارزیابی عملکرد هیئت‌های کشتی ایران»، نشان دادند عوامل نظام جامع ارزیابی عملکرد را می‌توان در ده عامل طبقه‌بندی کرد که عبارت‌اند از: توسعه منابع مالی، عوامل مدیریتی، توسعه ساختار و امکانات، توانمندسازی نیروی انسانی، توسعه قهرمانی، توسعه فرهنگی، علمی و پژوهشی، آموزشی، مسئولیت مدنی و اقدامات کاری و دستاوردها.

فلاحی و همکاران [۲۸] پژوهشی تحت عنوان «ارائه مدل مدیریت عملکرد سیستم مدیریت شهری» را ارائه دادند. بررسی‌ها نشان داد شاخص‌های استخراج‌شده به‌تنهایی نمی‌تواند پوشش مناسبی برای مدیریت عملکرد شهری باشد.

فهیمما و همکاران [۲۹] در مقاله‌ای با هدف طراحی و تبیین الگوی مدیریت عملکرد کارکنان به صورت یکپارچه در نظام بانکی کشور (بانک سپه) انجام دادند. در راستای نیل به این هدف ابتدا مقوله‌های زیربنایی مدیریت یکپارچه عملکرد شناسایی و اعتبارسنجی شدند و در نهایت با تعیین الگوی روابط علی این عناصر، مدل نهایی را به دست آوردند. نتایج نشان داد در میان سازه‌های مدیریت یکپارچه عملکرد، برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری و فرهنگ سازمانی قدرت نفوذ بالایی دارند و از تأثیرپذیری پایینی برخوردار هستند. بنابراین متغیرهای مستقل هستند. دو متغیر مدیریت دانش و مربیگری قدرت نفوذ و میزان وابستگی بالایی دارند، بنابراین متغیرهای پیوندی هستند. متغیرهای مدیریت عملکرد کارکنان و تحلیل و بازنگری عملکرد نیز از وابستگی بالا اما نفوذ اندکی برخوردار هستند، بنابراین متغیرهای وابسته محسوب می‌شوند.

نزیمی و همکاران [۳۰] در مطالعه‌ای به طراحی الگوی مدیریت عملکرد منابع انسانی در شهرداری تهران با توجه به الزامات شهر دیجیتال پرداختند. ۵ مقوله اصلی در حوزه ابعاد کلی و ۱۶ مقوله اصلی در حوزه مؤلفه‌های مدل، شناسایی



شکل ۱. مدل مفهومی اولیه تحقیق

نیمه ساختاریافته توسط سؤالات باز انجام شد. تعداد سؤالات ۷ عدد بود. نمونه سؤال مصاحبه: «به نظر شما منظور از عملکرد فردی در شهرداری چه است؟ و چه ابعاد یا شاخص‌هایی برای عملکرد فردی مد نظر است؟ به نظر شما چه موارد یا شاخص‌هایی می‌توانند بر مدیریت عملکرد فردی در شهرداری تأثیرگذار باشند؟ به نظر شما پیامدها و نتایج مدیریت عملکرد برای شهرداری چه مواردی می‌تواند باشد؟»

طول مدت مصاحبه‌ها ۲۰ تا ۶۰ دقیقه و به طور متوسط ۴۰ دقیقه بود. تعداد مشارکت‌کنندگان بر اساس اشباع داده‌ها تعیین شد، به طوری که پس از ۱۷ مصاحبه، طبقه جدیدی شکل نگرفت، اما برای اطمینان ۳ مصاحبه دیگر نیز انجام شد و تعداد نهایی مشارکت‌کنندگان ۲۰ نفر شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل محتوای قراردادی با روش گرانهایم و لاندمن انجام شد. ابتدا کل متن مصاحبه با دقت برای غوطه‌ور شدن در داده‌ها و رسیدن به یک درک کلی خوانده شد. بعد از آن، متن مورد نظر چندین بار خوانده شد. سپس واحدهای معنایی مشخص شد و کدهای اولیه شکل گرفت و این کدها با توجه به روابط، شباهت‌ها و تفاوت‌ها در زیرطبقات و طبقات جای گرفتند. برای اطمینان از صحت و دقت علمی مطالب ارائه‌شده از معیارهای چهارگانه لینکن و گوپا که شامل قابلیت اعتماد، معتبر بودن قابلیت انتقال و قابلیت تأیید است، استفاده شد.

معتبر بودن: برای این منظور محققین سعی کردند در مدت طولانی با داده‌ها و خبرگان در ارتباط باشند تا اطمینان حاصل کنند که برداشت‌های محققان دقیقاً همان چیزی است که مشارکت‌کنندگان درک کرده‌اند. با جمع‌آوری اطلاعات معتبر و تأیید اطلاعات توسط مشارکت‌کنندگان محققان سعی کردند بر اعتبار پژوهش خود بیفزایند.

قابلیت اعتماد: برای تأییدپذیری داده‌ها مصاحبه‌های تحلیل‌شده در اختیار سه

روش‌شناسی

این پژوهش به دنبال شناسایی و تبیین عوامل، ابعاد و پیامدهای مدیریت عملکرد در شهرداری است و الگویی نو و جدید از اطلاعات را ارائه می‌کند. در نتیجه یک پژوهش کاربردی محسوب می‌شود. و نیز براساس طرح تحقیق و از حیث چگونگی جمع‌آوری داده‌ها، این پژوهش از نوع توصیفی است و برای جمع‌آوری اطلاعات از روش‌های ترکیبی مصاحبه، تحلیل محتوا و دلفی فازی استفاده شده است. در این پژوهش از روش تحلیل محتوای قراردادی جهت استخراج جزئیات مدل مفهومی از مصاحبه با خبرگان استفاده شده و از روش دلفی فازی جهت پالایش و تبیین مؤلفه‌ها و شاخص‌ها استفاده شده است.

تحلیل محتوا

روش تحلیل محتوای قراردادی اغلب هنگامی مناسب است که نظریه موجود یا متون پژوهشی و ادبیات تحقیق در مورد آن پدیده، محدود باشد. در این روش، طبقات و کدها از دل داده‌ها جریان می‌یابد. در روش یادشده، اطلاعات جمع‌آوری شده از طریق متون نوشتاری یا مصاحبه انجام‌شده و نظریه‌های از پیش موجود جایگاهی ندارند. مشارکت‌کنندگان در این تحقیق و برای مصاحبه به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. در این روش، پژوهشگران از شرکت‌کنندگانی در پژوهش استفاده کردند که تجربه غنی درباره موضوع مورد پژوهش داشته باشند و از کارکنان و مدیران شهرداری بندر عباس بودند. معیارهای ورود به مطالعه شامل داشتن تخصص بیش از ۱۵ سال در حوزه‌های مختلف مدیریت شهرداری، مدیریت منابع انسانی، ارزیابی عملکرد، و مدیریت شهری بود تا این خبرگان به واسطه تجارب و مهارت‌ها و دانش خود قادر به بیان دقیق و کامل تجربیات و دانش خود از مدیریت عملکرد فردی، گروهی و سازمانی در شهرداری باشد. جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از مصاحبه‌های

متخصصان و اساتید دانشگاهی (۲۰ نفر خبره استفاده شده در مصاحبه‌ها به علاوه ۵ نفر از اساتید دانشگاه) است که با توجه به زمینه‌های مطالعاتی و تخصص ایشان که اشراف نسبی بر مباحث مدیریت عملکرد و مدیریت شهری داشتند، انتخاب شدند و متغیرهای استخراج شده از تحلیل محتوا را مورد پالایش قرار داده‌اند.

در روش دلفی فازی از پرسشنامه جهت جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد. پرسشنامه این تحقیق با هدف کسب نظر خبرگان در ارتباط با میزان موافقت آن‌ها با مؤلفه‌ها و معیارهای الگو طراحی شد، در نتیجه خبرگان به وسیله متغیرهای کلامی از جمله خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد میزان موافقت خود را نشان دادند. با توجه به اینکه خصوصیات متفاوت افراد بر تعابیر ذهنی آن‌ها درباره متغیرهای کیفی اثر گذار است، در نتیجه با تعریف دامنه متغیرهای کیفی، خبرگان با ذهنیت یکسان به سؤال‌ها پاسخ داده‌اند. این متغیرها با توجه به جدول ۱ اعداد فازی مثلثی تعریف شده‌اند.

خبره که در مطالعه شرکت داشتند، قرار گرفت. سپس از یک فرد باتجربه که در زمینه مدیریت عملکرد و روش‌شناسی پژوهش‌های کیفی سابقه تحقیق داشت درخواست شد تا مصاحبه‌ها کدها و درون‌مایه‌های استخراج شده را مطالعه کند.

قابلیت انتقال: محققان تلاش کردند با ارائه توضیحات کافی و دقیق در مورد مشخصات مشارکت‌کنندگان مراحل و روش کار به ارزیابی و قابلیت کاربرد تحقیق در سایر زمینه‌ها کمک کنند.

قابلیت تأیید: محققان با حفظ مستندات مربوط به مراحل مختلف پژوهش سعی کردند شواهدی را برای ظهور نتایج از دل داده‌ها نشان دهند. همچنین از تأیید اساتید و صاحب‌نظران در این بخش استفاده کردند.

روش دلفی فازی

جامعه آماری پژوهش در بخش دلفی فازی شامل ۲۵ نفر از خبرگان و

جدول ۱. تعریف متغیرهای زبانی

متغیرهای کلامی	عدد فازی مثلثی	عدد فازی قطعی شده
خیلی زیاد	(۱, ۰, ۲۵, ۰)	۰/۹۳۷۵
زیاد	(۰/۷۵, ۰/۱۵, ۰/۱۵)	۰/۷۵
متوسط	(۰/۵, ۰/۲۵, ۰/۲۵)	۰/۵
کم	(۰/۲۵, ۰/۱۵, ۰/۱۵)	۰/۲۵
خیلی کم	(۰, ۰, ۲۵)	۰/۰۶۲۵

در جدول ۱ اعداد فازی قطعی شده با استفاده از فرمول مینکوفسکی (Minkowski) به صورت فرمول ۱ محاسبه شده است فرمول مینکوفسکی:

در جدول ۱ اعداد فازی قطعی شده با استفاده از فرمول مینکوفسکی (Minkowski) به صورت فرمول ۱ محاسبه شده است فرمول مینکوفسکی:

$$x = m + \frac{\beta - \alpha}{4} \quad (1)$$

$$A_i = (a_1^{(i)}, a_2^{(i)}, a_3^{(i)}), i=1,2,3,\dots,n \quad (2)$$

$$A_{ave} = (m_1, m_2, m_3) = \left(\frac{1}{n} \sum_{i=1}^n a_1^{(i)}, \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n a_2^{(i)}, \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n a_3^{(i)} \right) \quad (3)$$

با توجه به گزینه‌های پیشنهادی و متغیرهای زبانی بیان شده در پرسشنامه، نتایج حاصل از بررسی پاسخ‌های ارائه شده در پرسشنامه‌ها ارائه می‌شود. در این شیوه میانگین فازی هر مؤلفه با توجه به فرمول‌های ۲ و ۳ به دست می‌آید و بعد با کمک فرمول مینکوفسکی (فرمول ۱) فازی‌زایی می‌شود.

در این رابطه A_i بیانگر دیدگاه خبره A_i و A_{ave} بیانگر میانگین دیدگاه‌های خبرگان است. الگوریتم اجرای روش دلفی فازی در شکل ۲ نمایش داده شده است.



شکل ۲. الگوریتم اجرای روش دلفی

جدول ۳. عوامل تأثیرگذار، ابعاد، شاخص‌ها و پیامدهای مدیریت عملکرد در شهرداری برگرفته از تحلیل محتوا

مدیریت عملکرد فردی						
ابعاد و شاخص‌ها			عوامل تأثیرگذار			
ابعاد و شاخص‌ها	عملکرد رفتاری	عملکرد کارکردی	عوامل رفتاری	عوامل سیستمی	عوامل رفتاری	عوامل رفتاری
۱- بالندگی شخصی ۲- بهره‌وری فردی ۳- خلاقیت و نوآوری ۴- همکاری و همدلی ۵- یادگیری ۶- مسئولیت‌پذیری ۷- انجام دقیق امور محول شده ۸- انعطاف‌پذیری ۹- تلاش و کوشش	۱- اخلاق‌مداری ۲- صداقت، درستکاری و روراستی ۳- قانون‌مداری ۴- تواضع و احترام ۵- اخلاص در کار ۶- صبر و شکیبایی	۱- بالندگی شخصی ۲- بهره‌وری فردی ۳- خلاقیت و نوآوری ۴- همکاری و همدلی ۵- یادگیری ۶- مسئولیت‌پذیری ۷- انجام دقیق امور محول شده ۸- انعطاف‌پذیری ۹- تلاش و کوشش	۱- جو و فرهنگ حاکم ۲- قوانین و مقررات سیستم ۳- ارتقا، پاداش و حقوق ۴- رهبری و مدیریت ۵- همکاری و ارتباطات ۶- عدالت و انصاف ۷- ساختار سیستم ۸- بالندگی منابع انسانی	۱- انگیزه ۲- وضوح نقش ۳- مهارت و استعداد ۴- دانش ۵- مشارکت در تصمیمات ۶- شایستگی ۷- نگرش فرد ۸- احترام و تکریم	۱- آموزش و بالندگی ۲- جذب و گزینش عادلانه ۳- اهداف و راهبردها ۴- فرهنگ و جو سازمان ۵- مقررات و قوانین ۶- ارتقا و پاداش گروهی ۷- عدالت و انصاف ۸- ارزش‌های مشترک	۱- آموزش و بالندگی ۲- جذب و گزینش عادلانه ۳- اهداف و راهبردها ۴- فرهنگ و جو سازمان ۵- مقررات و قوانین ۶- ارتقا و پاداش گروهی ۷- عدالت و انصاف ۸- ارزش‌های مشترک
مدیریت عملکرد گروهی						
ابعاد و شاخص‌ها		عوامل تأثیرگذار				
ابعاد و شاخص‌ها	عملکرد فرایندی	عوامل فنی	عوامل مدیریتی	عوامل ساختاری	عوامل ساختاری	عوامل ساختاری
۱- تعهدات کار گروهی ۲- صداقت گروه ۳- تکریم و احترام ارباب رجوع ۴- جدیت و تلاش گروه ۵- انتقادپذیری	۱- اطلاع‌رسانی به موقع ۲- محاسبات دقیق گزارش‌ها ۳- کیفیت خدمات ۴- کمیت و سرعت خدمات ۵- بهره‌وری و کاهش هزینه‌ها ۶- دستیابی به اهداف ۷- برخورد با تخلفات اداری	۱- فناوری اطلاعات و ارتباطات ۲- بهداشت و ایمنی محیط کار	۱- مدیریت دانش ۲- اعتبار تصمیم‌گیران ۳- ویژگی‌های مدیران ۴- حمایت مدیریت ۵- مدیریت سرمایه انسانی ۶- واگذاری اقتدار و قدرت	۱- آموزش و بالندگی ۲- جذب و گزینش عادلانه ۳- اهداف و راهبردها ۴- فرهنگ و جو سازمان ۵- مقررات و قوانین ۶- ارتقا و پاداش گروهی ۷- عدالت و انصاف ۸- ارزش‌های مشترک	۱- آموزش و بالندگی ۲- جذب و گزینش عادلانه ۳- اهداف و راهبردها ۴- فرهنگ و جو سازمان ۵- مقررات و قوانین ۶- ارتقا و پاداش گروهی ۷- عدالت و انصاف ۸- ارزش‌های مشترک	۱- آموزش و بالندگی ۲- جذب و گزینش عادلانه ۳- اهداف و راهبردها ۴- فرهنگ و جو سازمان ۵- مقررات و قوانین ۶- ارتقا و پاداش گروهی ۷- عدالت و انصاف ۸- ارزش‌های مشترک
مدیریت عملکرد سازمانی						
ابعاد و شاخص‌ها			عوامل تأثیرگذار			
ابعاد و شاخص‌ها	عملکرد زیرساخت شهری	عملکرد شهرسازی و معماری	عملکرد مالی	عوامل سیاسی	عوامل اقتصادی	عوامل اجتماعی
۱- خدمات شهری در محیط زیست ۲- نگهداشت آبراهه‌ها و قنوات ۳- زیباسازی فضای شهری ۴- توسعه و نگهداشت فضای سبز ۵- سامان‌دهی صنایع و مشاغل مزاحم	۱- ارائه عادلانه فرصت‌ها ۲- حمل‌ونقل عمومی و ترافیک ۳- بهبود ایمنی و تصادفات ۴- پیشرفت فیزیکی و کیفیت پروژه‌های عمرانی	۱- برخورد با تخلفات ۲- کمیت و کیفیت صدور پروانه ۳- نوسازی بافت فرسوده ۴- اجرایی‌سازی شهر هوشمند	۱- حفظ بیت‌المال ۲- پرداخت مطالبات ۳- جبران خسارت و غرامت ۴- بهره‌وری سازمانی ۵- سودآوری و درآمد ۶- صیانت از املاک و مستغلات	۱- تحریم‌ها در تأمین قطعات و خدمات ۲- قدرت و نفوذ اعضای شورای شهر ۳- حمایت از سازمان (شهرداری) ۴- نفوذ و قدرت مدیریت شهری در عرصه‌های عمومی و دولتی	۱- قیمت‌گذاری خدمات ۲- تخصیص بودجه ۳- توانمندی دریافت بودجه ۴- رویکرد اقتصادی دولت	۱- قوانین و مقررات جامعه ۲- عدالت و انصاف جامعه ۳- فرهنگ و ارزش‌های مشترک جامعه ۴- دیدگاه جامعه نسبت به شهرداری ۵- بالندگی منابع انسانی
پیامدهای مدیریت عملکرد فردی، گروهی، سازمانی در شهرداری						
تعالی سازمانی	رضایت ذی‌نفعان	شفافیت اداری	مقبولیت عمومی	بهبود چالش‌های مالی و اداری	بهره‌وری، کارایی و اثربخشی شهرداری	

روش دلفی فازی

شهرداری در روش دلفی فازی استفاده شده است. نظرسنجی مرحله نخست: در این مرحله الگوی مفهومی ارائه شده به همراه شرح عوامل و مؤلفه‌های مدیریت عملکرد فردی، گروهی، سازمانی در شهرداری و پیامدهای مدیریت عملکرد به اعضای گروه خبره فرستاده شد و میزان موافقت آن‌ها با هر یک از مؤلفه‌ها مشخص شد و دیدگاه‌های پیشنهادی و اصلاحی آن‌ها جمع‌بندی شده است. به این لحاظ و براساس

با تحلیل محتوا مصاحبه‌ها ۴۵ عامل تأثیرگذار بر عملکرد فردی، گروهی و سازمانی، ۴۵ شاخص عملکرد فردی، گروهی و سازمانی و ۶ پیامد مدیریت عملکرد در شهرداری شناسایی شد. جهت پالایش، تبیین، مذاقه و نهادینه کردن موارد یادشده از روش دلفی فازی استفاده شد. در این پژوهش از نظرات ۲۵ نفر از خبرگان و متخصصان دانشگاهی و مدیریتی عملکرد و کارشناسان

متوقف می‌شود به این ترتیب و با توجه به جدول مرحله دوم و براساس نظرات خبرگان مؤلفه‌ها و شاخص‌های وضوح نقش، نگرش فرد، احترام و تکریم، قوانین و مقررات سیستم، رهبری و مدیریت، ساختار سیستم، جذب و گزینش عادلانه، اهداف و راهبردها، فرهنگ و جو سازمان، مقررات و قوانین، ارزش‌های مشترک، اعتبار تصمیم‌گیران، ویژگی‌های مدیران، واگذاری اقتدار و قدرت، عدالت و انصاف جامعه، فرهنگ و ارزش‌های مشترک جامعه، دیدگاه جامعه نسبت به شهرداری، رویکرد اقتصادی دولت، قدرت و نفوذ اعضای شورای شهر، یادگیری به دور بعدی دلفی فازی وارد می‌شوند و بقیه موارد مورد تأیید قرار گرفته‌اند. از آنجا که هیچ شاخص و مؤلفه‌ای در دامنه خیلی کم قرار نگرفته‌اند، لذا هیچ یک حذف نمی‌شوند.

نظرسنجی مرحله سوم: در این مرحله با اعمال تغییرهای لازم در مؤلفه‌ها و معیارهای الگو، پرسشنامه سوم تدوین شد و به همراه نقطه نظر پیشین فرد و مقدار تفاوت آن با میانگین نظرات بقیه خبرگان، دوباره برای خبرگان فرستاده شد. با این تفاوت که در این مرحله از ۹۰ مؤلفه موجود در مرحله قبل، ۲۰ مورد باقی‌مانده وارد دلفی فازی می‌شوند. نتایج نظرسنجی در جدول ۴ ارائه شده است.

نظرات گروه خبره مؤلفه‌های صداقت گروه، تکریم و احترام ارباب رجوع، و انتقادپذیری در مؤلفه اخلاق حرفه‌ای تجمیع شد. مؤلفه انجام دقیق امور محول شده با مؤلفه مسئولیت‌پذیری ادغام شد. مؤلفه‌های صداقت، درستکاری و روراستی، تواضع و احترام، و اخلاص در کار در مؤلفه اخلاق‌مداری ادغام شدند. مؤلفه‌های مهارت و استعداد و شایستگی در مؤلفه شایستگی و مهارت‌های فردی تجمیع شدند. سپس، پس از اصلاحات لازم دوباره پرسشنامه برای گروه خبره ارسال شد و روش دلفی فازی از این برهه به کار گرفته شد. سپس با استفاده از فرمول‌های مربوطه نتایج مورد بررسی قرار گرفت. میانگین قطعی به دست آمده نشان‌دهنده شدت موافقت خبرگان با هر یک از مؤلفه‌های پژوهش است.

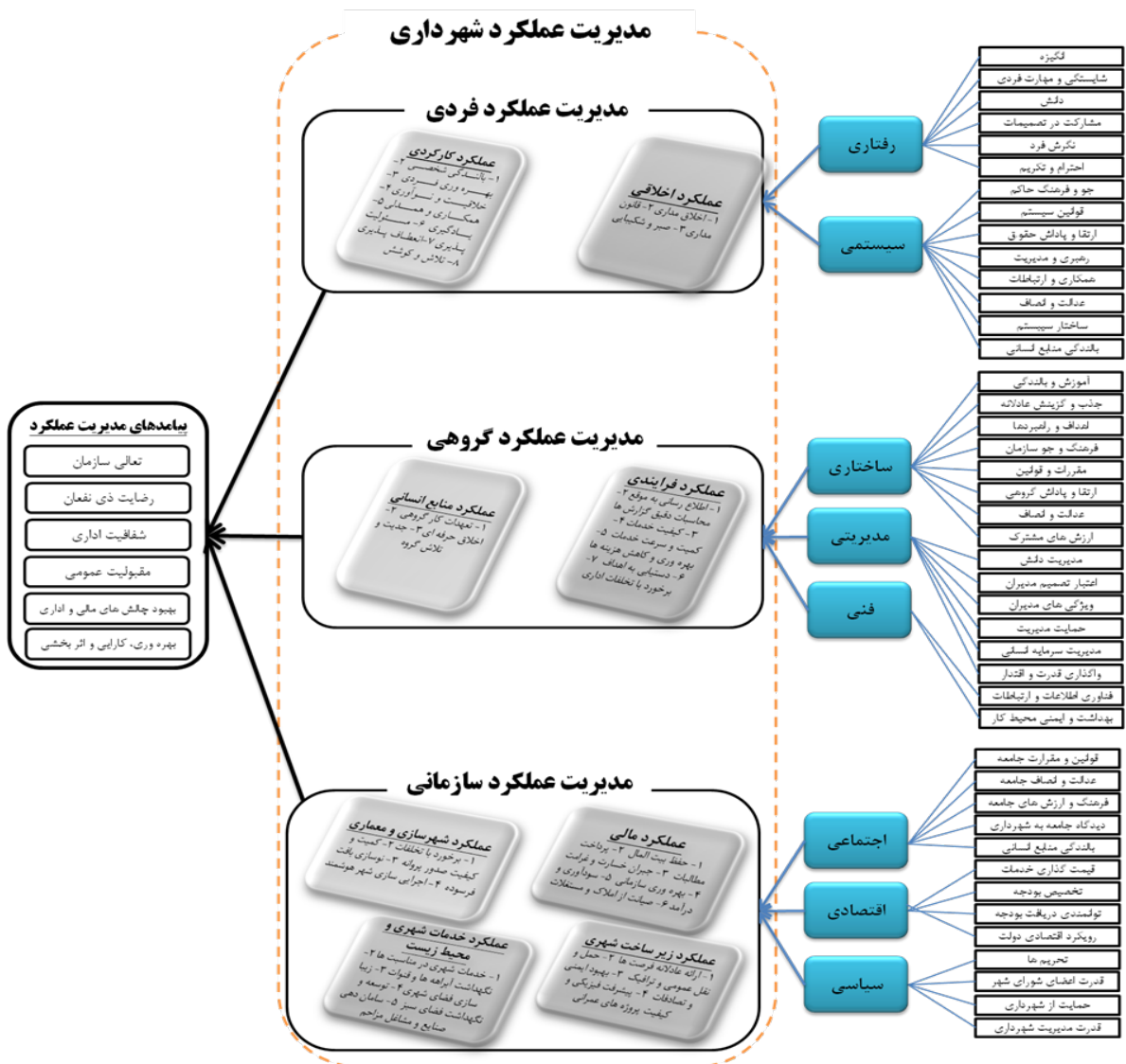
نظرسنجی مرحله دوم: در اینجا پرسشنامه دوم طراحی شد و همراه با نقطه نظر پیشین فرد و مقدار اختلاف آن‌ها با نظرات بقیه خبرگان، دوباره به اعضای گروه خبره ارسال شد. در این مرحله خبرگان هیچ مؤلفه‌ای را ترکیب و یا حذف نکردند و با توجه به دیدگاه‌های بقیه اعضای گروه در مؤلفه‌ها و معیارها دوباره به سؤالات ارائه شده پاسخ دادند. با توجه به نظرات ارائه شده در مرحله نخست و مقایسه آن با نتایج این مرحله، اگر اختلاف بین دو مرحله در فاصله ۰ تا ۰/۱ قرار بگیرد، در این صورت فرایند نظرسنجی نسبت به آن مؤلفه

جدول ۴. نتایج و میزان و اختلاف موافقت خبرگان با مؤلفه‌ها مرحله دوم و سوم

مؤلفه‌ها	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	m	α	β	X	اختلاف مرحله ۲ و ۳
وضوح نقش	۲۳	۲	۰	۰	۰	۰/۰۲	۰/۰۱	۰/۲۴	۰/۰۸	-۰/۰۴
نگرش فرد	۰	۰	۰	۰	۲۵	۱	۰/۲۵	۰	۰/۹۴	-۰/۰۲
احترام و تکریم	۰	۰	۰	۰	۲۵	۱	۰/۲۵	۰	۰/۹۴	-۰/۰۲
قوانین و مقررات سیستم	۰	۰	۰	۰	۲۵	۱	۰/۲۵	۰	۰/۹۴	-۰/۰۵
رهبری و مدیریت	۰	۰	۰	۰	۲۵	۱	۰/۲۵	۰	۰/۹۴	-۰/۰۳
ساختار سیستم	۰	۰	۰	۰	۲۵	۱	۰/۲۵	۰	۰/۹۴	-۰/۰۵
جذب و گزینش عادلانه	۰	۰	۰	۰	۲۵	۱	۰/۲۵	۰	۰/۹۴	-۰/۰۱
اهداف و راهبردها	۰	۰	۰	۰	۲۵	۱	۰/۲۵	۰	۰/۹۴	۰
فرهنگ و جو سازمان	۰	۰	۰	۰	۲۵	۱	۰/۲۵	۰	۰/۹۴	-۰/۰۵
مقررات و قوانین	۰	۰	۰	۰	۲۵	۱	۰/۲۵	۰	۰/۹۴	-۰/۰۵
ارزش‌های مشترک	۰	۰	۰	۰	۲۵	۱	۰/۲۵	۰	۰/۹۴	-۰/۰۵
اعتبار تصمیم‌گیران	۰	۰	۰	۰	۲۵	۱	۰/۲۵	۰	۰/۹۴	-۰/۰۳
ویژگی‌های مدیران	۰	۰	۰	۰	۲۵	۱	۰/۲۵	۰	۰/۹۴	-۰/۰۵
واگذاری اقتدار و قدرت	۰	۰	۰	۱	۲۴	۰/۹۹	۰/۲۵	-۰/۰۱	۰/۹۳	-۰/۰۳
عدالت و انصاف جامعه	۰	۰	۰	۳	۲۲	۰/۹۷	۰/۲۵	-۰/۰۲	۰/۹۲	-۰/۰۷
فرهنگ و ارزش‌های مشترک جامعه	۰	۰	۰	۰	۲۵	۱	۰/۲۵	۰	۰/۹۴	-۰/۰۳
دیدگاه جامعه نسبت به شهرداری	۰	۰	۰	۰	۲۵	۱	۰/۲۵	۰	۰/۹۴	-۰/۰۲
رویکرد اقتصادی دولت	۰	۰	۰	۰	۲۵	۱	۰/۲۵	۰	۰/۹۴	-۰/۰۱
قدرت و نفوذ اعضای شورای شهر	۰	۰	۰	۰	۲۵	۱	۰/۲۵	۰	۰/۹۴	-۰/۰۴
یادگیری	۰	۰	۰	۰	۲۵	۱	۰/۲۵	۰	۰/۹۴	-۰/۰۱

همان گونه که جدول ۴ نشان می‌دهد میزان تفاوت نظر خبرگان در مراحل دوم و سوم کمتر از حد آستانه است در نتیجه نظرسنجی در این مرحله تمام

می‌شود. با توجه به جدول تمامی مؤلفه‌ها به‌جز مؤلفه‌ی وضوح نقش که در حد خیلی کم قرار دارد، حذف شد و بقیه مورد تأیید قرار گرفتند. در نهایت، با انجام ۳ مرحله نظرسنجی از ۹۰ مؤلفه و شاخص تنها یک مورد حذف و بقیه مورد تأیید گروه خبره قرار گرفتند. براساس خروجی روش دلفی فازی مدل مفهومی شناسایی شده در شکل ۳ نشان داده شده است.



شکل ۳. مدل مفهومی مدیریت عملکرد شهری

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به خلأ مطالعاتی جامع و کافی در زمینه مدیریت عملکرد در شهرداری‌ها، در پژوهش انجام گرفته سعی شد تا با استفاده از مصاحبه دقیق با خبرگان و تحلیل آن‌ها با رویکرد تحلیل محتوا، به شناسایی تمامی عوامل تأثیرگذار بر مدیریت عملکرد، ابعاد و مؤلفه‌های مدیریت عملکرد، و نیز پیامدها و نتایج مدیریت عملکرد در شهرداری اقدام شود. سپس برای مذاقه و پالایش تمامی این عوامل، مؤلفه‌ها و پیامدها از نظر خبرگان و روش دلفی فازی استفاده شد و در نهایت، به ارائه یک مدل جامع و فراگیر برای مدیریت عملکرد در شهرداری‌ها ختم شد. نتایج تحقیق نشان داد عوامل تأثیرگذار بر مدیریت فردی شامل دو دسته عوامل رفتاری شامل مؤلفه‌های انگیزه، شایستگی و مهارت فردی، دانش، مشارکت در تصمیمات، نگرش، احترام و تکریم، و عوامل

سیستمی شامل مؤلفه‌های جو و فرهنگ حاکم، قوانین سیستم، ارتقا و پاداش و حقوق، رهبری و مدیریت، همکاری و ارتباطات، عدالت و انصاف، ساختار سیستم، بازتاب‌دهی منابع انسانی است. در حوزه مدیریت عملکرد گروهی عوامل تأثیرگذار به سه دسته عوامل ساختاری شامل مؤلفه‌های آموزش و بازتاب‌دهی، جذب و گزینش عادلانه، اهداف و راهبردها، جو و فرهنگ سازمانی، مقررات و قوانین، ارتقا و پاداش گروهی، عدالت و انصاف، ارزش‌های مشترک، مدیریت دانش، اعتبار تصمیم‌گیران، ویژگی‌های مدیران، حمایت مدیریت، مدیریت سرمایه انسانی، واگذاری قدرت و اقتدار، فناوری اطلاعات و ارتباطات، بهداشت و ایمنی محیط کار، قوانین و مقررات جامعه، عدالت و انصاف جامعه، فرهنگ و ارزش‌های جامعه، دیدگاه جامعه به شهرداری، بازتاب‌دهی منابع انسانی، قیمت‌گذاری خدمات، تخصیص بودجه، تولید خدمات در جهت بودجه، رویکرد اقتصادی دولت، تجربیه‌ها، قدرت انضامی شورای شهر، حمایت از شهرداری، قدرت مدیریت شهری

طور کلی در رشد کمی دیده می‌شود، ولی تجربه‌های جهانی به‌خصوص مطالعات بانک جهانی نشان داده است که این رویکردها نتوانسته مطلوبیت خدمات‌دهی به شهروندان و بهبود فضای زیست را در پی داشته باشد و هر روز موانع خدماتی، زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی و به‌طور کلی عملکردی این رویکردها نمایان‌تر می‌شود. هرچند تحولات شگرفی در فرایند، شکل و محتوای شهرداری‌ها و عملکرد آن‌ها صورت گرفته است و مدیریت شهرها هر بار توانسته‌اند نتایج بهتری را در پاسخ‌گویی به نیازهای متنوع و جدید شهروندان ارائه دهند، اما به نظر می‌رسد مواردی وجود دارد که شهرداری‌ها را در مقابل چالش‌های بزرگی قرار می‌دهند. مواردی که بیشتر در محتوا و کمتر در شکل، کارایی و اثر بخشی شهرداری‌ها را تهدید می‌کند. این تهدید جدی است و در فضای امروز انقلاب مدیریتی باید در مواجهه با عملکرد در سطوح مختلف در شهرداری‌ها چاره‌ای اندیشید که این چالش‌ها به معنای حرکت به سمت به‌کارگیری روش مدیریت عملکرد نوین و مطلوب شهروندان است. به این لحاظ شهرداری‌ها و مدیران شهری می‌توانند با بهره‌گیری از تحقیق حاضر و نتایج آن برای مدیریت عملکرد در سطوح مختلف شهری، گروهی و سازمانی اقدام کنند. پژوهش حاضر نگرش کلی را به مدیران شهری می‌دهد و با استفاده از عوامل، ابعاد، مؤلفه‌ها و پیامدهای شناسایی شده می‌توان در راستای مدیریت عملکرد بهتر اقدام کرد.

جهت کاربرد نتایج به‌دست‌آمده از مطالعه یادشده لازم است که ابتدا با توجه به شرایط زمانی و مکانی مورد استفاده، بومی‌سازی‌های لازم مرتبط با نتایج مطالعه انجام شود تا کاربردهای نتایج یادشده مقرون به صحت و درستی باشد. تحقیق حاضر می‌تواند به عنوان یک تحقیق جامع و نوآور جهت ادامه کار و انجام تحقیقات بیشتر در زمینه مدیریت عملکرد در شهرداری‌ها باشد. می‌توان گفت که اولین قدم در راه توسعه و ترویج مدل مدیریت عملکرد در شهرداری این است که بینیم در کجای راهیم و اینکه راهکارهای عملکرد مؤثر در قالب مدل مفهومی در شهرداری صحیح به کار گرفته شوند. به این لحاظ پیشنهاد می‌شود که این مدل، با تأکید بر عوامل و متغیرهای مدیریت عملکرد در شهرداری‌ها به جهت دستیابی به پیامدهای مورد اشاره مورد استفاده و واکاوی قرار گیرد، و نیز در شهرداری‌های مختلف به صورت کمی استفاده و نتایج آن با یکدیگر مقایسه شوند. همچنین پیشنهاد می‌شود که ضمن پالایش و سفارشی‌سازی این مدل و متغیرهای آن، در صنایع و نهادهای دیگر به کار گرفته و مقایسه شوند. محدودیت اصلی این پژوهش چالش‌ها و مشکلات در جمع‌آوری اطلاعات و بازخورد به خبرگان در رویکرد دلفی فازی و نیز طولانی و زمان بر شدن این فرایند طی تحقیق است.

■ مشارکت نویسندگان

سهم مشارکت نویسندگان در این مقاله یکسان بوده است.

■ تشکر و قدردانی

نویسندگان مقاله از تمامی خبرگان و کارشناسان شهرداری و اساتید دانشگاه که در این پژوهش آن‌ها را یاری کردند، تشکر می‌کنند. پژوهش حاضر حامی مالی نداشته و حاصل فعالیت علمی نویسندگان است.

■ تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

فرهنگ و ارزش‌های مشترک جامعه، دیدگاه جامعه نسبت به شهرداری، بالندگی منابع انسانی؛ عوامل اقتصادی شامل مؤلفه‌های قیمت‌گذاری خدمات، تخصیص بودجه، توانمندی دریافت بودجه، رویکرد اقتصادی دولت و عوامل سیاسی شامل مؤلفه‌های تحریم‌ها در تأمین قطعات و خدمات، قدرت و نفوذ اعضای شورای شهر، حمایت از سازمان (شهرداری)، نفوذ و قدرت مدیریت شهرداری در عرصه‌های عمومی و دولتی است.

همچنین ابعاد مدیریت عملکرد فردی در شهرداری دو دسته عملکرد اخلاقی شامل مؤلفه‌های اخلاق‌مداری، قانون‌مداری، تواضع و احترام، صبر و شکیبایی و عملکرد کارکردی شامل مؤلفه‌های بالندگی شخصی، بهره‌وری فردی، خلاقیت و نوآوری، همکاری و همدلی، یادگیری، مسئولیت‌پذیری، انعطاف‌پذیری، تلاش و کوشش است. در حوزه عملکرد گروهی ابعاد آن به دو دسته عملکرد فرایندی شامل ابعاد اطلاع‌رسانی به‌موقع، محاسبات دقیق گزارش‌ها، کیفیت خدمات، کمیت و سرعت خدمات، بهره‌وری و کاهش هزینه‌ها، دستیابی به اهداف، برخورد با تخلفات اداری و عملکرد منابع انسانی شامل تعهدات کار گروهی، اخلاق حرفه‌ای، جدیت و تلاش گروه تقسیم‌بندی شدند. عملکرد سازمانی شهرداری شامل ابعاد عملکرد مالی با مؤلفه‌های حفظ بیت‌المال، پرداخت مطالبات، جبران خسارت و غرامت، بهره‌وری سازمانی، سودآوری و درآمد، صیانت از املاک و مستغلات، عملکرد شهرسازی و معماری شامل مؤلفه‌های برخورد با تخلفات، کمیت و کیفیت صدور پروانه، نوسازی بافت فرسوده، اجرایی‌سازی شهر هوشمند عملکرد زیرساخت شهری شامل مؤلفه‌های ارائه عادلانه فرصت‌ها، حمل‌ونقل عمومی و ترافیک، بهبود ایمنی و تصادفات، پیشرفت فیزیکی و کیفیت پروژه‌های عمرانی، عملکرد خدمات شهری و محیط زیست شامل مؤلفه‌های خدمات شهری در مناسبت‌ها، نگهداشت آبراهه‌ها و قنوات، زیباسازی فضای شهری، توسعه و نگهداشت فضای سبز، سامان‌دهی صنایع و مشاغل مزاحم است.

در نهایت، پیامدها و نتایج مدیریت عملکرد در شهرداری‌ها تعالی سازمانی، رضایت ذی‌نفعان، شفافیت اداری، مقبولیت عمومی، بهبود چالش‌های مالی و اداری، بهره‌وری، کارایی و اثربخشی شهرداری است. البته با توجه به نوظهور بودن موضوع و فقدان تحقیقات و مدل‌های جامع مدیریت عملکرد در شهرداری‌ها، نویسندگان را به جهت مقایسه با مشکل روبه‌رو می‌کند، اما به طور کلی می‌توان این پژوهش را با پژوهش‌های عنوان‌شده در پیشینه مقاله و نیز پژوهشگران دیگر همانند جودی و همکاران (۲۳)، شهیدی‌پور و همکاران (۱)، موسوی (۲)، قمیان (۴)، احسانی فرد و احسانی فرد (۳۴)، نژی (۳۰)، و مطهری (۳۵)، که در پی ارائه مدل مدیریت عملکرد در صنایع، سازمان‌ها و یا نهادهای دیگر و گاه مدیریت شهری بوده‌اند، هم‌راستا و همسو در نظر گرفت. با این تفاوت که تمامی مدل‌ها تنها به یک یا دو سطح از مدیریت عملکرد پرداخته‌اند و همانند این تحقیق به مدیریت عملکرد در سطوح فردی، گروهی و سازمانی توجه نشده است. به علاوه، در این مدل سعی شد عوامل تأثیرگذار بر مدیریت عملکرد شناسایی و تبیین شود که از این حیث نیز با دیگر مدل‌ها در تمایز است.

امروزه که تمام سازمان‌ها به نوعی از پیشرفت سریع فناوری و فعالیت‌های به‌روز متأثر هستند، برای حفظ خدمات‌دهی مؤثر و ادامه تأثیرگذاری خویش ناگزیرند دگرگونی‌هایی همسو با این پیشرفت را در همه ابعاد سازمان خود به وجود آورند. این موضوع در مدیریت شهری و شهرداری‌ها نیز مستثنی نیست. امروزه تحولات بنیادین در فرایندها و خدمات‌دهی در مدیریت شهری و عملکرد شهرداری‌ها صورت گرفته است. شهرداری‌ها به بیانی یک سازمان گسترده متشکل از تمام عناصر و اجزای رسمی و غیررسمی ذریبط و مؤثر در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی حیات شهر با هدف اداره، هدایت، کنترل و توسعه همه‌جانبه و پایدار شهر مربوطه است که از بخش‌ها و نهادهای مختلفی تشکیل می‌شود. اندیشه اولیه کارآمدی مدیریت عملکرد شهرداری‌ها در مؤلفه‌هایی همچون در خدمت گرفتن سرمایه بیشتر و نیروی کار بیشتر و به

- Employees' Performance Improvement Through Meta-Synthesis Approach. *Journal Of Research In Human Resources Management*, 2019; 10(4), 79-104. <https://journals.ihu.ac.ir/article-34115.html?lang=fa> [In Persian]
- [27] Benitamim, H. Shetab Boshehri, N. Mehdipour, A. Khatibi, A. Designing A Comprehensive System Model To Evaluate The Performance Of Iran Wrestling Board, 2019; 7 (24): 9-23. <http://ntsmj.issma.ir/article-1-1058-en> [In Persian]
- [28] Falahati, M. Zokaei, M. Asady, H. Najafi Mojre, M. Biabani, A. Faghihnia Torshizi, Y. Model of the selection KPI for assessing the performance of the urban HSE management system. *Iran Occupational Health Journal*, 2019; 16(1), 60-71. SID. <https://sid.ir/paper/408862/en> [In Persian]
- [29] Fahima, M. Gholamzadeh, D. Vedadi, A. Explaining And Designing A Model Of Employee Performance Management With Integrated Approach In The Governmental Banking Systems With Methasynthesis and Structural-Interpretive Method. *Modiriati-E-Farda*, 2021; 20(66), 263-276. <http://jour.aicti.ir/en/Article/26736> [In Persian]
- [30] Nazimi, Y. Teymournejad K. Daneshfard K. Designing A Human Resource Performance Management Model In Tehran Municipality According To The Requirements Of Digital City (Qualitative Approach: Theme Analysis). *IUESA*, 2022; 10 (38),113-126. <http://ueam.ir/article-1-1869-en.html> [In Persian]
- [31] Jia, J. Yuxin, J. Jiaqi, Y. Jiexiang, W. Hailong, J. Evolution path and critical influencing factors of performance management system: a longitudinal case study in China, *Asia Pacific Business Review*, 2023; 29: 1, 50-69. <https://doi.org/10.1080/13602381.2022.2076449>
- [32] Fazel A, Kamalian A. Rowshan A Identification Of Effective Dimensions And Components On Academic Human Resources Empowerment, Emphasizing The Third And Fourth Generation Of Universities With Fuzzy Delphi Approach: Presenting A Conceptual Model. *Educ Strategy Med Sci*, 2017; 10 (6): 455-468. <http://edcb-mj.ir/article-1-1199-en.html> [In Persian]
- [33] Judy, B. Mogheli, M. khorambakhte, A.A. Evaluating the Performance of Sustainable Urban Management with a Citizen Satisfaction Approach (Case Study: Ardabil Neighbourhoods). *Sustainable City*, 2022; 4(4), 101-117. DOI: [10.22034/jsc.2021.275174.1423](https://doi.org/10.22034/jsc.2021.275174.1423)
- [34] Ehsani Fard, A.A. Ehsani Fard, M. Evaluation Of The Strategic Model For Measuring, Managing And Evaluating The Effective Performance Of Municipalities By Combining The Two Models Of BSC And EFQM Studied In Areas 3 And 18 Of Tehran Municipality. *Urban Management*, 2013; 11(31), 7-21. <https://sid.ir/paper/92087/fa> [In Persian]
- [35] Motahhari, M. Soltani, I. Davazdah Imams, H. (2022). Presenting The Social Performance Management Model Of The Studied Government Organizations: Najaf Abad City, Isfahan. *Productivity Management*, 2022; 16(2), 75-99. doi.org/10.30495/qjopm.2020.1875379.2578 [In Persian]

منابع

- [1] Shahidipour, R., Sangi, E., Mazaherian, H., Karami, A., Jafari Shahrestani, A. Identifying And Prioritizing Performance Assessment Indicators Of Districts Of Tehran Municipality Using Fuzzy Delphi Method. Quarterly Journals Of Urban And Regional Development Planning., 2021; 5(15): 51-87. DOI: [10.22054/URDP.2021.61510.1346](https://doi.org/10.22054/URDP.2021.61510.1346) [In Persian]
- [2] Moosavi, M. Designing A Model Of Performance Evaluation Of The Subsidiaries Urban Management Using The Balanced Score Card. Public Organizations Management, 2016; 4(2), 99-116. DOR: [20.1001.1.2322522.1395.4.0.21.6](https://doi.org/10.1001.1.2322522.1395.4.0.21.6) [In Persian]
- [3] Lăzăroiu, G. Ionescu, L. Andronie, M. Dijmărescu, I. Sustainability Management and Performance in the Urban Corporate Economy: A Systematic Literature Review. Sustainability, 2020; 12, 77-05. DOI.ORG/10.3390/SU12187705.
- [4] Ghomian, M.M. Pourezat, A. Vaezi, SK. Vaezi, R. Designing A Model For Evaluation Of Urban Management Performance With An Approach Of Observing Ethical Principles. Ethics In Science And Technology, 2020; 15 (1), 38-46. DORL.NET/DOR/20.1001.1.22517634.1399.15.1.6.2 [In Persian]
- [5] Qureshi, M. Rafik Noor M. Evaluating and Prioritizing the Enablers of Supply Chain Performance Management System (SCPMS) for Sustainability. Sustainability, 2020; 14(18), 11-29. DOI.ORG/10.3390/SU141811296
- [6] Jiang, S. Hua, Sh. Wanlong, L. Hu-Chen, L. A large group linguistic Z-DEMATEL approach for identifying key performance indicators in hospital performance managemen. Applied Soft Computing,, 2020; 86, 45-78. DOI.ORG/10.1016/j.asoc.2019.105900
- [7] Hristov, I. Camilli, R. Mechelli, A. Cognitive biases in implementing a performance management system: behavioral strategy for supporting managers' decision-making processes. Management Research Review, 2022; 45(9), 1110-1136. <https://doi.org/10.1108/MRR-11-2021-0777>
- [8] Carvalho, H.Azevedo, S.G. Cruz-Machado, V. Supply Chain Performance Management: Lean and green paradigms. Int. J. Bus. Perform. Supply Chain Model, 2010; 2, 304-333. DOI.ORG/10.1504/IJBPSM.2010.036204
- [9] Mohamadi, S.H. Habibi, D. Nowrozi Fard, H., Navidinia, S. Clarify The Effective Solutions And Empowering Human Capital In Increasing The Efficiency And Improving The Performance Of Municipalities. Journal Of Sustainable Urban & Regional Development Studies (JSURDS), 2022; 3(2), 68-83. https://www.srds.ir/article_155640.html?lang=en [In Persian]
- [10] Van der Meij, R.J.B. Edwards, D.J. Roberts, C. El-Gohary, H.& Posilico, J. Performance management within the Dutch steel processing industry, Journal of Engineering, Design and Technology, 2023; 21(4), 1230-1251. doi.org/10.1108/JEDT-04-2021-0201
- [11] Koopmans, L.Bernaards, C. M. Hildebrandt, V. H. De Vet, H. C. Van der Beek, A. J. Measuring Individual Work Performance: Identifying and Selecting Indicators. Work, 2014; 48(2), 229-238. DOI: [10.3233/WOR-131659](https://doi.org/10.3233/WOR-131659)
- [12] Mirzaei Alamooti, V. Aataei, M. Moghadas, Z. An Explanatory Model for Individual Performance Based on a Commitment Human Resource Approach. Journal Of Management And Development Process, 2020; 33(1 (111)), 3-26. DOI: [10.29252/jmdp.33.1.3](https://doi.org/10.29252/jmdp.33.1.3). [In Persian]
- [13] Katarina, B, Nada Trunk, Š. Valerij, D. Individuals Learning in Work Teams: Support to Knowledge Management Initiatives and an Important Source of Organizational Learning. Procedia-Social and Behavioral Sciences, 2014; 178 – 185. doi.org/10.1016/j.sbspro.2014.02.475
- [14] Khalili, K. Soltani, I. Nafar, M. Identifying Team Performance Factors And Dimensions In Iran's Public Organizations. Journal Of Public Administration, 2015; 7(1), 55-70. <https://sid.ir/paper/139805/en> [In Persian]
- [15] Radnor, Z. McGuire, M. Performance management in the public sector: fact or fiction?, International Journal of Productivity & Performance Management, 2004; 53(3), 245-260. doi.org/10.1108/17410400410523783
- [16] Habibzade, Sh. Mohajeran, B. Ghaleei, A. Hasani, M. Structural Model Of Mediating role of Organizational Commitment in the Relationship between Organizational Agility and Organizational Intelligence with Organizational Performance. Journal Of Innovation And Entrepreneurship, 2022; 10(20), 57-74. DOI: [20.1001.1.27170454.1400.10.19.9.0](https://doi.org/10.1001.1.27170454.1400.10.19.9.0) [In Persian]
- [17] Salamat, S. Mirsepassi, N. Reshadatjoo H. Designing Human Resources Performance Management System To Improve Economic Productivity (Case: Ayandeh Bank). IUESA, 2019; 7 (27), 86-100. DOR: [20.1001.1.23452870.1398.7.27.7.7](https://doi.org/10.1001.1.23452870.1398.7.27.7.7) [In Persian]
- [18] Shamoradi, S.N. Farjadmand, L. Hassan Moradi, N. Presenting The Native Model Of Performance Management With The Approach Of Human Resource Development In Education In Tehran Province. Educational Management Innovations, 2021; 16(3), 1-12. DOR: [20.1001.1.20081138.1400.16.3.1.8](https://doi.org/10.1001.1.20081138.1400.16.3.1.8) [In Persian]
- [19] Ahmadvand, A. M. Torbati, A. Pourreza N. Naderi M. Fyrzushahi M. Integrated Model Of The Balanced Scorecard And The Excellence Model To Improve Organizational Performance A Case Study. Educ Strategy Med Sci, 2012; 5 (1) ,51-58. <http://edcbmj.ir/article-1-196-en.html> [In Persian]
- [20] Yavari, V. Zahedi, Sh. Designing A Conceptual Model Of Organizational Performance Management For Government And Non-Profit Organizations. Strategic Management Thought, 2012; 1(7), 122-79. [In Persian]
- [21] Babae Zakliki, M. A., Hasanzadeh, H. R., Alvani, S. M., Zaraei Matin, H., Rastegar, A. Designing An Efficient Implementation Model Of Performance Management System In Service Organizations. Public Management Researches, 2015; 8(28), 5-31. DOI: [10.22111/jmr.2015.2239](https://doi.org/10.22111/jmr.2015.2239) [In Persian]
- [22] Tarabande, M.A. Rafizadeh, A. Presenting A Combined Technique In Improving The Performance Management System Of Iran's Executive Bodies Based On The Road Map For Reforming The Administrative System. Public Administration Perspectives, 2015; 27, 105-121. <https://sid.ir/paper/207636/en> [In Persian]
- [23] Ghanbari, M.. Heidarinejad, G. Parandin, K. Performance Management, Challenges Facing And Complexity Theory. Governmental Accounting, 2016; 3(1), 49-58. DOR: [20.1001.1.24234613.1395.3.1.4.3](https://doi.org/10.1001.1.24234613.1395.3.1.4.3) [In Persian]
- [24] Mohammadi, M. Sharifzadeh, F. Designing A Performance Management Model With A Human Resources Development Approach In The Public Sector. Quarterly Journal Of Training And Development Of Human Resources, 2018; 15, 132-159. <http://istd.saminattech.ir/Article/30329> [In Persian].
- [25] Adibzadeh, M. Najaf Beigi, R. Musa Khani, M. Designing A Performance Management Model For Government Organizations. Resource Management In The Police Force, 2016; 5(3), 1-24. <http://istd.saminattech.ir/en/Article/30329> [In Persian]
- [26] Ahmadi, O. Kamalian, A. Yaghoubi, N.M.. Ghasemi, M. Designing A Comprehensive Model For The Formation And Deployment Of



policy-makers. They also focused on target groups. Issues supported by executives are differently set on the agenda from those supported by policy-makers. This is the first important feature in the agenda-setting realm. Bills and proposals supported by the municipality are posed by technical and economic argumentation. In respective issues, the municipality or corresponding organization delegate focuses on technical and economic justifications of bills or proposals, debates on target groups, and cultural or political requirements are expelled from debates. In contrast, most of the non-technical and non-economic disputes around issues on the agenda are posed and focused by policy-makers. National rules and regulations are important to both executives and policy-makers in the agenda-setting process. Results from the actor's behavior observation show that these two actors are distinct. Using the IPA model as a core of observation analysis, it explains a kind of behavior rooted in individual character and ability of actors. Different actors show different behaviors in the agenda-setting process. This can put them in separate taxonomies. Although executive delegates are not the same individuals in all commissions they show smooth and stable behavior, following a clear and definite pattern. They are actively task-oriented in the scope of issues that are based on technical and economic requirements. In reverse, they are passive task-oriented ones in political and cultural realms. Policy-makers' behavior fluctuates and according to their knowledge and expertise, they might accept each of the 4 roles. In other terms, executives who have technical and practical knowledge show task orientation behavior that might be passive or active due to the issue agenda and its requirements. The behavior of policy-

makers is more socio-emotional and is influenced by target groups to be positive or negative.

Conclusion

The prevailing agenda-setting model in Mashhad city council is a combination of power relations in the second dimension and agenda-setting barriers approach. On the one hand, executives (municipality delegates) are highly influential in commissions due to their knowledge and experience. In commissions and agendas based on technical and economic requirements or affected clearly by comprehensive and upper-level laws, executives can change decisions to non-decisions and put issues aside from the agenda-setting process. Policy-maker's actions can also be analyzed in this framework. Issues including economic and technical impediments and confined by upper-level laws are placed in a bounded rationality framework and reduce policy maker's role in agenda setting. On the other hand, according to the second dimension of power, policy-makers take issues into consideration that encompass political and cultural requirements and focus on target groups. Individualism is the salient trait of this model. Individualism in agenda setting is presented as both ignoring documents and political independence. It is supposed that executives focus on document-based agendas and policy-makers concentrate on value-based judgments through agenda-setting processes that are not in the same direction as technical and scientific documents [31]. However, such a presumption is not functional in this model and individualism casts a shadow on agenda setting.

COPYRIGHTS

©2022 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.



HOW TO CITE THIS ARTICLE

Rastegar S. H. Agenda Setting Models in City Councils, the Role of Policy Makers and Executives. Urban Economics and Planning Vol 5(1):74-88. [In Persian]

DOI: 10.22034/UEP.2024.444784.1465



Agenda Setting Models in City Councils, the Role of Policy Makers and Executives

Original Article

Seyed Hamed Rastegar^{1*}

1- Ph. D graduated in public policy, the University of Tehran, Tehran, Iran

ARTICLE INFO

Article History

Received: 2024-02-19
Revised: 2024-04-23
Accepted: 2024-05-29

Keywords

Agenda Setting
Constructivist Grounded Theory
Hermeneutics
Local Government
Policy Making

ABSTRACT

Introduction

Although agenda setting deeply influences all other stages of the policy cycle such as tools and solutions choice and policy implementation, it is vague how actors in the urban policy-making process set the agenda. Problem-finding is normative and value-based, but problem-solving is a technical activity that presumes the problem [1]. Objectivist and technical views on the nature of the issues in public policy cannot explain why various policymakers, stakeholders, and agenda-setters interpret a unique reality differently. Various definitions and interpretations are often made around a single information about a problem. Agenda setting is choosing an issue to be decided and who decides to choose those problems to be dealt with. Deciding what will be the problems is even more important than deciding what will be the solutions [2]. This research aims to answer how an issue finds a chance to be put on the table in city council meetings and how solutions are made.

Materials and Methods

Hermeneutic phenomenology and observation as Phenomenological hermeneutics are methods that are applied to this research. Constructivist grounded theory is based on hermeneutic phenomenology, while it is inevitable to use phenomenological hermeneutics to a better understanding of agenda setting. Constructivist grounded theory starts with gathering data [28], then initial and focused coding is executed. Observation and text analysis are used here. Attendance in city council commissions and meetings made it possible for us to closely encounter the process of structuring problems that are likely to be set on the agenda. So, the behavior of actors in different commissions is analyzed by observation as well as bills drafts, and proposals. Seeing what people do directly, gives the researcher a great amount of simplicity that cannot be derived from asking them to describe what they do. Here, the researcher is a pure observer and avoids any intervention to preserve the real circumstances of research and concerns about attendance in commissions.

Findings

This research makes a distinction between two major actors in the agenda-setting process: executives (municipal officers) and policymakers (city council members). Findings show that each of them plays a different role in agenda setting according to various issues. While executives pay attention to technical and economic requirements, cultural and political ones are more important to

* Corresponding author: hamedrastegar@ut.ac.ir

الگوهای تعیین دستور کار در شوراهای شهر، نقش مجریان و سیاست گذاران

مقاله پژوهشی

سید حامد رستگار^{۱*}

۱- دانش آموخته دکتری خط‌مشی‌گذاری و تصمیم‌گیری در بخش عمومی و دولتی- دانشگاه تهران

چکیده

مقدمه

با اینکه تعیین مسائل در دستور کار و شیوه دستور‌گذاری بر همه مراحل تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری از جمله انتخاب راه‌حل‌ها و ابزارها و اجرای خط‌مشی اثر می‌گذارد، اما نحوه عملکرد بازیگران در سیاست‌گذاری شهری برای دستور‌قرار دادن مسائل و مشکلات در پرده‌ای از ابهام قرار دارد. مسئله‌یابی امری هنجاری و ارزشی است، در حالی که رویکرد حل مسئله، با مفروض دانستن مشکل، یک امر فنی به شمار می‌رود [۱]. دیدگاه عینی‌گرایانه و فنی در خصوص ماهیت مسائل در سیاست‌گذاری عمومی نمی‌تواند توضیح دهد که چرا یک واقعیت واحد، اغلب به اشکال متفاوتی توسط ذی‌نفعان خط‌مشی و سیاست‌گذاران و دستور‌گذاران مختلف تعبیر و تفسیر می‌شود. غالباً چنین است که از اطلاعات واحد در خصوص یک مشکل، تعاریف و تفاسیر مختلفی ارائه می‌شود. دستور‌گذاری به معنای تصمیم‌گیری در خصوص این است که درباره چه مسائلی تصمیم گرفته شود و چه کسانی تصمیم می‌گیرند که درباره چه مشکلاتی اتخاذ تصمیم شود؟ تصمیم‌گیری برای اینکه چه چیزی «مسئله» است مهم‌تر از تصمیم‌گیری درباره راه حل مسئله خواهد بود [۲]. هدف پژوهش پاسخ به این پرسش است که چگونه یک مسئله این شانس را خواهد داشت که در صحن علنی شورای شهر بررسی شده و برای آن تصمیم‌گیری شود؟

مواد و روش‌ها

پدیدارشناسی هرمنوتیکی و مشاهده به عنوان هرمنوتیک پدیدارشناسی به عنوان روش در آن پژوهش استفاده شده‌اند. در حالی که نظریه داده‌بنیاد ساخت‌گرا ریشه در پدیدارشناسی هرمنوتیکی دارد، در عین حال برای دستیابی به فهم بهتر پدیده دستور‌گذاری، ناگزیر هستیم که از هرمنوتیک پدیدارشناسی استفاده کنیم. نظریه داده‌بنیاد ساخت‌گرا با جمع‌آوری داده‌ها آغاز شد [۲۸] و سپس از کدگذاری اولیه و متمرکز استفاده شد. در این پژوهش از مشاهده و تحلیل متن استفاده شد. حضور در کمیسیون‌های تخصصی شورای شهر و جلسات شورا به پژوهشگر امکان داد تا در مواجهه نزدیک با ساختار بندی مسائل و مشکلاتی که به صورت احتمالی در دستور کار شورا خواهند بود قرار گیرد. پس علاوه بر تحلیل متن گفت‌وگوها و پیش‌نویس لوایح و طرح‌های پیشنهادی، رفتار بازیگران هم در قالب مشاهده در کمیسیون‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفت. مشاهده آنچه افراد در حین یک کار انجام می‌دهند غنا و بی‌آلایشی فراوانی را در اختیار محقق می‌گذارد که با پرسش از آن‌ها درباره توصیف آنچه انجام می‌دهند حاصل نمی‌شود. در این پژوهش محقق مشاهده‌کننده محض بوده است و به علت شرایط خاص حضور در کمیسیون‌ها و لزوم حفظ شرایط واقعی محیط پژوهش، از هرگونه مداخله اجتناب ورزیده است.

اطلاعات مقاله

تاریخ‌های مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۳۰
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۲/۰۴
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۹

کلمات کلیدی

دستور‌گذاری
حکومت محلی
سیاست‌گذاری
نظریه داده‌بنیاد ساخت‌گرا
هرمنوتیک

یافته‌ها

این پژوهش تفکیک و تمایزی میان دو بازیگر عمده فرایند تعیین دستور کارها (Agenda Setting) در شوراهای شهر را به دست آورد: سیاست‌گذاران و مجریان. یافته‌های حاصل از تحقیق نشان داد هر یک از این دو کنشگر حول موضوعات و مسائل متفاوتی نقش خود را در دستورگذاری بازی می‌کردند، در حالی که در روند تعیین دستور کارها توجه مجریان به الزامات فنی و الزامات اقتصادی معطوف بود، سیاست‌گذاران برای دستورگذاری الزامات فرهنگی و سیاسی را مهم‌تر دانسته و توجهی خاص به جامعه هدف داشتند. اولین موضوع مهمی که در عرصه دستورگذاری دیده می‌شد، تفاوت میان نحوه دستورگذاری مسائل مورد حمایت مجری (شهرداری) و سیاست‌گذار (شورای شهر) بود. طرح‌ها و لوایح مورد حمایت شهرداری به صورت متکی بر استدلالات فنی و اقتصادی مطرح می‌شدند. در موضوعات مرتبط، عملکرد نماینده شهرداری و یا سازمان متبوعه مبتنی بر دفاع از توجیهات اقتصادی و فنی طرح یا لایحه متمرکز می‌شد و مباحثی همچون جامعه هدف، الزامات فرهنگی یا سیاسی و ... از چارچوب‌های مباحث حتی‌الامکان خارج می‌شد. به‌عکس، بخش بزرگی از جنبه‌های غیر فنی و اقتصادی مباحث و مناقشات پیرامون مسائلی که قرار بود در دستور کار قرار گیرند توسط بدنه سیاست‌گذار مطرح می‌شد و در کانون توجه قرار می‌گرفت. اسناد بالادستی اثرگذار بر مسئله، طی فرایند دستورگذاری در هر دو گروه مهم قلمداد می‌شد.

نتایج حاصل از مشاهده رفتار بازیگران نیز نشان از تمایز میان این دو بازیگر داشت. استفاده از الگوی IPA به عنوان هسته اصلی تحلیل مشاهدات، مبین نوع رفتار مبتنی بر خصوصیات و توانایی فردی بازیگران بود. بازیگران مختلف هنگام دستورگذاری رفتارهای متفاوتی از خود بروز می‌دهند که بر اساس آن می‌توان آن‌ها را در دسته‌بندی‌های مختلفی جای داد. رفتار نمایندگان مجری به‌رغم تغییر فردی آن‌ها در کمیسیون‌های مختلف، تقریباً بدون نوسان و یکنواخت و تابعی از یک الگوی مشخص بود. این افراد در حوزه مسائل مبتنی بر الزامات فنی و یا الزامات اقتصادی غالباً نقش وظیفه‌پذیر فعال داشتند و به‌عکس در زمینه مسائل حول الزامات سیاسی و فرهنگی وظیفه‌پذیر غیرفعال بودند، اما رفتار سیاست‌گذاران پرنوسان بود و

بر حسب دانش و آگاهی و تجربه عضو شورا ممکن بود هر یک از نقش‌های ۴ گانه را بپذیرد. به بیان دیگر، مجریان با در اختیار داشتن دانش فنی و اجرایی رفتاری وظیفه‌پذیر از خود بروز می‌دادند که بر حسب موضوع در دستور کار و الزامات مرتبط با آن به وظیفه‌پذیر فعال یا غیرفعال بدل می‌شدند. رفتار سیاست‌گذاران بیشتر جنبه عاطفی اجتماعی داشت که جنبه مثبت یا منفی آن غالباً تحت تأثیر جامعه هدف قرار می‌گرفت.

نتیجه‌گیری

الگوی غالب دستورگذاری در شورای شهر مشهد ترکیبی از دو رویکرد توجه به محدودیت‌های دستورگذاری و مناسبات قدرت در بعد دوم است. از یک سو برای تعیین دستور کار صحن شورا، مجریان (نمایندگان شهرداری در کمیسیون‌ها) به علت دانش تخصصی و تجربه، قدرت تأثیرگذاری بالایی در کمیسیون‌ها دارند. در کمیسیون‌ها و دستور کارهایی که متکی بر الزامات فنی و اقتصادی است و یا اسناد بالادستی اثر محسوس بر آن‌ها می‌تواند داشته باشد، مجریان قادر هستند تصمیمات را به عدم تصمیمات (non-decision) تبدیل کرده و مسائل را از دستور کار خارج کنند. عملکرد سیاست‌گذاران نیز در همین چارچوب قابل تحلیل است. مسائلی که متضمن الزامات اقتصادی و فنی و محدودیت‌های اسناد بالادستی هستند، در قالب عقلانیت محدود قرار می‌گیرد و نقش آن‌ها را در دستورگذاری کاهش می‌دهد. از سوی دیگر، در دستور کارهای مبتنی بر الزامات فرهنگی و سیاسی و متمرکز بر جامعه هدف، سیاست‌گذاران با تکیه بر بعد دوم قدرت تصمیمات را به کانون توجه می‌آورند و یا از آن خارج می‌کنند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این الگو، فردگرا بودن آن است. فردگرایی در فرایند دستورگذاری هم به صورت عدم وابستگی سیاسی و گروهی دیده می‌شد و هم به صورت بی‌توجهی به مستندات. انتظار می‌رفت که توجه مجریان به دستور کارهای مبتنی بر مستندات بوده و تمرکز سیاست‌گذاران بر قضاوت‌های ارزش‌محور در فرایند دستورگذاری باشد که الزاماً هم‌راستا با مستندات علمی و فنی نیستند [۳۱]، اما در الگوی موجود چنین پیش‌فرضی کارایی نداشت و فردگرایی بر تعیین دستور کارها کاملاً سایه افکنده بود.

مقدمه

کنشگران مختلف در تعیین دستور کارهای محلی کمرنگ‌تر است. برای ارتباط بین دستورگذاری در سطح ملی و محلی و واگرایی و همگرایی آن‌ها دو فرضیه وجود دارد. فرضیه اول بیانگر آن است که احزاب محلی بر اساس دغدغه‌های محلی عمل می‌کنند و اولویت‌بندی دستور کارها بر اساس ائتلاف میان آن‌ها شکل می‌گیرد. فرضیه دوم متکی بر تقسیم کار میان سطوح ملی و محلی است و نشان‌دهنده تفاوت بین توزیع توجهات به مسائل میان دولت ملی و محلی است [۴]. بر این اساس در کشور هلند ترکیب سیاسی ائتلاف‌های اجرایی به تفاوت میان دستور کارهای ملی و محلی نمی‌انجامد و ماهیت سیاست‌های محلی بیشتر جنبه عملگراییانه و مشکل‌محور دارد [۴]. همچنین تمرکززدایی و نحوه تعامل میان دولت مرکزی و دولت‌های محلی نقش مهمی در دستورگذاری در هلند بازی می‌کند. به این ترتیب دستورگذاری محلی در هلند تا حدودی تابعی از دستورگذاری در سطح ملی است و بازیگران در آن فعال می‌باشند.

حکومت‌های محلی در دانمارک و تأثیر بوروکرات‌ها بر تعیین دستور کار

گرچه تأثیر بوروکراسی بر خط‌مشی‌گذاری پذیرفته شده است، اما بیشتر تحقیقات این حوزه بر اجرای خط‌مشی‌ها و مداخله بوروکرات‌ها در آن متمرکز بودند یا حوزه معینی از خط‌مشی‌ها را از لحاظ نقش بوروکراسی بر آن بررسی می‌کردند. پژوهشی در دانمارک که برای حدود ۱۰۰ شهرداری انجام شد، نشان داده است که مدیران حرفه‌ای در بوروکراسی نقش مثبتی در تعداد دستور کارها و ترکیب آن‌ها در شوراهای محلی دارند [۵]. بوروکرات‌ها می‌توانند با تمرکز بیشتر بر مسئله، کاستی‌های ناشی از سیستم تنگ و محدود کمیسیون‌ها و نیز کمبود زمان اعضای شورا برای بررسی مسئله مورد نظر جهت دستورگذاری را جبران کنند. در عین حال با حرفه‌ای شدن خط‌مشی‌گذاران، تأثیر بوروکرات‌ها رنگ می‌بازد.

دستورگذاری در شهرداری‌های نروژ: اثر تقلید بر دستورگذاری

دانویگ در پژوهشی نشان می‌دهد سبک زندگی فردگرا میان بازیگران اصلی دستورگذاری باعث می‌شود تا برخی موضوعات مهم (مثل تغییرات اقلیمی) در دستور کار قرار نگیرند، زیرا معمولاً خط‌مشی‌گذاران از دانش کافی در آن زمینه‌ها برخوردار نیستند یا از موضوعات مورد علاقه ایشان به حساب نمی‌آید [۶]. از این منظر، ارتباط میان متخصصان و خط‌مشی‌گذاران و ترجمان زبان علمی برای بازیگران دستورگذاری نقش مهمی را برای در دستور کار گرفتن یک مسئله بازی می‌کند. این پژوهش بر نقش فرد و سبک زندگی در دستورگذاری تأکید می‌ورزد و آن را بر اقدامات گروهی و مبتنی بر ائتلاف اولویت می‌بخشد.

پیشینه پژوهش در مطالعات داخلی

در ایران پژوهش «فهم فرایند سیاست‌گذاری مالیاتی در ایران: عوامل مؤثر بر دستورگذاری مالیاتی در سطح ملی و بازیگران آن» نزدیک‌ترین تحقیق به پژوهش حاضر است. طبق یافته‌های این پژوهش عوامل تأثیرگذار بر فرایند دستورگذاری مالیاتی به سه دسته اصلی تقسیم می‌شوند: عواملی که به مسئله مربوط هستند، عواملی که سیاسی هستند و عواملی که به سیاست یا راه‌حل پیشنهادی مرتبط‌اند. همچنین مهم‌ترین بازیگران فرایند سیاست‌گذاری مالیاتی که طی تحلیل‌ها شناسایی شدند را می‌توان در دو دسته جای داد. بازیگران درون حکومتی عبارت‌اند از: سازمان امور مالیاتی کشور، وزارت امور اقتصادی و دارایی، مجلس شورای اسلامی، هیئت دولت، رئیس‌جمهور، کمیسیون اقتصادی مجلس، مرکز پژوهش‌های مجلس، وزارت صنعت، معدن و تجارت، کمیسیون صنایع و معادن مجلس، و کمیسیون تلفیق بودجه مجلس. بازیگران شناسایی شده بیرون از حکومت که بر دستور کار تأثیرگذارند نیز عبارت‌اند از: مؤدیان مالیاتی (شامل افراد، اصناف و تولیدکنندگان عمده) و گروه‌های ذی‌نفع [۷].

در پژوهش دیگری که با عنوان «اولویت‌بندی مسائل در تدوین دستور کار برای خط‌مشی‌گذاری عمومی» انجام شد، پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که خط‌مشی‌گذاران هنگام شناسایی مسائل عمومی و تدوین خط‌مشی تحت

تعیین دستور کار به نوعی کلیدی‌ترین و مهم‌ترین بخش از فرایند سیاست‌گذاری است. در حوزه سیاست‌گذاری بسیاری افراد معتقدند مشکلات و مسائل دارای شریایی عینی و ملموس هستند که وجود آن‌ها با تعیین «واقعیت» در یک مورد خاص تحقق می‌یابد. این دیدگاه خام در خصوص ماهیت مسائل در سیاست‌گذاری عمومی نمی‌تواند توضیح دهد که چرا یک واقعیت واحد، اغلب به اشکال متفاوتی توسط ذی‌نفعان خط‌مشی و سیاست‌گذاران و دستورگذاران مختلف تعبیر و تفسیر می‌شود. غالباً چنین است که از اطلاعات واحد در خصوص یک مشکل، تعاریف و تفاسیر مختلفی ارائه می‌شود. این امر عمدتاً نه به آن علت است که حقایق مربوط به موضوع با یکدیگر در تضاد هستند، بلکه ناشی از تناقض بودن مفروضات تحلیلگران، سیاست‌گذاران و دیگر بازیگران خط‌مشی عمومی در خصوص دولت، ماهیت بشر و شیوه‌های ایجاد تحولات اجتماعی (به وسیله اقدامات جمعی) است که به صورت‌بندی مختلف از مسئله و به تبع آن، پیشنهاد راه‌حل‌های متفاوت و گاهی متضاد برای حل یک مسئله واحد منجر خواهد شد.

دستورگذاری در عمل به معنای فرایند مسئله‌یابی است. چه چیزی مسئله است و باید در دستور کار قرار گیرد؟ در واقع حل مشکل در برابر مشکل‌یابی قرار می‌گیرد. «مسئله‌یابی» عملی مفهومی و تئوریک است. سؤال اصلی در اینجا ماهیت مشکلات است و نه حوزه‌های عملی و دستیابی به راه‌حل برای آن‌ها. چقدر توانسته‌ایم مشکل و مسئله را خوب درک کنیم؟ آیا مقاصد و اهداف را درست تشخیص داده‌ایم؟ در عوض، «حل مشکل» با اجرا و اداره یک رشته اقدامات طی زمان مرتبط است. حل مشکل غالباً یک فعالیت عملی است که هدف اولیه آن، انتخاب یک اقدام (راه‌حل) است و در واقع به ماهیت مشکلات کاری ندارد. مسئله‌یابی امری هنجاری و ارزشی است، در حالی که رویکرد حل مسئله، با مفروض دانستن مشکل، یک امر فنی به شمار می‌رود [۱].

دستورگذاری به معنای تصمیم‌گیری در خصوص این است که درباره چه مسائلی تصمیم گرفته شود. چه کسانی تصمیم می‌گیرند که درباره چه مشکلاتی اتخاذ تصمیم شود؟ تصمیم‌گیری برای اینکه چه چیزی «مسئله» است مهم‌تر از تصمیم‌گیری درباره راه حل مسئله خواهد بود [۲]. نباید از نظر دور داشت که حل مشکل ارتباط وثیقی با تعریف آن و نحوه در دستور کار قرار گرفتن آن دارد. در حالی که پژوهش‌های فراوانی به رویکردهای حل مسئله توجه داشته‌اند، فرایند مسئله‌یابی یا همان در دستور کار قرار گرفتن مسائل مورد غفلت قرار گرفته است. توجه به نحوه تعیین دستور کار در حوزه محلی می‌تواند به آشکارسازی فرضیات مکتوم، تشخیص علت‌ها، بازنمایی اهداف ممکن، ترکیب نظرات متضاد و طرح انتخاب‌های سیاست‌های شهری جدید کمک کند.

پیشینه پژوهش

در یکی از پژوهش‌های صورت‌گرفته (Agenda Setting and Decision Making in the EU: The case of GALILEO) در زمینه نقش بازیگران در تعیین دستور کار، نحوه دستورگذاری در اتحادیه اروپا بررسی شده است. طبق این گزارش، تعیین دستور کار در سطح اتحادیه اروپا دو گونه است: نوع اول توسط سیاست‌مداران انجام می‌شود و مبتنی بر یک دغدغه سیاسی مشترک است و معمولاً با یک رویداد سمبلیک که چیزی شبیه به رویداد کانونی (Focusing event) در مدل جریان‌های چندگانه (Multiple stream) کینگدان است همراه می‌شود. نوع دوم به وسیله کمیسیون‌های تخصصی انجام می‌شود و جنبه فن‌سالارانه دارد. تفاوت عمده این دو روش، در سرعت عمل و نحوه اقناع دیگر ذی‌نفعان در پذیرفتن موضوع مدنظر به عنوان مسئله‌ای است که باید در دستور کار قرار گیرد [۳].

دستورگذاری محلی در هلند و ارتباط میان دولت ملی و محلی

یکی از دیدگاه‌های مطرح در زمینه دستورگذاری حکومت‌های محلی، اثرپذیری و ارتباط آن با سطح ملی است. هرچه تأثیرپذیری حکومت محلی از حکومت مرکزی در دستورگذاری بیشتر باشد، به همین میزان نقش بازیگران و

و الدر دستور کار را مجموعه‌ای از مناقشات سیاسی می‌دانند که در بردارنده دامنهای از دغدغه‌های مشروع و قانونی است که مورد توجه عرصه سیاسی قرار می‌گیرد [۱۱]. همچنین دستور کار را می‌توان لیستی از چیزهایی دانست که توسط نهادها، رسانه‌ها و یا عموم جامعه مورد بحث قرار گرفته و گاهی در دست اقدام قرار می‌گیرند [۱۲]. برای دستور کارها می‌توان ۴ سطح در نظر گرفت: سطح نخست شامل همه ایده‌ها و نظراتی است که می‌تواند در یک جامعه وجود داشته باشد. گرچه ممکن است در هر جامعه‌ای بر حسب هنجارها و ارزش‌های پذیرفته شده، این ایده‌ها و نظرات محدود شده باشند. دستور کارهای سیستماتیک بخشی از اقیانوس دستور کارها هستند که بر حسب قدرت و اختیارات قانونی و مشروع حکومت، در سیستم سیاسی قابل پذیرش هستند. سطح بعدی، دستور کارهای نهادی هستند که از میان تعدادی دستور کارهای سیستماتیک انتخاب شده‌اند. این دستور کارها آن‌هایی هستند که توانسته‌اند توجه تصمیم‌گیران را به خود معطوف کنند. دستور کار نهادی شامل مشکلاتی است که قانون‌گذاران و مقامات رسمی به این نتیجه رسیده‌اند که باید در مورد آن‌ها فکر شود. برخی مواقع یک مسئله گرچه در کانون توجه شدید افکار عمومی است، ولی نمی‌تواند به دستور کار نهادی تبدیل شود. به‌عکس ممکن است سالیان سال مسئله‌ای وجود داشته باشد، ولی ناگهان در دستور کار قرار گیرد [۱۳]. آخرین سطح مربوط به دستور کارهای تصمیم‌گیری است و به مواردی مربوط می‌شود که برای اتخاذ تصمیم و انتخاب راه‌حل‌ها به مرجع نهایی (مثلاً صحن مجلس یا شورای شهر) ارجاع می‌شود [۱۲].

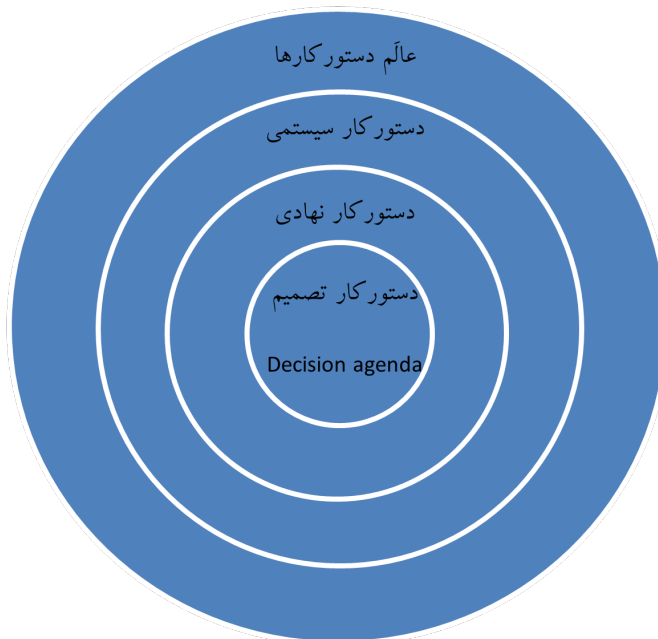
تأثیر ذهنیت‌ها و چارچوب‌های ذهنی خویش هستند و امکان شناسایی مسائل اجتماعی بدون استفاده از عقل جمعی که منبع دانش جمعی است غیرممکن است. ضمن اینکه تعدد زیاد مسائل عمومی، پیچیدگی مسائل و سازوکارهای جمعی، محدودیت شناختی خطمشی‌گذاران و نیز احساس تعلق به ایده‌ها و گروه‌ها، عوامل مهم انحراف از شناخت واقعی مسائل اصلی قلمداد می‌شود. افراد تحت مطالعه نیز تحت تأثیر واقعیت جایگاه خود قرار داشته‌اند، به گونه‌ای که کسانی که در جایگاه خطمشی‌گذاری بوده‌اند مباحث را متفاوت از اساتید خطمشی و ناظران اجرای خطمشی درک کرده و غالب سؤال‌ها را متفاوت از دو دسته دیگر پاسخ داده‌اند [۸].

«تبیین تغییر خطمشی با استفاده از نظریه کینگدان؛ مطالعه موردی تغییر قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری» عنوان پژوهش دیگری است که در بخش‌هایی از آن به موضوع دستورگذاری پرداخته شده است. پژوهشگران در این تحقیق به این نتیجه رسیده‌اند که نقش کارآفرینان خطمشی در دستور قرار گرفتن این مسئله بسیار مهم بود و تغییرات سیاسی در بدنه دولت و مجلس به یک عامل اصلی برای رسمیت‌بخشی به مسئله مورد نظر تبدیل شد [۹].

■ مبانی نظری

دستور کار: گونه‌شناسی و مدل‌ها

در حوزه خطمشی عمومی واژه دستور کار (agenda) اولین بار در سال ۱۹۷۱ توسط کاب و الدر در ادبیات سیاست‌گذاری مورد استفاده قرار گرفت [۱۰]. کاب



شکل ۱. سلسله‌مراتب دستور کارها، [۱۳]

دستور کار سازمانی و یا نهادی دارای ۴ مرحله است: طرح مسائل و موضوعات، مشخص شدن راه‌حل‌ها، افزایش حمایت از مسائل مطرح و وجود حمایت کافی برای قرار گرفتن در دستور کار نهادی [۱۵]. از زاویه دیگر، عوامل مؤثر برای در دستور کار قرار گرفتن یک مسئله عبارتند از: برجستگی مسئله و سطح تضاد. اگر سطح تضاد زیاد و مشکل برجسته نباشد، احتمال در دستور کار قرار گرفتن موضوع کم است؛ اما اگر مشکل برجسته بوده و سطح تضاد اندک باشد، بیشترین شانس برای در دستور کار قرار گرفتن مسئله وجود دارد [۱۲]. اینکه چه کسی بتواند یک موضوع را در دستور کار قرار دهد

احتمال آنکه یک مسئله بتواند در دستور کار قرار گیرد فقط به ارزش ذاتی و عینی آن وابسته نیست و در عوض بسته به توانایی بازیگران خطمشی است که چگونه آن را تعریف کرده و در قالب یک مسئله مهم سیاستی آن را تبدیل کنند. سیاسی‌سازی موضوعات و مسائل مبتنی بر استدلال، بستگی به معنای متناظر با آن‌ها دارد که توسط گروه‌های اجتماعی رقیب به ایشان داده شده است. همچنین ارتباط وثیقی با استدلال درباره علل مشکلات، افراد مسئول و پاسخ‌گو برای آن و مقامات دولتی که وظیفه حل آن را به عهده دارند، دارد [۱۴]. به این ترتیب تبدیل یک مسئله به مشکل عمومی و راه‌یابی آن به

می‌دهد. در این مدل سلسله‌مراتب قدرت همچون هرم است که در رأس آن نخبگان قرار گرفته‌اند. دیدگاه‌های بدبینانه به مدل نخبه‌گرا، دستورگذاری را حاصل منافع نخبگان می‌دانند. آن‌ها به اهمیت مسائل نزد عموم مردم ارزشی قائل نیستند، بلکه اولویت را به مسائلی می‌دهند که بیشتر در خدمت منافعشان باشد [۱۷]. در مدل تکثرگرا تفاوتی میان توده‌ها و نخبگان وجود ندارد گرچه ممکن است طی یک سلسله‌مراتب خاص، نخبگان برخی دستور کارهای نهادی را کنترل کنند. تبدیل شدن دستور کارها به دستور کارهای نهادی متکی بر قابلیت‌های گروه‌های فعال مدنی است که آن را هواداری می‌کنند [۱۷].

و یا از آن خارج کند، سبب می‌شود دو گونه مختلف از نحوه دخالت‌ها شناسایی شود. گروهی که نظریه‌های تقاضامحور دستورگذاری را نمایندگی می‌کنند اعتقاد دارند که سیاست‌گذاران دستور کارهای نهادی را در پاسخ به تقاضای گسترده عمومی مشخص می‌کنند. به‌عکس گروهی دیگر که دیدگاهی عرضه‌محور دارند اعتقادشان بر این است قدرتی که عامل دستورگذاری است در رأس سلسله‌مراتب سیاسی و اقتصادی قرار دارد. گروه اول تکثرگرایان و گروه دوم نخبه‌گرایان هستند [۱۶].

در مدل نخبه‌گرا، سؤال اصلی حول چگونگی توجه به مسئله عمومی نیست، بلکه در مورد این است که چه کسی مسئله عمومی را در دستور کار قرار

جدول ۱. تفاوت مدل‌های تکثرگرا و نخبه‌گرا در دستورگذاری، [۱۸]

مدل نخبه‌گرا	مدل تکثرگرا	قدرت
متمرکز در دستان افراد معدود	بر مبنای اندازه گروه و دسترسی آن به منابع	قدرت
معدود	متعدد	مراکز قدرت
توافق اصلی میان نخبگان، تفاوت میان ارزش‌های نخبگان و مردم	تقسیم‌شده میان توده‌ها و نخبگان	ارزش‌ها
انداک، توده‌ها از حداقل تأثیر بر نخبگان برخوردارند	بالا، نخبگان در تصمیم‌گیری نظر توده‌ها را لحاظ می‌کنند	تحرک اجتماعی
نخبگان کاملاً جدا از توده‌ها هستند و از آن‌ها متأثر نمی‌شوند	افراد می‌توانند بر نخبه‌ها تأثیر گذارند	نحوه اثرگذاری
حاصل هدایت خطمشی توسط نخبگان از بالا به پایین و در خدمت منافع ایشان	محصول مصالحه میان گروه‌های رقیب	نتیجه (دستورگذاری)

را تحت تأثیر قرار دهند و شکل مسائل را عوض کنند. بخش بزرگی از مدل‌های دستورگذاری متکی بر گونه‌های خاصی از معرفت نسبت به قدرت هستند. در این راستا سه نگرش کلی به قدرت سیاسی را در چارچوب کثرت‌گرایی (دیدگاه تک‌بعدی)، اصلاح‌طلبانه (دیدگاه دویبعدی) و نگرش رادیکال (بنیادین) یا دیدگاه سه‌بعدی از قدرت می‌توان دید که توسط لوکس مطرح شده است. طرفداران رویکرد تکثرگرا روی تصمیم‌گیری متمرکز می‌شوند، چراکه تصمیمات خروجی رفتارهای واقعی هستند و هر کس که در تصمیم‌گیری غالب باشد، همان است که قدرت بیشتری دارد [۲۲]. بعد دوم قدرت درباره تغییر دادن خواسته‌ها و عقاید است و به این سؤال پردازد که چه کسی قانون را می‌سازد و چه کسانی دارای قدرت هستند، بلکه به بسیج توجهات و سوگیری‌ها (حول یک موضوع خاص) اشاره دارد. لوکس فراتر می‌رود و از بعد سوم قدرت سخن می‌گوید که در آن ممکن است در مواردی از اعمال قدرت، قربانیان حتی موفق به درک این مسئله نشوند که منافع واقعی‌شان در خطر است و در نتیجه، هیچ‌گونه تلاشی برای دفاع از این منافع به عمل نیاورند.

محور دوم حول عقلانیت محدود شکل می‌گیرد و بیانگر این است که سیاست‌گذاران منابع محدودی دارند؛ مثلاً زمان کمی برای تحقیق دارند، اطلاعات کمی برای تصمیم‌گیری در اختیارشان است و قادر نیستند به موضوعات به طور کامل و دقیق توجه کنند. پس توانایی پردازش کامل و جامع مسائل را ندارند. این مشکلات سبب می‌شود که عدم قطعیت برای ایشان به وجود آید و همین دلیل موجب می‌شود به برخی افراد اعتماد کنند و برخی اطلاعات را برای استفاده‌گزینه‌شان کنند تا کمترین ریسک را داشته باشد [۱۰]. در واقع محور اول همان ابعاد ۳ گانه قدرت و محور دوم محدودیت‌ها و مرزهای دستورگذاری است. همه مدل‌ها و نظریه‌های این حوزه ذیل این دو محور قرار می‌گیرند. در ادامه به بررسی نظریات مطرح در عرصه خطمشی عمومی و مساهمت آن‌ها در تعیین دستور کار می‌پردازیم.

یکی از نظریات مهم سیاست‌گذاری عمومی، نظریه ائتلاف مدافع است. مهم‌ترین دستاورد مرتبط با حوزه دستورگذاری در این نظریه توجه به زیرسیستم سیاست‌گذاری است. طبق این نظریه، در حوزه دستورگذاری افکار نخبگان مسلط است. بنابراین درک تغییر سیاست‌ها در برابر چالش‌ها در

به طور خاص، بسیاری از تحلیل‌های خطمشی امروزه بر وجه مختلف زبان و نقش آن در معنای ارتباطی متمرکز شده‌اند. تحلیل تفسیری خطمشی شامل تحلیل گفت‌وگو، تحلیل استدلال و تحلیل روایت است. این روش‌ها از داستان و داستان‌سرایی به عنوان مدخل تحلیلی برای ورود به تجربه زیسته مرتبط با خطمشی استفاده می‌کنند و به استعاره‌های سیاسی می‌پردازند [۱۹]. بخش بزرگی از این تحلیل‌ها ریشه در رویکردی دارند که گفت‌وگو را فقط به عنوان انعکاس حقیقت که شکل تقلیل‌یافته تفسیر است نمی‌داند، بلکه ابزاری است برای شکل دادن به آن حقیقت. بنابراین زبان فقط وسیله‌ای به منظور توانمند ساختن تعامل نیست، بلکه ابزار قدرتی تلقی می‌شود. به این ترتیب، شیوه‌های استدلالی در زمینه بررسی شیوه تعیین دستور کار از آن جهت جالب توجه‌اند که علاوه بر جنبه توصیفی موقعیت‌ها، می‌توانند آن‌ها را بازتعریف کنند.

از آنجا که دستورگذاری یک عمل هنجاری و ارزشی است، انتظار می‌رود نوع عملکرد سیاست‌گذاران محلی و مجریان در انتخاب دستور کارها و عوامل و الزامات مؤثر بر تصمیم آن‌ها با یکدیگر تفاوت داشته باشد. به عنوان مثال بررسی دستور کارها در استرالیا نشان داد دستور کارهای مدنظر مجریان و قانون‌گذاران همسان نیستند [۲۰]. اینکه کدام دستور کار مورد توجه سیاست‌گذار و یا مجری قرار می‌گیرد به سه عامل بستگی دارد [۲۱]: نخست جهت‌گیری ذهنی و سنت‌های بازیگران است. دوم اهمیت و لزوم پرداختن به مسئله نزد هر یک از آن‌ها است. مجریان با مسائل اجرایی و عملی درگیر هستند در حالی که دغدغه سیاست‌گذار مسائل سیاسی و بیشتر هنجاری است. سومین عامل قدرت بازیگر است که می‌تواند در قالب قدرت سیاسی، قدرت نمادین و یا مادی (دسترسی به منابع، اطلاعات و...) باشد. به عنوان مثال گرچه قدرت سیاسی سیاست‌گذاران از مجریان بیشتر است، اما در عوض مجریان از دانش فنی گسترده‌تر حول مسائل برخوردارند.

دستورگذاری در نظریه‌های خطمشی عمومی

ادبیات موضوع دستورگذاری حول دو محور مختلف شکل گرفته است. محور اول مطالعات کلاسیک درباره قدرت است که نشان می‌دهد چگونه بازیگران تلاش می‌کنند مناقشات مهم را برنده شوند، تعارض‌های مهمی را از دستور کار سیاست‌گذاری خارج کنند و یا اساساً پیش‌فرض‌های ذهنی افراد و نهادها

بازه‌های زمانی بلندمدت ممکن خواهد بود [۱۶]. کاب و دیگران نیز با الهام از انتقادهای شات‌اشنایدر از رویکرد تک‌نگرا به قدرت، الگویی برای دستورگذاری طراحی کردند که مبتنی بر نظام سیاسی و شکل حکومت بود. بر این اساس، روش برای دستورگذاری قابل تشخیص هستند: بسیج عمومی، ابداع درونی و ابداع بیرونی [۱۱]. سومین نظریه، نظریه تعادل مقطعی است که ارتباط بین چارچوب‌بندی و نهادها بخش مهم دستورگذاری در این مدل است. «تصویر خط‌مشی» وجوه مختلفی است که از یک مسئله عرضه می‌شود. در دوره تعادل یک تصویر خاص بر دیگر تعابیر غلبه دارد و زمانی که تعابیر دیگر از آن مسئله برجسته شوند، تصویر دیگری ظاهر می‌شود و اولی را به چالش می‌کشد. در دستور قرار گرفتن موضوعات سیاستی جدید نیازمند تغییر اساسی در تصویر سیاستی پشتیبان است. زمانی که مسئله باز تعریف شود یا ابعاد دیگری از آن مورد توجه قرار گیرد، بازیگران دیگری که قبلاً خارج از انحصار خط‌مشی بودند به بازی گرفته خواهند شد [۲۳]. برجسته‌ترین و شناخته‌شده‌ترین نظریه و مدل در حوزه دستورگذاری، جریان‌های چندگانه کینگدان است. او جریان‌های ۳ گانه مسائل، خط‌مشی و سیاسی را شناسایی می‌کند و هم‌راستایی و هم‌زمانی این جریان‌ها و تلاقی‌شان با یکدیگر را منجر به گشوده شدن در پیچه یا پنجره خط‌مشی می‌داند. مدل دیگر ساخت اجتماعی طبقات هدف است. این نظریه به ساخت اجتماعی طبقات اشاره دارد که نقش مثبت در رفاه جامعه دارند و محقق قلمداد می‌شوند یا ارزش کمتری دارند و باری بر دوش جامعه به شمار می‌آیند. بر اساس میزان استحقاق و در اختیار داشتن قدرت، ۴ گروه اجتماعی از هم تفکیک می‌شوند که عبارت‌اند از: گروه‌های ذی‌حق، مدعیان، وابسته‌ها و منحرفان [۲۴]. رسیدن مسائل به سطح تصمیم‌گیری متأثر از جامعه هدف آن‌ها است. الگوی دیگری هم وجود دارد که از آن به عنوان مدل احتجاجی یاد می‌شود. این الگو بیشتر بر تحلیل سیاست‌ها تأکید دارد. تمرکز و توجه مدل احتجاجی بر این موضوع است که سیاست‌گذاران از زبان معمول و استدلال برای برقراری ارتباط استفاده می‌کنند [۲۵]. تمرکز این مدل بر نقش زبان در مناقب‌شنی جهان است و از این منظر برای توصیف یک مسئله، روش شکل‌گیری مباحثات پیرامون آن نیز باید مورد توجه قرار گیرد [۲۶]. مدل احتجاجی مبارزه برای قدرت را در مبارزه برای تنظیم بحث‌هایی می‌داند که ضمن آن، یک مسئله چارچوب‌بندی می‌شود.

روش‌شناسی

هسته اصلی پژوهش حاضر پدیدارشناسی هرمنوتیکی است. در پدیدارشناسی دریافت بی‌واسطه پدیده نقش مهمی دارد. ترکیب کمیسیون‌های تخصصی متشکل از برخی اعضای شورای شهر و نمایندگان شهرداری است که برحسب نوع موضوع و مسئله تحت بررسی، از صحن جلسه خارج و یا به آن وارد می‌شوند. نمایندگان شهرداری و سایر افراد بنا به تشخیص رئیس کمیسیون و با ارسال دعوت‌نامه حق حضور در جلسات را دارند. از این حیث، کمیسیون‌های تخصصی جنبه واقعی‌تر و ملموس‌تری از دینامیک موجود در مباحثات و مناقشات را باز می‌کنند.

نظریه داده‌بنیاد ساختگرا

در این نظریه کار با جمع‌آوری داده‌ها آغاز می‌شود [۲۸]. در این پژوهش از مشاهده و تحلیل متن استفاده می‌شود. حضور در کمیسیون‌های تخصصی شورای شهر و جلسات شورا به پژوهشگر امکان می‌دهد تا در مواجهه نزدیک با ساختاربندی مسائل و مشکلاتی که به صورت احتمالی در دستور کار شورا خواهند بود قرار گیرد. تحلیل متون شامل بررسی نگارش‌های اولیه متن‌های مربوط به لوایح و طرح‌ها، مباحثات نظری و دفاعیات افراد در جلسات کمیسیون‌ها و صحن علنی شورا است. گام بعدی کدگذاری است. کدگذاری به معنای برچسب‌زنی به داده‌هاست که هم‌زمان آن‌ها را طبقه‌بندی و خلاصه می‌کند و پژوهشگر را به ورای گزاره‌های مجرد موجود در داده‌ها می‌برد [۲۸]. در این پژوهش بنا به تجربه قبلی محقق، داده‌ها به شکل متنی هستند که از گفت‌وگوها در وقایع حقیقی برآمده‌اند. در این پژوهش از کدگذاری اولیه و متمرکز استفاده شد.

مشاهده، راهی برای امتزاج افق‌ها

در حالی که نظریه داده‌بنیاد ساختگرا ریشه در پدیدارشناسی هرمنوتیکی دارد، در عین حال برای دستیابی به فهم بهتر پدیده دستورگذاری، ناگزیر هستیم که از هرمنوتیک پدیدارشناسی استفاده کنیم. امتزاج افق‌ها میسر نمی‌شود مگر به مدد تکرار در مشاهده رفتار سوژه مورد مطالعه (بازخوانی مکرر از متن). بخش عمده تلاش محقق در این پژوهش معطوف به درک مستقیم و بلاواسطه دستورگذاری و عوامل مؤثر بر آن در سطح حکومت‌های محلی بود. پس

بازه‌های زمانی بلندمدت ممکن خواهد بود [۱۶]. کاب و دیگران نیز با الهام از انتقادهای شات‌اشنایدر از رویکرد تک‌نگرا به قدرت، الگویی برای دستورگذاری طراحی کردند که مبتنی بر نظام سیاسی و شکل حکومت بود. بر این اساس، روش برای دستورگذاری قابل تشخیص هستند: بسیج عمومی، ابداع درونی و ابداع بیرونی [۱۱]. سومین نظریه، نظریه تعادل مقطعی است که ارتباط بین چارچوب‌بندی و نهادها بخش مهم دستورگذاری در این مدل است. «تصویر خط‌مشی» وجوه مختلفی است که از یک مسئله عرضه می‌شود. در دوره تعادل یک تصویر خاص بر دیگر تعابیر غلبه دارد و زمانی که تعابیر دیگر از آن مسئله برجسته شوند، تصویر دیگری ظاهر می‌شود و اولی را به چالش می‌کشد. در دستور قرار گرفتن موضوعات سیاستی جدید نیازمند تغییر اساسی در تصویر سیاستی پشتیبان است. زمانی که مسئله باز تعریف شود یا ابعاد دیگری از آن مورد توجه قرار گیرد، بازیگران دیگری که قبلاً خارج از انحصار خط‌مشی بودند به بازی گرفته خواهند شد [۲۳]. برجسته‌ترین و شناخته‌شده‌ترین نظریه و مدل در حوزه دستورگذاری، جریان‌های چندگانه کینگدان است. او جریان‌های ۳ گانه مسائل، خط‌مشی و سیاسی را شناسایی می‌کند و هم‌راستایی و هم‌زمانی این جریان‌ها و تلاقی‌شان با یکدیگر را منجر به گشوده شدن در پیچه یا پنجره خط‌مشی می‌داند. مدل دیگر ساخت اجتماعی طبقات هدف است. این نظریه به ساخت اجتماعی طبقات اشاره دارد که نقش مثبت در رفاه جامعه دارند و محقق قلمداد می‌شوند یا ارزش کمتری دارند و باری بر دوش جامعه به شمار می‌آیند. بر اساس میزان استحقاق و در اختیار داشتن قدرت، ۴ گروه اجتماعی از هم تفکیک می‌شوند که عبارت‌اند از: گروه‌های ذی‌حق، مدعیان، وابسته‌ها و منحرفان [۲۴]. رسیدن مسائل به سطح تصمیم‌گیری متأثر از جامعه هدف آن‌ها است. الگوی دیگری هم وجود دارد که از آن به عنوان مدل احتجاجی یاد می‌شود. این الگو بیشتر بر تحلیل سیاست‌ها تأکید دارد. تمرکز و توجه مدل احتجاجی بر این موضوع است که سیاست‌گذاران از زبان معمول و استدلال برای برقراری ارتباط استفاده می‌کنند [۲۵]. تمرکز این مدل بر نقش زبان در مناقب‌شنی جهان است و از این منظر برای توصیف یک مسئله، روش شکل‌گیری مباحثات پیرامون آن نیز باید مورد توجه قرار گیرد [۲۶]. مدل احتجاجی مبارزه برای قدرت را در مبارزه برای تنظیم بحث‌هایی می‌داند که ضمن آن، یک مسئله چارچوب‌بندی می‌شود.

تعیین دستور کار و حکومت‌های محلی

به طور کلی در دهه‌های اخیر دو تحول اصلی در زمینه دستورگذاری در حکومت‌های محلی را می‌توان بازشناخت. گروه نخست از مطالعات دستورگذاری محلی از نظریه سیاست‌گذاری شهری برای فهم نمونه‌های مشخصی از تعیین دستور کار در حکومت‌های محلی استفاده می‌کنند. شاخه دوم برگرفته از تحولات خط‌مشی عمومی در سطح ملی است و بر اساس مدل‌های موجود همچون جریان‌های چندگانه، تعادل گسسته و ... شکل گرفته است.

رویکردهای مبتنی بر نظریه شهری بیشتر با سیاست‌ها و رژیم‌های شهری پیوند دارند تا با ادبیات سیاست‌گذاری. یکی از وجوه برجسته پژوهش‌های صورت‌گرفته در زمینه دستورگذاری محلی که برخاسته از ادبیات حوزه سیاست‌های شهری است، توجه به افراد دخیل در فرایند سیاست‌گذاری و میزان اثرگذاری آن‌هاست. نظریه رژیم‌ها بر نحوه اثرگذاری ساختارهای محلی و ائتلاف‌های دولتی - خصوصی بر فرایند دستورگذاری محلی تأکید ویژه دارد. چنین نگاهی به مشخصات و ویژگی‌های ثابت خط‌مشی‌گذاری محلی به مطرح ساختن فرایندهایی منجر می‌شود که وجه شاخص آن‌ها ثبات و پایداری طی زمان است. ضعف دیگر این رویکرد در قیاس با نگاه خط‌مشی‌گذارانه به دستورگذاری، توجه غالب به مسئله توسعه اقتصادی است که موجب غفلت از سایر مسائل خارج‌شده از دستور کار و بی‌توجهی به ریز سازوکارهای دستورگذاری می‌شود.

رویکرد استفاده از مدل‌های تعیین دستور کار در سطح دولت ملی، بیش از همه متکی بر نظریه جریان‌های چندگانه کینگدان و تعادل گسسته بوده‌اند.

گونه‌شناسی رفتارهای بازیگران دستورگذاری

یکی از روش‌های مرسوم در طبقه‌بندی رفتار در گروه‌های حل مسئله بدون رهبر، تحلیل فرایند تعاملی (Interaction Process Analysis or IPA) است. در این سیستم ۱۲ مقوله وجود دارد که در ۶ دسته جای می‌گیرند: مسائل مربوط به جمع‌آوری اطلاعات (تعیین جهت یا پرسش از آن)، ارزیابی اطلاعات (پرسش از عقاید دیگران یا ابراز عقاید)، کنترل (ارائه پیشنهاد یا درخواست پیشنهاد)، تصمیم‌گیری (موافقت یا مخالفت)، مدیریت تنش (تخلیه تنش یا ابراز آن) و در نهایت وجه اجتماعی و عاطفی (دوستانه و غیردوستانه). جدول ۲ نشان‌دهنده این طبقه‌بندی است.

جدول ۲. دسته‌بندی رفتارها در الگوی IPA

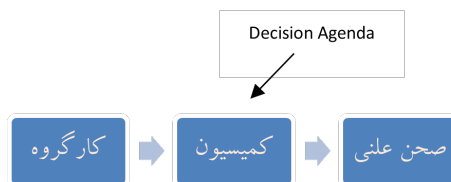
وجه اجتماعی عاطفی		مدیریت تنش		ارزیابی اطلاعات		جمع‌آوری اطلاعات		تصمیم‌گیری		کنترل		دسته اصلی
مخالف	ابراز تنش	رفتار غیردوستانه	موافق	کاهش تنش	رفتار دوستانه	جهت‌پذیر	تأثیرپذیر	پیشنهادپذیر	جهت‌دهنده	تأثیرگذار	پیشنهاددهنده	دسته فرعی

اندک بر بازیگران اصلی دستورگذاری از چارچوب پژوهش خارج شدند. به این ترتیب درونی‌ترین لایه دستور کارها یعنی دستور کار تصمیم‌انتخاب شد. این دستور کارها آن‌هایی هستند که آماده پذیرش برای اتخاذ تصمیم‌اند و در صورت تأیید در کمیسیون‌های تخصصی باید در سطح شورای شهر مطرح شده تا مورد تصویب یا رد قرار گیرند. حضور پژوهشگر در کمیسیون‌های تخصصی شورای شهر، یعنی جایی که خبرنگاران و افکار عمومی را به آن دسترسی نیست و ماهیت خطامشی گزاران، بازیگران و ذی‌نفعان "به خود" حقیقی‌شان نزدیک‌تر است، به معنای برخورد بی‌واسطه و نزدیک با ساختار بندی مسائل و مشکلاتی است که به صورت احتمالی در دستور کار شورا خواهند بود. شکل ۲ نشان‌دهنده موقعیت پژوهش در ساختار نهاد تصمیم‌گیری شورای شهر است.

استفاده از الگوی IPA به عنوان هسته اصلی تحلیل مشاهدات، مبین نوع رفتار مبتنی بر خصوصیات و توانایی فردی بازیگران بود. بازیگران مختلف هنگام دستورگذاری رفتارهای متفاوتی از خود بروز می‌دهند که بر اساس آن می‌توان آن‌ها را در دسته‌بندی‌های مختلفی جای داد.

یافته‌ها

اولین مسئله انتخاب محل درست برای اجرای پژوهش بود. در صحن علنی شورای شهر بعد اول قدرت حاکم است و تمرکز بر تصمیم‌گیری است و نه دستورگذاری. از سوی دیگر به علت علنی بودن، رفتار بازیگران ممکن است تصنعی باشد. در لایه‌های زیرین هم کارگروه‌ها هستند که به‌رغم نزدیکی به بعد سوم قدرت، به علت تعداد زیاد، گستردگی کار، کمبود منابع و تأثیرگذاری



شکل ۲. موقعیت دستور کار تصمیم برای اجرای پژوهش

در کمیسیون فنی و عمران بیش از کمیسیون خدمات شهری می‌بود. کدگذاری مرحله اول به صورت هم‌زمان و در جلسات کمیسیون‌ها انجام می‌شد. با توجه به تفاوت ماهیت موضوعات در کمیسیون‌ها و غنا و حجم داده‌های مستخرج از هر کمیسیون، روند اشباع برای هر کمیسینی متفاوت از بقیه بود و از این لحاظ نیز میان کمیسیون‌ها اختلاف وجود داشت. در کمیسیون خدمات شهری پایداری الگوها زودتر از بقیه کمیسیون‌ها حاصل شد که البته بخشی از آن نیز به علت تقدم زمانی حضور در سایر کمیسیون‌ها نسبت به این کمیسیون بود. به این ترتیب بیشترین بررسی‌ها در کمیسیون برنامه و بودجه، مشارکت‌های اقتصادی و فنی و عمران انجام شد. پس از حضور در ۲۲ جلسه کمیسیون‌های مختلف، اشباع نظری در این پژوهش حاصل آمد و داده‌ها و کدهای جدید، به خلق مقولاتی متفاوت از آنچه وجود داشت نمی‌انجامیدند.

استفاده از نظریه داده‌بنیاد ساخت‌گرا و مشاهده به دو یافته مهم منتهی شد. نخست، تفکیک میان بازیگران دستورگذاری محلی و جهت‌گیری آن‌ها در تعیین انواع دستور کارها است. با شکل‌گیری زیرمقولات، جلسات کمیسیون‌ها (برای حضور پژوهشگر) برحسب موضوع طرح انتخاب می‌شدند. برخی کمیسیون‌ها طیف‌های متنوعی از موضوعات را برای دستور کار بررسی می‌کردند، در حالی که بعضی دیگر از چنین تنوع و گوناگونی برخوردار نبودند. مثلاً در کمیسیون برنامه و بودجه نوع موضوعات بسیار ناهمگون بود، اما در کمیسیون فرهنگی مشابَهت‌های زیادی میان موضوعات در دست بررسی دیده می‌شد. بر این اساس، داده‌های غنی‌تری از کمیسیون برنامه و بودجه استخراج می‌شد و به همین دلیل، حضور پژوهشگر در آن بیشتر از کمیسیون فرهنگی بود. مسئله مهم دیگر در انتخاب کمیسیون، گستره عمومی بودن مسائلی است که جهت رسیدن به دستور کار مطرح می‌شدند. در کمیسیون فنی و عمران، بسیاری از مسائل مورد بررسی تقریباً به تمام حوزه جغرافیایی شهر مشهد مربوط می‌شد. در همین حال بعضی طرح‌های کمیسیون خدمات شهری به صورت منطقه‌ای، محله‌ای و موضعی بودند. از این حیث باید حضور پژوهشگر

جدول ۳. تعداد دفعات حضور پژوهشگر در کمیسیون‌ها

نام کمیسیون	حمل و نقل و ترافیک	خدمات شهری	فنی و عمران	برنامه و بودجه	فرهنگی	امور اقتصادی و مشارکت‌ها
تعداد جلسات حضور	۳	۲	۴	۵	۳	۵

کدگذاری اولیه و متمرکز و ایجاد زیرمقولات و مقولات اصلی از طریق پیاده‌سازی متن مباحث و گفت‌وگوهای میان اعضای کمیسیون‌های تخصصی با استفاده نرم‌افزار MAXQDA انجام گرفت. جدول ۴ نمونه‌ای از نحوه

جدول ۴. نمونه‌ای از شکل‌گیری مقولات و مفاهیم حول مفهوم عوامل اجرایی در مقوله الزامات اقتصادی در MAXQDA

Coded segments			
کمیسیون	متن مباحث مربوطه	کد	مسئله برای دستور کار
حمل و نقل و ترافیک ۱۴ آذر	چه نیازی به سرمایه گذاری و صرف هزینه برای تولید کارت‌های جدید است؟ چرا از همان کارت بانک شهر برای تجمیع خدمات شهروندی استفاده نمی‌شود؟	عوامل اجرایی الزامات اقتصادی محدودیت بودجه عدم توجه اقتصادی	مشهد کارت
حمل و نقل ترافیک ۲۹ آبان	دریافت بهای نقد احتیاج به رسید الکترونیک دارد که هزینه بر است	عوامل اجرایی الزامات اقتصادی محدودیت بودجه نبود توجه اقتصادی	بهای اتوبوسرانی
حمل و نقل ترافیک ۲۹ آبان	مردم باید قیمت واقعی خدمات را پرداخت کنند	عوامل اجرایی الزامات اقتصادی رفتار اقتصادی شهروندان واقعی سازی قیمت خدمات	بهای اتوبوسرانی
حمل و نقل و ترافیک ۱۴ آذر	باید به زائران عرب‌زبان کمک کرد تا گردشگری رونق بیشتری بگیرد	عوامل اجرایی الزامات اقتصادی امکان کسب درآمد کمک به گردشگری	درج معابر به زبان عربی
برنامه و بودجه ۷ آذر	مبلغ مطرح شده برای جریمه زیاد است	عوامل اجرایی الزامات اقتصادی امکان کسب درآمد پرداخت نشدن حقوق شهرداری	جریمه پیشروی در پیاده‌رو
کمیسیون عمران ۱۵ آذر	برای شهرداری درآمد چندانی بابت تخلف و جرایم نخواهند داشت	عوامل اجرایی الزامات اقتصادی امکان کسب درآمد نگاه درآمدی به مسائل شهری	آرای قلع بنا کمیسیون ماده ۱۰۰
کمیسیون برنامه و بودجه ۷ آذر	در صورت تقسیط، بحث پرداخت نقدی و استفاده از تخفیفات منتفی خواهد شد	عوامل اجرایی الزامات اقتصادی رفتار اقتصادی شهروندان نبود توجهات اقتصادی	اخذ جریمه تغییر کاربری
کمیسیون برنامه و بودجه ۷ آذر	تخفیف های در حد ۲۴ درصد هم جذابیت اقتصادی نداشته است و طرح باید مسکوت بماند	عوامل اجرایی الزامات اقتصادی رفتار اقتصادی شهروندان لزوم توجه به منطق اقتصادی در طرح‌ها و لوابیح	اخذ جریمه تغییر کاربری
کمیسیون برنامه و بودجه ۷ آذر	جریمه باید به صورت مستمر توسط صاحب ملک پرداخت شود	عوامل اجرایی الزامات اقتصادی امکان کسب درآمد درآمدزایی مستمر برای شهرداری	جریمه پیشروی در پیاده‌رو

بازیگر اصلی خواهد بود: نمایندگان شهرداری حاضر در کمیسیون و اعضای شورای شهر که هر یک ذیل یک مفهوم نقش خود را بازی می‌کنند. گرچه بر حسب موضوعات مختلف افراد متفاوتی به غیر از دو گروه پیش گفته ممکن بود در هر کمیسیون حضور پیدا کنند، اما عمده اثرگذاری بر تعیین دستور کارها در کمیسیون‌های شورای شهر توسط نمایندگان شهرداری و اعضای کمیسیون بود. در این مرحله کدگذاری‌ها انجام شده و مقولات اصلی و فرعی حول دو مفهوم عوامل اجرای سیاست‌ها (مجریان) و عوامل اتخاذ تصمیمات سیاسی (سیاست‌گذاران) شکل گرفتند. جدول ۳ مقولات و زیرمقولات و مفاهیم مرتبط را به همراه تعداد کدهای اولیه نشان می‌دهد.

به این ترتیب پس از کدگذاری اولیه تعداد ۱۳ زیرمقوله استخراج شدند. سپس با ادامه روند کدگذاری و اشباع مقولات، این زیرمقولات به ۶ مقوله اصلی تقسیم شدند که عبارت‌اند از: الزامات فنی، الزامات اقتصادی، اسناد بالادستی، جامعه هدف، الزامات فرهنگی و الزامات سیاسی. نکته قابل توجه میزان تکرار الگوی کدهای مربوط به هر مقوله میان بازیگران بود، به نحوی که برخی مقولات از تکرار بسیار زیاد بین نمایندگان شهرداری در کمیسیون برخوردار بودند و بعضی بیشتر توسط اعضای شورای شهر به کار برده می‌شدند. بر این اساس با تقسیم‌بندی مقولات، دو مفهوم عمده شناسایی شدند: عوامل اجرایی و عوامل تصمیم‌گیرنده. پس توجه کانونی در این پژوهش نیز بر شناسایی دو

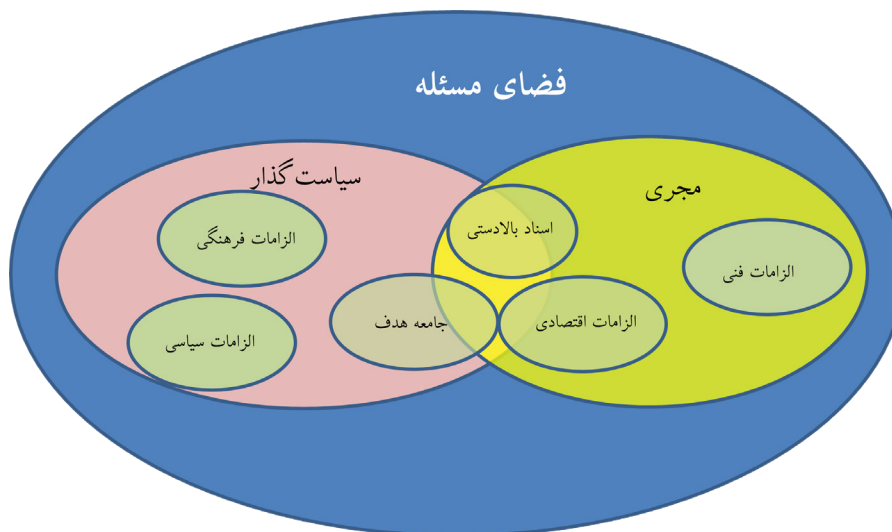
جدول ۵. مفاهیم، مقولات و زیرمقولات

مفاهیم	مقولات	زیرمقولات	تعداد کدهای اولیه
عوامل اجرایی (مجریان)	الزامات فنی	امکان سنجی فنی	۱۲
		ارزیابی پیامدها	۱۰
مفاهیم	مقولات	زیرمقولات	تعداد کدهای اولیه

۱۵	محدودیت بودجه	الزامات اقتصادی	عوامل اجرایی (مجریان)
۱۴	امکان کسب درآمد		
۱۱	رفتار اقتصادی شهروندان		
۱۶	-----	اسناد بالادستی	عوامل تصمیم‌گیرنده (سیاست‌گذاران)
۹	نقش در انتخابات	جامعه هدف	
۶	وضعیت اقتصادی جامعه هدف		
۷	تطابق فرهنگی با جامعه هدف		
۹	فرهنگ غالب	الزامات فرهنگی	
۶	توجه به سایر ذی‌نفعان	الزامات سیاسی	
۱۳	تطبيق و هماهنگی با سایر نهادهای محلی		
۷	احتمال کسب رأی در دوره بعد انتخابات		
۶	تطابق با خواست و نظر دولت		

اولین موضوع مهمی که در عرصه دستور‌گذاری دیده می‌شود، تفاوت میان نحوه دستور‌گذاری مسائل مورد حمایت مجری (شهرداری) و سیاست‌گذار (شورای شهر) بود. طرح‌ها و لوایح مورد حمایت شهرداری به صورت متکی بر استدلال‌های فنی و اقتصادی مطرح می‌شدند. در موضوعات مرتبط، عملکرد نماینده شهرداری و یا سازمان متبوعه مبتنی بر دفاع از توجیهات اقتصادی و فنی طرح یا لایحه متمرکز می‌شد و مباحثی همچون جامعه هدف، الزامات فرهنگی یا سیاسی و ... از چارچوب‌های مباحث حتی‌الامکان خارج می‌شد. به‌عکس، بخش بزرگی از جنبه‌های غیر فنی و اقتصادی مباحث و مناقشات پیرامون مسائلی که قرار بود در دستور کار قرار گیرند توسط بدنه سیاست‌گذار مطرح می‌شد و در کانون توجه قرار می‌گرفت. در این موارد، نماینده دستگاه اجرایی معمولاً از موضع انفعال و عدم ورود به بحث با مسئله برخورد می‌کرد. فراوانی کدها در مقوله اسناد بالادستی از پراکنش تقریباً برابر میان مجریان و سیاست‌گذاران برخوردار بود و توجه به اسناد بالادستی توسط هر دو بازیگر انجام می‌شد. مجریان نگران عدم امکان‌پذیری اجرای سیاست‌ها بودند و سیاست‌گذاران دغدغه وتو و رد خطمشی‌ها و تصمیمات اتخاذشده توسط نمایندگان دولت را داشتند. توزیع زیرمقولات نشان می‌داد بررسی جامعه هدف و ذی‌نفعان خطمشی نیز کم‌وبیش مد نظر هر دو گروه بود اگرچه

سیاست‌گذاران توجه بیشتری به آن داشتند. مقوله الزامات اقتصادی هم اگرچه به طور برجسته‌ای در حوزه مجریان قرار می‌گرفت اما موارد مختلفی از توجه به آن در میان سیاست‌گذاران دیده می‌شد. در لوایح ارسالی از سوی سازمان اجرایی (شهرداری) چند مورد برجسته نسبت به طرح‌های اعضای شورا به چشم می‌خورد. نخست آنکه در لوایح اشراف و تسلط بیشتر حامیان مسئله به‌وضوح دیده می‌شد. ماهیت مسئله بهتر شناخت شده و زوایای بیشتری از آن در نظر گرفته شده بود. حدود و ثغور مسئله واضح‌تر بوده و مرزهای آن شفاف‌تر بود. لوایح در مقایسه با طرح‌ها از ظرافت و ریزه‌کاری‌های بیشتری برخوردار بوده و نسبتاً جامع‌تر بودند. دوم، دغدغه بیشتر سازمان اجرایی در رساندن مسائل به میز دستور کار شورا است. تلاش نمایندگان سازمان اجرایی برای اقناع اعضای کمیسیون به منظور پذیرفتن یک مسئله در قالب دستور کار، به مراتب بیش از تلاشی است که اعضای کمیسیون برای به ثمر رساندن طرح‌های خود به کار می‌برند. به نظر می‌رسد درگیری با مشکلات واقعی و ملموس و حضور در فضای عینی، موجب شده تا مجری جدید بیشتری برای تدوین مسائل در دستور کار داشته باشد. شکل ۳ مدل حاصل از نظریه داده‌بنیاد و نشان‌دهنده کانون‌های توجه و نقش بازیگران است.



شکل ۳. کانون‌های توجه در حوزه دستور‌گذاری با تأکید بر تفکیک مجری و سیاست‌گذار

نوع رفتار مبتنی بر خصوصیات و توانایی فردی بازیگران هم بود. بازیگران مختلف هنگام دستورگذاری رفتارهای متفاوتی از خود بروز می‌دادند. در هر کمیسیونی، یک سری افراد اثرگذار بودند. افراد اثرگذار دارای دانش در مورد مسئله بوده و توانایی تغییر در آرای کمیسیون مبنی بر پذیرش یا رد یک موضوع به‌عنوان مسئله عمومی را داشتند. مثلاً در کمیسیون مشارکت‌های اقتصادی، عضو دارای تحصیلات حقوقی به نسبت سایر بازیگران از توانایی بیشتری برای جهت‌دهی به مباحث مطرح‌شده برخوردار بود. از این نظر، اعضای که تجربه و سابقه عضویت در شورا را داشتند و نیز نمایندگان شهرداری کاملاً متمایز از سایر بازیگران خط‌مشی بودند. در واقع شکلی از قدرت مبتنی بر بعد اول را در کمیسیون به کار می‌بردند.

همچنین مشاهده رفتار، الگوی دیگری از توانایی بازیگران دستورگذاری را نشان می‌داد. برخی بازیگران برای قرار دادن یک مسئله در دستور کار، از تهییج احساسات سایرین و مهارت‌های کلامی خود بهره می‌گرفتند. این اشخاص برون‌گرا بودند. افراد برون‌گرا الزاماً دارای دانش و تجربه کافی برای اثرگذاری بر دیگر بازیگران برخوردار نبودند، اما با تکیه بر مهارت‌های فردی و یا بده‌بستان‌های متقابل، از قدرت قابل توجهی برای به رسمیت شناختن مسائل بهره‌مند بودند. در مقابل دسته‌ای دیگر از بازیگران درون‌گرا بودند و در قبال مباحث و مناقشات حالت خنثی داشتند. پاره‌ای اوقات اهمیت یک مسئله برای یک بازیگر در چارچوب هنجارهای فکری وی، باعث می‌شد تا یک بازیگر درون‌گرا به برون‌گرا تبدیل شود و به‌عکس. بُعد وظیفه‌پذیری در کمیسیون‌ها به صورتی کاملاً برجسته دیده می‌شد. با این حال یک عضو وظیفه‌پذیر فعال ممکن بود نقش منفی عاطفی اجتماعی داشته باشد. به همین شکل نقش فعال نبودن یک عضو می‌توانست همراه با نقش مثبت عاطفی وی همراه شود. بنابراین لازم بود تا الگویی بازسازی شده از IPA مورد استفاده قرار گیرد تا امکان تفکیک میان بازیگران به وجود آید. بنابراین با کمک مشاهدات انجام‌شده طی زمان، الگوی اصلی بر اساس تأثیرگذاری و بازنمودهای هیجانی بازیگران بنا شد که ترکیب آن‌ها با یکدیگر به یکی از ۴ دسته اصلی الگوی IPA شبیه خواهد بود. جدول ۶ ترکیب یافته‌های حاصل از نظریه داده‌بنیاد ساخت‌گرا و الگوی IPA است.

دوم، نقش و اثر این بازیگران در دستور کارها است. داده‌های کسب‌شده از طریق مشاهده در این پژوهش شامل داده‌های غیرکلامی بودند چون داده‌های کلامی از طریق نظریه داده‌بنیاد ساخت‌گرا در قالب اسناد متنی تحلیل شد. داده‌های کلامی همان مباحث شکل‌گرفته حول موضوع مورد بررسی برای قرار گرفتن در دستور کار و داده‌های غیرکلامی شامل رفتار افراد و کنش‌های آنان، سرعت بیان، پافشاری و هیجانات فردی و ... بودند.

داده‌های ضبط‌شده هنگام مشاهده را باید به صورت گزارش درآورد که یادداشت‌های میدانی نامیده شده و توصیفی یا تأملی هستند. یادداشت‌های توصیفی به وقایع، اعمال و وضع ظاهری و زمینه اختصاص دارند. یادداشت‌های تأملی به اندیشه‌های فردی مشاهده‌گر بستگی دارد که طی مشاهده و حول موضوع مورد مشاهده شکل می‌گیرند [۳۰]. در این پژوهش یادداشت‌ها از نوع دوم بودند تا با ایده‌ها و تم‌های ظاهرشده در خلال استفاده از نظریه داده‌بنیاد ساخت‌گرا مرتبط شود.

در اینجا پژوهشگر با تفکیک میان «معنا» (Bedeutung) و «معنا برای» (Bedeutsamkeit) تلاش کرده است تا به فهم به‌عنوان توافق برسد. معنای عمل خط‌مشی‌گذار برای خود او و یا پژوهشگر چیست؟ مثلاً معنای واژه عدالت که توسط اعضای شورای شهر همواره در کمیسیون‌ها استفاده می‌شود کدام است؟ معنای این واژه برای پژوهشگر وقتی از زبان یک عضو خارج می‌شد متفاوت از معنایی بود که عضو دیگری بیان می‌کرد. با اینکه هر دو نفر یک واژه را مورد استفاده قرار می‌دادند و علی‌الاصول با استفاده از ابزار روش، نتیجه یکسانی از رفتار این دو باید به دست می‌آمد، اما این‌گونه نبود و یکی عدالت را در چارچوب مثبت (ایجابی) می‌دید و دیگری منفی (سلبی). در یک معنا عدالت جنبه اجرای قانون را داشت که در عین حال به درآمد بیشتر برای شهرداری منتهی می‌شد و در معنای دیگر، تساهل و مدارا بود که برای حفظ رضایت گروه‌های اجتماعی خاصی به کار می‌رفت. چنین دوگانه‌هایی به‌وفور در رفتار خط‌مشی‌گذاران دیده می‌شد و در صورت اغماض، یافته‌های منتج از روش را دچار خدشه می‌کرد. علاوه بر این، نوعی گونه‌شناسی از خصوصیات فردی خط‌مشی‌گذار و مجری را هم به دست داد که با دانش، تجربه و اطلاعات بازیگران دستورگذاری هم ارتباط پیدا می‌کرد. در کنار این فهم از معنای دستورگذاری نزد بازیگران خط‌مشی، مشاهده مبین

جدول ۶. تلفیق نظریه داده‌بنیاد و الگوی IPA

مقولات		سیاست‌گذار (اعضای شورا)		مجری (نمایندگان شهرداری)	
الزامات فنی	وظیفه‌پذیر غیرفعال	نقش مثبت عاطفی اجتماعی	اثرپذیر درون‌گرا	نقش مثبت-منفی عاطفی اجتماعی	اثرگذار برون‌گرا
	وظیفه‌پذیر غیرفعال	نقش مثبت عاطفی اجتماعی		نقش مثبت-منفی عاطفی اجتماعی	
الزامات اقتصادی	وظیفه‌پذیر غیرفعال	نقش مثبت عاطفی اجتماعی	اثرگذار درون‌گرا	نقش مثبت عاطفی اجتماعی	اثرگذار درون‌گرا
اسناد بالادستی	وظیفه‌پذیر فعال	نقش مثبت عاطفی اجتماعی	اثرگذار درون‌گرا	نقش مثبت عاطفی اجتماعی	اثرگذار درون‌گرا
جامعه هدف	وظیفه‌پذیر فعال	نقش مثبت-منفی عاطفی اجتماعی	اثرگذار درون-برون‌گرا	نقش مثبت عاطفی اجتماعی	اثرپذیر درون‌گرا
الزامات فرهنگی	وظیفه‌پذیر فعال	نقش مثبت-منفی عاطفی اجتماعی		نقش مثبت عاطفی اجتماعی	اثرپذیر درون‌گرا
الزامات سیاسی	وظیفه‌پذیر فعال	نقش مثبت-منفی عاطفی اجتماعی		نقش مثبت عاطفی اجتماعی	اثرپذیر درون‌گرا

این افراد در حوزه مسائل مبتنی بر الزامات فنی و یا الزامات اقتصادی غالباً نقش وظیفه‌پذیر فعال داشتند و به‌عکس در زمینه مسائل حول الزامات سیاسی و فرهنگی وظیفه‌پذیر غیرفعال بودند، اما رفتار سیاست‌گذاران پر نوسان بود و

نتایج حاصل از مشاهده رفتار بازیگران نیز نشان از تمایز میان این دو بازیگر داشت. رفتار نمایندگان مجری به‌رغم تغییر فردی آن‌ها در کمیسیون‌های مختلف، تقریباً بدون نوسان و یکنواخت و تابعی از یک الگوی مشخص بود.

مرجع تهیه‌کننده ارجاع شده تا روی آن بازبینی و مذاقه بیشتری شود. این الگو در زمینه‌های مختلف دارای تفاوت‌ها و شباهت‌هایی با سایر مدل‌های دستورگذاری است. اگرچه مدل ساخت اجتماعی طبقات هدف از لحاظ نحوه‌گرایی و توجه به جامعه هدف به این مدل کمی شبیه است، اما در مدل مورد اشاره، جامعه هدف تنها عامل اثرگذار بر دستورگذاری است، در حالی که در مدل پیشنهادی پژوهش فقط یکی از عوامل مهم در دستورگذاری جامعه هدف قلمداد می‌شود. مدل جریان‌های چندگانه اختلافات و تفاوت‌های فاحشی با این مدل دارد. کینگدان بر کثرت‌گرایی و وجود هم‌زمان جریان‌های سیاسی، جریان مسئله و جریان خطمشی و باز شدن پنجره سیاستی و رویداد کانونی برای دستورگذاری تأکید می‌ورزد، در حالی که تقریباً هیچ‌یک از این موارد با نتایج پژوهش همخوانی ندارد. نباید فراموش کرد که مدل جریان‌های چندگانه کینگدان در محیط‌های خطمشی‌گذاری خاصی مورد آزمون قرار گرفته که با شرایط حکومت‌های محلی در ایران تفاوت‌های بنیادین دارند. مفهوم انحصار خطمشی در نظریه تعادل گسسته را می‌توان به صورت اثرگذاری گسترده مجریان بر دستور کارهای متضمن الزامات فنی، اقتصادی و اسنادبالادستی و سیاست‌گذاران بر الزامات فرهنگی و سیاسی و جامعه هدف تعبیر کرد. با این وجود مفهوم بازخورد به آن شکل که در نظریه تعادل گسسته مطرح است در اینجا دیده نمی‌شود. به‌رغم اینکه مدل کاب و راس در سطح حکومت مرکزی ارائه شده و متناسب با ساختارهای سیاسی بوده است، با این حال می‌توان گفت که مقایسه آن با الگوی فعلی نشان‌دهنده آن است که مدل پیشنهادی با ابداع درونی در مدل کاب و راس مشابهت بیشتری دارد. تأکید بر نقش دانش و آگاهی در دستورگذاری و استفاده از زبان غیرخشی برای وارد کردن یا خارج کردن یک مسئله از دستور کار، وجه مشترک الگوی فعلی و مدل احتجاجی است، اما باید توجه داشت که مدل احتجاجی بر بعد سوم قدرت متمرکز است و محل اعمال آن را در مرحله‌ای پیش از دستور کار تصمیم می‌داند.

یکی از ویژگی‌های مهم این الگو، فردگرا بودن آن است. فردگرایی در فرایند دستورگذاری هم به صورت عدم وابستگی سیاسی و گروهی دیده می‌شود و هم به صورت بی‌توجهی به مستندات. انتظار می‌رفت که توجه مجریان به دستور کارهای مبتنی بر مستندات بوده و تمرکز سیاست‌گذاران بر قضاوت‌های ارزش محور در فرایند دستورگذاری باشد که الزاماً هم‌راستا با مستندات علمی و فنی نیستند [۳۱]. اما در الگوی موجود چنین پیش‌فرضی کارایی نداشت و فردگرایی بر تعیین دستور کارها کاملاً سایه افکنده بود. برخی دستور کارها که با هنجارها و ارزش‌های فرهنگی و سیاسی سیاست‌گذاران در تطابق بودند با مخالفت فردی آن‌ها کنار گذاشته می‌شدند و برخی مسائل دیگر که در ظاهر با نظام ارزشی بازیگران زاویه داشتند، در دستور کار قرار می‌گرفتند و به صحن شورا فرستاده می‌شدند. جدول ۵ خلاصه نتایج به‌دست‌آمده و تفاوت الگوی دستورگذاری در شورای شهر مشهد با مدل‌های موجود را به دست می‌دهد.

بر حسب دانش و آگاهی و تجربه عضو شورا ممکن بود هر یک از نقش‌های ۴ گانه را بپذیرد. در واقع در هر کمیسیونی، یک سری افراد متکی بر قدرت ناشی از آگاهی، دارای اثرگذاری بودند. به این ترتیب الگوی رفتاری اعضای شورا بیش از آنکه متأثر از جایگاه آنان باشد، برخاسته از ویژگی‌های فردی است. در هر یک از کمیسیون‌های تخصصی شورای شهر و بر حسب مسئله‌ای که قرار است در دستور کار شورا قرار گیرد قسمت‌هایی از این الگوی کلی برجسته می‌شود. مثلاً در کمیسیون فنی و عمران نقش پررنگ نماینده شهرداری در رسیدن طرح‌ها و لوایح به صحن علنی شورا مشهود بود، اما در کمیسیون فرهنگی اثرگذاری کمتری داشت. یا در مورد جایگاه جامعه هدف در کمیسیون فرهنگی از عوامل تأثیرگذار در دستورگذاری مسائل به حساب می‌رفت، در حالی که در کمیسیون مشارکت‌های اقتصادی به این عامل توجه کمتری می‌شد. در کمیسیون برنامه و بودجه آثار رفتاری بازیگران (الزامات سیاسی و فرهنگی) بر رد یا پذیرش یک مسئله برای دستور کار شورا مشهود بود، ولی در کمیسیون حمل‌ونقل چنین رفتاری به‌ندرت دیده شد. بنابراین در هر کمیسیونی ترکیب این موارد دستخوش تغییر می‌شد و یک سازوکار ثابت و همانند در همه کمیسیون‌ها دیده نمی‌شد.

نتیجه‌گیری

الگوی غالب دستورگذاری در شورای شهر مشهد ترکیبی از دو رویکرد توجه به محدودیت‌های دستورگذاری و مناسبات قدرت در بعد دوم است. از یک سو برای تعیین دستور کار صحن شورا، مجریان (نمایندگان شهرداری در کمیسیون‌ها) به علت دانش تخصصی و تجربه، قدرت تأثیرگذاری بالایی در کمیسیون‌ها دارند. البته این اثرگذاری بیشتر در کمیسیون‌هایی دیده می‌شود که مسائل مطروحه در آن‌ها برای دستورگذاری کمتر مبتنی بر الزامات فرهنگی و سیاسی بوده و توجه به جامعه هدف خیلی پررنگ نباشد. به‌عکس در کمیسیون‌ها و دستور کارهایی که متکی بر الزامات فنی و اقتصادی است و یا اسناد بالادستی اثر محسوس بر آن‌ها می‌تواند داشته باشد، مجریان قادر هستند تصمیمات را به عدم تصمیمات (non-decision) تبدیل کرده و مسائل را از دستور کار خارج کنند. عملکرد سیاست‌گذاران نیز در همین چارچوب قابل تحلیل است. مسائلی که متضمن الزامات اقتصادی و فنی و محدودیت‌های اسناد بالادستی هستند، در قالب عقلانیت محدود قرار گرفته و نقش آن‌ها را در دستورگذاری کاهش می‌دهد. به‌عکس، در دستور کارهای مبتنی بر الزامات فرهنگی و سیاسی و متمرکز بر جامعه هدف، سیاست‌گذاران با تکیه بر بعد دوم قدرت تصمیمات را به کانون توجه می‌آورند و یا از آن خارج می‌کنند. همچنین نحوه‌گرایی در این الگو وجهی برجسته دارد. در موارد اندکی گروه‌ها و ذی‌نفعان مختلف این شانس را داشتند که در کمیسیون‌ها حاضر شوند یا مستندات خود را به بازیگران دستورگذاری ارائه دهند. بسته بودن فرایند دستورگذاری به روی بخش قابل توجهی از کنش‌گران و ذی‌نفعان موجب می‌شد بسیاری از مسائل مورد بحث برای قرار گرفتن در دستور کار، به

جدول ۷. تطبیق مدل‌های موجود با یافته‌های پژوهش

الگوی دستورگذاری	موضوع الگو	سطح تحلیل	قدرت	بازیگران	پرسش‌ها
ساخت اجتماعی طبقات هدف	سیاست (ساختار سیاسی) ایدئولوژی (ساختار ایدئولوژی) جبرگرایی اقتصادی و فناوری (ساختار اقتصادی)	بسترها	بعد دوم	نخبه‌گرا	چگونه سلطه ساختار ایدئولوژی در روند دستورگذاری تأثیر می‌گذارد؟
مدل احتجاجی	نقش دانش و آگاهی	درون خطمشی	بعد سوم	نخبه‌گرا	نقش حرفه‌ای‌ها و متخصصین در دستورگذاری چیست؟
جریان‌های چندگانه	تحلیل ذینفعان و کنشگران		بعد اول	تکثرگرا	ذینفعان چه عملکردی در دستورگذاری دارند؟
تعادل گسسته	تغییر ساختار چارچوب		بعد اول	تکثرگرا	کدام عوامل اصلی سبب تغییرات در خطمشی می‌گردند؟

الگوی دستورگذاری	موضوع الگو	سطح تحلیل	قدرت	بازیگران	پرسش‌ها
مدل کاب و راس	مدیریت منازعه	واسط	بعد اول و دوم	تکثرگرا- نخبه‌گرا	چگونه با مدیریت کردن یک منازعه می‌توان موضوعات را در دستور قرار داد یا از آن خارج کرد؟
الگوی دستورگذاری در شورای شهر	تحلیل بازیگران	درون خطمشی	بعد دوم	نخبه‌گرا	نقش بازیگران اصلی در فرایند دستورگذاری چیست و کانون توجه آنها برای تعیین دستور کار کدام است؟

مشارکت نویسندگان

سید حامد رستگار (۱۰۰٪)

تشکر و قدردانی

این پژوهش منافع تجاری نداشته است و در قبال ارائه اثر خود وجهی دریافت نکرده و مقاله حامی مادی و معنوی ندارد.

تعارض منافع

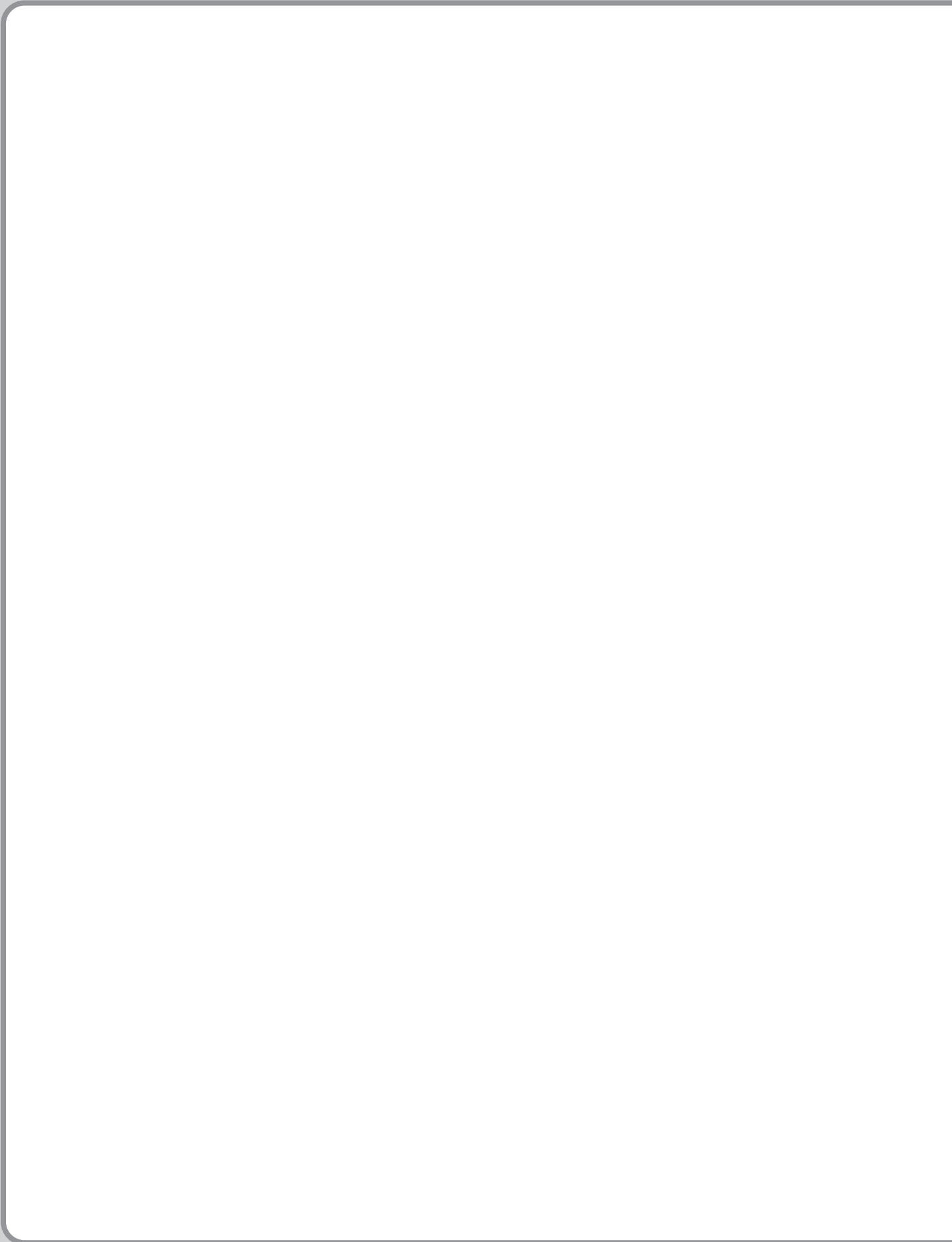
هیچ‌گونه تعارض منافی توسط نویسندگان بیان نشده است. نویسنده در رابطه با انتشار مقاله ارائه شده به طور کامل به اصول اخلاقی نشر پایبند بوده است.

یادداشت‌ها

۱ عضویت اعضای شورای شهر و یا حضور نمایندگان شهرداری در کمیسیونهای مختلف همپوشانی دارد و هر نفر ممکن است در چند کمیسیون حضور داشته باشد. بررسی رفتار یک نفر در کمیسیونهای مختلف الگوی رفتاری وی را در برخورد با مسائل مختلف مشخص می‌کند.

۲ در اینجا توجه به تفاوت بازیگر و ذینفع مهم است. بازیگران الزاماً از مواهب در دستور کار قرار گرفتن یک مسئله یا اجرای یک خطمشی بهره‌مند نمی‌شوند.

- منابع ■
- [1] Dunn W. Public policy analysis, an integrated approach. 2018. Routledge
- [2] Dye T. Understanding public policy. 2017. Prentice Hall
- [3] Meyerhöfer F. Agenda Setting and Decision Making in the European Union: The Case of GALILEO. 2009. Thesis in the EMPM Program of the Hertie School of Governance, Berlin, Germany.
- [4] Breeman G. Scholten P. Immermans A. Analyzing Local Policy Agendas: How Dutch Municipal Executive Coalitions Allocate Attention. *Local Government Studies* 2014; 41(1): 20-43. <https://doi.org/10.1080/03003930.2014.930024>
- [5] Bækgaard M. Mortensen P. Seeberg H. The Bureaucracy and the Policy Agenda. *Journal of Public Administration Research and Theory* 2018; 28(2): 239-253. <https://doi.org/10.1093/jopart/mux045>
- [6] Dannevig H. Agenda-setting the unknown: A study of local and regional governance of adaptation in Norway. 2016. Aalborg Universitetsforlag. (Ph.d.-serien for Det Teknisk-Naturvidenskabelige Fakultet, Aalborg Universitet)
- [7] Mirzamany A. Akhavan alavi H. Amiri A. Esmaili H. Understanding Tax Policy-making Process in Iran: Factors Affecting Tax Agenda setting Process at the National Level and its actors. *Journal of Tax Research* 2019; 25 (36) :211-249 [In Persian]. <http://taxjournal.ir/article-1-1328-fa.html>
- [8] Pourezzat A. Bigdeli S. Sadabadi A. The Prioritizing of Problems in The Agenda-Setting Stage of Public Policies. *Political Knowledge* 2013; 9(2): 5-28 [In Persian]. [10.30497/PK.2014.1682](https://doi.org/10.30497/PK.2014.1682)
- [9] Abbasi T. Danaee Fard H. Azar A. Alvani M. Explaining Policy Change using Kingdon's Multiple Streams, the law of the Duties and Organization of Iran's Ministry of Science, Research and Technology. *Science and technology policy* 2010; 3(1): 82-98 [In Persian]. [20.1001.1.20080840.1389.3.1.7.7](https://doi.org/10.1001.1.20080840.1389.3.1.7.7)
- [10] Cairney P. Zahariadis N. Multiple streams approach: A flexible metaphor presents an opportunity to operationalize agenda setting processes. In Zahariadis N, editor. *The Handbook of Public Policy Agenda Setting*. Edward Elgar; 2016. P. 87-106 <https://doi.org/10.4337/9781784715922.00014>
- [11] Cobb R. Ross J. Ross M. Agenda Building as a Comparative Political Process. *The American Political Science Review* 1976; 70(1): 126-138. <https://doi.org/10.2307/1960328>
- [12] Birkland T. An introduction to the policy process: theories, concepts and models of public policy making. 2020. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781315292335>
- [13] Kraft M. Furlong S. Public Policy, Politics, Analysis and Alternatives. 2018. Sage
- [14] Durnova A. Zittoun P. Discursive Approaches to Public Policy. *Revue française de science politique* 2013; 63(3-4): 85-94 DOI: [10.3917/rfsp.633.0569](https://doi.org/10.3917/rfsp.633.0569).
- [15] Howlett M. Ramesh M. Perl A. Studying Public policy, principles and processes. 2020
- [16] Peters G. Advanced introduction to public policy. 2021. Edward Elgar
- [17] Gholipur R. Faghihi M. Policy making and public policy analysis. 2013. Mahkame [In Persian]
- [18] Gupta D. Analyzing public policy: concepts, tools, and techniques. 2011. CQ press
- [19] Yanow D. Interpretation in policy analysis: On methods and practice. *Critical Policy Analysis* 2010;1(1) :110-122. <https://doi.org/10.1080/19460171.2007.9518511>
- [20] Dowding K. Martin A. Policy agendas in Australia. 2017. Palgrave Macmillan
- [21] Cairney P. Understanding Public policy, Theories and issues. 2020. Macmillan
- [22] Lukes S. Power, a radical view. 2005 Palgrave
- [23] Baumgartner F. R. Jones B. D. Mortensen P. Punctuated-Equilibrium Theory: Explaining Stability and Change in Public Policymaking. In Sabatier P, editor. *Theories of the policy process*. Routledge. 2018. P. 55-103. DOI: [10.4324/9780429494284-3](https://doi.org/10.4324/9780429494284-3)
- [24] Sabatier P. and Weible C. *Theories of the policy process*. 2014 Routledge
- [25] Durnova A. Fischer F. Zittoun P. Discursive Approaches to Public Policy: Politics, Argumentation, and Deliberation. In Peters G. Zittoun P. editors. *Contemporary Approaches to Public Policy: Theories, Controversies and Perspectives*. Palgrave. Macmillan; 2016. P. 35-56. https://doi.org/10.1057/978-1-137-50494-4_3
- [26] Parsons D. W. Public policy: an introduction to the theory and practice of policy analysis. 2023 (Malekmohammady, H., Trans). Tehran: Research institute of strategic studies [in Persian]
- [27] Eissler R. Mortensen P. Russell A. Local government agenda setting. In Zahariadis N, editor. *The Handbook of Public Policy Agenda Setting*. Edward Elgar; 2016. P. 297-314 <https://doi.org/10.4337/9781784715922.00026>
- [28] Charmaz K. Constructing grounded theory: a practical guide through qualitative analysis. 2006. Sage
- [29] Easterby S. Thorpe R. Paul R. Jackson P. Management and business research. 2015. Sage
- [30] Plano Clark V. Creswell J. Understanding research. A consumers' guide. 2015. Pearson
- [31] Karch A. Bromley R. Saliency, Scientific Uncertainty, and the Agenda-Setting Power of Science. *Policy Studies Journal* 2021; 49(4): 992-1018. <https://doi.org/10.1111/psj.12373>



examine the quality-of-life status in each of the study areas, quality-of-life indicators were examined and analyzed using a one-sample T-test. In the second step, quality of life indicators were separated into distinct and structured factors using exploratory factor analysis in the SPSS software, and finally, a stepwise regression method was used to explain and identify the influential factors on the quality of life in each of the study areas (historical structures and the urban level of Qazvin city).

Findings

The examination of the quality of life in the historical fabric and urban level of Qazvin city indicates that the accessibility to essential urban services and facilities at the urban level of Qazvin city is more favorable compared to historical fabrics. This demonstrates the attention of urban management in urban planning and emphasizes coherent and modern urban planning at the urban level compared to historical fabrics, leading to better provision and distribution of urban services and facilities at the urban level, resulting in higher satisfaction and a more desirable situation compared to historical fabrics. On the other hand, in terms of security and some cultural and social concepts, historical fabrics provide a more favorable situation. The overall status of the quality of life in the areas indicates that satisfaction with the overall quality of life in both urban types, despite differences in some components, is almost the same, and desirable satisfaction with the quality of life is not observed in both types. The elucidation of indicators influencing the quality of life of each type indicates that in historical fabrics, factors such as access to urban services, leisure and recreational status, and citizens' economic status, respectively, are the most important and influential in explaining the quality of life. In contrast, at the urban level, factors such as access to urban services, access to educational and recreational services, the economic and social potentials of citizens, urban transportation status, housing, and urban economy, respectively, have the greatest impact on the quality-of-life situation. The examination of this concept shows that the factors influencing the quality

of urban life, from a general perspective and in essence, share fundamental similarities with factors influencing the quality of life in historical fabrics. Despite the belief that historical fabrics, due to differences in nature and fabric type, have fundamental differences in some concepts such as quality of life compared to other urban levels, the results indicate that the indicators affecting the quality of life at the urban level and historical fabrics are almost the same and only have fundamental differences in some minor areas.

Conclusion

The results of data analysis in the study areas indicate that the accessibility to urban services and facilities in the city of Qazvin is more favorable compared to historical areas. On the other hand, in terms of security and cultural and social concepts, historical areas have higher levels and more favorable conditions. Overall, satisfaction with the general quality of life in both types of cities is at a similar level, despite differences in some components, and desirable satisfaction with the quality of life is not observed in either type. In terms of indicators influencing the quality of life in historical areas, factors such as access to urban services, leisure and recreation, and the economic situation of citizens respectively have the most importance and impact on explaining the quality of life. In the city of Qazvin, factors like access to urban services, access to educational and recreational services, and the economic and social potentials of citizens have the greatest influence and importance. The examination of this concept shows that contrary to the assumption, factors influencing the quality of life in historical areas and other urban levels have many commonalities and are almost the same in both types, with very minor differences. Therefore, it can be concluded that factors influencing the quality of life in historical areas and other urban levels are not different from each other and point to common areas that, in improvement programs emphasizing areas such as urban facilities and services, leisure and recreation, and some economic concepts, can create opportunities for improving the quality of life in both types.

COPYRIGHTS

©2022 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.



HOW TO CITE THIS ARTICLE

Eslami A. Shokouhi Bidhendi M. S. Explanation of the Situation and Factors Affecting the Quality of Life in the Historical Context and Surface of Qazvin City. Urban Economics and Planning Vol 5(1):90-105. [In Persian]

DOI: 10.22034/UEP.2024.432161.1450



Explanation of the Situation and Factors Affecting the Quality of Life in the Historical Context and Surface of Qazvin City*

Case Study

Armin Eslami¹, Mohammad Saleh Shokouhi Bidhendi^{2}**

1- Master of Urban Planning, Department of Urban Planning & Design, School of Architecture and Environmental Design, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran

2- Assistant Professor in the Urban Planning Department, Faculty of Architecture and Urban Planning, University of Science and Technology, Tehran, Iran

ARTICLE INFO

Article History

Received: 2023-12-25

Revised: 2024-02-05

Accepted: 2024-02-08

Keywords

Historical Context

Qazvin City

Quality of Urban Life

Satisfaction

ABSTRACT

Introduction

The expansion of cities and the increase in daily urbanization in the form of densely populated cities with industrial and production roles have led to fundamental changes in the concepts related to urbanization and have generally brought about major structural changes in the structure and nature of modern cities. On the other hand, the movement of cities towards modernism has resulted in many valuable and historical structures within cities facing neglect and significant destruction. However, after years have passed, many urban challenges and problems resulting from modernism have led to a renewed focus on historical structures, creating a dual and deep confrontation between new urban structures and historical structures. This factor has caused many of the criteria for urban planning to focus on the superiority and desirability between new and historical urban structures. It is important to determine which levels provide a more desirable situation for the better living of citizens in each of the valuable urban concepts and criteria. One of the most important of these concepts is the quality of urban life for individuals. Quality of life is a multi-dimensional and dynamic concept that encompasses the environment and living conditions of the people in a region, including all factors that impact an individual's life. With the prevalence of the modernist approach in cities and the increasing trend of urbanization, the urban structure of many countries has been faced with fundamental changes and transformations. This has led to negligence towards historical structures, resulting in a decrease in the quality of life in these areas and a hidden confrontation of historical structures with new urban levels. Therefore, this research aims to conduct a comparative study on the quality of life and the influencing factors on it in historical structures and the urban level of Qazvin city.

Materials and Methods

The research method is practical and based on quantitative methods. Questionnaires were used for data collection. This research aims to investigate and analyze the quality-of-life status and its influencing factors in historical structures and the urban level of Qazvin city. The research indicators were extracted by reviewing relevant literature sources. In other words, the dominant approach in this research is a survey method using a questionnaire about urban quality of life, employing a five-point Likert spectrum scoring scale. This research was conducted in three steps. In the first step, to

* This article is taken from the master's thesis of the first author, entitled "Planning to Improve the Quality of Life According to the Size of the City" under the guidance of the second author.

** Corresponding author: saleh.shokouhi@gmail.com

تبیین وضعیت و عوامل اثرگذار بر کیفیت زندگی در بافت تاریخی و سطح شهر قزوین*

مطالعه موردی

آرمین اسلامی^۱؛ محمد صالح شکوهی بیدهندی^{۲*}

۱- کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران

۲- استادیار شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران

چکیده

مقدمه

گسترش شهرها و افزایش روزافزون شهرنشینی به شکل امروزی و در قالب شهرهای پرتراکم با نقش‌های صنعتی تولیدی باعث تغییرات بنیادین مهمی در مفاهیم مرتبط با شهرنشینی شده و به طور کلی، تغییرات ساختاری عمده‌ای را در ساختار و ماهیت شهرهای امروزی به وجود آورده است. از سوی دیگر، حرکت شهرها به سمت مدرنیسم موجب شد که بسیاری از بافت‌های ارزشمند تاریخی در بطن شهرها با بی‌توجهی و تخریب عمده‌ای روبه‌رو شوند، اما پس از گذشت سال‌ها ظاهر شدن بسیاری از چالش‌ها و مشکلات شهری حاصل از مدرنیسم موجب شد بافت‌های تاریخی دوباره مورد توجه قرار گیرد و نوعی تقابل دوگانه و عمیقی میان بافت‌های شهری جدید و بافت‌های تاریخی به وجود آید. همین عامل باعث شد میزان برتری و مطلوبیت بسیاری از معیارهای شهرسازی میان بافت‌های شهری جدید و تاریخی مورد توجه قرار گیرد تا مشخص شود در هر یک از مفاهیم و معیارهای ارزش شهری کدام از سطوح وضعیت مطلوب‌تری را برای زیست بهتر شهروندان ارائه می‌دهد. یکی از این مفاهیم مهم کیفیت زندگی شهری افراد است. کیفیت زندگی مفهومی، چندبعدی و پویا است که به زمینه و شرایط زندگی مردم یک منطقه تنیده و همه‌عواملی را که بر زندگی یک فرد تأثیر می‌گذارد، در بر می‌گیرد. با رواج رویکرد مدرنیسم در شهرها و اوج گرفتن جریان شهرنشینی، ساختار شهری بسیاری کشورها با تغییر و تحولات بنیادینی مواجه شد. همین امر موجب بی‌توجهی به بافت‌های تاریخی، پیرو آن کاهش سطح کیفیت زندگی در این بافت‌ها و تقابل پنهان بافت‌های تاریخی با سطوح جدید شهری شد. از این‌رو هدف پژوهش حاضر، بررسی تطبیقی وضعیت کیفیت زندگی و عوامل مؤثر بر آن در بافت‌های تاریخی و سطح شهر قزوین است.

مواد و روش‌ها

روش پژوهش، کاربردی و مبتنی بر روش‌های کمی است. برای گردآوری اطلاعات از تکمیل پرسشنامه استفاده شده است. هدف این پژوهش، بررسی و تحلیل وضعیت کیفیت زندگی و شاخص‌های مؤثر بر آن در بافت‌های تاریخی و سطح شهر قزوین است. شاخص‌های پژوهش با بررسی ادبیات منابع مرتبط استخراج شده‌اند. به بیان دیگر، رویکرد حاکم بر این پژوهش روش پیمایشی با استفاده از پرسشنامه درباره کیفیت زندگی شهری است، که در آن از مقیاس امتیازگذاری پنج‌گانه طیف لیکرت استفاده شده است. این پژوهش در سه گام انجام شده است. در گام اول برای بررسی وضعیت کیفیت زندگی در هر یک از محدوده‌های مورد مطالعه، شاخص‌های کیفیت زندگی با استفاده از آزمون T تک‌نمونه‌ای مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. در گام دوم شاخص‌های کیفیت زندگی با بهره‌گیری از روش تحلیل عاملی اکتشافی در نرم‌افزار SPSS به عامل‌های مجزا و ساختارمندی تفکیک شد و در نهایت، برای تبیین و

اطلاعات مقاله

تاریخ‌های مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۱/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۹

کلمات کلیدی

بافت تاریخی

رضایت‌مندی

شهر قزوین

کیفیت زندگی شهری

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول، با عنوان «برنامه‌ریزی برای ارتقای کیفیت زندگی با توجه به اندازه شهر» به راهنمایی نویسنده دوم است.

** نویسنده مسئول: saleh.shokouhi@gmail.com

است، نتایج بیانگر آن است که شاخص‌های مؤثر بر کیفیت زندگی در سطح شهر و بافت‌های تاریخی با یکدیگر از منظر ماهیت با یکدیگر تقریباً یکسان بوده و فقط در برخی از حوزه‌های جزئی و اندک دارای تفاوت‌های بنیادینی است.

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها در محدوده‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد وضعیت دسترسی به خدمات و امکانات شهری در سطح شهر قزوین نسبت به بافت‌های تاریخی از وضعیت مطلوب‌تری برخوردار است. در مقابل در حوزه امنیت و مفاهیم فرهنگی و اجتماعی بافت‌های تاریخی دارای سطوح بالاتر و وضعیت مطلوب‌تری هستند. رضایتمندی از کیفیت زندگی کلی در هر دو گونه شهری علی‌رغم تفاوت‌ها در برخی مؤلفه‌ها، در یک سطح است و در هر دو گونه رضایتمندی مطلوبی از سطح کیفیت زندگی مشاهده نمی‌شود. از منظر شاخص‌های مؤثر بر کیفیت زندگی در بافت‌های تاریخی عوامل، دسترسی به خدمات شهری، وضعیت فراغت و تفریح، وضعیت اقتصادی شهروندان به ترتیب بیشترین اهمیت و تأثیرگذاری در تبیین کیفیت زندگی را دارند و در سطح شهر قزوین عوامل دسترسی به خدمات شهری، دسترسی به خدمات آموزشی و تفریحی، پتانسیل‌های اقتصادی و اجتماعی شهروندان دارای بیشترین تأثیر و اهمیت است. بررسی این مفهوم نشان می‌دهد به خلاف تصور، عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی در بافت‌های تاریخی و سایر سطوح شهری اشتراکات بسیاری دارند و در هر دو گونه تقریباً یکسان بوده و دارای تفاوت‌های بسیاری اندکی هستند. از این رو در کلام آخر می‌توان بیان کرد که عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی در بافت‌های تاریخی و سایر سطوح شهری با یکدیگر متفاوت نبوده و بر حوزه‌های مشترکی دلالت دارند که در برنامه‌ها طرح‌های ارتقای کیفیت زندگی هر دو گونه با تأکید بر حوزه‌هایی مانند امکانات و خدمات شهری، فراغت و تفریح و برخی مفاهیم اقتصادی می‌توان موجبات ارتقای کیفیت زندگی را در هر دو گونه فراهم ساخت.

مشخص‌سازی عوامل مؤثر کیفیت زندگی بر هر یک از محدوده‌های مورد مطالعه (بافت تاریخی و سطح شهر قزوین) از روش رگرسیون گام‌به‌گام استفاده شد.

یافته‌ها

بررسی وضعیت کیفیت زندگی در بافت تاریخی و سطح شهر قزوین بیانگر آن است که وضعیت دسترسی به خدمات و امکانات پر کاربرد شهری در سطح شهر قزوین نسبت به بافت‌های تاریخی از وضعیت مطلوب‌تری برخوردار است. این امر نشان از توجه مدیریت شهری در امور شهرسازی و تأکید بر برنامه‌ریزی شهری مدون و جدید سطح شهر نسبت به بافت‌های تاریخی دارد که موجب تأمین و پراکنش بهتر خدمات و امکانات شهری در سطح شهر و رضایتمندی و وضعیت مطلوب‌تر نسبت به بافت‌های تاریخی می‌شود. در مقابل در حوزه امنیت و برخی از مفاهیم فرهنگی و اجتماعی بافت‌های تاریخی وضعیت مطلوب‌تری را ارائه می‌دهند. نهایت وضعیت کلی کیفیت زندگی در محدوده‌ها نشان می‌دهد رضایتمندی از کیفیت زندگی کلی در هر دو گونه شهری علی‌رغم تفاوت‌ها در برخی مؤلفه‌ها تقریباً یکسان است و در هر دو گونه رضایتمندی مطلوبی از سطح کیفیت زندگی مشاهده نمی‌شود. تبیین شاخص‌های مؤثر بر کیفیت زندگی هر یک گونه‌ها نشان می‌دهد در بافت‌های تاریخی، عوامل: دسترسی به خدمات شهری، وضعیت فراغت و تفریح، وضعیت اقتصادی شهروندان به ترتیب دارای بیشترین اهمیت و تأثیرگذاری در تبیین کیفیت زندگی است. در مقابل در سطح شهر، عوامل دسترسی به خدمات شهری، دسترسی به خدمات آموزشی و تفریحی، پتانسیل‌های اقتصادی و اجتماعی شهروندان، وضعیت حمل‌ونقل شهری، مسکن و اقتصاد شهری به ترتیب دارای بیشترین تأثیر بر وضعیت کیفیت زندگی است. بررسی این مفهوم نشان می‌دهد عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی سطح شهر از نگاه کلی و از منظر ماهیت دارای اشتراک‌های بنیادینی با عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی بافت‌های تاریخی است و علی‌رغم این باور که بافت‌های تاریخی به جهت تفاوت در ماهیت و نوع بافت از منظر برخی مفاهیم مانند کیفیت زندگی دارای تفاوت‌های بنیادینی با سایر سطوح شهری

مقدمه

گسترش شهرها و افزایش روزافزون شهرنشینی به شکل امروزی و در قالب شهرهای پرتراکم با نقش‌های صنعتی تولیدی باعث تغییرات بنیادین مهمی در مفاهیم مرتبط با شهرنشینی شده و به طور کلی تغییرات ساختاری عمده‌ای را در ساختار و ماهیت شهرهای امروزی به وجود آورده است [۱]. از سوی دیگر، حرکت شهرها به سمت مدرنیسم و غالب شدن اصول این شیوه بر جسم و جان شهرها موجب شد که بسیاری از بافت‌های ارزشمند و تاریخی در بطن شهرها با بی‌توجهی و تخریب عمده‌ای روبه‌رو شوند. تا جایی که در بسیاری از شهرها در جهت توسعه شهری بسیاری از بافت‌های تاریخی تخریب شد، اما پس از گذشت سال‌ها ظاهر شدن بسیاری از چالش‌ها و مشکلات شهری حاصل از مدرنیسم و جریان شهرسازی جدید موجب شد بافت‌های تاریخی دوباره مورد توجه برنامه‌ریزان و پژوهشگران حوزه شهری قرار گیرد و یک تقابل دوگانه و عمیقی میان بافت‌های شهری جدید و بافت‌های تاریخی به وجود آید. همین عامل باعث شد میزان برتری و مطلوبیت بسیاری از معیارهای شهرسازی و زیست‌شهروندان میان بافت‌های شهری جدید و تاریخی مورد توجه قرار گیرد. تا مشخص شود در هر یک از مفاهیم و معیارهای با ارزش شهری کدام از سطوح وضعیت مطلوب‌تری را برای زیست‌بهرتر شهروندان ارائه می‌دهد. یکی از این مفاهیم مهم کیفیت زندگی شهری افراد است. موضوع کیفیت زندگی و تبیین عوامل مؤثر بر آن از دیرباز تا کنون مورد توجه بسیاری از پژوهشگران و موضوع اصلی بسیاری از پژوهش و تحقیقات حوزه شهرسازی بوده است [۲]. کیفیت زندگی مفهومی، چندبعدی، پویا و چندوجهی است [۳]. که به زمینه و شرایط زندگی مردم یک کشور یا منطقه مشخص وابسته و تنیده است [۴]. کیفیت زندگی یک مفهوم فراگیر است که همه عواملی را که بر زندگی یک فرد تأثیر می‌گذارد، در بر می‌گیرد [۵] و رضایتمندی افراد از ارزش‌ها، اهداف و نیازهای فردی، محیط زندگی خویش را شامل می‌شود در ارتباط مستقیم با سبک زندگی افراد است. کیفیت زندگی با بسیاری از ابعاد زندگی انسان‌ها در شهرها دارای ارتباط مستقیمی است، از این‌رو بررسی این مفهوم در بافت‌های تاریخی و سایر بافت‌های شهری جهت تبیین وضعیت زیست و رفاه بهتر به موضوعات بنیادین حوزه شهری تبدیل شده است. بسیاری از شهرها در بطن بافت شهری خود دارای بافت‌های ارزشمند تاریخی بسیاری هستند. شهر قزوین با سابقه تاریخی خود یکی از این شهرهای مهم است. با اهمیت یافتن این موضوع و اهمیت بالای کیفیت زندگی در زندگی شهروندان در این پژوهش بر آن هستیم تا وضعیت کیفیت زندگی و عوامل مؤثر بر آن را در بافت‌های تاریخی و بافت معمولی شهر قزوین را مورد بررسی و تبیین قرار دهیم. با وجود اینکه پژوهش‌های متعددی به شناخت و سنجش کیفیت زندگی شهری در تمام بافت‌های شهری پرداخته‌اند، شاخص‌های تأثیرگذار در سطوح نهفته و لایه‌های پنهان و عمیق‌تر کیفیت زندگی که تأثیرات عینی بر زندگی واقعی مردم در یک محیط شهری می‌گذارند، به دلیل پیچیدگی‌های بسیار و تعدد متغیرهای موجود و دشواری ارزیابی‌های پس از اجرا، هنوز به‌خوبی شناسایی و آکاوای نشده‌اند. از سوی دیگر، وضعیت کیفیت زندگی در برخی بافت‌های خاص و ویژه مانند بافت‌های تاریخی علی‌رغم اهمیت بسیار این بافت‌ها آن‌گونه که باید مورد توجه قرار نگرفته است. در تحقیقات انجام‌شده گذشته، از یک سو پژوهش‌های بسیار کمی، این مفهوم را به صورت تحلیلی میان بافت‌های تاریخی به عنوان یکی از ارزشمندترین بافت‌های شهری و سایر بافت‌های شهری مورد بررسی قرار داده و از سوی دیگر، اغلب پژوهش به دنبال بررسی وضعیت کیفیت زندگی و ارتباط آن با سایر مؤلفه‌های شهری بوده و اغلب شاخص‌های مؤثر بر این مفهوم در بافت‌های تاریخی و سایر بافت‌ها تبیین و بررسی نشده است. از این‌رو، هدف اصلی این پژوهش بررسی وضعیت کیفیت زندگی در بافت‌های تاریخی شهر قزوین و سایر بافت‌های معمولی شهری و تبیین عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی در هر دو گونه بافت‌ها و تحلیل آن است. بررسی وضعیت کیفیت زندگی و عوامل مؤثر بر آن در تبیین بافت‌های تاریخی و سایر سطح شهر و

تقابل این دو محدوده در حوزه کیفیت زندگی مفهومی است که تا امروز آن‌گونه که باید به آن پرداخته نشده و با رواج مدرنیسم و پیشرفت شهرها موضوعی قابل توجه است.

پیشینه پژوهش

پیدایش مفهوم کیفیت زندگی به دوران یونان قدیم و فیلسوفانی مانند ارسطو (۳۲۲-۳۸۴ پیش از میلاد) بازمی‌گردد که درباره «زندگی خوب و خوب زندگی کردن» مطالبی ارائه کرده‌اند. در آن زمان شادی یا شادمانه زیستن معادل مفهوم امروزی کیفیت زندگی در نظر گرفته می‌شد [۶]. اصطلاح کیفیت زندگی برای نخستین در دهه ۱۹۲۰ در کتابی به نام اقتصاد و رفاه توسط پیگو به طور تخصصی استفاده شد. تا قبل از آن این اصطلاح در فضاهای آکادمیک و علمی آن‌گونه که باید مطرح نبود [۷]. پس از آن، موضوع کیفیت زندگی و مفاهیم مربوط به آن از دهه ۱۹۳۰ توسط پژوهشگران و محققان حوزه‌های شهری مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت [۸]. از همان دوران بسیاری از محققان پژوهشگران به دنبال بررسی و تحلیل سکونتگاه‌های زیستی با بهره‌گیری از شاخص‌های کیفیت زندگی بوده‌اند [۹].

مرور پژوهش‌های موجود درباره موضوع نشان داد:

۱- امروزه بسیاری از پژوهش‌های حوزه کیفیت زندگی به دنبال بررسی عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی در شهرها و سکونتگاه‌های شهری هستند. به عنوان نمونه: باریا و همکاران [۴۴] در پژوهشی به ارزیابی و عوامل تعیین‌کننده کیفیت زندگی در شهرهای پرتغال به این نتیجه رسیده است که عوامل «حمل‌ونقل و دسترسی»، «ایمنی»، «مسکن»، «آموزش» و «فرهنگ و سرگرمی» بیشترین تأثیر را بر کیفیت زندگی دارد.

۲- بسیاری از پژوهش‌ها در صدد بررسی وضعیت کیفیت زندگی و تحلیل و رتبه‌بندی آن در شهرها و کشورهای مختلف هستند. به عنوان نمونه، گولریچ و همکاران [۴۵] در پژوهشی به رتبه‌بندی شهرهای اسپانیا از منظر کیفیت زندگی پرداخته که به این نتیجه رسیده‌اند که در اسپانیا شهرهای بزرگ از نظر شرایط اجتماعی-اقتصادی رتبه بهتری نسبت به سایرین دارند. یا تالمگ و همکاران [۴۶] در پژوهشی به بررسی کیفیت زندگی در ۱۴۸ شهر آمریکا پرداخته‌اند که نتایج حاکی از آن است که در آمریکا کیفیت زندگی بالاتری در شهرستان‌ها و مناطق شهری با سطوح بالاتر رفت‌وآمد چندوجهی مشاهده می‌شود.

۳- برخی پژوهش‌های دیگر به دنبال بررسی کیفیت زندگی با برخی از مفاهیم و موضوعات مهم شهرسازی و تبیین ارتباط آن‌ها هستند. به عنوان مثال، فروهر و حسن‌خانی [۴۸] در پژوهشی تحت عنوان «کلان‌پروژه‌های نوسازی شهری و کیفیت زندگی ساکنان: شواهدی از مرکز مذهبی تاریخی کلان‌شهر مشهد» به بررسی متغیر مهم نوسازی شهری و تأثیر آن بر کیفیت زندگی پرداخته‌اند که نتایج حاکی از آن است که پروژه نوسازی تأمین به دلیل تأثیرات نامطلوب آن بر محیط‌های فیزیکی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، کیفیت ذهنی زندگی ساکنان را به میزان قابل توجهی کاهش داده است. یا مکه و همکاران [۴۷] در پژوهشی به تبیین ارتباط ادراکی میان شهر هوشمند و کیفیت زندگی پرداخته‌اند که به ارتباط عمیقی میان شهر هوشمند و کیفیت زندگی در شهرها رسیده‌اند.

۴- برخی از پژوهش‌ها نیز بررسی شاخص‌های کیفیت زندگی به طور کلی یا در برخی حوزه‌های شهری مانند حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی و... تحلیل این مفاهیم با موضوع کیفیت زندگی پرداخته‌اند. به عنوان مثال مظفر اویسال [۳۱] در پژوهشی به بررسی شاخص‌های کیفیت زندگی به عنوان معیارهای عملکرد در شهرها پرداخته است که نتایج حاکی از آن است که یک رابطه متقابل بین معیارهای عملکرد مرسوم و شاخص‌های کیفیت زندگی وجود دارد. شاخص‌های کیفیت زندگی نه تنها به سنجش سطح رقابت‌پذیری مقصد کمک می‌کند، بلکه به تضمین پایداری استفاده کارآمد و مؤثر از منابع نیز کمک می‌کند.

از وجه تمایز مهم دیگر این پژوهش روش تحقیق آن و بهره‌گیری از مدل رگرسیون گام‌به‌گام در تبیین عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی در هر یک از گونه‌ها است که اغلب پژوهش‌ها از روش‌های ساده‌تری استفاده کرده‌اند.

مبانی نظری کیفیت زندگی

کیفیت زندگی شهری به عنوان یک مفهوم کلیدی برای تأمین نیازهای اساسی شهروندان در راستای رفاه عمومی، بهزیستی اجتماعی و رضایتمندی افراد و همچنین ابزاری کارآمد برای ارزیابی سیاست‌های عمومی، رتبه‌بندی مکان‌ها و راهبردهای مدیریت و برنامه‌ریزی شهری است [۱۰]. در بیشتر تحقیقات، کیفیت زندگی با نمودهایی مانند رسیدن به زندگی بهتر، آسایش و امنیت کافی در سکونتگاه‌ها، بهره‌مندی از امکانات و خدمات مناسب، وضعیت اقتصادی خوب، وجود مشارکت و تعاملات در جوامع و در نهایت بهره‌مندی از سلامت روحی و جسمی تجلی پیدا می‌کند [۱۱]. در دوران ابتدایی، حدود سال‌های ۱۹۶۰، این مفهوم در موضوعات اقتصادی و اجتماعی و پایداری پا به عرصه شهری می‌گذارد. در کشورهای توسعه‌یافته با مفاهیمی مانند بهزیستی جمعی، رفاه زیستی و تأمین اجتماعی به مردم عرضه شد [۱۲]. از سال ۱۹۸۰ به بعد، شاخص‌های ذهنی که دارای تفاوت‌های ماهوی با شاخص‌های عینی هستند به حوزه ارزیابی مفاهیم کیفیت زندگی اضافه شدند. زیرا شاخص‌های عینی، کیفیت زندگی را بیشتر از جنبه‌های سکونتگاه‌های شهری، فضاهای طبیعی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و از مفاهیم ذهنی، ادراکی، رفاهی و رضایتمندی ساکنان غافل بوده‌اند به همین دلیل شاخص‌های ذهنی نیز به این روند اضافه شدند [۱۳]. تا قبل از قرن بیستم واژه کیفیت زندگی به علت عدم آگاهی اغلب محققان از ماهیت و اهمیت آن، آن گونه که باید مورد استفاده قرار نگرفت که با آگاهی محققان و صاحب‌نظران از اهمیت و تأثیرگذاری این مفهوم بر مناسبت مختلف زیست انسان‌ها برای اولین بار این مفهوم را حول موضوع ارزیابی سلامت مورد تحلیل و بررسی قرار دادند [۱۴]. کیفیت زندگی شهری ادراک فرد از موقعیت خود او در شرایط زندگی است که متأثر از اهداف انتظارات ارزش‌ها ترکیب سلامت جسمانی، روانی، سطح استقلال روابط اجتماعی باورها و رابطه فرد با کیفیت محیط زندگی است [۱۵]. در جدول ۱ برخی از تعاریف مهم کیفیت زندگی ارائه شده است.

۵- برخی از پژوهش‌ها نیز به بررسی تأثیر متغیرهای شهری بر کیفیت زندگی در این دسته از بافت‌ها پرداخته‌اند. به عنوان مثال سعادت و همکاران [۱۰] به بررسی نقش فضاهای شهری در کیفیت زندگی بافت‌های تاریخی پرداخته‌اند که نتایج نشان داد کیفیت‌های کلیدی، عملکردی و زیست‌محیطی بسیاری در فضاهای عمومی شهرها هستند که می‌تواند ضامن موفقیت عرصه در جلب رضایت ساکنان و کاربران بافت‌های تاریخی باشند، ولی توجه به فعالیت‌های اقتصادی و تحرکات اجتماعی موجود در بافت تاریخی از کلیدی‌ترین مواردی هستند که می‌تواند اثربخشی یک اقدام بر کیفیت زندگی مردم در عرصه‌های عمومی محلات تاریخی را افزایش دهند.

۶- برخی به بررسی وضعیت کیفیت زندگی در بافت‌های تاریخی پرداخته‌اند. به عنوان مثال، زارعیان و همکاران [۲۲] در پژوهشی به بررسی وضعیت کیفیت زندگی در بافت تاریخی شهر یزد پرداخته‌اند که نتایج بیانگر آن است که امنیت، کیفیت محیط، روابط همسایگی، حمل‌ونقل، حس تعلق، ویژگی‌های کلیدی انبیه و خدمات و زیرساخت‌ها، هفت عامل عمده مؤثر بر کیفیت زندگی در بافت تاریخی شهر یزد هستند.

برآیند نتایج به‌دست‌آمده از بررسی ادبیات پیشین نشان می‌دهد تا به امروز پژوهش‌های اندکی به دنبال بررسی وضعیت کیفیت زندگی به صورت حوزه‌به‌حوزه و تبیین عوامل مؤثر بر آن در بافت‌های تاریخی و بافت‌های معمولی شهر به صورت مقایسه‌ای و تحلیل بوده‌اند و اغلب این مفهوم را دو بافت مجزا و متفاوت شهرها که امروزه به‌شدت در مقابل هم نیز قرار گرفته‌اند مورد بررسی قرار نداده‌اند، زیرا امروزه این سؤال مطرح می‌شود که با وجود تمام جدال‌های آشکار و پنهان میان بافت‌های تاریخی و بافت‌های جدید و غیر تاریخی شهرها، کدام یک از این بافت‌ها سطح بالاتری از کیفیت زندگی را برای شهروندان ارائه می‌دهد و عوامل مؤثر بر هر یک چگونه‌اند. از این‌رو تمایز این پژوهش با پژوهش‌های پیشین و بداعت و نوآوری آن در این است پژوهش‌های پیشین وضعیت کیفیت زندگی را در بافت‌های تاریخی به صورت واحد مورد بررسی قرار داده و یا تأثیر و نقش یک متغیر را بر کیفیت زندگی بافت‌های تاریخی سنجیده‌اند، در حالی که این پژوهش در صدد سنجش تطبیقی عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی در بافت‌های تاریخی و بررسی مقایسه‌ای آن با سطح شهر و تحلیل وضعیت تمامی شاخص‌های کیفیت زندگی در بافت‌های تاریخی و مقایسه آن با سطح شهر است. از سوی دیگر،

جدول ۱. تعاریف کیفیت زندگی

منبع	تعریف
[۱۶]	کیفیت زندگی مفهومی اجتماعی و چندوجهی است که خود ماهیت واحدی ندارد، بلکه افراد به آن معنا می‌بخشند.
[۱۷]	کیفیت زندگی ریشه در حوزه‌های سلامت و رفاه دارد و تعاریف متعددی از آن وجود دارد.
[۱۳]	کیفیت زندگی مفهومی چندوجهی است که شباهت بسیاری با مفاهیم، رفاه، رضایت، و شادی دارد. مطالعات کیفیت زندگی را می‌توان با اطمینان جزء مطالعات چندرشته‌ای در نظر گرفت.
[۶]	مفهومی پیچیده است و برای توصیف تمام ارتباطات، پویایی و روابط شبکه‌ای استفاده می‌شود که بین تمام ویژگی‌های فیزیکی وجود دارد.
[۱۸]	کیفیت زندگی مفهومی جامع است که برای ارزیابی استاندارد زندگی جامعه در تمام جنبه‌های زندگی استفاده می‌شود.
[۱۹]	کیفیت زندگی مفهومی است که بر میزان رضایتمندی افراد از رفاه زندگی خویش و مفاهیمی همچون سلامت جسمی و روحی افراد رفاه رضایتمندی خانواده، کار، مسکن، روابط اجتماعی، زندگی سیاسی و فرهنگی و اخلاق اجتماعی تأکید دارد.
[۲۰]	کیفیت زندگی افراد وابسته به مفاهیم عینی و بیرونی زندگی افراد و مفاهیم ذهنی و غیر عینی زندگی افراد از این عوامل و نیز از زندگی خود در ارتباط با محیط بیرون وابسته است.
[۲۱]	کیفیت زندگی در شهر مفهومی است که با هدف آفرینش مفهومی جدید از توسعه شهری و گذار از روند توسعه اقتصادی و کمی نگر به توسعه پایدار و همه‌جانبه پا به عرصه وجود گذاشت. کیفیت زندگی در شهرها در مقابل توسعه صرف کلیدی و در مقیاس ملی در مقابل توسعه اقتصادمحور قرار می‌گیرد.
[۲۲]	کیفیت زندگی معنای وسیعی در ارتباط با خوشبختی در جوامع دارد و هدف آن قادر ساختن مردم برای دستیابی به اهدافشان و رسیدن به زندگی ایده‌آل است.

شاخص‌های عینی و ذهنی به کار رفته در پژوهش‌های معتبر، فرایند مستندسازی و ارائه شاخص‌های نهایی مؤثر بر کیفیت زندگی شهری انجام می‌شود. شاخص‌های کیفیت زندگی پژوهش به شرح جدول ۲ است:

شاخص‌های کیفیت زندگی شهری
در این بخش از پژوهش، بر اساس پژوهش‌های انجام شده در حوزه کیفیت زندگی شهری و پیشینه این موضوع در ایران و جهان و تدقیق ماهیت

جدول ۲. مستندسازی شاخص‌های منتخب کیفیت زندگی بر اساس متون معتبر جهانی

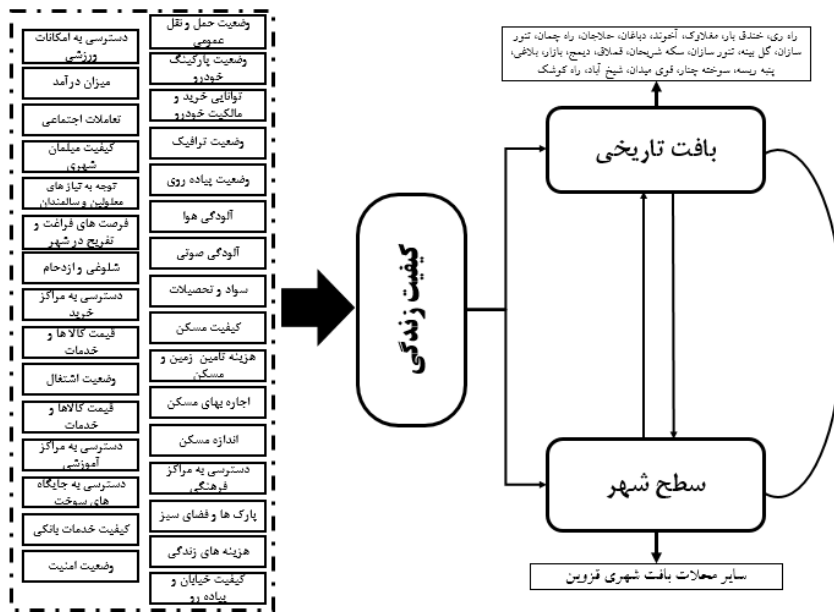
شاخص	[۱]	[۲]	[۳]	[۴]	[۵]	[۶]	[۷]	[۸]	[۹]	[۱۰]	[۱۱]	[۱۲]	[۱۳]	[۱۴]	[۱۵]	[۱۶]	[۱۷]	[۱۸]	[۱۹]	[۲۰]
وضعیت حمل و نقل عمومی	*	*	*	*	*					*	*	*								
وضعیت پارکینگ خودرو					*							*								
توانایی خرید و مالکیت خودرو									*											
وضعیت ترافیک	*			*				*		*		*		*	*					
وضعیت پیاده‌روی	*			*					*	*										
وضعیت آلودگی هوا	*			*	*	*	*		*	*		*	*	*	*					
وضعیت آلودگی صوتی	*			*	*			*		*		*		*						
وضعیت سواد و تحصیلات				*	*				*	*	*									
کیفیت مسکن	*	*		*	*	*			*	*										
هزینه‌های تأمین زمین و مسکن		*	*						*	*	*	*	*	*	*					
اجاره‌بهای مسکن									*	*	*	*	*	*	*					*
اندازه مسکن			*	*	*					*	*			*	*					*
دسترسی به مراکز فرهنگی		*					*		*	*		*		*						
کیفیت پارک‌ها و فضاهای سبز	*	*	*	*	*	*		*	*	*	*	*	*	*	*					
هزینه‌های زندگی	*							*		*		*		*	*					
کیفیت خیابان‌ها و پیاده‌روها								*	*	*		*		*						
دسترسی به امکانات ورزشی							*	*	*	*	*	*	*	*	*					
میزان درآمد	*		*			*	*	*	*	*	*	*	*	*	*					
وضعیت تعاملات اجتماعی							*		*	*		*		*						
کیفیت مبلغان شهری									*	*		*		*						
توجه به نیازهای معلولان و سالمندان				*						*		*		*						*
وضعیت اشتغال		*				*				*		*		*						*
وضعیت امنیت	*	*	*	*	*		*		*	*	*	*	*	*	*					
دسترسی به مراکز بهداشتی و درمانی		*		*			*	*	*	*	*	*	*	*	*					
فرصت‌های فراغت و تفریح در شهر	*			*			*		*		*	*	*	*	*					
شلوغی و ازدحام									*	*		*		*		*	*			
دسترسی به مراکز خرید		*							*	*		*		*						
قیمت کالاها و خدمات									*	*		*		*						
دسترسی به مراکز آموزشی		*							*	*		*		*						
دسترسی به جایگاه‌های سوخت									*	*		*		*						
کیفیت خدمات بانکی									*	*		*		*						

شده است. این پژوهش در سه گام انجام شده است. در گام اول برای بررسی وضعیت کیفیت زندگی در هر یک از محدوده‌های مورد مطالعه، شاخص‌های کیفیت زندگی با استفاده از آزمون T تک‌نمونه‌ای مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. در گام دوم شاخص‌های کیفیت زندگی با بهره‌گیری از روش تحلیل عاملی اکتشافی در نرم‌افزار SPSS به عامل‌های مجزا و ساختارمندی تفکیک شد و در نهایت، برای تبیین و مشخص‌سازی عوامل مؤثر کیفیت زندگی بر هر

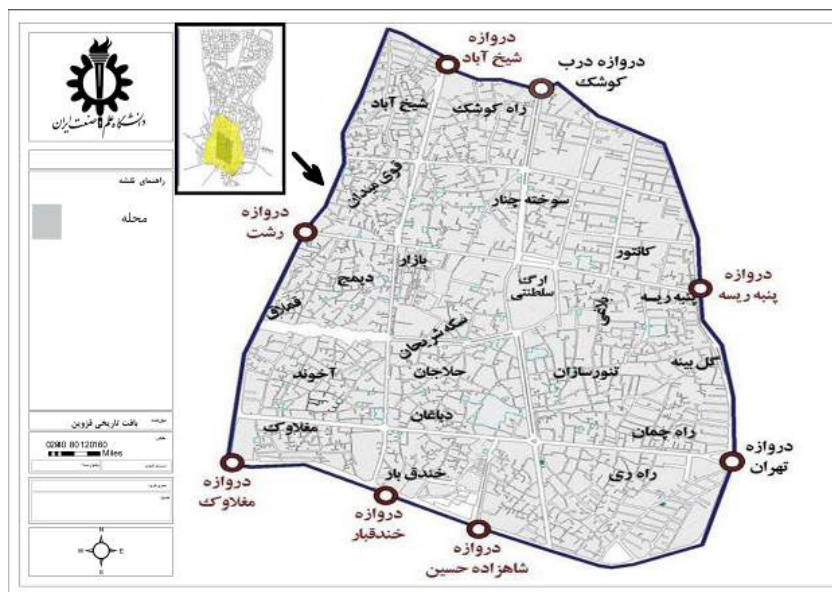
روش پژوهش
روش پژوهش، کاربردی و مبتنی بر روش‌های کمی است. برای گردآوری اطلاعات از تکمیل پرسشنامه استفاده شده است. شاخص‌های پژوهش با بررسی ادبیات منابع مرتبط استخراج شده‌اند. به بیان دیگر، رویکرد حاکم بر این پژوهش روش پیمایشی با استفاده از پرسشنامه درباره کیفیت زندگی شهری است، که در آن از مقیاس امتیازگذاری پنج‌گانه طیف لیکرت استفاده

نامنتظمی است. سایر سطح شهر قزوین نیز محدوده مطالعاتی دوم پژوهش در نظر گرفته شده است. به منظور نمونه‌گیری در این پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده که در آن همه اعضا از شانس برابر برای انتخاب برخوردارند، استفاده می‌شود. تعداد نمونه‌ها بر اساس فرمول کوکران با سطح خطای ۱۰ درصد ۹۶ عدد محاسبه شد، که با توجه به نرخ برگشت‌پذیری پرسشنامه‌ها و پایایی بیشتر تحلیل‌ها، برای هر یک گونه‌ها ۱۹۰ پرسشنامه تکمیل شد. شایان یادآوری است پرسشنامه‌های این پژوهش در بهمن و اسفند ۱۴۰۰ گردآوری و تحلیل شده‌اند. مدل مفهومی پژوهش به شرح نمودار ۱ است.

یک از محدوده‌های مورد مطالعه (بافت تاریخی و سطح شهر قزوین) از روش رگرسیون گام‌به‌گام استفاده شد. هدف این پژوهش، بررسی و تحلیل وضعیت کیفیت زندگی و شاخص‌های مؤثر بر آن در بافت‌های تاریخی و سطح شهر قزوین است، که جهت نیل به این هدف، بافت تاریخی شهر قزوین شامل محلات، راه ری، خندق بار، مغلاوک، آخوند، دباغان، حلاجان، راه چمان، تنورسازان، گل بینه، سکه شریحان، قمالق، دیمج، بازار، بلاغی، پنبه ریسه، سوخته چنار، قوی میدان، شیخ آباد، راه کوشک، که دارای مساحتی معادل ۵/۲۴۹ کیلومتر مربع و جمعیت ۹۴۴۹۷ نفر است و در حوزه‌های جنوبی شهر قزوین قرار دارد. این بافت دارای ساختار و شبکه هندسی برنامه‌ریزی نشده و



نمودار ۱. مدل مفهومی پژوهش



شکل ۱. محلات تاریخی شهر قزوین

یافته‌ها

بررسی وضعیت کیفیت زندگی در محدوده‌های مورد مطالعه

در پژوهش حاضر به منظور ارزیابی کیفیت زندگی شهری، پرسشنامه‌هایی به منظور ارزیابی کیفیت زندگی با ۳۱ معرف توزیع شده است. در انتخاب این معرف‌ها علاوه بر در نظر داشتن پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه، ماهیت

پژوهش و شرایط اجتماعی، فرهنگی، کالبدی و اقتصادی کشور نیز در نظر گرفته شده است. برای بررسی وضعیت کیفیت زندگی برای هر یک از شاخص‌ها میانگین‌هایی به دست آمد، که این میانگین‌ها با استفاده از آزمون T تک‌نمونه‌ای در دو موقعیت بافت تاریخی و سطح شهر قزوین بررسی و با یکدیگر مقایسه شد. جدول ۳ شامل نتایج آزمون T تک‌نمونه‌ای است.

جدول ۳. تحلیل شاخص‌های کیفیت زندگی در بافت تاریخی و سطح شهر قزوین

شاخص	میانگین		انحراف معیار	
	سطح شهر	بافت تاریخی	سطح شهر	بافت تاریخی
دسترسی به مراکز فرهنگی	۲/۴۸	۲/۳۷	۱/۰۴۸	۱/۰۹۰
وضعیت پارک‌ها و فضاهای سبز	۲/۸۶	۲/۸۳	۰/۹۷۷	۰/۹۹۴
وضعیت هزینه‌های زندگی	۱/۶۷	۱/۷۲	۰/۸۵۵	۰/۹۰۵
کیفیت حمل‌ونقل عمومی	۲/۶۶	۲/۵۹	۱/۰۰۴	۱/۰۳۳
وضعیت پارکینگ خودرو	۲/۰۱	۲/۰۱	۱/۰۳۹	۱/۰۴۹
توانایی خرید و مالکیت خودرو	۲/۱۸	۲/۱۷	۱/۰۶۵	۱/۰۷۵
وضعیت ترافیک	۲/۵۲	۳/۷۲	۱/۲۳۸	۱/۳۶۵
وضعیت پیاده‌روی	۲/۴۴	۲/۳۷	۱/۱۱۰	۱/۱۰۴
آلودگی هوا	۲/۲۵	۳/۰۹	۱/۳۷۵	۱/۳۷۱
آلودگی صوتی	۳/۴۱	۲/۹۵	۱/۲۱۷	۱/۳۷۵
سطح سواد و میزان تحصیلات	۲/۲۷	۳/۲۶	۰/۸۲۱	۰/۸۰۰
کیفیت مسکن	۲/۴۹	۲/۳۴	۱/۰۹۷	۱/۱۶۱
هزینه‌های تأمین زمین و مسکن	۱/۷۲	۱/۶۶	۰/۸۹۹	۰/۸۹۳
اجاره‌بهای مسکن	۱/۴۷	۱/۳۸	۰/۷۸۱	۰/۷۲۳
اندازه مسکن	۲/۰۷	۲/۰۱	۱/۰۱۶	۱/۰۱۸
کیفیت خیابان‌ها و پیاده‌رو	۲/۲۳	۲/۱۵	۰/۹۵۲	۰/۹۷۷
دسترسی به امکانات ورزشی	۲/۲۵	۲/۹۸	۱/۳۳۳	۱/۲۶۸
وضعیت تعاملات اجتماعی	۲/۵۸	۲/۵۸	۰/۹۷۱	۰/۹۷۱
کیفیت مبلمان شهری	۲/۴۰	۲/۳۲	۰/۹۷۵	۱/۰۱۲
توجه به نیازهای معلولان و سالمندان	۱/۹۷	۱/۹۳	۰/۹۲۳	۰/۹۳۲
وضعیت اشتغال در شهر	۲/۱۹	۲/۱۷	۱/۱۳۴	۱/۱۵۸
وضعیت امنیت	۳/۱۹	۳/۲۱	۱/۳۱۷	۱/۳۳۲
میزان درآمد	۲/۰۵	۲/۰۳	۱/۰۷۰	۱/۰۴۴
دسترسی به مراکز بهداشتی و درمانی	۲/۸۸	۲/۸۵	۰/۹۰۳	۰/۹۹۴
فرصت‌های فراغت و تفریح	۲/۳۳	۲/۲۶	۱/۱۷۷	۱/۱۹۲
شلوغی و ازدحام	۲/۳۳	۲/۳۴	۱/۰۰۸	۱/۰۱۰
دسترسی به مراکز خرید	۳/۳۴	۲/۹۴	۱/۱۰۴	۱/۱۵۳
قیمت کالاها و خدمات در شهر	۱/۸۲	۱/۷۹	۰/۹۹۹	۱/۰۱۱
دسترسی به مراکز آموزشی	۳/۱۵	۲/۹۵	۱/۰۳۳	۱/۰۱۷
دسترسی به مراکز سوخت	۳/۰۶	۳/۰۶	۰/۹۲۷	۰/۹۲۹
کیفیت خدمات بانکی	۳/۱۹	۳/۱۱	۰/۸۸۴	۰/۹۱۰
کیفیت کلی زندگی	۲/۲۸	۲/۳۹	۰/۸۷۵	۰/۹۰۰

ارائه می‌دهد. در حوزه اقتصادی و حوزه حمل و نقل شهری رضایتمندی میان دو بافت دارای تفاوت چندانی نیست. در نهایت مقایسه وضعیت کلی کیفیت زندگی در میان دو بافت نشان می‌دهد سنجش وضعیت کلی کیفیت زندگی در سطح شهر قزوین برابر ۲/۳۸ و در بافت تاریخی برابر ۲/۳۹ است که این امر نشان می‌دهد وضعیت کلی کیفیت زندگی در دو بافت دارای تفاوت چندانی با یکدیگر نیست و رضایتمندی از کیفیت زندگی در هر دو بافت دارای وضعیت یکسانی است که این امر نشان می‌دهد که با وجود اینکه وضعیت کیفیت زندگی در برخی از حوزه‌ها در هر یک از بافت‌ها از وضعیت مطلوب‌تری برخوردار است، اما در نگاه کلی و تبیین وضعیت کیفیت زندگی کلی، از وضعیت یکسانی برخوردار است.

تبیین شاخص‌ها به عوامل سازمند با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی

به منظور نیل به هدف پژوهش و تعداد زیاد مؤلفه‌های استخراج‌شده از مبانی نظری و جهت تبدیل شاخص‌های به عوامل سازمند و دسته‌بندی‌شده، از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده می‌شود. تحلیل عاملی یکی از روش‌های مهم ساماندهی و خلاصه‌سازی متغیرها است که در پنج گام مجزا بر اساس جدول ۵ انجام می‌شود:

جدول ۴. مراحل تحلیل عاملی پژوهش

مراحل	نام مراحل	توضیحات
گام اول	ایجاد ماتریس اولیه اطلاعات (Initial Matrix)	اولین مرحله در روش تحلیل عاملی، ایجاد ماتریس اولیه مفاهیم موجود است (زبردست، خلیلی و دهقانی، ۱۳۹۲). ماتریسی دارای ۱۹۱ ردیف برای به عنوان ماتریس اولیه تدوین شد. پاسخ سؤال‌های مربوط به هر شاخص، از طریق طیف پنج‌گانه لیکرت دریافت و مقدار اختصاص‌یافته به هر شاخص با توجه به پاسخ دریافتی، در بازه ۱ تا ۵ ارزش‌گذاری شد.
گام دوم	بررسی میزان اشتراکات مرتبط به هر مؤلفه با سایر مؤلفه‌های مربوطه (Communalities Checking)	در جریان این پژوهش، تحلیل عاملی با ۳۱ مؤلفه به اجرا درآمد. بررسی‌ها نشان می‌دهد در جدول اشتراکات، مقدار هیچ‌یک از شاخص‌ها در سطح شهر قزوین، کمتر از ۰/۴ حاصل نشد. در بافت تاریخی شهر قزوین میزان متغیر دسترسی به امکانات ورزشی کمتر از ۰/۴ حاصل شد که باید از جریان تحلیل حذف شود. در سایر سطوح شهر قزوین همه مؤلفه‌های استفاده‌شده در پژوهش، واریانس بالای مشتری دارند. مؤلفه دسترسی به مراکز سوخت (۰/۸۶۶) دارای بالاترین میزان همسویی و وضعیت ترافیک (۰/۵۰۷) دارای کمترین همسویی نسبت به واریانس تبیین‌شده به در ارتباط ترکیبی از عامل‌های مستخرج‌شده هستند. در بافت تاریخی، مؤلفه وضعیت پارک‌ها و فضاهای سبز (۰/۸۵۶) دارای بالاترین همسویی و وضعیت آلودگی هوا (۰/۵۵۷) دارای کمترین میزان همسویی نسبت به واریانس تبیین‌شده به وسیله ترکیبی از عامل‌های استخراج‌شده هستند.
گام سوم	تحلیل وضعیت آزمون‌های اولکین (KMO)، آزمون کرویت بارتلت و ماتریس همبستگی	میزان عددی آزمون (Kaiser-Meyer-Olkin test) یا KMO، در سطح شهر قزوین، برابر ۰/۷۲۳ است و در بافت تاریخی قزوین نیز برابر ۰/۶۶۵ است. در این آزمون اگر مقدار بیشتر از ۰/۶ باشد، همبستگی میان داده‌ها دارای وضعیت مطلوب و قابل اتکایی است (زبردست، خلیلی و دهقانی، ۱۳۹۲). از این‌رو با توجه به نتایج تحلیل، همبستگی میان داده‌ها در هر بافت دارای وضعیت مطلوب و مورد قبولی است. از سوی دیگر، میزان آماره بارتلت در وضعیت مناسبی قرار دارد.
گام چهارم	بررسی واریانس تبیین‌شده موضوع و مشخص‌سازی تعداد مؤلفه‌های نهایی (Explained Variance) (Checking)	در سطح شهر قزوین وضعیت تحلیل عاملی در خلاصه‌سازی مؤلفه‌های کیفیت زندگی شهری، منجر به تشکیل ۹ عامل نهایی می‌شود. در جریان این تحلیل، مقدار ویژه همه عوامل منتج‌شده بالاتر از ۱ است، که این مقدار در عامل اول (۸/۷) و در عامل نهم برابر (۱/۰۹) است. همچنین مجموع واریانس تجمعی ۹ عامل به‌دست‌آمده نهایی ۷۰/۷۵۳ درصد است. این امر نشان می‌دهد عوامل به‌دست‌آمده تا حد نسبتاً زیادی به موضوع کیفیت زندگی شهری مربوط است. در بافت تاریخی برآیند تحلیل عاملی، به تولید ۹ عامل نهایی منجر شد که مقادیر ویژه تمامی عوامل بالاتر از مقدار ۱ هستند که این عدد در عامل اول برابر (۹/۴۷) و در عامل نهم برابر (۱/۰۰۹) است. از سوی دیگر، مجموع واریانس تجمعی ۹ عامل به‌دست‌آمده نهایی ۷۲/۷۵۸ درصد است. این امر نشان می‌دهد عوامل نهایی منتج از بافت تاریخی قزوین تا حد بسیار زیادی دارای همبستگی و ارتباط با کیفیت زندگی است.
گام پنجم	سنجش ماتریس عاملی دوران یافته و مشخص‌سازی مقدار ارتباط مؤلفه‌ها با عوامل نهایی برای نام‌گذاری و تحلیل عوامل (Rotated Component Matrix Counting)	در سطح شهر قزوین، نام‌گذاری و تفسیر عوامل مربوطه براساس ماتریس عاملی چرخش‌یافته نهایی، ۹ عامل نهایی کیفیت زندگی شهری به دست آمد و نام‌گذاری شدند. که عامل مسکن و اقتصاد شهری با مقدار ۲۸/۰۶۵ درصد (حداکثر) و عامل زیست‌محیطی ۳/۴۳۱ درصد (حداقل) از واریانس کل را شامل شده‌اند. حداقل مقدار استاندارد برای تحلیل شاخص‌ها عدد ۰/۴ در نظر گرفته شد. به این ترتیب عوامل مهم کیفیت زندگی شهری در سطح شهر قزوین شناسایی شدند. در بافت تاریخی نیز ۹ عامل نهایی کیفیت زندگی به دست آمد و نام‌گذاری شدند که عامل مسکن و اقتصاد شهری با مقدار (۳۰/۵۵۳) درصد (حداکثر) و عامل شلوغی و ازدحام در شهر با مقدار (۳/۲۵۵) درصد (حداقل) از واریانس کل را شامل شده‌اند. همچنین حداقل مقدار استاندارد برای تحلیل شاخص‌ها عدد ۰/۴ در نظر گرفته شد که از میان شاخص‌ها، شاخص دسترسی به امکانات ورزشی به علت کمتر بودن مقدار آن از ۰/۴ توسط نرم‌افزار از تحلیل حذف شد.

جدول ۵. تشریح عامل‌های مستخرج‌شده از روش تحلیل عاملی

سطح شهر			بافت تاریخی				
عنوان عامل	بار عاملی	شاخص	عنوان عامل	بار عاملی	شاخص		
اجتماعی و فرهنگی	۰/۵۱۷	دسترسی به مراکز فرهنگی	مسکن و اقتصاد شهری	۰/۴۳۵	کیفیت مسکن		
	۰/۶۶۳	وضعیت تعاملات اجتماعی		۰/۶۹۳	هزینه مسکن		
کیفیت معابر شهری	۰/۵۲۸	کیفیت مبلمان شهری		۰/۷۲۰	اندازه مسکن		
	۰/۷۴۸	توجه به نیازهای معلولان و سالمندان		۰/۸۲۹	اجاره‌بهای مسکن		
	۰/۷۸۰	وضعیت پیاده‌روی		۰/۶۰۲	وضعیت اشتغال		
دسترسی به خدمات شهری	۰/۴۵۲	دسترسی به مراکز بهداشتی		۰/۶۶۲	قیمت کالا و خدمات در محدوده		
	۰/۸۵۲	دسترسی به جایگاه‌های سوخت		۰/۵۴۹	کیفیت حمل‌ونقل عمومی		
	۰/۷۴۸	دسترسی به خدمات بانکی		۰/۶۳۸	کیفیت مبلمان شهری		
مسکن و اقتصاد شهری	۰/۶۵۴	توانایی خرید و مالکیت خودرو		۰/۷۴۴	وضعیت پیاده‌روی		
	۰/۴۳۰	کیفیت مسکن	دسترسی به خدمات شهری	۰/۸۳۹	دسترسی به جایگاه‌های سوخت		
	۰/۷۳۶	هزینه مسکن		۰/۷۴۵	دسترسی به خدمات بانکی		
	۰/۷۳۰	اندازه مسکن		۰/۴۶۵	دسترسی به خدمت آموزشی		
	مسکن و اقتصاد شهری	۰/۸۵۸	اجاره‌بهای مسکن	فراغت تفریح	۰/۴۲۸	دسترسی به مراکز فرهنگی	
		۰/۵۰۱	وضعیت اشتغال		۰/۸۲۴	وضعیت پارک‌ها و فضاهای سبز	
		۰/۵۲۲	قیمت کالاها و خدمات		۰/۴۴۹	دسترسی به خدمات درمانی	
		۰/۴۰۹	میزان درآمد		۰/۶۸۱	دسترسی به مراکز خرید	
۰/۵۷۵		هزینه‌های زندگی	۰/۴۱۶		فرصت‌های فراغت و تفریح		
زیست‌محیطی		۵۱۰	آلودگی هوا		اجتماعی	۰/۸۳۷	سطح سواد و تحصیلات
		۰/۶۸۹	آلودگی صوتی			۰/۷۵۴	وضعیت تعاملات اجتماعی
وضعیت حمل‌ونقل شهری	۰/۵۱۹	کیفیت حمل‌ونقل عمومی	۰/۴۴۷	وضعیت امنیت			
	۰/۶۸۵	وضعیت پارکینگ خودرو	۰/۵۵۷	توانایی خرید خودرو			
	۰/۵۴۹	کیفیت خیابان‌ها و پیاده‌رو	۰/۵۵۲	میزان درآمد			
	۰/۸۳۳	وضعیت ترافیک	۰/۶۳۷	هزینه‌های زندگی			
دسترسی به خدمات آموزشی و تفریحی	۰/۴۱۸	وضعیت پارک‌ها و فضاهای سبز	زیست‌محیطی	۰/۷۳۰	آلودگی هوا		
	۰/۷۰۳	دسترسی به مراکز آموزشی		۰/۸۱۰	آلودگی صوتی		
	امنیت و ازدحام در شهر	۰/۶۷۵	دسترسی به مراکز خرید	کیفیت معابر شهری	۰/۸۱۸	وضعیت پارکینگ خودرو	
		۰/۴۴۲	فرصت‌های فراغت و تفریح		۰/۶۳۰	کیفیت خیابان‌ها و پیاده‌رو	
پتانسیل‌های اقتصادی و اجتماعی شهروندان	۰/۷۳۳	وضعیت امنیت	ازدحام و شلوغی در شهر	۰/۴۳۷	توجه به نیازهای معلولان و سالمندان		
	۰/۶۱۱	شلوغی و ازدحام		۰/۸۳۳	وضعیت ترافیک		
	۰/۶۵۴	توانایی خرید و مالکیت خودرو		۰/۴۹۲	شلوغی و ازدحام		
	۰/۷۳۲	وضعیت سواد و تحصیلات					

یک از مؤلفه‌های مستقل، باید از ضرایب بتا بهره برد. این تحلیل بر مبنای روش گام‌به‌گام انجام شده است. در این شیوه که پرکاربردترین نوع در میان مدل‌های رگرسیونی است، مؤلفه‌های مستقل براساس اهمیت وارد تحلیل خواهند شد. با این معیار که هر بار بعد از وارد شدن یک مؤلفه، مؤلفه‌هایی که مشارکتی در روند تحلیل نداشته‌اند، دوباره مورد سنجش قرار می‌گیرند در صورت کاهش سطح معنا از جریان تحلیل حذف شده در غیر این صورت در مدل باقی می‌مانند.

تحلیل رگرسیونی و تحلیل عوامل مؤثر بر ارتقای کیفیت زندگی

برای شناسایی عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی در بافت‌های تاریخی و سطح شهر قزوین، با توجه به نظرات ساکنان، از مدل رگرسیونی چندمتغیره بهره برده شد. متغیر وابسته این پژوهش (میزان رضایتمندی از کیفیت زندگی شهری) و مؤلفه مستقل، (تمامی عوامل استخراج‌شده از تحلیل عاملی شاخص‌های مؤثر بر کیفیت زندگی شهری در بافت تاریخی و سایر سطوح شهر) است. در روند مدل رگرسیونی، برای مشخص‌سازی اهمیت نسبی هر

مستخرج از تحلیل عاملی در مدل رگرسیون استفاده شدند، که پس از تحلیل ۵ عامل به همراه ارزش نسبی تمامی مؤلفه‌های مستقل در تبیین مؤلفه وابسته تبیین شد و تبیین‌کنندگی و اثرگذاری ارائه شدند. براساس مقدار بتای عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی در بافت تاریخی، عامل دسترسی به خدمات شهری بیشترین تأثیر را در ارتقای کیفیت زندگی در بافت تاریخی دارد و بیشترین تبیین‌کنندگی و اثرگذاری را بر کیفیت زندگی در بافت تاریخی قزوین دارد ($\beta = 0/367$) و ضریب اهمیت آن ۱ است. پس از آن، عامل وضعیت فراغت و تفریح ($\beta = 0/299$)، عامل وضعیت اقتصادی شهروندان ($\beta = 0/269$)، عامل تردد شهری ($\beta = 0/158$) و عامل ازدحام و شلوغی در شهر ($\beta = 0/124$) ضرایب اهمیت ۲ تا ۵ را به خود اختصاص داده‌اند. جدول‌های ۷ و ۸ نشان‌دهنده مشخصات عوامل نهایی مؤثر بر کیفیت زندگی بافت تاریخی و سطوح شهری معمولی قزوین است. با استفاده از این تحلیل، عوامل مؤثر بر ارتقای کیفیت زندگی بافت‌های تاریخی و سایر سطوح شهر قزوین به دست می‌آید. در همین باره عواملی که دارای بیشترین تبیین‌کنندگی و اثرگذاری را بر سطح کیفیت زندگی در بافت‌های مورد مطالعه داشتند به عنوان عوامل مؤثر بر ارتقای سطح کیفیت زندگی در این بافت‌ها در نظر گرفته می‌شوند. از این رو توجه به این عوامل در روند برنامه‌ریزی و مدیریت بافت‌های تاریخی می‌تواند تأثیر بسزایی در ارتقای کیفیت زندگی شهری داشته باشد. تحلیل‌های انجام‌شده در پژوهش (تحلیل عاملی و رگرسیون چندمتغیره) برای هر یک از نمونه‌های مطالعاتی به صورت جداگانه با استفاده از پرسشنامه‌های تکمیل در هر شهر انجام شده است.

در تحلیل رگرسیونی گام به گام در وهله اول مدلی که ضریب تعیین تعدیل‌شده بالاتری نسبت به سایر مدل‌های ارائه‌شده دارد، به عنوان مدل نهایی، جهت تحلیل‌های پژوهش انتخاب می‌شود. در تحلیل رگرسیونی مربوط به سطح شهر، مدل انتخاب‌شده با ضریب تعیین تعدیل‌شده، $0/358$ در میان سایر مدل‌های ارائه‌شده در تحلیل دارای بیشترین ضریب تعیین تعدیل‌شده است و به عنوان مدل نهایی تحلیل برگزیده می‌شود. در بافت تاریخی قزوین نیز مدل انتخاب‌شده دارای ضریب تعیین تعدیل‌شده $0/337$ است که بالاترین مقدار در میان سایر مدل‌ها است و به عنوان مدل نهایی انتخاب می‌شود. جدول ۶ نشان‌دهنده مشخصات مدل‌های نهایی انتخاب‌شده پژوهش است.

مرحله بعدی وارد شدن عامل‌ها به مدل رگرسیونی و بررسی میزان تبیین و تأثیرگذاری آن‌ها بر متغیر وابسته است. در تحلیل رگرسیونی سطوح شهری قزوین، ۹ عامل مستخرج از تحلیل عاملی در مدل رگرسیونی پژوهش دخیل داده شدند، که سرانجام ۵ عامل با ارزش نسبی تمامی مؤلفه‌های مستقل در تبیین متغیر وابسته به دست آمد و به ترتیب تبیین‌کنندگی و اثرگذاری ارائه شدند. براساس مقدار بتا عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی در سطوح شهری، عامل دسترسی به خدمات شهری بیشترین تأثیر و تبیین‌کنندگی را در ارتقای کیفیت زندگی در بافت تاریخی دارد ($\beta = 0/377$) و ضریب اهمیت آن ۱ است. پس از آن عامل دسترسی به خدمات آموزشی و تفریحی ($\beta = 0/295$) عامل پتانسیل‌های اقتصادی و اجتماعی شهروندان ($\beta = 0/241$)، وضعیت حمل‌ونقل شهری ($\beta = 0/199$)، و عامل مسکن و اقتصاد شهری ($\beta = 0/175$)، ضرایب اهمیت ۲ تا ۵ را به خود اختصاص داده‌اند.

در تحلیل رگرسیونی بافت تاریخی قزوین، مانند روند تحلیل قبل، ۹ عامل

جدول ۶. مدل‌های نهایی برگزیده در تحلیل رگرسیونی

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل‌شده	خطای معیار برآورد
سطوح شهری (جدید)	۰/۵۹۸	۰/۳۵۸	۰/۳۴۰	۰/۷۱۱
بافت تاریخی	۰/۵۸۰	۰/۳۳۷	۰/۳۱۹	۰/۷۴۳

جدول ۷. عوامل نهایی مؤثر بر کیفیت زندگی شهری در سطح شهری جدید قزوین

عوامل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	
	ضریب بتا (β)	خطای معیار	ضریب بتا (β)	خطای معیار
مقدار ثابت	۲/۳۷۹	۰/۵۲	-	۴۶/۱۴۲
دسترسی به خدمات شهری	۰/۳۳۰	۰/۵۲	۰/۳۷۷	۶/۳۸۵
دسترسی به خدمات آموزشی و تفریحی	۰/۲۵۸	۰/۵۲	۰/۲۹۵	۴/۹۹۱
پتانسیل‌های اقتصادی و اجتماعی شهروندان	۰/۲۱۱	۰/۵۲	۰/۲۴۱	۴/۰۸۷
وضعیت حمل‌ونقل شهری	۰/۱۷۴	۰/۵۲	۰/۱۹۹	۳/۳۶۷
مسکن و اقتصاد شهری	۰/۱۵۳	۰/۵۲	۰/۱۷۵	۲/۹۶۹

جدول ۸. عوامل نهایی مؤثر بر کیفیت زندگی شهری در بافت تاریخی قزوین

عوامل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	
	ضریب بتا (β)	خطای معیار	ضریب بتا (β)	آزمون T
مقدار ثابت	۲/۳۸۹	۰/۵۴	-	۴۴/۳۳۰
دسترسی به خدمات شهری	۰/۳۳۰	۰/۵۴	-۰/۳۶۷	۶/۱۱۸
وضعیت فراغت و تفریح	۰/۲۵۸	۰/۵۴	-۰/۲۹۹	۴/۹۸۴
وضعیت اقتصادی شهروندان	۰/۲۱۱	۰/۵۴	-۰/۲۶۹	۴/۴۷۴
تردد شهری	۰/۱۷۴	۰/۵۴	-۰/۱۵۸	۲/۶۳۳
ازدحام و شلوغی در شهر	۰/۱۵۳	۰/۵۴	-۰/۱۳۴	۲/۰۶۰

■ بحث

جدی مواجه هستند. از سوی دیگر، مراکز فراغتی و تفریحی مورد نیاز شهروندان علی‌رغم بافت‌های جدید، در بافت‌های تاریخی آن گونه که باید مورد توجه قرار نگرفته و این بافت‌ها اغلب از فقدان مراکز تفریحی و فراغتی مواجه هستند که این می‌تواند تأثیر بسزایی بر رضایتمندی از کیفیت زندگی داشته باشد. از منظر وضعیت اقتصادی نیز بررسی حاکی از آن است که ساکنان بافت‌های تاریخی که اغلب نیز محلات قدیمی‌تر شهرها هستند، از منظر پتانسیل‌های اقتصادی در وضعیت مناسبی قرار ندارند و نسبت به محلات جدیدتر از جهت برخی مؤلفه‌ها مانند درآمد در سطح مناسبی برخوردار نیستند، که همین عامل نیز می‌تواند موجبات رضایتمندی پایین از کیفیت زندگی را شامل شود. از سوی دیگر، وضعیت نامناسب و نامنظم شبکه دسترسی و بافت شهری در محدوده‌های تاریخی و تعدد فضاهای تاریخی و حضورپذیری بافت موجب شده است که ازدحام و شلوغی و عبور و مرور شهری از مهم‌ترین عوامل تبیین‌کننده کیفیت زندگی در این بافت‌ها تبدیل شود. در مقابل در سطح شهر، عوامل دسترسی به خدمات شهری، دسترسی به خدمات آموزشی و تفریحی، پتانسیل‌های اقتصادی و اجتماعی شهروندان، وضعیت حمل‌ونقل شهری، مسکن و اقتصاد شهری به ترتیب دارای بیشترین تأثیر بر وضعیت کیفیت زندگی است. بررسی این مفهوم نشان می‌دهد عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی سطح شهر از نگاه کلی و از منظر ماهیت دارای اشتراکات بنیادینی با عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی بافت‌های تاریخی است و علی‌رغم این باور که بافت‌های تاریخی به جهت تفاوت در ماهیت و نوع بافت از منظر برخی مفاهیم مانند کیفیت زندگی دارای تفاوت‌های بنیادینی با سایر سطوح شهری است، نتایج تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد شاخص‌های مؤثر بر کیفیت زندگی در سطح شهر و بافت‌های تاریخی با یکدیگر از منظر ماهیت با یکدیگر تقریباً یکسان بوده و فقط در برخی از حوزه‌های جزئی و اندک دارای تفاوت‌های بنیادینی است. بررسی نتایج این پژوهش با پژوهش‌های دیگر این حوزه حاکی از آن است که در اغلب پژوهش‌ها کیفیت محیطی دارای بیشترین تأثیر بر کیفیت زندگی بافت‌های تاریخی است، در حالی که در این پژوهش عامل خدمات شهری دارای بیشترین تأثیر و اهمیت در کیفیت زندگی است. در پژوهش‌های دیگر، عوامل اقتصادی و تفریحی را در زمره عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی در نظر نگرفته‌اند که در این پژوهش عوامل اقتصادی و تفریحی به عنوان عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی به دست آمده است. از مهم‌ترین شباهت‌های این پژوهش می‌توان به وجود عامل حمل‌ونقل و تردد شهری در زمره عوامل مؤثر بر تبیین کیفیت زندگی و از مهم‌ترین تفاوت‌ها می‌توان به در نظر گرفتن عوامل اقتصادی، تفریحی و شلوغی ازدحام در عوامل مؤثر اشاره کرد، زیرا امروزه شلوغی و ازدحام در بافت‌های تاریخی به علت شبکه شهری نامناسب آن به یکی از چالش‌های مهم تبدیل شده است که تأثیرات بسزایی بر کیفیت زندگی ساکنان این بافت‌ها گذاشته است. از سوی دیگر بررسی وضعیت رضایتمندی از کیفیت زندگی در بافت‌های تاریخی در برخی پژوهش‌ها به صورت متوسط ارزیابی شده است که در این پژوهش به خلاف روند قبلی وضعیت رضایتمندی از کیفیت زندگی بسیار ضعیف ارزیابی شد [۴۶ و ۴۸].

کیفیت زندگی مفهومی چندوجهی است که شباهت بسیاری با مفاهیم، رفاه، رضایت، و شادی دارد. مطالعات کیفیت زندگی را می‌توان با اطمینان جزء مطالعات چندرشته‌ای در نظر گرفت با رواج رویکرد مدرنیسم در شهرها و اوج گرفتن جریان شهرنشینی، ساختار شهری بسیاری کشورها با تغییر و تحولات بنیادینی مواجه شد که همین امر موجب شد در جریان توسعه شهری در جهت برخی منافع مانند منافع اقتصادی و کالبدی، برخی از بافت‌های با ارزش شهری همچون بافت‌های تاریخی با بی‌توجهی روبه‌رو شوند. این امر به شکل‌گیری تقابل‌های پنهان و آشکاری در میان بافت‌های تاریخی در بسیاری از حوزه‌ها منجر شد. یکی از این موارد مهم، حوزه کیفیت زندگی است. از این‌رو، پژوهش حاضر به دنبال بررسی این مفهوم و تبیین عوامل مؤثر بر آن در هر دو گونه است. بررسی وضعیت کیفیت زندگی در بافت تاریخی و سطح شهر قزوین حاکی از آن است که وضعیت دسترسی به خدمات و امکانات پرکاربرد شهری در سطح شهر قزوین نسبت به بافت‌های تاریخی از وضعیت مطلوب‌تری برخوردار است. این امر نشان از توجه مدیریت شهری در امور شهرسازی و تأکید بر برنامه‌ریزی شهری مدون و جدید سطح شهر نسبت به بافت‌های تاریخی دارد که موجب تأمین و پراکنش بهتر خدمات و امکانات شهری در سطح شهر و رضایتمندی و وضعیت مطلوب‌تر نسبت به بافت‌های تاریخی می‌شود. در مقابل در حوزه امنیت و برخی از مفاهیم فرهنگی و اجتماعی بافت‌های تاریخی وضعیت مطلوب‌تری را ارائه می‌دهند، زیرا بسیاری از ساکنان بافت‌های تاریخی، ساکنان بومی آن محله یا محدوده هستند که مدت زیادی است در آن محله ساکن هستند و شناخت مناسبی از اطرافیان و هم‌محلی خویش دارند، از سوی دیگر این گونه محلات مساحت کمتری نیز به سایر سطوح دارند. همین امر موجب ارتقای سطح امنیت در بافت می‌شود. از سوی دیگر، بافت‌های تاریخی اغلب دارای بناها و فضاهای تاریخی هستند که این گونه فضاها یکی از بسترهای مهم شکل‌گیری بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی در شهرها هستند. سطوح شهری قزوین به علت ساختار شهری برنامه‌ریزی شده و شبکه معابر منظم‌تر نسبت به بافت‌های تاریخی با ساختار خودانگیخته و شبکه معابر غیر منظم و اغلب تنگ و پیچ‌درپیچ، از منظر ترافیک و شلوغی در معابر و فضاهای شهری دارای وضعیت مطلوب‌تری است. در نهایت وضعیت کلی کیفیت زندگی در محدوده‌ها نشان می‌دهد رضایتمندی از کیفیت زندگی کلی در هر دو گونه شهری علی‌رغم تفاوت‌ها در برخی مؤلفه‌ها تقریباً یکسان است و در هر دو گونه رضایتمندی مطلوبی از سطح کیفیت زندگی مشاهده نمی‌شود. از سوی دیگر، تبیین شاخص‌های مؤثر بر کیفیت زندگی هر یک از گونه‌ها نشان می‌دهد در بافت‌های تاریخی، عوامل دسترسی به خدمات شهری، وضعیت فراغت و تفریح، وضعیت اقتصادی شهروندان به ترتیب دارای بیشترین اهمیت و تأثیرگذاری در تبیین کیفیت زندگی است. بسیاری از بافت‌های تاریخی دارای پراکنش و دسترسی مناسبی از منظر خدمات شهری مانند مراکز سوخت‌رسانی و مراکز بانکی نیست و بسیاری از ساکنان در این حوزه جهت رفع نیازهای خویش با چالش‌های

کیفیت زندگی در بافت‌های تاریخی و سایر سطوح شهری با یکدیگر متفاوت نبوده و بر حوزه‌های مشترکی دلالت دارند که در برنامه‌ها طرح‌های ارتقای کیفیت زندگی هر دو گونه با تأکید بر حوزه‌هایی مانند امکانات و خدمات شهری، فراغت و تفریح و برخی مفاهیم اقتصادی می‌توان موجبات ارتقای کیفیت زندگی را در هر دو گونه فراهم ساخت. در همین باره و در راستای اعتلا و ارتقای مفهوم کیفیت زندگی در شهرها و بهبود وضعیت کیفیت زندگی در بافت‌های تاریخی که به عنوان اصالت و مناطق ارزشمند شهرها شناخته می‌شود پیشنهاد می‌شود موضوعاتی همچون بررسی شاخص‌های ذهنی مؤثر بر کیفیت زندگی در بافت‌های تاریخی، بررسی وضعیت شاخص‌های کالبدی و حمل‌ونقلی در بهبود کیفیت زندگی بافت‌های تاریخی و تبیین شاخص‌های مؤثر بر کیفیت زندگی در بافت‌های تاریخی و بافت‌های فرسوده مورد پژوهش و تحقیق قرار گیرد.

■ مشارکت نویسندگان

درصد مشارکت نویسندگان در این مقاله برابر است.

■ تشکر و قدردانی

از کلیه کسانی که در انجام این پژوهش پژوهشگران را یاری کرده‌اند، صمیمانه سپاسگزاریم. مقاله حاضر حامی مادی و معنوی ندارد.

■ تعارض منافع

این مقاله فاقد تعارض منافع است.

نهایت می‌توان بیان کرد که بافت‌های تاریخی از منظر شاخص‌های مؤثر بر کیفیت زندگی که دارای بیشترین اهمیت و تأثیر در تبیین کیفیت زندگی هستند شباهت بسیاری به سایر سطوح شهری دارند و تقویت برخی از حوزه‌ها مانند خدمات و امکانات شهری، وضعیت فراغت و تفریح در شهرها می‌توان موجبات ارتقای رضایت از کیفیت زندگی در هر دو گونه را فراهم ساخت.

■ نتیجه‌گیری

کیفیت زندگی مفهومی اجتماعی و چندوجهی است که مکان، زمان و شرایط سکونتگاه بستگی دارد. با توجه به اهمیت بافت‌های تاریخی در شهرسازی امروز، ارزش‌ها و پتانسیل‌های این بافت‌ها و تقابل پنهان این گونه بافت‌ها با سایر سطوح شهرها از منظر برخی مفاهیم شهری مانند کیفیت زندگی، هدف این پژوهش بررسی وضعیت کیفیت زندگی در بافت‌های تاریخی و سطح شهری قزوین و تبیین عوامل مؤثر بر هر یک از گونه‌ها است. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها در محدوده‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد وضعیت دسترسی به خدمات و امکانات شهری در سطح شهر قزوین نسبت به بافت‌های تاریخی از وضعیت مطلوب‌تری برخوردار است. در مقابل در حوزه امنیت و مفاهیم فرهنگی و اجتماعی بافت‌های تاریخی دارای سطوح بالاتر و وضعیت مطلوب‌تری هستند. رضایتمندی از کیفیت زندگی کلی در هر دو گونه شهری علی‌رغم تفاوت‌ها در برخی مؤلفه‌ها، در یک سطح است و در هر دو گونه رضایتمندی مطلوبی از سطح کیفیت زندگی مشاهده نمی‌شود. از منظر شاخص‌های مؤثر بر کیفیت زندگی در بافت‌های تاریخی عوامل، دسترسی به خدمات شهری، وضعیت فراغت و تفریح، وضعیت اقتصادی شهروندان به ترتیب بیشترین اهمیت و تأثیرگذاری در تبیین کیفیت زندگی را دارند و در سطح شهر قزوین عوامل دسترسی به خدمات شهری، دسترسی به خدمات آموزشی و تفریحی، پتانسیل‌های اقتصادی و اجتماعی شهروندان دارای بیشترین تأثیر و اهمیت است. بررسی این مفهوم نشان می‌دهد به خلاف تصور، عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی در بافت‌های تاریخی و سایر سطوح شهری دارای اشتراکات بسیاری هستند و در هر دو گونه تقریباً یکسان بوده و دارای تفاوت‌های بسیاری اندکی هستند. از این‌رو در کلام آخر می‌توان بیان کرد که عوامل مؤثر بر

- tional. 2015 Jan 1;45:53-63. <https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2014.06.015>
- [34] Macke J, Casagrande RM, Sarate JA, Silva KA. Smart city and quality of life: Citizens' perception in a Brazilian case study. *Journal of cleaner production*. 2018 May 1;182:717-26. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2018.02.078>
- [35] Garcia-Bernabeu A, Cabello JM, Ruiz F. A reference point-based proposal to build regional quality of life composite indicators. *Social Indicators Research*. 2022 Nov;164(1):11-30. <https://doi.org/10.1007/s11205-021-02818-0>
- [36] Amiraslani F. Analysis of quality of life across Tehran districts based on designated indicators and relational database management system. *Urban Governance*. 2021 Dec 1;1(2):107-14. <https://doi.org/10.1016/j.ugj.2021.09.003>
- [37] Garau C, Pavan VM. Evaluating urban quality: Indicators and assessment tools for smart sustainable cities. *Sustainability*. 2018 Feb 25;10(3):575. <https://doi.org/10.3390/su10030575>
- [38] Ghanbari, A, Karimzadeh, S, Taraneh, S. Investigating the quality of urban life using remote sensing and GIS - case study: Zones 1 and 2 of Zahedan city. *Sepehr, a scientific-research quarterly magazine of geographic information*, 1401; (120)31: 93-110. doi: [10.22131/sepehr.2022.252771](https://doi.org/10.22131/sepehr.2022.252771)
- [39] Ghazi Mirsaeed, S. M., Talei, M., Abolhasani, S., Alishah, E. The Evaluation of Objective and Subjective Indicators in Order to assess the Quality of Life in Inner Urban Neighborhoods (Case Study: Semnan City). *Physical Social Planning*, 2021; 8(2): 29-44. doi: [10.30473/psp.2021.51871.2277](https://doi.org/10.30473/psp.2021.51871.2277)
- [40] Gholi Motlagh, M., Darvishi, F. Urban Quality of Life Survey by Localizing Eurobarometer Indexes (Case Study: the City of Qazvin). *Human Geography Research*, 2021; 53(2): 579-597. doi: [10.22059/jhgr.2020.289797.1008013](https://doi.org/10.22059/jhgr.2020.289797.1008013)
- [41] Rajabi Amirabad R, Rahmani B. The Role of Urban Spaces in Improving the Life Quality (A Case Study of Malayer). *jgs* 2020; 20 (58) :319-337. [10.29252/jgs.20.58.319](https://doi.org/10.29252/jgs.20.58.319)
- [42] Zareian, M., esmaeilpoor, N., akbari, R. Assessing the Quality of Life in the Historic District Neighborhoods and Factors affecting it Case Study: Historic District of Yazd City. *Geography and Environmental Planning*, 2020; 31(1): 121-142. doi: [10.22108/gep.2020.119018.1201](https://doi.org/10.22108/gep.2020.119018.1201).
- [43] Rahmani, M., rahmani, A., Zareian Jahromi, S. Assessing residents' satisfaction of the historic textures by quality life Indicators (Case Study: Haji neighborhood of Hamedan). *Urban Structure and Function Studies*, 2014; 2(6): 11-29.
- [44] Barreira AP, Amado C, Santos S, Andraz J, Guimaraes MH. Assessment and determinants of the quality of life in Portuguese cities. *International Regional Science Review*. 2021 Nov;44(6):647-83. <https://doi.org/10.1177/0160017620979611>
- [45] Goerlich FJ, Reig E. Quality of life ranking of Spanish cities: A non-compensatory approach. *Cities*. 2021 Feb 1;109:102979. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2020.102979>
- [46] Talmage CA, Frederick C. Quality of life, multimodality, and the demise of the autocentric metropolis: A multivariate analysis of 148 mid-size US cities. *Social Indicators Research*. 2019 Jan 15;141(1):365-90. <https://doi.org/10.1007/s11205-017-1829-4>
- [47] Macke J, Casagrande RM, Sarate JA, Silva KA. Smart city and quality of life: Citizens' perception in a Brazilian case study. *Journal of cleaner production*. 2018 May 1;182:717-26. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2018.02.078>
- [48] Forouhar A, Hasankhani M. Urban renewal mega projects and residents' quality of life: evidence from historical religious center of Mashhad metropolis. *Journal of urban health*. 2018 Apr;95:232-44. <https://doi.org/10.1007/s11524-017-0224-4>

- [1] Entesari F, Sattar Zadeh D, Balilan L, Abdollah Taraf AK. Evaluation of vital drivers affecting the quality of urban life with a Futures studies approach in metropolitan areas of Iran (Case study: Tabriz metropolis). *Sociological studies*. 2023 Feb 20;15(57):197-216. 197-216.. doi: [10.30495/jss.2022.1946793.1418](https://doi.org/10.30495/jss.2022.1946793.1418)
- [2] Faria PA, Ferreira FA, Jalali MS, Bento P, António NJ. Combining cognitive mapping and MCDA for improving quality of life in urban areas. *Cities*. 2018 Aug 1;78:116-27. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2018.02.006>
- [3] Tiran J. Measuring urban quality of life: case study of Ljubljana. *Acta geographica Slovenica*. 2016 Feb 17;56(1):57-73. <https://doi.org/10.3986/ags.828>
- [4] Das D. Urban quality of life: A case study of Guwahati. *Social indicators research*. 2008 Sep;88:297-310. <https://doi.org/10.1007/s11205-007-9191-6>
- [5] Cai T, Verze P, Bjerklund Johansen TE. The quality of life definition: Where are we going?. *Uro*. 2021 Feb 25;1(1):14-22. <https://doi.org/10.3390/uro1010003>
- [6] El Din HS, Shalaby A, Farouh HE, Elariane SA. Principles of urban quality of life for a neighborhood. *HBRC journal*. 2013 Apr 1;9(1):86-92. <https://doi.org/10.1016/j.hbrj.2013.02.007>
- [7] Pashazadeh A, Jalalian H. evaluating of life quality satisfaction of the residents in germi city. *journal of the studies of human settlements planning. journal of geographical landscape*. 2018;13(1 (42)):145-161.
- [8] Khajeh shahkoobi A, Mahdavi S, Sourfi F, Samadi R. evaluation and analysis of mental indicators of urban quality of life (case study: kashan city). *urban management*. 2013;10(30):285-296.
- [9] Wish NB. Are we really measuring the quality of life? Well-being has subjective dimensions, as well as objective ones. *American journal of economics and sociology*. 1986 Jan;45(1):93-9. <https://doi.org/10.1111/j.1536-7150.1986.tb01906.x>
- [10] Saadati, A., Ahmadi, F., Ghafari, A., Nazemi, E. Conceptual model of the role of urban space in improving the quality of life in historical contexts. *Motaleate Shahri*, 2022; 11(41): 43-58. doi: [10.34785/J011.2022.934](https://doi.org/10.34785/J011.2022.934)
- [11] Turkoglu H. Sustainable development and quality of urban life. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*. 2015 Aug 22;202:10-4. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2015.08.203>
- [12] Biagi B, Ladu MG, Meleddu M. Urban quality of life and capabilities: An experimental study. *Ecological Economics*. 2018 Aug 1;150:137-52. <https://doi.org/10.1016/j.ecolecon.2018.04.011>
- [13] Marans RW. Quality of urban life & environmental sustainability studies: Future linkage opportunities. *Habitat International*. 2015 Jan 1;45:47-52. <https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2014.06.019>
- [14] Nejat, S. Quality of life and its measurement (review article). *Iranian Journal of Epidemiology*, 1387 4; (2), 57-62
- [15] Rajabi amirabad R, Rahmani B. organizing city landscape for improving life quality in malayer. *environmental based territorial planning*. 2018;11(40):91-113
- [16] Collados C, Duane TP. Natural capital and quality of life: a model for evaluating the sustainability of alternative regional development paths. *Ecological economics*. 1999 Sep 1;30(3):441-60. [https://doi.org/10.1016/S0921-8009\(99\)00020-8](https://doi.org/10.1016/S0921-8009(99)00020-8)
- [17] Van Kamp I, Leidelmeijer K, Marsman G, De Hollander A. Urban environmental quality and human well-being: Towards a conceptual framework and demarcation of concepts; a literature study. *Landscape and urban planning*. 2003 Sep 15;65(1-2):5-18. [https://doi.org/10.1016/S0169-2046\(02\)00232-3](https://doi.org/10.1016/S0169-2046(02)00232-3)
- [18] Chen S, Cerin E, Stimson R, Lai PC. An objective measure to assessing urban quality of life based on land use characteristics. *Procedia Environmental Sciences*. 2016 Jan 1;36:50-3. <https://doi.org/10.1016/j.proenv.2016.09.009>
- [19] Lau LK, Lai WC, Ho CW. Quality of life in a "high-rise lawless slum": A study of the "Kowloon Walled City". *Land Use Policy*. 2018 Jul 1;76:157-65. <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2018.04.047>
- [20] Babaeifar, R. Measuring quality of life in the realm of dysfunctional tissue; The need for urban planning. *Geography and Human Relationships*, 2022; 5(2): 213-232. [20.1001.1.26453851.1401.5.2.13.4](https://doi.org/10.1001.1.26453851.1401.5.2.13.4)
- [21] Mahdizadeh, J. Strategic planning of urban development, recent world experiences and its location in Iran, first edition, Tehran: Iran Architecture and Urban Planning Research and Studies Center, 2013
- [22] Rezvani M., Matkan A.A., Mansurian H., Sattari M.H. Development and assessment of indicator of urban life quality (case study: noorabad city, lorestan province). *urban-regional studies and research (university of isfahan)*. 2009;1(2):87-110
- [23] Zebardast E. The housing domain of quality of life and life satisfaction in the spontaneous settlements on the Tehran metropolitan fringe. *Social Indicators Research*. 2009 Jan;90:307-24. <https://doi.org/10.1007/s11205-008-9260-5>
- [24] Rabe NS, Osman MM, Bachok S, Rosli NF, Abdullah MF. Perceptual study on conventional quality of life indicators. *Planning Malaysia*. 2018 Jul 25;16. <https://doi.org/10.21837/pm.v16i5.433>
- [25] Santos LD, Martins I, Brito P. Measuring subjective quality of life: A survey to Porto's residents. *Applied Research in Quality of Life*. 2007 Mar;2:51-64. <https://doi.org/10.1007/s11482-007-9029-z>
- [26] Kowaltowski DC, da Silva VG, Pina SA, Labaki LC, Ruschel RC, de Carvalho Moreira D. Quality of life and sustainability issues as seen by the population of low-income housing in the region of Campinas, Brazil. *Habitat International*. 2006 Dec 1;30(4):1100-14. <https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2006.04.00>
- [27] Berger MC, Blomquist GC, Peter KS. Compensating differentials in emerging labor and housing markets: Estimates of quality of life in Russian cities. *Journal of Urban Economics*. 2008 Jan 1;63(1):25-55. <https://doi.org/10.1016/j.jue.2007.01.006>
- [28] Ülengin B, Ülengin F, Güvenç Ü. A multidimensional approach to urban quality of life: The case of Istanbul. *European Journal of Operational Research*. 2001 Apr 16;130(2):361-74. [https://doi.org/10.1016/S0377-2217\(00\)00047-3](https://doi.org/10.1016/S0377-2217(00)00047-3)
- [29] Patil GR, Sharma G. Urban Quality of Life: An assessment and ranking for Indian cities. *Transport Policy*. 2022 Aug 1;124:183-91. <https://doi.org/10.1016/j.tranpol.2020.11.009>
- [30] Forouhar N, Forouhar A. Quality of life in neighbourhoods undergoing renewal: Evidence from Mashhad, Iran. *Urbani izziv*. 2020 Dec 1;31(2):101-13. DOI: [10.5379/urbani-izziv-en-2020-31-02-004](https://doi.org/10.5379/urbani-izziv-en-2020-31-02-004)
- [31] Uysal M, Sirgy MJ. Quality-of-life indicators as performance measures. *Annals of Tourism Research*. 2019 May 1;76:291-300. <https://doi.org/10.1016/j.annals.2018.12.016>
- [32] Węziak-Białowolska D. Quality of life in cities—Empirical evidence in comparative European perspective. *Cities*. 2016 Oct 1;58:87-96. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2016.05.016>
- [33] Bonaiuto M, Fornara F, Ariccio S, Cancellieri UG, Rahimi L. Perceived residential environment quality indicators (PREQIs) relevance for UN-HABITAT City Prosperity Index (CPI). *Habitat Interna-*

tial distribution of these jobs in Ardabil city by relying on some spatial analysis capabilities in the ArcGIS environment. In this regard, the main question of the research is as follows: What is the state of accessibility and spatial distribution of laundry and dry-cleaning units in the neighborhoods of Ardabil city?

Materials and Methods

In terms of the type of research, the current research is applied-developmental and its method is descriptive-analytical based on graphic methods. The method of collecting information is library (documents) and field. In this way, first by using the library method; The introduction, background, and theoretical foundations of the research were compiled. Also, using the field survey method (GPS), the exact locations of laundry and dry-cleaning units in the neighborhoods of Ardabil city were identified and their coordinates were recorded. After correcting the errors and accurately coding the collected locations in the Google Earth software environment, the final data was entered into the ArcGIS software to form a geographic information database to be analyzed in this software environment. To analyze the information, spatial analysis models and spatial statistics in the ArcGIS environment such as spatial autocorrelation analysis and hot spot analysis were used.

Findings

In the current research, the accessibility and spatial distribution of urban services (in this research, laundry, and dry cleaning units) were investigated at the level of the neighborhoods of Ardabil city, and the obtained results showed that in terms of the weight of the abundance of the investigated units at the level of the neighborhoods of Ardabil city, Neighborhoods No. 1-10, 2-8, 3-5 and 4-4 each with 5 units with the highest frequency and neighborhoods 2-9, 3-2, 3-10, 4-1, 4-2, 4-5, 4-6 and 4-10 without any laundry and dry cleaning units are placed in the last classification in terms of the frequency of the mentioned units. The status of the number of laundry and dry-cleaning units by the neighborhoods of Ardabil Municipality and based on the ratio of the number of units investigated per 10 thousand people showed that in the neighborhoods 3-4, 3-3, and 4-4 per 10 thousand population. 4/58 laundry and dry cleaning units and in the neighborhoods 3-2, 3-10, 4-1, 4-2, 4-5, 4-6, and 4-10 per 10 thousand people, absolutely no laundry units and There is no laundry. The condition of the rest of the neighborhoods is in the range of these values. Also, based on the analysis of hot spots in the neighborhoods of Ardabil municipality, neighborhoods 1-7, 1-9, 1-10, 2-4, 2-6, 2-8, 2-10, 3-4, 3-5 and 4-4 have the highest Z value and have a hotter situation in terms of access to the studied units. On the other hand, the neighborhoods 2-9, 3-2, 3-10, 4-1, 4-2, 4-5, 4-6, and 4-10 have the lowest Z value, so without any value Hot and cold spots are located

among the urban neighborhoods of Ardabil. Finally, the result of the spatial autocorrelation analysis of the mentioned units based on the neighborhoods of Ardabil Municipality with Z:1/55 showed that their distribution is classified as a random pattern.

Conclusion

Urban planning requires the allocation and distribution of scarce resources among different areas of the city and relies on criteria such as social welfare. Otherwise, it can lead to more access in certain areas of the city to urban resources compared to other places. The basis of the distribution of urban services should take into account access and spatial distribution within the city. Considering the importance of the subject, the present research has investigated the accessibility and spatial distribution of laundry and dry cleaning units in the neighborhoods of Ardabil city. The results of the research showed that according to the type of urban fabric of Ardabil, the structural form of these fabrics has a significant effect on residents' access to service facilities (in this research, laundry, and dry-cleaning units) and their spatial distribution in the city. The spatial distribution of the aforementioned service units in the neighborhoods of Ardabil city is more than that of the peripheral neighborhoods. The findings of this study are consistent with the research of Lee et al. who state that the structure of the urban fabric affects the residents' access to service facilities and the distribution of services is not consistent with the distribution of the population. In addition, the results of Fatemi's research showed; that Region 4 of Ardabil, which is considered as one of the peripheral areas, has a high dispersion of bakery units, which contradicts the findings of the above research. Also, the findings of the spatial distribution of laundry and dry-cleaning units in the neighborhoods of Ardabil show a random and inappropriate pattern, which indicates the concentration of these units in one or more specific neighborhoods of the city. This model leads to more access of some neighborhoods and their residents to relevant services, which helps to form inequality in the distribution of urban services in Ardabil. In this regard, the results of the above research are in line with the results of the research of Naimi and Babai Aghdam, which shows the inappropriate distribution of urban public services in different areas of Sanandaj City. Finally, considering the importance of the issue, it is suggested that a detailed survey of the per capita usage of services such as laundry and dry-cleaning units in the city is done and necessary measures are taken to solve their shortage in the city, and the ability of all residents to access city services is a priority for the managers. Take This means that the distribution of services in the city should be done in such a way that all residents of the city have proper access to city services. To achieve this, it is important to pay attention to urban facilities' service radius and capacity.

COPYRIGHTS

©2022 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.



HOW TO CITE THIS ARTICLE

Ghaffari Chanzanaqh N. Ghaffari Gilandeh A. Safarian Zengir V. Investigating the Accessibility and Spatial Distribution of Urban Services Using Geographic Information System (GIS) in Ardabil Urban Neighborhoods (Case Example: Laundry and Dry-Cleaning Units). Urban Economics and Planning Vol 5(1):106-118. [In Persian]

DOI: 10.22034/UEP.2024.454750.1479



Investigating the Accessibility and Spatial Distribution of Urban Services Using Geographic Information System (GIS) in Ardabil Urban Neighborhoods (Case Example: Laundry and Dry-Cleaning Units)*

Original Article

Navid Ghaffari Chanzanaqh¹, Ata Ghaffari Gilandeh^{2**}, Vahid Safarian Zengir³

1- MSc in geography and urban planning, Faculty of Social Sciences, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran

2- Professor of Department of Geography and Urban and Rural Planning, Faculty of Social Sciences, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran

3- Ph.D. in Climatology, Faculty of Social Sciences, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran

ARTICLE INFO

Article History

Received: 2024-04-28

Revised: 2024-06-08

Accepted: 2024-06-08

Keywords

Geographic Information System (GIS)

Laundry and dry-cleaning units
Neighborhoods of Ardabil municipality

Service trade units

Spatial analysis

ABSTRACT

Introduction

In the past fifty years, population and urbanization have led to Uninterrupted urban growth and expansion. In other words, it can be said that the urban population has increased. Still, the existing urban services have not been able to respond to the diverse needs of the people due to inadequate distribution and insufficient access. Therefore, the rapid growth of cities has exceeded the capacity of organizations and city managers to provide infrastructure and public services to citizens. Dispersion and proportional distribution of urban service use are some of the most important considerations in urban land use planning. There is a possibility of creating social crises and spatial problems due to the uneven distribution of urban service users. Inadequate spatial distribution of urban service cables requires more movement over longer distances to use the services provided by them, Which leads to additional costs, time wastage, increased crowding, traffic, air pollution, and insufficient access to services. For some, it also includes families. On the contrary, the proper distribution of urban services provides the possibility of optimal access to service uses and not only plays a significant role in improving the health, security, and peace of society but also acts as an important indicator in the direction of achieving social well-being. It can be inferred that optimal access and proper distribution of urban service users in all urban areas means providing the right services at the right time and place. In this regard, the measured action of urban management in the spatial distribution of urban service uses is necessary to improve the physical quality of the environment so that the quality of life of the people can improve and urban sustainability be achieved. For this purpose, it is very important to understand and analyze the current situation of the spatial distribution of urban services in which the pursuit of proper distribution and easy access to the services of these uses requires the allocation of resources with the most favorable combination. Ardabil City has seen rapid population and physical growth in recent decades. However, the distribution of different uses of urban services does not correspond to the growth and expansion of the population and the physical structure of the city. This imbalance in the distribution of urban service centers can not only lead to the promotion of intra-city travel and aggravation of pollution but also disrupt the population balance and expand urban spaces in conflict with social and economic dimensions. Therefore, by examining the distribution and access to the uses of urban services, it is possible to identify their spatial pattern in different urban areas. This, in turn, can lead to providing solutions that improve residents' access to such uses and increase their quality of life. Laundry and dry-cleaning jobs, especially the subject of study in this research, are among the types of activities and services that operate in the category of special service trade unions in cities, and in a way, they respond to the needs of the majority of citizens for the services of these units. The current research focuses on laundry and dry-cleaning jobs as a specific example of service sectors in cities and it has analyzed the spa-

* This article is extracted from the master's thesis of "Navid Ghaffari Chanzanaqh" under the guidance of "Dr. Ata Ghaffari Gilandeh" and the advisor of "Dr. Vahid Safarian Zengir" at University of Mohaghegh Ardabili.

** Corresponding author: a-ghafarigilandeh@uma.ac.ir

بررسی وضعیت دسترسی پذیری و پراکنش فضایی خدمات شهری با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) در محلات شهری اردبیل (نمونه موردی: واحدهای لباسشویی و خشکشویی)*

مقاله پژوهشی

نوید غفاری چندانق^۱؛ عطا غفاری گیلانده^{۲*}؛ وحید صفریان زنگیر^۳

۱- کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران
 ۲- استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و روستایی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران
 ۳- دکتری اقلیم‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

چکیده

مقدمه

در پنجاه سال گذشته، افزایش جمعیت و شهرنشینی به رشد و گسترش بی‌وقفه شهری منجر شده است. به بیانی، می‌توان گفت که جمعیت شهری افزایش یافته است، اما خدمات شهری موجود به دلیل پراکندگی نامناسب و دسترسی ناکافی نتوانسته پاسخ‌گوی نیازهای متنوع مردم باشد. بنابراین رشد سریع شهرها از ظرفیت سازمان‌ها و مدیران شهری برای ارائه خدمات زیربنایی و عمومی به شهروندان فراتر رفته است. پراکندگی و توزیع متناسب کاربری‌های خدمات شهری یکی از ملاحظات مهم در برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری است. با توجه به پراکندگی نابرابر کاربری‌های خدمات شهری، هنگام استفاده از این کاربری‌ها، امکان ایجاد بحران‌های اجتماعی و مشکلات فضایی وجود دارد. پراکندگی فضایی نامناسب کاربری‌های خدمات شهری، جابه‌جایی بیشتر در فواصل طولانی‌تری را برای استفاده از خدمات ارائه شده توسط آن‌ها ایجاد می‌کند. که این امر به ایجاد هزینه‌های اضافی، اتلاف وقت، افزایش ازدحام جمعیت، ترافیک، آلودگی هوا و دسترسی ناکافی به خدمات برای برخی خانواده‌ها را نیز شامل منجر می‌شود. به‌عکس، توزیع مناسب خدمات شهری امکان دسترسی مطلوب به کاربری‌های خدماتی را فراهم می‌آورد و نه تنها در ارتقای سلامت، امنیت و آرامش جامعه نقش به‌سزایی دارد، بلکه به عنوان شاخصی مهم در جهت دستیابی به رفاه اجتماعی عمل می‌کند. در واقع می‌توان گفت که دسترسی مطلوب و توزیع مناسب کاربری‌های خدمات شهری در تمامی مناطق شهری به معنای ارائه خدمات مناسب در زمان و مکان مناسب است. در این راستا، اقدام سنجیده مدیریت شهری در توزیع فضایی کاربری‌های خدمات شهری برای بهبود کیفیت فیزیکی محیط و در نتیجه، ارتقای کیفیت زندگی مردم و دستیابی به پایداری شهری ضروری است. برای این منظور، درک و تجزیه و تحلیل وضعیت فعلی پراکنش فضایی کاربری‌های خدمات شهری بسیار مهم است که در آن پیگیری توزیع مناسب و دسترسی آسان به خدمات این کاربری‌ها مستلزم تخصیص منابع با مطلوب‌ترین ترکیب است. شهر اردبیل در دهه‌های اخیر شاهد رشد سریع جمعیتی و فیزیکی بوده است. با این حال، توزیع کاربری‌های مختلف خدمات شهری با رشد و گسترش جمعیت و ساختار فیزیکی شهر مطابقت ندارد. این عدم تعادل در توزیع مراکز خدمات شهری نه تنها می‌تواند به ترویج سفرهای درون‌شهری و تشدید آلودگی منجر شود، بلکه تعادل جمعیتی را نیز مختل می‌کند و فضاهای شهری را در تضاد با ابعاد اجتماعی و اقتصادی گسترش می‌دهد. بنابراین با بررسی توزیع و دسترسی به کاربری‌های خدمات شهری می‌توان الگوی فضایی آن‌ها را در مناطق مختلف شهری شناسایی کرد. این امر به نوبه خود می‌تواند به ارائه راهکارهایی منجر شود که دسترسی ساکنان به چنین کاربری‌هایی را بهبود بخشد و موجب افزایش کیفیت زندگی آنان شود. مشاغل لباسشویی و خشکشویی به‌ویژه موضوع مورد مطالعه در این پژوهش از جمله انواع فعالیت‌ها و خدماتی هستند که در دسته‌بندی واحدهای صنفی خدماتی خاص در شهرها فعالیت می‌کنند و به نوعی نیاز اکثریت شهروندان به خدمات

اطلاعات مقاله

تاریخ‌های مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۹
 تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۳/۱۹
 تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۹

کلمات کلیدی

تحلیل فضایی
 سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS)
 محلات شهر اردبیل
 واحدهای صنفی خدماتی
 واحدهای لباسشویی و خشکشویی

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد «نوید غفاری چندانق» به راهنمایی «دکتر عطا غفاری گیلانده» و مشاور «دکتر وحید صفریان زنگیر» در دانشگاه محقق اردبیلی است.
 ** نویسنده مسئول: a-ghafarigilandeh@uma.ac.ir

۳، ۴-۱، ۴-۲، ۴-۵، ۴-۶ و ۴-۱۰ دارای پایین‌ترین مقدار Z هستند که بر این اساس بدون هیچ‌گونه مقدار داغی و به صورت لکه سرد در بین محلات شهری اردبیل قرار دارند. در نهایت خروجی تحلیل خود همبستگی فضایی واحدهای یادشده بر مبنای محلات شهرداری اردبیل با عدد Z: ۱/۵۵ نشان داد نحوه پراکنش آن‌ها در دسته‌بندی الگوی تصادفی قرار دارد.

نتیجه‌گیری

برنامه‌ریزی شهری اساساً مستلزم تخصیص و توزیع منابع کمیاب در میان مناطق مختلف شهر و متکی بر معیارهایی مانند رفاه اجتماعی است. در غیر این صورت، می‌تواند به دسترسی بیشتر مناطق خاصی از شهر به منابع شهری در مقایسه با سایر مناطق منجر شود. مبنای توزیع خدمات شهری باید دسترسی و توزیع فضایی درون شهر را در نظر گیرد. با توجه به اهمیت موضوع، پژوهش حاضر به بررسی وضعیت دسترسی پذیری و پراکنش فضایی واحدهای لباسشویی و خشکشویی در سطح محلات شهر اردبیل پرداخته است. نتایج پژوهش نشان داد با توجه به نوع بافت شهری اردبیل، فرم ساختاری این بافت‌ها تأثیر به‌سزایی در دسترسی ساکنان به امکانات خدماتی (در این تحقیق، واحدهای لباسشویی و خشکشویی) و توزیع فضایی آن‌ها در شهر دارند. همچنین مشخص شد که دسترسی و پراکنش فضایی واحدهای خدماتی یادشده در محلات مرکزی شهر اردبیل نسبت به محلات حاشیه‌ای بیشتر است. یافته‌های این مطالعه با پژوهش لی و همکاران که عنوان می‌کنند ساختار بافت شهری بر دسترسی ساکنان به امکانات خدماتی تأثیر می‌گذارد و توزیع خدمات مطابق با توزیع جمعیت نیست همخوانی دارد. علاوه بر این، نتایج حاصل از پژوهش فاطمی نشان داد منطقه ۴ اردبیل که جزء مناطق حاشیه‌ای محسوب می‌شود دارای پراکندگی بالایی از واحدهای ناوایی بوده که در تضاد با یافته‌های پژوهش یادشده است. همچنین یافته‌های توزیع فضایی واحدهای لباسشویی و خشکشویی در محلات شهر اردبیل، الگوی تصادفی و نامناسبی را نشان می‌دهد نشان‌دهنده تمرکز این واحدها در یک یا چند محله خاص از شهر است. این الگو به دسترسی بیشتر برخی محلات و ساکنان آن‌ها به خدمات مربوطه منجر می‌شود که به شکل‌گیری نابرابری در توزیع خدمات شهری در اردبیل کمک می‌کند. در این راستا، نتایج پژوهش یادشده با نتایج پژوهش نعیمی و بابایی اقدام که نشان‌دهنده توزیع نامناسب خدمات عمومی شهری در مناطق مختلف شهر سنج است، همسو است. در نهایت با توجه به اهمیت موضوع پیشنهاد می‌شود که بررسی دقیقی از سرانه‌های کاربری‌های خدماتی همچون واحدهای لباسشویی و خشکشویی در شهر صورت گرفته و در رفع کمبود آن‌ها در شهر اقدام لازم صورت پذیرفته و قابلیت دسترسی همه ساکنان به خدمات شهری در اولویت کاری مدیران قرار گیرد. به این معنا که توزیع خدمات در شهر باید به طریقی انجام گیرد که تمامی ساکنان شهر به خدمات شهری دسترسی مناسبی داشته باشند. برای رسیدن به این امر مهم، توجه به شعاع خدمات‌رسانی و ظرفیت خدمات‌رسانی تسهیلات شهری مهم است.

این واحدها را پاسخ‌گو هستند. پژوهش حاضر روی مشاغل لباسشویی و خشکشویی به عنوان نمونه‌ای خاص از بخش‌های خدماتی در شهرها تمرکز کرده و با تکیه بر برخی از قابلیت‌های تحلیل فضایی در محیط ArcGIS، اقدام به تحلیل توزیع فضایی این مشاغل در شهر اردبیل کرده است. در این راستا سؤال اصلی پژوهش به این شرح است که وضعیت دسترسی پذیری و پراکنش فضایی واحدهای لباسشویی و خشکشویی در سطح محلات شهر اردبیل به چه صورت است؟

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از نظر نوع تحقیق، کاربردی - توسعه‌ای و روش انجام آن توصیفی - تحلیلی بر پایه روش‌های گرافیک مناسب است. روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای (اسنادی) و میدانی است. به این صورت که ابتدا با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای، مقدمه، پیشینه و مبانی نظری پژوهش تدوین شد. همچنین با استفاده از روش برداشت میدانی (GPS) مکان‌های دقیق واحدهای لباسشویی و خشکشویی در سطح محلات شهر اردبیل مورد شناسایی قرار گرفته و مختصات آن‌ها ثبت شد. بعد از تصحیح خطاها و کدگذاری دقیق مکان‌های برداشت‌شده در محیط نرم‌افزار Google Earth، داده‌های نهایی برای تشکیل پایگاه اطلاعات جغرافیایی وارد نرم‌افزار ArcGIS شد تا در محیط این نرم‌افزار به تحلیل آن‌ها پرداخته شود. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز از مدل‌های تحلیل فضایی و آمار فضایی در محیط ArcGIS همچون تحلیل خود همبستگی فضایی و تحلیل لکه داغ مورد استفاده قرار گرفت.

یافته‌ها

در پژوهش حاضر به بررسی وضعیت دسترسی پذیری و پراکنش فضایی خدمات شهری (در این تحقیق، واحدهای لباسشویی و خشکشویی) در سطح محلات شهر اردبیل پرداخته شد و نتایج به‌دست‌آمده نشان داد از لحاظ وزنه فراوانی واحدهای مورد بررسی در سطح محلات شهر اردبیل، محلات شماره ۱-۱۰، ۸-۲، ۵-۳، ۴-۴ هر یک با ۵ واحد دارای بیشترین فراوانی و محلات ۲-۹، ۲-۳، ۱-۱۰، ۴-۱، ۴-۲، ۴-۵، ۴-۶ و ۴-۱۰ بدون هیچ‌گونه واحد لباسشویی و خشکشویی در آخرین رده‌بندی از نظر فراوانی واحدهای یادشده قرار می‌گیرند. وضعیت تعداد واحدهای لباسشویی و خشکشویی به تفکیک محلات شهرداری اردبیل و بر مبنای نسبت تعداد واحدهای مورد بررسی به ازای هر ۱۰ هزار نفر نشان داد در محلات ۳-۳، ۳-۴ و ۴-۴ به ازای ۱۰ هزار نفر جمعیت، ۴/۵۸ واحد لباسشویی و خشکشویی و در محلات ۳-۲، ۳-۱۰، ۴-۱، ۴-۲، ۴-۵، ۴-۶ و ۴-۱۰ به ازای ۱۰ هزار نفر جمعیت، به طور مطلق هیچ واحد لباسشویی و خشکشویی وجود ندارد. وضعیت بقیه محلات هم در حد فاصل این مقادیر قرار گرفته است. همچنین بر اساس تحلیل لکه داغ در محدوده محلات شهرداری اردبیل، محلات ۱-۷، ۱-۹، ۱-۱۰، ۲-۴، ۲-۶، ۲-۸، ۲-۱۰، ۳-۴، ۳-۵ و ۴-۴ دارای بالاترین مقدار Z هستند و وضعیت داغ‌تری را به لحاظ دسترسی به واحدهای مورد بررسی را دارند. در مقابل محلات ۲-۹، ۳-۲، ۳-۱۰

مقدمه

طی نیم قرن اخیر، گسترش روزافزون جمعیت و افزایش شهرنشینی، موجب رشد و توسعه بی‌رویه شهری شده است [۱]. به گونه‌ای که می‌توان گفت جمعیت شهرها افزایش یافته ولی خدماتی که پاسخ‌گوی نیازهای مختلف آن‌ها باشد، از پراکنش و دسترسی مناسبی برخوردار نیستند [۲]. چرا که رشد سریع شهرها بسیار بیشتر از ظرفیت سازمان‌ها و مدیران شهری در ارائه زیرساخت‌ها و خدمات عمومی برای شهروندان است [۳]. مسئله پراکنش و توزیع صحیح، متناسب و اصولی کاربری‌ها، از پراهمیت‌ترین موارد در برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری محسوب می‌شود، به گونه‌ای که این چیدمان و توزیع کاربری‌ها باید به طور اصولی و عاقلانه پاسخ‌گوی نیازها و حوائج جامعه شهری و جمعیت ساکن در آن باشد [۴]. پراکنش نابرابر کاربری‌های خدماتی می‌تواند به بحران‌های اجتماعی و مشکلات پیچیده فضایی بینجامد [۵]. به طوری که می‌توان گفت پراکنش فضایی نامتناسب این کاربری‌ها سبب الزام به جابه‌جایی بیشتر در مسافت‌های طولانی‌تر می‌شود که علاوه بر تحمیل هزینه و اتلاف وقت، عوارض غیرمستقیم دیگری همچون افزایش شلوغی و ترافیک در بخش‌هایی از شهر، آلودگی هوا و عدم برخورداری متناسب پارک‌ها از خانواده‌ها از این خدمات می‌شود [۶]. به عکس، یک توزیع متناسب سبب دسترسی مطلوب به کاربری‌های خدماتی شده و این موضوع نه تنها نقش مهمی در ارتقای سلامت، امنیت و آرامش خاطر جامعه خواهد داشت، بلکه شاخصی مهم در راستای تحقق رفاه اجتماعی به شمار می‌آید [۷]. در حقیقت می‌توان گفت که دسترسی مطلوب و پراکنش مناسب کاربری‌های خدماتی برای همه مناطق و نواحی در سطح شهرها به معنای فراهم کردن خدمات درست، در زمان درست و در مکان درست است [۸]. در همین راستا عمل آگاهانه مدیریت شهری در پراکنش فضایی کاربری‌ها برای ارتقای کیفیت محیط کلیدی و از طریق آن ارتقای کیفیت زندگی و رسیدن به پایداری شهری مستلزم درک و تحلیل وضع موجود است که در آن برای پراکنش مناسب و دسترسی راحت باید به دنبال تخصیص منابع با مطلوب‌ترین ترکیب ممکن بود [۹].

در چند دهه اخیر شهر اردبیل از لحاظ جمعیت و کالبد با سرعت زیادی رشد یافته است، ولی نحوه پراکنش کاربری‌های خدماتی متناسب با رشد و گسترش جمعیت و کالبد شهر نیست [۱۰]. این وضعیت نامتعادل در پراکنش مراکز خدماتی نه تنها می‌تواند موجب ترویج سفرهای درون‌شهری و تشدید آلودگی‌ها و به هم زدن جمعیت و عدم توازن آن بینجامد، بلکه فضاهای شهر را متناقض با ابعاد اجتماعی و اقتصادی شکل می‌دهد. از این رو با بررسی پراکنش و نحوه دسترسی پذیری به کاربری‌های خدماتی می‌توان به الگوی فضایی آن‌ها در سطح شهر پی برد تا از این طریق با ارائه راهکارهایی موجب دسترسی بهتر ساکنان به چنین خدماتی و افزایش کیفیت زندگی آنان شد. مشاغل لباسشویی و خشکشویی به ویژه موضوع مورد مطالعه در این پژوهش، از انواع فعالیت‌ها و خدماتی هستند که در عرصه خدماتی خاص در شهرها مشغول به کار هستند و غالب شهروندان، به طریقی از این خدمات منتفع می‌شوند. در کنار ضرورت توجه به مقولات مربوط به چگونگی توزیع و پراکنش کاربری‌هایی مانند کاربری‌های بهداشتی - درمانی و کاربری‌های آموزشی در شهرها که به طور مشخص و در قالب‌هایی همچون مقاله و پایان‌نامه؛ نمونه‌های پژوهشی پرداختن به این موضوعات را در ظرف فضایی شهر اردبیل و شهرهای دیگر شاهد هستیم؛ بررسی و تحلیل فراوانی و توزیع طیف گسترده‌ای از صنوف خدماتی در شهرها نیز از اهمیت شایان توجهی برخوردار است. فراوانی و پراکنش مناسب صنوف مختلف خدماتی در شهرها و وضعیت دسترسی پذیری به این صنوف در زمینه‌های خدماتی مربوطه که طیف متنوعی از خدمات را شامل می‌شوند؛ باعث می‌شود محیط‌های شهری به لحاظ دسترسی‌پذیری خدمات صنفی مورد تقاضا در شرایط پاسخدهی مناسب‌تری قرار داشته باشند. واحدهای صنفی لباسشویی و خشکشویی از جمله صنوف خدماتی فعال در شهرها هستند که به شیوه‌های مختلف در

اموری اعم از شست‌وشو یا اتوی البسه متنوع همانند پتو، پرده و ملحفه مورد مراجعه شهروندان قرار می‌گیرند. با توجه به زمینه فکری مورد اشاره که بیان آن گذشت در پژوهش حاضر سعی شده است با تمرکز روی واحدهای صنفی لباسشویی و خشکشویی به عنوان نمونه موردی از صنف‌های خدماتی مطرح در شهرها و با تکیه بر برخی از قابلیت‌های تحلیل فضایی در محیط ArcGIS، به تحلیل وضعیت پراکنش مکانی - فضایی واحدهای صنفی یادشده در سطح شهر اردبیل پرداخته شود. در این راستا سؤال اصلی پژوهش به این شرح است که وضعیت دسترسی‌پذیری و پراکنش فضایی واحدهای لباسشویی و خشکشویی در سطح محلات شهر اردبیل به چه صورت است؟

پیشینه پژوهش

تحلیل و بررسی وضعیت دسترسی‌پذیری و پراکنش فضایی واحدهای لباسشویی و خشکشویی از آن جهت می‌تواند اهمیت داشته باشد که جزئی از کاربری‌های صنفی خدماتی محسوب شود و در ضمن ساماندهی فضایی کاربری‌های مختلف شهری می‌تواند به بهبود عملکرد و پوشش مناسب خدمات آن‌ها بینجامد. لذا در این راستا پژوهش‌های مشابه مختلفی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

جانو و همکاران [۱۱] در پژوهشی به بررسی نحوه پراکنش امکانات و خدمات عمومی در شهر گوانگژو پرداخته و نتیجه گرفته‌اند که امکانات و خدمات عمومی شهری گوانگژو واجد الگوی توزیع فضایی هسته مرکزی است. تفاوت‌های زیادی در ارائه خدمات عمومی در مناطق مختلف وجود دارد و توزیع خدمات با توزیع جمعیت هماهنگ نیست. سطح عمومی تأسیسات شهر کم و توزیع آن نامتعادل است. عوامل اصلی تأثیرگذار بر نحوه توزیع شامل ویژگی‌های محیط جغرافیایی، تجمع تاریخی، توسعه اقتصادی و اصلاح نهادها و سیاست‌هاست و آن را نتیجه تعامل قانون اکولوژی شهری و مکانیزم تصمیم‌گیری حرفه‌ای می‌دانند.

کابسیچ و همکاران [۱۲] پراکنش و در دسترس بودن فضای سبز در ۲۹۹ شهرستان اتحادیه اروپا را با توجه به استفاده از زمین و شبکه داده‌های جمعیتی ارزیابی کردند و نتایج یک تصویر متنوع را در سراسر اتحادیه اروپا نشان دادند، به طوری که در مقایسه با مقادیر بالای دسترسی در شهرهای اروپای شمالی، دسترسی شهرهای جنوبی زیر میانگین به دست آمده بود.

لی و همکاران [۱۳] پژوهشی با عنوان «ارزیابی دسترسی فضایی به پارک‌های شهری سلسله‌مراتبی بر اساس چند نوع مسافت سفر در سنژون» انجام داده‌اند. محققان در این پژوهش با استفاده از فاصله اقلیدسی و تحلیل همبستگی اطلاعات پژوهش را تجزیه و تحلیل کرده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد دسترسی به پارک‌ها در تمام سطح‌های سلسله‌مراتبی سطح مناسبی دارد؛ اما از لحاظ جمعیتی حدود ۵۵ درصد از جمعیت به فضای سبز شهری دسترسی دارند.

حدیدی و همکاران [۱۴] به بررسی و تحلیل الگوی بهینه پراکنش مراکز آموزشی در ناحیه یک کرمانشاه، با استفاده از روش تصمیم‌گیری چند معیار (MCDM) در محیط نرم‌افزار GIS پرداخته و نشان می‌دهند میزان مدارس ناحیه ۱ برای پوشش دادن کل فضای منطقه مکفی نبوده و تعدادی از محله‌های غربی ناحیه با اینکه دارای تراکم زیاد هستند، از دستیابی مطلوب و عادلانه به مدارس بی‌بهره‌اند و خارج از بهینه پوشش مدارس موجود هستند، بنابراین قواعد و ضوابط صحیح و خاصی از نظر برنامه‌ریزی شهری در تعیین محدوده‌بندی مدارس، رعایت نشده است.

نیممی و بابایی اقدم [۱۵] در پژوهشی با هدف تحلیل پراکنش خدمات عمومی شهری در نواحی ۲۲ گانه شهر سنندج، نشان می‌دهند وضعیت پراکنش خدمات عمومی شهری در نواحی شهر سنندج مناسب نیست و الگوی پراکنش آن‌ها به صورت خوشه‌ای است.

خرم خرم‌آباد [۱۶] در پایان‌نامه خود تحت عنوان «تحلیل مکانی - فضایی کاربری‌های تجاری و تجاری - خدماتی در سطح شهر اردبیل با استفاده از

شهری را دنبال کرده و مقصود نهایی آن، استفاده مفید و بهینه از فضای شهری است [۱۸]. یکی از اهداف برنامه‌ریزی کاربری زمین، چگونگی ترکیب کاربری‌های گوناگون شهری در هر سطوح و سلسله‌مراتب مختلف شهری است [۱۹]. امروزه تجاری‌سازی یا تجاری شدن شهرها بی‌تردید سبب شده است خدمات و تجارت بیش از گذشته نیازمند مکان‌گزینی در فضاهای مناسب، ویژه و جاذب باشند؛ لذا دستیابی به الگوهای صحیح علمی استقرار و پراکنش این فعالیت‌های شهری و دسترسی بهتر مشتریان و همچنین گیرندگان خدمات از این مراکز، در علوم شهری را بسیار حیاتی می‌کند [۲۰]. در این بین یکی از کاربرهای خدماتی در سطح شهرها، واحدهای لباسشویی و خشکشویی هستند که این واحدها یکی از مراکز ارائه خدمات مربوطه به مردم هستند [۲۱]. امروزه نیاز به خدمات واحدهای یادشده جزء نیازهای ضروری هر جامعه به حساب می‌آید، به طوری که در کشور آمریکا و استرالیا، آمارها حاکی از رشد میزان استخدام در این شغل طی سال‌های اخیر دارند و پیش‌بینی‌ها نیز از روند افزایشی میزان فعالیت در این مشاغل خبر می‌دهند. بر این اساس شناسایی نحوه دسترسی مردم به چنین خدماتی می‌تواند موجب تسهیل رفت و آمد شهری و بهبود کیفیت زندگی ساکنان شود [۲۲].

تحلیل فضایی یکی از راهکارهای بسیار دقیق، مناسب و علمی در پاسخ‌گویی به مسائل، کارکردها، کاربری‌ها و فعالیت‌ها و فضاهای شهری است. با شناخت الگو و نظام توزیع فضایی پدیده‌ها، فعالیت‌ها و فضاهای شهری علاوه بر دستیابی به دانشی درست در نحوه مکان‌گزینی کاربری‌ها، می‌توان به نیاز مدیران و برنامه‌ریزان شهری در تنظیم سازمان و برنامه مناسب و صحیح برای توزیع درست کاربری‌های شهری پاسخ داد و از به هم خوردن نظام توزیع خدمات شهری و از هم‌گسیختگی ساختار کالبدی و فضایی شهرها که به دلیل اقدامات یا برنامه‌ریزی‌های غیراصولی در کارکردهای شهری به‌ویژه واحدهای خدماتی لباسشویی و خشکشویی جلوگیری کرده و از پراکندگی غیر اصولی آن‌ها در سطح شهرها به صورت علمی ممانعت کرد [۲۳]. با توجه به مطالب یادشده، چارچوب مفهومی و نحوه دسترسی‌پذیری کاربری‌های خدماتی (در پژوهش حاضر واحدهای لباسشویی و خشکشویی) براساس شکل ۱ ترسیم شد.

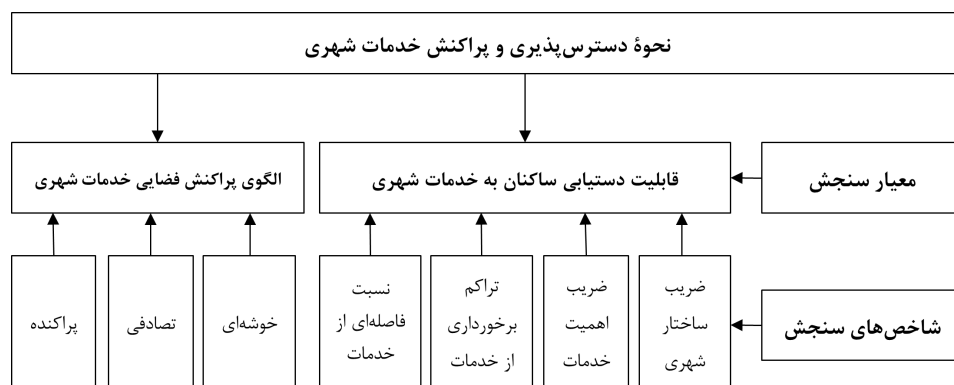
قابلیت‌های GIS»، وضعیت پراکنش کاربری‌های تجاری، تجاری - خدماتی و تجاری - کارگاهی را در سطح شهر اردبیل مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. طبق نتایج پژوهش یادشده، کاربری‌های تجاری و تجاری - خدماتی بیشتر در مرکز شهر متمرکز شده‌اند و مناطق حاشیه‌ای درصد کمتری از کاربری‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین اکثر کاربری‌های تجاری - کارگاهی در منطقه ۵ شهرداری اردبیل متمرکز شده‌اند.

فاطمی [۱۷] در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به بررسی وضعیت توزیع و پراکندگی واحدهای نانویی در شهر اردبیل با استفاده از قابلیت‌های تحلیل فضایی در محیط ArcGIS پرداخته است. نتایج به‌دست‌آمده با توجه به یافته‌های تحقیق نشان‌دهنده این است که منطقه ۳ شهر، هم از نظر تعداد نانویی نسبت به جمعیت و هم از نظر تفکیک نانویی‌ها در نوع پخت و تعدادشان، در سطح پایینی قرار داشته و سطح دسترسی مردم به واحدهای نانویی مناسب نیست. در این میان منطقه ۴، فارغ از بحث نوع پخت نان، از فراوانی بالای واحدهای نانویی برخوردار بوده و در کل سطح دسترسی نسبتاً مناسبی را نسبت به سایر مناطق دارد. البته در این میان برخی واحدها در نوع پخت در برخی مناطق واقعاً بسیار کم بوده و نیازمند بررسی مجدد برای احداث این واحدها در آن مناطق و محله‌ها هستند.

با بررسی‌های صورت‌گرفته در زمینه پیشینه تحقیق، می‌توان گفت که علی‌رغم تعدد پژوهش در حوزه تحلیل فضایی و الگوهای مکانی و فضایی کاربری‌های مختلف شهری جا دارد این تحلیل‌ها در زمینه خاص‌تری از پراکندگی واحدهای صنعتی خدماتی شامل واحدهای لباسشویی و خشکشویی به انجام برسد. بر همین اساس در پژوهش حاضر سعی شد با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) وضعیت دسترسی‌پذیری و پراکنش فضایی واحدهای لباسشویی و خشکشویی در سطح محلات شهر اردبیل مورد بررسی قرار گیرد.

مبانی نظری

برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری به عنوان هسته اصلی دانش برنامه‌ریزی شهری، در واقع نحوه توزیع فضایی - مکانی کارکردها و فعالیت‌های



شکل ۱. چارچوب مفهومی پژوهش

قرار گرفت و مختصات آن‌ها ثبت شد. بعد از تصحیح خطاها و کدگذاری دقیق مکان‌های برداشت‌شده در محیط نرم‌افزار Google Earth، داده‌های نهایی برای تشکیل پایگاه اطلاعات جغرافیایی وارد نرم‌افزار ArcGIS 10.8 شد تا در محیط این نرم‌افزار به تحلیل آن‌ها پرداخته شود. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز از مدل‌های تحلیل فضایی و آمار فضایی در محیط ArcGIS همچون تحلیل خودهمبستگی فضایی و تحلیل لکه داغ مورد استفاده قرار گرفت.

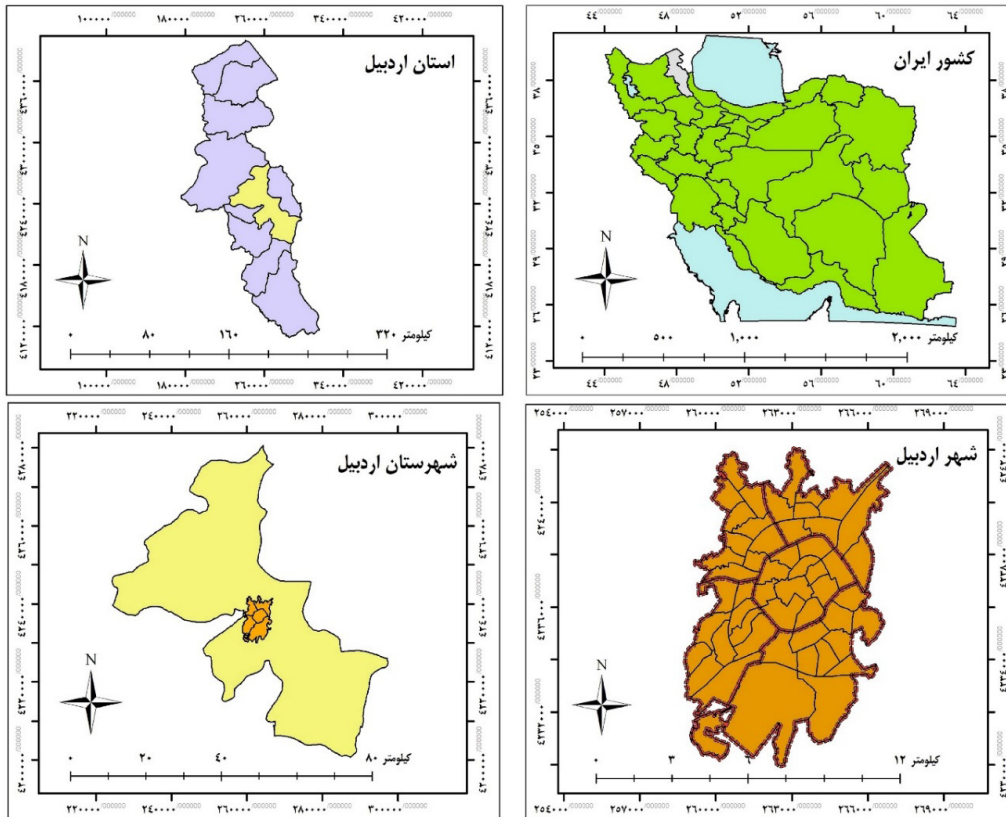
روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر نوع تحقیق، کاربردی - توسعه‌ای و روش انجام آن توصیفی - تحلیلی بر پایه روش‌های گرافیک‌مبناست. روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای (اسنادی) و میدانی است؛ به این صورت که ابتدا با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای، مقدمه، پیشینه و مبانی نظری پژوهش تدوین شد. همچنین با استفاده از روش برداشت میدانی (GPS) مکان‌های دقیق واحدهای لباسشویی و خشکشویی در سطح محلات شهر اردبیل مورد شناسایی

منطقه شهرداری، ۱۵ ناحیه شهری و ۵۱ محله اصلی تقسیم شده است. شهر اردبیل در محدوده‌ای به مساحت بیش از ۶۲۰۰ هکتار گسترده شده و براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ مرکز آمار ایران، جمعیت آن بیش از ۵۲۹،۳۷۴ نفر بوده است [۲۴]. شکل ۲ موقعیت شهر اردبیل را در سطح شهرستان اردبیل، استان و کشور ایران نمایش می‌دهد.

محدوده مطالعه شده

شهر اردبیل مرکز استان و شهرستان اردبیل در دشتی به همین نام واقع شده است که از نظر موقعیت مطلق در مختصات جغرافیایی ۲۱ درجه و ۲۰ دقیقه تا ۲۱ درجه و ۲۳ دقیقه طول شرقی و ۹۱ درجه و ۲۲ دقیقه تا ۹۱ درجه و ۲۳ دقیقه عرض شمالی استقرار یافته است. براساس مصوبات شورای شهر و شهرداری اردبیل در ۱۳۹۶ و تأیید استانداری و وزارت کشور، این شهر به ۵



شکل ۲. موقعیت جغرافیایی و تقسیمات شهر اردبیل

۱-۱۰، ۸-۲، ۵-۳، ۴-۴، هر یک با ۵ واحد دارای بیشترین فراوانی و همچنین محلات ۲-۹، ۲-۳، ۱۰-۳، ۱-۴، ۲-۴، ۵-۴، ۶-۴ و ۱۰-۴ بدون هیچ‌گونه واحدی در آخرین رده‌بندی از نظر فراوانی واحدهای لباسشویی و خشکشویی قرار می‌گیرند. در جدول ۱ جزئیات کامل استقرار واحدهای لباسشویی و خشکشویی و همچنین میزان درصد واحدهای یادشده به نسبت کل واحدهای مربوطه بر اساس محلات شهر اردبیل را می‌توان مشاهده کرد.

یافته‌های پژوهش

در این بخش با استفاده از ابزارهای تحلیلی در محیط ArcGIS به تجزیه و تحلیل وضعیت دسترس پذیری و پراکنش فضایی واحدهای لباسشویی و خشکشویی در سطح محلات شهر اردبیل پرداخته شده است.

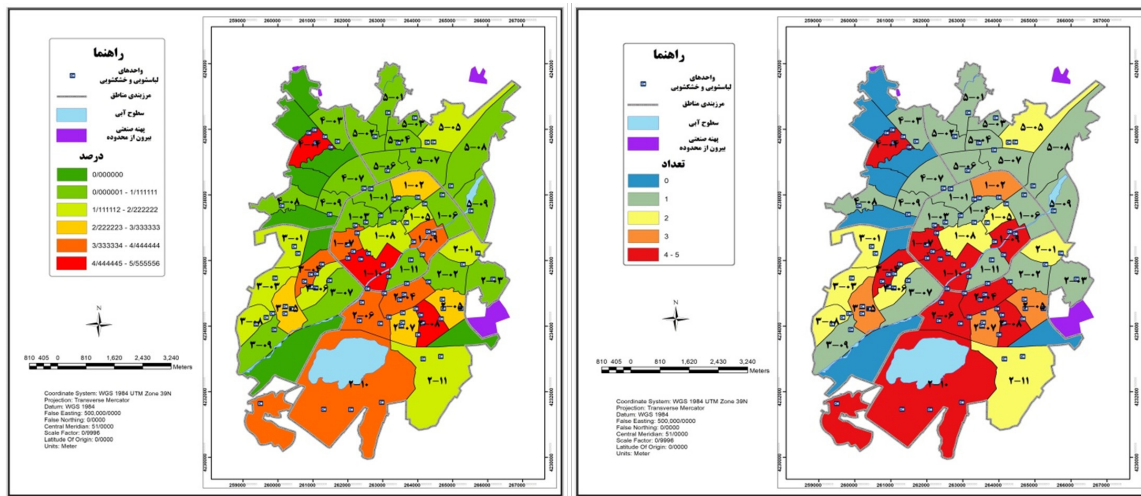
فراوانی و نحوه پراکنش واحدهای لباسشویی و خشکشویی در سطح محلات شهر اردبیل

طبق برداشت‌های صورت گرفته در سطح شهر اردبیل ۹۳ واحد خدماتی لباسشویی و خشکشویی وجود دارد که در بین محلات ۵۱ گانه شهر، محلات

جدول ۱. نحوه پراکنش واحدهای لباسشویی و خشکشویی و میزان درصد آن‌ها به تفکیک محلات شهر اردبیل

درصد	تعداد واحدهای مورد پژوهش	محلات شهر اردبیل	درصد	تعداد واحدهای مورد پژوهش	محلات شهر اردبیل
۲/۱۵	۲	محله ۲-۱	۱/۰۸	۱	محله ۱-۱
۱/۰۸	۱	محله ۲-۲	۳/۲۳	۳	محله ۱-۲
۱/۰۸	۱	محله ۲-۳	۱/۰۸	۱	محله ۱-۳
۳۰/۴	۴	محله ۲-۴	۲/۱۵	۱	محله ۱-۴
۳۳/۳	۳	محله ۲-۵	۲/۱۵	۲	محله ۱-۵
۳۰/۴	۴	محله ۲-۶	۱/۰۸	۱	محله ۱-۶
۳۳/۳	۳	محله ۲-۷	۳۰/۴	۴	محله ۱-۷
۳۸/۵	۵	محله ۲-۸	۲/۱۵	۲	محله ۱-۸
۰۰/۰	۰	محله ۲-۹	۳۰/۴	۴	محله ۱-۹
۳۰/۴	۴	محله ۲-۱۰	۳۸/۵	۵	محله ۱-۱۰
۲/۱۵	۲	محله ۲-۱۱	۱/۰۸	۱	محله ۱-۱۱
۰۰/۰	۰	محله ۴-۱	۲/۱۵	۲	محله ۳-۱
۰۰/۰	۰	محله ۴-۲	۰۰/۰	۰	محله ۳-۲
۱/۰۸	۱	محله ۴-۳	۲/۱۵	۲	محله ۳-۳
۳۸/۵	۵	محله ۴-۴	۳۰/۴	۴	محله ۳-۴
۰۰/۰	۰	محله ۴-۵	۳۸/۵	۵	محله ۳-۵
۰۰/۰	۰	محله ۴-۶	۲/۱۵	۲	محله ۳-۶
۱/۰۸	۱	محله ۴-۷	۱/۰۸	۱	محله ۳-۷
۱/۰۸	۱	محله ۴-۸	۲/۱۵	۲	محله ۳-۸
۱/۰۸	۱	محله ۴-۹	۲/۱۵	۲	محله ۳-۹
۰۰/۰	۰	محله ۴-۱۰	۰۰/۰	۰	محله ۳-۱۰
۱/۰۸	۱	محله ۵-۶	۱/۰۸	۱	محله ۵-۱
۱/۰۸	۱	محله ۵-۷	۱/۰۸	۱	محله ۵-۲
۱/۰۸	۱	محله ۵-۸	۱/۰۸	۱	محله ۵-۳
۱/۰۸	۱	محله ۵-۹	۱/۰۸	۱	محله ۵-۴
*	*	*	۲/۱۵	۲	محله ۵-۵

در شکل ۳ نقشه فراوانی و نقشه نمایش درصدی تعداد واحدهای لباسشویی و خشکشویی به نسبت کل واحدهای مربوطه به تفکیک محلات شهر اردبیل مشخص شده است.



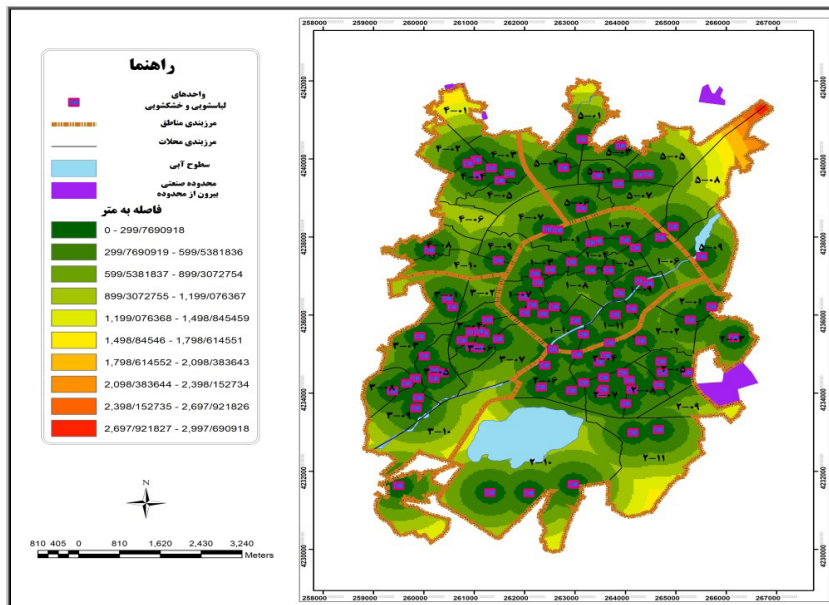
ب) نمایش درصدی واحدهای لباسشویی و خشکشویی

الف) فراوانی واحدهای لباسشویی و خشکشویی

شکل ۳. نقشه فراوانی و نمایش درصدی واحدهای لباسشویی و خشکشویی به نسبت کل واحدهای مربوطه به تفکیک محلات شهر اردبیل

فاصله و زمان به واحدهای لباسشویی و خشکشویی را دارند و از لحاظ فاصله به متر هم افراد ساکن در نقاط با طیف رنگی سبز پررنگ با پیمایش حداکثر فاصله‌ای تقریباً به متر ۳۰۰ متر به واحدهای لباسشویی و خشکشویی می‌رسند و افراد ساکن در نقاط با طیف رنگی قرمز هم با پیمایش حداقل ۲۶۹۸ متر و حداکثر فاصله‌ای به متر ۲۹۹۸ متر به واحدهای یادشده دسترسی پیدا می‌کنند.

در ادامه فاصله محلات از واحدهای لباسشویی و خشکشویی در محدوده محلات شهر اردبیل مورد بررسی و نقشه مربوطه تهیه شد (شکل ۴). در این نقشه نقاط با طیف رنگی سبز پررنگ نزدیک‌ترین نقاط به واحدهای یادشده هستند و نقاط با طیف رنگی قرمز دورترین نقاط از واحدهای لباسشویی و خشکشویی هستند. به بیانی، افراد ساکن در نقاط با طیف رنگی سبز پررنگ نسبت به افراد ساکن در نقاط با طیف رنگی قرمز دسترسی راحت‌تری از لحاظ



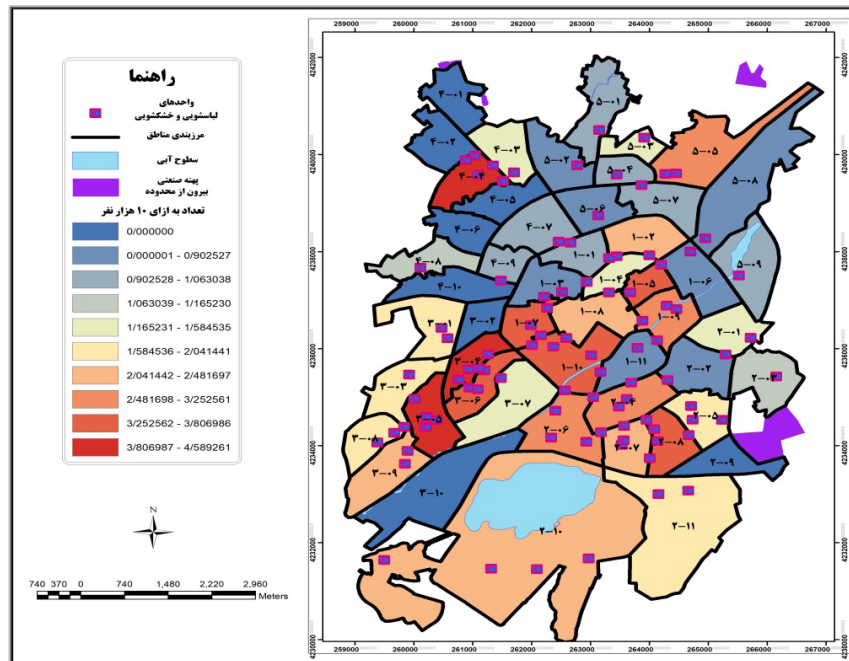
شکل ۴. نقشه فاصله از واحدهای لباسشویی و خشکشویی در سطح محلات شهر اردبیل

۱۰ هزار نفر جمعیت نشان داده شده است، به این صورت که ابتدا سرانه واحد لباسشویی و خشکشویی بر پایه تعداد واحد لباسشویی و خشکشویی موجود در هر محله بر تعداد جمعیت آن محله محاسبه شد که به دلیل خیلی کوچک

تحلیل نسبت تعداد واحدهای لباسشویی و خشکشویی در رابطه با تعداد جمعیت در شکل ۵ وضعیت تعداد واحدهای لباسشویی و خشکشویی به تفکیک محلات اردبیل و بر مبنای نسبت تعداد واحدهای لباسشویی و خشکشویی به ازای هر

هزار نفر جمعیت، هیچ واحد لباسشویی و خشکشویی وجود ندارد، وضعیت بقیه محلات هم در حد فاصل این مقادیر قرار دارد.

بودن مقدار به دست آمده نتیجه در عدد ۱۰ هزار نفر ضرب شد. در محلات ۳-۴، ۳-۳ و ۴-۴ به ازای ۱۰ هزار نفر جمعیت، ۴/۵۸ واحد لباسشویی و خشکشویی موجود است و در محلات ۳-۲، ۳-۱، ۴-۱، ۴-۲، ۴-۵، ۴-۶ و ۴-۱۰ به ازای ۱۰



شکل ۵. نقشه وضعیت تعداد واحدهای لباسشویی و خشکشویی در رابطه با تعداد جمعیت در محلات شهر اردبیل

و در حال رشد آمار فضایی مربوط به خودهمبستگی فضایی است، استفاده شد. نتایج حاصل از تحلیل خود همبستگی فضایی مرتبط با تعداد واحدهای لباسشویی و خشکشویی در سطح محلات شهر اردبیل در جدول ۲ آورده شده است.

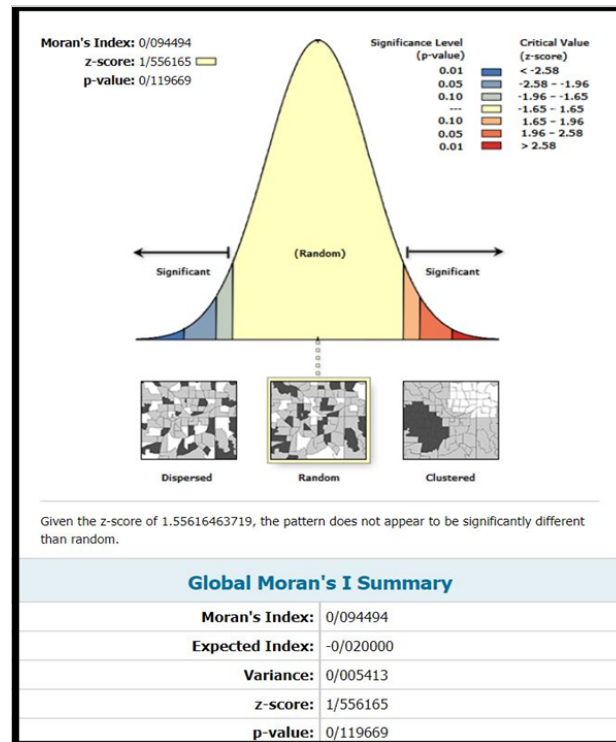
شناخت الگوی پراکنش فضایی واحدهای لباسشویی و خشکشویی در سطح محلات شهر اردبیل
در این پژوهش برای شناخت الگوی پراکنش فضایی واحدهای لباسشویی و خشکشویی از مدل خودهمبستگی فضایی موران که یکی از شاخه‌های جالب

جدول ۲. نتایج تحلیل خودهمبستگی فضایی

مقدار P گزارش شده	نمره Z گزارش شده	شاخص موران
۰/۱۱۹۶۶۹	۱/۵۵۶۱۶۵	۰/۰۹۴۴۹۴

هستند، با این اوصاف مقدار به دست آمده شاخص موران در تحلیل صورت گرفته نشان از میل قابل توجه عدد به دست آمده به طرف اعداد یاد شده در دامنه‌های تعیین شده را نشان نمی‌دهد و همان گونه که در شکل ۶ نشان داده شده با الگوی تصادفی منطبق است.

نتیجه به عمل آمده از تحلیل خودهمبستگی فضایی تعداد واحدهای لباسشویی و خشکشویی در سطح محلات شهر اردبیل نشان می‌دهد مقدار شاخص موران برابر با عدد ۰/۰۹۴۴۹۴ است، اگر شاخص موران نزدیک به عدد +۱ باشد داده‌ها دارای خود همبستگی فضایی و دارای الگوی خوشه‌ای بوده و اگر شاخص موران نزدیک به عدد -۱ باشد آن گاه داده‌ها از هم گسسته و پراکنده

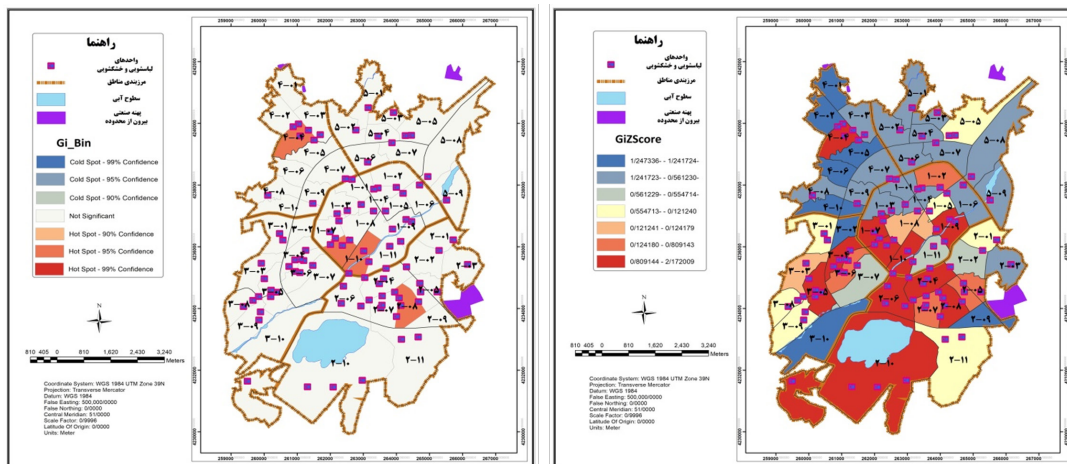


شکل ۶. خروجی تحلیل خودهمبستگی فضایی واحدهای لباسشویی و خشکشویی در سطح محلات اردبیل

به آن خوشه‌بندی منفی (کم) یا لکه سرد می‌گویند [۲۵]. یافته‌های دریافتی از خروجی تحلیل لکه داغ واحدهای لباسشویی و خشکشویی در سطح محلات شهر اردبیل نشان داد محلات ۱-۷، ۹-۱۰، ۱-۱۰، ۲-۴، ۲-۶، ۲-۸، ۲-۱۰، ۳-۴، ۳-۵ و ۴-۴ دارای بالاترین مقدار Z هستند و وضعیت داغ‌تری را به لحاظ دسترسی به واحدهای لباسشویی و خشکشویی دارند. در مقابل محلات ۲-۹، ۳-۲، ۳-۱۰، ۴-۱، ۴-۲، ۴-۵، ۴-۶ و ۴-۱۰ دارای پایین‌ترین مقدار Z هستند که بر این اساس بدون هیچ‌گونه مقدار داغی و به صورت لکه سرد در بین محلات شهری اردبیل هستند. همچنین محلات ۱-۱۰، ۲-۸، ۲-۴ و ۴-۴ بر اساس میزان G_i Bin در سطح اطمینان ۹۵٪ موقعیت لکه داغ را در سطح محلات شهر اردبیل دارند (شکل ۷).

وضعیت پراکنندگی واحدهای لباسشویی و خشکشویی

در این قسمت با انجام تحلیل لکه داغ در سطح محلات شهر اردبیل بر مبنای تعداد واحدهای لباسشویی و خشکشویی به دنبال تهیه نقشه خروجی مربوطه بر اساس تفکیک محلات شهر اردبیل پرداخته شد. تحلیل لکه داغ با توجه به عارضه‌های وزن‌دهی شده و با استفاده از آمار G_i گتیس، به صورت آماری، لکه‌های داغ و سرد را شناسایی می‌کند. اگر مقادیر بالا در فضا به گونه‌ای قرار بگیرند که نزدیک به یکدیگر باشند باعث به وجود آمدن خوشه‌بندی مثبت (زیاد) یا لکه داغ می‌شوند و در صورتی که خوشه‌بندی فضایی به این دلیل باشد که در پدیده مورد بررسی مقادیر پایین نزدیک به یکدیگر قرار گرفته‌اند



ب) تحلیل لکه داغ بر اساس شاخص G_i Bin

الف) تحلیل لکه داغ بر اساس شاخص G_i Z Score

شکل ۷. نقشه خروجی حاصل از تحلیل لکه داغ به تفکیک محلات شهر اردبیل

نتیجه گیری

اساساً برنامه‌ریزی شهری با تخصیص و توزیع منابع کمیاب در بین مکان‌های مختلف شهر در ارتباط بوده و متکی بودن آن به معیاری همچون رفاه اجتماعی ضروری تلقی می‌شود؛ در غیر این صورت می‌تواند به برخورداری بیشتر برخی از مکان‌ها نسبت به سایر مکان‌ها از منابع موجود در شهر منجر شود. اساس توزیع خدمات شهری نیز توجه به دو معیار قابلیت دسترسی و چگونگی پراکنش فضایی خدمات در شهر است. با توجه به اهمیت موضوع، پژوهش حاضر به بررسی وضعیت دسترسی‌پذیری و پراکنش فضایی واحدهای لباسشویی و خشکشویی در سطح محلات شهر اردبیل پرداخت و نتایج نشان داد با توجه به نوع بافت شهری اردبیل می‌توان مشاهده کرد که فرم ساختاری این بافت‌ها در قابلیت دسترسی ساکنان به کاربری‌های خدماتی (در پژوهش حاضر واحدهای لباسشویی و خشکشویی) و همچنین در پراکنش فضایی آن‌ها در شهر تأثیرگذار بوده است، به طوری که نتایج تحلیل‌های صورت گرفته نشان می‌دهد میزان دسترسی‌پذیری و پراکنش فضایی واحدهای یادشده در محلات مرکزی شهر اردبیل نسبت به محلات حاشیه‌ای بیشتر است. در این حیطه نتایج پژوهش با نتایج پژوهش لی و همکاران [۱۳] که عنوان می‌کنند ساختار و نوع بافت شهری بر نحوه توزیع و برخورداری ساکنان از کاربری‌های خدماتی تأثیرگذار است و توزیع خدمات با توزیع جمعیت هماهنگ نیست؛ چنان که خرم خرم‌آباد [۱۶] نیز به این نتیجه دست یافته است، کاربری‌های تجاری و تجاری - خدماتی بیشتر در مرکز شهر متمرکز شده‌اند و مناطق حاشیه‌ای درصد کمتری از کاربری‌ها را به خود اختصاص داده‌اند همسو است؛ نتایج پژوهش فاطمی [۱۷] نشان داد منطقه ۴ اردبیل که جزء مناطق حاشیه‌ای محسوب می‌شود، از پراکندگی زیاد واحدهای نانوايي برخوردار بوده و با نتایج به‌دست‌آمده در پژوهش غیر همسو است. علاوه بر این، نتایج یافته‌ها از چگونگی پراکنش فضایی واحدهای لباسشویی و خشکشویی در محلات شهر اردبیل حاکی از الگوی تصادفی و نامناسب دارد و نشان‌دهنده توزیع تمرکزگرایانه در یک یا چند محله خاص در شهر است. این الگو منجر به برخورداری بیشتر بعضی از محلات و ساکنان آن نسبت به دیگر محلات از خدمات مربوطه در شهر شده و یکی از عوامل مهم شکل‌گیری دوگانگی و تبعیض در توزیع خدمات در شهر اردبیل است. در این رابطه نیز نتایج به‌دست‌آمده با نتایج پژوهش نعیمی و بابایی اقدام [۱۵] که نشان می‌دهند

وضعیت پراکنش خدمات عمومی شهری در نواحی شهر سنجید مناسب نیست و الگوی پراکنش آن‌ها به صورت خوشه‌ای است؛ حدیدی [۱۴] به این نتیجه دست یافته است که در پراکنش مراکز آموزشی در ناحیه ۱ کرمانشاه، قواعد و ضوابط صحیح و خاصی از نظر برنامه‌ریزی شهری در تعیین محدوده‌بندی مدارس، رعایت نشده است؛ همچنان که جانو و همکاران [۱۱] عنوان می‌کنند تفاوت‌های زیادی در ارائه خدمات عمومی در مناطق مختلف وجود دارد و توزیع خدمات با توزیع جمعیت هماهنگ نیست و سطح عمومی تأسیسات شهر کم و توزیع آن نامتعادل است؛ بنابراین نتایج به‌دست‌آمده در پژوهش‌های یادشده با نتایج پژوهش فوق همسو و در یک راستا هستند. در نهایت با توجه به اهمیت موضوع پیشنهاد می‌شود که بررسی دقیقی از سرانه‌های کاربری‌های خدماتی همچون واحدهای لباسشویی و خشکشویی در شهر صورت گرفته و در رفع کمبود آن‌ها در شهر اقدام لازم صورت پذیرفته و قابلیت دسترسی همه ساکنان به خدمات شهر در اولویت کاری مدیران شهری قرار گیرد؛ به این معنا که توزیع خدمات در شهر باید به طریقی انجام گیرد که تمامی ساکنان شهر به خدمات شهری دسترسی مناسبی داشته باشند. برای رسیدن به این مهم، توجه به شعاع خدمات‌رسانی و ظرفیت خدمات‌رسانی تسهیلات شهری مهم است.

مشارکت نویسندگان

سه‌م مشارکت نویسنده اول ۵۰ درصد، سه‌م نویسنده دوم ۳۰ درصد و سه‌م نویسنده سوم ۲۰ درصد بوده است.

تشکر و قدردانی

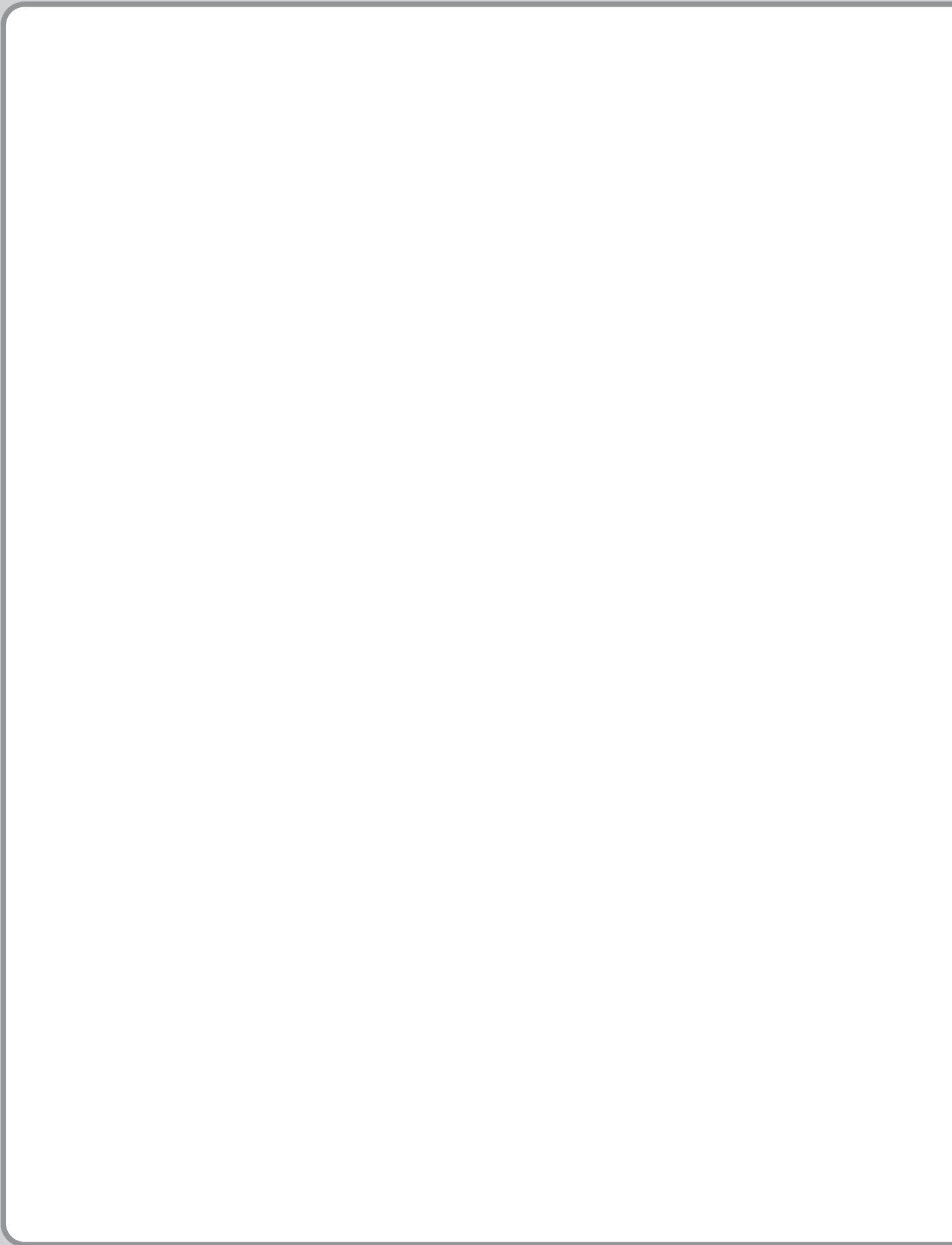
این مقاله حامی مالی و معنوی ندارد.

تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافی در این مقاله وجود ندارد.

منابع

- [1] Qiu, N., Cheng, J., & Zhang, T. Spatial disparity and Structural inequality in disability patterns across Tianjin municipality: A multiple deprivation perspective. *Habitat International*, 2022, 130, 102685. <https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2022.102685>
- [2] Zhang, J., Yu, Z., Cheng, Y., Chen, C., Wan, Y., Zhao, B., & Vejre, H. Evaluating the disparities in urban green space provision in communities with diverse built environments: The case of a rapidly urbanizing Chinese city. *Building and Environment*, 2020, 183, 107170. <https://doi.org/10.1016/j.buildenv.2020.107170>
- [3] Nasiri Handehakhale, E. Analysis of spatial inequalities in the distribution of urban services with the focus of spatial justice using the Vaikor model. (Case study: Qazvin city), *Journal of Geographical Survey of Space*, Vol. 8, Np. 2018, 28, 133-154. <https://ensani.ir/fa/article/491783> [In Persian]
- [4] Asadi, A. and Kalate Mimri, R. An analysis of the spatial distribution of urban services with a focus on social justice and an emphasis on citizens' satisfaction (case study: Mashhad District 22). *Applied Research Journal of Geographical Sciences* 2022, 22 (64): 179-163. <https://doi:10.52547/jgs.22.64.163> [In Persian]
- [5] Movahedinia, M., Khodabakhshi, M. R., Mohammadzadeh, N. Measuring the spatial distribution of public services in Kerman city with an emphasis on good urban governance using Geoda software, *Urban Social Geography Quarterly*, 2022, 7(1), 253 -233. <https://doi:10.22103/IJUSG.2020.2013> [In Persian]
- [6] Zarei, Y. Explaining the status of urban neighborhoods in terms of access to service uses (case study: Khormouj city neighborhoods), *Social-Cultural Development Studies Quarterly*, 2018, 7 (2), 147-180. <https://www.sid.ir/paper/246478> [In Persian]
- [7] Khosravi, A., Naz Qalichi, S., and Kazemi, A.A. Survey of urban services in order to achieve spatial justice at the level of different urban areas of Shiraz, *Geography and Human Relations*, 2022, 2 (2), 83-104. <https://doi:10.22034/GAHR.2022.334914.1682> [In Persian]
- [8] Grabowski, Z. J., McPhearson, T., & Pickett, S. T. Transforming US urban green infrastructure planning to address equity. *Landscape and Urban Planning*, 2023, 229, 104591. <https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2022.104591>
- [9] Gholami Bimorgh, Y., Hosseini, A., Shaterian, M., Mohammadi, A. and Dehghan Jezi, A. Evaluation of different scenarios of spatial distribution of urban uses in order to reduce the volume of traffic (case study: educational uses of Kashan city), *Urban Planning Geography Research*, 2018, 7(3), 507. <https://doi:10.22059/jurbangeo.2019.273459.1040> [In Persian]
- [10] Hashemi Masoom Abad, R. An analysis of the physical condition of spatial neighborhood centers and providing appropriate solutions (case study: Pirmadar area, Ardabil city), Master's thesis, Mohaghegh Ardabili University. 2020. <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/686c96c4c86a423f1d6efb906043a3b6> [In Persian]
- [11] Jao, J. Spatial analysis on urban public service facilities of Guangzhou City during the economy system transformation, *Geographical Research*, 2011, (3) 30, China, Pp 424- 436. <https://doi:10.11821/yj2011030004>
- [12] Kabisch, N., Strohbach, M., Haase, D. and Kronenberg, J. Urban green space availability in European cities, *Ecological Indicators*, 2016, Vol.70: 586- 596. <https://doi.org/10.1016/j.ecolind.2016.02.029>
- [13] Li, L., Du, Q., Ren, F., & Ma, X. Assessing spatial accessibility to hierarchical urban parks by multi-types of travel distance in Shenzhen, China. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 2019, 16(6), 1038. doi: <https://10.3390/ijerph16061038>
- [14] Hadidi, Y. and Alai, p. Investigating the optimal pattern of distribution of educational centers in the first district of Kermanshah using GIS, *Geografia magazine*, 2016, 5 (2), 41-58. <https://10.22111/GAIJ.2017.3042> [In Persian]
- [15] Naimi, K. and Babaei Aghdam, F. The city and spatial justice, an analysis of the distribution of urban public services in the 22 districts of Sanandaj city, *Amish Geographical Space*, 2016, 7 (23), 173-186. <https://civilica.com/doc/886154/> [In Persian]
- [16] Khorram Khorramabad, M. Spatial spatial analysis of commercial-service uses in Ardabil city using GIS capabilities, master's thesis, geography and urban planning, Mohaghegh Ardabili University. 2021. <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/2b72728853c3afee695ee3210334206a> [In Persian]
- [17] Fatemi, Z. Investigating the state of distribution and dispersion of bakery units in Ardabil city using spatial analysis capabilities in Arc GIS environment, master's thesis, field of geography and urban planning, Mohaghegh Ardabili University. 2023. <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/65d73ede7b5034ccb2fc13ec57c982ab> [In Persian]
- [18] Cao, K., Liu, M., Wang, S., Liu, M., Zhang, W., Meng, Q., & Huang, B. Spatial multi-objective land use optimization toward livability based on boundary-based genetic algorithm: A case study in Singapore. *ISPRS International Journal of Geo- Information*, 2020, 9(1), 56-80. <https://doi.org/10.3390/ijgi9010040>
- [19] Darvishi, Y. Hassan Baglo, H. & Darvishi, F. The Role of Urban Governance and Policy Making in Urban Land Use Planning in the Occurrence of Social Anomalies in the City with an Emphasis on Theft (A Case Study of Marand City). *Urban and Regional Policy*, 2023, 2(3), 71-92. <https://civilica.com/doc/1873251/> [In Persian]
- [20] Hosseini Siahgoli, M; Amanpour, S & Maleki, S. Future Study of the Role of Population Structures on Urban Land Use Changes in Ahvaz Metropolis. *Geography and Territorial Spatial Arrangement*, 2023, 13 (49), 33-38. <https://civilica.com/doc/1878546> [In Persian]
- [21] Amanpour, S. & Fadaei jazi, F. Measuring social justice in the spatial structure of Deir port with an emphasis on service uses. *Spatial Planning*, 2023, 13 (2), 1 - 4. doi: <https://10.22108/SPPL.2023.136837.1704> [In Persian].
- [22] Asadi, A., & Kalateh Meymari, R. An analysis of the spatial distribution of urban services with a focus on social justice and emphasis on citizens' satisfaction (Case study: District 11 of Mashhad). *Journal of Applied Researches in Geographical Sciences*, 2022, 22(64), 163-179. doi: <https://10.52547/jgs.22.64.163> [In Persian]
- [23] Johansen, P. H., Fisker, J. K., & Thuesen, A. A. 'We live in nature all the time': Spatial justice, outdoor recreation, and the refrains of rural rhythm, *Geoforum*, 2021, 120, 132-141. doi: 10.1016/j.geoforum.2021.01.025
- [24] Iran Statistics Center. General population and housing censuses of Ardabil province. 2017 [In Persian]
- [25] Joyzadeh, S., Haddadi, S. and Duraninejad, M. Spatial statistics (spatial data analysis), academic publications, 2016. <https://www.ketabrah.ir> [In Persian]



set has three scenarios (including the variables of investment speed in technology, depreciation speed technology and the speed of technology growth), determined and showed that the greatest impact on the growth rate of automobile technology is affected by the increase in investment in this field; The effectiveness of preventive technology depends more than any variable on the speed of technology development, and in the matter of accidents, although all the changes in the mentioned situations are important and lead to a reduction in accidents, other analyzes showed that this reduction will decrease over time. And its changes will be close to zero (it will not be equal to zero, but it is close to it) and it is necessary to compensate for this by using other variables such as police authority.

Conclusion

The results obtained can be expressed as follows: First, the promotion of order, which can be considered as a function of attention to safety and

the promotion of public culture, and can be achieved as a result of the increase in national income per capita, is an effective factor on reducing accidents; Secondly, the promotion of preventive technologies will play a significant role in increasing driving safety and thus reducing accidents, and thirdly, increasing the capacity of roads cannot play an effective role in reducing the rate of accidents and sometimes it will have the opposite result.

Based on this and relying on the introduced model and the findings derived from its implementation, it can be suggested that the more the investment in automobile technology increases, the more products will improve, its effectiveness and growth. Also, the speed of growth of automobile technology can further strengthen the preventive role of technology. It seems that even if the country has a significant growth in its income, it will not be possible to solve the traffic problem through the development of urban infrastructure.

COPYRIGHTS

©2022 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.



HOW TO CITE THIS ARTICLE

Takshari Hashemi S. J. Toloui Ashlaghi A. Effendzadeh Sh. Designing a Dynamic Model of the Impact of Infrastructure and Technology on the Traffic Flow of Tehran Metropolis. Urban Economics and Planning Vol 5(1):120-136. [In Persian]

DOI: 10.22034/UEP2024.452118.1477



Designing a Dynamic Model of the Impact of Infrastructure and Technology on the Traffic Flow of Tehran Metropolis*

Original Article

Seyyed Jafar Takshari Hashemi¹, Abbas Toloui Ashlaghi^{2}, Shahriar Effendizadeh³**

1- Ph.D. candidate of Industrial Strategy, Department of Industrial Management, Faculty of Management and Economics, Islamic Azad University, Science and Research Unit, Tehran, Iran

2- Professor in Department of Industrial Management, Faculty of Management and Economics, Islamic Azad University, Science and Research Unit, Tehran, Iran

3- Professor in Transportation Planning Department, Faculty of Civil Engineering, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran

ARTICLE INFO

Article History

Received: 2024-04-12

Revised: 2024-05-31

Accepted: 2024-06-15

Keywords

Behavior
Car
Driving
Dynamic Model
Road
Technology
Traffic

ABSTRACT

Introduction

Driving behavior refers to a set of actions and reactions that are relatively stable, visible, measured, and predicted by humans in the field of traffic and the use of transportation systems, which are caused by external stimuli, either software or hardware, on how they and other road users move. It affects and can have positive or negative effects on the flow of traffic. In this research, attention has been turned from a linear view of the problem to a non-linear and multifactorial view. This research seeks to investigate driving behavior using simulation based on the dynamic system approach. The main goal of the article is to present a practical model resulting from the design of driving behavior in Tehran city in interaction with road and technology elements.

Materials and Methods

In order to achieve this goal, while studying the literature and background of the subject and reviewing the available documents and data, the most important driving behavior variables were collected and based on this, the dynamic hypotheses of the model were identified and selected. In the following, cause and effect diagrams and accumulation-flow diagrams were drawn and mathematical functions related to the relationship of model variables were extracted. In this research, the opinions of experts in different executive departments were used in the form of semi-open interviews. The main part of the required data has been collected and analyzed from the existing data banks in the traffic related units of Tehran. At the end, after testing the dynamic model using Vansim software, different scenarios were proposed to apply the model. The results of the selected scenarios show improvement in variables related to driving behavior in the short term and its reduction in the long term.

Findings

The results of the implementation of the dynamic model created for two sets of scenarios, one set has two scenarios (including the variables of economic growth and productivity) and the second

* This article is taken from the doctoral thesis of the first author entitled "Designing a dynamic model of traffic behavior in Tehran city" under the guidance of Dr. Abbas Toloui Ashlaghi and the advice of Dr. Shahryar Rafandizadeh at the Faculty of Management and Economics, Islamic Azad University, Tehran Science and Research Branch.

** Corresponding author: toloie@gmail.com

طراحی مدل دینامیکی تأثیر زیرساخت و فناوری بر جریان ترافیک کلان شهر تهران*

مقاله پژوهشی

سید جعفر تشکری هاشمی^۱؛ عباس طلوعی اشلقی^۲؛ شهریار افندی زاده^۳

- ۱- دانشجوی دکتری استراتژی صنعتی گروه مدیریت صنعتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران
 ۲- استاد، گروه مدیریت صنعتی دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران
 ۳- استاد، گروه برنامه ریزی حمل و نقل، دانشکده عمران، دانشگاه علم و صنعت ایران

چکیده

مقدمه

رفتار رانندگی به مجموعه‌ای از کنش‌ها و واکنش‌های نسبتاً پایدار، قابل رؤیت، سنجش و پیش‌بینی انسان‌ها در عرصه ترافیک و استفاده از سامانه‌های حمل و نقل گفته می‌شود که بر اثر محرک‌های بیرونی اعم از نرم‌افزاری و یا سخت‌افزاری بر چگونگی آمدوشد آنان و سایر کاربران راه تأثیر گذاشته و می‌تواند آثار مثبت و یا مخرب بر جریان ترافیک داشته باشد. در این پژوهش توجه از نگاه خطی به مسئله، به نگاه غیر خطی و چندعامله معطوف شده است. این پژوهش به دنبال بررسی رفتار رانندگی با استفاده از شبیه‌سازی بر اساس رویکرد سیستم دینامیک است. هدف اصلی مقاله، ارائه مدل کاربردی ناشی از طراحی رفتار رانندگی در شهر تهران در تعامل با عنصر راه و فناوری است.

مواد و روش‌ها

به منظور دستیابی به این هدف، ضمن مطالعه ادبیات و پیشینه موضوع و بررسی مستندات و داده‌های موجود ابتدا مهم‌ترین متغیرهای رفتار رانندگی جمع‌آوری و بر این اساس فرضیه‌های پویایی مدل شناسایی و انتخاب شد. در ادامه نمودارهای علت و معلولی و انباشت-جریان ترسیم و توابع ریاضی مربوط به ارتباط متغیرهای مدل استخراج شد. در این پژوهش از نظرت خبرگان در بخش‌های مختلف اجرایی در قالب مصاحبه نیمه‌باز استفاده شد. بخش اصلی از داده‌های مورد نیاز از بانک‌های داده‌ای موجود در واحدهای مرتبط با ترافیک شهر تهران جمع‌آوری و تحلیل شده است. در پایان پس از آزمون مدل پویا با استفاده از نرم‌افزار ونسیم، سناریوهای مختلف برای کاربردی کردن مدل پیشنهاد شد. نتایج سناریوهای منتخب بهبود در متغیرهای مربوط به رفتار رانندگی در کوتاه‌مدت و کاهش آن در بلندمدت را نشان می‌دهد.

یافته‌ها

نتایج حاصل از اجرای مدل دینامیک ایجاد شده برای دو مجموعه سناریو که یک مجموعه دارای دو سناریو (شامل متغیرهای سرعت رشد اقتصادی و بهره‌وری) و مجموعه دوم دارای سه سناریو (شامل متغیرهای سرعت سرمایه‌گذاری در تکنولوژی، سرعت استهلاک تکنولوژی و سرعت رشد تکنولوژی) بوده است، تعیین کرد و نشان داد بیشترین تأثیر در نرخ رشد تکنولوژی خودرو متأثر از افزایش

اطلاعات مقاله

تاریخ‌های مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۴
 تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۳/۱۱
 تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۶

کلمات کلیدی

ترافیک
 جاده
 خودرو
 رفتار رانندگی
 طراحی
 فناوری
 مدل دینامیکی

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده نخست با عنوان «طراحی مدل دینامیکی رفتار ترافیکی در شهر تهران» به راهنمایی دکتر عباس طلوعی اشلقی و مشاوره دکتر شهریار افندی زاده در دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران است.
 ** نویسنده مسئول: toloie@gmail.com

اثرگذار بر کاهش تصادفات است؛ دوم، ارتقای تکنولوژی‌های پیشگیرانه، نقش شایانی در افزایش ایمنی رانندگی و در نتیجه، کاهش تصادفات خواهد داشت و سوم، افزایش ظرفیت معابر نمی‌تواند نقش مؤثری در کاهش نرخ تصادفات ایفا کند و حتی گاهی نتیجه عکس خواهد داشت.

بر همین اساس و با تکیه بر مدل معرفی شده و یافته‌های مستخرج از اجرای آن، می‌توان پیشنهاد کرد که هرچه افزایش سرمایه‌گذاری در فناوری خودرو هرچه بیشتر باشد شاهد بهبود بیشتر محصولات، اثربخشی و رشد بیشتر آن خواهیم بود. همچنین سرعت رشد تکنولوژی خودرو می‌تواند نقش پیشگیرانه بودن فناوری را هرچه بیشتر تقویت کند. به نظر می‌رسد حتی اگر کشور دارای رشد چشمگیر در درآمدهای خود باشد، حل مشکل ترافیک از طریق توسعه زیرساخت شهری امکان‌پذیر نخواهد بود.

سرمایه‌گذاری در این حوزه است؛ اثربخشی تکنولوژی پیشگیرانه بیش از هر متغیری وابسته به سرعت رشد تکنولوژی است و در موضوع تصادفات، گرچه همه تغییرات در وضعیت‌های یادشده حائز اهمیت هستند و به کاهش منجر می‌شوند، اما سایر تحلیل‌ها نشان داد این کاهش طی زمان کمتر خواهد شد و تغییرات آن به صفر نزدیک خواهد شد (معادل صفر نخواهد بود، ولی به آن نزدیک است) و لازم است با استفاده از متغیرهای دیگری همچون اقتدار پلیس این موضوع جبران شود.

نتیجه‌گیری

نتایج حاصله را می‌توان چنین بیان کرد که نخست، ارتقای نظم که می‌تواند به عنوان تابعی از توجه به ایمنی و ارتقای فرهنگ عمومی در نظر گرفته شود و بر اثر افزایش سرانه درآمد ملی قابل حصول خواهد بود، عاملی

مقدمه

چالش‌برانگیز خواهد بود. از این‌رو استفاده از پویایی سیستم می‌تواند راهی مناسب برای اجتناب از این مشکلات باشد. حمل‌ونقل شهری، سیستماتیک، یکپارچه و پیچیده است. پیچیدگی به دلیل پدیده‌ای به عنوان «یک علت و چندین اثر» و «یک اثر و چندین علت» است. علاوه بر این، اقتصاد، جمعیت، محیط، انرژی و مسائل دیگر به عدم خطی بودن سیستم منجر می‌شود. لذا برای حل این مشکل باید یک مدل دینامیکی با ابزارهایی همچون ساختار سیستم، حلقه علی، نمودار جریان، بازخورد، به کار گرفته شود، زیرا می‌تواند یک تحلیل کیفی و کمی از تشکیل تراکم ترافیک ارائه دهد [۸]. با این توضیحات پژوهشگر به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال است که مدل دینامیکی مناسب برای بررسی تأثیر زیست‌ساخت (از جمله ایجاد و افزایش ظرفیت معابر) و فناوری (نظیر تکنولوژی خودرو و تکنولوژی‌های پیگیرانه) بر جریان ترافیک کلان‌شهر تهران کدام است؟ در همین راستا در ادامه پژوهش، پس از بررسی مبانی نظری، روش تحقیق ارائه و مدل معرفی شده و با اجرای سناریوهایی اقدام به بررسی اثر هر یک از متغیرها شده است.

مبانی نظری تحقیق

رفتار، برآیند عوامل فردی، موقعیتی و محیطی و برخی عملکردهای متقابل احتمالی فرد و محیط است. فرد به عنوان یک مؤلفه انسانی است، در حالی که موقعیت و یا محیط تحت عنوان عوامل مربوط به وسیله نقلیه، محیط و جاده در ترافیک در نظر گرفته می‌شود. انسان (به عنوان استفاده‌کننده از جاده) همچنین در یک محیط چندسطحی پیچیده اجتماعی، فرهنگی و فنی ترافیک قرار دارد. بنابراین، هر پیامدی، نظیر تصادف، نتیجه‌ای از عوامل انسانی (نظیر استفاده‌کننده از جاده)، محیط و کنش‌های متقابل احتمالی عامل انسان و محیط است [۲۰]. تعامل میان این مؤلفه‌ها (فرد، موقعیت و محیط) موجب شکل‌گیری رفتار رانندگی (نظیر تخلفات از قانون و تصادفات)، پیامدهای شخصی (نظیر سلامت، وضعیت روانی و خستگی) و روابط متقابل بین فردی (نظیر رفتارهای تهاجمی و قضاوت‌های درباره دیگران) می‌شود [۲۱].

طبق یافته‌های علمی، ترافیک از سه عنصر اصلی شامل: انسان، راه و خودرو تشکیل می‌شود. تصادفات ناشی از ضعف و نقص عملکرد هر یک از این عوامل است. بنابراین برای شناخت و حل معضلات ترافیکی توجه خود را باید مطلق به این سه عنصر بکنیم. تلاش‌های زیادی برای شناسایی و تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر بر تصادفات جاده‌ای و شدت آن انجام شده که از آن میان محیط زیست و عوامل جاده‌ای [۲۲]، ویژگی‌های فنی و ساختاری خودرو [۲۳] و عوامل انسانی [۲۴-۲۵] به طور گسترده‌ای با مبحث ایمنی جاده‌ای مرتبط شناخته شده‌اند [۲۵]. طبق مطالعات دیگری، ایمنی ترافیک به ارتباطات پیچیده و یکپارچه میان روانشناسی راننده خودرو، ترافیک، وسیله نقلیه، محیط و زیرساخت‌های راه وابسته است [۳۰ و ۳۱]. در تحقیق دیگری بیان شده که محیط و راه از عوامل پیچیده‌ای تشکیل شده‌اند که در این میان مسیر، ترافیک، محدوده و شرایط آب‌وهوایی مهم‌ترین آن‌ها هستند [۳۲]. بررسی دو فاکتور محیط و جاده در مکان‌ها و زمان‌های مختلف و تأثیر آن در پراکنش و میزان وقوع تصادفات حادثه خیز به‌ویژه در جاده‌های بین شهری می‌تواند نقش مؤثری در مدل‌سازی تصادفات داشته باشد [۹]. در خصوص نقش عمل خودرو در وقوع تصادفات هم باید گفت که علی‌رغم توسعه تکنولوژی و افزایش ایمنی خودرو در حوادث و همچنین به‌شدت هوشمند شدن خودروها، اما الگوی وایلد به نتیجه شگفت‌انگیزی دست یازیده است و آن اینکه اکثر فناوری‌های مربوط به ایمنی ایجادشده در خودروها، بر ایمنی واقعی راننده اثر محدود یا کوتاه‌مدتی خواهند داشت. از آنجا که این پیشرفت‌های فناورانه احتمال درک خطر را کاهش می‌دهند، سبب می‌شود راننده به جهت حفظ همان مقدار شانس خطر مورد نظر خود مجال خطر بیشتری را به طور مثال با سرعت غیر مجاز، تجربه کند. معرفی وسایل نقلیه جدید و کارآمد با موتور جدید، پویایی ترافیک را تغییر داده است. غالباً ترافیک ترکیبی از وسایل نقلیه با سرعت‌های مختلف از خیلی کند تا خیلی سریع را نشان می‌دهد. اختلاف سرعت قابل توجه در نهایت به افزایش نرخ تصادف منجر می‌شود.

ترافیک یا شدآمد، پدیده‌ای آشنا و عجیب‌شده با زندگی بشر است. بیش از یک قرن است که با ورود خودرو و توسعه معابر، جابه‌جایی انسان و بار، سهولت در رفت و آمد، کاهش هزینه‌ها، دسترسی راحت و سرعت در کار را به دنبال داشته است، اما این یک طرف سکه است، سمت دیگر آن تراکم ترافیک، اتلاف وقت، آلودگی هوا و خسارت‌ها و تلفات است. هرچند رشد فناوری‌های خودرو و جاده در کوتاه‌مدت کمک شایانی به کاهش معضلات استفاده از خودرو داشته و تکنولوژی‌های نوین در تلاش برای کاهش پیامدهای نامطلوب ناشی از کارکرد خودرو هستند، اما همچنان مسئله اول و دغدغه اصلی شهروندان به‌خصوص در شهرهای بزرگ و پرجمعیت، آلودگی هوا، اتلاف وقت در ترافیک، خسارت‌های جانی و مالی تصادفات و معضلات رفتاری رانندگان و عابران است. براساس گزارش سازمان بهداشت جهانی صدمات و خسارت‌های ناشی از تصادفات جاده‌ای در زمره یکی از چهار عنصر اصلی (بیماری‌های قلبی و عروقی، سوانح، سرطان و بیماری‌های غیر عفونی) است که سلامت انسان‌ها را تهدید می‌کند [۱۱]. در مطالعه دیگری که در برزیل انجام شد، حوادث ترافیکی به عنوان دومین علت مهم مرگ‌ومیر افراد ۱۵ تا ۳۹ ساله معرفی شده است [۲]. حوادث ترافیکی به مثابه نوک کوه یخ است که پیامدهای ناگوار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بخش زیرین آن است و آثاری بلندمدت بر پیکره جامعه خواهد داشت. حوادث ترافیکی نه فقط به دلیل آسیب‌های جسمی یا ضرر و زیان مادی، بلکه همچنین به دلیل تأثیرات روانی که پس از حادثه به جا می‌گذارد مانند افسردگی، اضطراب و استرس پس از سانحه حائز اهمیت است [۳ و ۴].

تصادفات جاده‌ای بالاترین هزینه‌ها را به جامعه و اقتصاد حتی در مقایسه با خسارت‌های آلودگی هوا وارد می‌کند [۵]. طبق گزارش سازمان بهداشت جهانی روزانه با مرگ بیش از ۳۷۰۰ نفر و آسیب‌دیدگی ۵۵ تا ۱۳۷ هزار نفر در تصادفات جاده‌ای در سراسر جهان، ضرر و زیان اقتصادی قابل ملاحظه‌ای که حدود ۳ درصد تولید ناخالص ملی کشورها است وارد می‌شود. این رقم در برخی کشورها به ۵ درصد هم می‌رسد [۶]. در سال ۲۰۲۴ گزارش امیدوارکننده‌ای توسط این سازمان منتشر شد که تلفات سالانه به ۱/۱۹ میلیون نفر کاهش یافته و در برخی کشورهای در حال توسعه نرخ کاهش ۵۰ را نشان می‌دهد. طبق این مطالعه، تصادفات علت اصلی مرگ افراد ۵ تا ۳۹ ساله است و از هر ۱۰ نفر فوتی ۹ نفر در کشورهای کم‌درآمد یا با درآمد متوسط اتفاق می‌افتد و این در حالی است که کشور ما به لحاظ آمار کشته‌شدگان تصادفات با ۲۰/۵ کشته در هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت، مقام هفاد و دوم در میان ۱۹۰ کشور را دارد (سازمان بهداشت جهانی ۲۰۲۰). به بیانی، ۱۱۸ کشور جهان وضعیت ایمنی بهتری نسبت به ما دارند. این موضوع نشان‌دهنده نیاز حیاتی کشور به شناخت ریشه‌ای این بحران و اقدام فوری برای کاهش مرگ‌ومیر و تبعات ناشی از آن است. اگر تجزیه و تحلیل درست از وقایع ترافیکی و اقدامات مناسب برای کنترل شرایط صورت نپذیرد، در نهایت نه تنها تصادفات و جراحات‌های ناشی از تصادفات رانندگی کاهش نخواهد یافت، بلکه این روند همچنان افزایشی خواهد بود. در این پژوهش به بررسی دلایل وقوع حوادث رانندگی خواهیم پرداخت. با امعان نظر به اینکه تصمیم‌گیری در امر ترافیک دارای متولیان متعدد بوده و هر یک فقط به آثار و نتایج عملکردی خود توجه می‌کنند، این پژوهش به فهم بهتر اولویت‌ها در بهبود حمل‌ونقل و «ضرورت مدیریت یکپارچه ترافیکی» در شهرها کمک می‌کند و می‌تواند نسبت به نزدیک کردن دیدگاه‌های دستگاه‌های مسئول و شکل‌گیری مدیریت یکپارچه، حداقل در موضوع ترافیک کمک کند. شناخت متغیرها و روابط میان متغیرهای اثرگذار بر تصادفات ترافیکی که خود نیز بر یکدیگر اثرگذارند در یک مدل پویایی سیستم امکان‌پذیر است. حمل‌ونقل، سیستمی پویا است که مؤلفه‌های زیادی در آن دخیل هستند [۷] لذا استفاده از روش‌های سنتی برای تحلیل مشکلات ترافیک شهری به دلایل متعدد از جمله توسعه مداوم شهرها، تغییرات ترافیک شهری، تأثیرات مختلف کوتاه‌مدت و طولانی‌مدت ازدحام ترافیک، دسترسی به داده‌های محدود و غیره

مختلف روسازی، شرایط نوره، روزهای هفته یا آخر هفته، عوامل خطر ساز مانند از بغل چسباندن به خودروی کناری، حضور در میانه راه رفت و برگشت و سبقت، بر شدت تصادفات اتوبوس و مینی بوس اثرات متفاوت قابل توجهی دارد.

کریست [۱۴] در مقاله‌ای با عنوان «شبیه‌سازی تأثیر نسبی عوامل تایر، وسیله نقلیه و راننده بر میزان تصادفات از جلو» با روش شبیه‌سازی برخورد رو به جلو مونت کارلو شرایط یک تصادف خیس از عقب را مدل می‌کند و تأثیر نسبی پارامترهای مختلف برخورد خودرو را تخمین می‌زند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد سیستم‌های خودکار خودرو تأثیر زیادی بر ایمنی دارند و می‌توانند میزان تأثیر متناسب به پارامترهای دیگر مانند سطح چسبندگی تایر را تغییر دهند. همان‌طور که استفاده از سیستم‌های خودروی خودکار گسترش می‌یابد، تأثیر سطوح عملکرد چسبندگی تایر بر خطرات برخورد نیز افزایش می‌یابد.

ژانگ و همکاران [۱۵] در مقاله‌ای با عنوان «بررسی روابط بین پارامترهای جنبشی میکروسکوپی لاستیک‌ها در شرایط رانندگی عادی، ویژگی‌های جاده و انواع تصادف» نشان دادند ویژگی‌های جاده بر ویژگی‌های جنبشی طولی وسیله نقلیه تأثیر می‌گذارد و در نتیجه سطح خطر تصادفات از عقب را تعیین می‌کند. اثرات جبران خسارت رانندگی نیز در این مقاله شناسایی شد، یعنی رانندگان تمایل دارند در شرایط پیچیده رانندگی محتاط‌تر باشند. یکی دیگر از یافته‌های مربوط به آژادراه کوهستانی این است که ویژگی‌های مختلف تونل (به عنوان مثال، ورودی تونل و خروجی تونل) تأثیرات متفاوتی بر انواع مختلف حوادث ترافیکی دارد.

تاتاری و همکاران [۵] به کارگیری یک مدل پویای سیستم در خصوص ایمنی جاده در امریکا را هدف قرار دادند. براساس سیاست افراطی در این حوزه، کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای در سراسر جهان می‌تواند تلفات ناشی از تصادفات جاده‌ای را به واسطه تعداد کمتر وقایع آبهوایی شدید، همین‌طور خرابی تجهیزات راه و بی‌توجهی رانندگان فراهم کند. به عنوان سیاست دوم، کاهش تقاضای سفر مورد بررسی قرار گرفت که نتایج نشان داد این سیاست تأثیر مهمی در کاهش نرخ تلفات جاده‌ای دارد. نتایج همچنین نشان دادند این سیاست نسبت به سیاست افزایش کارایی سوخت در کاهش تلفات جاده‌ای، روش مؤثرتری است. در آخر سیاست بهبود ایمنی وسیله نقلیه بر کاهش تعداد تلفات جاده‌ای بررسی شد. نتایج نشان داد این سیاست بیشترین تأثیر را در کاهش حوادث داشته و باید در اولویت قرار گیرد.

ریبه و همکاران [۱۶] در مقاله‌ای با عنوان «مدل علی معلولی مسئله حوادث رانندگی در ایران: رویکرد پویای‌شناسی سیستم» به بررسی ابعاد مختلف مسئله تصادفات رانندگی با استفاده از روش پویایی سیستم پرداختند. در این راستا سیستم مورد بررسی به چندین زیرسیستم یا بخش اصلی تقسیم شد، زیرسیستم‌ها شامل زیرسیستم نیروی انسانی پلیس، خودرو، فرهنگ و آموزش، سازمان راهبر، جریمه‌ها، بودجه، تجهیزات پلیس و زیرسیستم جاده بود و در پایان سیاست‌های راهبردی بهبوددهنده رفتار متغیرهای اصلی سیستم، مانند فعال سازی یا راه اندازی سازمان متولی با نام سازمان راهبر پیشنهاد شد.

وانگ و همکارانش [۱۹] با استفاده از مدل پویایی‌های سیستم برای سیستم حمل‌ونقل شهری به بررسی اثر مداخله سیاست مالکیت خودرو در توسعه حمل‌ونقل پرداختند و در این راستا اثر سناریوی ۱- تشویق زیاد؛ ۲- تشویق؛ ۳- محدودیت مستقیم؛ ۴- محدودیت؛ ۵- بدون مداخله را بر GDP، جمعیت، تعداد خودرو و محیط زیست ارائه کردند. همان‌طور که مطالعات قبلی اذعان دارند عامل محیط (راه و خودرو) بر تصادفات ترافیکی تأثیر قابل توجهی دارد، ولی پژوهش‌های قبلی یا تأثیر عوامل محیطی اثرگذار بر تصادفات ترافیکی را به صورت خطی دنبال کرده است یا اگر در یک مدل پویایی سیستم موضوع ترافیکی را بررسی کرده است عواملی مانند مؤلفه‌های راه، خودرو و تکنولوژی خودرو را به صورت هم‌زمان در نظر نگرفته است. لذا نیاز است در یک مدل پویایی سیستم که مدلی جامع است تأثیر عوامل محیطی اثرگذار بر تصادفات ترافیکی مورد توجه بیشتر قرار گیرد و پژوهش حاضر این مهم را به صورت خاص دنبال می‌کند.

این اثر زمانی که حجم ترافیک زیاد باشد و شامل بخش بزرگی از وسایل نقلیه کندتر باشد، بیشتر است. این واقعیت، همراه با کمبودهای هندسی، روسازی و وضعیت کنارگذر به طور کل بر ایمنی بزرگراه‌ها تأثیر می‌گذارد. گزارش وضعیت جهانی ایمنی راه، تصادفات جاده‌ای را به عنوان یک عامل مهم مرگ‌ومیر در سطح جهانی نشان می‌دهد [۱۲].

در سال‌های اخیر مطالعات متفاوتی در رابطه با فاکتورهای اثرگذار بر تصادفات صورت گرفته است. لی و همکاران [۹] با تمرکز بر هنگ‌کنگ به عنوان مورد مطالعاتی، طی دوره زمانی ۱۹۸۴ تا ۲۰۱۵، نقش چهار متغیر توضیحی مرتبط با شرایط اقتصادی اجتماعی، یعنی افزایش تولید ناخالص داخلی، رشد جمعیت، توسعه زیرساخت‌های جاده‌ای و رشد مالکیت خودرو شخصی را بر تعداد حوادث جاده‌ای بررسی و مطالعه کردند. نتایج آماری به دست آمده وجود نوعی رابطه بلندمدت بین چهار متغیر اقتصادی اجتماعی GDP، رشد جمعیت، طول شبکه جاده‌ای و مالکیت خودروی شخصی و کثرت بروز تصادفات جاده‌ای را در هنگ‌کنگ تأیید کردند. نتایج نشان داد افزایش جمعیت به طور خاص باعث بالا رفتن شمار حوادث جاده‌ای در بلندمدت می‌شود، در حالی که افزایش تعداد خودروهای شخصی دارای مجوز با بروز حوادث جاده‌ای بیشتری، هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت در ارتباط است. سان و همکاران [۱۰] در مقاله‌ای با عنوان «تجزیه و تحلیل تلفات تصادفات تحت تأثیر چندین عامل اقتصادی بر اساس داده‌های مربوط به ترافیک از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۶» در کشور چین به بررسی عوامل اقتصادی شامل تعداد مراکز درمانی جدید، سرمایه‌گذاری در حوزه سلامت، سرمایه‌گذاری در حوزه حمل‌ونقل و درآمد سرانه پرداختند و داده‌های تصادفات رانندگی در ۳۱ استان و شهرداری را جمع‌آوری و برآورد کردند. یافته‌ها نشان داد سرمایه‌گذاری در حوزه سلامت، سرمایه‌گذاری در حوزه حمل‌ونقل و درآمد سرانه با تعداد تلفات تصادفات رانندگی همبستگی منفی دارد. سرمایه‌گذاری در حوزه سلامت و سرمایه‌گذاری در حوزه حمل‌ونقل تأثیر زیادی بر تعداد تلفات تصادفات جاده‌ای دارد. نتایج بیانگر آن بود که توسعه اقتصادی تأثیر مثبتی بر بهبود شرایط ترافیکی دارد، اما افزایش تعداد مراکز درمانی جدید باعث کاهش تلفات تصادفات نمی‌شود.

رایدر و همکاران [۱۱] در مقاله‌ای با عنوان «پیشگیری از تصادفات رانندگی با سیستم‌های پشتیبانی تصمیم‌گیری در خودرو تأثیر هشدارهای نقاط حادثه‌خیز بر رفتار راننده»، به بررسی اثر سیستم‌های پشتیبانی تصمیم‌گیری در خودرو بر رفتار رانندگی و اجتناب از برخورد پرداختند. در نهایت، نتایج نشان داد هشدارهای داخل وسیله نقلیه در مورد نقاط حادثه‌خیز بهبود قابل توجهی در رفتار راننده طی زمان دارد. علاوه بر این، شواهد نشان داد شخصیت یک فرد نقش کلیدی در اثربخشی سیستم‌های پشتیبانی تصمیم‌گیری در خودرو دارد.

بسو و ساها [۱۲] در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی عوامل خطر برای تصادفات جاده‌ای تحت ترافیک مختلط: مطالعه موردی در بزرگراه‌های هند» به ارزیابی عوامل خطر برای تصادفات بزرگراهی در شرایط ترافیکی مختلط پرداختند. مشاهدات تجربی نشان می‌دهد نرخ تصادف در بزرگراه‌های چندخطه نسبتاً کمتر است. با این حال، شدت هر تصادف در چنین راهی نسبتاً زیاد است. قابل ذکر است که فرکانس تصادف در چنین راه‌هایی در ساعات روشنایی روز به دلیل حرکت ترافیکی یک‌طرفه مبتنی بر خط کمتر است. این موضوع کاملاً طی شب برعکس است، زمانی که رانندگان در مواجهه با حوادث احتمالی ترافیک ناتوان هستند و در نتیجه خطر تصادف را افزایش می‌دهند. از سوی دیگر، اکثر تصادفات در بزرگراه‌های دو خطه به دلیل مانورهای رانندگی ناپایمن است. این مطالعه همچنین مشاهده کرد که دسترسی‌های مکرر به گذرگاه‌های میانی بین تقاطع‌ها و کیفیت نامناسب کنارگذر، امکان اصلاح خطاهای رانندگی را کاهش داده و در نتیجه خطر تصادف را افزایش می‌دهد.

تامالکو و همکارانش [۱۳] در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر شدت تصادف اتوبوس / مینی‌بوس در کشور در حال توسعه با توجه به زمان، روسازی و شرایط نوره» با استفاده از مدل لاجیت به بررسی تأثیر عوامل مؤثر بر شدت تصادفات اتوبوس / مینی‌بوس در غنا در ترکیب‌های مختلف شرایط روسازی، نور و روزهای هفته و آخر هفته پرداختند. نتایج نشان داد تحت ترکیب‌های

الف) منطقه مطالعه شده

مطالعه حاضر در شهر تهران انجام شده است. این پژوهش به دنبال ساخت الگوی دینامیکی تأثیر زیرساخت راه و خودرو بر رفتار رانندگی با استفاده از ابزار مدل سازی به منظور تحلیل دقیق تر رفتارهای شهروندان در ترافیک و پیامدهای آن و کمک به انتخاب شیوه های بهبود ناهنجاری های ترافیکی توسط برنامه ریزان و سیاست گذاران است. در این پژوهش با استفاده از الگوی شبیه سازی نسبت به ارائه سناریوهای مختلف و بررسی نتایج مترتب بر آن اقدام شده است.

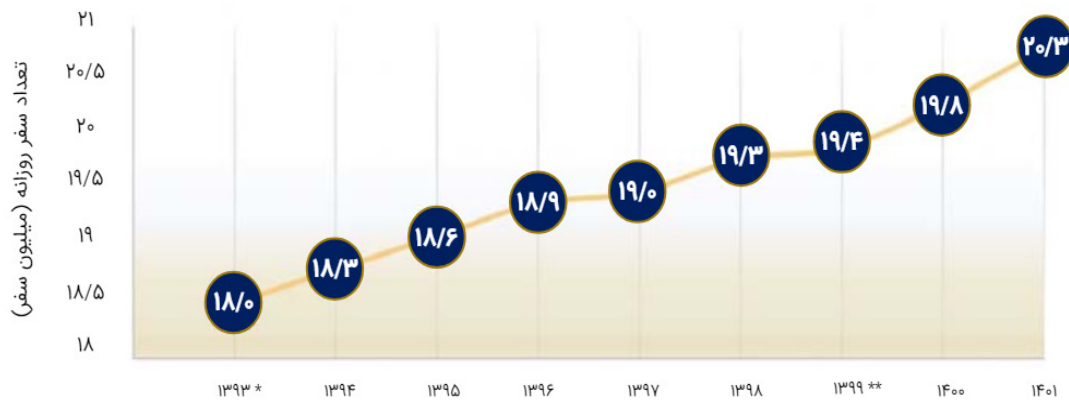
سیستم ها را می توان برای بررسی مشکلات ایمنی ترافیک، هم در سطح ماکروسکوپی که شامل یک سیستم پیچیده از تجزیه و تحلیل سیستم هاست، و هم در سطح میکروسکوپی که چگونگی و علت بروز انواع تصادفات رانندگی را توضیح می دهد به کار برد [۴۵]. روش پویایی سیستم برای بهینه سازی جریان ترافیک به کار گرفته می شود به طبع سیستم ترافیکی بهینه به دست آمده از روش بهینه سازی پویایی سیستم ها با سیستم واقعی تطابق بیشتری داشته و استراتژی های پیشنهاد شده قانع کننده تر هستند [۸].

روش تحقیق

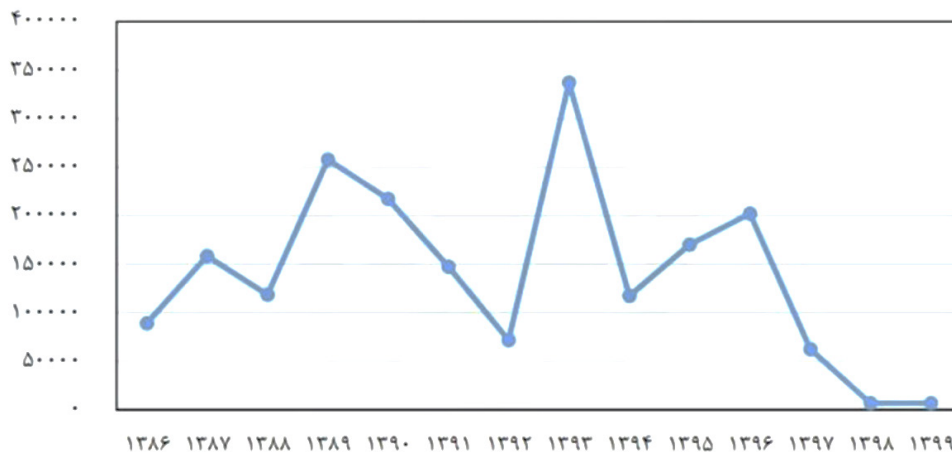
پژوهش حاضر از نظر نوع هدف، زمینه ای موردی و از دیدگاه شیوه عمل، توصیفی مدل سازی است. به بیان دیگر، این پژوهش در چارچوب تفکر سیستمی صورت پذیرفته و در آن برای حصول اهداف پژوهش و به دست آوردن پاسخ سؤال ها از روش مدل سازی پویایی های سیستمی استفاده شده است. همچنین با توجه به نتایج آن در زمرة تحقیقات کاربردی تلقی می شود. از سوی دیگر، از آنجا که هر پدیده رفتاری در انسان به طور کلی معلول عوامل و انگیزه هایی است که در انسان های مختلف به شکل های متنوعی متبلور و علت آن رفتار تلقی می شوند، لذا می توان رفتارهای انسان را از جنس کیفی تلقی کرد و فرایند اجرای آن در زمرة تحقیقات و پژوهش های کیفی محسوب می شود. همچنین با توجه به اینکه تحقیقات حاضر در یک دوره زمانی مشخص صورت می پذیرد، از این منظر و به لحاظ جایگاه زمانی در گروه پژوهش های طولی محسوب می شود.

ب) داده ها

در این پژوهش از روش پویایی شناسی سیستم ها استفاده شده است. روش سیستم دینامیک به مدد یادگیری در محیط های مبهم و پیچیده می آید. مانند یک شرکت هواپیمایی که از سیمولاتور پرواز برای خلبانانش استفاده می کند، پویایی شناسی سیستم ها نیز برای مدیران و تصمیم گیران، فضایی همانند شبیه ساز تصمیم گیری ایجاد می کند تا بتوانند در مورد پیچیدگی های پویا و سبب مقاومت در برابر تصمیم ها و خط مشی ها اطلاعات کسب کرده و تصمیم های بهینه اتخاذ کنند [۴۶]. در پژوهش حاضر از داده های ثبت شده شهر تهران شامل اطلاعات معابر تازه ساخت، خودروهای نو شماره و تصادفات فوتی، جرحی و خسارتی، در بازه ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ استفاده شده است. همچنین نرخ رشد GDP در کشور و فناوری خودروها مورد بررسی قرار گرفتند. نمونه ای از داده های مورد استفاده در این پژوهش در شکل ۱ ارائه شده است.



الف) تعداد سفر روزانه شهر تهران



ب) تعداد خودروی اسقاط شده در هر سال

شکل ۱. نمونه ای از داده های مورد استفاده

که در قالب مدل‌های توضیحی بیان می‌شوند، تبدیل می‌کند. این عبارات و تفاسیر همان فرضیه‌های پویا هستند. در اینجا مسئله ما بررسی تأثیرات زیرساخت راه و تعداد خودرو و همچنین، فناوری خودرو و درآمد ملی بر رفتارهای رانندگی، ایمنی ترافیک و حوادث رانندگی است. پس از مرحله فرضیه‌سازی، متغیرهای کلیدی در قالب متغیرهای مستقل (از قبیل تعداد خودرو، سرانه درآمد ملی، فناوری خودرو و طول شبکه معابر) و متغیرهای وابسته (از قبیل تخلفات، تصادفات، خسارت‌ها و تلفات رانندگی) و همچنین، چگونگی اثرگذاری آنان بر همدیگر مورد بررسی قرار گرفته و آن‌گاه با طراحی مدل مفهومی از مسئله پژوهش به عنوان تصویری از سیستم، حلقه‌های علت و معلولی تشکیل می‌شود. در ادامه چگونگی تبدیل مفاهیم به مدل که موجب تکمیل فرایند تصمیم‌گیری نیز می‌شود، نمودارهای نرخ که اساس مدل‌سازی در پویایی‌های سیستمی است طراحی و ساخته می‌شود. در مرحله بعدی با لایه‌بندی متغیرها بر پایه تئوری ساختمان سیستم که ارتباط بین ساختار سیستم و رفتار سیستم را مشخص می‌کند، متغیرهای انباشت، جریان، کمکی و نیز بازخوردها و ارتباط بین متغیرهای انباشت جریان شناخته شده و با دادن مقدار به متغیرهای مدل و ثابت‌های مربوطه، روابط و معادلات ریاضی نوشته شده و در نهایت عملیات شبیه‌سازی و اجرای الگو صورت می‌پذیرد. بنابراین با تجزیه و تحلیل روند تغییرات رفتار مدل در گذشته و با بررسی تداوم این تغییرات در آتی و اقدام لازم برای تحلیل حساسیت روی متغیرهای الگو، اعتبارسنجی آن صورت می‌گیرد و سناریوهای منتخب و مناسب پیشنهاد می‌شود.

■ یافته‌های تحقیق

مدل مفهومی نمودار حلقه علی "CLD" ناشی از مطالعات اولیه، به رابطه علی و معلولی بین متغیرهای مربوط، به عوامل زمینه‌ساز رفتاری و همچنین رفتارهای رانندگی و در نتیجه به پیامدهای مرتب بر آن خواهد پرداخت که در حکم فرضیه‌های دینامیکی پژوهش خواهند بود و هنگام تدوین مدل به آن پرداخته و مدل نهایی پیشنهاد شد. با تدوین فرضیه‌های پویا، نمودارهای علی معلولی مهم ترسیم می‌شود. این نمودار مبین روابط سیستم‌های واقعی است که از آن به عنوان زنجیره‌های حلقه‌های علت و معلولی یاد می‌شود. در ادامه با طرح سناریوهای مختلف تأثیر هر یک را بر رفتار رانندگی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

الف) ایجاد فرضیه پویا و نمودار علت و معلولی

در این پژوهش با مینا قرار دادن رفتار رانندگی شهروندان و مرور ادبیات پژوهش، متغیرهای کلیدی شناسایی و سپس نمودار علت و معلولی با مشخصات زیر در قالب نمودار ۱ ترسیم شد. شکل ۲ نتایج این فرضیه را نشان می‌دهد.

ج) مراحل پویایی‌شناسی سیستم‌ها

مراحل روش سیستم دینامیک شامل پنج گام است که مدل ارائه شده در این تحقیق سمت‌وسوی خود را بر مبنای گام‌های یاد شده تنظیم کرده است.

- شناسایی و توصیف مسئله: در این مرحله باید به درستی مسئله واقعی را شناخته و اثرات جانبی را با مسئله اصلی اشتباه نگرفت. باید با درک کامل مسئله، هدف شفاف از مدل‌سازی برای خود تصویر کرد. مدل، نمادی از واقعیت است و جهان واقعی به شکلی ساده و قابل فهم بیان می‌کند.
- خلق فرضیه‌های پویا: در این گام باید متغیرهای اصلی تأثیرگذار بر مسئله مورد بررسی قرار گرفته و مرز مدل را مشخص کنیم. اینک با شناختی که در خصوص مسئله به دست آورده‌ایم حلقه‌های علی - معلولی را شکل داده و به تدریج کامل و کامل‌تر می‌کنیم تا در نهایت تصویری ساده از دنیای واقعی را خلق کند.
- شبیه‌سازی مدل در نرم‌افزار: زمانی که فرضیه‌های اصلی و مرز سیستم تشکیل شد، مدل قابلیت اجرایی می‌یابد. در این حال مدل در یک محیط مجازی امکان شبیه‌سازی و اجرا پیدا می‌کند.
- آزمون مدل و اعتبارسنجی: در این مرحله لازم است رفتارهای شبیه‌سازی مدل با رفتارهای دنیای واقعی مورد مقایسه قرار گیرد.
- سیاست‌گذاری: به مفهوم تولید و ایجاد استراتژی‌ها، ساختارها و شیوه‌های تصمیم‌گیری بدیع با هدف بهبود سیستم است [۴۶].

د) ابزار تجزیه و تحلیل داده‌ها

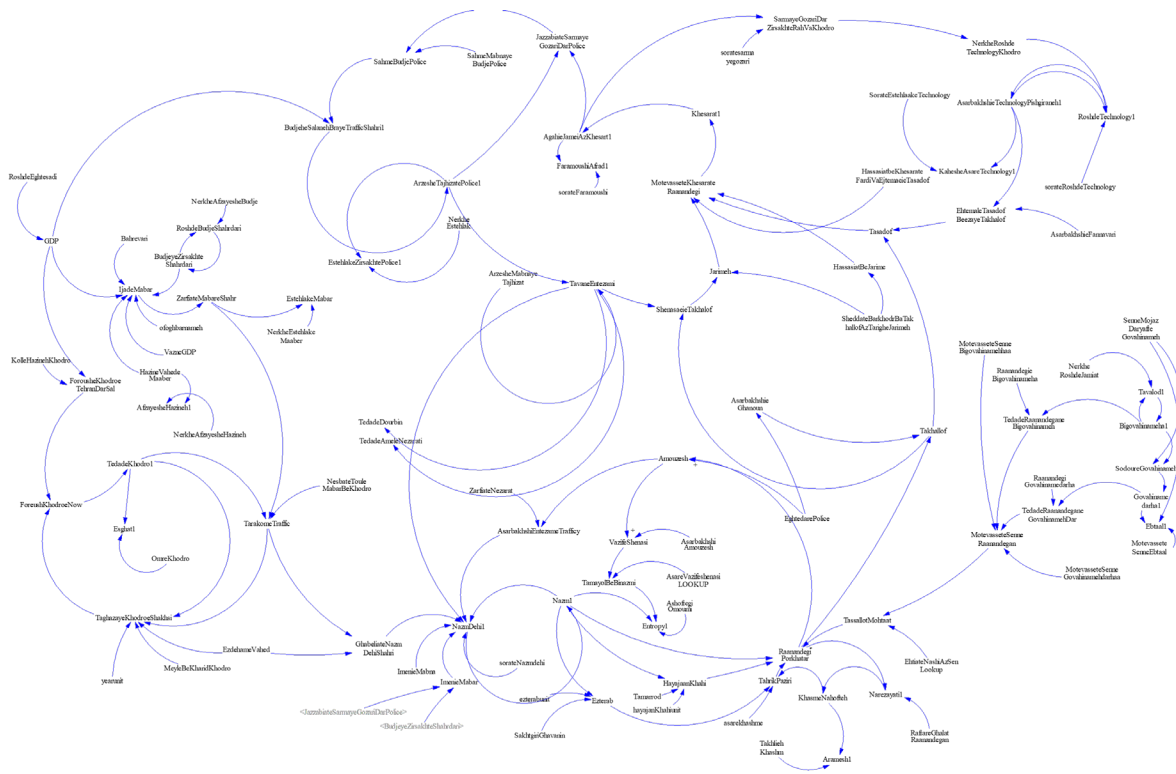
در این پژوهش از ابزار نرم‌افزاری ونسیم نسخه ۷.۳.۵ جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده شده است. به این ترتیب که با ارائه سناریوهای مرتبط با متغیرهای تعداد خودرو و فناوری‌های آن، طول شبکه راه‌ها و وضعیت سرانه درآمد، به تأثیر آن بر رفتار رانندگی در شهر تهران و پیامدهای آن پرداخته شده است.

ه) شناسایی متغیرهای مدل

فرایند مدل‌سازی ابتدا با جمع‌آوری متغیرهای انباشت، جریان و متغیرهای کمکی آغاز می‌شود. برای این منظور، پس از انجام مروری بر ادبیات و مطالعه پیشینه آن، با بهره‌مندی از پرسشنامه‌های نیمه‌ساختاریافته با کمک متخصصان و خبرگان موضوع، متغیرهای تحقیق شناسایی شد و در مراحل بعدی این فرایند پس از طی مراحل لازم به تکامل رسید و در نهایت جدول نهایی تشکیل شد.

و) فرایند الگوسازی سیستم دینامیک

فرایند الگوسازی با شناخت مشکل و بیان مسئله آغاز می‌شود با استفاده از منابع معتبر از جمله مبانی نظری موضوع تحقیق، دانش سیستمی و اخذ نظرات خبرگان و افراد صاحب‌نظر، مدل‌های مفهومی را به چارچوب‌های قابل فهم



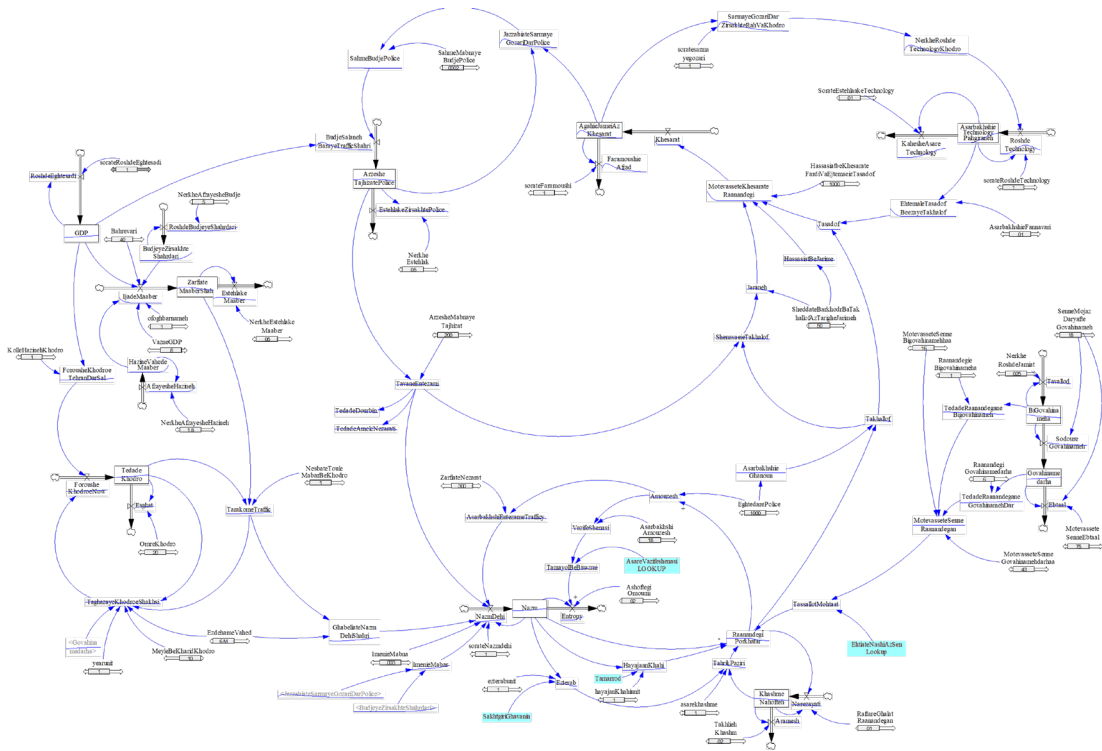
شکل ۲. حلقه‌های علی معلولی

می‌شود. بعد از طراحی نمودار جریان، نوبت ورود داده‌ها و فرمول‌های ریاضی به نرم‌افزار و اجرای شبیه‌سازی مدل است [۴۷]. فرمول‌های ریاضی در ارتباط با هر متغیرها است. فرمول‌های مربوط به متغیرهای حالت، انتگرال جمع جبری متغیرهای نرخ هستند که به طور خودکار توسط نرم‌افزارها وارد می‌شوند، در خصوص متغیرهای نرخ و کمکی لازم است فرمول‌های ریاضی مربوطه مشخص شود. سپس، ثابت‌های عددی و مقدار ابتدایی متغیرهای حالت مشخص می‌شود. ارتباط میان متغیرها با استفاده از روش‌های مرور ادبیات، مطالعه رفتار آمار گذشته، نظر خبرگان ترسیم می‌شود [۴۷]. بر این مبنا نمودارهای انباشت جریان برای هر یک از متغیرها تدوین شد.

همچنین برای انجام شبیه‌سازی الگو، این نمایش نموداری را باید به معادلات ریاضی تبدیل کرد. برای تدوین معادلات ریاضی، از داده‌های جمع‌آوری شده و نظر خبرگان استفاده می‌کنیم. بر این مبنا گویهای انباشت جریان برای هر یک از متغیرها و با توجه به مرور ادبیات و پیشینه موضوع پژوهش و نیز با توجه به نمودارهای علت - معلولی مرحله گذشته و نظرات خبرگان تدوین شد.

(ب) ایجاد نمودارهای انباشت جریان

بعد از ایجاد مدل مفهومی، نوبت ایجاد نمودارهای انباشت جریان است. با تفکیک متغیرهای مهم به متغیرهای حالت، نرخ و کمکی این نمودار طراحی



شکل ۳. نمودار انباشت جریان

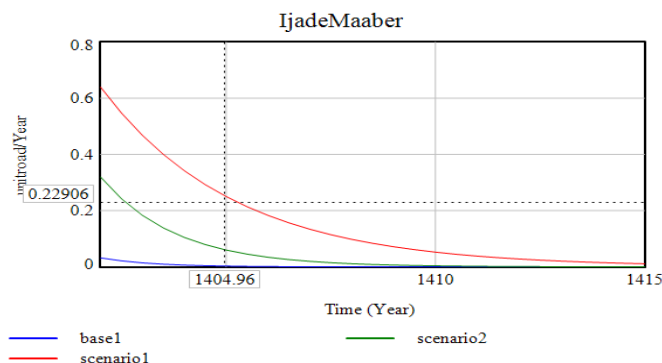
همچنین، تولید خودرو که در این مدل متغیرهای وابسته تعریف شده‌اند، در سه سناریو تحلیل‌ها انجام شده و نمودارهای مربوطه استخراج شد. سناریوی پایه: سرعت رشد اقتصادی ۱ و بهره‌وری ۴ در نظر گرفته شد. سناریوی اول: سرعت رشد اقتصادی ۲۰ و بهره‌وری ۸۰ پیش بینی شد. سناریوی دوم: سرعت رشد اقتصادی ۱۰ و بهره‌وری ۴۰ لحاظ شد. پس از انجام شبیه‌سازی و ترسیم نمودارها برای هر یک از متغیرهای وابسته مشخص شد متغیرهای مستقل یادشده دارای تأثیر قابل توجه بر رفتار مدل بوده که در مورد هر یک توضیحات لازم به شرح زیر ارائه می‌شود: ۱/ ایجاد معبر جدید: همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، افزایش سرعت رشد اقتصادی و بهره‌وری در کشور رابطه مستقیم با ایجاد معبر جدید دارد، زیرا با توان اقتصادی بالا، دولت و شهرداری‌ها به سوی توسعه زیرساخت‌ها می‌روند. این موضوع در وهله اول به رشد بسیار سریع منجر می‌شود و در سال‌های بعد به دلیل افزایش هزینه‌ها و صعودی بودن نرخ تورم این سرعت کاهش می‌یابد و به بیانی شتاب تولید کاهشی خواهد بود.

د) نتایج شبیه‌سازی پژوهش

پس از انجام شبیه‌سازی و بررسی رفتار اجزای مدل در بازه زمانی چهارساله مورد نظر، به تغییر مقادیر متغیرهای مختلف مدل و تحلیل تأثیر آن‌ها روی متغیرهای اصلی مورد بررسی که ایمنی، تصادف و تلفات است، پرداخته می‌شود. در ضمن، مدل 0.5 و واحد زمان ماه تعریف شده است. بررسی مشاهدات مرحله قبل بیانگر آن است که طول شبکه معابر، تعداد خودرو و فناوری‌های جدید بر رفتار رانندگی و ایمنی تأثیرگذاری قابل توجهی دارند، لذا برای هر یک از متغیرهای تأثیرگذار سناریوهایی شامل: تعداد خودروی نو شماره، طول شبکه معابر تازه‌ساخت و سرانه درآمد ملی تدوین شد.

مجموعه سناریوهایی که در بخش اول بررسی می‌شود شامل سناریوهایی در خصوص تأثیر سرعت رشد اقتصادی و بهره‌وری بر توسعه زیرساخت‌ها و رفتار رانندگی است.

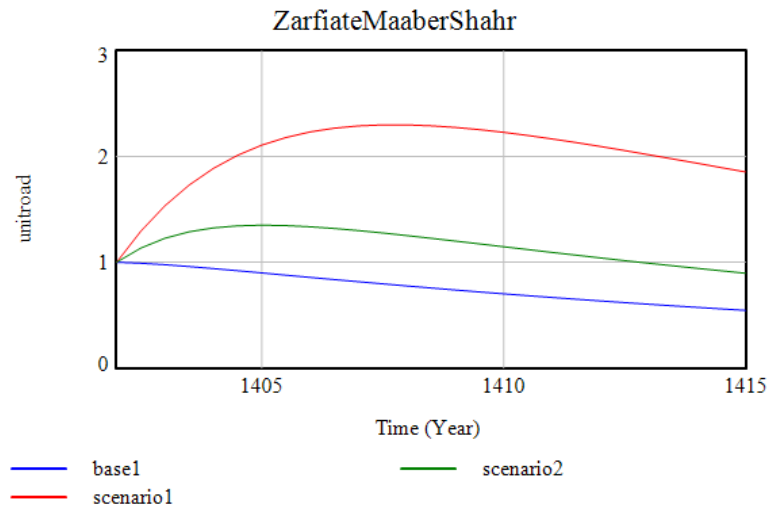
با توجه به اهمیت سرعت رشد اقتصادی و بهره‌وری به عنوان متغیرهای مستقل بر مؤلفه‌های رشد زیرساخت‌ها اعم از معابر شهری و بزرگراهی و



شکل ۴. تغییرات ایجاد معابر در سناریوهای اول و دوم نسبت به سناریوی پایه

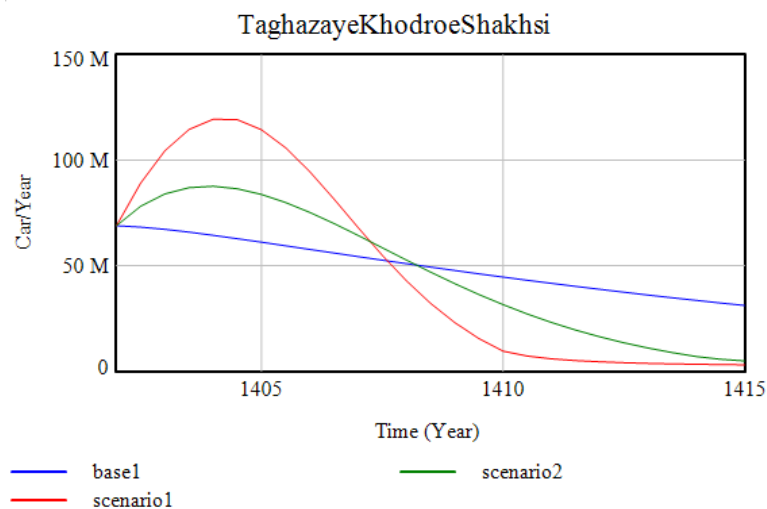
با اطمینان نظر به افزایش قدرت خرید مردم از جمله برای خودرو، این ظرفیت‌ها به صورت تدریجی به سمت اشباع شدن خواهد رفت و هرچند وضعیت از عدم ایجاد زیرساخت و یا نرخ پایین ایجاد زیرساخت بهتر است، اما به مرور زمان سیر کاهشی خواهد یافت.

۲. ظرفیت معبر: با افزایش سرعت رشد اقتصادی و بهره‌وری با در نظر گرفتن تأخیر ناشی از زمان ساخت معبر، شاهد افزایش ظرفیت معابر برای تردد بیشتر خودروها هستیم، اما همان‌گونه که در نمودار ملاحظه می‌شود با ایجاد ظرفیت بیشتر، میل به استفاده از خودرو نیز بیشتر خواهد شد و از سوی دیگر،



شکل ۵. تغییرات ظرفیت معابر شهر در سناریوهای اول و دوم نسبت به سناریوی پایه

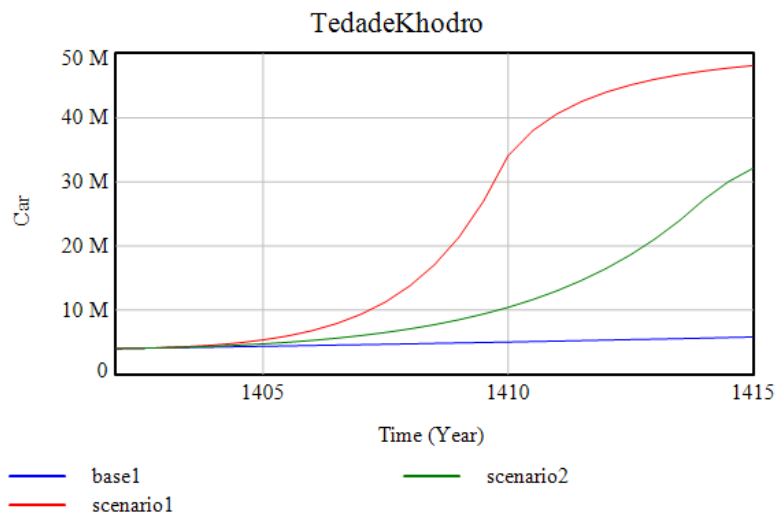
۳. فروش خودرو: همان‌گونه که توضیح داده شد، با افزایش سرعت رشد اقتصادی و بهره‌وری، قدرت اقتصادی شهروندان نیز افزایش می‌یابد میل به خرید خودرو بیشتر می‌شود.



شکل ۶. تغییرات تقاضای خودرو شخصی در سناریوهای اول و دوم نسبت به سناریوی پایه

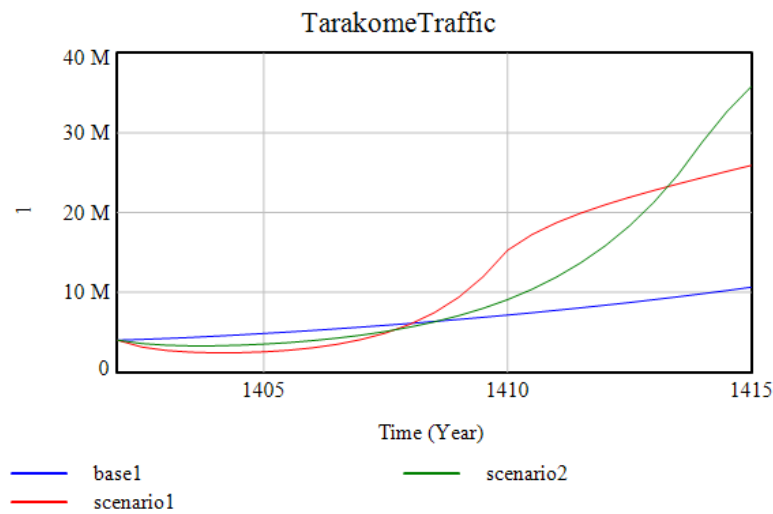
۴. تعداد خودرو: تعداد خودروهای موجود در سطح شهر تابعی از تعداد خودروی نو شماره و خودروهای قبل از این دوره است. در مدل تعداد خودرو اسقاط‌شده‌ها نیز در نظر گرفته شده است.

اگر این سرعت پایین باشد (حالت دو)، این اتفاق با تأخیر بیشتر و در سطح پایین‌تری حادث می‌شود و در حالت پایه که توان اقتصادی جامعه پایین است، فروش خودرو در حداقل و در عین حال با رشد منفی به صورت خطی تداوم می‌یابد. از آنجا که سرانه مالکیت خودرو نمی‌تواند نامحدود باشد، لذا شاهد هستیم بعد از مدتی تقاضای خرید خودروی شخصی کاهش یافته و تعداد



شکل ۷. تغییرات تعداد خودرو در سناریوهای اول و دوم نسبت به سناریوی پایه

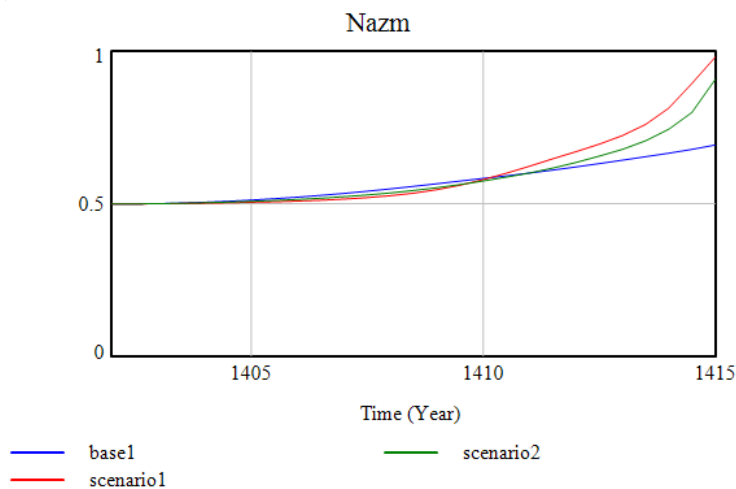
این نمودار S شکل حکایت از محدود بودن کثرت پذیرگی مالکیت خودرو و ۵. تراکم ترافیک: با افزایش تعداد خودروهای شخصی به تدریج تراکم ترافیک تعادلی بودن آن دارد و نمی تواند نرخ رشد مدام افزایش باقی بماند. افزایش می یابد. همان گونه که در نمودار ۸ هویداست.



شکل ۸. تغییرات تراکم ترافیک در سناریوهای اول و دوم نسبت به سناریوی پایه

و ساخت معبر سرانجام روشنی نخواهد داشت. شاید یکی از دلایل توصیه به گسترش حمل و نقل عمومی همین تحلیل باشد که نشان می دهد بی توجهی به این موضوع در بلندمدت طبقات سنگینی برای جامعه خواهد داشت. ۶. نظم در رانندگی: یکی از نگرانی هایی که با افزایش خودرو متصور است، موضوع بی نظمی است.

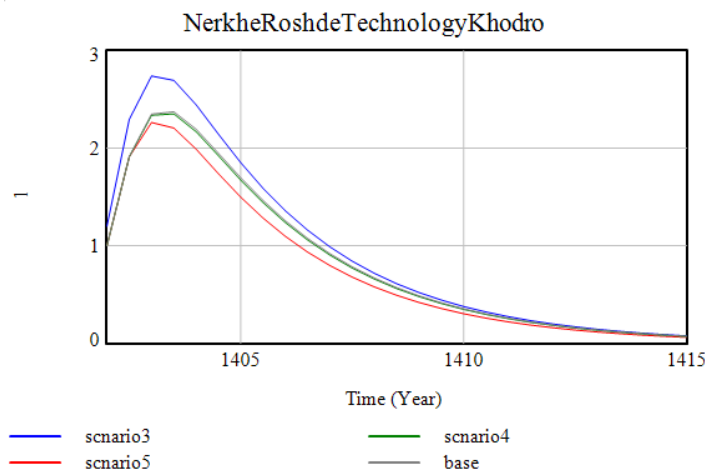
نظر به اینکه افزایش خودروها به صورت تدریجی صورت می پذیرد، تراکم ترافیک نیز تدریجی خواهد بود. اگر سرعت رشد ساخت معبر کمتر از سرعت رشد خرید خودرو باشد، شاهد شدت تراکم ترافیک خواهیم بود و این می تواند یک هشدار جدی برای سیاست گذاران باشد که افزایش فروش خودرو بدون تأمین معبر مناسب و کافی بحران زا بوده و در عین حال رقابت افزایش خودرو



شکل ۹. تغییرات متغیر وابسته نظم در سناریوهای اول و دوم نسبت به سناریوی پایه

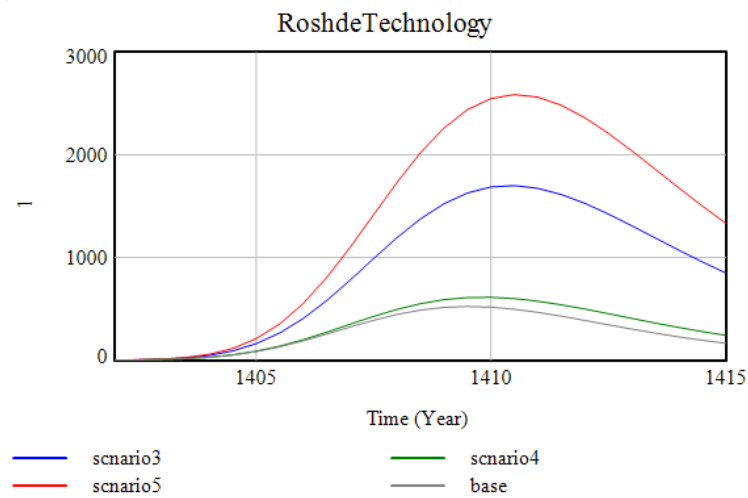
تکنولوژی برابر $0/01$ و سرعت رشد تکنولوژی معادل ۱ در نظر گرفته شده است.
 در سناریوی ۳: سرعت سرمایه‌گذاری در زیرساخت خودرو افزایش و از $1/3$ به $1/2$ ارتقا یافت.
 در سناریوی ۴: سرعت استهلاک تکنولوژی از $0/01$ به $0/05$ افزایش یافت.
 در سناریوی ۵: سرعت رشد تکنولوژی افزایش و از $1/3$ به $1/3$ افزایش داده شد.
 با شبیه‌سازی این سناریوها رفتار سیستم را در هر یک از این وضعیت‌ها مقایسه شده است. آنچه در مورد هر یک از متغیرها مشاهده شد، در نمودارهای زیر به نمایش گذاشته شد که توضیحات آن به این شرح است:
 ۱. بیشترین تأثیر در نرخ رشد تکنولوژی خودرو متأثر از افزایش سرمایه‌گذاری در این حوزه است.

علاوه بر موضوعات رفتاری، تعداد خودرو نیز می‌تواند بر بی‌نظمی اثرگذار باشد، اما با افزایش سرانه درآمد ملی می‌توان پیش‌بینی کرد که توجه به ایمنی و ارتقای فرهنگ عمومی هم افزایش یابد و رانندگان توجه بیشتری به این موضوع داشته باشند و به صورت تدریجی شاهد افزایش نظم‌پذیری باشیم.
 در مجموعه‌ی دوم سناریوها که بررسی شده است، موضوع تأثیر سرعت سرمایه‌گذاری در فناوری‌های خودرو و سرعت رشد و استهلاک آن و چگونگی تأثیر آن بر اثربخشی تکنولوژی‌های پیشگیرانه، نرخ رشد تکنولوژی و تأثیر آن بر تصادفات پرداخته شده است. همچنین سرعت سرمایه‌گذاری این حوزه و تأثیر آن در هر یک از پارامترهای یادشده مورد توجه قرار گرفت.
 سناریوی پایه: سرعت سرمایه‌گذاری در زیرساخت خودرو ۱، سرعت استهلاک



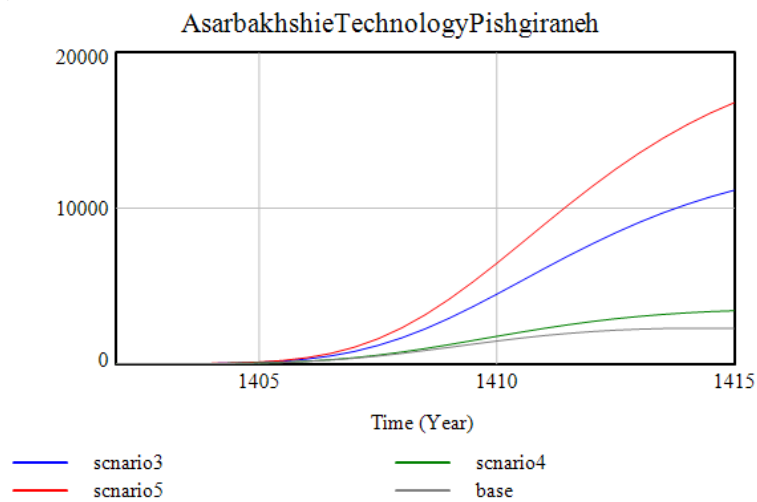
شکل ۱۰. تغییرات نرخ رشد تکنولوژی خودرو در سناریوهای ۳ تا ۵ نسبت به سناریوی پایه

هر چه شدت افزایش سرمایه‌گذاری بیشتر باشد، اثربخشی و رشد تکنولوژی به شکل فزاینده‌ای بیشتر می‌شود.



شکل ۱۱. تغییرات رشد تکنولوژی تحت تأثیر سناریوهای ۳ تا ۵ نسبت به سناریوی پایه

۲. اثربخشی تکنولوژی پیشگیرانه بیش از هر متغیری وابسته به سرعت رشد تکنولوژی است.

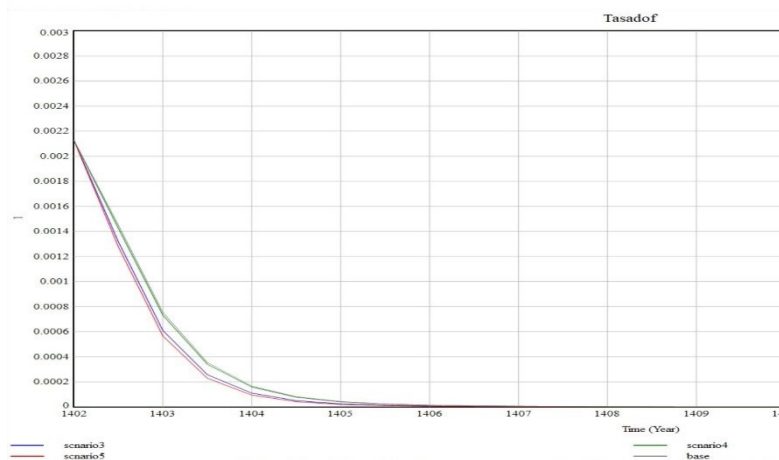


شکل ۱۲. تغییرات اثربخشی تکنولوژی پیشگیرانه در سناریوهای ۳ تا ۵ نسبت به سناریوی پایه

اهمیت هستند و به کاهش تصادفات منجر می‌شوند، اما سایر تحلیل‌ها نشان داد این کاهش طی زمان کمتر خواهد شد و تغییرات آن به صفر نزدیک خواهد شد (معادل صفر نخواهد بود، ولی به آن نزدیک است) و لازم است با استفاده از متغیرهای دیگری همچون اقتدار پلیس این موضوع را جبران کرد.

درواقع به دلیل حس ایمنی که کاربران از خودروهای با تکنولوژی بالا دارند، ریسک بیشتر در رانندگی دارد و با منجر به کم‌توجهی هنگام راندن می‌شود و ضروری است برای کاهش ریسک‌های جدید رانندگان، تکنولوژی با سرعت بیشتری رشد کند.

۳. در موضوع تصادفات، گرچه همه تغییرات در وضعیت‌های یادشده حائز



شکل ۱۳. تغییرات تصادفات در سناریوهای ۳ تا ۵ نسبت به سناریوی پایه

نتیجه گیری

دینامیکی مناسب برای تأثیر زیرساخت‌ها و فناوری بر جریان ترافیک بوده است، پاسخ دهد.

بر همین اساس و با تکیه بر مدل معرفی شده و یافته‌های مستخرج از اجرای آن، می‌توان راهبردها و راهکارهایی را پیشنهاد کرد که بخشی از آن در ادامه ارائه می‌شود. افزایش سرمایه‌گذاری در فناوری خودرو هرچه بیشتر باشد شاهد بهبود بیشتر محصولات، اثر بخشی و رشد بیشتر آن خواهیم بود. سرعت رشد تکنولوژی خودرو می‌تواند نقش پیشگیرانه بودن فناوری را هرچه بیشتر تقویت کند. به نظر می‌رسد حتی اگر کشور دارای رشد چشمگیر درآمدهای خود باشد، حل مشکل ترافیک از طریق توسعه زیرساخت شهری امکان پذیر نخواهد بود. البته تأمین شبکه راه‌های استاندارد و رعایت سلسله مراتب راه با تأمین حمل و نقل عمومی می‌تواند راهگشای ترافیک شهری باشد. همچنین توسعه فناوری‌های نو گرچه در کاهش خطاهای انسانی رانندگان بسیار مؤثر است، اما با توجه به اینکه بعد از مدتی اطمینان به تجهیزات باعث ریسک‌پذیری بیشتر می‌شود، باید علاوه بر مهارت‌آموزی رانندگان، فناوری‌ها همچنان با رویکرد کاهش خطای انسانی مسیر توسعه خود را ارتقا دهند.

با اجرای مدل و انجام تست تحلیل حساسیت، نسبت به تغییر مقادیر متغیرها و بررسی رفتار هر یک از متغیرهای مدل، شناسایی متغیرهای اصلی و کلیدی شامل: سرعت رشد اقتصادی، بهره‌وری، سرعت سرمایه‌گذاری در فناوری‌های خودرو و سرعت رشد تکنولوژی و استهلاک تکنولوژی اقدام شد. نتایج حاصله را می‌توان در چند بند خلاصه کرد:

۱. ارتقای نظم که می‌تواند به عنوان تابعی از توجه به ایمنی و ارتقای فرهنگ عمومی در نظر گرفته شود و بر اثر افزایش سرانه درآمد ملی قابل حصول خواهد بود، عاملی اثرگذار بر کاهش تصادفات است که پیش از این در مطالعات متعددی از جمله پژوهش‌های همکاران [۹]، سان و همکاران [۱۰] و ربیع و همکاران [۱۶] مورد اشاره قرار گرفته و نتایج مطالعه حاضر نیز مؤید همان یافته‌هاست.

۲. ارتقای تکنولوژی‌های پیشگیرانه، نقش شایانی در افزایش ایمنی رانندگی و در نتیجه، کاهش تصادفات خواهد داشت که مؤید یافته‌های پژوهش‌های پیشین از جمله پژوهش‌های رایدر و همکاران [۱۱] و کریست [۱۴] است.

۳. همان‌گونه که در پژوهش بسو و ساها [۱۲] نتیجه‌گیری شده است و نتایج مطالعه حاضر نیز مورد تأیید قرار داد، افزایش ظرفیت معابر نمی‌تواند نقش مؤثری در کاهش نرخ تصادفات ایفا کند و حتی گاهی نتیجه عکس خواهد داشت.

در مرحله بعد به منظور کاربردی کردن مدل نسبت به ارائه دو سناریو عملیاتی به منظور بررسی تأثیر سرعت سرمایه‌گذاری در فناوری‌های خودرو و سرعت رشد تکنولوژی و استهلاک آن بر ایجاد راه‌ها جدید، ظرفیت معبر و سطح سرویس، فروش خودرو، تعداد خودروی موجود، تراکم ترافیک، نظم، تصادفات، نرخ رشد تکنولوژی، اثر بخشی تکنولوژی‌های پیشگیرانه و رشد تکنولوژی اقدام شد. نتایج سناریوها نشان داد افزایش سرانه درآمد ملی به توسعه زیرساخت‌های شهری و افزایش تولید خودرو منجر خواهد شد، اما افزایش ساخت معبر خیلی زود با افزایش تعداد خودرو و افزایش تقاضا به سمت اشباع و کاهش ظرفیت خواهد رفت. فروش خودرو تا مدتی جاذبه دارد و با افزایش سرانه مالکیت، فروش روند نزولی پیدا خواهد کرد. تراکم روند افزایش می‌یابد و نظم با توسعه زیرساخت‌ها و ارتقای فناوری خودرو به تدریج روند بهبود پیدا خواهد کرد. این نتایج و همسویی آن‌ها با مطالعات پیشین نشان‌دهنده آن است که پژوهش حاضر توانسته است به سؤال اصلی خود که همان معرفی مدل

مشارکت نویسندگان

سید جعفر تشکری هاشمی (پژوهشگر اصلی ۴۵ درصد)، عباس طلوعی اشلقی (۳۵ درصد)، شهریار افتندی زاده (۲۰ درصد).

تشکر و قدردانی

این پژوهش منافع تجاری برای نویسنده نداشته و در قبال ارائه اثر وجهی دریافت نشده و مقاله حامی مادی و معنوی نداشته است.

تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافی برای ایشان وجود نداشته است.

- <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2012.09.946>
- [31] Bucchi, A., Dondi, G., Simone, A. & Bonini, A. (1999). Principi dell'ingegneria della sicurezza nei sistemi di trasporto, Trasporti europei, 10. <http://hdl.handle.net/10077/8433>
- [32] Bucchi, Alberto., Sangiorgi, Cesare, Vignali, Valeria., (2012). Social and Behavioral Sciences 53,973 – 980
- [33] Oña, J.D., Garach, L., Calvo, F., Muñoz, T.G., 2014. Relationship between predicted speed reduction on horizontal curves and safety on two-lane rural roads in Spain, J. Transp.Eng. 140 (3) (2014) 04013015, [https://doi.org/10.1061/\(ASCE\)TE.1943-5436](https://doi.org/10.1061/(ASCE)TE.1943-5436).
- [34] Hamidi, Naser and Sanai, Salim. 2012. Providing a multi-criteria approach in identifying and prioritizing factors affecting urban accidents. Quarterly specialized scientific journal of Qazvin policing knowledge. Volume 2, Number 5, pp. 20-34. [In Persian]
- [35] Schneider, W.H., Zimmerman, K.H., Boxel, D.V., Vavilikolanu, S., 2009. Bayesian analysis of the effect of horizontal curvature on truck crashes using training and validation data sets, Transp. Res. Rec. 2096 (2009) 41–46, <https://doi.org/10.3141/2096-06>.
- [36] Mayora, J. Rubio, R.(2003). Relevant variables for crash-rate prediction on Spain's two lane rural roads, Presented at 82nd Annual Meeting of the Transportation Research Board, Washington, DC, 2003.
- [37] Yazdani, Mir Bahadur, Rasafi, Amir Abbas, and Mirzaei, Fazel. (2017). Evaluating the effect of weather and environmental conditions on the severity of single-vehicle accidents. Rahor Scientific Quarterly, 7(25), 143-176. SID. <https://sid.ir/paper/231573/fa>
- [38] Hamim, O.F., Hoque, M.S., McIlroy, R.C., Plant, K.L., Stanton, N.A., 2020. A sociotechnical approach to accident analysis in a low-income setting: using Accimaps to guide road safety recommendations in Bangladesh, Saf. Sci. 124 (2020), 104589. <https://doi.org/10.1016/j.ssci.2019.104589>
- [39] Gorbani, M and Zakeri, H. (1385). Investigating the impact of economic growth on accidents and forecasting the road safety situation in the country. The third regional conference on traffic management. <https://civilica.com/doc/8663/>. [In Persian]
- [40] Loo, B.P.Y., 2018. Unsustainable Transport and Transition in China, 1st edition. Routledge <https://doi.org/10.4324/9781315677941>.
- [41] Li, Xin, Liyu Wu, and Xianfeng Yang. "Exploring the impact of social economic variables on traffic safety performance in Hong Kong: A time series analysis." Safety science 109 (2018): 67-75. <https://doi.org/10.1016/j.ssci.2018.05.010>
- [42] Le, Khanh Giang, Pei Liu, and Liang-Tay Lin. "Determining the road traffic accident hotspots using GIS-based temporal-spatial statistical analytic techniques in Hanoi, Vietnam." Geo-spatial Information Science 23, no. 2 (2020): 153-164. <https://doi.org/10.1080/10095020.2019.1683437>
- [43] Morais Neto, O.L; Malta, D. C.; Mascarenhas, M. M.; (2012); 49- Traffic accident emergency medical care by emergency services in 23 state capitals and the Federal District – Brazil; Epidemiologia e Serviços de Saúde 21(1):31-42. http://scielo.iec.gov.br/scielo.php?script=sci_abstract&pid=S1679-49742012000100004&lng=en&nrm=pf
- [44] McMahan, K., & Dahdah, S. (2008). The true cost of road crashes: valuing life and the cost of a serious injury. London: iRAP.
- [45] Minami, N. & Madnick, S. (2009). Dynamic Analysis of Combat Vehicle Accidents. System Dynamics Review. 25(2). <https://doi.org/10.1002/sdr.415>
- [46] Sterman, J. D. (2001) Business dynamics: Systems thinking and modeling for a complex world. Boston: McGraw-Hill.

- منابع ■
- [1] Pour Gholami, Mohammadreza. Farajzadeh, Manouchehr. Habibzadeh, Ashab and Gandhamkar, Amir. 2016. The role of weather elements in road accidents in northwest Iran. *Road research studies*. magiran.com/p1831695 [In Persian].
- [2] Mascarenhas, M. D. M., Souto, R. M. C. V., Malta, D. C., Silva, M. M. A., Lima, C. M., & Montenegro, M. M. S. (2016). Características de motociclistas envolvidos em acidentes de transporte atendidos em serviços públicos de urgência e emergência. *Ciência & Saúde Coletiva*, 21, 3661–3671. <https://doi.org/10.1590/1413-812320152112.24332016>
- [3] Heron-Delaney, M., Kenardy, J., Charlton, E., & Matsuoka, Y. (2013). A systematic review of predictors of posttraumatic stress disorder (PTSD) for adult road traffic crash survivors. *Injury*, 44, 1413–1422. <https://doi.org/10.1016/j.injury.2013.07.011>
- [4] Papadakaki, M., Ottavia, E. F., Orsi, C., Otte, D., Tzamalouka, G., von-der-Geest, M., & Pierrakos, G. (2016). Psychological distress and physical disability in patients sustaining severe injuries in road traffic crashes: Results from a one-year cohort study from three European countries. *Injury*. <https://doi.org/10.1016/j.injury.2016.11.011>
- [5] Tatari, O., Alirezaei, M., Onat, N.C. & Abdel-Aty, M.(2017). The Climate Change-Road Safety-Economy Nexus: A System Dynamics Approach to Understanding Complex Interdependencies, *Journal: Systems* volume 5 pages 6. <https://doi.org/10.3390/systems5010006>
- [6] World Health Organization
- [7] ZHOU Jing, ZHU Zhentao. (2007) "Hierarchy analysis and strategies on the imbalance between supply and demand of urban traffic", *Journal of transportation systems engineering and information technology*, 7(4), pp. 24–29. [https://doi.org/10.1016/S1570-6672\(07\)60027-0](https://doi.org/10.1016/S1570-6672(07)60027-0)
- [8] He, Sh-K, and Li, J, A Study of Urban City Traffic Congestion Governance Effectiveness Based on System Dynamics Simulation, *International Refereed Journal of Engineering and Science (IRJES)*, Volume 8, Issue 1 Ser I (Jan 2019), PP. 37-47.
- [9] Li, Xin, Liyu Wu, and Xianfeng Yang. "Exploring the impact of social economic variables on traffic safety performance in Hong Kong: A time series analysis." *Safety science* 109 (2018): 67-75. <https://doi.org/10.1016/j.ssci.2018.05.010>
- [10] Sun, L.L., Liu, D., Chen, T., He, M.T., 2019. Analysis on the accident casualties influenced by several economic factors based on the traffic-related data in China from 2004 to 2016. *Chinese Journal of Traumatology* 22 (2019) 75-79. <https://doi.org/10.1016/j.cjtee.2019.02.002>
- [11] Ryder, B., Gahr, B., Egolf, P., Dahlinger, A., Wortmann, F., 2017. Preventing Traffic Accidents with In-Vehicle Decision Support Systems - The Impact of Accident Hotspot Warnings on Driver Behaviour. *Decision Support Systems* (2017). <https://doi.org/10.1016/j.dss.2017.05.004>
- [12] Basu, S., Saha, P., 2022. Evaluation of risk factors for road accidents under mixed traffic: Case study on Indian highways. *IATSS Research* 46 (2022) 559–573. <https://doi.org/10.1016/j.iatssr.2022.09.004>
- [13] Tamakloe, R.; Lim, S.; Sam, E.F.; Park, S.H.; Park, D.; 2021; " Investigating factors affecting bus/minibus accident severity in a developing country for different subgroup datasets characterized by time, pavement, and light conditions"; *Journal of Accident Analysis & Prevention*; <https://doi.org/10.1016/j.aap.2021.106268>
- [14] Christ, D., 2020. Simulating the relative influence of tire, vehicle, and driver factors on forward collision accident rates. *Journal of Safety Research*. <https://doi.org/10.1016/j.jsr.2020.03.009>
- [15] Zhang, Ch., He, J., Yan, X., Liu, Z., Chen, Y., Zhang, H., 2021. Exploring relationships between microscopic kinetic parameters of tires under normal driving conditions, road characteristics, and accident types. *Journal of Safety Research*. <https://doi.org/10.1016/j.jsr.2021.05.010>
- [16] Rabia, Massoud. Leadership, leadership Karmi, Mohammad Mahdi. Zia'i Mustafa and Yasoubi, dear God. 2016. Causal causal model of the problem of driving accidents in Iran: system dynamics approach. *Industrial management perspective*. No. 25, 143-115. <https://www.sid.ir/paper/516061/fa>. [In Persian]
- [17] Fartukzadeh, Hamidreza and Rajabi Nahoji, Maitham. 2013. Dynamic modeling of metropolitan traffic in order to provide transportation improvement policies (Case example of Tehran metropolis). *Transportation Research Journal*, 9th year, 1st issue, spring <https://www.sid.ir/paper/83923/fa>. [In Persian]
- [18] Khosravi, Sh., Haghshenas, H., & Salehi, v., 2020. Macro-Scale Evaluation of Urban Transportation Demand Management Policies in CBD by Using System Dynamics Case Study: Isfahan CBD. *Transportation Research Procedia* 48, 2671–2689. <https://doi.org/10.1016/j.trpro.2020.08.246>
- [19] Wang, J & Lu, H & Peng, H, System Dynamics Model of Urban Transportation System and Its Application, *Journal of Transportation Systems Engineering and Information Technology*, 2008, 8(3), 83-89. [https://doi.org/10.1016/S1570-6672\(08\)60027-6](https://doi.org/10.1016/S1570-6672(08)60027-6)
- [20] Ozkan, T. (2006). The regional differences between countries in traffic safety: A cross-cultural study and Turkish case. Helsinki: University of Helsinki. <http://urn.fi/URN:ISBN:952-10-3421-1>
- [21] Porter, Brian. 2015. Guide to traffic psychology. Translated by Mahmoud Shoreche. Study and planning center of Tehran city. [In Persian]
- [22] Noland, R.B., 2003. Traffic fatalities and injuries: the effect of changes in infrastructure and other trends. *Accid. Anal. Prev.* 35 (4), 599–611. [https://doi.org/10.1016/S0001-4575\(02\)00040-4](https://doi.org/10.1016/S0001-4575(02)00040-4)
- [23] Jovanis, P.P., Chang, H.L., 1986. Modeling the relationship of accidents to miles traveled. *Transp. Res. Rec.* 1068, 42–51. <http://onlinepubs.trb.org/Onlinepubs/trr/1986/1068/1068-005.pdf>
- [24] Ritter, N., Vance, C., 2013. Do fewer people mean fewer cars? Population decline and car ownership in Germany. *Transp. Res. Part A: Policy Pract.* 50, 74–85. <https://doi.org/10.1016/j.tra.2013.01.035>
- [25] Wang, B., Hensher, A.D., Ton, T., 2002. Safety in the road environment: a driver behavioral response perspective. *Transportation* 29, 253–270.
- [26] Dissanayake, S., 2004. Comparison of severity affecting factors between young and older drivers involved in single vehicle crashes. *IATSS Res.* 28 (2), 48–54. [https://doi.org/10.1016/S0386-1112\(14\)60108-4](https://doi.org/10.1016/S0386-1112(14)60108-4)
- [27] Yannis, G., Kanellopoulou, A., Aggeloussi, K., Tsamboulas, D., 2005. Modelling driver choices towards accident risk reduction. *Saf. Sci.* 43, 173–186. <https://doi.org/10.1016/j.ssci.2005.02.004>
- [28] Clarke, D.D., Ward, P., Bartle, C., Truman, W., 2006. Young driver accidents in the UK: the influence of age, experience, and time of day. *Accid. Anal. Prev.* 38, 871–878. <https://doi.org/10.1016/j.aap.2006.02.013>
- [29] Tractinsky, N., Ram, E.S., Shinar, D., 2013. To call or not to call - That is the question (while driving). *Accid. Anal. Prev.* 56, 59–70. <https://doi.org/10.1016/j.aap.2013.03.017>
- [30] Bucchi, A. & Simone, A. (2000). Il fattore umano nell'ingegneria della sicurezza nella circolazione stradale, *Strade e Autostrade*, 1.



unfortunate events for residents. Therefore, making these dilapidated urban tissues livable has a double necessity and importance, and with this, the features of the economic, social, and environmental status of an area are revealed, and it can also be used as a powerful tool to monitor the program. Planning urban development and designing future policies for these areas should be used.

Materials and Methods

According to the research problem, the current research method is applied in terms of purpose and descriptive-analytical in terms of nature and method. In this research, to provide the theoretical foundations and obtain the required information in the field of recognizing the indicators of viability in worn tissues, the method of collecting documentary and library information was used, and the tools of data collection are interviews and questionnaires. The statistical population of the research is made up of city managers and academic experts with opinions in the field of urban planning. The selection criteria of managers and experts are theoretical mastery, practical experience, desire, and ability to participate in research and access. In this research, the judgmental sampling method was used and the face validity of the questionnaire was also confirmed by experts. At this stage, 35 indicators affecting the livability of the dilapidated fabric of Behbahan City were identified by asking the opinions of city managers and academic elites. Then, the internal relationships between them are investigated using the MICMAC interpretive structural analysis model and the type of variables is determined according to the influence and effectiveness of other variables. Finally, the existing problems of the worn-out fabric of Behbahan city are ranked based on the SAW model.

Findings

Among the 35 driving forces, 8 driving forces have a key effect on the future condition of the livability of worn-out tissues of Behbahan city. The

willingness of residents to invest in the worn-out fabric, the level of satisfaction of the residents with the facilities and facilities of the worn-out fabric, the opportunity to generate income in the worn-out fabric, the favorable quality of the image, and the view of the city in the area of the fabric, the extent of the residents' willingness to live in the worn-out fabric, the level of access to public services and Urban infrastructures, the desire of the private sector to invest in worn-out fabric, and public access to green spaces are among the key drivers for the viability of these fabrics. In terms of systemic performance, these forces play the role of high impact and low impact in the system environment to improve the quality of the urban environment, and as a result, they are considered the most effective and key drivers. The investigation and ranking of the reasons for the wear and tear of the worn fabric of Behbahan city (from the most acute problem to the bottom) according to the SAW model according to Table (9) is as follows: 1- Lack and inefficiency of urban services 2- Lack of suitable infrastructure facilities 3- Lack of leisure facilities 4- Lack of proper access (inefficient roads) 5- Environmental problems 6- Lack of per capita needs of users 7- Problems Functional 8- Weak cooperation of institutions and inappropriate management 9- Lack of social security.

Conclusion

The analysis of these drivers shows that residents' willingness to invest in the worn-out fabric, residents' satisfaction with the fabric's facilities and facilities, the opportunity to generate income in the fabric, the quality of the city's image and landscape, the residents' desire to live in the worn-out fabric, access to public services and urban infrastructure, the desire The private sector investing in worn-out fabric, and public access to green space, all have an impact on the future viability of worn-out fabrics in Behbahan. Therefore, the physical sub-index has a greater contribution in affecting the livability of the worn-out tissue of Behbahan city.

COPYRIGHTS

©2022 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.



HOW TO CITE THIS ARTICLE

Amanpour S. Nasiri Barm Elvan E. Investigating and Evaluating the Livability Status of Worn-Out Neighborhoods in Behbahan City with a Future Research Approach. Urban Economics and Planning Vol 5(1):138-153. [In Persian]

DOI: 10.22034/UEP.2024.458512.1490



Investigating and Evaluating the Livability Status of Worn-Out Neighborhoods in Behbahan City with a Future Research Approach

Original Article

Saeed Amanpour^{1*}, Eghbal Nasiri Barm Elvan²

1- Professor of Geography and Urban Planning Department, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

2- PhD candidate in geography and urban planning, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

ARTICLE INFO

Article History

Received: 2024-06-06

Revised: 2024-06-20

Accepted: 2024-06-24

Keywords

Behbahan City

Livability

MICMAC Model

SAW Model

Worn Texture

ABSTRACT

Introduction

Today, with the urbanization of the world's population and the globalization of cities, urban planning and citizenship have become the most important issues affecting the quantitative and qualitative dimensions of human life and citizens expect higher standards from the urban environment in which they live. Therefore, paying attention to the new theories of urban planning, each of which aims to solve urban problems, improve the quality of life in cities, improve the quality of the city environment, and urban management, and lead to more favorable urban development. Among the new theories of urban development, a livable city is considered a guide for having a desirable and sustainable urban environment, while posing an obvious problem [2]. One of the important aspects of cities, which is both the cause and the effect of many urban problems, is the worn-out urban tissues. The nature of the worn texture, any disregard for it invalidates it in various ways. Because in terms of culture, it is the origin of today's city and a relic of the previous culture and history, and from a social point of view, in case of abandonment and disproportionate uses, it is a part of society and a guarantor of human life. Physically, despite all the wear and tear, it still has a unique architectural and urban planning value [4]. It is worth noting that the current academic studies of the last five years in the field of livability in our country have mostly focused on rural areas and big cities. And the areas of worn tissues are less considered. This is because today such structures are the root of many pressures and contradictions on the way of development; So that they are not very compatible with the economic and social conditions of today and do not have proper access to today's living standards, lack of vitality and unlivability is one of their basic and major problems. Behbahan city, centered in Behbahan city, is one of the oldest cities in Khuzestan province which is located at a distance of 205 km from Ahvaz city. Due to facing the rapid modernization process, this city has suffered the inefficiency and exhaustion of its tissues, and since the dilapidated structures of Behbahan city are located in the center of the city, they suffer from issues such as physical and spatial problems, inadequacies of the access and service network, low users per capita, and the lack of necessary and suitable services and facilities for citizens. The dilapidated houses of these neighborhoods do not have parking spaces, and on the other hand, there is no possibility of car traffic in the narrow streets and stepped alleys of these neighborhoods. As a result, finding a parking space in the streets of these neighborhoods has become a difficult and time-consuming task, and usually due to the inappropriate access for emergency vehicles, it has become the basis for

* Corresponding author: amanpour@scu.sc.ir

بررسی و ارزیابی وضعیت زیست‌پذیری محلات بافت فرسوده شهر بهبهان با رویکرد آینده‌پژوهی

مقاله پژوهشی

سعید امانپور^{۱*}؛ اقبال نصیری برم الوان^۲

۱- استادی جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

۲- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

چکیده

مقدمه

امروزه، با شهری شدن جمعیت جهان و جهانی شدن شهرها، شهرسازی و شهروندی به مهم‌ترین مسائل مؤثر بر ابعاد کمی و کیفی زندگی انسان تبدیل شده است و شهروندان استانداردهای بالاتری از محیط شهری که در آن زندگی می‌کنند را انتظار دارند. از این رو، توجه به تئوری‌های جدید شهرسازی که هر یک با هدف حل مشکلات شهری، بهبود کیفیت زندگی در شهرها، ارتقای کیفیت محیط شهر، مدیریت شهری هستند الزامی است و بیشتر به سوی مطلوب‌تر شدن توسعه شهری رهنمون می‌سازند. در بین تئوری‌های نوین شهرسازی مطرح‌شده، شهر زیست‌پذیر ضمن طرح مسئله‌ای آشکار، به عنوان راهنمایی برای داشتن محیطی مطلوب و پایدار شهری به حساب می‌آید [۲]. یکی از جنبه‌های حائز اهمیت در شهرها که هم علت و هم معلول بسیاری از معضلات شهری است، بافت‌های فرسوده شهری است. ماهیت بافت فرسوده، هرگونه بی‌توجهی به آن را از جهات مختلف بی‌اعتبار می‌کند، زیرا از لحاظ فرهنگی، خاستگاه شهر امروزی و یادگاری از فرهنگ و تاریخ پیشین است و از لحاظ اجتماعی در صورت متروک شدن و کاربری‌های نامتناسب، بخشی از جامعه و ضامن زندگی انسان‌ها است و از لحاظ کالبدی با وجود همه فرسودگی هنوز ارزش معماری و شهرسازی بی‌نظیری دارد [۴]. شایان توجه اینک مطالعات آکادمیک طی پنج سال اخیر در زمینه زیست‌پذیری در کشور ما، بیشتر بر نواحی روستایی و شهرهای بزرگ متمرکز بوده است و نواحی بافت‌های فرسوده، کمتر مد نظر قرار گرفته‌اند. این در حالی است که امروزه چنین بافت‌هایی، ریشه بسیاری از فشارها و تضادهای بر سر راه توسعه هستند؛ به طوری که سازگاری چندانی با شرایط اقتصادی اجتماعی عصر حاضر ندارند و نداشتن دسترسی مناسب به معیارهای زندگی امروزی، نبود سرزندگی و نیز زیست‌ناپذیری، از مشکلات اساسی و عمده آن‌ها است [۱۱]. شهرستان بهبهان به مرکزیت شهر بهبهان، از قدیمی‌ترین شهرهای استان خوزستان است که در فاصله ۲۰۵ کیلومتری شهرستان اهواز قرار گرفته است. این شهر به دلیل مواجه شدن با روند نوگرایی سریع، دچار ناکارآمدی و فرسودگی بافت‌های خود شده است و از آنجا که بافت‌های فرسوده شهر بهبهان در مرکز شهر قرار دارند، از مسائلی نظیر مشکلات کالبدی و فضایی، نارسایی‌های شبکه دسترسی و خدمات‌رسانی، سرانه کم کاربری‌ها و نبود خدمات و تأسیسات لازم و مناسب شهروندان رنج می‌برد. خانه‌های فرسوده این محلات پارکینگ ندارند و از طرفی هم امکان تردد خودرو در معابر کم‌عرض و کوچه‌های پلکانی این محلات وجود ندارد؛ در نتیجه پیدا کردن جای پارک در خیابان‌های این محلات به کاری دشوار و زمان‌بر تبدیل شده و معمولاً به دلیل دسترسی نامناسب برای خودروهای امدادی، زمینه‌ساز اتفاقات ناگوار برای ساکنان شده است. بنابراین زیست‌پذیر کردن این بافت‌های فرسوده شهری، ضرورت و اهمیت دوچندانی دارد و با این کار ویژگی‌های وضعیت

اطلاعات مقاله

تاریخ‌های مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۳/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۰۴

کلمات کلیدی

بافت فرسوده

زیست‌پذیری

شهر بهبهان

مدل MICMAC

مدل SAW

منظر شهر در محدوده بافت، میزان تمایل ساکنان به سکونت در بافت فرسوده، میزان دسترسی به خدمات عمومی و زیرساخت‌های شهری، تمایل بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در بافت فرسوده و دسترسی عمومی به فضای سبز جزء پیشران‌های تأثیرگذار و کلیدی برای زیست‌پذیری این بافت‌ها دارند. این نیروها از نظر عملکرد سیستمی نقش تأثیرگذاری بالا و تأثیرپذیری اندک را در محیط سیستم با هدف ارتقای کیفیت محیط زیست شهری ایفا می‌کنند و در نتیجه، مؤثرترین و کلیدی‌ترین پیشران‌ها محسوب می‌شوند.

بررسی و رتبه‌بندی دلایل فرسودگی موجود بافت فرسوده شهر بهبهان (از حادثه‌ترین مشکل به پایین) طبق مدل SAW مطابق جدول ۸ به صورت زیر است:

- ۱- کمبود و ناکارآمدی خدمات شهری؛ ۲- نبود تأسیسات زیربنایی مناسب؛
- ۳- نبود امکانات گذران اوقات فراغت؛ ۴- عدم دسترسی‌های مناسب (وجود معابر ناکارآمد)؛ ۵- مشکلات زیست‌محیطی؛ ۶- کمبود سرانه مورد نیاز کاربری‌ها؛ ۷- معضلات عملکردی؛ ۸- ضعف همکاری نهادها و مدیریت نامناسب؛ ۹- نبود امنیت اجتماعی.

نتیجه‌گیری

تحلیل این پیشران‌ها نشان می‌دهد تمایل ساکنان به سرمایه‌گذاری در بافت فرسوده، رضایت ساکنان از امکانات و تسهیلات بافت، فرصت درآمدزایی در بافت، کیفیت سیما و منظر شهر، تمایل ساکنان به سکونت در بافت فرسوده، دسترسی به خدمات عمومی و زیرساخت‌های شهری، تمایل بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در بافت فرسوده، و دسترسی عمومی به فضای سبز، همگی بر آینده زیست‌پذیری بافت‌های فرسوده شهر بهبهان تأثیرگذارند. بنابراین زیرشاخص کالبدی سهم بیشتری در تأثیرگذاری بر میزان زیست‌پذیری بافت فرسوده شهر بهبهان دارد.

اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی یک ناحیه آشکار می‌شود و همچنین می‌تواند به عنوان ابزاری قدرتمند برای نظارت بر برنامه‌ریزی توسعه شهری و طراحی سیاست‌های آینده برای این نواحی به کار رود.

مواد و روش‌ها

روش پژوهش حاضر با توجه به مسئله پژوهش، از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، از نوع توصیفی-تحلیلی است. در این پژوهش به منظور فراهم ساختن مبانی تئوری و به دست آوردن اطلاعات مورد نیاز در زمینه شناخت شاخص‌های زیست‌پذیری در بافت‌های فرسوده از روش جمع‌آوری اطلاعات اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده شد و ابزار جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه و پرسشنامه است. جامعه آماری تحقیق را مدیران شهری و خبرگان دانشگاهی صاحب‌نظر در حوزه برنامه‌ریزی شهری تشکیل می‌دهند. معیارهای انتخاب مدیران و خبرگان، تسلط نظری، تجربه عملی، تمایل و توانایی مشارکت در پژوهش و دسترسی است. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری قضاوتی استفاده شد و روایی صورتی پرسش‌نامه نیز مورد تأیید خبرگان قرار گرفت. در این مرحله با نظرخواهی از مدیران شهری و نخبگان دانشگاهی، ۳۵ مورد از شاخص‌های مؤثر بر زیست‌پذیری بافت فرسوده شهر بهبهان شناسایی شد. سپس روابط درونی بین آن‌ها با استفاده از مدل تحلیل ساختاری-تفسیری MICMAC بررسی شد و نوع متغیرها با توجه به اثرگذاری و اثرپذیری بر سایر متغیرها مشخص شد. در آخر، مشکلات موجود بافت فرسوده شهر بهبهان براساس مدل SAW رتبه‌بندی شد.

یافته‌ها

از میان ۳۵ نیروی پیشران، ۸ پیشران تأثیرگذار بر وضعیت آینده زیست‌پذیری بافت‌های فرسوده شهر بهبهان اثر کلیدی بیشتری دارند. تمایل ساکنان به سرمایه‌گذاری در بافت فرسوده، میزان رضایت ساکنان از امکانات و تسهیلات بافت فرسوده، فرصت درآمدزایی در بافت فرسوده، کیفیت مطلوب سیما و

مقدمه

می‌سازد [۷]. ایجاد یک شهر زیست‌پذیر تعهدی بزرگ و پیچیده است که لازمه آن، این است که برنامه‌ریزان شهری ساکنان شهر را به لحاظ شاخصه‌های زیست‌پذیری حمایت کنند [۱۱].

شایان توجه اینکه مطالعات آکادمیک فعلی پنج سال اخیر در زمینه زیست‌پذیری در کشور ما، بیشتر بر نواحی روستایی و شهرهای بزرگ متمرکز بوده است و نواحی بافت‌های فرسوده کمتر مد نظر قرار گرفته‌اند. این در حالی است که امروزه چنین بافت‌هایی ریشه بسیاری از فشارها و تضادهای سر راه توسعه هستند؛ به طوری که سازگاری چندانی با شرایط اقتصادی اجتماعی عصر حاضر ندارند و نداشتن دسترسی مناسب به معیارهای زندگی امروزی، نبود سرزندگی و نیز زیست‌ناپذیری، از مشکلات اساسی و عمده آن‌ها است [۱۲]. شهرستان بهبهان به مرکزیت شهر بهبهان یکی از شهرهای قدیمی استان خوزستان است که در فاصله ۲۰۵ کیلومتری شهرستان اهواز قرار گرفته است. این شهر به دلیل مواجه شدن با روند نوگرایی سریع، دچار ناکارآمدی و فرسودگی بافت‌های خود شده است و از آنجا که بافت‌های فرسوده شهر بهبهان در مرکز شهر قرار دارد، از مسائلی نظیر مشکلات کالبدی و فضایی، نارسایی‌های شبکه دسترسی و خدمات‌رسانی، سرانه کم کاربری‌ها نبود خدمات و تأسیسات لازم و مناسب شهروندان رنج می‌برد. خانه‌های فرسوده این محلات پارکینگ ندارند و از طرفی هم امکان تردد خودرو در معابر کم‌عرض و کوچه‌های پلکانی این محلات وجود ندارد در نتیجه پیدا کردن جای پارک در خیابان‌های این محلات به کاری دشوار و زمان‌بر تبدیل شده است و معمولاً به دلیل دسترسی نامناسب برای خودروهای امدادی، زمینه‌ساز اتفاقات ناگوار برای ساکنان شده است. بنابراین زیست‌پذیر کردن این بافت‌های فرسوده شهری، ضرورت و اهمیت دوچندانی دارد و با این کار ویژگی‌های وضعیت اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی یک ناحیه آشکار می‌شود و همچنین می‌تواند به عنوان ابزاری قدرتمند برای نظارت بر برنامه‌ریزی توسعه شهری و طراحی سیاست‌های آینده برای این نواحی به کار رود.

مفهوم زیست‌پذیری

خاستگاه مفهوم شهر زیست‌پذیر به دوران یونان باستان بازمی‌گردد که افرادی در پی ایدئولوژی و مفهوم عدالت و انصاف بودند. مفهوم زیست‌پذیری از یک سو نشان‌دهنده جاذبه و تأثیر قوی شهری است، اما از سوی دیگر، ارتباطات و تأثیرگذاری شهر را از طریق به دست آوردن سرمایه‌گذاری، منابع فرهنگی و انسانی، شدت بیشتری خواهد بخشید [۱۳]. زیست‌پذیری فزاینده مناطق شهری، روشی برای جلوگیری از آلودگی و حفاظت از منابع طبیعی در مناطق شهری و پیرامون آن‌ها است. مفهوم زیست‌پذیری به طور خیلی واضح به مفهوم پایداری نیز نزدیک است؛ زیرا زیست‌پذیری به قابلیت‌های یک مکان یا یک جامعه در پاسخ‌گویی به نیازهای شهروندان فعلی خود بدون به خطر انداختن نیازهای نسل‌های آیندگان اشاره می‌کند [۱۴]. زیست‌پذیری در معنای اصلی خود به مفهوم دستیابی به قابلیت‌های زندگی است و در واقع همان مفهوم دستیابی به کیفیت برنامه‌ریزی شهری خوب یا مکان پایدار است. زیست‌پذیری یک مفهوم کلی است که با تعدادی از مفاهیم و اصطلاحات دیگر مانند پایداری، کیفیت زندگی و کیفیت مکان و اجتماعات سالم در ارتباط است. هدف اصلی زیست‌پذیری شهری رضایت از سکونت و کیفیت محیط شهری جوامع است و سطح رضایت وابسته به اولویت نیازهای شهروندان است. با توجه به اینکه برابری یکی از اصول مهم کلیدی در زیست‌پذیری است، فراهم کردن تمامی نیازهای ملموس و ناملموس اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و روانی برای تمامی شهروندان با هر رده سنی، پایگاه اجتماعی، اقتصادی و نیز جسمی امری ضروری است. این مفهوم از درهم‌تنیدگی ابعاد مختلف تشکیل می‌شود و باید برای پیشگیری کردن از تک‌بعدی شدن و تقلیل‌گرایانه شدن آن؛ شبکه‌ای از روابط بین معیارهای مربوط به قلمروهای گوناگون زیست‌پذیری را هم در آن در نظر گرفت [۱۵].

امروزه با شهری شدن جمعیت جهان و جهانی شدن شهرها، شهرسازی و شهروندی به مهم‌ترین مسائل مؤثر بر ابعاد کمی و کیفی زندگی انسان تبدیل شده است [۱] و شهروندان استانداردهای بالاتری از محیط شهری که در آن زندگی می‌کنند را انتظار دارند. از این رو، توجه به تئوری‌های جدید شهرسازی که هر یک با هدف حل مشکلات شهری، بهبود کیفیت زندگی در شهرها، ارتقای کیفیت محیط شهر و مدیریت شهری هستند، الزامی است و شهرها را بیشتر به سوی مطلوب‌تر شدن توسعه شهری رهنمون می‌سازد. در بین تئوری‌های نوین شهرسازی مطرح شده، شهر زیست‌پذیر ضمن طرح مسئله‌های آشکار، به عنوان راهنمایی برای داشتن محیطی مطلوب و پایدار شهری به حساب می‌آید [۲]. شهر به عنوان نماد کالبدی، اوضاع فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و فناوری در هر عصر و دوره‌ای می‌تواند معیاری برای ارزیابی روند تحولات جامعه در آن باشد. ساختار و کارکرد شهر در هر عصر و زمانه متناسب با درجه توسعه‌یافتگی، به واسطه کنشگران و عوامل مختلف، شکل گرفته و شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور در هر زمانی در شکل‌گیری بافت‌های شهری مؤثر بوده است [۳]. یکی از جنبه‌های حائز اهمیت در شهرها که هم علت و هم معلول بسیاری از معضلات شهری است، بافت‌های فرسوده شهری است. ماهیت بافت فرسوده هر گونه بی‌توجهی به آن را از جهات مختلف بی‌اعتبار می‌کند، زیرا از لحاظ فرهنگی، خاستگاه شهر امروزی و یادگاری از فرهنگ و تاریخ پیشین است و از لحاظ اجتماعی در صورت متروک شدن و کاربری‌های نامتناسب، بخشی از جامعه و ضامن زندگی انسان‌ها است، از لحاظ کالبدی با وجود همه فرسودگی هنوز دارای ارزش معماری و شهرسازی بی‌نظیری است [۴]. شهرنشینی به عنوان پدیده‌ای که بر اثر تداخل جنبه‌های مختلف و ضروری زندگی مدرن، از عوامل مهم تأثیرگذار بر سلامت فردی-اجتماعی شهروندان و مظهر شبکه‌ای از روابط پیچیده اجتماعی شده، بستر و شکل‌دهنده بسیاری از چالش‌های اساسی در زندگی شهروندان نیز است [۵]. انسان به عنوان موجودی که ذاتاً تمایل به بهبود، رفاه و آسایش در زندگی دارد، در برنامه‌ریزی‌های خود همیشه به دنبال رسیدن به این هدف است. امروزه محیط زیست بیشتر شهرها با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو شده‌اند که توجه شگرفی را در راستای جلوگیری از این روند نامطلوب اقتضا می‌کند. در این باره نیز اصطلاحاتی همچون: زیست‌پذیری، شهر توانا، شهر خلاق، شهر تاب‌آور، شهر پایدار، همگی به ارتقا و بهبود کیفیت زندگی شهروندان اشاره دارند تا از این طریق بتوان به زندگی توأم با کیفیتی مطلوب و مورد انتظار در محیط زیست دست یافت [۶]. از طرفی هر انسانی فارغ از اینکه در شهر یا روستا زندگی کند، در پی دستیابی به زندگی مطلوب و رضایت‌بخش است. یکی از مباحثی که امروزه کمتر به آن در برنامه‌ریزی شهری پرداخته شده، زیست‌پذیری شهری است [۷]. انتقادات وارد شده از سوی محققان شهری و اجتماعات انسانی، جین جاکوبز و اپلیارد، را بر آن داشت تا بر مفهوم زیست‌پذیری به عنوان یکی از رویکردهای دستیابی به محیط شهری قابل زیست و با کیفیت تأکید کنند. هدف اصلی آن‌ها بهبود کیفیت فضاهای شهری با معیاس انسانی در شهرهای مدرن بود [۸]. امروزه زیست‌پذیری، نقشی اساسی در حیات و رشد شهرها و کیفیت زندگی شهروندان دارد. اهمیت این موضوع زمانی روشن‌تر می‌شود که توجه کنیم بخش‌های زیادی از جمعیت ایران در شهرها زندگی می‌کنند [۹]. مناطق فرسوده شهری بر تصمیم‌گیری‌های مدیران شهری تأثیرگذار هستند و بخش مهمی از فعالیت‌های آن‌ها به بهبود شرایط و راهکارهای مناسبی برای افزایش شرایط زندگی در این مناطق اختصاص یافته است [۱۰]. نظام زیستی این بافت‌ها، علی‌رغم چرخش سیاست‌های الگوی توسعه شهری در دهه اخیر از توسعه افقی به سرمایه‌گذاری در بافت‌های درون شهری، هم از حیث ساختار و هم از نظر کارکرد اجزای حیاتی، با اختلال و ناکارآمدی مواجه است. در این میان، شناسایی و درک نیازهای شهروندان (تقاضاهای ذهنی) و زیست‌پذیری (شرایط مناسب عینی) این سکونتگاه‌ها، کیفیت زندگی (رضایت ذهنی) در نواحی شهری را ارتقا می‌بخشد و زمینه دستیابی به توسعه پایدار را فراهم

پهنه‌های شهری با آن دست‌به‌گریبان هستند و از آنجا که فضاهای شهری، اوج تجلی مکانی حیات شهری و حضور شهروندان را به نمایش می‌گذارند، اثر متقابل تنزل کیفیت فضاهای شهری بر تنزل کیفیت زندگی شهری، عمق و ابعاد این معضل در بافت‌های فرسوده را روشن تر می‌سازد [۱۶]. ایده شهر زیست‌پذیر در بافت‌های فرسوده شهری؛ خلق مراکز شهری پویا است و عمدتاً بر خلق محله‌های پایدار و زیست‌پذیری این بافت‌ها تأکید دارد و هدف آن، ارتقای کیفیت فضاهای شهری این بافت‌ها است. رویکرد زیست‌پذیری به بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی و محیطی شهر توجه دارد و طیف وسیعی از فعالیت‌ها را بیان می‌دارد که قابلیت زیست‌جدیدی به مناطق مضمحل، ساختمان‌های پاک‌سازی شده، زیرساخت‌ها و ساختمان‌های تحت بازسازی که به پایان عمر مفیدشان رسیده‌اند، می‌دهد. یک نگرش کلیدی در زیست‌پذیری به معنای عامش این است که وضعیت کلی شهر و مردمش را بهبود بخشد [۱۷]. بنابراین این ایده به دنبال حل مشکلات فرسودگی شهری از طریق بهسازی مناطق محروم و در حال اضمحلال در شهرهاست. این رویکرد تنها به دلیل بازنده‌سازی مناطق متروکه نیست، بلکه با مباحث گسترده‌تری همچون اقتصاد رقابتی و کیفیت زندگی به‌خصوص برای کسانی که در محلات فقیرنشین زندگی می‌کنند سروکار دارد. انتخاب شاخص در زیست‌پذیری برای مطالعه وضعیت آن بسیار مهم و حیاتی است. شاخص‌ها از یک سو، ابزاری برای شناخت دقیق شرایط موجود در یک مقطع زمانی‌اند و از سوی دیگر، نشان‌دهنده تصویر روندها و دگرگونی‌هایی که طی دوره مشخص رخ داده است [۱۸] به نقل از [۱۹]. به طور مسلم، فرسودگی بافت‌های شهری ریشه در عامل یا عواملی دارد که ممکن است از درون خود پدیده (خرد) نشئت گرفته یا شرایط بیرونی (مکان) باعث فرسودگی آن پدیده شود. بدیهی است هدایت تحولات شهر نیازمند دانش کافی از چگونگی تأثیر این عوامل در تولید فضاهای شهری است.

رویکردهای زیست‌پذیری

با توجه به اینکه مفهوم زیست‌پذیری نقاط مشترکی با مفاهیم پایداری و کیفیت زندگی دارد، می‌توان با رویکردهای متفاوت و متنوعی به آن نگریست و آن را ارزیابی کرد. در این بخش، رویکردها به این مفهوم، در رشته‌های گوناگون علمی و در شرایط مختلف زمانی، با توجه به کنکاش در منابع متعدد بررسی می‌شود. در اینجا رویکردها بر مبنای دوره زمانی آمده‌اند؛ به این معنا که از قدیم به جدید ذکر شده‌اند. رویکرد تجربی به شهر زیست‌پذیر؛ میل به تعریف یک مکان خوب از طریق به‌کارگیری تحقیقات تجربی، موجب شکل‌گیری اصطلاح زیست‌پذیری از اواخر دهه ۱۹۶۰ شد؛ هرچند این اصطلاح تا اواسط دهه ۱۹۷۰ رواج چندانی نداشت. بیشتر محققانی که در این حوزه طی چند دهه گذشته پژوهش‌هایی انجام داده‌اند، دانشگاهیانی هستند که در دپارتمان‌های برنامه‌ریزی فعالیت داشته‌اند. تأکید این محققان بر بهره‌گیری از مطالعات تجربی برای شناخت زندگی روزمره افراد در جهت مفهوم‌سازی مکان زیست‌پذیر بود. رویکرد ادراک‌های فردی و مطالعات بهزیستی ذهنی؛ این رویکرد بر رضایت و ارجحیت افراد تأکید دارد تا تعیین کند مکان‌ها قادر به تأمین انتظارات، نیازهای فردی و رضایت نسبی افراد هستند یا خیر (تأکید بر معیارهای ذهنی). رویکرد کیفیت زندگی (رویکرد معیارهای اجتماعی برای کیفیت زندگی)؛ محققانی که به بهبود زیست‌پذیری در مکان تمایل دارند، رویکردهای مکان‌محور را با ارزیابی کیفیت زندگی تلفیق می‌کنند [۱۵].

زیست‌پذیری بافت‌های فرسوده شهری

بافت‌های فرسوده یکی از ساکنان انواع مختلف بافت‌های شهری هستند که به دلیل فرسودگی کالبدی و برخوردار نامناسب و وجود زیرساخت‌های آسیب‌پذیر، دارای ناپایداری مکانی-فضایی هستند. تنزل شاخص‌های کیفی در فضاهای شهری بافت‌های فرسوده، یکی از انبوه معضلاتی است که این

اهداف زیست‌پذیری شهری

اهداف زیست‌پذیری شهری			
شهر بدون مرز	رابطه مناسب با مکان و محیط زیست	مأمّن و جایگاهی برای اجتماع	فضاهای عمومی مراکز برای زندگی اجتماعی و کانونی برای همه اجتماع
رفاه و خوشبختی ساکنان			

شکل ۱. اهداف زیست‌پذیری شهری [۲۰]

درون‌زا و برون‌زا در اقتصاد می‌شوند که نسبت به بزرگی شهر متنوع و پیچیده هستند. از تجمع این فعالیت‌ها، تراکم‌های به‌شدت اقتصادی همچون ارزش افزوده، ارزش‌های اضافی، دستمزدهای پرداختی، معاملات و مصرف‌های گوناگون پدید می‌آید. ابعاد فعالیت‌های اقتصادی فضاهای شهری بی‌نهایت متنوع است و در هر جایی الگویی از فعالیت‌های اقتصادی رسمی و غیر رسمی مزوج شده، موجب شخصیت فضایی اقتصادی معینی می‌شود [۸].

بعد زیست‌محیطی

محیط طبیعی بستر توسعه پهنه‌های شهری محسوب می‌شوند و ارتباط تنگاتنگی میان نحوه حیات شهر و فعالیت‌های شهروندان با کیفیت‌های زیست‌محیطی وجود دارد. یکی از معیارهای مهم و تعیین‌کننده وضعیت زیست‌پذیری شهری از نظر مطلوبیت محیط برای سکونت و فعالیت، سنجش پایداری محیطی آن است؛ زیرا بعد زیست‌محیطی مهم‌ترین محور زیست‌پذیری است و اقتصاد و زندگی اجتماعی دو محتوای مهم برای بعد زیست‌محیطی است [۱۴].

ابعاد زیست‌پذیری

زیست‌پذیری به سه بعد وابسته به هم تقسیم می‌شود: اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی [۲۱].

بعد اجتماعی

شهر سرزنده و زیست‌پذیر به لحاظ اجتماعی می‌تواند با سطوح پایین محرومیت، پیوستگی اجتماعی قوی، ارتباطات خوب و پویایی میان لایه‌های اجتماعی، روحیه جمعی و غرور مدنی، دامنه وسیعی از شیوه‌های زندگی، روابط موزون و جامعه شهری با طراوت توصیف شود [۱۲].

بعد اقتصادی

فضای شهری یک فضای اقتصادی است. فضایی با اختلاف ارزش‌ها، بازدهی‌های شایان توجه حتی در فاصله‌های کوتاه، این فضا در مجموع معرف بیشترین تراکم‌ها، سرمایه‌گذاری‌ها و ثروت‌ها در واحد سطح است. فعالیت‌هایی که در فضای شهری جریان دارد، موجب ظهور یک سری عوامل

پیشینه پژوهش

در ارتباط با پیشینه پژوهش مطالعاتی به صورت مستقیم و غیرمستقیم صورت گرفته که در ادامه به چند مورد آن اشاره می‌شود.

لان و همکاران [۲۲] پژوهشی با عنوان «ارزیابی تأثیرات تغییرات آب‌وهوا بر زیست‌پذیری شهرهای چین» انجام داده‌اند. یافته‌های حاصل از این پژوهش حاکی از آن است که موج گرما و حوادث ناشی از تغییرات اقلیمی تأثیرات شدیدی بر زیست‌پذیری شهرهای جنوب چین دارد، در حالی که یخ‌زدگی هوا دارای تغییرات معنادار روی زیست‌پذیری شهرهای شمالی چین است. همچنین ترکیب شرایط مختلف آب‌وهوایی تأثیرات گوناگونی بر زیست‌پذیری شهرهای چین داشته است.

هارویوگوز و همکارانش [۲۳] پژوهشی با عنوان «مدل‌سازی تأثیرات آینده برنامه‌ریزی فضایی شهری بر زیست‌پذیری گزینه‌های عرضه آب» انجام دادند. یافته‌های تحقیق یادشده نشان می‌دهد بارندگی می‌تواند قیمت مصرفی آب را در مطالعات محلی به صورت دقیق‌تر نشان دهد تا برنامه‌ریزی مکانی پتانسیل صرفه‌جویی در مصرف در آینده را تحت تأثیر قرار دهد.

لودا و همکاران [۲۴] در پژوهشی تحت عنوان «مقایسه تطبیقی شاخص‌های زیست‌پذیری مناطق شهری تهران با هدف تحلیل ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی» به این نتیجه رسیدند که تهران از نظر زیست‌پذیری شرایط مطلوبی دارد. همچنین بالاترین نمره برای منطقه ۵ و پایین‌ترین نمره برای منطقه ۹ است.

دونگ شنگ ژان و همکاران [۲۴] در پژوهشی تحت عنوان «عوامل مؤثر بر رضایت از زیست‌پذیری شهری در چین» به این نتیجه رسیدند که هر ۶ بعد زیست‌پذیری شهری تأثیر معنادار و مثبتی بر رضایت از زیست‌پذیری دارند. محیط طبیعی، حمل‌ونقل راحت و سلامت محیطی شاخص‌هایی هستند که بیشترین تأثیر را دارند. همچنین ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی فردی نظیر موقعیت جغرافیایی، نوع مسکن، آموزش، بعد خانوار و سن نیز تأثیر معناداری بر رضایت از زیست‌پذیری دارند.

جانویچ و ندیایی [۲۵] در مقاله‌ای با عنوان «بررسی میزان زیست‌پذیری پروژه‌های مرکز تجمیع شهری» نشان داده‌اند سازمان کارآمد عملیات توزیع تأثیر عمده‌ای بر دوام مالی دارد. در مقاله یادشده تأثیر اندازه وسایل نقلیه و منطقه خدمات در سودآوری را مورد بحث قرار داده‌اند.

حکمت‌نیا و همکاران [۲۶] پژوهشی با عنوان «تحلیل و ارزیابی زیست‌پذیری در بافت‌های فرسوده شهری (مطالعه موردی: شاهین‌دژ)» انجام داده‌اند. نتایج پژوهش یادشده بیانگر آن است که بافت فرسوده در شهر شاهین‌دژ با مشکلات عدیده‌ای در ابعاد مختلف مواجه است و برنامه‌ریزی برای افزایش زیست‌پذیری در آن باید در سرلوحه برنامه‌ریزان و مدیران شهری قرار بگیرد تا پایداری در آن‌ها فراهم شود.

مافی و همکاران [۲۷] در پژوهش خود تحت عنوان «ارزیابی و سنجش زیست‌پذیری شهری و عوامل مؤثر بر آن (مورد مطالعه: شهر بجنورد)» به این نتیجه رسیدند که وضعیت زیست‌پذیری شهری بجنورد با توجه به میانگین کلی به‌دست‌آمده که برابر با ۲/۷۵ بود، در وضعیت پایین‌تر از حد متوسط قرار دارد. همچنین از نظر ابعاد مورد بررسی، بعد اجتماعی با میانگین ۲/۸۴ دارای بیشترین میانگین و بعد زیست‌محیطی با میانگین ۲/۶۷ دارای کمترین میانگین است. همچنین نتایج حاصل از پژوهش یادشده نشان‌دهنده آن است که وضعیت منطقه ۲ از وضعیت بهتری نسبت به منطقه ۱ شهر بجنورد برخوردار است.

امانپور و همکاران [۲۸] در پژوهش خود تحت عنوان «سنجش و ارزیابی مؤلفه‌های زیست‌پذیری شهری با رویکرد شاخص‌های محیط زیستی بر پایه تکنیک‌های MCDM، پژوهش موردی: محلات سه‌گانه کلان‌شهر اهواز» به این نتایج دست یافته‌اند که براساس مدل ادغامی کپلند (POSET)، محله کیانپارس بیشترین میزان و اولویت را از حیث شاخص محیط زیستی مؤثر در زیست‌پذیری شهری را به خود اختصاص داده و پس از آن به ترتیب محلات گلستان و سپیدار در اولویت‌های بعدی قرار گرفتند.

سابقه مرور بر پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده زیست‌پذیری در کشور ما

نشان می‌دهد بررسی زیست‌پذیری، بیشتر متمرکز بر شهرهای بزرگ بوده و کمتر به شهرهای کوچک و بافت‌های فرسوده آن‌ها توجه شده است و همچنین در بررسی زیست‌پذیری این شهرها به همه ابعاد زیست‌پذیری توجه نشده، بلکه پارهای از ابعاد مد نظر قرار داده شد. بنابراین، قوت این پژوهش بررسی وضعیت زیست‌پذیری با تأکید بر همه ابعاد (اقتصادی، اجتماعی، خدماتی و زیرساختی، کالبدی - فضایی و زیست‌محیطی) در بافت فرسوده شهر بهبهان از طریق مدل تحلیلی- ساختاری است.

پیری و همکاران [۲۹] در پژوهشی با عنوان «شناسایی عوامل مؤثر بر زیست‌پذیری شهری با رویکرد مدل‌سازی ساختاری-تفسیری (ISM) (نمونه موردی: شهر ایلام)» به این نتایج دست یافته‌اند که نخستین ابعاد کلی مؤثر بر زیست‌پذیر کردن شهر ایلام، ابعاد اقتصادی و در مراحل بعدی ابعاد زیست‌محیطی و اجتماعی است. همچنین براساس تحلیل MICMAC هیچ‌یک از توانمندسازها در گروه خودمختار قرار نگرفته‌اند و این نشان‌دهنده اهمیت همه توانمندسازها در زیست‌پذیری شهر ایلام است.

تردست و همکاران [۳۰] در مقاله‌ای تحت عنوان «تبیین الگوی سازمان‌یابی فضایی زیست‌پذیری شهری ایلام» به این نتیجه رسیدند که از میان شاخص‌های سازمان‌یابی فضایی عوامل طبیعی بیشترین تأثیر بر زیست‌پذیری شهر ایلام داشته و در مراتب بعدی عوامل تاریخی، اجتماعی، کالبدی و فعالیت‌ها و در نهایت ساختار اقتصادی با میزان ضرایب همبستگی متفاوت قرار دارد.

با بررسی مطالعات در زمینه زیست‌پذیر کردن شهرها مشخص می‌شود که اهمیت بسیار مهم موضوع، باعث تمرکز مطالعات گسترده در این زمینه شده است، اما آنچه باعث تمایز تحقیق حاضر از سایر پژوهش‌ها می‌شود، این است که تحقیقات صورت‌گرفته زیست‌پذیری، بیشتر متمرکز بر شهرهای بزرگ بوده و کمتر به شهرهای کوچک و بافت‌های فرسوده آن‌ها توجه شده است و همچنین در بررسی زیست‌پذیری این شهرها به همه ابعاد زیست‌پذیری توجه نشده، بلکه پارهای از ابعاد مد نظر قرار داده شد. بنابراین، قوت این پژوهش بررسی وضعیت زیست‌پذیری با تأکید بر همه ابعاد (اقتصادی، اجتماعی، خدماتی و زیرساختی، کالبدی- فضایی و زیست‌محیطی) در بافت فرسوده شهر بهبهان از طریق مدل تحلیلی- ساختاری است. محقق در این پژوهش در صدد پاسخ‌گویی به سؤالات زیر است:

شاخص‌های اصلی زیست‌پذیری بافت فرسوده شهر بهبهان کدام‌اند؟

کدام یک از شاخص‌های تأثیرگذار در وضعیت زیست‌پذیری بافت فرسوده شهر بهبهان، بیشترین و کمترین تأثیرگذاری را دارند؟

داده‌ها و روش پژوهش

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر با توجه به مسئله پژوهش، از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت و روش از نوع توصیفی - تحلیلی است. در این پژوهش به منظور فراهم ساختن مبانی تئوری و به دست آوردن اطلاعات مورد نیاز در زمینه شناخت شاخص‌های زیست‌پذیری در بافت‌های فرسوده، از روش جمع‌آوری اطلاعات اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده شد و ابزار جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه و پرسشنامه است. جامعه آماری تحقیق را مدیران شهری و خبرگان دانشگاهی صاحب‌نظر در حوزه برنامه‌ریزی شهری تشکیل می‌دهند. معیارهای انتخاب مدیران و خبرگان، تسلط نظری، تجربه عملی، تمایل و توانایی مشارکت در پژوهش و دسترسی است. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری قضاوتی استفاده شد و روایی صوری پرسش‌نامه نیز مورد تأیید خبرگان قرار گرفت. در این مرحله با نظرخواهی از مدیران شهری و نخبگان دانشگاهی، ۳۵ مورد از شاخص‌های مؤثر بر زیست‌پذیری بافت فرسوده شهر بهبهان شناسایی شد. سپس روابط درونی بین آن‌ها با استفاده از مدل تحلیل ساختاری تفسیری MICMAC بررسی شد و نوع متغیرها با توجه به اثرگذاری و اثرپذیری بر سایر متغیرها مشخص شد. در آخر، مشکلات موجود بافت فرسوده شهر بهبهان براساس مدل SAW رتبه‌بندی شد.

شناسایی ابعاد و شاخص‌های زیست‌پذیری

دیدگاه خبرگان استفاده شده است. در این تکنیک متخصصان قادرند با تسلط بیشتری به بیان نظرات خود در رابطه با اثرات (جهت و شدت اثرات) میان عوامل بپردازند. ماتریس حاصل (ماتریس ارتباطات داخلی)، هم رابطه علی و معلولی بین عوامل و هم اثرپذیری و اثرگذاری متغیرها را نمایش می‌دهد.

در این تحقیق نخست، شاخص‌ها به عنوان عوامل مؤثر بر زیست‌پذیری شهر بر اساس ادبیات پژوهش و مصاحبه‌های تخصصی انتخاب شده‌اند. در گام دوم با توجه به مدل تحقیق به شناسایی الگوی روابط علی میان شاخص‌ها پرداخته شد. سپس جهت انعکاس روابط درونی میان معیارهای اصلی از

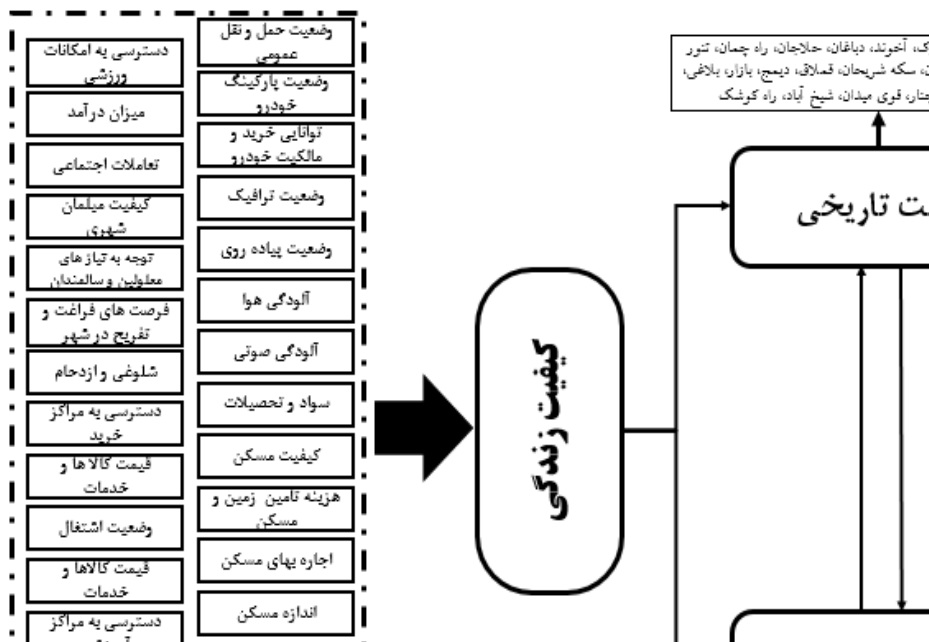
جدول ۱. پیشران‌های اولیه تأثیرگذار بر وضعیت آینده زیست‌پذیری بافت‌های فرسوده شهر بهبهان

پیشران‌ها	بعد
Var01. میزان امنیت اجتماعی، Var02. میزان مشارکت ساکنان، Var03. میزان تمایل ساکنان به سکونت در بافت فرسوده، Var04. میزان حس تعلق ساکنان به بافت، Var05. میزان رضایت ساکنان از امکانات و تسهیلات بافت فرسوده و Var06. کیفیت تعامل‌های اجتماعی	اجتماعی
Var07. تمایل ساکنان به سرمایه‌گذاری در بافت فرسوده، Var08. میزان صرفه و ارزش اقتصادی بافت فرسوده، Var09. میزان دسترسی به خدمات عمومی و زیرساخت‌های شهری، Var10. فرصت درآمدزایی در بافت فرسوده، Var11. تمایل بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در بافت فرسوده و Var12. میزان ارزش اقتصادی زمین و مسکن در بافت فرسوده	اقتصادی
Var13. میزان تراکم جمعیت در بافت فرسوده، Var14. میزان فشردگی و ریزدانی ساختمان‌ها در بافت، Var15. کیفیت معابر و پیاده‌روها در داخل بافت فرسوده، Var16. وضعیت ایمنی واحدهای مسکونی، Var17. سازگاری ابعاد معابر بافت و تراکم طبقات، Var18. کیفیت مطلوب سیما و منظر شهر در محدوده بافت، Var19. کیفیت و میزان استحکام ابنیه‌ها، Var20. میزان برخورداری بافت از سیستم دفع بهداشتی و فاضلاب مناسب، Var21. میزان مناسب بودن وضعیت میلمان شهری و Var22. میزان احساس راحتی در بافت‌های فرسوده	کالبدی
Var23. میزان علاقه به مشارکت در طرح‌ها، Var24. ایجاد تسهیلات مالی برای ساکنان بافت، Var25. صدور مجوز ساخت‌وساز، Var26. مشارکت در تصمیمات شورای شهر و شهرداری، Var27. حضور مدیریت شهری در محله‌ها، Var28. ارائه خدمات مناسب حمل‌ونقل برای شهروندان Var29. میزان سرمایه‌گذاری در بافت و Var30. استفاده از نیروهای متخصص در اجرای پروژه‌ها	مدیریتی
Var31. کیفیت جمع‌آوری زباله و دفع آن، Var32. آلودگی‌های ناشی از کارگاه‌های صنعتی، Var33. آرامش و نبود آلودگی صنعتی، Var34. کیفیت جمع‌آوری آب‌های سطحی و Var35. دسترسی عمومی به فضای سبز	زیست‌محیطی

محدوده مورد مطالعه

عرض شمالی واقع شده است و به لحاظ نسبی در فاصله تقریباً ۲۰۵ کیلومتری اهواز، ۹۰ کیلومتری رامهرمز، ۴۵ کیلومتری جنوب شرق آغاچاری، ۶۵ کیلومتری جنوب شرق شهر امیدیه و ۷۰ کیلومتری شمال غرب دو گنبدان به عنوان مهم ترین مرکز جمعیتی شهرستان بهبهان قرار گرفته است.

بر اساس تقسیمات سیاسی - اداری کشور، در سال ۱۳۹۵ شهر بهبهان مرکز شهرستان بهبهان در استان خوزستان قرار دارد. این شهر به لحاظ موقعیت ریاضی در مختصات ۵۰ درجه و ۱۵ دقیقه طول شرقی و ۳۰ درجه و ۳۵ دقیقه



شکل ۲. محدوده مورد مطالعه

یافته‌ها

ارزیابی در ماتریس، ۱۷۸ رابطه عدد صفر است؛ این مقدار به آن معناست که عوامل پیشران بر همدیگر تأثیر نداشته و یا از همدیگر متأثر نشده است. ۳۷۱ رابطه با مقدار یک دارای تأثیر ضعیف نسبت به هم و ۵۰۰ رابطه با عدد ۲ دارای روابط اثرگذاری نسبتاً قوی است. به علاوه، ۱۷۶ رابطه عدد ۳ دارد و این به معنای آن است که روابط پیشران‌های کلیدی بسیار زیاد بوده و از تأثیرگذاری و تأثیرپذیری زیادی برخوردارند.

تحلیل کلی محیط سیستم: جدول ۲، برآیند اثرات متقابل ۳۵ عامل یا پیشران تأثیرگذار بر وضعیت آینده زیست‌پذیری بافت‌های فرسوده شهر بهبهان را بر اساس تشکیل ماتریس ۳۵×۳۵ نشان می‌دهد. نتایج این جدول بیانگر تعداد تکرار ۲ بار و درجه پرشدگی ۸۵/۴۷ درصد است که نشان می‌دهد پیشران‌های انتخاب‌شده تأثیر زیادی بر هم داشته است. از مجموع ۱۰۴۷ رابطه قابل

جدول ۲. تحلیل اولیه داده‌های ماتریس و اثرات متقابل پیشران‌ها

شاخص	اندازه ماتریس	تعداد تکرار	تعداد صفر	تعداد یک	تعداد دو	تعداد سه	مجموع	درجه پرشدگی
مقدار	۳۵	۲	۱۷۸	۳۷۱	۵۰۰	۱۷۶	۱۰۴۷	۸۵/۴۷

ماتریس این پژوهش بر اساس پیشران‌های آماری با ۲ بار چرخش از مطلوبیت و بهینه‌شدگی ۱۰۰ درصد برخوردار است که حاکی از روایی بالای پرسشنامه و پاسخ‌های آن دارد (جدول ۳).

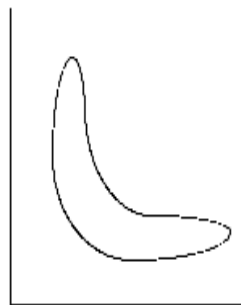
جدول ۳. درجه مطلوبیت و بهینه‌شدگی ماتریس

چرخش	تأثیرگذاری	تأثیرپذیری
۱	۹۸□	۹۸□
۲	۱۰۰□	۱۰۰□

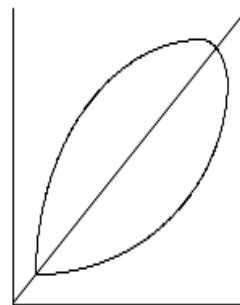
پایدار و ناپایدار معروف است. در مدل سیستم پایدار پراکندگی متغیرها به صورت L است؛ در این مدل برخی متغیرها دارای اثرگذاری بالا و برخی دارای اثرپذیری بالا است. اما در سیستم‌های ناپایدار وضعیت پیچیده‌تر است؛ در این سیستم نیروهای توسعه پیرامون محور قطری صفحه پراکنده است و در بیشتر مواقع حالت بینابین از اثرگذاری و اثرپذیری دارد که شناسایی پیشران‌های کلیدی را دشوار می‌سازد (شکل‌های ۳ و ۴).

ارزیابی پیشران‌های تأثیرگذار و تأثیرپذیر بر وضعیت آینده زیست‌پذیری بافت‌های فرسوده شهر بهبهان

الگوی توزیع پیشران‌های تأثیرگذار بر وضعیت آینده زیست‌پذیری بافت‌های فرسوده شهر بهبهان روی صفحه پراکندگی حاکی از میزان پایداری یا ناپایداری سیستم است. در روش تحلیل اثرات متقابل ساختاری با نرم‌افزار MICMAC در مجموع دو مدل عمومی پراکندگی وجود دارد که به سیستم‌های



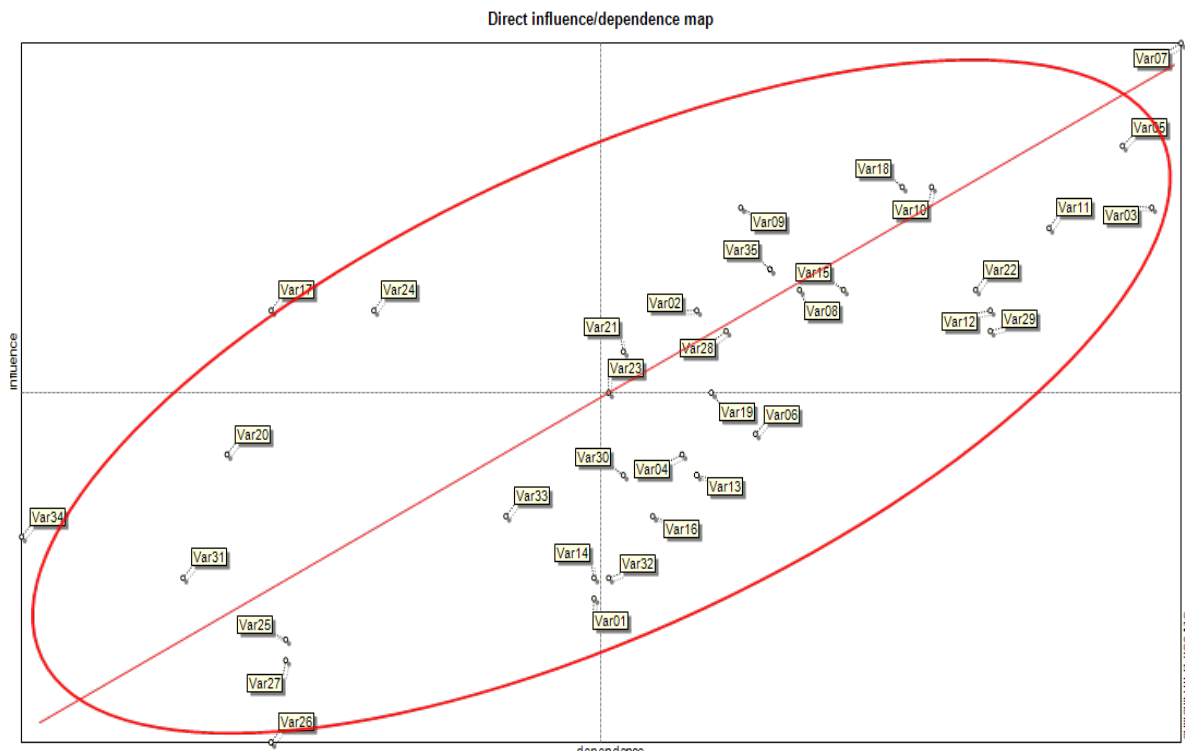
شکل ۴. سیستم پایدار



شکل ۳. سیستم ناپایدار

پیشران که دارای اثرگذاری بالا در سیستم است، عموماً با وضعیت تقریباً مشابهی در اطراف محور قطری استقرار یافته‌اند.

شکل ۳ الگوی پراکندگی پیشران‌های تأثیرگذار بر وضعیت آینده زیست‌پذیری بافت فرسوده بهبهان را نشان می‌دهد. این الگوی پراکندگی به طور کلی بیانگر وضعیت یک سیستم ناپایدار است. پیشران‌های مورد مطالعه به جز چند



شکل ۵. پراکنده‌گی پیشران‌های تأثیرگذار بر وضعیت آینده زیست‌پذیری بافت‌های فرسوده شهر بهبهان

جدول ۴. میزان تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم پیشران‌ها بر یکدیگر

رتبه	پیشران	تأثیرگذاری	پیشران	تأثیرپذیری	پیشران	تأثیرگذاری	پیشران	تأثیرپذیری
۱	Var07	۳۷۴	Var07	۴۶۹	Var07	۳۶۷	Var07	۴۵۵
۲	Var05	۳۴۸	Var03	۴۵۸	Var05	۳۴۳	Var03	۴۳۶
۳	Var10	۳۳۷	Var05	۴۴۸	Var18	۳۳۵	Var05	۴۲۸
۴	Var18	۳۳۷	Var11	۴۲۱	Var10	۳۳۳	Var11	۴۱۱
۵	Var03	۳۳۲	Var12	۴۰۰	Var09	۳۲۸	Var29	۴۰۴
۶	Var09	۳۳۲	Var29	۴۰۰	Var03	۳۲۶	Var12	۳۹۶
۷	Var11	۳۲۷	Var22	۳۹۵	Var11	۳۲۴	Var10	۳۷۹
۸	Var35	۳۱۶	Var10	۳۷۹	Var35	۳۱۷	Var22	۳۷۴
۹	Var08	۳۱۱	Var18	۳۶۹	Var15	۳۱۳	Var15	۳۶۸
۱۰	Var15	۳۱۱	Var15	۳۴۸	Var22	۳۱۲	Var18	۳۶۲
۱۱	Var22	۳۱۱	Var08	۳۳۲	Var24	۳۱۰	Var08	۳۲۹
۱۲	Var02	۳۰۵	Var35	۳۲۱	Var17	۳۰۸	Var35	۳۱۹
۱۳	Var12	۳۰۵	Var06	۳۱۶	Var08	۳۰۷	Var13	۳۰۷
۱۴	Var17	۳۰۵	Var09	۳۱۱	Var12	۳۰۲	Var19	۳۰۴
۱۵	Var24	۳۰۵	Var28	۳۰۵	Var21	۳۰۰	Var06	۳۰۳
۱۶	Var28	۳۰۰	Var19	۳۰۰	Var28	۲۹۹	Var09	۳۰۱
۱۷	Var29	۳۰۰	Var02	۲۹۵	Var02	۲۹۸	Var02	۲۹۸
۱۸	Var21	۲۹۵	Var13	۲۹۵	Var29	۲۹۸	Var28	۲۹۵

رتبه	پیشران	تأثیرگذاری	پیشران	تأثیرپذیری	پیشران	تأثیرگذاری	پیشران	تأثیرپذیری
۱۹	Var19	۲۸۴	Var04	۲۹۰	Var19	۲۸۷	Var21	۲۸۷
۲۰	Var23	۲۸۴	Var16	۲۷۹	Var23	۲۸۶	Var16	۲۸۵
۲۱	Var06	۲۷۴	Var21	۲۶۸	Var20	۲۷۳	Var04	۲۸۳
۲۲	Var04	۲۶۸	Var30	۲۶۸	Var06	۲۷۳	Var01	۲۸۲
۲۳	Var20	۲۶۸	Var23	۲۶۳	Var04	۲۶۵	Var23	۲۷۱
۲۴	Var13	۲۶۳	Var32	۲۶۳	Var13	۲۶۵	Var30	۲۵۷
۲۵	Var30	۲۶۳	Var01	۲۵۸	Var30	۲۶۲	Var32	۲۵۵
۲۶	Var16	۲۵۳	Var14	۲۵۸	Var33	۲۵۸	Var14	۲۵۰
۲۷	Var33	۲۵۳	Var33	۲۲۶	Var16	۲۵۵	Var33	۲۱۹
۲۸	Var34	۲۴۷	Var24	۱۷۹	Var34	۲۴۹	Var24	۲۰۵
۲۹	Var14	۲۲۷	Var25	۱۴۷	Var32	۲۴۴	Var26	۱۶۹
۳۰	Var31	۲۳۷	Var27	۱۴۷	Var31	۲۴۰	Var17	۱۵۵
۳۱	Var32	۲۲۷	Var17	۱۴۲	Var01	۲۲۷	Var27	۱۵۴
۳۲	Var01	۲۳۲	Var26	۱۴۲	Var14	۲۳۷	Var25	۱۵۳
۳۳	Var25	۲۲۱	Var20	۱۲۶	Var25	۲۲۴	Var20	۱۲۷
۳۴	Var27	۲۱۶	Var31	۱۱۰	Var27	۲۱۲	Var31	۱۱۶
۳۵	Var26	۱۹۵	Var34	۵۲	Var26	۱۹۴	Var34	۴۶

شدن به بازیگران کلیدی در سیستم دارند، زیرا به علت ماهیت ناپایدار، پتانسیل تبدیل شدن به نقطه انفعال سیستم را دارند. پیشران‌های فرصت درآمدزایی در بافت فرسوده و کیفیت مطلوب سیما و منظر شهر در محدوده بافت در این ناحیه قرار گرفته‌اند.

۲- پیشران‌های هدف: هیچ پیشرانی در این ناحیه قرار نگرفته است. این پیشران بیش از آنکه تأثیرگذار باشد، تأثیرپذیر است و می‌توان آن را با ضریب قطعیت قابل قبول، به عنوان نتیجه تکامل سیستم شناسایی و معرفی کرد. با دستکاری این پیشران می‌توان به تغییرات و تکامل سیستم در جهت مورد نظر دست یافت. بنابراین، بیش از آنکه نتیجه‌ای از پیش تعیین شده را به نمایش بگذارد، نمایانگر اهداف ممکن در سیستم است.

پیشران‌های تأثیرپذیر: پیشران‌های این ناحیه تأثیرگذاری پایین و تأثیرپذیری بسیار بالا در سیستم دارند که بر تکامل پیشران‌های تأثیرگذار تأثیر می‌گذارد. پیشران‌های تأثیرپذیر بسیار حساس و خروجی سیستم به شمار می‌روند. پیشران‌های مشارکت مردمی، هویت محله‌ای، تقویت نهادهای اجتماعی محله‌ای، ایجاد فضاهای جمعی، ایمنی و ارتقای موقعیت و ارزش اقتصادی زمین، تقویت مبلمان شهری، ایجاد فضای سبز و بسترسازی جهت ورود بخش خصوصی در این ناحیه قرار گرفته است.

پیشران‌های مستقل: پیشران‌های میزان امنیت اجتماعی، میزان فشرده‌گی و ریزدانی ساختمان‌ها در بافت، میزان برخورداری بافت از سیستم دفع بهداشتی و فاضلاب مناسب، صدور مجوز ساخت و ساز، مشارکت در تصمیمات شورای شهر و شهرداری، حضور مدیریت شهری در محله‌ها، کیفیت جمع‌آوری زباله و دفع آن، آرامش و نبود آلودگی صنعتی و کیفیت جمع‌آوری آب‌های سطحی پیشران‌های مستقل و مستثنای سیستم است. این نیروهای پیشران از سایر پیشران‌های سیستم تأثیر چندانی نمی‌پذیرند و بر آن‌ها نیز تأثیر کمی دارند و یا بی‌تأثیر هستند. آن‌ها ارتباط کمی با سیستم دارند، زیرا نه باعث توقف پیشران اصلی و نه باعث تکامل و پیشرفت یک پیشران در سیستم می‌شود.

- پیشران‌های «هرمی ثانویه»: این پیشران‌ها با وجود اینکه کاملاً مستقل هستند، بیش از آنکه تأثیرپذیر باشند، تأثیرگذارند. آن‌ها در قسمت جنوب غربی

خوشه‌بندی پیشران‌های تأثیرگذار بر وضعیت آینده زیست‌پذیری بافت‌های فرسوده شهر بهبهان

پیشران‌های تأثیرگذار: این دسته از پیشران‌ها بیانگر کلیدی‌ترین پیشران‌های دارای اهمیت راهبردی در کیفیت زیست‌پذیری بافت‌های فرسوده شهر بهبهان هستند. این پیشران‌ها شامل سازگاری ابعاد معابر بافت و تراکم طبقات و ایجاد تسهیلات مالی برای ساکنان بافت هستند (جدول ۶). پیشران‌های یادشده بیشترین تأثیرگذاری و کمترین تأثیرپذیری را دارند و به عنوان بحرانی‌ترین پیشران‌ها، وضعیت کلان و تغییرات سیستم به عملکرد آن‌ها وابسته است. پیشران‌های تأثیرگذار ورودی سیستم محسوب می‌شوند و توسط سیستم قابل کنترل نیستند؛ زیرا خارج از سیستم قرار دارند و به صورت پیشران‌های ثابت عمل می‌کنند.

پیشران‌های دوگانه: این پیشران‌ها هم‌زمان به صورت تأثیرپذیر و تأثیرگذار عمل می‌کنند. در مجموع ۱۶ پیشران تأثیرگذار بر وضعیت آینده زیست‌پذیری بافت‌های فرسوده شهر بهبهان، جزء پیشران‌های دوگانه هستند که هم اثرگذار و هم اثرپذیر هستند. آن‌ها طبق جدول ۶ شامل میزان تمایل ساکنان به سکونت در بافت فرسوده، میزان رضایت ساکنان از امکانات و تسهیلات بافت فرسوده، تمایل ساکنان به سرمایه‌گذاری در بافت فرسوده، میزان صرفه و ارزش اقتصادی بافت فرسوده، میزان دسترسی به خدمات عمومی و زیرساخت‌های شهری، فرصت درآمدزایی در بافت فرسوده، تمایل بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در بافت فرسوده، میزان ارزش اقتصادی زمین و مسکن در بافت فرسوده، کیفیت معابر و پیاده‌روها داخل بافت فرسوده، کیفیت مطلوب سیما و منظر شهر در محدوده بافت، میزان مناسب بودن وضعیت مبلمان شهری، میزان احساس راحتی در بافت‌های فرسوده، ارائه خدمات مناسب حمل‌ونقل برای شهروندان، میزان سرمایه‌گذاری در بافت و دسترسی عمومی به فضای سبز است. هرگونه تغییر و تحول این پیشران‌ها می‌تواند پایداری سیستم را تحت‌الشعاع قرار دهد. این نیروها خود به دو دسته پیشران‌های ریسک و پیشران‌های هدف به شرح زیر تقسیم می‌شوند:

۱- پیشران‌های ریسک: پیشران‌های ریسک ظرفیت بسیار بالایی برای تبدیل

قرار دارند. آن‌ها می‌توانند به صورت پی‌درپی به عنوان «اهرمی ثانویه»، «اهداف ضعیف» و «پیشران‌های ریسک ثانویه» عمل کنند. پیشرانی در این ناحیه قرار نگرفته است.

نمودار و بالای خط قطری قرار دارند و می‌توانند به عنوان نقاطی جهت سنجش و به عنوان معیار، به کار روند. پیشرانی در این ناحیه قرار نگرفته است.

- پیشران‌های «تنظیم‌کننده»: این پیشران‌ها در نزدیکی مرکز ثقل نمودار

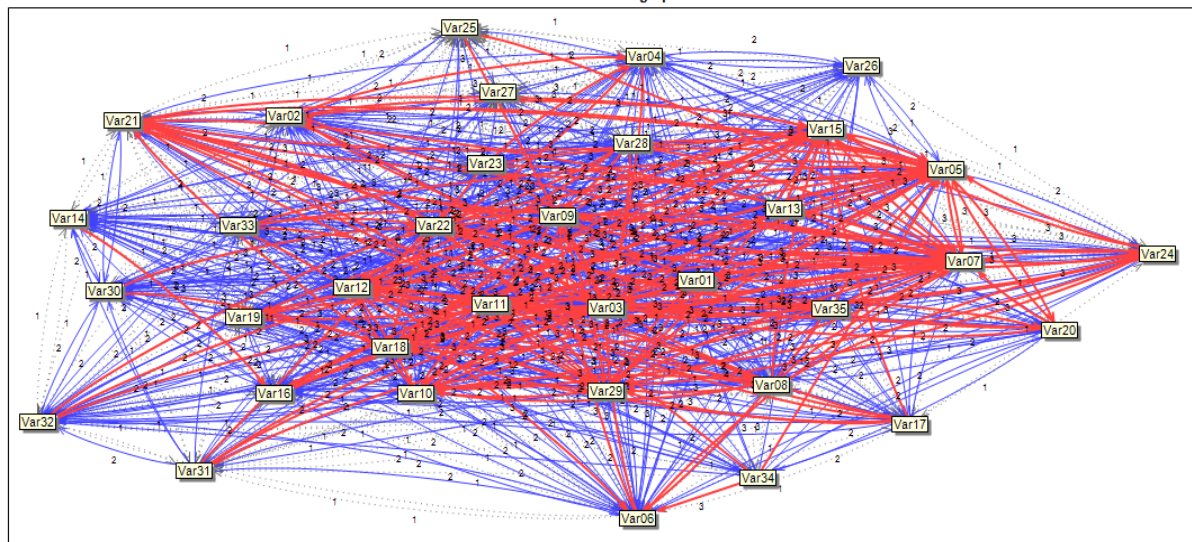
جدول ۵. خوشه‌بندی پیشران‌های تأثیرگذار بر وضعیت آینده زیست‌پذیری بافت‌های فرسوده شهر بهبهان

نوع پیشران	پیشران‌ها
تأثیرگذار	سازگاری ابعاد معابر بافت و تراکم طبقات و ایجاد تسهیلات مالی برای ساکنان بافت
دوگانه	میزان تمایل ساکنان به سکونت در بافت فرسوده، میزان رضایت ساکنان از امکانات و تسهیلات بافت فرسوده، تمایل ساکنان به سرمایه‌گذاری در بافت فرسوده، میزان صرفه و ارزش اقتصادی بافت فرسوده، میزان دسترسی به خدمات عمومی و زیرساخت‌های شهری، فرصت درآمدزایی در بافت فرسوده، تمایل بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در بافت فرسوده، میزان ارزش اقتصادی زمین و مسکن در بافت فرسوده، کیفیت معابر و پیاده‌روها در داخل بافت فرسوده، کیفیت مطلوب سیما و منظر شهر در محدوده بافت، میزان مناسب بودن وضعیت میلمان شهری، میزان احساس راحتی در بافت‌های فرسوده، ارائه خدمات مناسب حمل‌ونقل برای شهروندان، میزان سرمایه‌گذاری در بافت و دسترسی عمومی به فضای سبز
تأثیرپذیر	مشارکت مردمی، هویت محله‌ای، تقویت نهادهای اجتماعی محله‌ای، ایجاد فضاهای جمعی، ایمنی و امنیت، ارتقای موقعیت و ارزش اقتصادی زمین، تقویت میلمان شهری، ایجاد فضای سبز و بسترسازی جهت ورود بخش خصوصی
مستقل	میزان امنیت اجتماعی، میزان فشرده‌گی و ریزدانه‌گی ساختمان‌ها در بافت، میزان برخورداری بافت از سیستم دفع بهداشتی و فاضلاب مناسب، صدور مجوز ساخت‌وساز، مشارکت در تصمیمات شورای شهر و شهرداری، حضور مدیریت شهری در محله‌ها، کیفیت جمع‌آوری زباله و دفع آن، آرامش و نبود آلودگی صنعتی و کیفیت جمع‌آوری آب‌های سطحی
ریسک	فرصت درآمدزایی در بافت فرسوده و کیفیت مطلوب سیما و منظر شهر در محدوده بافت

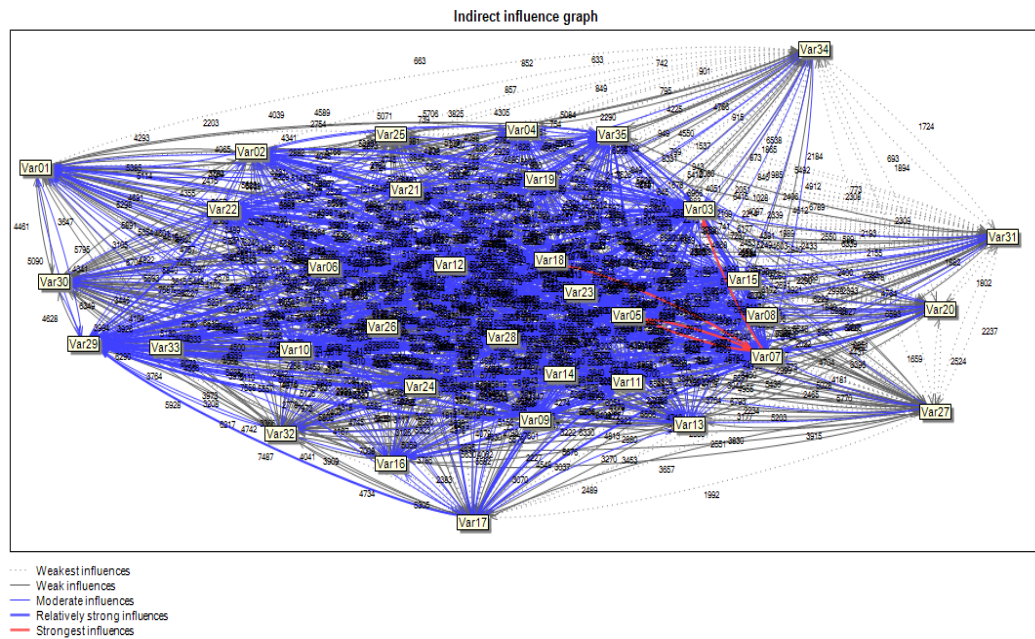
ضعیف‌ترین تأثیر، تأثیرات ضعیف، تأثیرات میانه، تأثیرات قوی و قوی‌ترین تأثیرات است.

شکل‌های ۵ و ۶ نمایش گرافیکی پیشران‌های بازآفرینی را نشان می‌دهد. در این شکل‌ها تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم پیشران‌ها بر سایر پیشران‌های سیستم مشخص شده است. چگونگی تأثیرگذاری پیشران‌ها به صورت

Direct influence graph



شکل ۶. روابط مستقیم بین متغیرها (از بسیار ضعیف تا بسیار قوی)



شکل ۷. روابط غیر مستقیم بین متغیرها (از بسیار ضعیف تا بسیار قوی)

میزان دسترسی به خدمات عمومی و زیرساخت‌های شهری، تمایل بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در بافت فرسوده و دسترسی عمومی به فضای سبز جزء پیشران‌های تأثیرگذار و کلیدی برای زیست‌پذیری این بافت‌ها دارند. این نیروها از نظر عملکرد سیستمی نقش تأثیرگذاری بالا و تأثیرپذیری اندک را در محیط سیستم با هدف ارتقای کیفیت محیط زیست شهری ایفا می‌کند و در نتیجه مؤثرترین و کلیدی‌ترین پیشران‌ها محسوب می‌شود (جدول ۷).

پیشران‌های کلیدی تأثیرگذار بر وضعیت آینده زیست‌پذیری بافت‌های فرسوده شهر بهبهان

از میان ۳۵ نیروی پیشران، ۸ پیشران در تأثیرگذار بر وضعیت آینده زیست‌پذیری بافت‌های فرسوده شهر بهبهان اثر کلیدی بیشتری دارند. تمایل ساکنان به سرمایه‌گذاری در بافت فرسوده، میزان رضایت ساکنان از امکانات و تسهیلات بافت فرسوده، فرصت درآمدزایی در بافت فرسوده، کیفیت مطلوب سیما و منظر شهر در محدوده بافت، میزان تمایل ساکنان به سکونت در بافت فرسوده،

جدول ۶. پیشران‌های کلیدی تأثیرگذار بر وضعیت آینده زیست‌پذیری بافت‌های فرسوده شهر بهبهان و تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم

پیشران‌های کلیدی (مستقیم و غیرمستقیم)					رتبه
تأثیرپذیری غیرمستقیم	تأثیرگذاری غیرمستقیم	تأثیرپذیری مستقیم	تأثیرگذاری مستقیم	پیشران	
۴۵۵	۳۶۷	۴۶۹	۳۷۴	تمایل ساکنان به سرمایه‌گذاری در بافت فرسوده	۱
۴۲۸	۳۴۳	۴۴۸	۳۴۸	میزان رضایت ساکنان از امکانات و تسهیلات بافت فرسوده	۲
۳۷۹	۳۳۳	۳۷۹	۳۳۷	فرصت درآمدزایی در بافت فرسوده	۳
۳۶۲	۳۳۵	۳۶۹	۳۳۷	کیفیت مطلوب سیما و منظر شهر در محدوده بافت	۴
۴۳۶	۳۲۶	۴۵۸	۳۳۲	میزان تمایل ساکنان به سکونت در بافت فرسوده	۵
۳۰۱	۳۲۶	۳۱۱	۳۳۲	میزان دسترسی به خدمات عمومی و زیرساخت‌های شهری	۶
۴۱۱	۳۲۴	۴۲۱	۳۲۷	تمایل بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در بافت فرسوده	۷
۳۱۹	۳۱۷	۳۲۱	۳۱۶	دسترسی عمومی به فضای سبز	۸

در ادامه برای رتبه‌بندی مشکلات موجود بافت‌های فرسوده شهر بهبهان از روش تحلیل چندمعیاره SAW استفاده شده است که ساختار این مدل به شرح زیر است.

– مراحل تکنیک SAW

۱- کمی کردن ماتریس تصمیم‌گیری؛

۲- بی‌مقیاس‌سازی خطی مقادیر ماتریس تصمیم‌گیری؛

۳- محاسبه اوزان شاخص‌ها؛

۴- محاسبه مقدار عدم اطمینان؛

لیکرت بوده است و از ۵ طیف (۵= کاملاً مناسب =۴ مناسب =۳ نسبتاً مناسب =۲ نامناسب =۱ کاملاً نامناسب) استفاده شده است. در نهایت از داده‌های حاصل از این پرسشنامه‌ها میانگین گرفته شده و به عنوان ماتریس اولیه مدل SAW در نظر گرفته شده‌اند.

۵- محاسبه اوزان شاخص‌ها Wj؛
۶- در این مرحله ماتریس بی‌مقیاس شده را در اوزان شاخص‌ها ضرب می‌کنیم. در مرحله بعد برای تعیین اهمیت و امتیاز اولیه این معیارها، پرسشنامه‌ای طراحی و در میان ۲۰ نفر از کارشناسان و متخصصان امور بافت فرسوده شهر توزیع شده است. مبنای امتیازدهی به این معیارها براساس طیف پنج‌گزینه‌ای

جدول ۷. شاخص‌ها و معیارهای رتبه‌بندی مشکلات بافت فرسوده شهر بهبهان براساس مدل SAW

شاخص	معیارها
کالبدی	کمبود سرانه‌های مورد نیاز و عدم تطابق آن‌ها با وضع موجود
	نبود تأسیسات زیربنایی مناسب
	کمبود و ناکارآمدی خدمات شهری
	کمبود امکانات گذران اوقات فراغت
	عدم تناسب ابعاد، فرم و شکل
	عدم همخوانی کاربری‌های همجوار و موجود بافت
حرکتی	وجود معابر ناکارآمد
زیست‌محیطی	وجود مخاطرات محیطی
اقتصادی	وضعیت نامطلوب اشتغال و درآمد
	ضعف همکاری نهادها و مؤسسات اقتصادی
اجتماعی	عدم مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها
	نبود امنیت اجتماعی

بررسی و رتبه‌بندی دلایل فرسودگی موجود بافت فرسوده شهر بهبهان (از) است: حادثترین مشکل به پایین) طبق مدل SAW مطابق جدول ۸ به صورت زیر

جدول ۸. رتبه‌بندی دلایل فرسودگی موجود بافت فرسوده شهر بهبهان براساس مدل SAW

رتبه	درصد	شاخص
۱	۰/۷۳۴	کمبود و ناکارآمدی خدمات شهری
۲	۰/۶۹۹	نبود تأسیسات زیربنایی مناسب
۳	۰/۲۸۶	نبود امکانات گذران اوقات فراغت
۴	۰/۱۳۷	عدم دسترسی‌های مناسب
۵	۰/۱۰۶	مشکلات زیست‌محیطی
۶	۰/۰۹۴	کمبود سرانه مورد نیاز کاربری‌ها
۷	۰/۰۷۴	معضلات عملکردی
۸	۰/۰۶۵	ضعف همکاری نهادها و مدیریت نامناسب
۹	۰/۰۳۴	نبود امنیت اجتماعی

■ بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف شناسایی پیشران‌های تأثیرگذار بر وضعیت آینده زیست‌پذیری بافت‌های فرسوده شهر بهبهان و مشکلات موجود آن انجام شده است. یافته‌های این پژوهش نشان داد الگوی کلی پراکندگی پیشران‌های بافت فرسوده شهر بهبهان از نظر تحلیل اثرات متقابل، در مجموع بیانگر

۱- کمبود و ناکارآمدی خدمات شهری؛ ۲- نبود تأسیسات زیربنایی مناسب؛ ۳- نبود امکانات گذران اوقات فراغت؛ ۴- عدم دسترسی‌های مناسب (وجود معابر ناکارآمد)؛ ۵- مشکلات زیست‌محیطی؛ ۶- کمبود سرانه مورد نیاز کاربری‌ها؛ ۷- معضلات عملکردی؛ ۸- ضعف همکاری نهادها و مدیریت نامناسب؛ ۹- نبود امنیت اجتماعی.

وضعیت یک سیستم محیطی ناپایدار است که در آن پیشران‌های مورد مطالعه از نظر اثرگذاری و اثرپذیری، حالت پیچیده و بینابین دارد. وضعیت خوشه‌بندی گویای تمرکز خوشه‌ای در ناحیه پیشران‌های تأثیرپذیر است. از میان ۳۵ نیروی پیشران، ۸ پیشران در تأثیرگذار بر وضعیت آینده زیست‌پذیری بافت‌های فرسوده شهر به‌بهان اثر کلیدی دارد. تمایل ساکنان به سرمایه‌گذاری در بافت فرسوده، میزان رضایت ساکنان از امکانات و تسهیلات بافت فرسوده، فرصت درآمدزایی در بافت فرسوده، کیفیت مطلوب سیمای و منظر شهر در محدوده بافت، میزان تمایل ساکنان به سکونت در بافت فرسوده، میزان دسترسی به خدمات عمومی و زیرساخت‌های شهری، تمایل بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در بافت فرسوده و دسترسی عمومی به فضای سبز جزء پیشران‌های کلیدی تأثیرگذار بر آینده زیست‌پذیری بافت‌های فرسوده شهر به‌بهان هستند. این نیروها از نظر عملکرد سیستمی نقش تأثیرگذاری بالا و تأثیرپذیری اندک را در محیط سیستم با هدف ارتقای کیفیت زیست‌پذیری بافت‌های فرسوده شهر به‌بهان ایفا می‌کند و در نتیجه، مؤثرترین و کلیدی‌ترین پیشران‌ها محسوب می‌شود. تحلیل این پیشران‌ها نشان می‌دهد تمایل ساکنان به سرمایه‌گذاری در بافت فرسوده، رضایت ساکنان از امکانات و تسهیلات بافت، فرصت درآمدزایی در بافت، کیفیت سیمای و منظر شهر، تمایل ساکنان به سکونت در بافت فرسوده، دسترسی به خدمات عمومی و زیرساخت‌های شهری، تمایل بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در بافت فرسوده، و دسترسی عمومی به فضای سبز، همگی بر آینده زیست‌پذیری بافت‌های فرسوده شهر به‌بهان تأثیرگذار هستند. بنابراین زیرشاخص کالبدی سهم بیشتری در تأثیرگذاری بر میزان زیست‌پذیری بافت فرسوده شهر به‌بهان دارد. همچنین مشکلات بافت فرسوده شهر به‌بهان از حادترین مشکل به‌ترتیب شامل: ۱- کمبود و ناکارآمدی خدمات شهری؛ ۲- نبود تأسیسات زیربنایی مناسب؛ ۳- نبود امکانات گذران اوقات فراغت؛ ۴- عدم دسترسی‌های مناسب (وجود معیار ناکارآمد)؛ ۵- مشکلات زیست‌محیطی؛ ۶- کمبود سرانه مورد نیاز کاربری‌ها؛ ۷- معضلات عملکردی؛ ۸- ضعف همکاری نهادها و مدیریت نامناسب؛ ۹- نبود امنیت اجتماعی است. که این مشکلات باید در آینده مرتفع شوند. بنابراین با توجه به این تحلیل‌ها، لازم است برای بهبود زیست‌پذیری بافت‌های فرسوده شهر به‌بهان اقداماتی انجام شود. بهبود امکانات و تسهیلات بافت، ایجاد فرصت‌های درآمدزایی در بافت، بهسازی سیمای و منظر شهر، ایجاد شرایط مساعد برای سکونت در بافت فرسوده، بهبود دسترسی به خدمات عمومی و زیرساخت‌های شهری، جذب سرمایه‌گذاری از بخش خصوصی در بافت فرسوده، و ایجاد فضاهای سبز عمومی، از جمله اقداماتی هستند که می‌تواند بهبود و زیست‌پذیری بافت‌های فرسوده شهر را تقویت کند.

نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش در تطابق با نتایج پژوهش‌های لان و همکاران [۲۲]، لودا و همکاران [۲۴]، و مافی و همکاران [۲۷]، نشان‌دهنده اهمیت زیست‌پذیری بافت‌های فرسوده شهرها است. بنابراین این ایده به دنبال حل مشکلات فرسودگی شهری از طریق بهسازی مناطق محروم و در حال اضمحلال و زیست‌پذیر کردن این بافت به عنوان بخشی از شهرها است. علاوه بر این، نتایج این پژوهش هم‌راستا با تحقیقات تردست و همکاران [۳۰] و حکمت‌نیا و همکاران [۲۶] است که نشان می‌دهد بافت‌های فرسوده موضوعی پیچیده و چندبعدی است، لذا باید هرگونه مسئله و موضوع مرتبط با زیست‌پذیر کردن این بافت‌ها به صورت چندبعدی و ترکیبی از عوامل مختلف مورد سنجش و ارزیابی قرار گیرد و در این پژوهش‌ها بعد کالبدی و اقتصادی

به عنوان مهم‌ترین پارامترهای تأثیرگذار بر زیست‌پذیری این بافت‌های فرسوده مورد توجه قرار گیرند.

راهکارهای ارتقای زیست‌پذیری بافت‌های فرسوده شهر به‌بهان با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش عبارت‌اند از:

۱. تمایل ساکنان به سرمایه‌گذاری در بافت فرسوده: اگر ساکنان تمایلی به سرمایه‌گذاری در این بافت نداشته باشند، میزان سرمایه‌گذاری و بهبود زیرساخت‌ها و خدمات عمومی کاهش خواهد یافت.
۲. میزان رضایت ساکنان از امکانات و تسهیلات بافت فرسوده: اگر ساکنان یا امکانات و تسهیلات موجود در بافت فرسوده رضایت نداشته باشند، احتمالاً بافت پایداری و بهبود نخواهد یافت.
۳. فرصت درآمدزایی در بافت فرسوده: ایجاد فرصت‌های درآمدزایی و اشتغال در بافت فرسوده، می‌تواند به رونق اقتصادی و بهبود شرایط زندگی ساکنان کمک کند و در نتیجه آینده زیست‌پذیری بافت‌ها را تحت تأثیر قرار دهد.
۴. کیفیت مطلوب سیمای و منظر شهر در محدوده بافت: بهبود کیفیت سیمای و منظر شهر در بافت فرسوده، می‌تواند سبب ایجاد فضای شهری زیبا و مطلوب شود و در نتیجه، تمایل ساکنان به سکونت در این بافت را افزایش دهد.
۵. میزان دسترسی به خدمات عمومی و زیرساخت‌های شهری: دسترسی آسان به خدمات عمومی و زیرساخت‌های شهری مهم است و می‌تواند تمایل ساکنان به باقی ماندن در بافت فرسوده را تقویت کند.
۶. تمایل بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در بافت فرسوده: سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در بافت فرسوده می‌تواند منجر به بهبود شرایط و توسعه آن شود.
۷. دسترسی عمومی به فضای سبز: وجود فضای سبز عمومی و دسترسی به آن برای ساکنان، اهمیت زیادی در جذب مردم به بافت فرسوده و بهبود زیست‌پذیری آن دارد.
۸. آگاهی و آموزش: آموزش برای افراد جامعه درباره اهمیت زیست‌پذیری بافت‌های فرسوده و روش‌های مورد نیاز برای دفع صحیح و بازیافت آن‌ها می‌تواند به ارتقای زیست‌پذیری کمک کند.

مشارکت نویسندگان

نویسنده اول (پژوهشگر اصلی ۵۰ درصد)، نویسنده دوم (۵۰ درصد).

تشکر و قدردانی

پژوهش حاضر حامی مالی نداشته و حاصل فعالیت علمی نویسندگان است.

تعارض منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تعارض منافی ندارند.

- [1] UN-Habitat. Urbanization and development: emerging futures, 2016. <https://www.urbanagendaplatform.org/node/921>
- [2] Bandarabad A. Livability city's from basics to meanings , Azaraksh Publications, First Edition, Tehran, 2011. <https://www.gisoom.com/book/1781287/>
- [3] Hossein Abadi M. Taqwai A. Evaluation of financing methods in renovation projects of worn-out urban tissues; Case example: Hamza Abad neighborhood located in District 20 of Tehran. Journal of urban management. Spring and Summer 2011, No. 29, pp. 236-245. [In Persian]. <https://www.sid.ir/paper/92236/fa>
- [4] Shamai A. and Pourahmad A. An analysis of urban improvement and renovation policies and plans in the country's development plans. Geographical research. 2013. 36(49). 179-202. [In Persian]. <https://www.sid.ir/paper/5580/fa>
- [5] Bazondi F. Shahbazi M. The role of vitality in creating the mental image of citizens and the amount of use of the urban space (case study: Sephsalar street pedestrian walkway in Tehran). Two Quarterly Journals of Manzar Shahr 2017. Year 1, Number 1, 34-43. [In Persian]. <http://ensani.ir/file/download/article/20140830123032-9962-4>.
- [6] Shamai A. and Bigdley L. Dimensions of livability in the 17th district of Tehran. Geography (Quarterly journal of the Iranian Geographical Society). 2015. 171-191, (50) 14. [In Persian]. <https://www.sid.ir/paper/150168/fa>
- [7] Isa Lou A. The idea of livability, a new approach to improve the quality of life in rural communities (case study: Qom city). Environmental and rural housing magazine. 2013. No. 146. pp. 120-107. [In Persian]. <https://www.sid.ir/paper/186016/fa>
- [8] Hajipour N. Comparative analysis of selected indicators of urban livability in Ahvaz metropolis (case study: Golestan neighborhoods. Kianpars, Sepidar. Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. 2016. [In Persian]. https://jgrd.um.ac.ir/article_39961.html
- [9] Wang H. Song Y. Hamilton A. & Curwell S. Urban information integration for advanced e-Planning in Europe. Government Information Quarterly. 2007. https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-3-642-39649-6_2
- [10] Teng Chey K. "The CLC framework for livable and sustainable cities", Urban Solutions. 2012. 1: 60-74. <https://plantaproject.com/>
- [11] Habibi, d. Investigating factors affecting the decline of the sense of vitality and livability in historical and dilapidated contexts (Case study: Seng Siah neighborhood of Shiraz). Iranian Islamic City Studies, 1392. -(14), 75-80. <https://www.sid.ir/paper/177391/>
- [12] Hataminejad, H, Rezvani, M., Khosravi Kurdestani, F. Measuring the livability of the two cities of Sanandaj. Journal of Spatial Analysis of Environmental Hazards. 2013, 23-37. <https://www.magiran.com/paper/1572306/>
- [13] Stein, E. CommunitYand Quality of Life", Washington: National Academy Press, 2020. https://urdp.atu.ac.ir/article_11559.html
- [14] Khorasani M., Rizvani M., Matiei Langroudi S., Rafiyan M. Measuring and evaluating the livability of villages around the city, case study: Varamin city, Rural Research, 2013, No. 4, pp. 79-104. <http://ensani.ir/fa/article/346526/>
- [15] Abbas Zadegan, M. Improving the quality of urban spaces in the process of improving and renovating dilapidated structures, a case study, Sabon Khaneh neighborhood of Tehran, the first conference on refurbishing and renovating dilapidated structures, 2017. pp. 23-35. <http://geographical-space.iau-ahar.ac.ir/article-1-1419>
- [16] Heydari, T., Shamai, A., Sasan-Pour, F., Soleimani, M. and Ahaddan-jad, M. Analyzing the viability of dilapidated urban tissues) research case: dilapidated tissue of the central part of Zanjan city) doctoral dissertation in the field of geography and urban planning, Faculty of Geographical Sciences, Kharazmi University, Human Geography Research - 2015 - Volume: 48 - Number: 4 - Page :799-783. <http://geographical-space.iau-ahar.ac.ir/article-1-1419-fa.html>
- [17] Pandey, R. "Understanding qualitative conceptions of livability: An Indian Perspective", International Journal of Research in Engineering and Technology, 2013. 14: 2319-1163. <https://www.researchgate.net/publication/299411010>
- [18] Khazainejad, F. Analysis of livability in the central part of Tehran city, neighborhoods of the region, doctoral thesis of geography and urban planning, Faculty of Geographical Sciences, Khwarazmi University, 2015. pp. 70-45. https://www.jgeogeshm.ir/article_81270.html
- [19] Salzano, E. seven aims for the livable city international making cities livable conferences, California, USA: Gondolier press, 1997. https://jm.um.ac.ir/article_25790.html
- [20] Khorasani, M., Rizvani, M., Matiei Langroudi, S., and Rafiyan, M. Measuring and evaluating the livability of villages around the city (case study: Varamin city). Rural Research, 2013. 3(4 (consecutive 12)), 79-104. <https://www.sid.ir/paper/401931/fa>
- [21] Liang L. Deng X. Wang P. Wang Z. & Wang L. Assessment of the impact of climate change on cities livability in China. Science of the Total Environment. 2020. 726. <http://ensani.ir/fa/article/454997/>
- [22] Hargreaves, A. J., Farmani, R., Ward, S., & Butler, D. (2019). Modelling the future impacts of urban spatial planning on the viability of alternative water supply. journal Water Research, 162, 200-213. <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0043135419305408>
- [23] Zhan, D., Kwan, M. P., Zhang, W., Fan, J., Yu, J., & Dang, Y. (2018). Assessment and determinants of satisfaction with urban livability in China. Cities, 79, 92–101. <http://www.sssampling.cn/download/2018Zhan%20DS-Cities.pdf>
- [24] Janjevic, M., & Ndiaye, A. (2017). Investigating the financial viability of urban consolidation centre projects. journal Research in Transportation Business & Management, 24, 101-113. <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S2210539516301018>
- [25] Hikmatnia H, Mousavi M, Sobhani N, Salmanzadeh S. Analysis and evaluation of livability in worn-out urban tissues (case study: Shahin Dej). Human settlement planning studies (geographic perspective). 1401;17(1 (serial 58)):33-47. <https://www.sid.ir/paper/1030767/fa>
- [26] Thaqbi M, Mafi A, and Watanparast M. Evaluation and measurement of urban livability and factors affecting it (the case study of Bojnord city, applied research of geographic sciences (geographical sciences). 1401, vol. 22, no. 67, pp. 335-350. <https://jgs.khu.ac.ir/article-1-3897-fa.html>
- [27] Hajipour, N., Amanpour, S., Shujayan, A. Measuring and evaluating the components of urban livability with the approach of environmental indicators based on MCDM techniques, case study: three neighborhoods of Ahvaz metropolis. Scientific Quarterly Journal of Urban Ecology Research, 1401; 13 (No. 3 (Serial 28)): 45-60. https://grup.journals.pnu.ac.ir/article_9437.html
- [28] Piri, F., Maleki, S., Abedi, Z. Identifying factors affecting urban livability with the ISM structural-interpretive modeling approach (case example: Ilam city). Regional Geography and Development, 1400; 19(1): 53-87. https://jgrd.um.ac.ir/article_39961.html
- [29] Tardest Z, Nik Sarasht M, Meshkini A. Explanation of spatial organization pattern of urban livability (case example: Ilam city). Studies of urban structure and function, 2018; 6(20): 105-125. <https://www.sid.ir/paper/381558/fa>

due to the crowding of street vendors, and the passage of people through the narrow corridors created by the vendors' stalls becomes hard. The intensity of the crowding and human traffic on the sidewalks causes people distress, which is considered a dangerous action. Therefore, the purpose of this research is to get acquainted with a variety of approaches for organizing hawkers in the field of urban landscape in different countries such as Turkey, India, Bangladesh, Thailand, and Malaysia and to benefit from their experiences and solutions adopted in dealing with this issue.

Materials and Methods

The research method in this study combines descriptive and interpretive methods, aiming to examine various experiences, compare perspectives, and explore the approaches to the issue of street vending and peddling within the urban landscape. The data was collected through library research, with the tools for gathering data related to practical experiences, existing documents, and records. Eleven case studies of street vendor management experiences in different countries were examined.

Findings

Street vending is essential to reducing poverty and the financial burden of costly implementation policies related to relocating and organizing street vendors in urban spaces. This contributes significantly to achieving inclusive urban governance. Structural changes in national economies, the rise of temporary employment, and unemployment have led to an increase in the street vendor population. This necessitates a shift in urban studies towards government and city policies regarding street vending. The need to consider various solutions such as formalizing street vendors and their workspaces is crucial due to criticism of the detrimental impacts of current policies. Examining recent policies reveals an analytical framework for the formalization of street vending. By studying 11 international examples, a broader perspective on this phenomenon can be gained. Among the successful countries in street vendor organization are Turkey, India, and Singapore. The analysis of successful cases underscores that the participation and support of the street vendors themselves is not just a key factor, but an empowering force. The relocation of street vendors, through the collaboration and participation of vendors and authorities, has resulted in building trust between the parties and granting social recognition to the vendors. Some of the positive points are granting concessions such as issuing business licenses, granting loans and training programs to peddlers, determining a suitable location for the bazaar, marking them in the city, and advertising the bazaar on social media. However, harassment of vendors, confiscation of their goods, bribery, corruption in municipal

management, and lack of continuity in implementing such schemes have been weaknesses in organized vending programs.

Conclusion

Street vending negatively and positively impacts the urban system across different economic, social, cultural, and political domains. Examples of these opportunities are creating temporary employment for unemployed members of society and reducing social deviations. However, the most critical issue that many cities face in this regard is the problem of the presence of street vendors on the sidewalks of city centers, which functionally leads to the formation of small-scale distribution activities, the creation of a diversity of items and their attractiveness to people, etc. Physically, it causes pedestrian and vehicular traffic, the destruction of landmark architecture, and the degradation of the urban fabric. Semantically, it results in the loss of sensory experience in rich spaces due to the fading of various activities replaced by false occupations. Regarding street vending, the approaches can be conciliatory or coercive. The points that street vending has created in the urban landscape and the typical examples studied can be discussed in three categories: functional, physical, and semantic. The stagnation of the formal sectors despite the desirable spatial quality due to inflation and financial crisis provides the opportunity to create diverse activities for different population groups and new uses to sustain street vending. This diversity is critical to the functional dimension, including transporting goods by cart within the city, changes in spatial-mobility relationships, and reduced effective road widths and population density. In the physical dimension, it leads to the loss of sensory experience in rich spaces due to the fading of various activities replaced by false occupations, strengthening and increasing social interactions, and threatening the authenticity of the historical urban fabric. The semantic dimension leads to the loss of sensory experience in rich spaces due to the fading of various activities replaced by false occupations.

Regarding the solutions in functional components, one can refer to items such as universal functional design, providing access for different groups, attention to providing the necessary facilities, attention to the scale and size of activities, and so on. In the area of physical components, solutions can include sequencing of sidewalks and pedestrian areas to allow the simultaneous presence of street vendors, vehicles, and pedestrians, creating temporary zones for street vending, inclusive spatial design, aligning the type of fabric with the level of street vendor supply, preparing an urban trade map, attention to the scale and size of sales spaces, and so on. Solutions in semantic components can include understanding the linkages (logistics, customers, role in the urban retail hierarchy).

COPYRIGHTS

©2022 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.



HOW TO CITE THIS ARTICLE

Rezaei N. Najjari Nabi N. N. A Review on the International Experiences of Organizing Peddlers with an Emphasis on the Role of Peddlers in the Urban Landscape. Urban Economics and Planning Vol 5(1):154-170. [In Persian]

DOI: 10.22034/UEP.2024.451998.1476



A Review on the International Experiences of Organizing Peddlers with an Emphasis on the Role of Peddlers in the Urban Landscape

Review Article

Nahideh Rezaei¹, Rana Najjari Nabi^{2*}

1- Assistant Professor in Architecture department, Faculty of Architecture and Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran

2- Ph.D of Architecture, Department of Architectural Engineering & Urban Design, Shahid Rajaee Teacher Training University, Tehran, Iran

ARTICLE INFO

Article History

Received: 2024-04-11

Revised: 2024-06-22

Accepted: 2024-06-23

Keywords

International Experiences

Organizing Peddlers

Peddling

Urban Landscape

ABSTRACT

Introduction

Informal businesses in the urban fabric of Iranian cities, such as street vending and widespread peddling, have undeniably caused detrimental effects on the urban landscape of these cities. Disorder, lack of coordination, and physical and visual disturbances significantly impact these issues. Consequently, organizing informal businesses at the city level has become a significant concern for urban officials and managers. Iran is no exception to this rule. Economic recession, oil-based and single-product economy, inflation, an ailing banking system, and many other factors have increased this phenomenon in different cities of Iran. Street vending in urban areas is a complex and multidimensional issue that demands the collective expertise of various fields, including urban management and planning, sociology, and psychology. However, a significant aspect of this issue, particularly its impact on the urban landscape, falls within the purview of architecture and urban planning. This underscores the need for interdisciplinary collaboration in addressing this complex urban issue. Based on this assumption, it can be said that due to the lack of economic and spatial planning regarding informal jobs in the urban fabric, the urban landscape (especially in metropolises) in the country has been damaged in such a way that one of the concerns of today's urban management in Iranian cities is the establishment of urban street vendors in the urban space and its impact on the culture of the urban landscape. Today, more than ever, the onslaught of disorder in various aspects of the city's image is observed in cities, especially metropolises. Now, the urban image has less order, and the apparent difference in forms, consumable materials, roughness and softness, protruding and receding, height of buildings, as well as the chaos resulting from the overlap of functions due to the existence of street vending, especially in the central and traditional spaces of cities, form an unharmonious and unbalanced appearance and image. Street vending is a phenomenon that has created the conditions for an increase in informal employment in the central city area. This is due to the offer of goods at relatively low prices, which has been met with public enthusiasm for purchasing inexpensive goods. In addressing this urban-social problem, there are four general approaches in chronological order: the anti-vending approach, the permissive approach, the vending-compatible approach, and the inclusive approach. Regarding the relationship between streetscape and street vending, it can be stated that street selling has a long history in the history of countries and major cities around the world; in many countries (such as China, Egypt, and Arab countries) in the past, vendors added a remarkable liveliness and vibrancy to the streetscape and shaped economic-service activities within it. However, today, with the definition of the structure of urban public spaces, the illegality of street vendors on streets and sidewalks due to the excessive use of urban public spaces has become tangible. In some cities, vendors establish large stalls in public gatherings within the urban fabric. Passersby are disturbed on the sidewalks and passages

* Corresponding author: ra.nabi2016@sru.ac.ir

مروری بر تجربیات بین‌المللی ساماندهی دست‌فروشان با تأکید بر نقش دست‌فروشی در منظر شهری

مقاله مروری

ناهیده رضائی^۱؛ رعنا نجاری نابی^{۲*}

۱- استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران
 ۲- دکتری معماری، دانشکده مهندسی معماری و طراحی شهری، دانشگاه شهید رجایی، تهران، ایران

چکیده

مقدمه

مشاغل غیررسمی در بافت شهرهای ایران از جمله دست‌فروشی و بساط‌گستری، آسیب‌های انکارناپذیری بر منظر شهری این شهرها وارد کرده است. بی‌نظمی، ناهماهنگی، اغتشاش فیزیکی و بصری از جمله چنین آسیب‌هایی است. بر این اساس، ساماندهی مشاغل غیررسمی در سطح شهر به دغدغه‌ای مهم برای مسئولان و مدیران شهری تبدیل شده است. کشور ایران هم از این قاعده مستثنا نیست. رکود اقتصادی، اقتصاد نفتی و تک‌محصولی، تورم، نظام بانکی بیمار و عوامل بسیار دیگر باعث افزایش پدیده در شهرهای مختلف ایران شده است.

بدیهی است پدیده دست‌فروشی در بافت شهرها، مسئله‌ای پیچیده و چندبعدی است و بر همین اساس ساماندهی آن نیازمند مداخله کارشناسان، پژوهشگران و عوامل اجرایی از رشته‌های متنوعی همچون مدیریت و برنامه‌ریزی شهری، جامعه‌شناسی، روانشناسی و... است. اما بخشی از این مسئله که به تأثیرات دست‌فروشی و بساط‌گستری بر منظر شهری مرتبط می‌شود، در حیطه رشته‌هایی همچون معماری و شهرسازی قرار می‌گیرد. با تکیه بر این پیش‌فرض می‌توان گفت که به دلیل عدم برنامه‌ریزی اقتصادی و فضایی در خصوص مشاغل غیر رسمی در بافت شهرها، منظر شهرها (به‌خصوص کلان‌شهرها) در کشور دچار آسیب شده‌اند؛ به گونه‌ای که یکی از دغدغه‌های امروز مدیریت شهری شهرهای ایران، استقرار دست‌فروشان شهری در فضای شهری و چگونگی تأثیر آن بر فرهنگ منظر شهری است. امروزه بیش از هر زمان دیگر، در شهرها و به‌خصوص کلان‌شهرها، هجوم آشفتگی در جنبه‌های گوناگون سیمای شهر مشاهده می‌شود. اکنون سیمای شهری نظم کمتری داشته و تفاوت آشکار در اشکال، مصالح مصرفی، زبری و نرمی، پیش‌آمدگی و پس‌رفتگی، کوتاه و بلند بودن بناها از یک سو و هرج‌ومرج ناشی از تداخل عملکردها به واسطه وجود بساط‌گستری و دست‌فروشی به‌خصوص در فضای مرکزی و سنتی شهرها، چهره و سیمای ناهمگون و ناموزونی را شکل می‌دهد.

از طرفی، دست‌فروشی پدیده‌ای است که زمینه را برای افزایش مشاغل غیر رسمی در محدوده مرکزی شهر ایجاد کرده است. این امر به علت ارائه کالاها با قیمت نسبتاً پایین، با استقبال مردم برای خرید کالاها ارزان قیمت مواجه است. در راستای ساماندهی به این معضل شهری-اجتماعی چهار رویکرد کلی وجود دارد که به ترتیب زمانی شامل رویکردهای ضد دست‌فروشی؛ روادارانه؛ سازگار با دست‌فروشی و همه‌شمول است. در خصوص ارتباط منظر با دست‌فروشی نیز می‌توان چنین بیان کرد که فروشنده‌گی در خیابان، پیشینه‌ای طولانی در تاریخچه کشورها و شهرهای بزرگ جهان دارد؛ به طوری که فروشنده‌گان در بسیاری از کشورها (مانند چین، مصر و کشورهای عربی) در گذشته، سرزندگی و نشاط خاصی را به چشم‌انداز خیابان‌ها می‌افزودند و فعالیت اقتصادی - خدماتی را در بطن خود شکل می‌دادند. اما امروزه، با تعریف ساختار فضاهای عمومی شهری؛ غیرقانونی بودن حضور دست‌فروشان در خیابان و پیاده‌راه‌ها به علت استفاده و به‌کارگیری بیش از حد فضای عمومی شهری ملموس شده است. در برخی از شهرها، فروشنده‌گان در بافت شهری بساط‌های بزرگ را در اجتماعات عمومی برقرار

اطلاعات مقاله

تاریخ‌های مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۳
 تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۴/۰۲
 تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۰۳

کلمات کلیدی

تجارب بین‌المللی
 دست‌فروشی
 ساماندهی دست‌فروشان
 منظر شهری

دست‌فروشان، توقیف اقلام فروشی آن‌ها، رشوه و فساد در مدیریت شهری و عدم تداوم در اجرای طرح‌ها، از جمله نکات ضعف در ارائه طرح‌های ساماندهی بوده است.

نتیجه‌گیری

دست‌فروشی، تأثیرات هم‌زمان منفی و مثبت را بر نظام شهری در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دارد. ایجاد اشتغال هرچند موقت برای افراد بیکار جامعه و به تبع آن، کاهش انحرافات اجتماعی نمونه‌ای از این فرصت‌هاست، اما مهم‌ترین مسئله‌ای که بسیاری از شهرها در این رابطه با آن مواجه هستند، مشکل حضور دست‌فروشان در پیاده‌روهای مراکز شهرهاست که به لحاظ عملکردی به شکل‌گیری خرده‌عملکردهای توزیعی، خلق تنوع اقلام و جذابیت آن‌ها برای مردم و...؛ به لحاظ کالبدی موجبات ترافیک پیاده، سواره، از بین بردن معماری شاخص و فرسودگی در بافت و... و به لحاظ معنایی سبب از بین رفتن تجربه حسی- در فضاهای غنی با کمرنگ شدن فعالیت‌های مختلف با جایگزینی مشاغل کاذب و... منجر می‌شود. از همین رو، در نحوه مواجهه با دست‌فروشی، برخی رویکردها، مداراگرانه و برخی قهری است. نکاتی که دست‌فروشی در منظر شهری ایجاد کرده و فصل مشترک نمونه‌های مورد مطالعه است؛ می‌تواند در سه دسته عملکردی، کالبدی و معنایی مطرح باشد. بی‌رونی بخش‌های رسمی علی‌رغم کیفیت مطلوب فضایی به علت تورم و بحران مالی، فرصت ایجاد فعالیت‌های متنوع برای گروه‌های مختلف جمعیتی و ایجاد کاربری‌های جدید برای تداوم دست‌فروشی و... در بُعد عملکردی، حمل‌ونقل کالا با گاری در داخل شهر، تغییر در ارتباطات فضایی- حرکتی به علت سد معبر در حاشیه خیابان، کاهش عرض مفید معابر و تراکم و ازدحام جمعیت، فرسودگی در ساختار معماری خیابان‌ها و... در بُعد کالبدی و از بین رفتن تجربه حسی در فضاهای غنی با کمرنگ شدن فعالیت‌های مختلف با جایگزینی مشاغل کاذب، تقویت و افزایش تعاملات اجتماعی مردم، تهدید اصالت بافت تاریخی شهر و... در بُعد معنایی مطرح است.

در خصوص راهکارها در زمینه مؤلفه‌های عملکردی می‌توان به مواردی همچون طراحی فراگیر کارکردی، تأمین دسترسی برای گروه‌های مختلف، توجه به تأمین امکانات لازم، توجه به مقیاس و اندازه فعالیت‌ها و... اشاره کرد. در زمینه مؤلفه‌های کالبدی می‌توان به راهکارهایی همچون سکانس‌بندی پیاده‌رو و پیاده‌راه‌ها برای حضور هم‌زمان دست‌فروشان، ماشین‌ها و پیاده‌ها، ایجاد مناطق موقت برای دست‌فروشی، طراحی فراگیر مکانی، انطباق نوع بافت با سطح عرضه دست‌فروشان، تهیه نقشه تجارت شهری، توجه به مقیاس و اندازه فضاهای فروش و... و در زمینه مؤلفه‌های معنایی نیز می‌توان به راهکارهایی همچون درک پیوندها (تدارکات، مشتریان، نقش در سلسله‌مراتب خرده‌فروشی شهری) اشاره داشت.

می‌کنند. رهگذران در پیاده‌روها و معابر، به علت ازدحام دست‌فروشان آزرده شده و عبور و مرور مردم از طریق راهروهای تنگ به واسطه بساط دست‌فروشان ایجاد شده دشوار می‌شود. شدت ازدحام، ترافیکی انسانی در پیاده‌روها، باعث کلافگی مردم شده که اقدام خطرناکی به شمار می‌آید. لذا هدف از این پژوهش، آشنایی با تنوعی از رویکردها برای ساماندهی دست‌فروشان در زمینه منظر شهری در کشورهای مختلف اعم از ترکیه، هند، بنگلادش، تایلند، مالزی و در جهت بهره‌مندی از تجارب و راهکارهای اتخاذی آن‌ها در نوع برخورد با این مسئله است.

مواد و روش‌ها

روش تحقیق در این پژوهش، ترکیبی از روش توصیفی و تفسیری، به دنبال بررسی تجارب مختلف، مقایسه دیدگاه‌ها، نحوه برخورد با مضمحل دست‌فروشی و بساط‌گستری در بستر منظر شهری است. گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای انجام شده و ابزارهای گردآوری داده‌های مرتبط با تجارب عملی، اسناد و مدارک موجود بوده که در کل، یازده نمونه از تجارب ساماندهی دست‌فروشان در کشورهای مختلف مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها

نقش اقتصادی دست‌فروشی در کاهش فقر، بار مالی و هزینه‌های زیاد سیاست‌های اجرایی در قالب جابه‌جایی و ساماندهی دست‌فروشان در فضای شهری، نقش مهمی در دستیابی به حکمروایی همه‌شامل شهری دارند. تغییرات ساختاری در اقتصاد کشورها، افزایش مشاغل موقت، بیکاری؛ به‌خصوص در کشورهای پرجمعیت و فقیر، منجر به افزایش جمعیت دست‌فروشان شده است. مطالعات شهری در راستای سیاست‌های دولتی و شهری در باب دست‌فروشی، عواقب سیاست‌های مرتبط با آن‌ها، لزوم توجه به راهکارهای مختلف اعم از رسمی‌سازی دست‌فروشان و محل کسب آنان را، به دلیل انتقاد از تأثیرات مخرب آن‌ها لازم و ضروری می‌کند. از این لحاظ مطالعه سیاست‌های اخیر، چارچوب تحلیلی در زمینه رسمی‌سازی دست‌فروشی را نشان می‌دهد. با بررسی یازده نمونه خارجی، می‌توان با دیدی وسیع به این پدیده نگریست. از جمله کشورهای موفق در زمینه ساماندهی به دست‌فروشی، می‌توان به ترکیه، هند و سنگاپور اشاره کرد. با تحلیل نمونه‌های موفق، مهم‌ترین عامل علاوه بر تأمین تمام تمهیدات، مشارکت دست‌فروشان و حمایت از آن‌ها است. جابه‌جایی دست‌فروشان، با همفکری و مشارکت دست‌فروشان و مسئولان، اعتماد بین طرفین، اعطای شخصیت اجتماعی به دست‌فروشان، حاصل شده است. اعطای امتیازاتی از جمله صدور جواز کسب، اعطای وام و برنامه آموزشی به دست‌فروشان، تعیین مکان مناسب برای بازارچه، نشانه‌گذاری مناسب برای آن‌ها در سطح شهر و تبلیغ بازارچه در رسانه‌های جمعی، جزء نکات مثبت و آزار و اذیت

مقدمه

در دهه‌های اخیر، پیشرفت تکنولوژی به میزانی فزاینده و چشم‌گیر بوده است که با هیچ دوره‌ای قابل مقایسه نیست. تأثیرات این رشد را در همه ابعاد زندگی انسان می‌توان مشاهده کرد. هرچه زندگی علمی‌تر و صنعتی‌تر شود، افراد به همان میزان، نیاز به تخصص‌ها و پیشه‌هایی برای رفع نیازهای معاصر خود می‌یابند. لذا، افراد متخصص باید توسط جامعه تربیت شوند، در غیر این صورت، نیروی کار جامعه به مشاغل غیر رسمی، بدون نیاز به تخصص خاص، روی می‌آورد. این مشاغل با قالبی ساده با سودآوری سریع‌تر هستند که بدون تردید، این روش تأمین معیشت و نوع شغل شهروندان در سیمای شهر، تأثیر به‌سزایی خواهد داشت. این شاغلان (با مشاغل کاذب)، بدون مجوز قانونی برای کسب‌وکار، در هر مکان و در هر گوشه‌ای از فضای شهری، به فعالیت خود می‌پردازند، بساط دست‌فروشی خود را در هر گذر پهن می‌کنند و به فعالیت خود می‌پردازند.

در جوامع امروزی، یکی از معضلات مهم موجود، مشاغل کاذب همچون دست‌فروشی است. کشور ایران هم از این قاعده مستثنا نیست. رکود اقتصادی، اقتصاد نفتی و تک‌محصولی، تورم، نظام بانکی بیمار و عوامل بسیار دیگر باعث افزایش این پدیده در شهرهای مختلف ایران شده است. روشن است که هر فعالیتی به فضایی با ویژگی‌های خاص یا قرارگاه رفتاری مناسب نیاز دارد، در صورت نبود فضای مناسب، کیفیت بروز فعالیت‌ها دچار مشکل شده و در نهایت موجودیت شهر از جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی و هویتی با اختلال روبه‌رو می‌شود [۱]. از این‌رو، در این پژوهش، مسئله دست‌فروشی به واسطه بررسی نمونه‌های متنوع خارجی در فضای شهری با هدف ساماندهی این معضل شهری - اجتماعی در بیشتر شهرها، مورد توجه قرار گرفته است. در ادامه این مسئله، دو هدف کلی شناسایی می‌شود: ۱. مطالعه تجارب جهانی ساماندهی دست‌فروشان و بساط‌گستران شهری و ۲. نحوه ساماندهی دست‌فروشان در این پروژه‌ها در راستای مؤلفه‌های شهری. ارزیابی این عوامل به منظور شناخت اثربخشی هر یک از عوامل ضمن توجه به کیفیت، نظم، هماهنگی و هویت منظر شهری ضروری است. با تکیه بر این پیش‌فرض می‌توان گفت که به دلیل عدم برنامه‌ریزی اقتصادی و فضایی در خصوص مشاغل غیر رسمی در بافت شهرها، منظر شهرها (به‌خصوص کلان‌شهرها) در کشور دچار آسیب شده‌اند؛ به گونه‌ای که یکی از دغدغه‌های امروز مدیریت شهری شهرهای ایران، استقرار دست‌فروشان شهری در فضای شهری و چگونگی تأثیر آن بر فرهنگ منظر شهری است. امروزه بیش از هر زمان دیگر، در شهرها و به‌خصوص کلان‌شهرها، هجوم آسفنگی در جنبه‌های گوناگون سیمای شهر مشاهده می‌شود. اکنون سیمای شهری از نظم کمتری برخوردار بوده و تفاوت آشکار در اشکال، مصالح مصرفی، زبری و نرمی، پیش‌آمدگی و پس‌رفتگی، کوتاه و بلند بودن بناها از یک سو و هرج‌ومرج ناشی از تداخل عملکردها به واسطه وجود بساط گسترده و دست‌فروشی به‌خصوص در فضای مرکزی و سنتی شهرها، چهره و سیمای ناهمگون و ناموزونی را شکل می‌دهد. بر همین اساس، ساماندهی دست‌فروشان در بستر سیما و منظر شهری، متناسب با فضای شهری از مسئولیت‌های حائز اهمیت مدیریت شهری است. این مقاله، ابتدا به ارتباط بین دست‌فروشی و منظر شهری با استناد به رویکردهای رایج اشاره کرده است. در ادامه، با علم به اهمیت تأثیرات دست‌فروشی در فضای شهری و با روش توصیفی به بیان تجربیات آن در کشورهای مختلف (درگیر با دست‌فروشی) پرداخته است. سپس با تحلیل تأثیر شاخصه‌های منظر شهری در پدیده دست‌فروشی، راهکارهای عملی برای ساماندهی دست‌فروشی در فضای شهری ارائه شده است.

مبانی نظری

دست‌فروشی و رویکردهای رایج آن در ارتباط با منظر شهری

دست‌فروشی (Street Peddler) پدیده‌ای است که زمینه را برای افزایش مشاغل غیر رسمی در محدوده مرکزی شهر فراهم کرده است. این امر به علت ارائه کالاها با قیمت نسبتاً پایین، با استقبال مردم برای خرید کالاهای ارزان‌قیمت در این مراکز شهری مواجه است [۲]. چهار رویکرد کلی در زمینه دست‌فروشی به ترتیب زمانی شامل ۱. رویکرد ضد دست‌فروشی؛ شامل اخراج دست‌فروشان، آزار و اذیت آن‌ها، ضبط اموال و اقلام فروشی و در نهایت اجبار آن‌ها به جابه‌جایی است. علت اصلی اتخاذ چنین سیاست‌هایی، به هم خوردن نظم شهر توسط دست‌فروشان و زمینه شکل‌گیری جرم، هرج‌ومرج در منظر بصری شهر است [۳ و ۴]. این اقدامات به صورت موقت، دوره‌ای و ناپایدار هستند [۵]. با استناد به تحقیقات متعدد (به عنوان مثال، تحقیق پیمایشی در شهر لاگوس توسط آنهیر در سال ۱۹۹۲)، این رویکرد دارای درصد موفقیت بسیار پایینی است [۶]. ۲. رویکرد روادارانه؛ بدون به رسمیت شناختن دست‌فروشی و یا تهدید به اخراج آن‌ها، اجازه فعالیت در شهر را به آن‌ها می‌دهد. توجیه اتخاذ چنین رویکردی، فواید ملموس دست‌فروشی در بستر فقر و بیکاری، فشار سیاسی، مداخله اتحادیه‌ها و شکل‌گیری اصناف دست‌فروشان است [۷]. این رویکرد در طولانی‌مدت رویکردی ناپایدار خواهد بود [۸]. ۳. رویکرد سازگار با دست‌فروشی؛ دست‌فروشی را به صورت پدیده‌ای در نظر می‌گیرد که باید مدیریت شود. این رویکرد شامل اقدامات گسترده‌ای همچون رسمی کردن و صدور جواز کار برای دست‌فروشان و نیز تعیین پهنه‌های مجاز و غیرمجاز برای دست‌فروشی همراه با ضوابط شهری برای این پهنه‌ها است. ۴. رویکرد همه‌شمول، راه طولانی برای فراگیر شدن در پیش‌رو دارد. در این رویکرد دو موضوع بسیار مهم مطرح است؛ نخست، حکمروایی شهری در زمینه دست‌فروشی از طریق ارتباط سه‌گانه دولت محلی یا شهرداری، دست‌فروشان و ذی‌نفعان (کسبه و ساکنان) باید انجام گیرد. دوم، دست‌فروشان علاوه بر مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مربوط به خود، مسئولیت‌هایی از قبیل پیمایش دست‌فروشان، سامان‌بخشی به بساط‌ها، اطمینان یافتن از سهولت تردد مردم، پرداخت عوارض و تمیز کردن فضاهای شهری را نیز به عهده می‌گیرند [۹].

منظر شهری در ارتباط با دست‌فروشی

منظر، مفهومی متغیر است که بسته به حوزه مطالعه‌ای که در آن به کار گرفته می‌شود، می‌تواند معانی متفاوتی را با خود داشته باشد [۱۰]. توصیف‌ها و تعاریفی که فرهنگ‌های لغات برای واژه منظر ارائه شده است، عبارت از محدوده و چشم‌اندازی که در یک نگاه و از یک نقطه معین دیده می‌شود؛ ویژگی‌های قابل مشاهده یک محدوده و بازنمایی یک تصویر یا نقاشی، است. همچنین انجمن منظر اروپا (European Landscape Convention) [۱۱]، منظر را محدوده‌ای که توسط افراد ادراک می‌شود و نتیجه تعامل بین عوامل طبیعی و انسانی است، تعریف می‌کند و در معماری «بخشی از محیط که می‌توان در یک زمان در آن قرار گرفت» [۱۲] و در مطالعات منظر که بر تجربه بصری تأکید می‌شود، منظر را «محیط دریافت‌شده از راه بصری» [۱۳] تعریف می‌کنند. منظر شهری را می‌توان درک انسان از زمین بر اساس دانش و این همانی او با مکان تعریف کرد [۱۴]. پس ویژگی‌ها و الگوهای موجود در منظر، حسی قوی در انسان، خلق می‌کند [۱۵]. در این میان، هر یک از پژوهشگران حوزه منظر بسته به نگرش خود به فضاهای شهری، ابعادی را برای منظر شهری در نظر می‌گیرند که جدول ۱، اشاره‌ای گذرا به آن‌ها دارد.

جدول ۱. ابعاد منظر شهری [۱۶]

ابعاد منظر شهری مطرح شده	اندیشمندان
ادراکی، فیزیکی، عملکردی	لینچ (Lynch)، ۱۹۶۰
بصری و ساختاری	کولن (Cullen)، ۱۹۶۱
عوامل طبیعی، عوامل مصنوعی	شریفیان، ۲۰۰۱
عوامل طبیعی، عوامل ذهنی	سوافیلد (Swaffield)، ۲۰۰۵
فرم، عملکرد، معنا	پاکزاد، ۲۰۰۵
عوامل عینی، عوامل ذهنی، عوامل عاطفی	گلکار، ۲۰۰۶
پایداری، هویت، زیبایی، وحدت	محمودی، ۲۰۰۶
بصری، کالبدی، فضایی، فعالیتی، هویتی و محیطی	عبداله خان، ۲۰۰۶
بصری، عملکردی و معنایی	رضازاده، ۲۰۰۷
عوامل کالبدی، عوامل غیر کالبدی و فعالیت‌های انسانی	بهزادفر، ۲۰۰۸
زیبایی‌شناختی، فرهنگی، عملکردی و هویتی	منصوری، ۲۰۰۹
عوامل طبیعی و مصنوعی	فرهودی و تیموری، ۲۰۱۰
کالبدی، بصری و فرهنگی	کیانی و سرداری، ۲۰۱۱
عوامل طبیعی و مصنوعی، ذهنی و فرهنگی، حوزه تاریخی، خاطرات و تعاملات انسانی	فیضی و اسدپوری، ۲۰۱۶

فروشنده‌گان در بافت شهری، بساط‌های بزرگ را در اجتماعات عمومی برقرار می‌کنند. رهگذران در پیاده‌روها و معابر به علت ازدحام دست‌فروشان آزرده شده و عبور و مرور مردم از طریق راهروهای تنگ به واسطه بساط دست‌فروشان ایجاد شده، ممکن می‌شود. شدت ازدحام و ترافیک انسانی در پیاده‌روها، باعث کلافگی مردم شده که اقدام خطرناکی به شمار می‌آید (۱۷) و (۲۲).

بسیاری از نظریه‌پردازان حوزه شهری، همچون روی، بر این باورند که اگرچه دست‌فروشان، همچون یک تصدیع همگانی (Public nuisance) نزد مسئولان شهر به چشم می‌آیند، اما در واقع آنان فضاهای عمومی ایمن را شکل می‌دهند و به واسطه فعالیتشان، کیفیت زندگی را در واحدهای همسایگی و محلات ارتقا می‌دهند (۲۳). از این‌رو، فضای عمومی شهر، در سه حوزه اشتغال شهری، فضای فیزیکی و فضای اجتماعی شهری، به نوعی مناقشه و منازعه را بین دست‌فروشان و دولت تبدیل شده و از نظر فیزیکی، به منظر شهری لطمه زده و در نهایت فضای اجتماعی شهر را به یک خرده‌فرهنگ با ویژگی‌های خاص خود تبدیل کرده که می‌تواند اشاعه‌دهنده بی‌نظمی در شهر باشد. در نهایت، می‌توان چنین نتیجه گرفت که دست‌فروشی، تأثیرات توأماً منفی و مثبت را بر نظام شهری در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دارد.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، ترکیبی از روش توصیفی و تفسیری است. این روش به دنبال بررسی تجارب مختلف، مقایسه دیدگاه‌ها، نحوه برخورد با معضل دست‌فروشی و بساط‌گستری در بستر منظر شهری است. گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای انجام شده است. ابزارهای گردآوری داده‌های مرتبط با تجارب عملی، اسناد و مدارک موجود بوده است که نتیجه این داده‌ها، طبقه‌بندی اطلاعات را شکل می‌دهد. در این خصوص، یازده نمونه از تجارب ساماندهی دست‌فروشان در کشورهای مختلف مورد بررسی قرار گرفت.

از مباحث یادشده و با توجه به فراوانی تعریف‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که منظر شهری ابزاری است که می‌توان آن را به مثابه یک «سیستم» در نظر داشت که از تلفیق سه مؤلفه «عملکردی»، «کالبدی» و «معنایی» شکل می‌گیرد. منظور از عناصر فیزیکی-کالبدی، عناصر طبیعی و مصنوع هستند که ظرف فضا را شکل داده‌اند، در صورتی که منظور از عوامل عملکردی، فعالیت‌های موجود در فضا است که همراه با رفتارهای خود جزء جدانشدنی از فضا هستند. از کنار هم چیدن تعاریف مختلف و آنچه مورد نظر این نوشتار است، می‌توان گفت که منظر شهری دارای ظاهر و محتواست. منظر ظاهری دربردارنده کالبد و منظر محتوایی شامل عملکرد و معناست. در اصل، منظر شهری واقعیتی پویاست که تنها به ریخت و کالبد محیط مصنوع گفته نمی‌شود، بلکه دربردارنده معنا و عناصر عملکردی است.

در خصوص ارتباط منظر با دست‌فروشی باید گفت که فروشنده‌گان در خیابان، پیشینه‌ای طولانی در تاریخچه کشورهای بزرگ جهان دارد، به طوری که فروشنده‌گان در بسیاری از کشورها (مانند چین، مصر و کشورهای عربی) در گذشته، سرزندگی و نشاط خاصی را به چشم‌انداز خیابان‌ها می‌افزودند و فعالیت اقتصادی - خدماتی را در بطن خود، شکل می‌دادند (۱۷). اما امروزه با تعریف ساختار فضاهای عمومی شهری؛ قانونی نبودن حضور دست‌فروشان در خیابان و پیاده‌راه‌ها به علت استفاده و به کارگیری بیش از حد فضای عمومی شهری ملموس است (۱۸). از این‌رو، لزوم درک معنا و نقش فضای شهری توسط این فروشنده‌گان لازم است. فضای عمومی شهری شامل کلیه فضاهای فیزیکی و روابط اجتماعی افراد در آن، فضایی برای استفاده عموم مردم خارج از عرصه خصوصی را در بر می‌گیرد. این فضاها شامل پارک‌ها، پیاده‌راه‌ها، میداين، بازارها و... می‌شود (۱۹ و ۲۰). در کشورهای در حال توسعه، فضای عمومی، فضایی برای امرار معاش و گذران زندگی افراد کم‌درآمد به شمار می‌آید که معیشت این افراد به آن وابسته است.

فروشنده‌گان خیابانی که بخش جدایی‌ناپذیر از افراد خوداشتغال در شهر را تشکیل می‌دهند، بازار خاصی دارند که به قول باومیک، از نظر مردم به عنوان بازارهای طبیعی (Natural Market) شناخته شده است، بدون وجود مغازه‌ای دائمی و بازاری معین. معابر، پارک‌ها، سواحل دریا، پایانه‌های اتوبوس، ایستگاه‌های راه‌آهن، جلوی مدارس و دانشگاه‌ها، بیمارستان‌ها و نظایر آن، صدق‌هایی از محدوده فعالیت این قشر هستند (۲۱). در برخی شهرها،

یافته‌ها

است. درخور یادآوری است از آنجا که نمونه‌های ساماندهی موفق بیشتر آسیایی بوده؛ لذا تلاش پژوهشگران، بررسی وضعیت دست‌فروشان در این حوزه جغرافیایی است. در این کشورها همچنین، می‌توان تنوعات فرهنگی، جمعیتی و اقتصادی را مشاهده کرد (شکل ۱).

مطالعه وضعیت دست‌فروشی در سایر کشورها، ارزیابی نحوه ساماندهی و نیز بررسی سازوکار، قوت‌ها و ضعف‌های آن، چشم‌اندازی را در اختیار محققان این حوزه قرار می‌دهد. در این پژوهش، به منظور پاسخ به اهداف تحقیق، به بررسی دست‌فروشی و نحوه ساماندهی آن در برخی از کشورها پرداخته شده



شکل ۱. نمونه‌ای از دست‌فروشی در کشورهای مختلف، (۱). ترکیه (استانبول)، (۲). سریلانکا، (۳). کره جنوبی، (۴). مالزی، (۵). ترکیه (ازمیر)، (۶). ویتنام، (۷). ایتالیا (۸). بنگلادش، (۹). زامبیا، (۱۰). هند، (۱۱). سنگاپور، (۱۲). تایلند، (۲۴)

خدمات دست‌فروشی، به شکست این طرح منجر شد، به طوری که در سال ۱۹۶۸ م. ۹۰ درصد مغازه‌های این بنا تبدیل به انباری برای کالاهای دست‌فروشان شد [۲۶]. امروزه، در ترکیه به جای جمع‌آوری و مبارزه با دست‌فروشان، با رسمیت بخشیدن به دست‌فروشی و اعطای مجوز فعالیت توسط شهرداری‌ها و توسعه بازارهای محلی و بازار روز که نمادی از فرهنگ دادوستد و مبادله این کشور است [۲۶]، امکان توسعه اقتصادی و اجتماعی را فراهم کرده و از طرفی نمادی برای خرید ارزان در این کشور توریست‌پذیر است. از بعد عملکردی، در راستای راهبرد رسمیت‌بخشی به فعالیت‌های غیررسمی نظیر دست‌فروشی، شهرداری ترکیه به منظور ساماندهی، با تفکیک فعالیت‌های فروشندگی، به فروشندگان نان و بلیت‌های بخت‌آزمایی که اغلب در محله‌ها و موقعیت‌های معین شده توسط شهرداری، در بازارهای سرپوشیده و در کنار مساجد و خیابان‌های پر رفت‌وآمد با مجوز رسمی از شهرداری، به فعالیت خود می‌پردازند [۲۷]. همچنین ایجاد بازارهای محلی - دست‌فروشی جلوه‌ای قانونی به خود گرفته است. این امر باعث ایجاد فرصت‌های شغلی برای اقشار کم‌درآمد می‌شود، اما کمبود برخی از امکانات به مانند پارکینگ،

ترکیه

هم‌زمان با مهاجرت مردم از روستاها به شهرها، دست‌فروشی، در ترکیه (Türkiye) در دهه ۴۰ قرن بیستم روندی رو به رشد یافت. افزایش مهاجرت و گسترش شهرنشینی، پایین بودن سطح مهارت و آموزش نیروی کار روستایی مهاجر، عدم امکانات و تسهیلات مناسب در فضای شهری، باعث جهش در رشد فعالیت‌های غیررسمی شد [۲۵]. دولت ترکیه در سال ۱۹۵۰ م. با هدف ساماندهی این فعالیت‌ها، تدابیر و سیاست‌های مختلفی را اتخاذ کرد، اما بسیاری از این تدابیر غیرسیستمی؛ طی زمان، با شکست مواجه شد. یکی از این طرح‌ها، ساماندهی سطح خیابان‌ها، در شهر ازمیر در سال ۱۹۶۰ م. است. براساس طرح شهرداری ازمیر، برای جمع‌آوری دست‌فروشان در یکی از خیابان‌های شلوغ این شهر، اقدام به راه‌اندازی تشکیلات صنفی برای این افراد کردند، به طوری که ۵۰۰ باب مغازه در یکی از ساختمان‌های متروکه ایجاد کردند. این مغازه‌ها با قیمت بسیار ناچیز، به دست‌فروشان اجاره داده شد، اما مراجعه مجدد دست‌فروشان به معابر و خیابان‌های شهری و عدم تمایل آن‌ها به حضور در فضاهای بسته و کاهش مشتریان و تمایل آن‌ها به

خانواده‌ها از اجناس با قیمت پایین در خیابان‌ها به جای خرید اجناس با کیفیت با قیمت بالا در فروشگاه‌ها شده است.

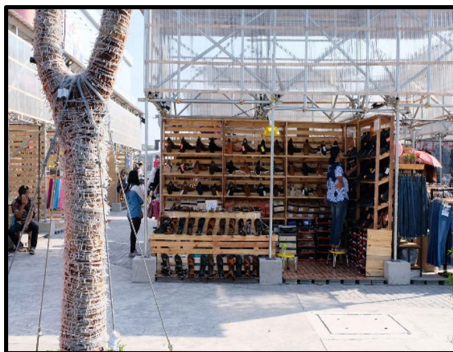
فروشنندگان مجاز به فروش محصولات در مناطق خاص و در ساعت‌ها و روزهای مشخص هستند. بنا به قوانین تصویب‌شده، فروشنندگان باید در روزهای چهارشنبه یا هر روز تعیین‌شده دیگری فعالیت خود را متوقف کنند و باید شناسه فروشنده‌گی داشته باشند و لباس مناسب بپوشند. آن‌ها همچنین مسئول تمیز کردن محل کار خود هستند. قانون بهداشت عمومی سال ۱۹۹۲م. افراد را، از فروش اشیاء در مسیرهای پیاده‌روی، مسیرهای عمومی و معابر عمومی منع می‌کند. فروشنندگان تنها در صورت دریافت مجوز از مقامات مجاز به فروش در خیابان هستند. در سال ۲۰۰۳ م. به منظور ساماندهی اقتصادی دست‌فروشان، اجرای قانونی برای بهبود نظم در فضاهای عمومی تشدید شد و با ساکنان غیرقانونی پیاده‌روها و مسیرهای عمومی برخورد شد. به موجب این قانون، غرفه‌های خارج از مناطق تعیین‌شده تخریب، مقرراتی را برای بهبود کالبد شهری تصویب شد. از جمله راهکارهای ارائه‌شده برای بهبود کیفیت فضای شهری در راستای ساماندهی دست‌فروشان، می‌توان به منظم‌سازی کاربری‌های موجود در پیاده‌روها، نبش خیابان‌ها، زمین‌های خالی، خیابان‌های کم‌تردد؛ تخصیص زمین و قطعات بدون استفاده برای ایجاد بازارهای محلی و روز و حفاظت شهری از پاساژ خرید قدیمی و بازار شهری فرسوده برای احیای آن‌ها با انتقال دست‌فروشان به این مکان‌ها اشاره کرد [۲۹]. در برنامه‌ریزی برای ساماندهی دست‌فروشان در تایلند، ادغام معنادر فروشنندگان خیابانی ضروری احساس می‌شود و تبدیل فضاهای شهری تک‌عملکردی به فضاهای چندکارکردی و چندلایه که افراد مختلفی از فضا استفاده کنند، از راه‌حل‌های خلاقانه برای استفاده و مدیریت فضای شهری برای جا دادن دست‌فروشان خیابانی در توسعه شهری است. فضاها و بازارهای شهری، رویکردی چندمنظوره به فضا را ترویج می‌دهند که به هر زمینه اجازه می‌دهد تا سیستم مدیریتی را به بهترین وجه برای پیچیدگی‌های متنوع به‌فردش، ایجاد کند. یکی از نمونه‌های موفق ساماندهی دست‌فروشان، بازار داداد (Dadad)، در مقابل یک مرکز خرید محلی در ناکورن بلتچاسیم (Nakorn Ratchasima) در بانکوک (پایتخت تایلند) است. ساختارهای شناور با تبلور نور، حیات و منظره شبانه شهری را ارتقا می‌بخشد. چراغ‌های شناور، مشتریان را جذب و کالاهای متنوع را نیز به نمایش می‌گذارند. ساختار سازه‌ای با قابلیت منفک شدن، استفاده از اعضای لوله‌ای و گیره‌های مختلف (مشابه سیستم داربست معمولی)، چیدمان قاب‌های ساده با چراغ‌های شناور، به همراه تنوع کالایی، دنیای کوچکی از میدان‌های کوچک و کوچه‌هایی پیچ‌درپیچ را ایجاد می‌کنند که از جهات مختلف قابل دسترسی هستند (شکل ۲).

سرویس‌های بهداشتی، مسجد، از جمله مشکلات طرح‌های اجرایی است. استفاده از گاری، لاری و برخی شکل‌های ابداعی، از بعد کالبدی شهر، باعث تعریف قاب‌ها در جداریه شهر شده و نوعی هویت شهری را تعریف کند. این امر به خصوص در خیابان تکسیم به عنوان محلی مملو از گردشگران بیشتر نمایان می‌شود.

مکان‌یابی بازارهای محلی و روز، توسط شهرداری مقرر می‌شود. این بازارها، برگردانی از بازارهای قدیمی به بازارهای مدرن است که ارتباط نزدیک با مصرف‌کننده از طریق استقرار در محلات، باعث ارتقای تعاملات و ارتباط اجتماعی می‌شود و بر رونق این بازارها می‌افزاید، اما در این بازارها هم تمام استانداردهای کالبدی و فضایی به صورت مطلوب برقرار نمی‌شود.

تایلند

تایلند (Thailand) از جمله کشورهایی است که فعالیت دست‌فروشان از طرف مردم و نهادهای دولتی رسمی بوده و دست‌فروشان بدون ایجاد سد معبر، می‌توانند به فعالیت خود بپردازند [۲۸]. در گذرها و خیابان‌های بانکوک، بساطی از اقلام مختلف اعم از مواد خوراکی همچون غذاهای پخته‌شده و خام، وسایل الکترونیکی و لباس و... را می‌توان مشاهده کرد. غرفه‌های مواد غذایی با شعار یک وعده غذای خوب با هزینه کم، جایگزین رستوران‌های شیک و گران‌بها شده است. به منظور ایجاد مکانی مناسب برای دست‌فروشان با هدف ساماندهی منظر شهری، مسؤلان، ۲۷۸ مکان را برای فعالیت دست‌فروشان مقرر کرده‌اند. با توجه به حجم دست‌فروشان در این شهر، این تعداد کافی نبوده؛ از طرفی شرایط مناسب برای اقامت در این مکان‌ها نیز فراهم نبود. این امر، باعث گسترش مکان استقرار دست‌فروشان در مناطقی غیر از می‌طلبید. در نتیجه حدود ۴۷۲ مورد، مکان غیرمجاز در خیابان‌های بانکوک شکل گرفت. درخور یادآوری است که عدم اجماع و قابلیت تبدیل آن‌ها به اتحادیه از مشکلات اساسی عدم موفقیت بسیاری از طرح‌های ساماندهی در این کشور است. برای ممنوعیت فعالیت دست‌فروشان در خیابان‌های به دلیل مسدود شدن پیاده‌روها و ایجاد بار ترافیکی در بانکوک، دولت قوانین سخت‌گیرانه‌ای را اعمال کرد. این در حالی است که هیچ مدرکی دال بر اینکه دست‌فروشان، باعث مشکلات ترافیکی می‌شوند وجود ندارد، زیرا آن‌ها از پیاده‌روها استفاده می‌کنند. عوامل متعدد دیگری در شکل‌گیری دست‌فروشی در تایلند نقش داشته است. یکی از این عوامل، فرهنگ مردم تایلند است که معمولاً بیرون از خانه غذا میل می‌کنند. بعضی از این غذاها بسته‌بندی مختص دست‌فروشان را دارند که منحصر به آن‌هاست. از طرفی، مهاجرت مردم از روستاها به شهرها، مانند بسیاری از کشورها که از تأثیرات مدرنیزاسیون شهری است. باعث ایجاد اشتغال کاذب در شهرها می‌شود. یکی دیگر از علل، فقر و درآمد کم خانوارها در بانکوک است که باعث استقبال این



شکل ۲. بازارچه داداد در تایلند [۲۴]

بنگلادش

عده دارد، اما دولت‌های محلی نیز باید قوانین و چارچوب‌هایی را برای اجرای این قانون ایجاد کنند، دست‌فروشان نیز باید اطمینان یابند که دولت مرکزی و دولت‌های ایالتی قانون را اجرا می‌کنند. بنابراین، نظارت بر اجرای صحیح این قانون به تلاش سازمان‌هایی همچون بنیاد ملی دست‌فروشان هند و بنیاد زنان خویش فرما بستگی خواهد داشت [۳۵]. از بعد فضای شهری، هر شهر دارای برنامه توسعه است؛ به طوری که برای بیمارستان، بازارها، پایانه‌های اتوبوس و... مکانی را در نظر می‌گیرند، اما برای فضای عمومی، محلی برای فعالیت دست‌فروشان، هیچ جایگاهی در نظر گرفته نمی‌شود. در حالی که می‌تواند در کنار سایر فعالیت‌های اداری، درمانی، تفریحی؛ فضایی را هم برای دست‌فروشان در نظر گرفت. به عنوان مثال، بازارچه گل و گیاه در کنار بیمارستان یا فضاهای مرده در کنار ایستگاه‌های اتوبوس و راه‌آهن می‌تواند به عنوان بازارهای فعال طبیعی در اختیار دست‌فروشان قرار گیرد.

سنگاپور

سنگاپور (Singapore) تنها کشوری است که تمام دست‌فروشان آن دارای مجوز هستند و اکثراً فروشنده مواد غذایی هستند. طی سال‌های ۱۹۶۸-۱۹۶۹م، حدود هجده هزار دست‌فروش به طور موقت به خیابان‌های فرعی کمتر شلوغ، پارکینگ و در فضاهای خالی کناره گذرها، منتقل شده، تا در ساعت‌های معین، به فعالیت دست‌فروشی خود ادامه دهند. در سال ۱۹۷۰م. طرح جابه‌جایی دست‌فروشان دارای مجوز از خیابان به مراکز بازار دست‌فروشان (Market and hawker centers) آغاز شد [۳۴]. در سال ۱۹۷۱م. یک برنامه ملی با هدف ایجاد مراکز غذایی و بازارهایی برای اسکان مجاز دست‌فروشان غذای خیابانی، طراحی شد. در این برنامه، تأسیسات و خدمات غرفه مانند آب قابل شرب لوله‌کشی، برق و جمع‌آوری و دفع زباله لحاظ شد. در حال حاضر، حدود ۱۰۷ مرکز دست‌فروشی، در مجموع پانزده هزار غرفه، بخش چشم‌نواز اجتماعی سنگاپور شده است [۳۳]. برای ایجاد فضای شهری مناسب در تعامل با دست‌فروشان، صنف دست‌فروشان در زیباسازی و پاکیزه نگه داشتن فضای شهری کمک نموده، به طوری که بساط آن‌ها، محدودیتی برای عابران پیاده ایجاد نکند. مسئولان و شهرداری‌ها به امر نظارت از غرفه‌ها اهتمام ورزیده تا از لحاظ قوانین بهداشت عمومی و محیط زیست مشکلی پیش نیاید [۳۰]. همچنین، دوره‌های آموزشی منظمی در زمینه پخت غذا و مهارت‌های شخصی توسط ارگان‌ها و سازمان‌های مرتبط برگزار می‌شود؛ به طوری که بین سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶م، سازمان بهداشت و تغذیه دوازده هزار دست‌فروش را آموزش داد. اما نکته حائز اهمیت، افزایش تعداد دست‌فروشان جوان و تحصیل کرده به دلیل بیکاری و استقبال از دست‌فروشی است، چرا که بیشتر دست‌فروشان مواد غذایی با غذاهای بین‌المللی جدید آشنا شده و محبوبیت این صنف در بین مردم افزایش یافته است [۳۵].

زامبیا (شهر لوساکا)

رد پای فعالیت‌های دست‌فروشی را می‌توان در تشکیل رندسپای شمالی (Northern Rhodesia) و قبل از استعمار دید. جامعه زامبیا (Zambia) عادت به کسب‌وکار در فضاهای عمومی و البته مسیرهای مهم تجاری داشتند. از اواخر دهه ۱۹۷۰م. و اوایل دهه ۸۰م، دست‌فروش‌های خیابانی به عنوان بازار سیاه شناخته می‌شدند و محصولاتی از جمله صابون، شمع، روغن، شکر و... در زمره محصولاتی بودند که به علت کمبود در بازار قانونی، در بازار سیاه فروخته می‌شدند [۳۶]. با این حال، طی این زمان، فعالیت‌های خیابانی بسیار مرسوم نبود، بلکه پس از تصویب اصلاحات نئولیبرال (Neo liberal) بیشتر از قبل، نمایان شد و سیاست‌های دهه ۱۹۹۰م، تغییر به سمت آزادسازی، تأثیرات زیادی بر اقتصاد زامبیا داشت [۳۷]. اما اکنون طبق قوانین زامبیا؛ دست‌فروشی، یک اقدام غیرقانونی شمرده می‌شود [۳۵].

داکا (Daka)، پایتخت بنگلادش (Bangladesh)، حدود ۹۲ هزار دست‌فروش خیابانی دارد که عمدتاً در محلات بیتول (Baitul) و موتیجل (Motijheel) فعالیت می‌کنند [۳۰]. دست‌فروشی یک تجارت غیرقانونی در این کشور تلقی می‌شود و دست‌فروشان مدام مورد آزار و اذیت مقامات هستند، این افراد مجبورند بخش قابل توجهی از درآمد خود را به عنوان رشوه پرداخت کنند تا بتوانند به فعالیت خود ادامه دهند. به دلیل شرایط نامساعد دست‌فروشان در این کشور، اتحادیه و سندیکای دست‌فروشان شکل گرفت، تا قدم‌های اولیه برای مذاکره با دولت را فراهم کنند. برای تحقق اهداف این اتحادیه، اولین قدم، اتحاد با سایر اتحادیه‌های کارگری بود که این امر می‌توانست باعث فشار بر دولت و هماهنگی بین سندیکاهای دیگر شود، اما نتیجه آنچه در بنگلادش اتفاق افتاد، چیزی جز شعار و حمایت در حد نقل قول‌های مسئولان، در خصوص حمایت از دست‌فروشان، در عرصه اجرایی و قانون‌گذاری نتیجه‌ای نداشته است [۳۱]. از سوی دیگر، داکا، شهرنشینی سریع کنترل‌نشده‌ای را تجربه کرده، دولت قادر به مقابله با رشد فوق‌العاده فعالیت‌های تجاری نشده و از این رو مراکز متعدد خرده‌فروشی با چیدمان فیزیکی و توزیع عملکردهای برنامه‌ریزی نشده، شکل گرفته است. اشکال فیزیکی منظم و نامنظم با رشد نامحدود واحدهای فروش، الگوی فضایی نامتجانسی را شکل داده‌اند. آشفتگی در منظر شهری، ازدحام در پیاده‌روها، تجاوز به حریم پیاده، منظره نامناسب خیابان‌ها در کنار ناامنی و ناهنجاری‌های اجتماعی (با تبدیل مکان فروش دست‌فروش به مکانی برای کلاهبرداری، توزیع مواد مخدر و تجمع معتادان) از نتایج دست‌فروشی و عدم کارایی سیاست‌های اجرایی در این زمینه است [۳۲]. در محلات فقیرنشین، فقر بهداشت شهری، ازدحام فیزیکی، شرایط کاری نالایم، خدمات ناکافی، آلودگی محیط زیست، بر کاهش کیفیت فضای شهری می‌افزاید [۳۳].

یکی از طرح‌ها، شکل‌دهی بازار و انتقال دست‌فروشان است که در بازار نوی داکا (Dhaka New Market) و باتیول ماکارام (Baitul Mukarram mar-ket) رخ داده است. این امر باعث ادغام و ترکیب عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در یک مکان عمومی موفق شده است. فعالیت‌های مختلف، زمینه دسترسی مناسب و محیطی امن و راحت را برای مردم فراهم کرده است [۳۲].

هندوستان

یکی از کشورها با آمار بالای دست‌فروشی هند (India) است. در سال ۱۹۹۱م. پس از تدوین سیاست‌های تعدیل ساختاری، بسیاری از مردم برای امرار معاش، به این شغل روی آوردند. آمار، نشان از فعالیت حدود ۲/۵ درصد از جمعیت شهری، به این شغل است. در سال ۲۰۰۰م. با هدف ساماندهی به دست‌فروشان، بسیاری از افراد (مردان) مورد آزار و اذیت قرار گرفتند و اجازه کار به آنان داده نشد. البته، درخور یادآوری است در برخی از ایالات و شهرها اعم از احمدآباد (پیاده‌روهای این شهر)، که دست‌فروشان دارای اتحادیه هستند، از مشکلات کمتری برخوردارند. براساس تحقیقی در بمبئی (Bambai)، اکثر زنانی که مردان خانواده‌شان، زمانی دارای شغل رسمی بوده و پس از تعدیل کار یا تعطیلی مشاغلشان، دست‌فروش خیابانی شده‌اند [۳۴]. از علل بسیار مهم در شکل‌گیری جمعیت کلان دست‌فروشان در هند، عدم اشتغال سودآور همراه با فقر در روستاها است که باعث جاری شدن مردم به شهرها برای جست‌وجوی کار می‌شود. بر اساس قانون، هیچ دست‌فروشی را نمی‌توان بدون حکم مراجع رسمی، مجبور به جابه‌جایی کرد. تمام آنان باید با استفاده از مجوز صادرشده توسط کمیته شهری دست‌فروشی که ناظر بر فعالیت فروشنده‌گان دوره‌گرد است، اقدام به کار کنند. در سال ۲۰۰۵م، دولت هند با قانون تضمین اشتغال شهری مهاتما گاندی (Mahatma Gandhi)، امکان استخدام صدروزه در مناطق شهری را فراهم آورد. این قانون توسط دولت مرکزی تصویب شد، اما اجرای آن به عهده دولت‌های محلی گذاشته شد و دولت مرکزی مسئولیت تأمین بودجه اجرای این قانون را به عهده گرفت. از آنجا که دولت فراهم آوردن شرایط لازم برای امکان اجرای این قانون را به

خواهد بود [۴۹].

سريلانكا (شهر کلمبو)

به نظر می‌رسد فروشندگان خیابانی در سريلانكا (Sri Lanka) وضعیتی کمی بهتر نسبت به همتایان خود در بنگلادش و هند دارند؛ چرا که دست‌فروشی در اکثر مناطق شهری کاملاً غیرقانونی نیست و دست‌فروشان می‌توانند تجارت خود را در پیاده‌روها با پرداخت مالیات روزانه انجام دهند. اما به بهانه ایجاد مشکل برای عموم مردم، دست‌فروشان، توسط شهرداری‌ها، از خیابان‌ها رانده می‌شوند، بدون آنکه برای آن‌ها، فضاها و سایت‌هایی جایگزین شده باشد. دست‌فروشان توسط شهرداری با اخراج مواجه می‌شوند و حتی غرفه‌هایشان به آتش کشیده می‌شوند. سواناتا (Sevanatha) - یک سازمان مردم‌نهاد (NGO) - در سال ۲۰۰۲ م. گزارشی ارائه کرد که در آن به توانمندسازی فروشندگان خیابانی در کلمبو اشاره می‌کند و اعلام می‌دارد برنامه‌ریزان شهر کلمبو (Colombo) برای پاکسازی خیابان‌های شهر، فعالیت بخش غیر رسمی (از جمله دست‌فروشی را) تهدید می‌کنند. این برنامه‌ریزان با اتکا بر مفهوم سابق از پیاده‌روسازی‌ها اصرار دارند که باید این فضاها برای عبور عابران پیاده، خوانا و بدون هر گونه مزاحمتی باشد. در حالی که در غرب و حتی بسیاری از شهرهای آسیایی به مزایای فراهم کردن فضاهایی برای حفظ جنب‌وجوش درون شهری در پیاده‌راه‌ها پی برده‌اند. از این‌رو، گرچه دست‌فروشان خیابانی از سوی شهرداری کلمبو به رسمیت شناخته شده و ملزم به پرداخت مالیات شده‌اند، اما این امر لزوماً به آن‌ها کمک نمی‌کند و تجارتشان امنیت ندارد. به نظر می‌رسد ارائه فضای جایگزین به جای سد معبر در خیابان‌ها، تا حد زیادی به شدت اتحاد دست‌فروشان بستگی دارد و ایجاد اتحادیه‌های صنفی فروشندگان خیابانی می‌تواند برای اجابت این تقاضا به شهرداری فشار بیاورد.

از سوی دیگر، روشن است که اجناس فروخته‌شده در بساط فروشندگان خیابانی، ارزان‌تر از محصول عرضه‌شده توسط فروشگاه‌های بزرگ هستند. به گفته سواناتا، هشت تا ده هزار دست‌فروش، در خیابان‌های کلمبو وجود دارد که مراکز آن‌ها، شهرک‌های فقیرنشین شهری است و این شغل تنها منبع اشتغال این خانواده‌هاست و زنان و کودکان در این حرفه نقش فعالی دارند. مشکل اصلی مواجهه با دست‌فروشان خیابانی، نبود امنیت در معیشت آن‌ها و عدم دسترسی به اعتبار و رسمیت است. در این میان، دست‌فروشان مواد غذایی بیشترین نرخ از دست‌فروشان را در این شهر شکل می‌دهند و مدام به دلیل نیاز مشتریان در حال افزایش است. شهرداری کلمبو سعی کرده است مدلی برای دست‌فروشان مواد غذایی در خیابان راه‌اندازی کند. طبق گفته بازرس مواد غذایی شورای شهرداری کلمبو، گروهی متشکل از سی و پنج فروشنده مواد غذایی به نام «گروه غذای سبز» سازماندهی شده‌اند. گاری‌های این گروه توسط شهرداری تهیه و نگهداری می‌شوند که دارای استاندارد بالای بهداشتی هستند و توسط اداره بهداشت عمومی به عنوان یک پروژه ایده‌آل برجسته شده است [۳۵].

کره جنوبی (شهر سئول)

دست‌فروشی از گذشته در شهر سئول (Seoul) وجود داشته و همواره افرادی از این راه به کسب درآمد می‌پرداخته‌اند. امروزه نیز دست‌فروشی در این شهر معضل جدی است، اما دولت کره جنوبی (South Korea) بی‌توجه بوده و دست‌فروشان را همواره مورد نقد قرار می‌دهد. یکی دیگر از ویژگی‌های عجیب در مورد کره این است که گاه دولت، تهیه‌کاران و گانگسترها را برای بیرون راندن دست‌فروشان در محله‌های فقیرنشین استخدام می‌کند^{۱۱}. این در حالی است که بحران اقتصادی در کره در سال ۱۹۹۸ م. منجر به تغییر در ساختارها شده و سبب افزایش تعداد دست‌فروشان خیابانی شد. در حال حاضر، سئول حدود هشتصد هزار فروشنده خیابانی دارد که همواره و به‌ویژه در روزهای ملی و یا رویدادهای بین‌المللی با مشکلات و اذیت‌های متعددی مواجه هستند.

لوساکا (Lusaka)، یکی از خیابان‌های مهم برای دست‌فروشی در زامبیا است. بخش اعظمی از کسبه این خیابان، از مناطق محروم با درآمد سطح پایین هستند که دسترسی کمی به بهداشت و آموزش دارند. در سال‌های اخیر، تعداد چنین خیابان‌هایی در این منطقه، رو به افزایش بوده و در نتیجه دولت به کمک اتحادیه اروپا سعی در ساخت ساختمان‌های تجاری مدرن در این شهر دارد تا مشکل دست‌فروشی حل شود. در سال ۲۰۰۵ م. دولت تصمیم به ساخت فروشگاه نیوسوتو (New Soweto) گرفت که در نزدیکی ناحیه تجاری مرکزی (CBD) قرار دارد که دارای ۲۴۷۶ مغازه و فروشگاه است [۳۹]. این مکان به وسیله دولت انتخاب شده بود، اما چالش بزرگی در پیش روی این طرح، عدم توانایی کمیته در قانع کردن دست‌فروشان به تغییر محل خود و انتقال به مکان جدید بود، به طوری که دست‌فروشان احساس می‌کردند با جابه‌جایی، مالکیت خود را از دست می‌دهند و مجبور به پرداخت هزینه می‌شوند، از طرفی نگران مشتریان خود بودند که با جابه‌جایی به مکان جدید ممکن بود از دست بروند. در سال ۲۰۰۹ م. ساخت‌وساز مکان جدید پایان پذیرفت، اما اغلب دست‌فروشان همچنان خیابان را به مغازه‌های فروشگاه ترجیح می‌دادند و هنوز هم عده کثیری از دست‌فروشان خیابانی در CBD لوساکا وجود دارند. علی‌رغم تأثیرات مثبتی که اقتصاد غیر رسمی می‌تواند بر رشد اقتصاد داشته باشد، اما قانونی نیست، به این جهت دولت ساختمان‌های تجاری رسمی می‌سازد و دست‌فروشان را از حضور در خیابان‌ها منع می‌کند [۳۸].

ویتنام (شهر وانگ‌تاو)

ویتنام (Vietnam) سابقه طولانی در مبارزه با امپریالیسم دارد که با پیروزی حزب کمونیست در این کشور به اوج خود رسید. این مقابله به تحریم ایالات متحده علیه ویتنام انجامید و این تأثیر منفی جدی بر رشد اقتصادی گذاشت. با این حال، از زمان فروپاشی نظام شوروی و با حمایت روسیه، ویتنام گام‌هایی برای ورود به سیستم جهانی سرمایه‌داری برداشت که آزادسازی اقتصاد را با حفظ نظام سیاسی خودمختار فراهم می‌کند [۴۰]. در سال ۱۸۵۹ م. شهر وانگ تاو (Vung Tau) در جنوب کشور ویتنام توسط فرانسوی‌ها مستعمره شد. طی جنگ جهانی دوم، هند، چین، آمریکا و استرالیا منطقه را اشغال کردند و گردشگری در آنجا از طریق ساخت هتل‌ها و زیرساخت‌ها با حضور گردشگران توسعه یافت. صنعت نفت و گاز نیز مورد بهره‌برداری قرار گرفت. وجود دریا، فروش غذاهای دریایی و سایر وسایل برای گردشگران در لب ساحل را فراهم آورد و دست‌فروشی در نقاط شهری به صورت رسمی و غیر رسمی گسترش یافت.

وونگ‌تاو امروزه یک زیرساخت فیزیکی چشم‌گیر از نظر حمل‌ونقل دارد که این زیرساخت‌ها از مشکلات قابل توجهی همچون مسئله ترافیک رنج می‌برند. مشکلات ترافیکی این شهر نه تنها در جاده‌های وسیع آن، بلکه در پایانه کشتی مدرن آن نیز وجود دارد. اما منطقه ساحلی آن دارای یک نوار از رستوران‌ها و مکان‌های تفریحی با انواع سلیقه‌های بین‌المللی است که بسیار نیز برجسته است و گردشگری را رونق می‌دهد. در این میان، دست‌فروشان و خرده‌فروشان نیز در نزدیکی این منطقه پیشنهادها خود را برای جذب مخاطبان توریستی، با انواع الکل و تنقلات و مواد غذایی غربی ارائه می‌دهند. اما به‌تازگی در این ناحیه فروشگاه جدیدی افتتاح شده که خدمات کالایی را برای گردشگران ارائه دهد، اما هنوز کاملاً محدود است. در حال حاضر طیف وسیعی از غذاهای منجمد در سوپرمارکت‌ها ارائه می‌شود و محصولات با ارزش‌افزوده دیگری نیز از محصولات داخلی و خارجی موجود است، اما این اقدامات نمی‌تواند مانع فعالیت دست‌فروشان شود و دست‌فروشان خیابانی مناطق زیادی را در سراسر شهر - چه رسمی و چه غیر رسمی - اشغال کرده‌اند که برخی ماهیت متحرک دارند و برخی دیگر یک موقعیت ثابت‌تر را ترجیح می‌دهند. در این خصوص، زمین‌هایی در اطراف برخی از مکان‌های عمومی باز برای دست‌فروشی مشخص شده‌اند، اما یا با استقبال فروشندگان خیابانی مواجه نشده‌اند یا به صورت دوره‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرند. گمان بر این است که افزایش گردشگری به‌طبیع بر حجم فعالیت‌های دست‌فروشی مؤثر

(Kuala Lumpur) است. در سال ۱۹۹۱ م. طرحی برای حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی دستفروشان ارائه شد که شامل برگزاری دوره‌های آموزشی برای دستفروشان به منظور ارتقای کسب‌وکار آن‌ها بود. نوسازی، توسعه و مدیریت دستفروشان با هدف زیباسازی منظر شهری و ایجاد مکانی مناسب برای مردم و گردشگران، از مهم‌ترین اهداف این طرح بود. حمایت دولت از دستفروشان، تأمین مالی و اعطای اعتبارات نهادی، برنامه‌های آموزشی منظم با محوریت بهداشت و سلامت، مهارت‌های کسب‌وکار و مدیریت مالی از محسنات این طرح بود. در ضمن، بخش معامله‌گران و خرده‌فروشان (HPT) با همکاری ارگان‌های غیردولتی مسئول سازماندهی به این طرح بودند [۴۵].

بازارهای خیابانی کوالالامپور نمایانگر فرهنگ و تصویری از شخصیت شهری در مالزی است، چرا که خیابان‌های مالزی همواره فضای جذاب برای بازدیدکنندگان بوده و هست. این فضاها مکانی برای تعاملات اجتماعی است که در آن مردم فرصتی برای صحبت، تبادل افکار و خرید را در کنار هم می‌یابند [۳۳]. در سال‌های اخیر برای بهبود دستفروشی به‌ویژه در زمینه مواد غذایی برخی راهکارها ارائه شده است. یکپارچه‌سازی استفاده از فناوری برای فروشندگان غذاهای خیابانی برای ساده کردن کسب‌وکار تجاری آن‌ها، استفاده از برنامه‌های موبایل و پلتفرم‌های اجتماعی مانند اینستاگرام و فیس‌بوک برای نمایش غذاهای خود، به‌روزرسانی منو و تعامل با مشتریان، استفاده از پلتفرم‌های تحویل آنلاین مانند فود گرب (GrabFood) و فود پاندا (Foodpanda) (تا مشتریان خود را از گوشه‌وکنار خیابان‌های معمولی افزایش دهند)، اقدامات ایمنی و بهداشتی، رعایت استانداردهای بهداشتی، استفاده از دستکش و ماسک و اطمینان از تمیز کردن و ضد عفونی منظم تجهیزات، از جمله راهکارهای اجرایی است. در ضمن، غذاهای خلاقانه و ترکیبی فروشندگان به دلیل خلاقیت و تمایل خود به آزمایش مواد و طعم‌های مختلف معروف هستند [۴۶].

جمع‌بندی

تغییرات ساختاری در اقتصاد کشورها، افزایش مشاغل موقت، بیکاری؛ به‌خصوص در کشورهای پرجمعیت و فقیر، منجر به افزایش جمعیت دستفروشان و در پی آن، سبب کاهش کیفیت منظر شهری شده است. با بررسی یازده نمونه خارجی، از کشورهای موفق در زمینه ساماندهی به دستفروشی، می‌توان به ترکیه، هند، مالزی و سنگاپور اشاره کرد. با تحلیل نمونه‌های موفق، مهم‌ترین عامل علاوه بر تأمین تمام تمهیدات، مشارکت دستفروشان و حمایت از آن‌هاست. جابه‌جایی دستفروشان، با همفکری و مشارکت دستفروشان و مسئولان، اعتماد بین طرفین و اعطای شخصیت اجتماعی به دستفروشان حاصل شده است. شهرداری با اعطای امتیازاتی از جمله صدور جواز کسب، اعطای وام و برنامه آموزشی به دستفروشان، تعیین مکان مناسب برای بازارچه، نشانه‌گذاری مناسب برای آن‌ها در سطح شهر و تبلیغ بازارچه در رسانه‌های جمعی، به پیشرفت طرح‌های ساماندهی کمک کرده است. ارائه ضعف‌ها و قوت‌های این طرح‌ها، می‌تواند در ارائه راهکارهای اجرایی برای ساماندهی دستفروشی مفید باشد، از این‌رو، در جدول ۲ ضعف‌ها و قوت‌های هر یک از طرح‌های ساماندهی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

به طور مثال، در سال ۱۹۸۶ م. در جریان بازی‌های آسیایی که در سئول برگزار شد، دستفروشان سرکوب شدند. درگیری‌های بین آن‌ها و مقامات دولتی خشونت‌آمیز بود؛ اما در نهایت موفق به مذاکره با مقامات شدند. در پی مذاکراتی پس از المپیک، فضایی در خیابانی نزدیک به ورزشگاه المپیک، برای فعالیت دستفروشان اختصاص داده شد. امروزه، این منطقه به مرکز مهم تجارت دستفروشان و جاذبه گردشگری تبدیل شده است. حامیان فروشندگان خیابانی، قطع‌نامه‌هایی تصویب کردند و خواستار توقف خشونت و اخراج این فروشندگان شدند و در ادامه، با نمایندگان دولت ملاقات کرده و آن‌ها را متقاعد کردند که اخراج دستفروشان راه‌حلی مناسب نبوده و در صورت نادیده‌نگاری دولت، پدیده دستفروشی افزایش خواهد یافت. نتیجه این بود که باید دولت متقاعد شود که نگاه مثبت به دستفروشی داشته باشد و قانونی کردن تجارت آن‌ها را در دستور کار قرار دهد. نمایندگان کره نیز در کنفرانس استریت‌نت (Streetnet) تأکید جدی بر این مسئله داشتند [۳۵].

ایتالیا (شهر رم)

ساختارهای غالب رم باستان مدت‌هاست که بر مقررات فروشندگی تأثیر گذاشته است. در سال ۱۸۷۰ م.، اندکی پس از پایتختی رم، مقامات قوانین سخت‌گیرانه‌تری را اتخاذ کرده و در محل استقرار دستفروشان خیابانی که در مرکز شهر بود، سعی بر ساختن نماد ملی کردند. این اقدامات، برای دستفروشان (یهودی) که برای زنده ماندن به کار دستفروشی وابسته بودند، خسارتی جبران‌ناپذیر بود [۴۲]. در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ م. مهاجران جدیدی از سراسر ایتالیا (Italy) وارد پایتخت شدند و شروع به دستفروشی کردند. این در حالی بود که سایر شهروندان رم (Rome)، آنان را محترم نمی‌شمردند و حضور آنان را برای شهر مناسب نمی‌دیدند، اما کم‌کم در سال ۱۹۰۱ م. دستفروشان تشکیل صنف دادند و خواستار رسمی‌سازی شدند. صنف دستفروشان خواهان تمایز بین دستفروشان واقعی- دارای مجوز- با افراد تازه‌وارد بود که به فروش (گاه موقت) کارت پستال و... مشغول بودند. اما دیری نپایید که سال‌های شکوفایی اصناف به پایان رسید و در سال ۱۹۳۸ م. با تصویب قوانین نژادی علیه یهودیان، غالب آن‌ها که مشغول دستفروشی بودند، مجبور به ترک شغل خود شدند و به این ترتیب شمار بیکاران رو به فزونی گذاشت [۴۳]. اما در سال ۱۹۴۶ م. مقامات، خواستار اعطای مجدد مجوز به دستفروشان یهودی شدند. در دهه گذشته نیز با تشدید رکود اقتصادی در ایتالیا تعداد دستفروشان افزایش یافته است، اما با توجه به اهمیت صنعت توریسم در رم، سیاست‌گذاران و شهروندان مرفه این تجارت خیابانی را تهدیدی برای اصالت رم می‌دانند و می‌کوشند دستفروشان را به عنوان معضل شهری و تخریب‌کننده منظر شهری شکوهمند و تاریخی شهر رم معرفی کنند. دستفروشان خیابانی مهاجر غیرقانونی همه‌جا هستند و به طور کامل برخی مکان‌های توریستی مهم را تسخیر کرده‌اند و سبب آسیب به صنعت گردشگری می‌شوند. اما برخی دیگر معتقدند که فروشندگان اغلب مهاجر، بخشی از یک تاریخ طولانی هستند و باید با ساماندهی مناسب نماد نشاط شهری باشند و نه نشان بدبختی [۴۴].

مالزی (کوالالامپور)

ویژگی قابل توجه در مالزی (Malaysia)، به رسمیت شناختن دستفروشی و از تجربه‌های موفق در زمینه دستفروشی در این کشور، شهر کوالالامپور

جدول ۲. جمع‌بندی از بحث ساماندهی دست‌فروشی

نام کشور	علل گسترش پدیده دست‌فروشی	ضعف‌های طرح ساماندهی دست‌فروشی	قوت‌های طرح ساماندهی دست‌فروشی	رویکرد ساماندهی
ترکیه	- مهاجرت گسترده روستائیان به شهرها - بیکاری گسترده مهاجران - سرمایه اندک و عدم داشتن مهارت و تخصص - سیاست‌های اقتصادی دولت و رکود اقتصادی	- ارائه تدابیر غیرسیستمی در ساماندهی به دست‌فروشان - شکست پروژه انتقال دست‌فروشان به بناهای سرپوشیده به دلیل عدم استقبال دست‌فروشان - جمع‌آوری دست‌فروشان توسط شهرداری و آزار و اذیت آن‌ها	- ارائه طرح‌های ساماندهی در قالب به رسمیت شناختن دست‌فروشان - نظارت ارگان‌های دولتی و شهرداری‌ها برای ساماندهی دست‌فروشان - همکاری نهادهای مختلف برای ارتقا طرح‌های ساماندهی - تجربه موفق یکجاسازی دست‌فروشان سیار و تعریف فضاهای مناسب برای این امر - تصویب قوانین و مقررات لازم و ایجاد محیط مناسب برای کسب‌وکار	- ضد دست‌فروشی، جابه‌جایی دست‌فروشان (ناموفق) - سازگار (موفق)
تایلند	- افزایش دست‌فروشان پس از بحران پولی کشورها - بحران شدید اقتصادی در پی بحران پولی - افت بسیاری از صنایع و بیکاری کارگران.	- عدم به رسمیت شناختن دست‌فروشان به عنوان یک فعالیت قانونی و معرفی آنان به عنوان عامل مخل در توسعه شهری. - عدم اجماع دست‌فروشان و عدم تبدیل آن‌ها به اتحادیه صنفی - وجود تعداد اندکی از مکان‌های تعبیه‌شده برای دست‌فروشی	- انطباق پدیده دست‌فروشی با ذائقه و فرهنگ مردم و عدم تعارض فرهنگی - استقبال مردم از دست‌فروشان و اجناس آنها به عنوان پتانسیل بالا برای حفظ و ساماندهی این پدیده - دست‌فروشی پیشه‌ای مجاز - تعبیه مکان مناسب برای دست‌فروشی - عدم تأثیر دست‌فروشی در بار ترافیکی تایلند.	رویکرد رواداری به دست‌فروشی (ناموفق)
بنگلادش	- بیکاری علت اصلی دست‌فروشی	- تعدد دست‌فروشان - عدم به رسمیت شناختن دست‌فروشی و نوع فعالیت، غیرمجاز - رویکرد قهری دولت - رانت و رشوه بسیار زیاد در عملکرد اتحادیه بدون کارکردی مؤثر	- وجود اتحادیه برای دفاع از حقوق دست‌فروشان - آگاهی دست‌فروشان از حقوق خود	رویکرد رواداری به دست‌فروشی (ناموفق)
هندوستان	- افزایش فروشندگان خیابان پس از سیاست آزادسازی اقتصادی در سال ۱۹۹۱. - افت شدید در بخش رسمی در کارخانه‌های بزرگ - آغاز برون‌سپاری صنایع در مقیاس کوچک - از دست دادن شغل بخشی از کارگران رسمی و یا همسران آن‌ها.	- عدم استمرار و ثبات در اجرای قوانین ساماندهی دست‌فروشان با وجود الزام به اجرای قوانین - آزار و اذیت مقامات و رانت‌خواری - مانع اصلی در اجرای طرح‌های ساماندهی به دست‌فروشان - وضعیت بدتر زنان نسبت به مردان.	- اتخاذ سیاست‌هایی به منظور حفاظت از دست‌فروشان - ارائه طرح ملی مبنی بر خط مشی فروشندگان خیابانی (در صورت اجرای طرح امنیت فروشندگان خیابانی تأمین می‌شود). - نقش بنیاد زنان خویش فرما و بنیاد ملی دست‌فروشان - هند در بهبود وضعیت دست‌فروشان.	رویکرد سازگار (موفق)
سنگاپور	- بیکاری و فقر مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری پدیده دست‌فروشی - تغییر در گروه بندی دست‌فروشان به علت اشتغال جوانان - تحصیل کرده به علت بیکاری	- نبود مشارکت محلی در بین دست‌فروشان	- مجوز قانونی برای اشتغال در بخش دست‌فروشی - همکاری ارگان‌های دولتی در نظارت بر دست‌فروشان - همراهی وزارت بهداشت با ارگان‌های اجرایی در بهبود محصولات (غذایی) ارائه‌شده توسط دست‌فروشان - اجرای طرح ساماندهی به دست‌فروشان به عنوان طرح ملی	رویکرد همه‌شامل (موفق)
زامبیا	- کمبود اجناس در بازار قانونی - خصوصی‌سازی شرکت‌های بزرگ ملی و کوچک‌سازی - بیکاری عظیم مردم و فقر - دسترسی کمی به بهداشت و آموزش	- جمع‌آوری دست‌فروشان توسط شهرداری و معرفی آنان به عنوان عامل مخل در شهر. - اختصاص تعداد اندکی از مکان‌های تعبیه‌شده برای دست‌فروشی - تعداد زیاد دست‌فروشان و عدم مشارکت آنان با دولت	- همکاری ارگان‌های دولتی و دست‌فروشان در ساماندهی دست‌فروشی	- ضد دست‌فروشی، جابه‌جایی دست‌فروشان (ناموفق) - سازگار (در فرآیند). هنوز اقدامات، نتایج ثمربخش و جدی به همراه نداشته است
ویتنام	- سیاست‌های اقتصادی دولت و تحریم‌های اقتصادی - بیکاری و فقر - گسترش گردشگری	- عدم استمرار و ثبات در اجرای قوانین ساماندهی دست‌فروشان با وجود الزام به اجرای قوانین	-	- ضد دست‌فروشی، جابه‌جایی دست‌فروشان (ناموفق) - سازگار (در فرآیند)

نام کشور	علل گسترش پدیده دستفروشی	ضعف‌های طرح ساماندهی دستفروشی	قوت‌های طرح ساماندهی دستفروشی	رویکرد ساماندهی
سريلانكا	- بيكاري و فقر مهم‌ترين عامل در شكل‌گيري پديده دستفروشي	- رويكرد قهري شهرداري علي‌رغم به رسميت شناخته شدن دستفروشان توسط دولت - جمع‌آوري دستفروشان توسط شهرداري و معرفي آنان به عنوان عامل مخل در شهر. - وجود تعداد اندكي از مكان‌هاي تعبيه‌شده براي دستفروشي - تعداد زياد دستفروشان - وضعيت بدتر زنان نسبت به مردان.	- همكاري ارگان‌هاي بين‌المللي و مردم نهاد در نظارت بر دستفروشان - وجود اتحاديه براي دفاع از حقوق دستفروشان - مجوز قانوني براي اشتغال در بخش دستفروشي	- ضد دستفروشي، جابه‌جايي دستفروشان (ناموفق) - سازگار (در فرايند)
كرد جنوبی	- سياست‌هاي اقتصادي دولت و ركود اقتصادي - افزايش دستفروشان پس از بحران پولي كشورها - افت شديد در بخش رسمي - از دست دادن شغل بخشي از كارگران بخش رسمي و يا همسران آنها. - بيكاري و فقر مهم‌ترين عامل در شكل‌گيري پديده دستفروشي	- رويكرد قهري دولت - جمع‌آوري دستفروشان توسط شهرداري و آزار و اذيت آنها توسط گانگسترها - عدم به رسميت شناختن دستفروشان به عنوان يك فعاليت قانوني و معرفي آنان به عنوان عامل مخل در شهر. - وجود تعداد اندكي از مكان‌هاي تعبيه‌شده براي دستفروشي	- همكاري ارگان‌هاي بين‌المللي دولتي در نظارت بر دستفروشان - وجود اتحاديه براي دفاع از حقوق دستفروشان - مجوز قانوني براي اشتغال در بخش دستفروشي	- ضد دستفروشي، جابه‌جايي دستفروشان (ناموفق) - سازگار (در فرايند)
ايتاليا	- بيكاري گسترده مهاجران - سياست‌هاي اقتصادي دولت و ركود اقتصادي - افزايش دستفروشان پس از بحران پولي كشور - بيكاري علت اصلي شكل‌گيري دستفروشي - گسترش گردشگري	- جمع‌آوري دستفروشان توسط شهرداري و آزار و اذيت آنها - عدم به رسميت شناختن دستفروشان به عنوان يك فعاليت قانوني و معرفي آنان به عنوان عامل مخل در منظر شهري. - عدم استمرار و ثبات در اجرائي قوانين ساماندهي دستفروشان با وجود الزام به اجرائي قوانين	- مجوز قانوني براي اشتغال در بخش دستفروشي - همكاري ارگان‌هاي دولتي در نظارت بر دستفروشان - انطباق پديده دستفروشي با ذائقه و فرهنگ مردم و عدم تعارض فرهنگي - وجود اتحاديه براي دفاع از حقوق دستفروشان - وجود مشاركت محلي در بين دستفروشان	- ضد دستفروشي، جابه‌جايي دستفروشان (ناموفق) - سازگار (در فرايند)
مالزی	- سياست‌هاي اقتصادي دولت و تحريم‌هاي اقتصادي - افزايش دستفروشان پس از بحران مالي در آسيا	به رسميت شناختن دستفروشي	- برگزاري دوره‌هاي آموزشي براي دستفروشان به منظور ارتقاي كسب‌وكار - زيباسازي منظر شهري و ايجاد مكاني مناسب براي مردم و گردشگران - حمايت دولت از دستفروشان، تأمين مالي و اعطاي اعتبارات نهادي - آموزش مهارت‌هاي كسب‌وكار و مديريت مالي	رويكرد سازگار (موفق)

نتیجه‌گیری

بدرن معماری شاخص و فرسودگی در بافت و...؛ به لحاظ معنایی سبب از بین رفتن تجربه حسی-در فضاهای غنی با کمرنگ شدن فعالیت‌های مختلف با جایگزینی مشاغل کاذب، ایجاد نزاع، تهدید اصالت بافت کهن شهری، در برخی مواقع نیز سبب تقویت و افزایش تعاملات اجتماعی مردم و... می‌شود. از همین رو، در بسیاری از شهرهای دنیا، مکان‌هایی ویژه در قالب طرح‌های ساماندهی دستفروشان شهری برای حضور این دسته از فروشندگان در نظر گرفته شده است. برخی رویکردها، مداراگرانه و برخی قهري هستند. همچنین در برخی کشورها، احزاب در جهت شاننازهای تبلیغاتی، به منظور ساماندهی به دستفروشان و امتیاز دادن به آنها و حمايت از دستفروشان در حد بهره‌برداری شعاري مواردی مطرح می‌کنند، اما خود دستفروشان از این امر هیچ‌گونه مزیت ملموسی دریافت نمی‌کنند. در برخی موارد نیز موفقیت‌هایی، با تمرکز بر رویکرد ساماندهی حاصل می‌شود، اما میزان ضعف‌های طرح‌های ساماندهی بر قوت‌های آنها غالب است. با این حال برای داشتن شهری زیبا، باید ابتدا اقتصاد شهری اصلاح شود. در این صورت، رفتارهای

امروزه پدیده دستفروشی که از جمله مشاغل بخش غیررسمی شهرها است، پدیده‌ای شناخته‌شده در سراسر جهان و در عین حال پیچیده به نظر می‌رسد که اغلب بر اثر سیاست‌های اقتصادی دولت و تحريم‌هاي اقتصادي، بيكاري و فقر، گسترش مهاجران و... به وجود می‌آید. گذشته از مسائل و مشکلات به‌وجودآمده توسط دستفروشان، این دسته از فروشندگان، فرصت‌های ارزشمندی را نیز برای شهر و شهروندان مهیا می‌سازند. ایجاد اشتغال هرچند موقت برای افراد بيكار جامعه و به تبع آن کاهش انحرافات اجتماعي، كاستن فشار اقتصادي بر اقشار كم‌درآمد جامعه و... نمونه‌هایی از این فرصت‌ها هستند. مهم‌ترین مسئله‌ای که بسیاری از شهرها در این رابطه با آن مواجه هستند، مشکل حضور دستفروشان در پیاده‌روهای مراکز شهرهاست که به لحاظ عملکردی منجر به شكل‌گيري خرده‌عملکردهای توزیعی (وسایل آرایشی، میوه‌فروشی، پوشاک و...)، خلق تنوع اقلام و جذابیت آنها برای مردم و...؛ به لحاظ کالبدی موجبات ترافیک پیاده، سواره، ازدحام جمعیت، از بین

تصمیم‌گیران نیز علمی و موشکافانه خواهد بود. در جدول ۳ فصل مشترک می‌گیرد. نمونه‌ها با محوریت عوامل عملکردی، کالبدی و معنایی، مورد اشاره قرار

جدول ۳: دست‌فروشی و منظر شهری در نمونه‌های خارجی

منظر شهری			دست‌فروشی در کشورهای دیگر
عوامل معنایی	عوامل کالبدی	عوامل عملکردی	
<p>- از بین رفتن تجربه حسی در فضاهای غنی با کمرنگ شدن فعالیت‌های مختلف با جایگزینی مشاغل کاذب</p> <p>- تقویت و افزایش تعاملات اجتماعی مردم</p> <p>- ایجاد نزاع‌های خیابانی بین دست‌فروشان و نیروهای دولتی</p> <p>- تهدید اصالت بافت تاریخی شهر</p> <p>- ایجاد صدا و هیاهو</p>	<p>- حمل و نقل کالا با گاری در داخل شهر</p> <p>- شکل‌گیری معابر برای فروش کالا (ترغیب به دست‌فروشی) در چداره خیابان/ ساحل و اختلال در سیستم ارتباطی</p> <p>- تغییر در ارتباطات فضایی - حرکتی به علت سد معبر در حاشیه خیابان</p> <p>- تغییر در سلسله‌مراتب خیابان‌ها/ ساحل و فضاها به علت تغییر در ساختار کارکردی آن</p> <p>- ناهماهنگی برخی تأسیسات مدرن با تاریخی خیابان/ ساحل با پیشه دست‌فروشی</p> <p>- کاهش عرض مفید معابر و تراکم و ازدحام جمعیت</p> <p>- فرسودگی در ساختار معماری خیابان‌ها</p> <p>- تغییر در ظاهر کالبدی خیابان‌ها/ ساحل و فضاها</p> <p>- تخریب کف‌سازی‌ها یا تأکید بر عدم تغییر در فرم کالبدی</p>	<p>- بی‌رونی بخش‌های رسمی علی‌رغم کیفیت مطلوب فضایی به علت تورم و بحران مالی</p> <p>- فرصت ایجاد فعالیت‌های متنوع برای گروه‌های مختلف جمعیتی و ایجاد کاربری‌های جدید برای تداوم دست‌فروشی</p> <p>- ایجاد فضاهایی برای دست‌فروشی در راستای انجام فعالیت‌های مختلف</p> <p>- شکل‌گیری خرده‌عملکردهای توزیعی (وسایل آرایشی، میوه‌فروشی، پوشاک و...)</p> <p>- تنوع اقلام و جذابیت آن‌ها برای مردم</p>	

که فرصت‌های مختلفی را برای فروش در فضای کم فراهم می‌کند. انواع مداخلات برنامه‌ریزی که فضا را برای فروشندگان خیابانی فراهم می‌کند، در سه مورد دسته‌بندی می‌شود: ۱. استفاده از فضای اتفاقی (یا باقی‌مانده) مانند زیر پل‌ها؛ ۲. تخصیص فضای فروش در طرح‌های مسکن و به‌اشتراک‌گذاری فضای زمان (به عنوان مثال: برای بازارهای هفتگی یا یکشنبه)؛ ۳. استفاده از فضاهای پرت برای استفاده دست‌فروشان (مانند فضای زیر پل‌های هوایی که فرصتی مناسب برای جمع‌آوری دست‌فروشان حاشیه خیابان، پیاده‌رو و تغییر بازار به زیر پل هوایی می‌شود که باعث کاهش درگیری‌های ترافیکی می‌شود و به آن‌ها پناه می‌دهد). در زمینه مؤلفه‌های معنایی نیز می‌توان به راهکارهایی همچون درک پیوندها (تدارکات، مشتریان، نقش در سلسله‌مراتب خرده‌فروشی شهری) اشاره داشت (شکل ۳).

در خصوص راهکارهای اجرایی، در زمینه مؤلفه‌های عملکردی؛ طراحی فراگیر کارکردی (اغلب به معنای تأمین جامع خدمات از طریق مدیریت بهینه)، و تأمین دسترسی برای گروه‌های مختلف، توجه به تأمین امکانات لازم، توجه به مقیاس و اندازه فعالیت‌ها، ایجاد امکانات بهداشتی، سیستم جمع زباله و برق و روشنایی (در بیشتر موارد توسط پیمانکاران خصوصی، در قبال دریافت مبلغی ارائه می‌شود)؛ در زمینه مؤلفه‌های کالبدی؛ سکانس‌بندی پیاده‌رو و پیاده‌راه‌ها برای حضور هم‌زمان دست‌فروشان، ماشین‌ها و پیاده‌ها، ایجاد مناطق موقت برای دست‌فروشی، طراحی فراگیر مکانی (اغلب به معنای استفاده بهینه از فضای موجود از طریق مدیریت بهتر فضا یا اشتراک زمانی به عنوان مثال: جمعه بازار)، انطباق نوع بافت با سطح عرضه دست‌فروشان (عرضه در سطح منطقه‌ای، شهری و...، تهیه نقشه تجارت شهری، توجه به مقیاس و اندازه فضاهای فروش، طراحی مشارکتی با فروشندگان خیابانی جهت تأمین ایده‌های نوآورانه در مورد چگونگی حل تعارضات فضایی اشاره داشت. علاوه بر موارد یادشده، در برنامه‌ریزی شهری نوآوری‌هایی را می‌توان مشاهده کرد

درس‌هایی در خصوص ساماندهی دست‌فروشان منطبق بر شاخص‌های منظر شهری		
<p>- طراحی فراگیر کارکردی (اغلب به معنای تأمین جامع کالا و خدمات از طریق مدیریت بهینه، - تأمین دسترسی برای گروه‌های مختلف - توجه به تأمین امکانات لازم - توجه به مقیاس و اندازه فعالیت‌ها - ایجاد امکانات بهداشتی و سیستم جمع زباله - دسترسی مناسب به پارکینگ</p>	کارکردها فعالیت‌ها	مؤلفه عسکردهی
<p>- طراحی فراگیر مکانی (اغلب به معنای استفاده بهینه از فضای موجود از طریق مدیریت بهتر فضا یا اشتراک زمانی به عنوان مثال: جمعه بازار). - به‌اشتراک‌گذاری فضای یک زمان مشخص (به عنوان مثال: برای بازارهای هفتگی)</p>	مکانی تجمع	مؤلفه کالبدی
<p>- انطباق نوع بافت با سطح عرضه دست‌فروشان (عرضه در سطح منطقه‌ای، شهری و...) - تهیه نقشه تجارت شهری - استفاده از فضای اتفاقی (یا باقیمانده) برای استفاد دست‌فروشان (بازار جمالیور (هند))</p>	شهری بافت	
<p>- سکسنس‌بندی پیاده‌رو و پیاده‌راهها برای حضور هم‌زمان دست‌فروشان، ماشین‌ها و پیاده‌ها - ایجاد مناطق موقت برای دست‌فروشی - توجه به مقیاس و اندازه فضاهای فروش - طراحی مشارکتی با فروشندگان خیابانی جهت تأمین ایده‌های نوآورانه در مورد چگونگی حل تعارضات فضایی</p>	شکل فضایی / الگوی فضایی	
<p>- درک پیوندها (تدارکات، مشتریان، نقش در سلسله‌مراتب خریدفروشی شهری) - توجه به خرده فرهنگها و رفتارهای مختلف - برطرف کردن نیازهای اولیه دست‌فروشان در راستای حفظ ارزشهای انسانی - نظارت مسئولان شهرداری و سرکشی چندنوبته آن‌ها در هفته برای مدیریت رفتار فروشندگان</p>	ادراک رفتار /	مؤلفه معنایی

شکل ۳. خلاصه‌ای از راهبردهای اجرایی در خصوص دست‌فروشی و منظر شهری

مشارکت نویسندگان

سهام مشارکت نویسندگان در این مقاله یکسان بوده است.

تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

تشکر و قدردانی

این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان «مطالعه‌ای در تجارب ملی و بین‌المللی ساماندهی دست‌فروشان در زمینه منظر شهری»، به شماره: ۲۸۰-۶/۶/۱۵/۱۴۰۲ (مجریان: دکتر رعنا نجاری نابی و دکتر ناهیده رضائی) انجام پذیرفته در مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر تبریز است. لذا نویسندگان مقاله از تمامی خبرگان و کارشناسان مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر تبریز و ناظر محترم، مهندس مهسا سعیدی مهرباد که در انجام این پژوهش یاری‌گر بودند، تشکر می‌کنند.

پی‌نوشت

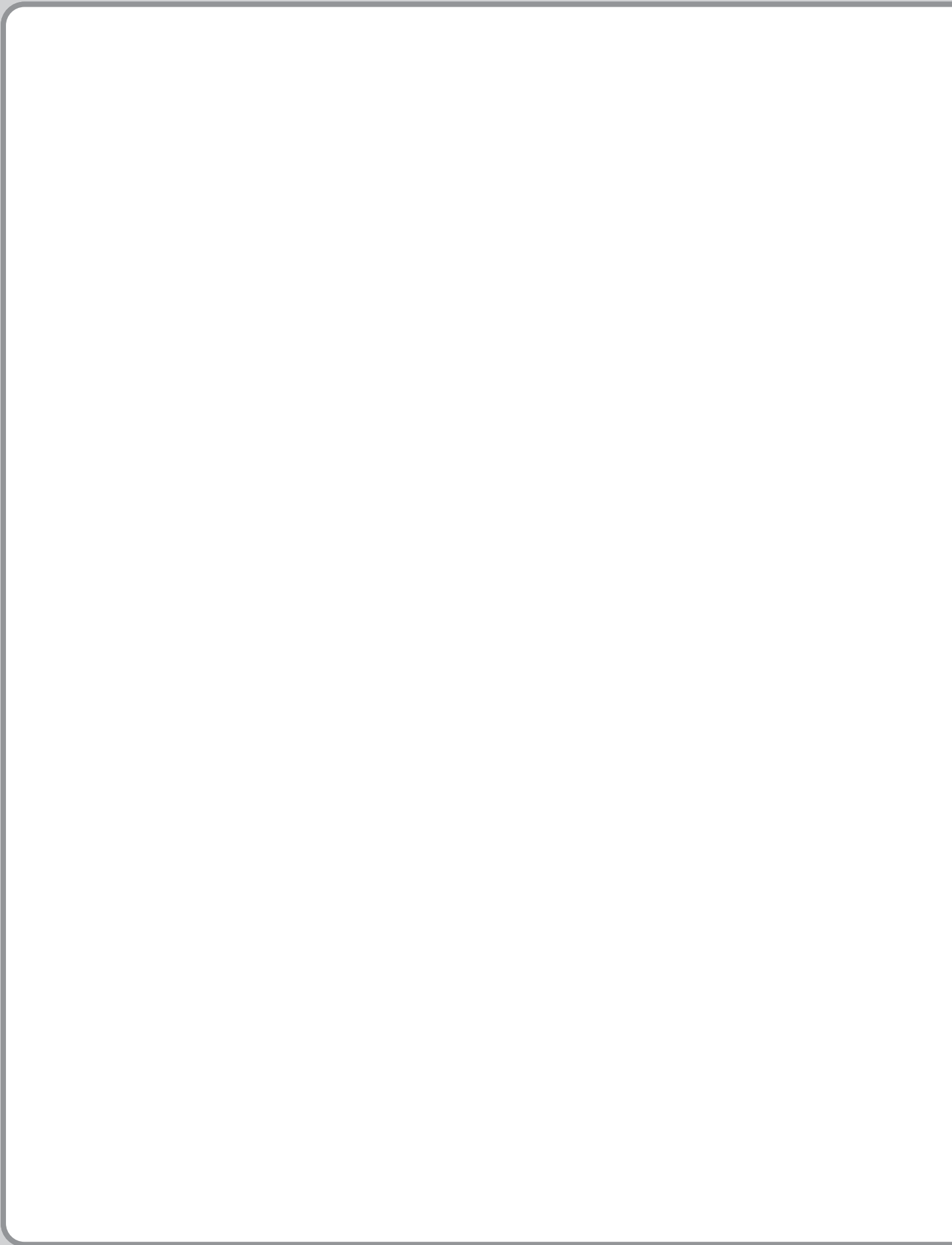
i. آنگاه کنید به
Anheier, H. K, Economic environments and differentiation: A comparative study of informal sector economies in Nigeria, World Development, 1992. Vol 20(11): 1573-1585, [https://doi.org/10.1016/0305-750X\(92\)90015-N](https://doi.org/10.1016/0305-750X(92)90015-N).

ii. ۵۷ درصد کارگران در کره جنوبی، غیر رسمی هستند و از این میزان ۷۰ درصد را زنان و ۶۰ درصد را مردان شکل می‌دهند

- [40] Painter M. The politics of state sector reforms in Vietnam: Contested agendas and uncertain trajectories. *The Journal of Development Studies* 2005; 41(2): 261-83.
- [41] Pill J. Street Vendors and the Dynamics of the Informal Economy: Evidence from Vung Tau. Vietnam, *Asian Social Science* 2010; 6(11): 159-165.
- [42] San Juan RM. *Rome: A City Out of Print* 2001. Minneapolis, MN: University of Minnesota Press.
- [43] Colzi F. Procaccia C. Aspetti socioeconomici della comunità ebraica romana dalle leggi razziali al miracolo economico (1938–1965). In: Roma AS (ed.) *La comunità ebraica di Roma nel secondo dopoguerra: Economia e Società (1945–1965)*. Roma: Camera di Commercio Industria Artigianato e Agricoltura di Roma 2007: 57–76.
- [44] Delvin R.T. Piazzoni F. In the name of history: (De) Legitimising street vendors in New York and Rome. *Urban Studies* 2020; 60 (1): 1-16.
- [45] Urban and regional studies and researches, sixth year, twenty-fourth issue, spring 2014. [In Persian]
- [46] Nasrizal A. Exploring trends in Malaysian Street Food Vendors 2023. Access in <https://semarit.my/exploring-trends-in-malaysian-street-food-vendors/>.

منابع ■

- [1] Azadkhani P. Tahmasbikia Z. Investigating the role and performance of urban furniture in improving the quality of the urban environment and the satisfaction of citizens (Case Study: District 4 of Kermanshah Municipality) 2016; 27: 93-110. DOI: [20.1001.1.22285229.1395.7.27.6.9](https://doi.org/10.1001.1.22285229.1395.7.27.6.9). [In Persian]
- [2] Hajinejad A. Portahari M. Ahmadi A. The effects of commercial tourism on the physical and spatial development of urban areas, a case study: Baneh city. Human Geography Research (Geographic Research) 2010; 1(70): 91-109. [In Persian]
- [3] Donovan M. G. Informal Cities and the Contestation of Public Space: The Case of Bogotá's Street Vendors 1988-2003, Urban Studies 2008; 45(1): 29-51. DOI: [10.1177/00420980070851001988-2003](https://doi.org/10.1177/00420980070851001988-2003).
- [4] Hanser A. Street Politics: Street Vendors and Urban Governance in China. The China Quarterly 2016; 226: 363 – 382. <https://doi.org/10.1017/S0305741016000278>.
- [5] Kudva N. The Everyday and the Episodic: The Spatial and Political Impacts of Urban Informality. Environment and Planning. A 2009; 41(7). <https://doi.org/10.1068/a41101>.
- [6] Onodugo V. A. Ezeadichie N. H. Onwuneme C. A. Anosike A. E. The Dilemma of Managing the Challenges of Street Vending in Public Spaces: The Case of Enugu City, Nigeria. Cities 2016; 59 : 95–101. <http://dx.doi.org/10.1016/j.cities.2016.06.001>.
- [7] Recio R. B. Mateo-Babiano I. Roitman S. Revisiting Policy Epistemologies on Urban Informality: Towards a Post-Dualist View. Cities 2017; 61: 136-143. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2016.08.018>.
- [8] Recio R. B. Gomez J. E. A. Street Vendors, Their Contested Spaces and the Policy Environment: A View from Caloocan, Metro Manila. Environment and Urbanization ASIA 2013; 4(1): 173-190. <https://doi.org/10.1177/0975425313477760>
- [9] Roever S. Skinner C. Street Vendors and Cities, Environment and Urbanization 2016; 28(2). <https://doi.org/10.1177/0956247816653898>.
- [10] Misthos L.M. M. Messaris G. Damigos D. Menegak M. Exploding the Perceived Intrusion of Mining into the Landscape Using the Fuzzy Cognitive Mapping Approach. Ecological Engineering 2017; 101:60-74.
- [11] Europe, Council. O. European Landscape Convention. In Report and Convention 2000.
- [12] Bell P. Content Analysis of Visual Image. In handbook of visual analysis 2001. London: Thousand Oaks: SAGA.
- [13] Appellton J. H. Landscape in the Arts and the Sciences 1980. University of Hull Press.
- [14] Cowan R. The dictionary of urbanism 2005. Wiltshire, England: Streetwise Press.
- [15] Lawenthal D. Past time, present place: Landscape and memory. Journal of Geographical Review 1975; 65: 1-36.
- [16] Vahdat S. Sajjad-Zade H. Karimi-e Moshaver M. Conceptualizing the factors affecting of streetscape to promote the legibility of urban spaces (Case Studies: Hamedan inner city streets). Journal of Urban Studies 2014; 4(15) : 17-36. [In Persian]
- [17] Bromley R. Street Vending and Public Policy: A Global Review. International Journal of Sociology and Social Policy 2000; 20(1/2): 1-28. <https://doi.org/10.1108/01443330010789052>.
- [18] Raghofer H. Why the informal economy is harmful 2011; Shargh newspaper. 107.
- [19] Brown A. Contested Space: Street trading, Public space, and Livelihoods in Developing Cities. Intermediate Technology Publications Ltd 2006; UK: Warwickshire.
- [20] Madanipour A. Public and private spaces of the city 2003; London: Routledge.
- [21] Saha D. Working Life of Street Vendors in Mumbai, The Indian Journal of Labour Economics 2011; 54(2): 301-325.
- [22] Dimas H. Street Vendors Urban Problem and Economic Potential. Center for Economics and Development Studies 2008, Department of Economics, Padjadjaran University Jalan Cimandiri. 6.Indonesia: Bandung.
- [23] Roy A. Urban Informality. Journal of the American Planning Association, Chicago 2005; 147-158.
- [24] URL1:www.google.com [visited on December 2023 ,20]
- [25] Türkiye İstatistik Kurumu. (2021). www.tuik.gov.tr.
- [26] Yildiz M. C. Kent Yaşamının Değişmeyen Marjinalleri: Seyyar Satıcılar ve İşportacılar. Fırat Üniversitesi Sosyal Bilimler Dergisi 2008; 18(2): 343-366.
- [27] Taghizadeh R. Investigating Türkiye's experience in organizing informal street businesses with an emphasis on local markets, Bureau of Economic Studies 2022. [In Persian]
- [28] Kusakabe k. Policy Issues on Street Vending, an Overview of Studies in Thailand, Cambodia and Mongolia and Mongolia 2006, International Labor Office, available at (<http://www.ilo.org>).
- [29] Kusakabe, Kyoko. Policy Issues on Street Vending: An Overview of Studies in Thailand, Cambodia and Mongolia. International Labour Organisation. 2006.
- [30] Razanhan S. Designing a policy model for the organization of street vendors in the metro of Tehran, master's thesis in the field of social work, Allameh Tabatabai University, Faculty of Social Sciences, Spring 2021. [In Persian]
- [31] Lataa L. Waltersa P. Roitmanb S. A marriage of convenience: Street vendors' everyday accommodation of power in Dhaka, Bangladesh. Elsevier 2019; 85 :143-150.
- [32] Israt A. Adam M. From Control Street to Shared Spacs: a Study on the Street Hawking Activities in the Urban Public, Spaces of Dhaka City, Asian Journal of Social Sciences & Humanities 2019; 8(1): 1-14.
- [33] Ahmed I. Johnson G. Urban safety and poverty in Dhaka, Bangladesh: Understanding the structural and institutional linkages. Australian Planner 2013; 51: 272-280. DOI: [10.1080/07293682.2013.837833](https://doi.org/10.1080/07293682.2013.837833).
- [34] Bhowmik K. S. Hawkers in the Urban Informal Sector: A Study of Street Vending in Seven Cities of India'. Conducted by on behalf of National Alliance of Street Vendors of India 2005. www.nasvi.org, www.streetnet.org.
- [35] Bhowmik S.K. Street Vendors in Asia: A Review. Economic and Political Weekly 2005; 40 (22):2256-2264.
- [36] Hansen K.T. Who Rules the Streets? The Politics of Vending Space in Lusaka. Reconsidering informality: perspectives from urban Africa 2004; 62-80.
- [37] Global Policy Network. Zambia: Socio-Economic Issues and Unionization. Accessed 8 April 2011. <http://www.globalpolicynetwork.org>.
- [38] Government of Zambia. The Market and Bus Station Act no. 7 of 2007. Zambia.
- [39] MLGH. <http://www.mlgh.gov.zm/> Accessed 17 May 2011.



residents with their living environment. This issue can hurt both tourist attractions and the satisfaction of residents with their living environment. Therefore, the present research aims to analyze and visualize the state of equity in the distribution and access to joy-generating land uses across Babol City to determine the extent of the inadequacy of access to joy-generating land uses in the spaces of Babol City. Therefore, the present research seeks to answer the following question: What is the state of spatial justice in the distribution and access to joy-generating land uses in Babol City?

Materials and Methods

In terms of its purpose, this research is applied, and in terms of its method, it is descriptive-analytical. The research population includes all joy-generating land uses in Babol City, including restaurants and cafes, museums and historical sites, markets and shopping centers, cultural and religious places, children's parks and playgrounds, sports fields and gyms, parks equipped with sports equipment, and urban wetlands. The theoretical framework of the research has been collected using the documentary and library methods. To analyze the access to joy-generating land uses in Babol City, first, the spatial statistics information related to these land uses has been extracted using the OpenStreetMap (OSM) website and QGIS software and then updated and matched using Google Earth software and field observation. Next, by transferring this information to ArcGIS software and using network analysis and spatial statistics methods, maps of the distribution and access to joy-generating land use in Babol City have been prepared. To perform network analysis, the road network must first be called up in ArcGIS software. Therefore, the road network of Babol City was extracted using the OpenStreetMap website and QGIS software and then called up in ArcGIS software. Next, a Network Dataset file was created based on the shapefile layer of Babol City's road network, and then the Network Analyst extension was activated in ArcGIS software. Access analysis to joy-generating land uses in Babol City was performed using this extension and following route Network Analyst- New Service Area- Load Location- Solve. Additionally, the spatial distribution of joy-generating land uses was examined using the spatial statistics available in the ArcToolbox extension, including the methods of mean center, directional distribution, nearest neighbor mean, and multi-distance spatial cluster analysis in ArcGIS software.

Findings

The results of the network analysis and spatial statistics methods have shown that joy-generating land uses, including restaurants and cafes, museums and historical sites, markets and shopping centers, cultural and religious places,

children's parks and playgrounds, sports fields, and gyms, parks equipped with sports equipment, and urban wetlands, are more concentrated in the city center and inner areas and residents living in the peripheral areas of the city do not have adequate access to these joy-generating land uses. Consequently, residents of the peripheral areas of Babol City compare their living conditions based on their lack of access to joy-generating land uses with the living conditions of residents in the central and inner areas who have better access to these amenities and feel dissatisfied and frustrated with their living conditions. A unique finding of this research is the disparity in access to joy-generating land uses within an urban neighborhood. For instance, Neighborhood 15 has relatively good access to five other joy-generating land uses, even though it has no access to three land uses children's parks and playgrounds, parks equipped with sports equipment, and urban wetlands.

Conclusion

Spatial justice analysis of the distribution and access to joy-generating land uses identifies the opportunities for joy in urban spaces for citizens and by being aware of this, it is possible to create more just and happy cities. This research was conducted in line with the aforementioned goal of analyzing and visualizing the state of justice in the distribution and access to joy-generating land uses across Babol City to reveal the extent of the deficiencies in access to joy-generating land uses in the urban spaces of Babol. The findings of this research contribute to the development of knowledge in the field of identifying joy-generating land uses in urban spaces and also provide a method as a model for examining and analyzing spatial justice in the distribution and access to these land uses. As Montgomery argues in his book 'Happy City: Transforming Our Lives Through Urban Design' (2013), urban management and urban planning can help citizens live healthier and happier lives in cities. In this context, urban management in Babol City should make every effort to improve citizens' access to joy-generating land uses to create a happy city in Babol. In this context, city managers should strive to create and develop joy-generating land uses in the impoverished areas of Babol City as well to eliminate the feelings of deprivation and injustice among citizens living in the marginalized areas of the city and to foster a better sense of well-being regarding their living conditions in the city and to eliminate the feelings of deprivation and injustice in the minds of citizens living in the peripheral areas of the city and have a better feeling about their living conditions in the city, and as a result, will increase their sense of Joy and happiness. Therefore, in planning to create a happy city, creating new joy-generating land uses in the marginalized areas of Babol City is one of the most important actions that should be taken by urban managers and planners.

COPYRIGHTS

©2022 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.



HOW TO CITE THIS ARTICLE

Hasanalizadeh M. Ahadnejad Reveshty M. Meshkini A. Spatial Justice Analysis in the Distribution and Access to joy-generating Land Uses (Case Study: Babol City) . Urban Economics and Planning Vol 5(1):172-185. [In Persian]

DOI: 10.22034/UEP2024.462734.1503



Spatial Justice Analysis in the Distribution and Access to joy-generating Land Uses (Case Study: Babol City)*

Original Article

Milad Hasanalizadeh^{1}, Mohsen Ahadnejad Reveshty², Abolfazl Meshkini³**

1- PhD in Geography and Urban Planning, University of Zanjan, Zanjan, Iran

2- Professor, Department of Geography and Urban Planning, University of Zanjan, Zanjan, Iran

3- Associate Professor, Department of Geography and Urban Planning, University of Tarbiat Modares, Tehran, Iran

ARTICLE INFO

Article History

Received: 2024-06-15

Revised: 2024-06-24

Accepted: 2024-07-01

Keywords

Access

Babol City

Happy City

Joy-Generating Land Uses

Spatial Justice

ABSTRACT

Introduction

The pursuit of happiness is a universal human aspiration, yet it often remains overlooked in urban planning and development, particularly in developing countries. Among the factors contributing to a happy city are planning for leisure management and improving access to recreational land uses, including cinemas, music concerts, sports facilities, parks, and more, across cities. However, in Iran, access to public spaces and opportunities for recreation is limited and these spaces are not equitably distributed across Iranian cities, citizens face challenges in accessing these spaces. This issue contributes to increased stress and anxiety, driving joy and vibrancy away from cities. According to Martin, the government should increase the level of happiness in society by establishing regulatory and adjustment mechanisms, reducing the gap between the rich and the poor, reducing inequality in access to welfare facilities, and creating satisfaction among members of society. Therefore, achieving spatial balance and equity in cities is one of the primary goals of urban planning. A happy city should also allocate space, services, facilities, enjoyment, recreation, and costs fairly to its residents. Large-scale management institutions are responsible for providing the necessary standards for all members of society; thus, creating the necessary conditions for satisfaction and happiness. Urban management influences the vibrancy of citizens through the equitable distribution of joy-generating land uses. Attention to the aspects of spatial justice has a coherent system that consists of various components and elements, and the instability of any of these elements (such as recreational land uses, parks, and green spaces, etc.), affects the entire system. The connection between justice and happiness has been established, and three types of justice: distributive, procedural, and interactional, are interconnected and all three contribute to social happiness, among which the impact of distributive justice on social happiness is greater than the other two types of justice. Therefore, urban management in a happy city should strive to make all facilities and services, especially joy-generating land uses, equitably accessible to all citizens. Therefore, analyzing equitable access to joy-generating land uses at the city level is particularly crucial in developing countries facing systematic inequalities. Moreover, considering that adequate and equitable access to joy-generating land uses is a fundamental principle for creating suitable living conditions in a happy city, and given the limited research on analyzing equitable access to joy-generating land uses in urban spaces, conducting research in this field becomes essential. The Babol City, due to its population growth over the past decades and uncontrolled construction, has experienced injustice in the distribution of public services, including joy-generating land uses, across the city. As a result, access to green spaces and recreational and welfare facilities across the city is highly inadequate. Despite being located in a tourist region, this city does not have enough spaces that bring joy and happiness to both residents and tourists. This problem may stem from the lack of sufficient diversity in recreational and cultural facilities or the lack of diversity in recreational and leisure activities in the city. This issue can hurt both tourist attractions and the satisfaction of

* This article is derived from the doctoral thesis of the first author under the guidance of the second author and the advice of the third author at Zanjan University.

** Corresponding author: milad.hasanalizadeh@znu.ac.ir

تحلیل عدالت فضایی در توزیع و دسترسی به کاربری‌های شادی آفرین (مطالعه موردی: شهر بابل)*

مقاله پژوهشی

میلاذ حسنعلی زاده^{۱*}؛ محسن احدنژاد روشنی^۲؛ ابوالفضل مشکینی^۳

۱- دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران

۲- استاد، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران

۳- دانشیار، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

چکیده

مقدمه

دستیابی به شادی که امروزه هدف همه انسان‌ها است، در همه طرح‌ها و برنامه‌ریزی‌های شهری به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه نادیده گرفته شده است. از جمله عوامل ایجاد شهر شاد، برنامه‌ریزی برای مدیریت اوقات فراغت و بهبود دسترسی به کاربری‌های تفریحی از جمله سینما، کنسرت‌های موسیقی، اماکن ورزشی، بوستان‌ها و... در سطح شهرها است، اما در ایران دسترسی به فضاهای عمومی و فرصت‌های نشاط‌آور محدود است و این فضاها به طور عادلانه در سطح شهرهای ایران توزیع نشده است و شهروندان برای دسترسی به این فضاها مشکلاتی دارند و این عوامل موجب افزایش استرس و اضطراب می‌شود و شادی و نشاط را از شهرها دور می‌کند. مطابق نظر مارتین، دولت باید با ایجاد سازوکارهای تنظیمی و تعدیلی، کاهش فاصله طبقه ثروتمند و فقیر، کاهش نابرابری در استفاده از امکانات رفاهی و ایجاد رضایتمندی در افراد جامعه، سطح شادی در جامعه را افزایش دهد. از این رو، ایجاد تعادل و عدالت فضایی در شهر از اصلی‌ترین اهداف در برنامه‌ریزی شهری به شمار می‌رود.

شهر شاد نیز باید به شیوه‌ای عادلانه به افراد فضا، خدمات، امکانات، لذت، تفریح و هزینه تخصیص دهد. نهادهای کلان مدیریتی موظف هستند استانداردهای لازم را برای همه اعضای جامعه فراهم کنند؛ تا از این طریق، زمینه لازم برای رضایت و شادمانی را موجب شوند. مدیریت شهری از طریق توزیع عادلانه کاربری‌های شاد بر نشاط شهروندان اثرگذار است. توجه به جنبه‌های عدالت فضایی سیستم منسجمی دارد که از اجزا و عناصر گوناگون تشکیل شده و ناپایداری هر یک از این عناصر (مثل کاربری‌های تفریحی، پارک‌ها و فضاهای سبز و...) بر کل مجموعه تأثیرگذار است. ارتباط بین عدالت و شادمانی اثبات شده است و سه نوع عدالت توزیعی، رویه‌ای و مراوده‌ای با یکدیگر در ارتباط بوده و هر سه بر شادمانی اجتماعی مؤثرند که در این میان میزان تأثیر عدالت توزیعی بر شادمانی اجتماعی بیش از دو نوع دیگر عدالت است. از این رو، مدیریت شهری در یک شهر شاد باید تلاش کند تا تمامی امکانات و خدمات به‌ویژه کاربری‌های شادی آفرین به طور عادلانه در دسترس شهروندان قرار گیرد. بنابراین تحلیل دسترسی عادلانه به کاربری‌های شادی آفرین در سطح شهرها به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه که دچار نابرابری سازمان‌یافته‌ای هستند، بسیار ضروری است. همچنین با توجه به اینکه دسترسی کافی و عادلانه به کاربری‌های شادی آفرین اصلی اساسی برای شرایط مناسب زندگی در یک شهر شاد است، و پژوهش‌های علمی در زمینه تحلیل دسترسی عادلانه به کاربری‌های شادی آفرین در فضاهای شهری اندک و محدود است، انجام پژوهش در این زمینه ضرورت پیدا می‌کند.

شهر بابل با توجه به افزایش جمعیت طی دهه‌های گذشته و ساخت‌وسازهای افسارگسیخته، دچار بی‌عدالتی در توزیع خدمات عمومی از جمله کاربری‌های شادی آفرین در سطح شهر شده؛ به طوری که دسترسی به فضاهای سبز و امکانات رفاهی و تفریحی در سطح شهر بسیار نامناسب است. این شهر با توجه به اینکه در یک منطقه گردشگری واقع شده است، به میزان کافی از فضاهایی که باعث شادی

اطلاعات مقاله

تاریخ‌های مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۴/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۱

کلمات کلیدی

دسترسی
شهر بابل
شهر شاد
عدالت فضایی
کاربری‌های شادی آفرین

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول به راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم در دانشگاه زنجان است.

** نویسنده مسئول: milad.hasanalizadeh@znu.ac.ir

اماکن فرهنگی و مذهبی، پارک کودک و فضای بازی، زمین‌ها و سالن‌های ورزشی، پارک مجهز به وسایل ورزشی و تالاب‌های شهری بیشتر در مرکز و نواحی داخلی شهر قرار دارند و شهروندان ساکن در نواحی حاشیه‌ای شهر دسترسی مناسبی به کاربری‌های شادی‌آفرین ندارند. از این‌رو، افراد ساکن در نواحی حاشیه‌ای شهر بابل، شرایط زندگی خود را بر اساس عدم دسترسی به کاربری‌های شادی‌آفرین با شرایط زندگی افراد ساکن در نواحی میانی و داخلی شهر که به کاربری‌های شادی‌آفرین دسترسی مناسب‌تری دارند مقایسه می‌کنند و از شرایط زندگی خود ناراحت و افسرده می‌شوند. نتیجه منحصربه‌فرد این پژوهش، تفاوت در دسترسی به کاربری‌های شادی‌آفرین در یک محله شهری است. به طور مثال محله ۱۵ با وجود اینکه به سه کاربری پارک کودک و فضای بازی، پارک مجهز به وسایل ورزشی و تالاب‌های شهری هیچ‌گونه دسترسی ندارد، به پنج کاربری شادی‌آفرین دیگر دسترسی نسبتاً مناسبی دارد.

نتیجه‌گیری

تحلیل عدالت فضایی در توزیع و دسترسی به کاربری‌های شادی‌آفرین، فرصت‌های شادی در فضاهای شهری را برای شهروندان مشخص می‌کند و با آگاهی از آن می‌توان امکان ایجاد شهرهای عادلانه و شاد را فراهم کرد. این پژوهش در راستای هدف مورد نظر یعنی تحلیل و نمایان کردن وضعیت عدالت در توزیع و دسترسی به کاربری‌های شادی‌آفرین در سطح شهر بابل انجام شده است تا میزان نارسایی در دسترسی به کاربری‌های شادی‌آفرین در فضاهای شهر بابل نمایان شود. نتایج این پژوهش در توسعه دانش در زمینه شناسایی کاربری‌های شادی‌آفرین در فضاهای شهری کاربرد دارد و همچنین روشی به عنوان الگو برای بررسی و تحلیل عدالت فضایی در توزیع و دسترسی به این کاربری‌ها را ارائه می‌دهد. همان‌طور که مونتگمری در کتاب شهر شاد، دگرگون کردن زندگی‌هایمان از طریق طراحی شهری (۲۰۱۳) بیان کرده است، مدیریت شهری و برنامه‌ریزی شهری می‌تواند به شهروندان کمک کند تا زندگی سالم‌تر و شادتری در شهرها داشته باشند. در این زمینه مدیریت شهری در شهر بابل باید تمام تلاش خود را جهت بهبود دسترسی شهروندان به کاربری‌های شادی‌آفرین انجام دهد تا امکان ایجاد شهر شاد در شهر بابل فراهم شود. در این زمینه مدیران شهری باید تلاش کنند تا کاربری‌های شادی‌آفرین را در قسمت‌های فقیرنشین شهر بابل نیز ایجاد کنند و توسعه دهند تا احساس محرومیت و بی‌عدالتی در ذهن شهروندان ساکن در نواحی حاشیه‌ای شهر از بین برود و احساس بهتری نسبت به شرایط زیست خود در شهر داشته باشند و در نتیجه، احساس نشاط و شادی آن‌ها افزایش یابد. بنابراین جهت برنامه‌ریزی برای ایجاد شهر شاد، ایجاد کاربری‌های شادی‌آفرین جدید در نواحی حاشیه‌ای شهر بابل یکی از اقدامات مهمی است که توسط مدیران و برنامه‌ریزان شهری باید انجام شود.

و نشاط مردم و گردشگران می‌شود، برخوردار نیست. این مشکل می‌تواند از نبود تنوع کافی از تجهیزات تفریحی و فرهنگی یا نبود تنوع در فعالیت‌های سرگرمی و تفریحی در شهر ناشی شده باشد. این مسئله می‌تواند تأثیر منفی بر جذب گردشگران و همچنین رضایتمندی مردم محلی از محیط زندگی خود داشته باشد. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر تحلیل و نمایان کردن وضعیت عدالت در توزیع و دسترسی به کاربری‌های شادی‌آفرین در سطح شهر بابل است تا میزان نارسایی در دسترسی به کاربری‌های شادی‌آفرین در فضاهای شهر بابل مشخص شود. از این‌رو، پژوهش حاضر در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است: وضعیت عدالت فضایی در توزیع و دسترسی به کاربری‌های شادی‌آفرین در سطح شهر بابل چگونه است؟

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از نظر هدف از نوع کاربردی و از نظر روش توصیفی - تحلیلی است. جامعه آماری پژوهش تمامی کاربری‌های شادی‌آفرین شامل رستوران و کافه، موزه و آثار باستانی، بازار و مراکز خرید، اماکن فرهنگی و مذهبی، پارک کودک و فضای بازی، زمین‌ها و سالن‌های ورزشی، پارک مجهز به وسایل ورزشی و تالاب‌های شهری در سطح شهر بابل است. مبانی نظری پژوهش با استفاده از روش اسنادی و کتابخانه‌ای گردآوری شده است. برای تحلیل دسترسی به کاربری‌های شادی‌آفرین در شهر بابل ابتدا اطلاعات آمار فضایی مربوط به این کاربری‌ها با استفاده از سایت OpenStreetMap و نرم‌افزار QGIS استخراج شده و سپس با استفاده از نرم‌افزار Google Earth و همچنین مشاهده میدانی، به‌هنگام‌سازی و مطابقت داده شده است. در ادامه با انتقال این اطلاعات به نرم‌افزار ArcGIS و با استفاده از روش‌های تحلیل شبکه و آمار فضایی، نقشه‌های توزیع و دسترسی به کاربری‌های شادی‌آفرین در شهر بابل تهیه شده است. برای انجام تحلیل شبکه ابتدا باید شبکه راه‌های ارتباطی در نرم‌افزار ArcGIS فراخوانی شود. از این‌رو، شبکه راه‌های ارتباطی شهر بابل با استفاده از سایت OpenStreetMap و نرم‌افزار QGIS استخراج و سپس در نرم‌افزار ArcGIS فراخوانی شده است. سپس بر اساس لایه شیپ فایل شبکه راه‌های ارتباطی شهر بابل، فایل Network Dataset ساخته شده و در ادامه افزونه Network Analyst در نرم‌افزار ArcGIS فعال شده است. تحلیل دسترسی به کاربری‌های شادی‌آفرین در شهر بابل با استفاده از این افزونه و با مسیر Network Analyst- New Service Area- Load Location-Solve انجام شده است. همچنین توزیع فضایی کاربری‌های شادی‌آفرین با استفاده از آمار فضایی موجود در افزونه ArcToolBox، شامل روش‌های میانگین مرکزی، توزیع جهت‌دار، میانگین نزدیک‌ترین همسایگی و تحلیل خوشه‌ای فضایی چندفاصله‌ای در نرم‌افزار ArcGIS مورد بررسی قرار گرفته است.

یافته‌ها

نتایج روش‌های تحلیل شبکه و آمار فضایی نشان داده است که کاربری‌های شادی‌آفرین شامل رستوران و کافه، موزه و آثار باستانی، بازار و مراکز خرید،

مقدمه

دستیابی به شادی که امروزه هدف همه انسان‌ها است، در همه طرح‌ها و برنامه‌ریزی‌های شهری به‌ویژه در حال توسعه نادیده گرفته شده است [۱]. از جمله عوامل ایجاد شهر شاد، برنامه‌ریزی برای مدیریت اوقات فراغت و بهبود دسترسی به کاربری‌های تفریحی از جمله سینما، کنسرت‌های موسیقی، اماکن ورزشی، بوستان‌ها و... در سطح شهرها است، اما در ایران دسترسی به فضاهای عمومی و فرصت‌های نشاط‌آور محدود است و این فضاها به طور عادلانه در سطح شهرهای ایران توزیع نشده است و شهروندان برای دسترسی به این فضاها مشکلاتی دارند و این عوامل موجب افزایش استرس و اضطراب می‌شود و شادی و نشاط را از شهرها دور می‌کند [۲]. به طور کلی، بعضی مکان‌ها برای زندگی و کار جذاب‌تر و به‌عکس، فقدان دو مجموعه امکانات طبیعی و امکانات اجتماعی باعث عدم جذابیت و ناراحتی است [۳]. مطابق نظر مارتین، دولت باید با ایجاد سازوکارهای تنظیمی و تعدیلی، کاهش فاصله طبقه ثروتمند و فقیر، کاهش نابرابری در استفاده از امکانات رفاهی و ایجاد رضایتمندی در افراد جامعه، سطح شادی در جامعه را افزایش دهد [۴]. از این‌رو، ایجاد تعادل و عدالت فضایی در شهر از اصلی‌ترین اهداف در برنامه‌ریزی شهری به شمار می‌رود [۵].

وینهوون و کالمیچن [۶] نیز با تأکید بر نقش عدالت در خلق احساس شادی، بر این باور هستند که نمود بیشتر عدالت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در جامعه با میزان شادی و توزیع منصفانه‌تر و بهتر آن بین مردم همراه است. همچنین آلسینا، دیتلا و مک‌کلوج [۷] در تحقیقات خود نابرابری را عامل کاهش شادی در جامعه می‌دانند. شهر شاد نیز باید به شیوه‌های عادلانه به افراد فضا، خدمات، امکانات، لذت، تفریح و هزینه تخصیص دهد [۸]. نهادهای کلان مدیریتی موظف هستند استانداردهای لازم را برای همه اعضای جامعه فراهم کنند؛ تا از این طریق، زمینه لازم برای رضایت و شادمانی را موجب شوند. مدیریت شهری از طریق توزیع عادلانه کاربری‌های شاد بر نشاط شهروندان اثرگذار است [۹]. توجه به جنبه‌های عدالت فضایی دارای سیستم منسجمی است که از اجزا و عناصر گوناگون تشکیل شده و ناپایداری هر یک از این عناصر (مثل کاربری‌های تفریحی، پارک‌ها و فضاهای سبز و...) بر کل مجموعه تأثیرگذار است.

ارتباط بین عدالت و شادمانی اثبات شده است و سه نوع عدالت توزیعی، رویه‌ای و مراددهای با یکدیگر در ارتباط بوده و هر سه بر شادمانی اجتماعی مؤثرند که در این میان میزان تأثیر عدالت توزیعی بر شادمانی اجتماعی بیش از دو نوع دیگر عدالت است [۱۰]. از این‌رو، مدیریت شهری در یک شهر شاد باید تلاش کند تا تمامی امکانات و خدمات به‌ویژه کاربری‌های شادی‌آفرین به طور عادلانه در دسترس شهروندان قرار گیرد. بنابراین تحلیل دسترسی عادلانه به کاربری‌های شادی‌آفرین در سطح شهرها به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه که دچار نابرابری سازمان‌یافته‌ای هستند، بسیار ضروری است. همچنین با توجه به اینکه دسترسی کافی و عادلانه به کاربری‌های شادی‌آفرین اصلی اساسی برای شرایط مناسب زندگی در یک شهر شاد است، و پژوهش‌های علمی در زمینه تحلیل دسترسی عادلانه به کاربری‌های شادی‌آفرین در فضاهای شهری اندک و محدود است، انجام پژوهش در این زمینه ضرورت پیدا می‌کند.

شهر بابل با توجه به افزایش جمعیت طی دهه‌های گذشته و ساخت‌وسازهای افسارگسیخته، دچار بی‌عدالتی در توزیع خدمات عمومی از جمله کاربری‌های شادی‌آفرین در سطح شهر شده است؛ به طوری که دسترسی به فضاهای سبز و امکانات رفاهی و تفریحی در سطح شهر بسیار نامناسب است. این شهر با توجه به اینکه در یک منطقه گردشگری واقع شده است، به میزان کافی از فضاهایی که باعث شادی و نشاط مردم و گردشگران می‌شود، برخوردار نیست. این مشکل می‌تواند از نبود تنوع کافی از تجهیزات تفریحی و فرهنگی یا نبود تنوع در فعالیت‌های سرگرمی و تفریحی در شهر ناشی شده باشد. این مسئله می‌تواند تأثیر منفی بر جذب گردشگران و همچنین رضایتمندی مردم

محلی از محیط زندگی خود داشته باشد. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر تحلیل و نمایان کردن وضعیت عدالت در توزیع و دسترسی به کاربری‌های شادی‌آفرین در سطح شهر بابل است تا میزان نارسایی در دسترسی به کاربری‌های شادی‌آفرین در فضاهای شهر بابل مشخص شود. از این‌رو پژوهش حاضر در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است: وضعیت عدالت فضایی در توزیع و دسترسی به کاربری‌های شادی‌آفرین در سطح شهر بابل چگونه است؟

مبانی نظری

مفهوم شهر شاد برای اولین بار در سال ۲۰۱۳ توسط چارلز مونتگمری، روزنامه‌نگار و شهرساز کانادایی، در کتاب شهر شاد، دگرگون کردن زندگی‌هایمان از طریق طراحی شهری مطرح شد [۸]. شهر شاد، شهری با کیفیت زندگی بالا است که نتیجه تأمین نیازهای ساکنان به بهترین شکل است [۱۱]. شادی یک مفهوم جمعی است که همه عناصر سیستم شهر را در بر می‌گیرد [۱۲]. کاربری‌های شهری نیز شادی شهروندان را تحت تأثیر قرار می‌دهند [۱۳]. وقتی صحبت از شادی در شهر می‌شود، در واقع شهر زنده به ذهن متبادر می‌شود که از سه بعد قابل تأمل است. نخست از منظر دسترسی شهری؛ یعنی شهری زنده است که شهروندان بتوانند به‌آسانی به زیرساخت‌های شهری دسترسی داشته باشند، دوم آنکه عدالت یا همان انصاف در شهر دیده شود و سوم آنکه مشارکت شهروندان در امور شهری شکل گیرد [۱۴]. بنابراین بهبود شرایط عینی مثل دسترسی به کاربری‌های شادی‌آفرین به شادی بیشتر شهروندان منجر خواهد شد [۱۵].

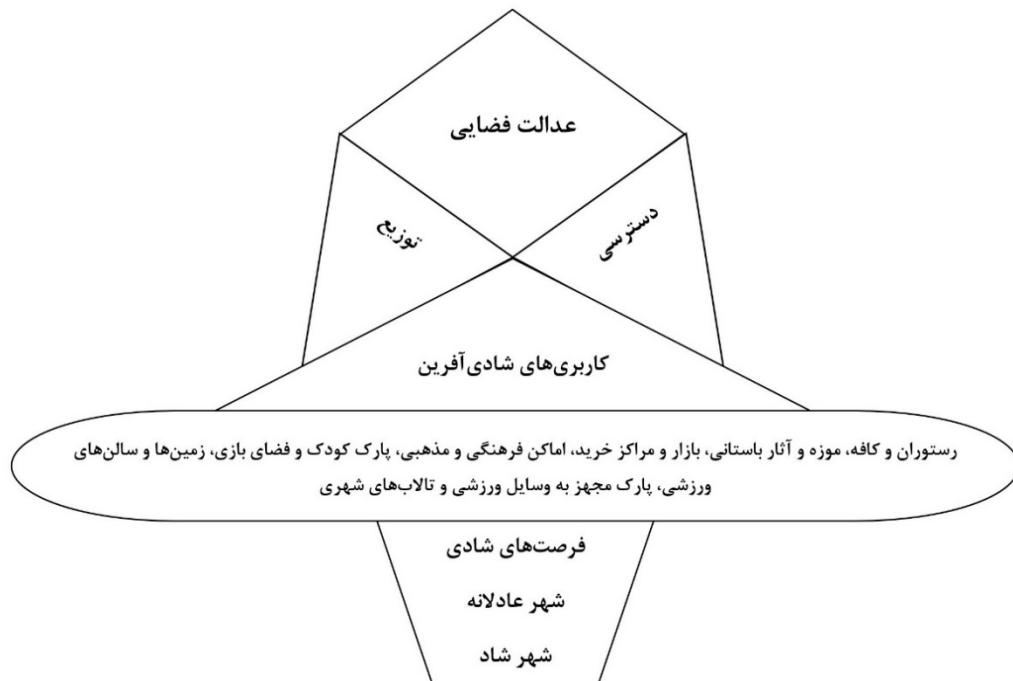
جمیل صلیبا معتقد است که شادمانی به معنای خشنودی از دستاوردهای زندگی است و عدالت اجتماعی دارای سه بُعد عدالت توزیعی، عدالت رویه‌ای و عدالت مراددهای است که هر یک بر میزان خشنودی از دستاوردهای زندگی و شادمانی تأثیرگذارند. از این‌رو، در بحث از شادمانی و شناسایی تأثیر عدالت اجتماعی بر آن، به عدالت توزیعی که همان توزیع عادلانه فرصت‌های آموزشی و اجتماعی، ثروت و منابع، حقوق و مزایا و پاداش‌ها بین افراد جامعه است و عدالت رویه‌ای که عبارت است از: وجود عدالت در رویه‌ها و فراگردهای اجتماعی و عدالت مراددهای که رعایت انصاف در ارتباط‌ها و مراددهای اجتماعی است، به مثابه قسمت اصلی عدالت اجتماعی پرداخته می‌شود [۱۰].

به اعتقاد دیوید هاروی، عدالت اجتماعی به معنای تخصیص منابع اضافی به گروه‌هایی که نیازمند خدمات بیشتری هستند و یا تقبل مخارج بیشتر به نواحی پرخطر جهت کاهش خطرات اجتماعی است [۱۶]. شهروندان به دنبال سکونت در مناطق شادتر در سطح شهرها هستند. بنابراین، رابطه معنادار و مثبتی بین شادی شهروندان و دامنه دسترسی آن‌ها به خدمات فرهنگی، تفریحی و ورزشی وجود دارد [۱۷-۲۰]. از این‌رو، این خدمات باید به طور عادلانه در سطح شهرها توزیع شوند. طرح شهر شاد، با تمرکز بر ایجاد شهری عادلانه، نه تنها به نفع فقرا است، بلکه زندگی را برای تقریباً همه شهروندان بهتر می‌کند. در یک شهر شاد، توزیع فرصت‌های اوقات فراغت عادلانه انجام می‌شود تا رضایت شهروندان از سکونت و زندگی در محیط شهری حاصل شود. برای ایجاد عدالت باید مناطقی از شهرها که دچار بی‌عدالتی شده‌اند، به طور گسترده با طراحی و پیکربندی فضایی مجدد اصلاح شوند. در صورت تحقق عوامل یادشده، اوقات فراغت، شادی و رضایت از زندگی در بین مردم افزایش می‌یابد.

اگر کیفیت فضاهای شهری افزایش یابد و مراسم و رویدادهای فرهنگی در شهرها برگزار شود، نشاط مردم، رضایت از محیط شهری، حضور و مشارکت مردم در جامعه، تعاملات مثبت بین شهروندان و پایداری اجتماعی افزایش می‌یابد. در این شرایط دسترسی عادلانه ساکنان به امکانات شهری بر کیفیت زندگی ساکنان می‌افزاید و از به وجود آمدن تبعیضات و چندقطبی شدن مناطق شهری جلوگیری می‌کند. در این راستا، کاربری‌های شادی‌آفرین از جمله رستوران و کافه، موزه و آثار باستانی، بازار و مراکز خرید، اماکن فرهنگی و مذهبی، پارک کودک و فضای بازی، زمین‌ها و سالن‌های ورزشی، پارک

با استفاده از تحلیل عدالت فضایی در توزیع و دسترسی به کاربری‌های شادی آفرین، می‌توان فرصت‌های شادی را به صورت عادلانه برای شهروندان فراهم کرد تا امکان ایجاد شهرهای عادلانه و شاد فراهم شود.

مجهز به وسایل ورزشی و تالاب‌های شهری با افزایش سلامت جسمی و روانی شهروندان، به تضمین شادی شهروندان کمک می‌کند. این کاربری‌ها افزایش بیشتر رفاه و در نتیجه شادی را از طریق افزایش فرصت‌های شادی در سطح شهرها پیگیری می‌کنند [۸]. همان‌طور که در شکل ۱ مشاهده می‌شود،



شکل ۱. چارچوب نظری پژوهش

موضوع است. در ادامه خلاصه تعدادی از پژوهش‌هایی که از نظر محتوایی به موضوع پژوهش حاضر نزدیک هستند، در جدول ۱ ارائه می‌شود.

پیشینه پژوهش

در زمینه تحلیل عدالت فضایی در توزیع و دسترسی به کاربری‌های شادی آفرین تا کنون پژوهشی انجام نشده و نقطه عطف پژوهش حاضر نیز نوآوری در

جدول ۱. خلاصه مطالعات انجام‌گرفته در زمینه موضوع پژوهش

پژوهشگران	سال	عنوان	نتیجه
آرال و باکر [۲۱]	۲۰۲۴	تحلیل فضایی شادی	کشورهای شاد و ناشاد در مناطق خاصی متمرکز شده‌اند. جغرافیا عاملی است که در بررسی رابطه بین متغیرهای اقتصادی و شادکامی باید در نظر گرفته شود.
گراو رونیوز و همکاران [۲۲]	۲۰۲۴	شادی فضای باز نیروزی: سهم فضاهای باز مسکونی و اوقات فراغت فعال در رفاه ذهنی در سطح جمعیت ملی در آغاز و طی پاندمی کووید-۱۹	نزدیکی به مناطق تفریحی و پیاده‌روی برای داشتن فعالیت بدنی در اوقات فراغت و شادکامی مؤثر است.
بالاس [۲۳]	۲۰۲۱	جغرافیای اقتصادی شادی	اهمیت عوامل زمینه‌ای جغرافیایی و اجتماعی-اقتصادی مربوط به شادی را با تأکید ویژه بر تأثیر نابرابری‌های اجتماعی و فضایی و عدالت اجتماعی برجسته می‌کند.
کرکل و همکاران [۲۴]	۲۰۱۶	سبزتر، شادتر؟ تأثیر کاربری زمین شهری بر رفاه مسکونی	دسترسی به مناطق سبز شهری، مانند باغ‌ها و پارک‌ها، ارتباط مثبتی با شادی دارد، در حالی که دسترسی به مناطق رهاشده، مانند زباله‌ها یا زمین‌های بایر، با شادی ارتباط منفی دارد.
جهانی دولت‌آباد و محمدی [۲۵]	۲۰۲۳	تبیین شهر شاد از منظر شهروندان شهر اردبیل	مناطق مختلف شهر اردبیل به طور یکسان از شاخص‌های شهر شاد برخوردار نیستند و از این منظر تفاوت‌هایی بین مناطق مشهود است.
مهابادی و مختارزاده [۲۶]	۲۰۲۲	تحلیل و ارزیابی شهر شاد در شهر جدید فولادشهر در راستای پایداری محلات شهری	محله‌های فولادشهر به طور نابرابر از شاخص‌های شهر شاد برخوردارند.

پژوهشگران	سال	عنوان	نتیجه
سجادیان و دامن باغ [۲۷]	۲۰۲۱	تحلیل جغرافیایی نقش مکان بر احساس نشاط شهروندان اهواز بر اساس شهر شاد	بین محله‌های اهواز، از نظر وجود فضاهای نشاط‌آفرین و اثرگذاری این فضاها بر احساس نشاط شهروندان تفاوت و جدایی‌گزینی فضایی وجود دارد و الگوی توزیع فضاهای نشاط در بین این محله‌ها عدالت‌محور نیست.
میرزایی و زنگی‌آبادی [۲۸]	۲۰۲۰	تحلیل فضایی شاخص‌های گردشگری و توسعه شهری با رویکرد شهر شاد (مطالعه موردی: کلان‌شهر شیراز)	در توزیع کاربری‌های مختلف در شهر شیراز عدالت رعایت نشده و بیشتر کاربری‌ها در برخی مناطق شهری متمرکز شده‌اند.

فراخوانی شده است. سپس بر اساس لایه شیب فایل شبکه راه‌های ارتباطی شهر بابل، فایل Network Dataset ساخته شده است و در ادامه افزونه Network Analyst در نرم‌افزار ArcGIS فعال شده است. تحلیل دسترسی به کاربری‌های شادی‌آفرین در شهر بابل با استفاده از این افزونه و با مسیر انجام شده است. همچنین توزیع فضایی کاربری‌های شادی‌آفرین با استفاده آمار فضایی موجود در افزونه ArcToolBOX، شامل روش‌های میانگین مرکزی، توزیع جهت‌دار، میانگین نزدیک‌ترین همسایگی و تحلیل خوشه‌های فضایی چندفاصله‌ای در نرم‌افزار ArcGIS مورد بررسی قرار گرفته است.

توزیع جهت‌دار که به بیضی انحراف استاندارد نیز معروف است، نشان می‌دهد آیا توزیع عوارض جغرافیایی در فضا به صورتی جهت‌دار صورت گرفته‌اند یا خیر. میانگین مرکزی نیز مشخص‌کننده عارضه‌ای است که با توجه به الگوی توزیع داده‌ها در کانون هندسی و مرکز ثقل شهر قرار می‌گیرد. ابزار میانگین نزدیک‌ترین همسایگی ابتدا فاصله بین نقطه مرکزی هر عارضه را با نقطه مرکزی نزدیک‌ترین همسایه‌اش اندازه‌گیری کرده، سپس میانگین تمامی این نزدیک‌ترین همسایگی‌ها را محاسبه می‌کند. اگر میانگین فاصله محاسبه‌شده از میانگین توزیع تصادفی فرضی کمتر باشد، توزیع پدیده مورد بررسی در فضا به صورت خوشه‌ای و اگر بزرگ‌تر باشد، به صورت پراکنده است. ابزار تحلیل خوشه‌های فضایی چندفاصله‌ای، نشان می‌دهد وضعیت خوشه‌بندی عوارض در فواصل مختلف جغرافیایی چگونه است. در خروجی نموداری این ابزار، در صورتی که منحنی نتایج مشاهده‌شده بالاتر از منحنی نتایج مورد انتظار قرار گیرد، الگوی توزیع خوشه‌ای و پایین‌تر باشد الگوی توزیع پراکنده است [۲۹]. نمودار فرایند انجام پژوهش در شکل ۲ ارائه شده است.

نقطه عطف پژوهش حاضر نوآوری در موضوع است. از دیگر نوآوری‌های پژوهش، ارائه و تبیین ۸ کاربری به عنوان کاربری‌های شادی‌آفرین در فضاهای شهری، استفاده از روش تحلیل شبکه برای تعیین شعاع دسترسی به کاربری‌های شادی‌آفرین و همچنین، استفاده از روش‌های میانگین مرکزی، توزیع جهت‌دار، میانگین نزدیک‌ترین همسایگی و تحلیل خوشه‌های فضایی چندفاصله‌ای برای بررسی توزیع کاربری‌های شادی‌آفرین است.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از نظر هدف از نوع کاربردی و از نظر روش توصیفی - تحلیلی است. جامعه آماری پژوهش تمامی کاربری‌های شادی‌آفرین شامل رستوران و کافه، موزه و آثار باستانی، بازار و مراکز خرید، اماکن فرهنگی و مذهبی، پارک کودک و فضای بازی، زمین‌ها و سالن‌های ورزشی، پارک مجهز به وسایل ورزشی و تالاب‌های شهری در سطح شهر بابل است. مبانی نظری پژوهش با استفاده از روش اسنادی و کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

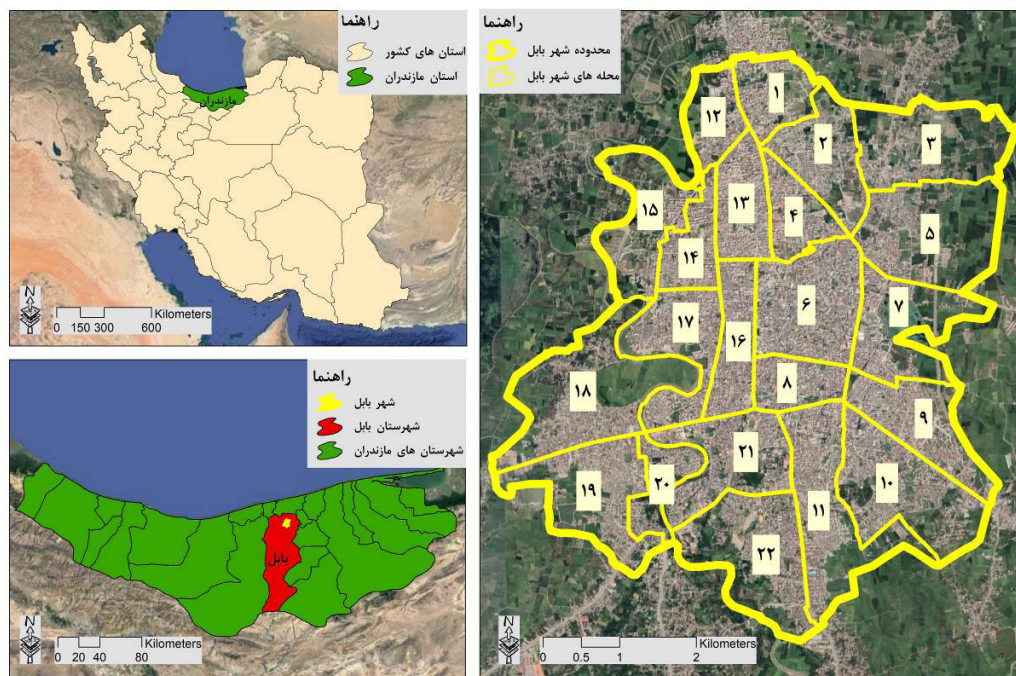
برای تحلیل دسترسی به کاربری‌های شادی‌آفرین در شهر بابل در ابتدا اطلاعات آمار فضایی مربوط به این کاربری‌ها با استفاده از سایت OpenStreetMap و نرم‌افزار QGIS استخراج شده است و سپس با استفاده از نرم‌افزار Google Earth و همچنین مشاهده میدانی، به‌هنگام‌سازی و مطابقت داده شده است. در ادامه با انتقال این اطلاعات به نرم‌افزار ArcGIS و با استفاده از روش‌های تحلیل شبکه و آمار فضایی، نقشه‌های توزیع و دسترسی به کاربری‌های شادی‌آفرین در شهر بابل تهیه شده است. برای انجام تحلیل شبکه ابتدا باید شبکه راه ارتباطی در نرم‌افزار ArcGIS فراخوانی شود. از این‌رو، شبکه راه‌های ارتباطی شهر بابل با استفاده از سایت OpenStreetMap و نرم‌افزار QGIS استخراج و سپس در نرم‌افزار ArcGIS



شکل ۲. فرایند انجام پژوهش

منطقه و ۲۲ محله شهری تقسیم می‌شود [۱۲].

محدوده پژوهش، شهر بابل در استان مازندران است. جمعیت این شهر در سال ۱۳۹۵، ۲۵۰۲۱۷ نفر بوده است. مساحت این شهر ۳۰۳۶ هکتار است که به دو



شکل ۳. موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه

حاشیه‌ای به‌ویژه در شمال شرقی، غرب و جنوب شهر قرار دارند. میانگین مرکزی که مرکز ثقل رستوران‌ها و کافه‌ها را در شهر بابل نشان می‌دهد، در مرکز شهر و در بین محله‌های ۶ و ۱۶ قرار گرفته است. نتایج توزیع جهت‌دار نیز نشان می‌دهد رستوران‌ها و کافه‌ها دارای توزیع شمالی - جنوبی در سطح شهر هستند. بر اساس نتایج میانگین نزدیک‌ترین همسایگی و تحلیل خوشه‌ای فضایی چندفاصله‌ای، رستوران‌ها و کافه‌ها با الگوی خوشه‌ای در سطح شهر بابل توزیع شده‌اند.

مطابق نقشه دسترسی به کاربری موزه و آثار باستانی (۱۹ مورد)، ۲۱۳۵۶۴۰۰ متر مربع از مساحت شهر (۶۵/۰۵ درصد از مساحت شهر) در شعاع دسترسی به موزه و آثار باستانی قرار گرفته‌اند که بیشتر در نواحی مرکزی و میانی شهر قرار دارند. ۳۴/۹۵ درصد دیگر از مساحت شهر که به موزه و آثار باستانی دسترسی ندارند، بیشتر در نواحی حاشیه‌ای به‌ویژه در شرق، غرب و جنوب شهر قرار دارند. میانگین مرکزی که مرکز ثقل موزه و آثار باستانی را در شهر بابل نشان می‌دهد، در مرکز شهر و در محله ۶ واقع شده است. نتایج توزیع جهت‌دار نیز نشان می‌دهد موزه و آثار باستانی دارای توزیع شمالی - جنوبی در سطح شهر هستند. بر اساس نتایج میانگین نزدیک‌ترین همسایگی، موزه‌ها و آثار باستانی با الگوی پراکنده در سطح شهر توزیع شده‌اند. بر اساس نتایج تحلیل خوشه‌ای فضایی چندفاصله‌ای، موزه‌ها و آثار باستانی در فاصله‌های کوتاه‌تر (زیر ۱۱۷۰ متر) دارای الگوی توزیع خوشه‌ای و در فاصله‌های بلندتر (بالتر از ۱۱۷۰ متر)، دارای الگوی توزیع پراکنده در سطح شهر هستند.

مطابق نقشه دسترسی به کاربری بازار و مراکز خرید (۴۸ مورد)، ۳۳۳۷۰۱۸ متر مربع از مساحت شهر (۷۲/۳ درصد از مساحت شهر) در شعاع دسترسی به بازار و مراکز خرید قرار گرفته‌اند که بیشتر در نواحی داخلی و میانی شهر قرار دارند. ۲۷/۷ درصد دیگر از مساحت شهر که به موزه و آثار باستانی دسترسی ندارند، بیشتر در نواحی حاشیه‌ای به‌ویژه در شمال، شمال شرقی، غرب و جنوب

یافته‌ها

کاربری‌های شادی‌آفرین مورد بررسی شامل ۸ کاربری رستوران و کافه (کد ۱)، موزه و آثار باستانی (کد ۲)، بازار و مراکز خرید (کد ۳)، اماکن فرهنگی و مذهبی (کد ۴)، پارک کودک و فضای بازی (کد ۵)، زمین‌ها و سالن‌های ورزشی (کد ۶)، پارک مجهز به وسایل ورزشی (کد ۷) و تالاب‌های شهری (کد ۸) در سطح شهر بابل است.

ابتدا مقیاس کاربری‌ها و شعاع دسترسی آن‌ها مشخص شده است. شعاع دسترسی به کاربری رستوران و کافه (مقیاس محله)، به طور میانگین ۴۰۰ متر، به کاربری موزه و آثار باستانی (مقیاس شهری) به طور میانگین ۲۰۰۰ متر، به کاربری بازار و مراکز خرید (مقیاس شهری) به طور میانگین ۲۰۰۰ متر، به کاربری اماکن فرهنگی و مذهبی (مقیاس محله) به طور میانگین ۴۰۰ متر، به کاربری پارک کودک و فضای بازی (مقیاس محله) به طور میانگین ۴۰۰ متر، به کاربری زمین‌ها و سالن‌های ورزشی (مقیاس ناحیه) به طور میانگین ۱۶۰۰ متر (۳۰)، به کاربری پارک مجهز به وسایل ورزشی (از نظر آژانس محیط زیست اروپا) به طور میانگین ۱۰۰۰ متر [۵] و به کاربری تالاب‌های شهری (مقیاس شهری) به طور میانگین ۳۰۰۰ متر در نظر گرفته شده است.

سپس دسترسی شبکه برای این کاربری‌ها انجام و در شکل ۴ ارائه شده است. نتایج روش‌های میانگین مرکزی و توزیع جهت‌دار نیز در شکل ۴، نتایج روش میانگین نزدیک‌ترین همسایگی در شکل ۵ و نتایج روش تحلیل خوشه‌ای فضایی چندفاصله‌ای در شکل ۶ ارائه شده است. مطابق نقشه دسترسی به کاربری رستوران و کافه (۱۸۸ مورد)، ۱۴۹۰۸۱۴۹ متر مربع از مساحت شهر (۴۵/۴۱ درصد از مساحت شهر) در شعاع دسترسی به رستوران و کافه قرار گرفته‌اند که بیشتر در نواحی مرکزی و میانی شهر قرار دارند. ۵۴/۵۹ درصد دیگر از مساحت شهر که به رستوران و کافه دسترسی ندارند، بیشتر در نواحی

شهر قرار دارند.

میانگین مرکزی که مرکز ثقل بازار و مراکز خرید را در شهر بابل نشان می‌دهد، در مرکز شهر و در بین محله‌های ۶ و ۸ واقع شده است. نتایج توزیع جهت‌دار نیز نشان می‌دهد بازار و مراکز خرید در سطح شهر دارای توزیع دایره‌ای شکل است و حالت بیضوی و جهت‌دار ندارد. بر اساس نتایج میانگین نزدیک‌ترین همسایگی، بازار و مراکز خرید دارای الگوی توزیع تصادفی و بر اساس نتایج تحلیل خوشه‌ای فضایی چند فاصله‌ای، دارای الگوی توزیع خوشه‌ای در سطح شهر هستند.

مطابق نقشه دسترسی به کاربری اماکن فرهنگی و مذهبی (۱۱۱ مورد)، ۱۴۷۹۰۹۰۰ متر مربع از مساحت شهر (۴۵/۰۵ درصد از مساحت شهر) در شعاع دسترسی به اماکن فرهنگی و مذهبی قرار گرفته‌اند که بیشتر در نواحی داخلی و مرکز شهر قرار دارند. ۵۴/۹۵ درصد دیگر از مساحت شهر که به اماکن فرهنگی و مذهبی دسترسی ندارند، بیشتر در نواحی حاشیه‌ای به‌ویژه در شرق، غرب و جنوب شهر قرار دارند. میانگین مرکزی که مرکز ثقل اماکن فرهنگی و مذهبی را در شهر بابل نشان می‌دهد، در مرکز شهر و در محله ۶ قرار گرفته است. نتایج توزیع جهت‌دار نیز نشان می‌دهد اماکن فرهنگی و مذهبی دارای توزیع شمالی - جنوبی در سطح شهر هستند. بر اساس نتایج میانگین نزدیک‌ترین همسایگی و تحلیل خوشه‌ای فضایی چندفاصله‌ای، اماکن فرهنگی و مذهبی با الگوی خوشه‌ای در سطح شهر توزیع شده‌اند.

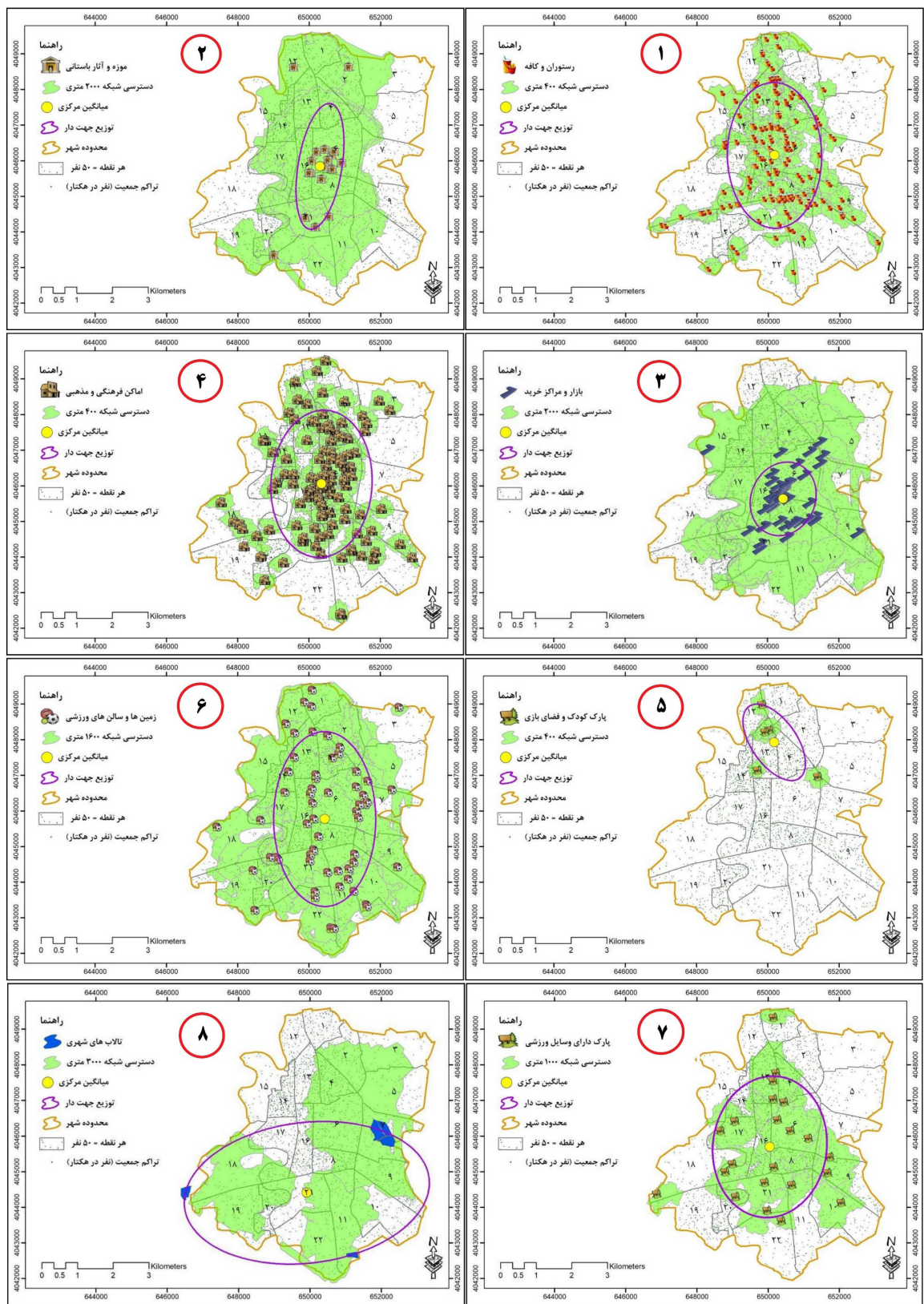
مطابق نقشه دسترسی به کاربری پارک کودک و فضای بازی (۵ مورد)، ۱۱۶۵۰۷۰ متر مربع از مساحت شهر (۳/۵۵ درصد از مساحت شهر) در شعاع دسترسی به پارک کودک و فضای بازی قرار گرفته‌اند که در نواحی شمالی شهر قرار دارند و ۹۶/۴۵ درصد دیگر از مساحت شهر (بیشتر در نواحی شمال شرقی، مرکز، جنوب و غرب شهر) به پارک کودک و فضای بازی دسترسی ندارند. میانگین مرکزی که مرکز ثقل کاربری پارک کودک و فضای بازی را در شهر بابل نشان می‌دهد، در شمال شهر و در بین محله‌های ۴ و ۱۳ قرار گرفته است. نتایج توزیع جهت‌دار نیز نشان می‌دهد کاربری پارک کودک و فضای بازی دارای توزیع شمال غربی - جنوب شرقی در سطح شهر است. بر اساس نتایج میانگین نزدیک‌ترین همسایگی، پارک کودک و فضای بازی با الگوی پراکنده در سطح شهر توزیع شده‌اند. بر اساس نتایج تحلیل خوشه‌ای فضایی چندفاصله‌ای، پارک کودک و فضای بازی در فاصله ۱۶۰ تا ۳۲۰ متر دارای الگوی توزیع خوشه‌ای و در فاصله زیر ۱۶۰ متر و بالای ۳۲۰ متر دارای الگوی توزیع پراکنده در سطح شهر هستند.

مطابق نقشه دسترسی به کاربری زمین‌ها و سالن‌های ورزشی (۶۰ مورد)، ۲۸۹۸۹۴۰۰ متر مربع از مساحت شهر (۸۸/۳ درصد از مساحت شهر) در شعاع

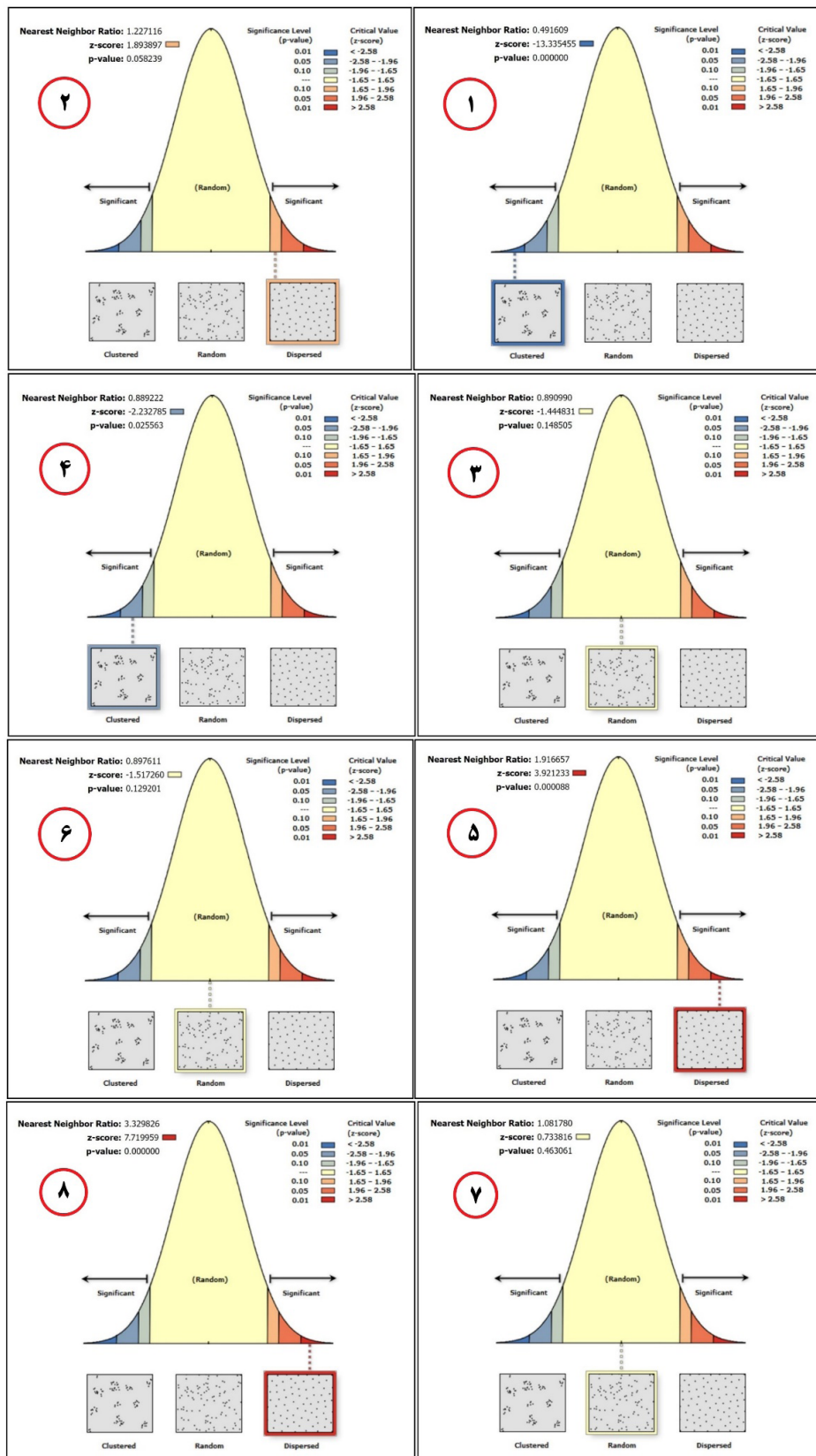
دسترسی به زمین‌ها و سالن‌های ورزشی قرار گرفته‌اند که همه قسمت‌های شهر به غیر از شمال شرق و قسمتی از غرب شهر را پوشش می‌دهند و ۱۱/۷ درصد دیگر از مساحت شهر (شمال شرق و قسمتی از غرب شهر) به زمین‌ها و سالن‌های ورزشی دسترسی ندارند. میانگین مرکزی که مرکز ثقل کاربری زمین‌ها و سالن‌های ورزشی را در شهر بابل نشان می‌دهد، در مرکز شهر و در بین محله‌های ۶ و ۸ قرار گرفته است. نتایج توزیع جهت‌دار نیز نشان می‌دهد زمین‌ها و سالن‌های ورزشی دارای توزیع شمالی - جنوبی در سطح شهر هستند. بر اساس نتایج میانگین نزدیک‌ترین همسایگی، زمین‌ها و سالن‌های ورزشی با الگوی تصادفی و بر اساس نتایج تحلیل خوشه‌ای فضایی چند فاصله‌ای، با الگوی توزیع خوشه‌ای در سطح شهر توزیع شده‌اند.

مطابق نقشه دسترسی به کاربری پارک مجهز به وسایل ورزشی (۲۲ مورد)، ۱۴۱۵۸۴۰۰ متر مربع از مساحت شهر (۴۳/۱۳ درصد از مساحت شهر) در شعاع دسترسی به پارک مجهز به وسایل ورزشی قرار گرفته‌اند که بیشتر نواحی مرکزی و داخلی شهر را پوشش می‌دهند و ۵۶/۸۷ درصد دیگر از مساحت شهر (شمال شرقی، شمال غربی، قسمت‌هایی از شرقی، قسمت‌هایی از غرب و جنوب شهر) به پارک مجهز به وسایل ورزشی دسترسی ندارند. میانگین مرکزی که مرکز ثقل کاربری پارک مجهز به وسایل ورزشی را در شهر بابل نشان می‌دهد، در مرکز شهر و در بین محله‌های ۶ و ۸ واقع شده است. نتایج توزیع جهت‌دار نیز نشان می‌دهد کاربری پارک مجهز به وسایل ورزشی دارای توزیع شمالی - جنوبی در سطح شهر است. بر اساس نتایج میانگین نزدیک‌ترین همسایگی، کاربری پارک مجهز به وسایل ورزشی با الگوی تصادفی و بر اساس نتایج تحلیل خوشه‌ای فضایی چندفاصله‌ای، در فاصله ۰ تا ۵۵۰ متر با الگوی توزیع پراکنده و در فاصله بیشتر از ۵۵۰ متر با الگوی توزیع تصادفی در سطح شهر توزیع شده است.

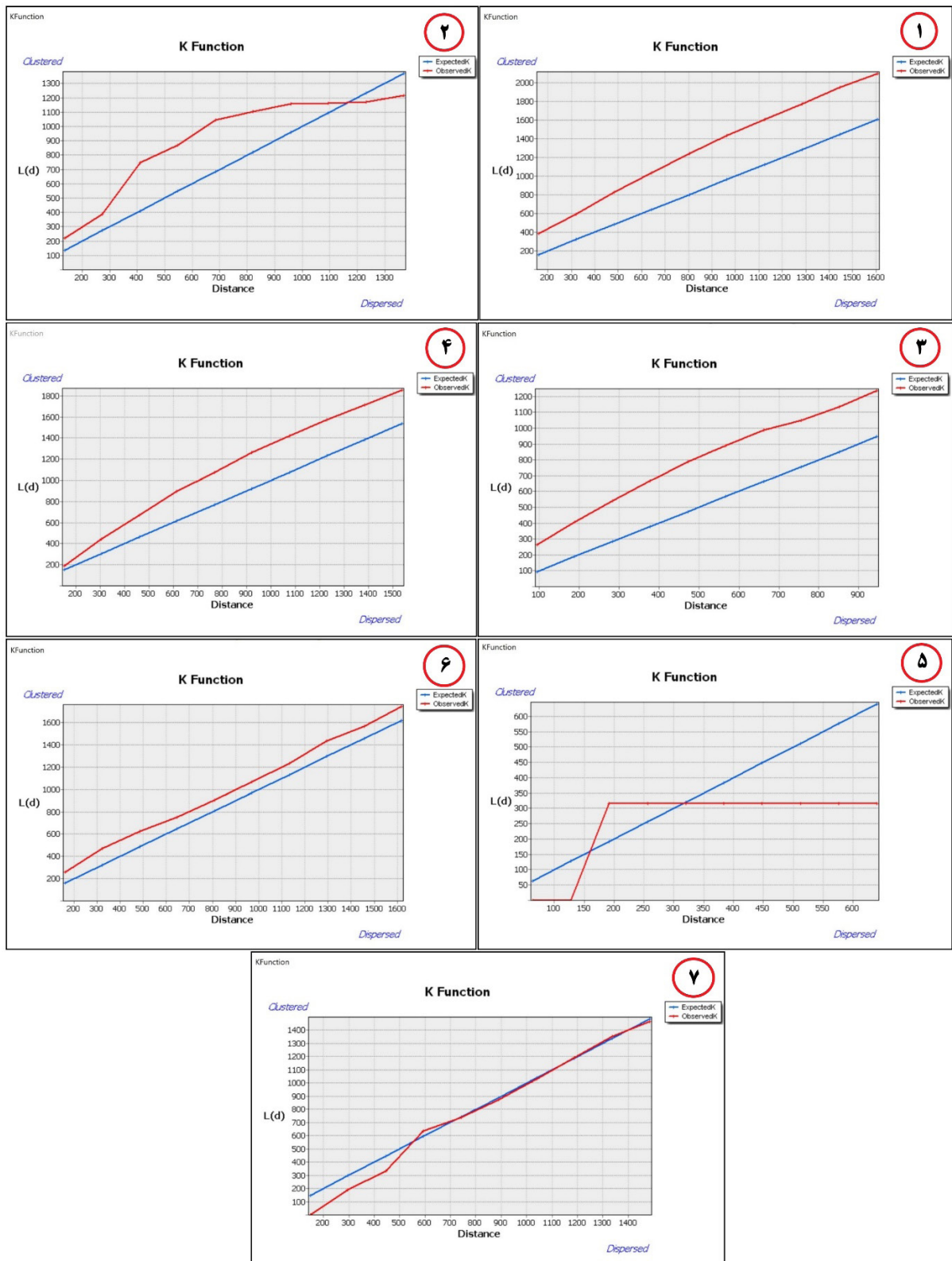
مطابق نقشه دسترسی به کاربری تالاب‌های شهری (۳ مورد تالاب بازآفرینی شده در اطراف شهر بابل)، ۱۹۰۴۳۴۰۰ متر مربع از مساحت شهر (معادل ۵۸ درصد از کل مساحت شهر) در شعاع دسترسی به تالاب‌های شهری قرار گرفته‌اند که بیشتر نواحی شمال شرقی، شرقی، مرکز، جنوب و غرب شهر را پوشش می‌دهند و ۴۲ درصد دیگر از مساحت شهر (به‌ویژه قسمت‌هایی از شمال، شمال غربی، غربی و قسمت‌هایی از جنوب شهر) به تالاب‌های شهری دسترسی ندارند. میانگین مرکزی که مرکز ثقل کاربری تالاب‌های شهری را در شهر بابل نشان می‌دهد، در نیمه جنوبی شهر و در محله ۲۱ واقع شده است. نتایج توزیع جهت‌دار نیز نشان می‌دهد کاربری تالاب‌های شهری دارای توزیع شرقی - غربی در سطح شهر است. بر اساس نتایج میانگین نزدیک‌ترین همسایگی، تالاب‌های شهری با الگوی پراکنده در سطح شهر توزیع شده‌اند.



شکل ۴. توزیع و دسترسی به کاربری‌های شادی آفرین در شهر بابل



شکل ۵. میانگین نزدیک‌ترین همسایگی کاربری‌های شادی آفرین در شهر بابل



شکل ۶. تحلیل خوشه‌ای فضایی چند فاصله‌ای کاربری‌های شادی آفرین در شهر بابل

■ بحث و نتیجه‌گیری

تحلیل عدالت فضایی در توزیع و دسترسی به کاربری‌های شادی‌آفرین، فرصت‌های شادی در فضاهای شهری را برای شهروندان مشخص می‌کند و با آگاهی از آن می‌توان امکان ایجاد شهرهای عادلانه و شاد را فراهم کرد. این پژوهش در راستای هدف مورد نظر یعنی تحلیل و نمایان کردن وضعیت عدالت در توزیع و دسترسی به کاربری‌های شادی‌آفرین در سطح شهر بابل انجام شده است تا میزان نارسایی در دسترسی به کاربری‌های شادی‌آفرین در فضاهای شهر بابل نمایان شود. از این‌رو، از روش‌های تحلیل شبکه و آمار فضایی شامل روش‌های میانگین مرکزی، توزیع جهت‌دار، میانگین نزدیک‌ترین همسایگی و تحلیل خوشه‌های فضایی چندفاصله‌ای در نرم‌افزار ArcGIS استفاده شده است.

نتایج روش‌های تحلیل شبکه و آمار فضایی نشان داده است که کاربری‌های شادی‌آفرین شامل رستوران و کافه، موزه و آثار باستانی، بازار و مراکز خرید، اماکن فرهنگی و مذهبی، پارک کودک و فضای بازی، زمین‌ها و سالن‌های ورزشی، پارک مجهز به وسایل ورزشی و تالاب‌های شهری بیشتر در مرکز و نواحی داخلی شهر قرار دارند و شهروندان ساکن در نواحی حاشیه‌ای شهر دسترسی مناسبی به کاربری‌های شادی‌آفرین ندارند. از این‌رو، افراد ساکن در نواحی حاشیه‌ای شهر بابل، شرایط زندگی خود را بر اساس عدم دسترسی به کاربری‌های شادی‌آفرین با شرایط زندگی افراد ساکن در نواحی میانی و داخلی شهر که به کاربری‌های شادی‌آفرین دسترسی مناسب‌تری دارند مقایسه می‌کنند و از شرایط زندگی خود ناراحت و افسرده می‌شوند.

نتایج پژوهش حاضر به لحاظ بی‌عدالتی در توزیع و دسترسی به کاربری‌های شادی‌آفرین با نتایج پژوهش مهابادی و مختارزاده [۲۶]، سجادیان و دامن باغ [۲۷] و میرزایی و زنگی‌آبادی [۲۸] مطابقت دارد. نقطه عطف پژوهش حاضر نوآوری در موضوع است و از دیگر نوآوری‌های پژوهش حاضر نسبت به سایر مطالعات انجام شده، ارائه و تبیین ۸ کاربری به عنوان کاربری‌های شادی‌آفرین در فضاهای شهری، استفاده از روش تحلیل شبکه برای تعیین شعاع دسترسی به کاربری‌های شادی‌آفرین و همچنین استفاده از روش‌های میانگین مرکزی، توزیع جهت‌دار، میانگین نزدیک‌ترین همسایگی و تحلیل خوشه‌های فضایی چندفاصله‌ای برای بررسی توزیع کاربری‌های شادی‌آفرین است. از این‌رو، نتایج این پژوهش در توسعه دانش در زمینه شناسایی کاربری‌های شادی‌آفرین در فضاهای شهری کاربرد دارد و همچنین روشی به عنوان الگو برای بررسی و تحلیل عدالت فضایی در توزیع و دسترسی به این کاربری‌ها ارائه می‌دهد.

نتیجه منحصربه‌فرد این پژوهش، تفاوت در دسترسی به کاربری‌های شادی‌آفرین در یک محله شهری است. به طور مثال محله ۱۵ با وجود اینکه به سه کاربری پارک کودک و فضای بازی، پارک مجهز به وسایل ورزشی و تالاب‌های شهری هیچ‌گونه دسترسی ندارد، به پنج کاربری شادی‌آفرین دیگر دسترسی نسبتاً مناسبی دارد. همان‌طور که مونتگمری در کتاب شهر شاد، دگرگون کردن زندگی‌هایمان از طریق طراحی شهری بیان کرده است، مدیریت شهری و برنامه‌ریزی شهری می‌تواند به شهروندان کمک کند تا زندگی سالم‌تر و شادتری در شهرها داشته باشند. در این زمینه مدیریت شهری در شهر بابل باید تمام تلاش خود را جهت بهبود دسترسی شهروندان به کاربری‌های شادی‌آفرین انجام دهد تا امکان ایجاد شهر شاد در شهر بابل فراهم شود. مدیران شهری باید تلاش کنند تا کاربری‌های شادی‌آفرین را در قسمت‌های فقیرنشین شهر بابل نیز ایجاد کنند و توسعه دهند تا احساس محرومیت و بی‌عدالتی در ذهن شهروندان ساکن در نواحی حاشیه‌ای شهر از بین برود و احساس بهتری نسبت به شرایط زیست خود در شهر داشته باشند و در نتیجه احساس نشاط و شادی آن‌ها افزایش یابد. بنابراین جهت برنامه‌ریزی برای ایجاد شهر شاد، ایجاد کاربری‌های شادی‌آفرین جدید در نواحی حاشیه‌ای شهر بابل یکی از اقدامات مهمی است که توسط مدیران و برنامه‌ریزان شهری باید انجام شود. مطابق یافته‌های پژوهش، آمایش و

بازتوزیع فضایی جهت دسترسی عادلانه شهروندان به کاربری‌های شادی‌آفرین به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:

- رستوران و کافه: با توجه به عدم دسترسی بیش از ۵۴ درصد از فضاهای شهر بابل به این کاربری (عمدتاً در حاشیه شهر) و به طور خاص، محله پرتراکم ۲ در جنوب غربی، ایجاد کاربری رستوران و کافه در این محله به صورت جد توصیه می‌شود.
- موزه و آثار باستانی: با توجه به عدم دسترسی حدود ۳۵ درصد از فضاهای شهر بابل به این کاربری (عمدتاً در حاشیه شهر)، می‌توان این نواحی را در اولویت ساخت سایر کاربری‌های شادی‌آفرین قرار داد تا عدم دسترسی این نواحی به کاربری موزه و آثار باستانی جبران شود.
- بازار و مراکز خرید: با توجه به عدم دسترسی ۲۷/۷ درصد از فضاهای شهر بابل به این کاربری (عمدتاً در نواحی حاشیه‌ای شهر)، ساخت مراکز خرید در نواحی حاشیه‌ای شهر بابل ضرورت دارد.
- اماکن فرهنگی و مذهبی: با توجه به عدم دسترسی حدود ۵۵ درصد از فضاهای شهر بابل به این کاربری (عمدتاً در نواحی حاشیه‌ای شرق، غرب و جنوب شهر)، ساخت اماکن فرهنگی و مذهبی در نواحی حاشیه‌ای شهر بابل به‌ویژه در محله‌های ۵ و ۷ در شرق شهر و محله‌های ۱۱ و ۱۲ در جنوب شهر ضرورت دارد.
- پارک کودک و فضای بازی: با توجه به عدم دسترسی حدود ۹۶/۵ درصد از فضاهای شهر بابل به این کاربری به‌ویژه در نواحی شمال شرق، مرکز، شرق، جنوب و غرب شهر، ساخت پارک کودک و فضای بازی در نواحی شمال شرق، مرکز، شرق، جنوب و غرب شهر بابل ضروری است.
- زمین‌ها و سالن‌های ورزشی: با توجه به عدم دسترسی حدود ۱۱/۷ درصد از فضاهای شهر بابل به این کاربری به‌ویژه در نواحی شمال شرق و غرب شهر، ساخت زمین‌ها و سالن‌های ورزشی در نواحی شمال شرق و غرب شهر ضرورت دارد.
- پارک مجهز به وسایل ورزشی: با توجه به عدم دسترسی حدود ۵۷ درصد از فضاهای شهر بابل به این کاربری به‌ویژه در نواحی شمال شرق، شمال غرب، قسمت‌هایی از شرق، قسمت‌هایی از غرب و جنوب شهر، ساخت پارک مجهز به وسایل ورزشی در نواحی شمال شرق (محله‌های ۳ و ۵)، شمال غرب (محله‌های ۱۲ و ۱۵)، قسمت‌هایی از شرق، قسمت‌هایی از غرب (محله‌های ۱۸ و ۱۹) و جنوب شهر (محله‌های ۱۱ و ۲۲) بسیار ضروری است.
- تالاب‌های شهری: با توجه به عدم دسترسی ۴۲ درصد از فضاهای شهر بابل به این کاربری به‌ویژه در قسمت‌هایی از شمال، شمال غرب، غرب و قسمت‌هایی از جنوب شهر، بازآفرینی و ساماندهی سایر تالاب‌های شهری واقع در اطراف شهر بابل به‌ویژه در مجاورت محله پرتراکم ۱۴ که چند تالاب متروکه وجود دارد، از مهم‌ترین اقداماتی است که باید انجام شود.

■ مشارکت نویسندگان

نویسندگان به اندازه یکسان در مفهوم‌سازی و نگارش مقاله سهیم هستند.

■ تشکر و قدردانی

پژوهش حاضر حامی مالی ندارد و حاصل فعالیت علمی نویسندگان است.

■ تعارض منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تعارض منافی ندارند.

- [1] Reeder A. Building Happier Cities. In Infrastructure, Wellbeing and the Measurement of Happiness. Routledge. 2022. 9-39. Available from: <https://www.taylorfrancis.com/chapters/edit/10.4324/9781003183242-3/building-happier-cities-aubri-lyn-reeder>
- [2] Mirzaei S. Zangiabadi A. Explanation of the factors affecting on achievement of a happy city in Shiraz Metropolis. The Journal of Spatial Planning. 2020; 24(3): 65-103. <http://dori.net/dor/20.100.1.1.16059689.1399.24.3.4.6> [In Persian]
- [3] Mulligan G.F. Carruthers J.I. Amenities, Quality of Life, and Regional Development. In: Marans, R., Stimson, R. (eds) Investigating Quality of Urban Life. Social Indicators Research Series, 2011 Aug; vol 45. Springer, Dordrecht. https://doi.org/10.1007/978-94-007-1742-8_5
- [4] Easterlin R.A. Can Government Increase My Happiness: Transition Countries. In: An Economist's Lessons on Happiness. Springer, Cham. 2021 March 02. https://doi.org/10.1007/978-3-030-61962-6_7
- [5] Piri I. Hasanalizadeh M. Analysis of spatial Justice in distribution and access to gardens in Babol city. Researches in Earth Sciences. 2021; 12(1): 152-169. <https://doi.org/10.52547/esrj.12.1.152> [In Persian]
- [6] Veenhoven R. Kalmijn W. Inequality Adjusted Happiness in Nation. Journal of Happiness Studies. 2005 Dec; 6: 421-455. <https://doi.org/10.1007/s10902-005-8857-5>
- [7] Graham C. Felton A. Inequality and happiness: Insights from Latin America. Journal of Economic Inequality. 2006 Apr; 4: 107-122 <https://doi.org/10.1007/s10888-005-9009-1>
- [8] Montgomery Ch. Happy city: Transforming our lives through urban design. Penguin Books Ltd. 2013. 367 p.
- [9] Li Z. A Study on Influencing Factors of Happiness of Urban Low-income Groups. Journal of Economic Science Research. 2022 Jul; 5(3): 17-21. <https://doi.org/10.30564/jesr.v5i3.5042>
- [10] Khademian T. Khanmohammadi A. Examination of the effect of social justice on young people's social happiness in Tehran. Sociological studies. 2012; 5(14): 109-25. <https://sanad.iau.ir/journal/jss/Article/521079?jid=521079> [In Persian]
- [11] Brdulak A. Brdulak H. Happy city - How to Plan and Create the Best Livable Area for the People, Springer Cham. 2017 Aug. <https://doi.org/10.1007/978-3-319-49899-7>
- [12] Hasanalizadeh M. Ahadnejad Reveshty M. Meshkini A. Explaining the pattern of happy city in iran the case study a Babol city. Geographical Planning of Space. 2022; 12(3): 123-139. <https://doi.org/10.30488/gps.2022.331673.3515> [In Persian]
- [13] Su L. Zhou S. Kwan M. P. Chai Y. Zhang X. The impact of immediate urban environments on people's momentary happiness. Urban Studies. 2022 Feb; 59(1): 140-160. <https://doi.org/10.1177/0042098020986499>
- [14] Veisi A. Qais-Vandi, A. The role of urban use and design in social vitality. In: The first international cycling conference. Tehran. 2010. 1-18. [In Persian]
- [15] Veenhoven R. Livability Theory. In: Maggino, F. (eds) Encyclopedia of Quality of Life and Well-Being Research. Springer, Cham. 2024 Feb; 3947-3949. https://doi.org/10.1007/978-3-031-17299-1_1669
- [16] Harvey D. Social justice and the city, translated by Mohammad Reza Haeri. Tehran: Publications of Tehran Municipality Information and Communication Technology Organization. 2015. 400 P. [In Persian]
- [17] Somarriba Arechavala N. Zarzosa Espina P. López Pastor AT. The importance of the neighbourhood environment and social capital for happiness in a vulnerable district: The case of the Pajarillos District in Spain. Journal of Happiness Studies. 2022 Jun; 23(5): 1941-1965. <https://doi.org/10.1007/s10902-021-00479-x>
- [18] Ziogas T. Ballas D. Koster S. Edzes A. Happiness, space, and place: Community area clustering and spillovers of life satisfaction in Canada. Applied Research in Quality of Life. 2023 Oct; 18(5): 2661-2704. <https://doi.org/10.1007/s11482-023-10203-x>
- [19] Brereton F. Clinch JP. Ferreira S. Happiness, geography and the environment. Ecological economics. 2008 Apr; 65(2): 386-396. <https://doi.org/10.1016/j.ecolecon.2007.07.008>
- [20] Ala-Mantila S. Heinonen J. Junnila S. Saarsalmi P. Spatial nature of urban well-being. Regional Studies. 2018 Jul; 52(7): 959-973. <https://doi.org/10.1080/00343404.2017.1360485>
- [21] Aral N, Bakır H. A Spatial Analysis of Happiness. Panoeconomicus. 2024 Jan 23; 71(1): 135-51. <https://doi.org/10.2298/PA-N191220022A>
- [22] Grau-Ruiz R. Løvoll HS. Dyrdal GM. Norwegian Outdoor Happiness: Residential Outdoor Spaces and Active Leisure Time Contributions to Subjective Well-being at the National Population Level at the Start of and During the COVID-19 Pandemic. Journal of Happiness Studies. 2024 Feb; 25(9): 1-23. <https://doi.org/10.1007/s10902-024-00732-z>
- [23] Ballas D. The Economic Geography of Happiness. In: Zimmermann, K.F. (eds) Handbook of Labor, Human Resources and Population Economics. Springer, Cham. 2021. https://doi.org/10.1007/978-3-319-57365-6_188-1
- [24] Krekel C. Kolbe J. Wüstemann H. The greener, the happier? The effect of urban land use on residential well-being. Ecological Economics. 2016 Jan 1; 121: 117-127. <https://doi.org/10.1016/j.ecolecon.2015.11.005>
- [25] Jahani Dolatabad E. Mohammadi C. Explain the happy city From the perspective of the citizens of Ardabil city. Social Development & Welfare Planning. 2023; 14(54): 317-348. <https://doi.org/10.22054/qjsd.2022.64231.2261> [In Persian]
- [26] Mahabadi N. S. Mokhtarzadeh S. Happy city evaluation in the new town of Fooladshahr to sustainable urban neighborhoods. Journal of Urban Sustainable Development. 2022; 3(6): 19-34. <https://doi.org/10.22034/usd.2022.696823> [In Persian]
- [27] Sajadian N. Damanbagh S. Geographical analysis of the effect place (objective environment) on the sense of Happiness of Ahvaz citizens based on the happy city approach. Geographical Urban Planning Research (GUPR). 2021; 9(3): 761-799. <https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2021.318477.1454> [In Persian]
- [28] Mirzaei S. Zangiabadi A. Spatial Analysis of Tourism and Urban Development Indicators with Happy City Approach (Case study: Shiraz Metropolitan). Journal of Geography and Planning. 2020; 24(73): 379-404. <https://doi.org/10.22034/gp.2020.10785> [In Persian]
- [29] Asgari A. Spatial statistics analysis with ARC GIS. Tehran: Publications of Tehran Municipality Information and Communication Technology Organization. 2018. 127 P. [In Persian]
- [30] Habibi S.M. Masali, S. Per capita urban uses. Tehran: Publications of the National Land and Housing Organization. 1999. 72 P. [In Persian]

Materials and Methods

This study aimed to investigate the impact of city brand positioning on Kermanshah, a major city in Iran. A sample of 384 individuals, including both citizens and non-citizens who have seen or formed an image of Kermanshah based on media content, was selected using a simple random sampling method. A questionnaire with a reliability coefficient of 0.723 was used to measure the research variables. The study is applied in nature, utilizing a descriptive-exploratory survey for data collection and a correlation analysis approach for data analysis. The data were analyzed using AMOS and SPSS version 21 software. The research was conducted in several phases. First, the target population was defined and the sample was selected. The questionnaire was then designed and distributed to gather data on the perceptions and images of Kermanshah. The collected data were subjected to rigorous statistical analysis to identify the key factors influencing the city's brand and image.

Findings

The structural equation modeling results indicated that for creating the brand of Kermanshah, the following variables directly impact the evaluation of the city's image in the following order of rank and priority: geographical/physical features, economic/political characteristics, urban services, cultural/historical features, architecture and urban planning, transportation, communications and traffic, mythical image, education and university, city culture, environment, city economy, business environment, cultural heritage, history and religion, and lastly, social issues. Geographic and physical features had the highest impact on desirable city visualization with an 89% influence. The analysis revealed that geographic and physical features are the most significant factors in shaping the city's brand. Economic and political characteristics also play a crucial role, followed by urban services, cultural and historical features, and architecture and urban planning. These findings highlight the multifaceted

nature of urban branding and the need for a comprehensive approach that addresses various aspects of the city's identity and perception.

Conclusion

Urban branding is a multidimensional approach integrating various fields such as marketing, public policy, diplomacy, tourism, economic development, and international relations. The study on Kermanshah highlights the significance of geographic and physical features in shaping the city's image, which is crucial for urban branding efforts. Urban branding strategies must consider these influential components to enhance Kermanshah's appeal as a tourist destination and foster overall urban development. By focusing on these variables, urban authorities and policymakers can create a compelling brand that not only attracts tourists but also encourages investment and improves the quality of life for residents. In summary, urban branding is not merely about superficial beautification but involves a deep understanding of a city's essence and unique qualities. Effective branding will involve leveraging its geographic and physical features, along with its cultural and historical heritage, to create a positive and appealing image. This approach will help the city stand out in a competitive environment and achieve sustainable growth and development. Furthermore, the study underscores the importance of integrating various elements of city management and urban planning to build a cohesive and attractive brand that resonates with both residents and visitors. Urban branding, therefore, is a strategic tool that can significantly influence the development of economic, social, and cultural attributions of the city. The city can enhance its competitiveness and position as a desirable destination for tourism, investment, and living by highlighting its unique attributes and strengths. The findings of this study provide valuable insights for urban planners, marketers, and policymakers aiming to develop and implement effective branding strategies for Kermanshah and other similar urban centers.

COPYRIGHTS

©2022 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.



HOW TO CITE THIS ARTICLE

Nazari P. Identifying the Influential Components on Urban Tourism Branding (Case Study: Kermanshah City). Urban Economics and Planning Vol 5(1):186-198. [In Persian]

DOI: 10.22034/UEP.2024.458669.1491



Identifying the Influential Components on Urban Tourism Branding (Case Study: Kermanshah City)

Original Article

Parisa Nazari^{1*}

1- MSc. Graduated, Business Administration (Domestic Commerce), Islamic Azad University, Kermanshah Branch, Iran

ARTICLE INFO

Article History

Received: 2024-05-21

Revised: 2024-06-13

Accepted: 2024-06-15

Keywords

Branding
City Management
Factor Analysis
Kermanshah
Urban Branding

ABSTRACT

Introduction

In the last century, cities have attracted large populations worldwide, with predictions indicating that by 2030, over 44% of the global population will reside in urban and suburban areas. Despite cities occupying only 5% of the Earth's surface, they house more than 50% of the world's population, growing at an annual rate of over 20 million people. This rapid urban expansion has led to various economic, social, and environmental challenges, while urban development management systems have often failed to address these issues effectively. Scientific research on city branding is relatively new, with a history of less than 30 years. The concept of city branding emerged in the 19th century to commercialize urban areas and has evolved into a modern and complex idea encompassing marketing, architecture, urban planning, and tourism. Globally, the number of tourists and their expenditures in provinces continue to rise. However, attracting tourists to urban destinations remains a critical focus for governments and urban authorities, drawing researchers to explore the unique role of urban branding as an innovation for tourism development and enhancement. Branding is a marketing strategy for cities to improve communications and create a positive image to attract visitors and investors. Urban branding is a vital activity managed by governments, emphasizing the creation, maintenance, and alteration of perceptions or behaviors towards a specific place to distinguish cities and locations from one another and add value. Philip Kotler, a founding figure of modern marketing, defines a brand as a name, phrase, sign, symbol, design, or a combination thereof. He highlights the importance of place marketing, positioning urban marketing as a tool to improve and advance city competitiveness. Paddison also explores urban marketing goals and dimensions. In recent decades, cities have sought new approaches for advancement, competing for investors, tourists, residents, and the workforce. Governments prioritize urban marketing initiatives in this competitive environment to enhance city value, attract visitors and tourists, and improve competitiveness and productivity. Urban marketing and branding are tools for recognizing competitive advantages and promoting history, quality of life, and culture. Urban branding is an effective tool for city development, emphasizing unique city features and benefits, aiding in their success and technological transfer. It is closely linked to entrepreneurship and urban management marketing with a competitive approach to urban sponsorship. Consequently, cities and local governments' serious attention and efforts towards accelerating urban marketing and branding processes are facilitated. This study aims to investigate the impact of city brand positioning on Kermanshah as a major city in Iran and to identify the key variables that influence its image and branding efforts.

* Corresponding author: parisan7pn@gmail.com

شناسایی مولفه‌های تأثیر گذار بر برندسازی گردشگری شهری (مطالعه موردی: شهر کرمانشاه)

مقاله پژوهشی

پریسا نظری^۱

۱- دانش آموخته کارشناسی ارشد، مدیریت بازرگانی (گرایش داخلی)، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمانشاه، ایران

چکیده

مقدمه

در قرن گذشته، شهرها جمعیت زیادی را در سراسر جهان جذب کرده‌اند و پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که تا سال ۲۰۳۰ بیش از ۴۴٪ جمعیت جهان در مناطق شهری و حومه‌ای ساکن خواهند شد. با وجود اینکه شهرها تنها ۵٪ از سطح زمین را اشغال می‌کنند، بیش از ۵۰٪ جمعیت جهان را در خود جای داده‌اند و هر سال بیش از ۲۰ میلیون نفر به جمعیت شهری اضافه می‌شود. این گسترش سریع شهری منجر به چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی متعددی شده است در حالی که سیستم‌های مدیریت توسعه شهری اغلب در مواجهه با این مسائل ناکام بوده‌اند. تحقیق علمی در مورد برندینگ شهری نسبتاً جدید است و سابقه‌ای کمتر از ۳۰ سال دارد. مفهوم برندینگ شهری در قرن نوزدهم برای تجاری‌سازی مناطق شهری شکل گرفت و به یک ایده‌ی مدرن و پیچیده تبدیل شد که شامل بازاریابی، معماری، برنامه‌ریزی شهری و گردشگری می‌شود. به‌طور جهانی، تعداد گردشگران و هزینه‌های آنها در استان‌ها همچنان افزایش می‌یابد. با این حال، جذب گردشگران به مقاصد شهری همچنان یک اولویت حیاتی برای دولت‌ها و مقامات شهری است که محققان را به بررسی نقش منحصر به فرد برندینگ شهری به عنوان یک نوآوری برای توسعه و بهبود گردشگری سوق می‌دهد. برای شهرها، برندینگ به عنوان یک استراتژی بازاریابی عمل می‌کند که هدف آن بهبود ارتباطات و ایجاد تصویری مثبت برای جذب بازدیدکنندگان و سرمایه‌گذاران است. برندینگ شهری یک فعالیت حیاتی است که توسط دولت‌ها مدیریت می‌شود و بر ایجاد، نگهداری و تغییر ادراکات یا رفتارها نسبت به یک مکان خاص تأکید دارد تا شهرها و مکان‌ها را از یکدیگر متمایز کند و ارزش بیافزاید. فلیپ کاتلر، یکی از بنیان‌گذاران بازاریابی مدرن، برند را به عنوان یک نام، عبارت، علامت، نماد، طراحی یا ترکیبی از آنها تعریف می‌کند. وی به اهمیت بازاریابی مکان اشاره کرده و بازاریابی شهری را به عنوان ابزاری برای بهبود و پیشرفت رقابت‌پذیری شهر مطرح می‌کند. پادیسون نیز اهداف و ابعاد بازاریابی شهری را بررسی می‌کند. در دهه‌های اخیر، شهرها به دنبال رویکردهای جدید برای پیشرفت بوده و برای جذب سرمایه‌گذاران، گردشگران، ساکنان و نیروی کار به رقابت پرداخته‌اند. در این محیط رقابتی، ابتکارات بازاریابی شهری توسط دولت‌ها برای افزایش ارزش شهر، جذب بازدیدکنندگان و گردشگران و بهبود رقابت‌پذیری و بهره‌وری اولویت‌بندی می‌شود. بازاریابی و برندینگ شهری به عنوان ابزاری برای شناخت مزایای رقابتی و ترویج تاریخ، کیفیت زندگی و فرهنگ در نظر گرفته می‌شود. برندینگ شهری ابزاری مؤثر برای توسعه شهر است که بر ویژگی‌ها و مزایای منحصر به فرد شهر تأکید می‌کند و به موفقیت و انتقال فناوری آنها کمک می‌کند. این موضوع به کارآفرینی و مدیریت بازاریابی شهری با رویکردی رقابتی در حمایت شهری مرتبط است. در نتیجه، توجه و تلاش‌های جدی شهرها و دولت‌های محلی به تسریع فرآیندهای بازاریابی و برندینگ شهری کمک می‌کند. این مطالعه به بررسی تأثیر جایگاه‌یابی برند شهر بر کرمانشاه، یک شهر مهم در ایران، می‌پردازد و به شناسایی متغیرهای کلیدی که بر تصویر و تلاش‌های برندینگ آن تأثیر می‌گذارند، پرداخته است.

اطلاعات مقاله

تاریخ‌های مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۱
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۳/۲۴
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۶

کلمات کلیدی

برندینگ
برندینگ شهری
تحلیل عاملی
کرمانشاه
مدیریت شهری

مواد و روش‌ها

این مطالعه به بررسی تأثیر جایگاه‌یابی برند شهر بر کرمانشاه، یک شهر مهم در ایران پرداخته است. نمونه‌ای شامل ۳۸۴ نفر از شهروندان و غیرشهروندانی که بر اساس محتوای رسانه‌های تصویری از کرمانشاه ساخته یا مشاهده کرده‌اند، با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شده‌اند. یک پرسشنامه با ضریب پایایی ۰,۷۲۳ برای اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق استفاده شد. مطالعه کاربردی و با استفاده از یک پیمایش توصیفی-اکتشافی برای جمع‌آوری داده‌ها و رویکرد تحلیل همبستگی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها انجام شد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و AMOS نسخه ۲۱ تجزیه و تحلیل شدند. تحقیق در چندین مرحله انجام شد. ابتدا جمعیت هدف تعریف شد و نمونه انتخاب گردید. سپس پرسشنامه طراحی و توزیع شد تا داده‌ها در مورد ادراکات و تصورات از کرمانشاه جمع‌آوری شود. داده‌های جمع‌آوری شده تحت تحلیل آماری دقیق قرار گرفتند تا عوامل کلیدی مؤثر بر برند و تصویر شهر شناسایی شود.

یافته‌ها

نتایج مدل‌یابی معادلات ساختاری نشان داد که برای ایجاد برند کرمانشاه، متغیرهای زیر به ترتیب رتبه و اولویت بر ارزیابی تصویر شهر تأثیر مستقیم دارند: ویژگی‌های جغرافیایی/فیزیکی، ویژگی‌های اقتصادی/سیاسی، خدمات شهری، ویژگی‌های فرهنگی/تاریخی، معماری و برنامه‌ریزی شهری، حمل و نقل، ارتباطات و ترافیک، تصویر اسطوره‌ای، آموزش و دانشگاه، فرهنگ شهری، محیط زیست، اقتصاد شهری، محیط کسب و کار، میراث فرهنگی، تاریخ و مذهب و در نهایت مسائل اجتماعی. ویژگی‌های جغرافیایی و فیزیکی بیشترین تأثیر را بر تصویری مطلوب از شهر داشتند و با ۸۹٪ تأثیرگذاری مواجه شدند. تحلیل نشان داد که ویژگی‌های جغرافیایی و فیزیکی مهم‌ترین عوامل در شکل‌گیری برند شهر هستند. ویژگی‌های اقتصادی و سیاسی نیز نقش مهمی ایفا می‌کنند و پس از آن خدمات شهری، ویژگی‌های فرهنگی و تاریخی و معماری و برنامه‌ریزی شهری قرار می‌گیرند. این یافته‌ها نشان‌دهنده چندیابی بودن برندینگ شهری و نیاز به یک رویکرد جامع است که جنبه‌های مختلف هویت و درک شهر را مورد توجه قرار دهد.

نتیجه‌گیری

برندینگ شهری یک رویکرد چندبعدی است که زمینه‌های مختلفی مانند بازاریابی، سیاست عمومی، دیپلماسی، گردشگری، توسعه اقتصادی و روابط بین‌الملل را یکپارچه می‌کند. مطالعه کرمانشاه اهمیت ویژگی‌های جغرافیایی و فیزیکی را در شکل‌گیری تصویر شهر برجسته می‌کند که برای تلاش‌های برندینگ شهری حیاتی است. استراتژی‌های برندینگ شهری باید این اجزای تأثیرگذار را مد نظر قرار دهند تا جذابیت کرمانشاه به عنوان یک مقصد گردشگری افزایش یابد و توسعه شهری کلی را تسهیل کند. با تمرکز بر این متغیرها، مقامات شهری و سیاست‌گذاران می‌توانند یک برند جذاب ایجاد کنند که نه تنها گردشگران را جذب کند بلکه سرمایه‌گذاری‌ها را تشویق کرده و کیفیت زندگی ساکنان را بهبود بخشد. به طور خلاصه، برندینگ شهری فقط به زیباسازی سطحی محدود نمی‌شود بلکه شامل درک عمیق از ماهیت و ویژگی‌های منحصر به فرد یک شهر است. برای کرمانشاه، برندینگ مؤثر شامل بهره‌برداری از ویژگی‌های جغرافیایی و فیزیکی آن به همراه میراث فرهنگی و تاریخی آن برای ایجاد تصویری مثبت و جذاب خواهد بود. این رویکرد به شهر کمک می‌کند در یک محیط رقابتی برجسته شود و رشد و توسعه پایدار را به دست آورد. همچنین مطالعه اهمیت یکپارچه‌سازی عناصر مختلف مدیریت شهری و برنامه‌ریزی شهری را برای ساختن یک برند منسجم و جذاب که هم برای ساکنان و هم برای بازدیدکنندگان تأثیرگذار باشد، مورد تأکید قرار می‌دهد. برندینگ شهری به این ترتیب یک ابزار استراتژیک است که می‌تواند به طور قابل توجهی بر توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک شهر تأثیر بگذارد. با برجسته کردن ویژگی‌ها و نقاط قوت منحصر به فرد کرمانشاه، این شهر می‌تواند رقابت‌پذیری خود را افزایش داده و به عنوان یک مقصد مطلوب برای گردشگری، سرمایه‌گذاری و زندگی مطرح شود. یافته‌های این مطالعه بینش‌های ارزشمندی را برای برنامه‌ریزان شهری، بازاریابان و سیاست‌گذاران فراهم می‌کند که هدفشان توسعه و اجرای استراتژی‌های برندینگ مؤثر برای کرمانشاه و دیگر مراکز شهری مشابه است.

مقدمه

در قرن گذشته شهرها جمعیت زیادی از افراد جهان را به خود جلب کرده‌اند. پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۳۰، بیش از ۴۴٪ از جمعیت دنیا در حومه شهرها و شهرها زندگی خواهند کرد. با وجود اینکه شهرها تنها ۵٪ از سطح کره زمین را اشغال می‌کنند، اما بیش از ۵۰٪ از جمعیت جهان در آنها ساکن هستند و با نرخ رشد سالانه بیش از ۲۰ میلیون نفر، این شهرها به سرعت گسترش می‌یابند. در طول دوره‌های گذشته، مشکلات و موانع مختلفی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی به وجود آمده است، در حالی که نظام‌های مدیریت و کنترل توسعه شهری به نحوی کارآمد عمل نکرده‌اند. تحقیقات علمی درباره برند شهر اخیراً آغاز شده است. اگرچه این شاخه از تحقیقات بیش از ۳۰ سال قدمت ندارد، اما مفهوم برند شهر در قرن نوزدهم با هدف تجاری کردن مناطق شهری به وجود آمد و به یک مفهوم مدرن و پیچیده‌تری که شامل حوزه‌هایی مانند بازاریابی، معماری، برنامه‌ریزی شهری و گردشگری است، تکامل یافته است [۱].

در سطح جهانی، تعداد گردشگران و میزان هزینه‌هایشان در استان‌ها به طور مداوم در حال افزایش است [۲]. اما همچنان جذب گردشگران به مقاصد شهری یکی از تمرک‌های مهم دولت‌ها و مقامات شهری است که محققان زیادی را در خصوص نقش منحصر به فرد برندینگ شهری به عنوان نوآوری برای توسعه و تقویت گردشگری را به خود جذب کرده است [۳]. در مورد شهرها، برندسازی به عنوان یک راهبرد بازاریابی شهری عمل می‌کند که هدف آن بهبود ارتباطات و ایجاد تصویر مثبتی از شهر است، به گونه‌ای که بتواند بازدیدکنندگان و سرمایه‌گذاران را به خود جلب کند. برندسازی شهری یکی از اقدامات بسیار حیاتی است که باید توسط دولت مدیریت شود. مدیریت برند، یکی از جنبه‌های حیاتی در توسعه و شکوفایی هر شهر، کشور یا مکان توریستی است. این مفهوم، با تأکید بر ایجاد، حفظ و تغییر طرز تفکر یا رفتار نسبت به یک مکان خاص، تلاش می‌کند تا شهرها و مکان‌ها را از یکدیگر متمایز کند و ارزش افزوده‌ای برای آن‌ها ایجاد نماید. در این راستا، مدیریت برند نه تنها به زیبایی‌بخشی ظاهری محدود نمی‌شود، بلکه به پایه‌ها و اصولی که شهر را تشکیل می‌دهند نیز توجه دارد.

فیلیپ کاتلر یکی از بنیان‌گذاران مدرن بازاریابی، برند را به عنوان نام، عبارت، علامت، نماد، طرح و یا ترکیبی از آن‌ها تعریف کرده است. وی در کتاب‌ها و مقالات خود بر اهمیت بازاریابی مکان نیز تأکید کرده و بازاریابی شهری را به عنوان ابزاری برای بهبود و پیشرفت رقابت‌پذیری شهرها مطرح کرده است [۴]. این مفهوم توسط پادیسون نیز مورد بررسی قرار گرفته و به معرفی اهداف و ابعاد مختلف بازاریابی شهری پرداخته است. در دهه‌های اخیر، شهرها به دنبال رویکردهای جدیدی برای پیشرفت خود بوده‌اند و از این رو به رقابت با یکدیگر برای جلب سرمایه‌گذاران، گردشگران، ساکنین و نیروی کار مجبور شده‌اند. در این شرایط رقابتی، اقدامات بازاریابی شهری توسط دولت‌ها به عنوان یک اولویت مورد توجه قرار می‌گیرد. ارتقای ارزش شهر به منظور جلب بازدیدکنندگان و گردشگران برای بهبود رقابت و افزایش بهره‌وری ضروری است؛ زیرا بازاریابی و برندسازی شهری به‌عنوان ابزاری برای شناخته‌شدن مزیت رقابتی و ارتقای تاریخ، کیفیت زندگی و فرهنگ در شهر، در نظر گرفته می‌شود [۵].

برندسازی شهری به عنوان یک ابزار موثر برای توسعه شهرها مطرح است. ویژگی‌ها و مزایای منحصر به فرد شهرها را تأکید می‌کند و به افزایش موفقیت آنها کمک می‌کند؛ همچنین به انتقال فناوری نیز تأثیر می‌گذارد. برندسازی شهری، بیشتر از هر چیز دیگری با کارآفرینی و بازاریابی مدیریت شهری و امور تجاری با رویکرد رقابتی در زمینه‌ی حوزه‌ی حامیان شهری مرتبط است؛ بنابراین، توجه و تلاش‌های جدی شهرها و دولت‌های محلی به سمت تسریع روند بازاریابی و برندسازی شهری را تسهیل می‌کند [۶]. با توجه به مطالب بیان شده، به نظر می‌رسد که موضوعی که در امروزه در سراسر جهان بحث‌برانگیز است، جهت‌گیری به سوی نوسازی شهری است. شهرها در نظر

شهروندان و گردشگران جایگاه خاصی دارند. در واقع شهرها در جریان رقابت برای بقا یک محیط پویا و متغییر هستند و تلاش دارند تا با شناسایی نقاط قوت خود یا ایجاد فرصت‌های جدید، امکاناتی را برای معرفی یک برند یا ایجاد تعدادی از برندها به منظور جذب منابع مالی، رشد اقتصادی، گسترش شهری و رضایت ساکنین فراهم آورند [۷].

شهر کرمانشاه، که به نام کرمانشاه نیز شناخته می‌شود به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی و اهمیت استراتژیک بالای آن به عنوان مرکز استان است. با توجه به اهمیت برندسازی برای شهرها و مقاصد گردشگری، تحقیقاتی در زمینه زمینه‌یایی برند مقاصد گردشگری هنوز به نسبت کافی صورت نگرفته است. به‌ویژه، مقصد گردشگری کرمانشاه که طبق تحقیقات، هنوز به نسبت دیگر مقاصد گردشگری، توجه کافی را به خود جلب نکرده است، نیازمند بررسی‌های گسترده‌تر و عمیق‌تری است. در این پژوهش، با هدف شناسایی ارتباط بین ویژگی‌های مختلف شهری و تصویر آن در ذهن افراد، اقدام به تحلیل و بررسی عمیق‌تر ابعاد برندسازی شهر کرمانشاه می‌شویم. بنابراین، هدف این مطالعه ارزیابی تأثیر عوامل مختلف بر برندسازی تصویر شهر کرمانشاه است. این عوامل شامل موارد زیر هستند: ویژگی‌های جغرافیایی و محیط فیزیکی، عناصر فرهنگی و تاریخی، جنبه‌های اقتصادی و سیاسی، محیط زیست، سیستم حمل و نقل و ترافیک، معماری و شهرسازی، میراث فرهنگی و تاریخی، تحصیلات و دانشگاه‌ها، مسائل اجتماعی، فرهنگ شهری، تصویر اسطوره‌ای، خدمات شهری، اقتصاد شهر، و فضای کسب و کار.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

انجمن بازاریابی آمریکا نام و نشان تجاری را این‌گونه تعریف می‌کند: یک نام، عبارت، نشانه، نماد یا طرح یا ترکیبی از آن‌هاست که به‌منظور شناسایی کالا یا خدمات از یک فروشنده یا گروه فروشنده‌گان و ایجاد تمایز آن‌ها از رقبایشان ارائه می‌شود. این تمایزات ممکن است عملکردی، منطقی، یا محسوس و یا نمادین، عاطفی و نامحسوس باشد [۸]. کارکردهای مفهوم برند در بخش‌های مختلف به طور خلاصه شامل ابعاد مختلف زیر است: ۱- بعد قانونی: برند به عنوان یک نشان تجاری و علامت تجاری دارای ارزش حقوقی است. این بعد شامل مالکیت و حفاظت قانونی برند در مقابل سو استفاده و کپی‌برداری توسط دیگران است. ۲- بعد شناختی-سمبلیک: برند نه تنها یک نام و نشان است، بلکه نمادها، رنگ‌ها، و طراحی‌های مرتبط نیز شامل آن می‌شوند. این بعد ارتباط بین محصول یا خدمات و ارزش‌های مشتری را بیان می‌کند، مانند کیفیت، اعتبار، امنیت و غیره. ۳- بعد اجتماعی-روانشناختی: برند اغلب با احساسات و عواطف مردم ارتباط دارد و توانایی ایجاد ارتباط عمیق با مخاطبان را دارد. این بعد به شناخت و شناخته شدن برند در جامعه و وابستگی مشتریان به آن، و ایجاد هویت و ارتباطات متقابل با آن‌ها اشاره دارد. ۴- بعد اقتصادی: برند می‌تواند ارزش افزوده به محصول یا خدمات ارائه شده اضافه کند. این بعد شامل توانایی برای ایجاد قیمت‌گذاری بالاتر، جذب مشتریان جدید، افزایش وفاداری مشتریان، و تأثیر بر سودآوری و ارزش سهام‌داران است [۹].

ایجاد برند برای یک شهر می‌تواند به تقویت جایگاه آن به عنوان مقصد گردشگری، محل اقامت، و یا پایگاه کسب و کار کمک کند. این فرآیند پس از بررسی تصویر فعلی شهر، به عنوان مرحله دوم یا بعدی در فرآیند بازاریابی شهری مطرح می‌شود. هدف نهایی این بازاریابی، ایجاد برند یا شناخته شدن شهر است [۱۰]. با ایجاد برند برای یک شهر، به نوعی به موضوعی پی می‌بریم که در حقیقت قبلاً وجود داشته است، و آن هم ایجاد وجهه برای شهر است. فعالیت‌های بازاریابی شهری منجر به بازسازی ساختارها و وجهه شهری می‌شود، و همچنین به تبلیغ درباره مکانی مشخص می‌پردازد. این نوع بازاریابی فرصت‌های رقابت بیشتری برای شهرها فراهم می‌کند و در نتیجه، رقابت بین شهرها افزایش یافته و استفاده از روش‌های بازاریابی برای جذب گردشگران، سرمایه‌گذاران، و ساکنان تقویت شده است [۱۱]. برندسازی مکان اصطلاحی نسبتاً جدید است که برندسازی شهرها، مناطق، ملت‌ها و... را در

است، در حالی که شهر مالاگا از جذابیت‌های خاص خود نظیر هنر و فرهنگ محلی بهره برده و این موارد را به عنوان بخشی از برند خود به کار برده است. در تحقیق دیگری، یانگ و همکاران [۱۹] برندسازی شهر را به‌عنوان یک ابزار مؤثر برای تحقق رشد پایدار شهری مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها یک چارچوب مفصل برندسازی شهری ارائه کرده‌اند که شامل ایده‌های گوناگونی از نیازهای مختلف شهری است، و از ابزارهای متنوعی از جمله پرسشنامه‌ها و برنامه‌های کاربردی تجربی برای ارزیابی پتانسیل‌های شهری استفاده می‌کند. علاوه بر این، هفت جنبه مهم شامل توسعه، اقتصادی، حفاظت محیطزیست، پتانسیل، نفوذ، مدیریت، زیرساخت‌ها و حاشیه، در ۲۶ شهر منطقه دلتای رودخانه یانگ تسه مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفتند. این تحقیق همچنین به تحلیل خوشه‌ای این شهرها پرداخت و آن‌ها را به چهار گروه متمایز با ویژگی‌ها و مسیرهای توسعه مختلف تقسیم کرد. از طریق این چارچوب و نتایج ارزیابی، برنامه‌ریزان محلی، محققان و تصمیم‌گیرندگان می‌توانند در اجرای بسته‌های سیاستی پایدار و تشویق به توسعه، با توجه به نقاط قوت و ضعف شهری کنونی، نقش مؤثری داشته باشند. به علاوه،

روش شناسی

نوع تحقیق، جامعه آماری و روش نمونه گیری

این تحقیق از نظر هدف کاربردی است و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها توصیفی-پیمایشی است. با توجه به موضوع پژوهش که زمینه‌یابی تعیین برند شهری برای کلان شهر کرمانشاه است، بدین منظور از نظر منطق اجراء استقرایی و از نظر ارتباط بین متغیرها از نوع علی است. جامعه آماری این پژوهش نامحدود است و متشکل از سکنه کرمانشاه، شهروندان و غیر شهروندانی که کرمانشاه را دیده بودند و یا ندیده بودند ولی تصویری از شهر کرمانشاه بر اساس محتوای رسانه‌ی در ذهن خود داشتند. برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شد و برای تعیین حجم نمونه گیری از فرمول کوکران استفاده شد و به همین دلیل تعداد نمونه در این مطالعه ۳۸۴ نفر انتخاب شد.

روشهای جمع آوری داده‌ها و اطلاعات

مطالعات کتابخانه‌ای

بخشی از اطلاعات مورد نیاز این تحقیق با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مطالعه سایت‌های مرتبط با موضوع تحقیق، همچنین مجلات و نشریات ادواری به زبان‌های فارسی و انگلیسی، و سایر منابع اطلاعاتی جمع‌آوری شده است. در عین حال محقق برای افزایش درک عمیق‌تر از مسئله تحقیق و بهبود روایی سوالات پرسشنامه، از روش‌های مطالعه اکتشافی، دریافت نظرات و پیشنهادات مخاطبان استفاده کرده است. او با اجرای مشاهده و مصاحبه آزاد (بدون برنامه‌ریزی قبلی)، اطلاعات لازم را جمع‌آوری کرده و غنای یافته‌های تحقیق را افزایش داده است.

پرسشنامه استفاده شده در این مطالعه از نوع بسته و محقق ساخته است. در این پرسشنامه، از سؤالاتی با پنج گزینه استفاده شده که افراد می‌توانند از «کاملاً مخالف» تا «کاملاً موافق» انتخاب کنند. این پرسشنامه شامل سه بخش است. در بخش اول، عنوان، معرفی پژوهش و هدف آن بیان شده است. برای بخش دوم، اطلاعات جمعیت شناختی پاسخ‌گوها در نظر گرفته شده و در بخش سوم، سؤالاتی برای گردآوری اطلاعات برای تعیین برند طراحی شده است. در این پرسشنامه، برای بدست آوردن نظرات پاسخ‌دهندگان، از مقیاس پنج گزینه‌ای لیکرت استفاده شده است که امتیازهای ۱ تا ۵ به ترتیب برای «کاملاً مخالف»، «مخالف»، «بی‌نظر»، «موافق» و «کاملاً موافق» در نظر گرفته شده‌اند. این پرسشنامه‌ها به صورت حضوری توزیع شده‌اند.

برای بررسی روایی این پرسشنامه، ابتدا محقق با انجام مطالعات اکتشافی، شاخصه‌هایی را از میان معیارهای موجود در متون نظری تحقیق و پرسشنامه‌های استفاده شده انتخاب کرد که با توجه به نظر مصاحبه‌شوندگان بیشترین تناسب را با شرایط جامعه مورد مطالعه داشتند. سپس برای اطمینان

برمی‌گیرد. اصطلاح «برندسازی مکان» یا «بازاریابی مکان» گاهی به عنوان مترادف هم استفاده می‌شود. این اصطلاح‌ها به فرآیندی اشاره دارند که منجر به تبدیل یک مکان فیزیکی مانند شهر، منطقه، یا کشور به یک برند یا مقصد مورد توجه برای گردشگران، بازدیدکنندگان، سرمایه‌گذاران، جوامع محلی و سایر افراد و منابع مربوطه می‌شود. این فرآیند نه تنها به جذب منابع انسانی و مالی برای مکان مورد نظر کمک می‌کند، بلکه رقابت بین مکان‌ها برای جذب این منابع را هم تشدید می‌کند [۱۲]. برندسازی شهری یک ترکیب چند رشته‌است که از تلاقی علوم و فنون مختلف ایجاد می‌شود. این شامل عواملی مانند بازاریابی، سیاست عمومی، دیپلماسی، گردشگری، توسعه اقتصادی و روابط بین‌الملل می‌شود. بنابراین، اگر تعریف دقیقی از برندسازی شهری در ذهن ایجاد سردرگمی کند، باید این امر را عادی دانسته و درک کرد که این مفهوم متنوع و چند رشته‌ای است که از ترکیب علوم و فنون مختلف به وجود آمده است [۱۳].

نقوی [۱۴] نقش و جایگاه مدیریت شهری در برندسازی شهری را مورد مطالعه قرار داده است. برندسازی شهری همچنین به‌عنوان ابزاری برای شناخت و شهرآرایی شهروندان نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. استراتژی‌های اولیه این مطالعات بر روی راهبردها و معرفی برند مبتنی بر تحقیقات بازار، تحلیل و استراتژی‌های توصیفی تمرکز دارد. بخش دوم، مربوط به شناخت هویت و تصویر برند است که باید معتبر، قابل پذیرش و جذاب باشد. در نهایت، یک برند شهری برتر شاخصه‌هایی همچون تناسب و زیبایی، موقعیت مکانی مناسب، ظرفیت برای توسعه و تحمل، اعتبار، الهام‌بخشی، منحصر به فرد بودن و جذابیت را باید دارا باشد. در پژوهش‌های امانیور و همکاران [۱۵]، تلاش شد تا عواملی که در شکل‌گیری تصویر شهر و برندسازی مؤثر آن نقش دارند، مورد بررسی قرار گیرد. این تحقیق با هدف تحلیل عوامل تأثیرگذار در ایجاد تصویر شهر به‌منظور توسعه برند شهری اهواز انجام شد. از روش توصیفی - تحلیلی برای انجام این پژوهش استفاده شد. برای جمع‌آوری داده‌های توصیفی از منابع کتابخانه‌ها و داده‌های تحلیلی، از روش پیمایشی و پرسش‌نامه به نظر ۶۴ نفر از کارشناسان و متخصصان حوزه شهرسازی استفاده شد. نتایج این تحقیق نشان داد که عوامل فرهنگی در شهر اهواز تأثیر بسزایی در تصویرسازی شهر دارند و این موضوع بینگنر غلبه مؤلفه‌های زبانی و فرهنگی در شناسایی شهر است. برند شهری به‌وسیله نشانه‌های اقتصادی تعیین می‌شود؛ لذا برای یافتن برند آینده شهر، باید به نشانه‌های اقتصادی آن توجه کرد که این امر نیازمند برنامه‌ریزی و حمایت از برنامه‌ها در این زمینه است. در مطالعات دیگر، همچون پژوهش‌های ورفقی و همکاران [۱۶] (۱۳۹۹)، پتانسیل برندسازی شهری و عناصر برند مرتبط با گردشگری بررسی شدند. نتایج این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که فرهنگ و تصویر مقصد در ایجاد برندسازی نقش مهمی دارند. در مطالعه‌ای انجام شده توسط وهابیان و همکاران [۱۶] مؤلفه‌های برندسازی شهری به ویژه با توجه به ابعاد گردشگری مورد بررسی قرار گرفت. این تحقیق با استفاده از نرم‌افزار SPSS و با مشارکت ۳۰ نفر از متخصصان و کارشناسان شهری، متغیرها و شاخص‌های برندسازی شهری را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. نتایج نشان می‌دهد که این متغیرها اثر قابل توجهی در برندسازی جامعه شهری دارند. در تحقیقی انجام شده توسط ملک آبادی و همکاران [۱۷]، به بررسی نقش و جایگاه مدیریت شهری در برندسازی شهر اصفهان پرداخته شد. نتایج این مطالعه نشان داد که با در نظر گرفتن دیدگاه مدیران و شهروندان به طور جداگانه، شهرداری‌ها، شورای شهر، اتاق بازرگانی و سایر ارگان‌ها نقش اساسی در برندسازی شهر اصفهان دارند. مدیران بیان کردند که ۷۷ درصد مؤلفه‌های مدیریت شهری بر توسعه برند شهری تأثیرگذار هستند و همچنین شهروندان معتقدند که ۹۶ درصد مؤلفه‌های مدیریت شهری تحت تأثیر قرار گرفته، توسعه برند شهری را ارتقا می‌دهند.

در پژوهش دیگری که توسط فرناندز و میتان [۱۸] انجام شده است، ارتباط بین برندسازی و توسعه شهری در دو شهر پلیموث انگلستان و مالاگا اسپانیا مورد بررسی قرار گرفت. این پژوهش نشان داد که شهر پلیموث با استفاده از عناصری مانند تاریخ و ارث فرهنگی، موفق به ایجاد برند جذابیت‌بخشی شده

بدست آمده در زمان‌های مختلف نیز تکرار شوند. یکی از روش‌های محاسبه پایایی، استفاده از ضریب آلفای کرونباخ است که بسیار متداول بوده و با استفاده از نرم‌افزار SPSS قابل محاسبه است. معمولاً ضریب آلفای کرونباخ کمتر از ۰.۶۰ درصد به عنوان ضعیف، بین ۰.۷۰ تا ۰.۸۰ درصد به عنوان قابل قبول و بیش از ۰.۸۰ درصد به عنوان خوب در نظر گرفته می‌شود و هرچه این ضریب به یک نزدیک‌تر باشد، نتیجه بهتری نشان می‌دهد. در این تحقیق، از یک پرسشنامه ۷۷ سواله برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. در جدول ۱، میزان آلفای کرونباخ برای مولفه‌های مورد بررسی در این تحقیق آورده شده است.

از روایی محتوایی سوالات موجود در پرسشنامه، نظر متخصصین آکادمیک جمع‌آوری شد و بازخوردهای آن به عنوان راهنمایی به رویت اساتید راهنما و مشاور ارائه شد. همچنین نظرات متخصصین حرفه‌ای مانند کارشناسان در جامعه مورد مطالعه و برخی از مدیران جمع‌آوری شد تا روایی صوری سوالات پرسشنامه ارزیابی شود. پس از اعمال اصلاحات، پرسشنامه تدوین شده و روایی آن توسط این افراد تأیید شد. معیار پایایی در یک تحقیق، اطمینان می‌دهد که مقادیر مشاهده شده و مقادیر واقعی دارای همبستگی قوی هستند. اصطلاح پایایی نشان می‌دهد که در شرایط یکسان، ابزار اندازه‌گیری چقدر نتایج مشابهی را تولید می‌کند، یا به عبارت دیگر، احتمال این که اطلاعات

جدول ۱- پایایی مولفه‌های پرسشنامه این تحقیق

مولفه‌های پژوهش	تعداد سوالات	آلفای کرونباخ
محیط زیست	۴	۰/۷۴۹
معماری و شهر سازی	۶	۰/۸۴۵
حمل و نقل ارتباطات و ترافیک	۵	۰/۸۷۶
میراث فرهنگی، تاریخی، مذهبی	۱۱	۰/۹۸۷
مشکلات اجتماعی	۸	۰/۶۹۸
فرهنگ شهر	۶	۰/۷۵۴
تحصیلات و دانشگاه	۵	۰/۸۵۶
فضای کسب و کار شهر	۶	۰/۷۶۴
خدمات شهری	۷	۰/۸۴۰
اقتصاد شهر	۷	۰/۸۷۶
تصویر اسطوره‌ای	۱۲	۰/۶۴۵
کل پرسشنامه	۷۷	* ۰/۷۲۳

* با توجه به جدول ۱ باید اذعان داشت که آلفای کرونباخ کل پرسشنامه ۰/۷۲ است که گویای پایایی زیاد پرسشنامه است.

می‌باشد. ارتفاع نواحی کوهستانی ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ متر از سطح دریا متغیر بوده و قله‌های بیش از ۳۰۰۰ متر در آن مشاهده می‌شود. ارتفاع دشت‌ها نیز عموماً بیش از ۱۰۰۰ متر از سطح دریا است که گاه تا ۲۰۰۰ متر ارتفاع نیز می‌رسند. وضعیت توپوگرافی استان به گونه‌ای است که هر اندازه از شرق به غرب برویم، ارتفاع زمین کم می‌شود. پست‌ترین ناحیه آن قصر شیرین با ارتفاع ۳۰۰ متر و بلندترین نقطه آن رشته ارتفاعات الوند (کوه الوند) به ارتفاع ۳۵۸۰ متر از سطح دریا می‌باشد.

محدوده مورد مطالعه

استان کرمانشاه، معروف به کرمانشاه در زبان کردی، با مساحت ۲۴۶۴۰ کیلومتر مربع از جمله استان‌های غربی ایران است. واقع در موقعیت جغرافیایی میان ۳۳ تا ۳۵ درجه عرض شمالی و ۴۵ تا ۴۷ درجه طول شرقی، این استان به آن افتخار می‌کند که ۵/۱ درصد مساحت کل کشور را به خود اختصاص داده است. مرزهای استان کرمانشاه با کشور عراق همسایه است و از شمال به استان کردستان، از جنوب به استان‌های لرستان و ایلام، از شرق به استان همدان و از غرب به کشور عراق محدود می‌شود. مرکز این استان شهر کرمانشاه است. با توجه به آخرین تغییرات، استان کرمانشاه از ۱۴ شهرستان، ۳۱ شهر، ۳۱ بخش و ۸۶ دهستان تشکیل شده است. (تصویر ۱). استان کرمانشاه منطقه‌ای کوهستانی واقع در بلندی‌های رشته کوه‌های زاگرس



شکل ۱- نقشه و موقعیت جغرافیایی استان کرمانشاه

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۱، از دو نوع آمار استفاده شد: توصیفی و استنباطی. آمار توصیفی برای سازماندهی، خلاصه‌سازی، ارائه جدول و نمودار و شرح داده‌های جمع‌آوری شد. از آمار استنباطی برای آزمون فرضیه‌ها استفاده شد. برای تعیین توزیع متغیرهای اصلی تحقیق از آزمون کالموگورف-اسمیرنوف تک بعدی استفاده شد و با توجه به مقیاس فاصله‌ای که برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد و همچنین نرمال بودن توزیع متغیرهای اصلی تحقیق، از آمار استنباطی پارامتریک استفاده شد. برای آزمون فرضیه‌ها از آزمون تحلیل رگرسیون نیز استفاده شد. همچنین برای بررسی تاثیر متغیرهای جمعیت شناختی بر متغیرهای تحقیق، از آزمون پیرسون و نمونه‌های مستقل و آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه

روشهای تجزیه و تحلیل داده ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۱، از دو نوع آمار استفاده شد: توصیفی و استنباطی. آمار توصیفی برای سازماندهی، خلاصه‌سازی، ارائه جدول و نمودار و شرح داده‌های جمع‌آوری شد. از آمار استنباطی برای آزمون فرضیه‌ها استفاده شد. برای تعیین توزیع متغیرهای اصلی تحقیق از آزمون کالموگورف-اسمیرنوف تک بعدی استفاده شد و با توجه به مقیاس فاصله‌ای که برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد و همچنین نرمال بودن توزیع متغیرهای اصلی تحقیق، از آمار استنباطی پارامتریک استفاده شد. برای آزمون فرضیه‌ها از آزمون تحلیل رگرسیون نیز استفاده شد. همچنین برای بررسی تاثیر متغیرهای جمعیت شناختی بر متغیرهای تحقیق، از آزمون پیرسون و نمونه‌های مستقل و آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه

تحلیل داده ها و یافته ها

یافته های توصیفی

ویژگی های جمعیت شناسی مطالعه حاضر در جدول شماره ۲ نشان داده شده است. همه پاسخ دهندگان به پرسشنامه دارای تحصیلات دانشگاهی در سطح کارشناسی و کارشناسی ارشد بودند. بنابراین میتوان گفت که پاسخ آنها به سوالات پرسشنامه همراه با دیدگاه علمی و در خیلی از موارد هم اجرایی بوده است.

جدول ۲- برخی از ویژگی های جمعیت شناسی پاسخ دهندگان به سوالات پرسشنامه مطالعه حاضر

جنسیت	فراوانی	درصد
مرد	۱۶۷	۴۳/۵
زن	۲۱۷	۵۶/۵
کل	۳۸۴	۱۰۰
تحصیلات	فراوانی	درصد
کارشناسی	۳۴۹	۹۰/۹
کارشناسی ارشد	۳۵	۹/۱
کل	۳۸۴	۱۰۰
سن (سال)	فراوانی	درصد
۲۰ - ۳۰	۱۲۱	۳۱/۵
۳۱ - ۴۰	۱۹۹	۵۱/۸
۴۱ - ۵۰	۵۸	۱۵/۱
بیشتر از ۵۰	۶	۱/۶
کل	۳۸۴	۱۰۰

درصد	فراوانی	ترکیب شغلی
۱۴/۱	۵۴	غیر شاغل
۵۲/۳	۲۰۱	دانشجو
۱۵/۶	۶۰	کارمند
۲/۳	۹	کارشناس
۴/۷	۱۸	مدیر
۱۰/۹	۴۲	شغل آزاد
۱۰۰	۳۸۴	کل

۹۵٪ بین تمامی مولفه‌های این تحقیق و ارزیابی تصویر شهر رابطه معنی دار و خطی وجود دارد. براساس R^2 بدست آمده برای هر کدام از مولفه‌های این مطالعه با ارزیابی تصویر شهر میتوان گفت که مولفه معماری و شهرسازی، ویژگی‌های جغرافیایی/کالبدی، ویژگی‌های فرهنگی/تاریخی بالاترین میزان همبستگی را در خصوص ارزیابی تصویر شهر کرمانشاه در ذهن پاسخ دهندگان ایجاد کرده اند.

یافته های استنباطی

جهت بررسی رابطه بین مولفه‌های پژوهش با ارزیابی تصویر شهر کرمانشاه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. میزان ضریب همبستگی پیرسون رابطه‌ی بین مولفه‌های تحقیق حاضر و ارزیابی تصویر شهر در جدول شماره ۳ نشان داده شده است. نتایج حاکی از آن است که با توجه به سطح معنی داری (Sig.) بدست آمده از تحلیل داده‌ها که برابر ۰/۰۰۰ می باشد با اطمینان

جدول ۳- ضریب همبستگی پیرسون رابطه‌ی بین مولفه‌های این تحقیق و ارزیابی تصویر شهر

مولفه‌ها	ضریب همبستگی پیرسون	ضریب رگرسیونی (β)	R^2
محیط زیست	۰/۵۴۶	۰/۴۵۵	۰/۲۹۶
حمل و نقل، ارتباطات و ترافیک	۰/۷۴۳	۰/۳۶۵	۰/۵۵۲
معماری و شهرسازی	۰/۷۹۱	۰/۳۸۹	۰/۶۲۴
تحصیلات و دانشگاه	۰/۵۷۵	۰/۴۶۶	۰/۳۳۹
مشکلات اجتماعی شهر	-۰/۳۴۶	-۰/۱۹۶	۰/۱۱۷
فرهنگ شهر	۰/۵۶۴	۰/۳۶۲	۰/۳۱۸
تصویر اسطوره‌ای	۰/۶۸۵	۰/۴۲۰	۰/۴۶۸
خدمات شهری	۰/۸۱۳	۰/۳۷۶	۰/۶۶۰
اقتصاد شهر	۰/۵۴۶	۰/۴۱۶	۰/۲۹۹
فضای کسب و کار	۰/۴۶۴	۰/۳۴۲	۰/۲۱۳
ویژگی‌های جغرافیایی/کالبدی	**۰/۸۹۵	۰/۶۵۲	۰/۸۲۰
میراث فرهنگی/تاریخی/مذهبی	۰/۴۴۰	۰/۳۰۴	۰/۱۹۲
ویژگی‌های فرهنگی/تاریخی	**۰/۸۰۳	۰/۹۳۸	۰/۶۶۳
ویژگی‌های اقتصادی/سیاسی	**۰/۸۷۶	۰/۷۶۰	۰/۷۸۵

** نشان دهنده بالاترین میزان معنی داری و همبستگی را با متغیر مستقل (ارزیابی تصویر شهر) داشته اند (در سطح خطای ۰/۰۱ درصد).

است، برای رسیدن به مدل تحقیق استفاده شده است. در مرحله ابتدایی این روند، متغیرهایی که اساس چارچوب نظری تحقیق را شکل می‌دهند، شناسایی شده و به دو دسته درونی و برونی تقسیم شده‌اند. برای دستیابی به تحلیل دقیق‌تر داده‌ها و نتایج تحقیق، از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شده و متغیرهای اصلی یا عوامل در جهت تبیین الگوی همبستگی بین متغیرهای مشاهده شده، مشخص شده‌اند. با بررسی روابط همبستگی بین متغیرهای مشاهده شده و برونی، سهم متغیرهای کنونی در تبیین تغییرات مشاهده شده

تحلیل عاملی اکتشافی

تحلیل عاملی اکتشافی روشی است که به منظور کشف متغیرهای اساسی یا عوامل در تبیین الگوی همبستگی بین متغیرهای مشاهده شده، مورد استفاده قرار می‌گیرد. با این روش، می‌توان متغیرهای مهم که بیشترین تأثیر را بر تغییرات مشاهده شده دارند را شناسایی و روابط آن‌ها با یکدیگر و دیگر متغیرها را به صورت فرضیه‌های معین معرفی نمود. در این تحقیق، از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری که بر اساس روابط علی بین متغیرها متمرکز

پرداخت. مقدار بیش از ۰/۵ آماره KMO، تأیید کفایت نمونه‌گیری و سطح اطمینان ۰/۰۰۰ برای آزمون بارتلت و همچنین نشان دهنده مناسب بودن مدل عاملی می‌باشد. میزان KMO بدست آمده بالاتر از ۰/۵ است، بنابراین محاسبات نشان دهنده کفایت نمونه‌گیری هستند.

شناسایی و روابط آن‌ها با یکدیگر و سایر متغیرها مشخص شده است. نتایج حاصل از آزمون KMO-Bartlett و ویژگیهای جغرافیایی/کالبدی، ویژگیهای فرهنگی/تاریخی و ویژگیهای اقتصادی/سیاسی در جدول شماره ۴ نشان داده شده است.

با توجه به نتایج می‌توان به مراحل تحلیل عاملی تأییدی بر روی داده‌ها نیز

جدول ۴- نتایج آزمون KMO-Bartlett و ویژگیهای جغرافیایی/کالبدی، ویژگیهای فرهنگی/تاریخی و ویژگیهای اقتصادی/سیاسی

ویژگیهای جغرافیایی/کالبدی	ویژگیهای فرهنگی/تاریخی	ویژگیهای اقتصادی/سیاسی	معیار کفایت نمونه‌گیری KMO	
۰/۶۱۳	۰/۶۱۳	۰/۵۷۶	کای دو	
۱۹۱/۴۵۷	۳۸۸/۸۸۴	۱۰۱/۵۲۱	درجه آزادی	آزمون بارتلت
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معنیداری	

وجود عوامل مکنون است. بنابراین، ستون مقادیر ویژه متغیر ویژگی‌های فرهنگی/تاریخی دو عامل را با مقدار ویژه بالاتر از ۱ معرفی می‌کند. لذا ساختار عاملی پیشنهادی دارای ۱ عامل خواهد بود و اما دو متغیر دیگر هر کدام یک عامل را معرفی می‌کنند.

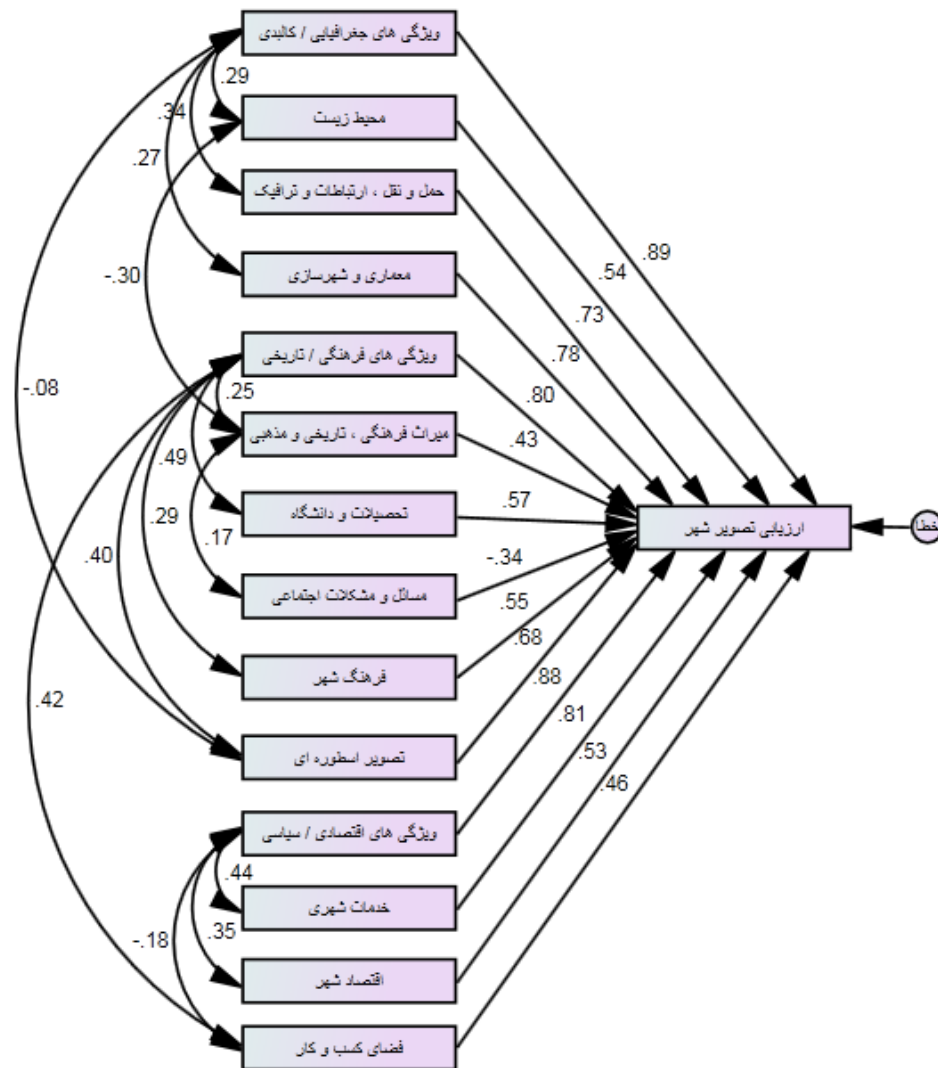
در جدول شماره ۵، تعداد عوامل مکنون برای مولفه‌های ویژگی‌های جغرافیایی/کالبدی، ویژگی‌های فرهنگی/تاریخی و ویژگی‌های اقتصادی/سیاسی نشان داده شده است. مقادیر ویژه اولیه نشان دهنده تعداد عوامل مکنون این تحقیق هستند و تعداد مقادیر ویژه کل بالاتر از ۱ نشان دهنده

جدول ۵- کل واریانس تبیین شده عامل مکنون متغیر ویژگیهای جغرافیایی/کالبدی، فرهنگی/تاریخی و اقتصادی/سیاسی

مؤلفه‌ها	عامل	مقادیر ویژه اولیه			مجموع مجذور بارهای عاملی استخراج شده		
		کل	درصد واریانس	درصد تجمعی	کل	درصد واریانس	درصد تجمعی
ویژگیهای جغرافیایی/کالبدی	۱	۱/۸۰۰	۶۰/۰۰۸	۶۰/۰۰۸	۱/۸۰۰	۶۰/۰۰۸	۶۰/۰۰۸
ویژگیهای فرهنگی/تاریخی	۱	۲/۲۰۹	۴۴/۱۷۱	۴۴/۱۷۱	۱/۶۹۹	۳۳/۹۷۲	۳۳/۹۷۲
	۲	۱/۱۲۱	۲۲/۴۳۰	۶۶/۶۰۱	۱/۶۳۱	۲۲/۶۲۸	۶۶/۶۰۱
ویژگیهای اقتصادی/سیاسی	۱	۱/۵۸۳	۵۲/۷۵۸	۵۲/۷۵۸	۱/۵۸۳	۵۲/۷۵۸	۵۲/۷۵۸

مستقل به ترتیب به نسبت ۸۹٪، ۵۴٪، ۷۳٪، ۷۸٪، ۸۰٪، ۴۳٪، ۵۷٪، ۳۴٪، ۵۵٪، ۶۸٪، ۸۸٪، ۸۱٪، ۵۳٪ و ۴۶٪ بر ارزیابی تصویر شهر تأثیر دارند.

با استفاده از نرم‌افزار AMOS، صحت روابط بین عوامل ویژگی‌های جغرافیایی/کالبدی، فرهنگی/تاریخی و اقتصادی/سیاسی با متغیرهای مشاهده‌شده بررسی شد. نتایج درست‌نمایی عوامل به صورت مدل معادلات ساختاری در حالت تخمین استاندارد در شکل شماره ۱ نمایش داده شده است. این شکل میزان تأثیر متغیرهای مستقل تحقیق بر متغیر وابسته، یعنی ارزیابی تصویر شهر را نشان می‌دهد. همانطور که نتایج نشان می‌دهند، متغیرهای



شکل ۲- مدل معادلات ساختاری در حالت تخمین استاندارد

■ بحث و نتیجه گیری

بنابراین هر محیط با استفاده از خط مشی هایی که از مدیریت شهری به دست می آورد می تواند پروژه ها را کاراتر و خدمات عمومی هرگز نباید از این مسأله غافل شود که موجودیت و رشد شهرها و کشورها تا حد زیادی به منابع جغرافیایی و کالبدی، فرهنگی و تاریخی، اقتصادی و سیاسی آنها بستگی دارد از این عوامل سهم بسزایی در شاخص برند سازی خواهد داشت و هدف از طرح فرضیات مطرح شده در این تحقیق نیز در همین راستا می باشد. با توجه به اینکه شاخصه های این سه مولفه اصلی در این تحقیق دارای یازده مؤلفه می باشد، بر این اساس در این پژوهش به بررسی شاخصه های (میراث فرهنگی، مسائل و مشکلات اجتماعی، محیط زیست، فضای کسب و کار، فرهنگ عمومی، معماری و شهر سازی، خدمات شهری، حمل و نقل، ارتباطات و ترافیک، تحصیلات و دانشگاه، اقتصاد، تصویر اسطوره ای) شده است. شایان ذکر است این تحقیق یافته های پولز و همکاران [۱۸] و تحقیق ویلسون و همکاران [۲۰] شاخصه ها را تایید داشتند. یافته های اصلی مطالعه پولز و همکاران در ۳ بخش تغییر در تمرکز برندینگ شهری، هویت محلی و ارزش های بین المللی و همچنین خطر قطع ارتباط با جمعیت محلی بود. این مطالعه نشان داد که دو شهر پلیموث و مالاگا تمرکز برندینگ شهری خود را در

مدیریت برند برای یک شهر، کشور یا مکان توریستی نیازمند برخورد با فعالیت ها و اموری بسیار بیشتر از صرف زیباسازی سطحی و طراحی های ظاهری است. در واقع، باید در بنیاد و اساس هر شهر که به عنوان یک برند شناخته می شود، جنبه تمایزی و انگیزه توسعه وجود داشته باشد، در نگرش مدیران و جامعه محلی. بنابراین، هویت و شخصیت شهرها باید بر پایه ویژگی های ذاتی خود، که در اعماق و بنیان آنها قرار دارد، تدارک دیده شود. ایجاد ارتباط صحیح نیز امری ضروری و حتی حیاتی است؛ که این امر تنها با اراده محکم در راستای برنامه ریزی یک مدیریت یکپارچه که نظارت مستمر بر اجزای مختلف مرتبط با شناخت برند شهر را دارد، ممکن است. برنامه ریزی و مدیریت شهری کشورهای در حال توسعه از مشخصه های مشترکی همچون بلند پروازانه و غیر واقعی بودن، عدم ملاحظه امکانات واقعی اجرایی، فقدان نظام قانونی و ساختار سازمانی منسجم، کمبود منابع مالی و نارسایی مهارت ها و دانش فنی و عدم مشارکت شهروندان و غیره برخوردار است و مسئولیت و وظیفه اصلی مدیران شهری همواره با توجه به سلیقه و عقاید اشخاص مختلف متفاوت بوده و معنای کلی برای فهم و درک این واژگان وجود ندارد

توسط انجام شد از بین جامعه مورد مطالعه مدیران شهری برای باور بودند که مولفه های مدیریت شهری از جمله شهرداری ها، شورای شهر، اتاق بازرگانی و سایر ارگانها نقش بسزایی در توسعه برند شهری اصفهان دارند. علاوه بر این شهروندان عادی نیز عنوان کردن که مولفه های مدیریت شهری بیش از ۹۴٪ در توسعه برند شهری میتوانند تاثیر گذار باشند. مطالعه دیگری که توسط اکبری و همکاران [۲۳] در سال ۱۴۰۱ در خصوص برندسازی شهر سمنان با هدف ارزیابی بازآفرین اقتصاد فضاهای خلاق شهری صورت گرفت، محققین عنوان کردند که مولفه هایی از جمله امکان تاریخی میراث فرهنگی آداب و رسوم بالاترین نقش را در برندسازی و توسعه فضاهای اجتماعی جهت بازآفرین اقتصاد مینا در بافت تاریخی شهر سمنان دارند.

مدیران شهری برای اتخاذ تصمیمات صحیح و برنامه‌ریزی مناسب برای شهر، نیازمند دانشی جامع هستند که از تمامی جوانب شهر تاثیرگذار استفاده کنند. برای ایجاد جوامع سالم و درک بهتر الگوهای مختلف توسعه، باید دارای شناخت کافی باشند. این به این معناست که آن‌ها باید وضعیت فعلی شهر را درک کرده و سپس تصویر آینده مطلوب را به دقت طراحی و برنامه‌ریزی کنند. مطالعه تصویر شهر بخشی بسیار مهم از شناخت در فرآیند برنامه‌ریزی استراتژیک شهری است. برندسازی یک فعالیت استراتژیک است که همه فعالیت‌های یک سازمان را در بر می‌گیرد.

با توجه به نتایج به دست آمده از تحقیق و با توجه به نتایج بدست آمده از ادبیات تحقیق، می‌توان پیشنهادات ذیل را مطرح نمود: ۱- اولویت بندی بهسازی، ساخت و نگهداری راههای استان کرمانشاه با استفاده از سیستم های اطلاعات جغرافیایی که این اولویت بندی ساخت راه یکی از ضروری ترین کارهایی است که در هر کشور جهت افزایش بهره وری و خدمات رسانی و کاهش هزینه ها و مدیریت کارآمد باید انجام پذیرد، ۲- یکی از فعالیت‌های بسیار مهم در حوزه جغرافیایی، منابع طبیعی، فعالیت‌های جنگل کاری می باشد که در غالب ایجاد یک چارت تشکیلاتی سازمان جنگلها - مراتع و آبخیزداری کشور و در قالب یک اداره مستقل در سطح استان مورد توجه واقع شود. ۳- بیابان زدایی: فعالیتی را شامل می شود که بخشی از توسعه جامع سرزمین در مناطق خشک - نیمه خشک و خشک و نیمه مرطوب را در راستای توسعه پایدار در بر گرفته و هدف آن جلوگیری یا کاهش تخریب سرزمین و احیاء زمینهای تخریب شده یا بیابانی در قالب فعالیت‌های بازدارنده (ترویجی، تشویقی، تنبیهی) - اصلاحی (سیاست گذاری، برنامه ریزی، بهره برداری اصولی) - احیائی (اجرای پروژه های فنی در اراضی فرسایش یافته آبی و بادی) می باشد. ۴- ایجاد محورهای گردشگری می‌تواند به‌عنوان یکی از روش‌های احیای فضاهای تاریخی شهری و جذب گردشگر مورد استفاده قرار گیرد. محورهای گردشگری در صورت دارا بودن ارزش‌ها و ویژگی‌های یاد شده می‌توانند بافت پیرامونی خود را متحول کنند. به‌طور مثال، ایجاد فعالیت‌های تجاری با محور توریستی به نحوی که مورد توجه گردشگران باشد، اقتصاد محله را متحول می‌کند. ۵- همچنین تغییر کاربری بناهای باارزش به‌عنوان محل‌های استراحت، مانند هتل و رستوران نیز در این موضوع مؤثر است.

مشارکت نویسندگان

پریسا نظری (۱۰۰٪)

تشکر و قدردانی

از تمامی افراد شریفی که در پاسخ به پرسشنامه این تحقیق من را یاری نمودند نهایت تشکر و قدردانی دارم. مقاله حامی مادی و معنوی نداشته است.

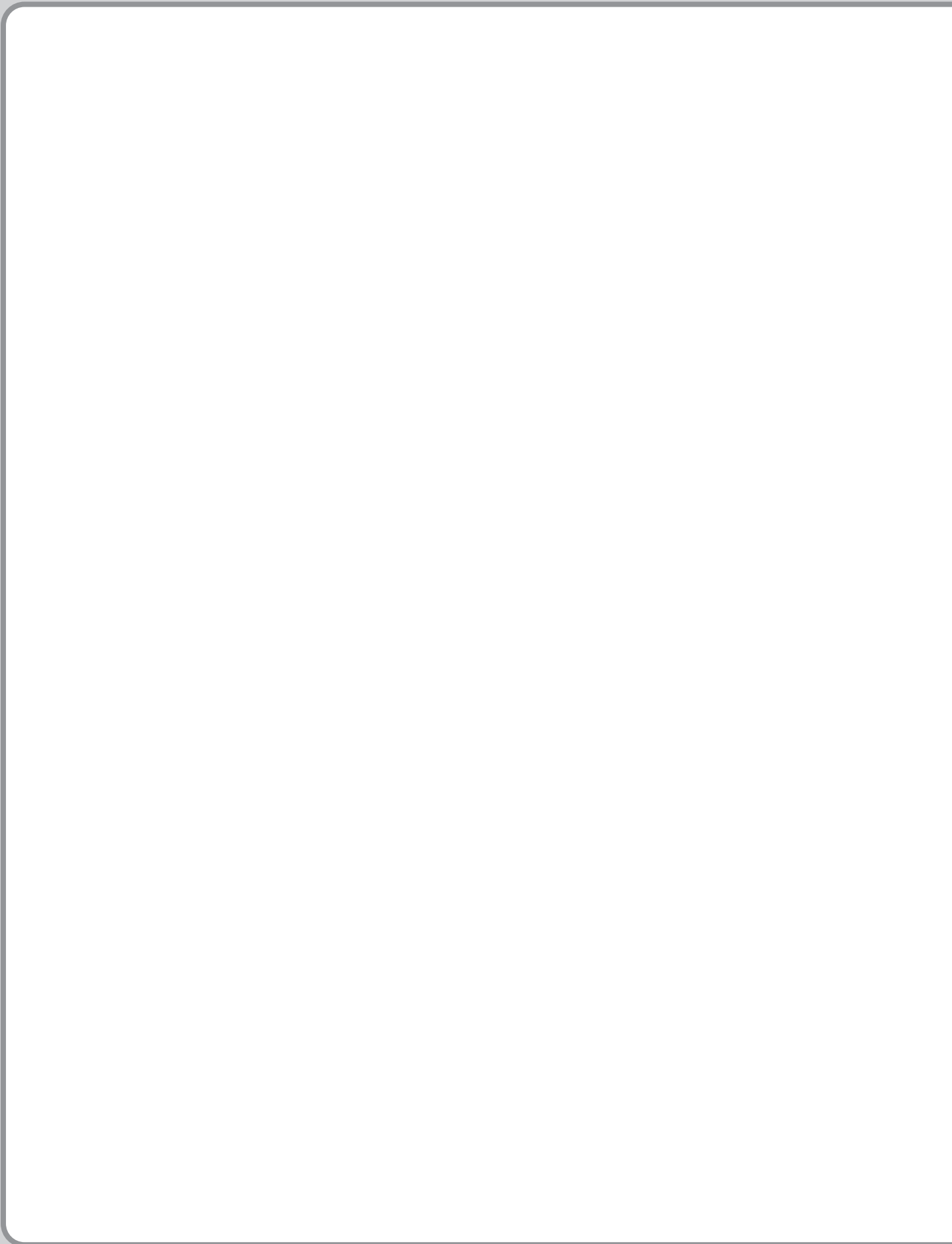
تعارض منافع

هیچگونه تعارض منافی در خصوص این تحقیق وجود ندارد.

پاسخ به کاهش فعالیت‌های سنتی شهری و افزایش گردشگری شهری و جهانی شدن تغییر داده‌اند. پلیموث از ترویج تاریخ جنگ و امپراتوری خود به تأکید بر هویت دریایی خود تغییر مسیر داده است که ایده‌هایی از آزادی، کشف، تحمل و کارآفرینی را منتقل می‌کند. این تغییر از طریق شخصیت‌های تاریخی پلیموث، ارتباطات مذهبی، ارتباطات هنری، مهندسی و معماری به نمایش گذاشته می‌شود. مالاگا از ترویج خود به عنوان شهری با آب و هوای معتدل و رنگارنگ به تأکید بر ارتباطش با پابلو پیکاسو تغییر کرده است، و از این طریق ارزش‌های فرهنگ، خلایق و پیشرو بودن را به نمایش می‌گذارد. استراتژی‌های برندینگ در هر دو شهر به دنبال بازاریابی ویژگی‌های محلی هستند که با ارزش‌های پذیرفته شده بین‌المللی مانند نوآوری و پذیرش همخوانی دارند. هویت پلیموث به عنوان یک شهر دریایی عمیقاً در محله‌های بومی و زندگی روزمره جاسازی شده است و بر فعالیت‌های اقتصادی، مراکز تحقیقاتی، امکانات تفریحی و رویدادها تأثیر گذار است. در مقابل، تمرکز مالاگا بر پیکاسو عمدتاً به جذب توریست معطوف است و کمتر به مناطقی که مردم محلی از آن‌ها استفاده می‌کنند، توجه دارد. این مطالعه عنوان کرده است که تلاش‌های برندینگ شهری ممکن است بیشتر به منافع بازاریابی اولویت دهد تا نگرانی‌های ساکنان، که باعث ایجاد فاصله بین تصاویر ساده‌شده و قوی که به گردشگران ارائه می‌شود و هویت فرهنگی واقعی، متنوع و متناقض شهر می‌شود. این می‌تواند منجر به تمرکز سرمایه‌گذاری در مناطق گردشگری، جاذبه‌ها، زیرساخت‌ها، معماری نمادین و رویدادهای ویژه شود، اغلب به هزینه سیاست‌های همبستگی اجتماعی. این مطالعه روند تقویت نقش فضاهای کلیدی شهری به عنوان مراکز تفریحی را به دلیل سرمایه‌گذاری‌های متمرکز توسط استراتژی‌های برندینگ نشان می‌دهد. این یافته‌ها نشان می‌دهند که در حالی که برندینگ شهری می‌تواند با استفاده از دارایی‌های فرهنگی و تاریخی، به طور موفقیت‌آمیزی یک شهر را به گردشگران و سرمایه‌گذاران معرفی کند، لازم است این تلاش‌ها با نیازها و هویت‌های ساکنان محلی متعادل شوند تا از بروز احتمالی قطع ارتباط اجتماعی و فرهنگی جلوگیری شود. ویلسون و همکاران تاثیر برندینگ مکان بر افتخار شهروندی بین دو شهر رودخانه‌ای بلویو و لودلو در شمال کنتاکی بررسی کردند. آنها نشان دادند که برندینگ مکان به عنوان یک عامل کلیدی در توسعه اقتصادی و اجتماعی شناسایی است که به ایجاد هویت مشترک بین ساکنان کمک می‌کند و جامعه را به ذینفعان داخلی و خارجی معرفی می‌کند. این مطالعه بر نقش ساکنان در هم‌آفرینی و هم‌تولیدی برند جامعه تأکید دارد و اشاره می‌کند که افتخار شهروندی برای موفقیت تلاش‌های برندینگ مکان ضروری است. یافته‌ها نشان داد که برندینگ مکان می‌تواند پیوندهای اجتماعی مثبت را تقویت کرده و ساکنان و کسب‌وکارهای جدیدی را جذب کند و به این ترتیب به توسعه کلی و پویایی جامعه کمک کند.

مطالعات مشابهی که در خصوص برندسازی شهرها در ایران صورت گرفته است یافته‌های آنها به لحاظ برخی مولفه‌ها اهمیت و جایگاه در برندسازی آن شهرها تقریباً مشابه و نزدیک به یافته‌های مطالعه حاضر است. در مطالعه ای که توسط فتحیم زاده و همکاران [۲۱] در سال ۱۴۰۳ صورت گرفت به بررسی و تبیین ارتباط طرح‌های توسعه شهری و برندسازی شهری از نگاه گردشگران شهر بیرجند پرداختند، نتایج نشان داد که در راستای تحقق برنامه های برندسازی شهری، طرح‌های توسعه شهری بر دیگر مولفه‌های تصویر ذهنی و منظر بیشترین اثر را دارند و همبستگی بین مولفه‌ها نشان داد که بالاترین ارتباط بین مولفه‌های تصویر ذهنی و منظر حدوداً ۰/۶۶ است. علیزاده و همکاران [۲۲] در مطالعه‌ای که در سال ۱۴۰۲ انجام دادند، به شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر برندسازی شهری ارومیه پرداختند. نتایج نشان داد که شش عامل می‌توانند در حوزه برندسازی گردشگری، درآمدهای پایداری برای این شهر تأثیر گذار باشند. این عوامل شامل سیستم حمل و نقل، فعالیت‌های رسانه‌ای و تبلیغاتی، و دسترسی به خدمات شهری و تسهیلات گردشگری می‌باشند. همچنین در تحقیقی که آبادی و همکاران [۲۳] در سال ۱۴۰۱ بمنظور تعیین جایگاه و نقش مدیریت شهری در برندسازی شهر اصفهان

- منابع ■
- [1] Judy B, Mogheli M, Khorambakhte AA. Evaluating the Performance of Sustainable Urban Management with a Citizen Satisfaction Approach (Case Study: Ardabil Neighbourhoods). *Journal of Sustainable city*. 2022;4(4): 101-117. DOI: [10.22034/JSC.2021.275174.1423](https://doi.org/10.22034/JSC.2021.275174.1423) [In Persian].
- [2] Cobbinah PB, Darkwah RM. Urban planning and politics in Ghana. *GeoJournal*. 2017;82:1229-45. DOI: 10.1007/s10708-016-9750-y
- [3] Awuah KGB, Hammond FN, Lamond JE, Booth C. Benefits of urban land use planning in Ghana. *Geoforum*. 2014;51:37-46. DOI: [10.1016/j.geoforum.2013.09.019](https://doi.org/10.1016/j.geoforum.2013.09.019).
- [4] Chan A, Suryadipura D, Kostini N. City image: city branding and city identity strategies. *Review of Integrative Business and Economics Research*. 2021;10:330-41. DOI: not available.
- [5] Blain C, Levy SE, Ritchie JB. Destination branding: Insights and practices from destination management organizations. *Journal of travel research*. 2005;43(4):328-38. DOI: [10.1177/0047287505274646](https://doi.org/10.1177/0047287505274646).
- [6] Zhang Y, Li J, Liu C-H, Shen Y, Li G. The effect of novelty on travel intention: the mediating effect of brand equity and travel motivation. *Management Decision*. 2021;59(6):1271-90. DOI: [10.1108/MD-09-2018-1055](https://doi.org/10.1108/MD-09-2018-1055).
- [7] Ferns BH, Walls A. Enduring travel involvement, destination brand equity, and travelers' visit intentions: A structural model analysis. *Journal of Destination Marketing & Management*. 2012;1(1-2):27-35. DOI: [10.1016/j.jdmm.2012.07.002](https://doi.org/10.1016/j.jdmm.2012.07.002).
- [8] Kotler P, Keller KL. *Marketing Management Twelfth Edition*, Jakarta: PT. Salemba Empat. 2006. DOI: no available (E.book).
- [9] Chi X, Zhou H, Cai G, Han H. Investigation into the festival brand co-creation mechanism: extended application of the customer-based brand equity model. *Journal of Travel & Tourism Marketing*. 2024;41(3):377-95. DOI: [10.1080/10548408.2024.2317738](https://doi.org/10.1080/10548408.2024.2317738).
- [10] Braun E. *City Marketing: Towards an integrated approach* 2008. DOI: <http://hdl.handle.net/1765/13694>.
- [11] Huerta-Álvarez R, Cambra-Fierro JJ, Fuentes-Blasco M. The interplay between social media communication, brand equity and brand engagement in tourist destinations: An analysis in an emerging economy. *Journal of Destination Marketing & Management*. 2020;16:100413. DOI: [10.1016/j.jdmm.2020.100413](https://doi.org/10.1016/j.jdmm.2020.100413).
- [12] Pasquinelli C, Trunfio M, Bellini N, Rossi S. Reimagining urban destinations: Adaptive and transformative city brand attributes and values in the pandemic crisis. *Cities*. 2022;124:103621. DOI: [10.1016/j.cities.2022.103621](https://doi.org/10.1016/j.cities.2022.103621).
- [13] Verma P. The effect of brand engagement and brand love upon overall brand equity and purchase intention: A moderated–mediated model. *Journal of Promotion Management*. 2021;27(1):103-32. DOI: [10.1080/10496491.2020.1809591](https://doi.org/10.1080/10496491.2020.1809591).
- [14] Naghavi. N. The role of urban management in the branding of Tehran city. *First Conference on Examining Challenges and New Solutions in Urban Management* 2018. p. 1-11. [In Persian].
- [15] Amanipoor S DBS, Alizadeh H. . Analysis of influential factors in shaping the city image towards effective urban branding. Case study: Ahvaz metropolis. . *J Spat Plan*. 2020;35(10):67-86. DOI: [10.30488/GPS.2019.104380.2638](https://doi.org/10.30488/GPS.2019.104380.2638) [In Persian].
- [16] Vahabian M, Ghanbari N, Nori SA, Kalthornia B. Explain the components of urban branding, Emphasizing the Dimensions of Tourism. *Shock and Vibration*. 2021;2021:1-7. DOI: [10.1155/2021/9095302](https://doi.org/10.1155/2021/9095302).
- [17] Mokhtari Malekabadi R GS, Larabi M. . Examining the role and position of urban management in urban branding (Case study: Isfahan city). *J Spat Plan* 2022;3(46). DOI: [10.22108/SPPL.2022.134138.1663](https://doi.org/10.22108/SPPL.2022.134138.1663) [In Persian].
- [18] Fernández DB, Meethan K. The Relationship of City Branding and Tourist Promotion: The Case of Plymouth (UK) and Malaga (Spain). *Athens Journal of Tourism*. 2014;1(3):214-35. DOI: not available.
- [19] Yang T, Ye M, Pei P, Shi Y, Pan H. City branding evaluation as a tool for sustainable urban growth: A framework and lessons from the Yangtze River Delta Region. *Sustainability*. 2019;11(16):4281. DOI: [10.3390/su11164281](https://doi.org/10.3390/su11164281).
- [20] Wilson D, Salzman R, Chamberlain E, Elfers T, High M, Mcmanus J, et al. Place Branding and Civic Pride: Comparative Case Study of Two River Cities in Northern Kentucky. *Local Development & Society*. 2023;4(2):251-70. DOI: [10.1080/26883597.2021.1952848](https://doi.org/10.1080/26883597.2021.1952848).
- [21] Fakhimzade h, Sarvari h, Mahdinia m, Mahmoodzade Vashan m. Structural Equation Modeling Approach for explaining the relationship between city development plans and city branding from the viewpoint of tourists (Case Study: Birjand). *Journal of Applied Research in Geographical Sciences*. 2024;24(72):189-207. DOI: [10.52547/jgs.24.72.189](https://doi.org/10.52547/jgs.24.72.189) [In Persian]
- [22] Alizadeh H KH, Dalir HK. Identifying and analyzing factors influencing sustainable urban revenue generation with an emphasis on urban branding (Case study: Urmia city). *Environ Plan* 2023;16(60). DOI: [10.52547/jgs.24.72.189](https://doi.org/10.52547/jgs.24.72.189) [In Persian].
- [23] Akbari P HK, Ahmadi M. Explaining and evaluating the economic regeneration of potential urban creative spaces for development with a branding approach (Case study: Sanandaj city). *Environ Plan*. 2022;16(60):207-34. DOI: [10.22067/jgusd.2021.47427.0](https://doi.org/10.22067/jgusd.2021.47427.0) [In Persian].



residents of the Idelou neighborhood of Tabriz, which is equal to 25126 people. A sample size of 20 experts was selected. In expert-oriented research, there is no limit in choosing the sample size. The sample size of the residents of Tabriz's Ideal neighborhood is 378 using Cochran's formula. The samples were selected randomly. In the qualitative part, the Foundation's data method was used, which was analyzed using MAXQDA software and coding of research variables in three steps open, central, and selective coding. Then, in the quantitative part, a questionnaire tool was used to collect data, and a five-choice Likert scale was used for measurement. After the above steps, the data was categorized. For this purpose, structural equations with exploratory factor analysis method were used. Then, second-order confirmatory factor analysis was used to confirm the extracted factors and data analysis was done in the environment of SPSS and Amos software.

Findings

To identify the effective factors and components of vulnerability and sustainable security in the informal settlements of Tabriz city, first through qualitative analysis and semi-in-depth structural interviews with experts and their analysis and coding, the four main environmental, physical, economic and social dimensions-cultural, nine indicators, among which the environmental component includes two indicators of visual quality, green space and transportation, which includes 12 sub-indices, the physical component has two main indicators of access to basic services and the quality of access, housing, facilities and infrastructure services with 23 sub-indices, the component Economic with two main indicators of employment and income with 11 sub-indices and socio-cultural component with three main indicators of public education, personal and social security and place belonging and 17 sub-indices and a total of 63 sub-indices. In the quantitative part, according to the quantitative findings from the

structural equations, it was found that among the four dimensions identified and investigated, the indicators of the socio-cultural dimension with a direct effect of 0.486 and an indirect effect of 0.252 have the highest effect on sustainable security. Tabriz city has an ideal informal settlement in terms of pathology. After that, respectively, the physical dimension with a direct effect of 0.398 and an indirect effect of 0.201, an economic dimension with a direct effect of 0.219 and an indirect effect of 0.143, and finally the environmental dimension with a direct effect of 0.198 and an indirect effect of 0.101 has been effective in the sustainable security of the informal settlement of Tabriz city from the point of view of pathology.

Conclusion

The informal settlements of Tabriz city, especially the ideal neighborhood of Tabriz, have not been developed in recent years due to having the necessary infrastructure, but as they should and perhaps in terms of sustainable urban security, to maintain the population and avoid severe migrations. To prevent the influx of alcoholics in this neighborhood. Therefore, all factors have joined hands. To provide sustainable urban security at a low level. As a result, the spatial order, planning, and design of the informal settlement of Tabriz's ideal neighborhood is strongly influenced by the debates related to environmental conditions and crime, disorder, and insecurity. According to the findings of the research, to reduce vulnerability and improve stable security in the informal settlement of Tabriz's ideal neighborhood, special attention should be paid to four environmental, physical, economic, and socio-cultural dimensions, because achieving stable security in Tabriz's ideal neighborhood is part of paying attention to These four dimensions are not possible and will not be.

COPYRIGHTS

©2022 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.



HOW TO CITE THIS ARTICLE

Aghaei P. Sattari Sarbanghooli H. Pakdel Fard M. Pathology of Sustainable Security in Tabriz's Ideloo Neighborhood. Urban Economics and Planning Vol 5(1):200-220. [In Persian]

DOI: 10.22034/UEP.2024.435031.1453



Pathology of Sustainable Security in Tabriz's Ideloo Neighborhood

Original Article

Peyman Aghaei¹, Hassan Sattari Sarbanghooli^{2*}, Mohammadreza Pakdel Fard³

1- PhD candidate of Urban Planning, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

2- Associate Professor, Department of Urban Planning, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

3- Associate Professor, Department of Architecture, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

ARTICLE INFO

Article History

Received: 2024-01-10

Revised: 2024-06-04

Accepted: 2024-06-23

Keywords

Pathology

Stable Security

Informal settlement

Tabriz city

ABSTRACT

Introduction

Along with the natural growth of the population, the role of immigration has caused the excessive and uneven development of the population of big cities. In general, migration as a social phenomenon has many consequences, most of which have negative or disorderly repercussions, and it disrupts the balance of the system, which is "informal settlement" and, as a result, increases cultural, economic, physical, institutional, and biological damages. The environment is one of these cases. In the meantime, the metropolis of Tabriz is a target point in the geography of Iran, and the center of gravity of the population is not exempt from this the increase in population growth and immigration especially in the 1350s, has caused not only the phenomenon of urbanization and the formation of informal settlements in It becomes a common thing around it, but the villages and cities located around it are affected by this phenomenon. Since 2015, there have been no official statistics on the number of informal settlements in the country. In Tabriz, over 400 thousand people live in informal settlements. Idelou neighborhood in Tabriz city is considered one of the informal settlements that houses 25126 people. Also, since the results of the studies regarding the feeling of security in the informal settlement areas are very important in the planning and adopted policies the results are wrong and inaccurate. On the other hand, the plans made do not achieve the desired result. Therefore, a comprehensive and detailed investigation of the vulnerability factors of urban security and the formation of sustainable security in ideal informal settlements in Tabriz city will be a very important step in solving their needs and problems. In this regard, the main importance of this research is in the comprehensive and internal investigation of the causes of the vulnerability of sustainable security and the phenomenon of security in the Idalo neighborhood, which is an informal settlement in Tabriz city. Because it seems that in many cases, the studies conducted have not investigated the phenomenon internally. Considering the importance and necessity of paying attention to sustainable security in informal settlements, the main goal of this research is to explain and analyze the pathology of sustainable security in the Id-Halo neighborhood. For this reason, the present research seeks to answer the question, which components and indicators have the most and the least impact on sustainable security in Tabriz's ideal neighborhood in terms of vulnerability?

Materials and Methods

The method of this research is qualitative- quantitative in terms of its descriptive- exploratory nature, and terms of its purpose, it is considered part of applied research, and it is survey research in terms of collecting information. The statistical population includes two groups: experts and

* Corresponding author: sattari@iaut.ac.ir

آسیب‌شناسی امنیت پایدار در محله ایده‌لو تبریز

مقاله پژوهشی

پیمان آقایی^۱؛ حسن ستاری ساربانقلی^{۲*}؛ محمدرضا پاکدل فرد^۳

۱- دانشجوی دکتری شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

۲- دانشیار گروه شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

۳- دانشیار گروه معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

چکیده

مقدمه

در کنار رشد طبیعی جمعیت، مهاجرت باعث رشد بی‌رویه و ناموزون جمعیت شهرهای بزرگ شده است. به طور کلی، مهاجرت به عنوان یک پدیده اجتماعی دارای پیامدهای بسیار متعدد منفی و یا بی‌نظمی است و سبب اختلال در تعادل نظام می‌شود که «سکونتگاه غیررسمی» و به تبع آن، افزایش آسیب‌های فرهنگی، اقتصادی، کالبدی و نهادی و زیست‌محیطی از جمله این موارد است. در این میان، کلان‌شهر تبریز به عنوان یک نقطه هدف در جغرافیای ایران و مرکز ثقل جمعیت از این امر مستثنا نبوده و با افزایش رشد جمعیتی و مهاجرت به خصوص در دهه ۱۳۵۰ سبب شده نه تنها پدیده شهرک‌سازی و شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی در اطراف آن به صورت امری رایج درآید، بلکه روستاها و شهرهای واقع در اطراف آن تحت تأثیر این پدیده قرار گیرند. از سال ۱۳۹۵ تا کنون آمار رسمی از تعداد جمعیت سکونتگاه‌های غیررسمی کشور وجود ندارد. در شهر تبریز بالای ۴۰۰ هزار نفر در سکونتگاه‌های غیررسمی زندگی می‌کنند. محله ایده‌لو در شهر تبریز یکی از سکونتگاه‌های غیررسمی محسوب می‌شود که ۲۵۱۲۶ نفر را نیز در خود جای داده است.

همچنین، از آنجا که نتایج مطالعات در خصوص وضعیت احساس امنیت مناطق اسکان غیررسمی در برنامه‌ریزی و سیاست‌های اتخاذ شده بسیار مهم است، اگر نتایج اشتباه و نادرست حاصل شود، برنامه‌ریزی‌های انجام شده نیز به نتیجه مطلوب دست پیدا نمی‌کنند. لذا بررسی جامع و دقیق از عوامل آسیب‌پذیری امنیت شهری و شکل‌گیری امنیت پایدار در سکونتگاه‌های غیررسمی ایده‌لو در شهر تبریز، گامی بسیار مهم در رفع نیازمندی‌ها و مشکلات آن‌ها خواهد بود. در این راستا اهمیت اصلی این پژوهش، در بررسی جامع و درونی علل آسیب‌پذیری امنیت پایدار و پدیده امنیت در محله ایده‌لو است که یک سکونتگاه غیررسمی در شهر تبریز است، چراکه به نظر می‌رسد در بسیاری از موارد مطالعات صورت گرفته به بررسی درونی پدیده نپرداخته‌اند. با توجه به اهمیت و ضرورت توجه به امنیت پایدار در سکونتگاه‌های غیررسمی، هدف اصلی این تحقیق، تبیین و تحلیل آسیب‌شناسی امنیت پایدار در محله ایده‌لو است. به همین سبب تحقیق حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال است که کدام مؤلفه‌ها و شاخص‌ها بیشترین و کمترین تأثیر از نظر آسیب‌پذیری بر امنیت پایدار در محله ایده‌لوی تبریز دارند؟

مواد و روش‌ها

روش این پژوهش، از نظر ماهیت، توصیفی-اکتشافی به صورت کیفی-کمی بوده و از نظر هدف، جزء پژوهش‌های کاربردی محسوب می‌شود و از جهت گردآوری اطلاعات، از نوع تحقیقات پیمایشی است. جامعه آماری شامل دو گروه: خبرگان و ساکنان محله ایده‌لوی شهر تبریز که برابر ۲۵۱۲۶ نفر است. حجم نمونه خبرگان برابر ۲۰ نفر انتخاب شد. در تحقیقات خبره‌محور محدودیتی در انتخاب حجم نمونه

اطلاعات مقاله

تاریخ‌های مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۳/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۰۳

کلمات کلیدی

آسیب‌شناسی
امنیت پایدار
سکونتگاه غیررسمی
شهر تبریز

با توجه به یافته‌های کمی حاصل از معادلات ساختاری، مشخص شد که در بین چهار بعد شناسایی و بررسی شده شاخص‌های بعد اجتماعی- فرهنگی با اثر مستقیم ۰/۴۸۶ و غیر مستقیم ۰/۲۵۲ بیشترین اثر گذاری را در امنیت پایدار سکونتگاه غیررسمی محله ایده‌لوی شهر تبریز از نظر آسیب‌شناسی داشته است. پس از آن، به ترتیب بعد کالبدی با اثر مستقیم ۰/۳۹۸ و غیر مستقیم ۰/۲۰۱، بعد اقتصادی با اثر مستقیم ۰/۲۱۹ و غیر مستقیم ۰/۱۴۳ و در نهایت بعد زیست‌محیطی با اثر مستقیم ۰/۱۹۸ و غیر مستقیم ۰/۱۰۱ در امنیت پایدار سکونتگاه غیررسمی ایده‌لو شهر تبریز از نظر آسیب‌شناسی تأثیرگذار بوده است.

نتیجه‌گیری

سکونتگاه‌های غیررسمی شهر تبریز به‌خصوص محله ایده‌لوی تبریز در سال‌های اخیر به دلیل داشتن بسترهای لازم اما آن‌چنان که باید و شاید از لحاظ امنیت پایدار شهری توسعه نیافته است تا به این طریق در جهت حفظ و نگهداشت جمعیت و از مهاجرت‌های شدید و هجوم الکل‌وژیکی در این محله جلوگیری کند. بنابراین همه عوامل دست در دست هم داده‌اند تا تأمین امنیت پایدار شهری در سطح پایینی قرار بگیرد. در نتیجه نظم فضایی، برنامه‌ریزی و طراحی سکونتگاه غیررسمی محله ایده‌لوی شهر تبریز به شدت تحت تأثیر بحث‌های مربوط به شرایط محیطی و جرم، بی‌نظمی و ناامنی است. با توجه به یافته‌های تحقیق برای کاهش آسیب‌پذیری و بهبود امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی محله ایده‌لوی تبریز باید به چهار بعد زیست‌محیطی، کالبدی، اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی توجه ویژه شود، چرا که رسیدن به امنیت پایدار در محله ایده‌لوی تبریز جزء توجه به این ابعاد چهارگانه ممکن نیست و نخواهد بود.

وجود ندارد. حجم نمونه ساکنان محله ایده‌لوی تبریز است که با استفاده از فرمول کوکران ۳۷۸ نفر به دست آمد. نمونه‌ها به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند. در قسمت کیفی روش داده‌بنیاد به کار گرفته شد که با استفاده از نرم‌افزار Maxqda به تحلیل داده‌ها و کدگذاری متغیرهای تحقیق در سه گام کدگذاری باز، محوری و انتخابی پرداخته شد. سپس، در قسمت کمی از ابزار پرسشنامه برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد که برای اندازه‌گیری از طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای استفاده شد. بعد از مراحل یادشده اقدام به دسته‌بندی داده‌ها شد. برای این کار از معادلات ساختاری با روش تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. سپس، برای تأیید عوامل استخراج‌شده از تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم استفاده شد و تحلیل داده‌ها در محیط نرم‌افزارهای SPSS و Amos انجام شد.

یافته‌ها

با توجه به هدف که آسیب‌شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر تبریز است، برای شناسایی عوامل و مؤلفه‌های مؤثر آسیب‌پذیری و امنیت پایدار در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر تبریز ابتدا از طریق تحلیل کیفی و مصاحبه نیمه‌عمیق ساختاری با خبرگان و آنالیز و کدبندی آن‌ها، چهار بعد اصلی زیست‌محیطی، کالبدی، اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی، نه شاخص که در این میان مؤلفه زیست‌محیطی شامل دو شاخص کیفیت بصری، فضای سبز و حمل‌ونقل که شامل ۱۲ زیرشاخص، مؤلفه کالبدی دارای دو شاخص اصلی دسترسی به خدمات اساسی و کیفیت دسترسی، مسکن امکانات و خدمات زیربنایی با ۲۳ زیرشاخص، مؤلفه اقتصادی با دو شاخص اصلی اشتغال و درآمد با ۱۱ زیرشاخص و مؤلفه اجتماعی- فرهنگی با سه شاخص اصلی آموزش عمومی، امنیت فردی و اجتماعی و تعلق مکانی و ۱۷ زیرشاخص و در کل با ۶۳ زیرشاخص شناسایی شدند. در قسمت کمی هم

مقدمه

روند رشد جمعیت کشورها نشان می‌دهد میانگین افزایش جمعیت در کشورهای در حال توسعه با شدت بسیار زیادی نسبت به کشورهای توسعه‌یافته است. علاوه بر رشد جمعیت زیاد از دیگر مشکلات شهری این کشورها، برخی‌های سیاست‌های اشتباه در گسترش شهرها است. با رشد جمعیت شهری و به تبع آن، گسترش شهرنشینی مهاجرت نیز به شدت افزایش یافته است، به طوری که پیش‌بینی شده است با ادامه روند فعلی، جمعیت شهری از ۲/۹ میلیارد نفر در سال ۲۰۰۰ به ۵ میلیارد نفر در سال ۲۰۳۰ خواهد رسید. این سرعت خیره‌کننده در سال‌های گذشته به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، شهرها را با چالش‌های بسیار جدی در ابعاد مختلف کالبدی، اجتماعی، زیست‌محیطی و نظیر آن‌ها روبه‌رو ساخته است [۱]. بررسی وضعیت ایران نیز نشان‌دهنده رشد شتابان شهرنشینی در دهه‌های گذشته است. حال یکی از نتایج این رشد شتابان و بی‌برنامه در سطح جهانی و به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، ظهور مناطق اسکان غیر رسمی است. بر اساس آساری که سازمان‌های جهانی اعلام کرده‌اند، در حال حاضر به طور متوسط از هر هفت نفر جمعیت کره زمین یک نفر حاشیه‌نشین است که این آمار در کشورهای در حال توسعه یک نفر به ازای هر سه نفر را نشان می‌دهد. این رقم در وضعیت کنونی نیز در حال افزایش است و پیش‌بینی‌های صورت گرفته توسط سازمان‌های جهانی از جمله برنامه اسکان بشر سازمان ملل متحد بیانگر آن است که این موضوع در سال‌های آتی تشدید خواهد شد. در سال‌های اخیر موضوع اسکان غیر رسمی از جنبه‌های مختلف بررسی و دیدگاه‌های مختلف در مورد آن مطرح شده است. یکی از موضوعات مهم در مناطق اسکان غیر رسمی، موضوع امنیت این مناطق است [۲]. یکی از ابعاد مهم امنیت در سکونتگاه‌های غیر رسمی، امنیت پایدار شهری است که از مؤلفه‌های اصلی در سرزندگی و حیات فضاهای شهری از نظر فیزیکی و روانی محسوب شده و به عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی شکل‌گیری توسعه پایدار مطرح می‌شود. نبود امنیت یا تضعیف آن در فضاهای شهری به طور عام و در سکونتگاه‌های غیر رسمی به طور خاص، در بروز رفتارهای ناهنجار شهری تأثیرگذار بوده و در نتیجه باعث کاهش حضور شهروندان در فضاهای شهری شده و میزان سرزندگی فضا را تحت تأثیر قرار می‌دهد. لذا ناامنی مکان و فضاهای شهری نشاط و سلامتی را در زندگی روزمره مختل کرده و با ایجاد مانع بر سر راه رشد فرهنگی و مشارکت عمومی هزینه‌های زیادی را بر جامعه تحمیل می‌کند [۳].

در راستای بررسی امنیت مناطق اسکان غیر رسمی، نتایج بسیاری از مطالعات و آمارهای منتشر شده در حوزه مناطق اسکان غیر رسمی نشان می‌دهد این مناطق از لحاظ قرائت‌های رسمی (دیدگاه ناظران بیرونی) ناامن، میزان جرائم آن‌ها بالا بوده و به عنوان یک تهدید امنیتی دیده می‌شوند. گمان می‌رود که در مطالعات حوزه امنیت نمی‌توان امنیت را به عنوان یک وضعیت بدون ارتباط با عوامل اجتماعی آن تحلیل کرد، بلکه امنیت را باید به گونه‌ای دیگر یعنی به عنوان یک متغیر وابسته که با توجه به متن آن معنا می‌دهد در نظر گرفت. لذا به نظر می‌رسد در ادراک امنیت یا احساس آن در مناطق شهری به طور عام و مناطق اسکان غیررسمی به طور خاص، یک سری روابط پنهان و درعین حال در قالب یک واقعیت تام اجتماعی وجود دارد که در آن فاکتورهای مختلفی می‌توانند دخیل باشند. حال تأمین امنیت پایدار شهری در مناطق اسکان غیر رسمی با توجه به ویژگی‌های خاص این مناطق از اهمیت دوچندانی برخوردار است [۴]. چراکه پیوستگی متقابل بین امنیت و توسعه این مناطق امری اجتناب‌ناپذیر است. مسئله اصلی مهم دیگر در امنیت سکونتگاه‌های غیررسمی، نحوه شکل‌گیری و عوامل و مؤلفه‌های مؤثر در شکل‌گیری امنیت مکان بنیاد در این مناطق است. موضوعی که مسئله اول پژوهش یعنی ادراک امنیتی ساکنان نیز در ذیل آن نمود پیدا می‌کند [۵]. این در حالی است که ضعف پژوهش‌ها و مطالعات راهبردی در بعد مکانی امنیت، فقدان نگرش‌های واقع‌بینانه و عدم شناخت و دانش کافی در خصوص ماهیت آن، موجب مسکوت ماندن نهادسازی و تدارک لازم برای مواجهه با این پدیده

شده است [۶]. از آنجا که بدون شناخت روند بروز و ظهور پدیده‌ها و مشکلات موجود نمی‌توان به ارائه راه‌حل‌های واقعی و کاربردی دست یافت، از این رو شناخت آسیب‌پذیری عوامل مؤثر در امنیت پایدار می‌تواند ضمن عمق دادن به حوزه شناخت فکری و تحلیل عمیق‌تر مسائل، به عنوان بستر و زمینه‌ای برای پژوهش‌های آتی و تصمیم‌گیری و اتخاذ راهبردهای مناسب و مقتضی در مناطق جرم‌خیز و ناامن کشور تلقی شود [۷].

با توجه به وضعیت کنونی جامعه شهری ایران، پدیده شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی یکی از معضلات مهم اجتماعی شهری محسوب می‌شود و شواهد و آمار دال بر گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی در سطح ایران و هم در سطح شهر تبریز است. با توجه به اهمیت دستیابی به شهر پایدار در نظام شهری، نیازمند توجه به مناطق آسیب‌زای شهری و به‌ویژه سکونتگاه‌های غیرمعارف هستیم، در غیر این صورت آرمان شهر متوازن ایده‌آل به واقعیت نخواهد پیوست و امنیت و صور گوناگون آن به‌ویژه امنیت فضایی از زیربنایی‌ترین نیازهای حرکت و پیشرفت اجتماعات شهری هستند. در صورت نبود آن، افراد و گروه‌های اجتماعی قادر به تحقق و برآوردن سایر نیازها نیستند.

در کنار رشد طبیعی جمعیت، نقش مهاجرت باعث رشد بی‌رویه و ناموزون جمعیت شهرهای بزرگ شده است. به طور کلی، مهاجرت به عنوان یک پدیده اجتماعی دارای پیامدهای بسیار متعدد است که اکثر آن‌ها دارای پیامدهای منفی و یا بی‌نظمی است و اختلال در تعادل نظام می‌شود که «سکونتگاه غیررسمی» و به تبع آن، افزایش آسیب‌های فرهنگی، اقتصادی، کالبدی و نهادی و زیست‌محیطی از جمله این موارد است. در این میان کلان‌شهر تبریز به عنوان یک نقطه هدف در جغرافیای ایران و مرکز نقل جمعیت از این امر مستثنا نبوده و با افزایش رشد جمعیتی و مهاجرت به‌خصوص در دهه ۱۳۵۰ سبب شده نه تنها پدیده شهرک‌سازی و شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی در اطراف آن به صورت امری رایج درآید، بلکه روستاها و شهرهای واقع در اطراف آن تحت تأثیر این پدیده قرار گیرند. از سال ۱۳۹۵ تا کنون آمار رسمی از تعداد جمعیت سکونتگاه‌های غیررسمی کشور وجود ندارد. در شهر تبریز بالای ۴۰۰ هزار نفر در سکونتگاه‌های غیررسمی زندگی می‌کنند. محله ایدولو در شهر تبریز یکی از سکونتگاه‌های غیررسمی محسوب می‌شود که ۲۵۱۲۶ نفر را نیز در خود جای داده است.

همچنین، از آنجا که نتایج حاصل از مطالعات در خصوص وضعیت احساس امنیت مناطق اسکان غیررسمی در برنامه‌ریزی و سیاست‌های اتخاذ شده بسیار مهم است، اگر نتایج اشتباه و نادرست حاصل شود، برنامه‌ریزی‌های انجام شده نیز به نتیجه مطلوب دست پیدا نمی‌کنند. لذا بررسی جامع و دقیق از عوامل آسیب‌پذیری امنیت شهری و شکل‌گیری امنیت پایدار در سکونتگاه‌های غیررسمی ایده‌لو در شهر تبریز گامی بسیار مهم در رفع نیازمندی‌ها و مشکلات آن‌ها خواهد بود. در این راستا اهمیت اصلی این پژوهش در بررسی جامع و درونی علل آسیب‌پذیری امنیت پایدار و پدیده امنیت در محله ایدولو که یک سکونتگاه غیررسمی در شهر تبریز است، چراکه به نظر می‌رسد در بسیاری از موارد مطالعات صورت گرفته به بررسی درونی پدیده نپرداخته‌اند. با توجه به اهمیت و ضرورت توجه به امنیت پایدار در سکونتگاه‌های غیررسمی، هدف اصلی این تحقیق، تبیین و تحلیل آسیب‌شناسی امنیت پایدار در محله ایدولو است. به همین سبب تحقیق حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال است که کدام مؤلفه‌ها و شاخص‌ها بیشترین و کمترین تأثیر از نظر آسیب‌پذیری بر امنیت پایدار در محله ایدولوی تبریز را دارند؟

پیشینه تحقیق

سجاذاده و صفری [۸] تحقیقی با عنوان «ارتقای کیفیت محیطی در سکونتگاه‌های غیررسمی با تأکید بر امنیت محیطی در محله منوچهری همدان» انجام داده‌اند. اطلاعات لازم برای پژوهش یادشده با استفاده از پرسش‌نامه و مطالعات کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده و با روش توصیفی-تحلیلی

انجام داده‌اند. تحقیق یادشده در زمرة تحقیقات کمی- کیفی قلمداد می‌شود. بر اساس نوع، جزء تحقیقات کاربردی و بر اساس روش، جزء تحقیقات توصیفی- تحلیلی به شمار می‌رود. در این تحقیق شش بعد (نظارت، مدیریت و نگهداری، حمایت از فعالیت، ساختار، دسترسی و جابه‌جایی و حس مالکیت) در قالب ۱۱ شاخص در سطح محلات مورد سنجش قرار گرفته است. از مقایسه تطبیقی محله‌های مورد مطالعه نشان داد محله نارمک در شرق تهران (منطقه ۸) به عنوان امن‌ترین محله و محله سنگلج در بخش مرکزی تهران (منطقه ۱۲) به عنوان ناامن‌ترین محله از دید ساکنان ارزیابی شده‌اند. در واقع این مقایسه به ما فرصتی برای بررسی و مقایسه اصول CPED، در تمامی محلات و استفاده از نکات مثبت در محلات امن را می‌دهد و آموزه‌هایی را برای امن‌تر کردن محله سنگلج ارائه کرد. نتایج پژوهش یادشده نشان داد حدود ۲۰ موقعیت یا فضای ناامن در سطح محله سنگلج وجود دارد که از مهم‌ترین ویژگی‌های آن می‌توان به باز بودن کوچه‌ها و امکان راحت فرار مجرمان، کنج‌های ناامن به‌وجودآمده بر اثر عقب‌رفتگی ساختمان‌ها، کمبود نور و چراغ، کمبود خرده‌فروشی یا هر کاربری مرتبطی که حضورپذیری بیشتر و امنیت را به دنبال خود داشته باشد، حضور کارتن‌خواب‌ها و گروه‌های بزهکار و معتادان در برخی مسیرها اشاره کرد.

قلیبور و همکاران [۱۵] پژوهشی با عنوان «امنیت و رضایت شهری: تهیه یک مدل براساس اجزای طراحی پارک شهری ایمن که از ترجیحات کاربران استخراج شده است» انجام داده‌اند. روش تحقیق یادشده توصیفی- پیمایشی و نگرش‌سنجی است. بنابراین، متغیرها از پرسشنامه باز توزیع شده بین ۲۵۰ کاربر پارک بر اساس تکنیک تحلیل محتوا استخراج شده است. براساس تحلیل محتوا هشت عامل توضیحی را بر اساس ترجیحات کاربران به دست آوردند، از جمله طراحی عناصر مصنوعی، کنترل و نظارت، طراحی کاشت، خوانایی، دسترسی فیزیکی، زیبایی‌شناسی، الگوهای فعالیت و اندازه فضا و وسعت فضا.

انتاکانا و همکاران [۱۶] در بررسی «اهمیت ایمنی و امنیت در طراحی فضای عمومی شهری برای پایداری در کشور هندوستان»، با استفاده از روش تحقیق توصیفی- تحلیلی که مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای است، استدلال می‌کنند که ساختارهای فضایی باعث می‌شود شهروندان دست به جرم بزنند. برای تضمین طراحی‌های چشم‌انداز فراگیر و در دسترس، امنیت شخصی افراد باید بخشی از ویژگی‌های طراحی فضاهای عمومی شهری باشد. برنامه‌ریزی فضایی به عنوان یک رشته باید تدابیری را برای مبارزه با جرم و جنایت در شهر در بر گیرد.

روش تحقیق هونگ [۱۷] در مطالعه «شهرهای امن» در پاکستان بر مبنای بررسی پروژه‌های انجام‌شده شهر امن و امنیت شهری است. نتایج پژوهش یادشده نشان می‌دهد پروژه‌های شهر ایمن روابط بین دولت، مردم، محیط‌های شهری و مادیات را به سه روش کلیدی شکل می‌دهند. نخست، جمع‌آوری و تولید مقادیر وسیعی از داده‌ها که از طریق آن‌ها فناوری اطلاعات و ارتباطات، مردم را نه تنها به هدف «راه‌حل‌های شهر ایمن» تبدیل می‌کند، بلکه به عنوان ورودی برای «راه‌حل‌های شهر ایمن» تبدیل می‌شود. دوم، پروژه‌های شهر ایمن مدرنیته، حرفه‌ای بودن و کارایی دولت را ایده‌آل می‌کند. در نهایت، پروژه‌های شهر ایمن به رژیم‌های مالی و حقوقی پیچیده متصل می‌شوند که امنیت را در ارتباط با فناوری‌های اختصاصی قرار می‌دهند.

ژانگ و همکاران [۱۸] تحقیقی با عنوان «رابط فضایی سکونتگاه‌های غیررسمی برای ایمنی زنان: اندازه‌گیری در مقیاس انسانی برای بزرگ‌ترین روستای شهری در چانگشا، استان هونان، چین»، انجام دادند و روش انجام تحقیق به صورت کیفی- کمی بوده است. تحلیل قسمت کیفی از طریق مصاحبه‌ها انجام شده و در روش کمی از آزمون t و رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است. نتایج پژوهش یادشده نشان داد عامل نفوذپذیری برای گروه زنان، رعایت مقیاس انسانی، روشنایی مناسب فضاهای شهری، محوریت فضاها برای زنان، جدایی‌پذیری بعضی از فضاهای شهری مختص

به تجزیه و تحلیل این داده‌ها پرداخته شده است. یافته‌های ایشان نشان می‌دهد کنترل دسترسی، نظارت طبیعی، فرهنگ جمعی تأثیر بسیار زیادی بر امنیت فضاها در سکونتگاه غیررسمی دارد. توجه به اصول طراحی شهری در ایجاد امنیت محیطی بر اساس استانداردها و دستورالعمل‌ها می‌تواند به افزایش کیفیت سکونتگاه غیررسمی منجر شود. طیبیان و احمدی [۹] تحقیقی با عنوان «تحلیلی بر رابطه میان دسترسی به خدمات شهری و میزان امنیت تصرف ادراکی در سکونتگاه‌های غیررسمی در محله کشتارگاه شهر ارومیه»، انجام دادند. روش تحقیق در مقاله یادشده از نوع توصیفی و تحلیلی بوده و در آن از روش پیمایش و ابزار پرسش‌نامه و از تکنیک‌های تحلیل شبکه در محیط ArcGIS، تحلیل فازی و روش‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون استفاده شده است. نتایج پژوهش یادشده نشان می‌دهد با افزایش دسترسی به خدمات شهری میزان امنیت تصرف ادراکی ساکنان محله کشتارگاه ارومیه افزایش یافته است؛ به این صورت که حدود ۶۰ درصد از واریانس امنیت تصرف ادراکی در این محله وابسته به دسترسی به خدمات شهری است. حکیمی و همکاران [۱۰] مقاله‌ای با عنوان «بررسی نقش امنیت تصرف ادراکی در کیفیت کالبدی مسکن در سکونتگاه‌های غیررسمی شمال کلان‌شهر تبریز در محله یوسف‌آباد»، انجام داده‌اند. روش تحقیق یادشده، توصیفی و از نوع همبستگی است و در آن از روش پیمایشی و ابزار پرسش‌نامه استفاده شده است. پژوهشگران یادشده نشان دادند میزان امنیت تصرف ادراکی در کیفیت کالبدی مسکن محله مورد مطالعه در سطح پایینی قرار دارد و شاخص احتمال تخلیه در هر لحظه، از عوامل اصلی در کاهش امنیت تصرف ادراکی در محله یوسف‌آباد است و میان امنیت تصرف ادراکی و کیفیت کالبدی مسکن رابطه مثبت و معناداری وجود ندارد. رحیمی و کارگر [۱۱] مقاله‌ای با عنوان «بررسی وضعیت امنیت در سکونتگاه‌های غیررسمی منطقه ۱۹ شهر تهران» انجام دادند. آن‌ها در این تحقیق با استفاده از روش پژوهش توصیفی- تحلیلی و استناد به اسناد کتابخانه‌ای و داده‌های میدانی (پرسش‌نامه) به بررسی وضعیت امنیت پرداخته شده است. نتایج پژوهش یادشده نشان‌دهنده تأثیر شاخص‌های امنیت بر شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی سکونتگاه‌های غیررسمی است.

بایرامزاده و همکاران [۱۲] تحقیقی با عنوان «ارزیابی میزان امنیت در سکونتگاه‌های غیررسمی بر روی محله حکیم نظامی ارومیه» انجام داده‌اند. روش پژوهش یادشده، توصیفی- تحلیلی و از نوع کاربردی است. روش جمع‌آوری داده‌ها به دو روش اسنادی و میدانی صورت گرفته است. نتایج پژوهش یادشده نشان می‌دهد با استفاده از داده‌های مکانی محله میزان امنیت قسمت غرب بهتر از قسمت شرق محله است و دلیل اصلی این اتفاق، تجمع اراذل در این قسمت از محله است. بر اساس داده‌های پرسشنامه‌ای نیز مؤلفه‌های نظارت طبیعی، کنترل دسترسی، تصویر و نگهداری از فضا و فعالیت‌های حمایتی در وضعیت بالاتری نسبت به سطح متوسط و مؤلفه قلمروگرایی در وضعیت پایین‌تر از سطح متوسط قرار دارد.

نوری‌نژاد و همکاران [۱۳] در مقاله‌ای به «تبیین و تحلیل شاخصه‌های امنیت پایدار در مناطق حاشیه‌نشین کلان‌شهر تهران (مورد مطالعه: اسلامشهر)» پرداخته‌اند. پژوهش یادشده از نوع کاربردی است و با استفاده از روش توصیفی جهت گردآوری اطلاعات نیز با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای و میدانی انجام گرفته است. نتایج پژوهش یادشده نشان می‌دهد ساکنان مناطق حاشیه‌نشین در کلان‌شهر تهران به دلیل عدم برخورداری لازم از توسعه پایدار شهری (فیزیکی و کالبدی، اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی) احساس محرومیت نسبی می‌کنند، که این امر تهدیدی برای امنیت این شهر است و آسیب‌های اجتماعی به عنوان عامل تهدیدکننده امنیت شهری در محلات حاشیه‌نشین تهران رواج بیشتری دارد.

همافر و سیفی ساسانسر [۱۴] تحقیقی با عنوان «شناسایی فضاهای همگانی ناامن در محله‌های شهری و بازطراحی آن‌ها با رویکرد ارتقای امنیت محیطی (مورد مطالعه: محله‌های نارمک، سنگلج، کارگر شمالی و باغ شاطر تهران)»

(Habitat.UN) سکونتگاه‌های غیررسمی را به عنوان سکونتگاه‌هایی تعریف کرده است که در زمین‌های بدون سند قانونی و فاقد خدمات اولیه شهری و امنیت و مغایر با برنامه‌ریزی قانونی محلی و مقررات ساختمانی ساخته شده‌اند. ساکنان آن‌ها مدام در معرض اخراج اجباری، خشونت و جرم و وضعیت اجتماعی و بهداشتی پایینی قرار دارند [۲۲].

ویژگی‌های کلی سکونتگاه‌های غیررسمی عموماً به صورت زیر هستند:

۱- ویژگی‌های کالبدی

الف- معابر باریک، که ممکن است شبیه راهرو باشند، پیچ‌درپیچ و نامنظم هستند و ممکن است به عرض ۲-۴ متر برسند. بافت شهری با کمبود فضاهای عمومی باز و سبز مشخص می‌شود [۲۳].

ب- آشفتگی منظر شهری: به دلیل از بین رفتن هارمونی بصری و اختلاف ارتفاعات و پستی و بلندی‌های ناهموار در بافت، معابر و فضای شهری تداوم زیبایی خود را از دست داده است.

ج- مصالح ساختمانی کم‌دوام و به‌صرفه برای ساکنان محله که ظاهر کلی بافت را مخدوش و غیرقابل قبول جلوه می‌دهد.

د- ساختمان‌هایی با ساختار نامنظم، اشکال مختلف، اندازه‌های کوچک و بزرگ که اکثراً فاقد خدمات زیرساخت فنی و اجتماعی هستند [۲۴].

زنان در سکونتگاه غیررسمی روستا-شهری در چانگشا باعث افزایش امنیت و ایمنی برای حضور زنان در این سکونتگاه می‌شود و زنان با آرامش خاطر بیشتر در فضاها حضور پیدا می‌کنند.

■ مبانی نظری

تعاریف زیادی از سکونتگاه‌های غیررسمی و اصطلاحات معادل آن‌ها وجود دارد که به دلیل تفاوت در ابعاد مشکلاتی که امروزه پیچیده‌تر شده‌اند، از کشوری به کشور دیگر متفاوت است، چرا که هر کشور به طور جدی در تلاش است تا راه‌حل‌های راهبردی مؤثری برای آن بیابد تا با شناسایی عوامل و شرایطی که به شکل‌گیری این سکونتگاه‌ها منجر شده است به بهبود کیفیت زندگی و مسکن در این‌گونه سکونتگاه‌ها منجر شوند [۱۹]. ترنر [۲۰] به عنوان یک معمار سکونتگاه‌های غیررسمی را یکی از مظاهر رشد شهری تعریف می‌کند که به صورت واحدهای مسکونی هستند که از نظر شکل کالبدی بسیار آشفته هستند و طی زمان در حال افزایش هستند که از مصالح ساختمانی نامرغوب و در متراژهای کوچک ساخته شده‌اند و تحت کنترل نیستند و خارج از کنترل مدیران شهری هستند؛ زیرا بدون صدور پروانه، قوانین، مقررات و استانداردهای جاری در جامعه ساخته شده‌اند و شکل می‌گیرند [۲۱]. سازمان ملل متحد



الف: معابر پیچ در پیچ



ب: آشفتگی بصری



ج: استفاده از مصالح کم‌دوام



د: ساختمان‌های نامنظم با ابعاد مختلف

شکل ۱. تصاویری از ویژگی‌های کالبدی سکونتگاه غیررسمی محله ایده‌لوی تبریز

د: پایین بودن استانداردهای زندگی، بالا بودن نرخ بیکاری و پایین بودن فرصت‌های شغلی

ر: تراکم جمعیت بالا در بافت، در واحدهای مسکونی [۲۶].

۳- ویژگی‌های محیطی

الف: کمبود خدمات زیربنایی فنی (آب، برق، سیستم‌های فاضلاب و غیره) و

۲- ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی

الف: فقدان حریم مسکونی به دلیل فاصله کم تفکیک (کوچه، خیابان)

ب: فقدان کامل یا جزئی حقوق و خدمات انسانی لازم که به بروز موقعیت‌های اجتماعی منفی مانند عدم امنیت اجتماعی و طبقاتی منجر می‌شود [۲۵].

ج: پایین بودن سطح تحصیلات در میان ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی

بالقوة جرم نقش دارد. قابل توجه است که برخی از شهرها و مناطق شهری امن‌تر از سایرین هستند. در حالی که جرم و جنایت در برخی مکان‌ها متمرکز است و در برخی مکان‌ها نه، زیرا طراحی مناطق با برنامه‌ریزی اتفاق نمی‌افتد و فضاهای منفی (فضاهایی که تعامل اجتماعی را از بین می‌برد) وجود دارد [۳۲]. نمونه بارز این مناطق سکونتگاه‌های غیررسمی در شهرهای بزرگ است که محل انواع ناامنی‌های اجتماعی و فیزیکی است که انجام انواع جرم و ضعف کنترل طبیعی را تشویق می‌کند. برنامه‌ریزان و طراحان شهری هنگام طراحی در این مناطق با چالش‌های بزرگی روبه‌رو هستند که مهم‌ترین آن، چالش امنیتی است که باید به امنیت پایدار منجر شود و ایمنی لازم را برای ساکنان این مناطق به وجود بیاورد [۳۳]. امنیت پایدار شهری یکی از مؤلفه‌های مهم و ضروری در زندگی شهری محسوب می‌شود که باید آرامش و احساس ایمنی را در فضاهای شهری برای شهروندان فراهم آورد [۳۴]. وجود امنیت پایدار در فضاهای عمومی از شاخص‌های کیفیت زندگی شهری است [۳۵]. از آنجا که احساس امنیت در فضاهای شهری یکی از شاخص‌های مهم کیفیت زندگی محسوب می‌شود و به‌رغم آنکه مسئله امنیت در هر جامعه‌ای یک مسئله پیچیده و دارای ابعاد متنوع و متعدد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و کالبدی است، در تأمین این نیاز نباید از نقش و تأثیر عوامل محیطی غافل شد. آرامش، رشد، شکوفایی انسان، بروز همه استعدادها و خلاقیت‌ها و نیل به همه کمالات انسانی در سایه امنیت پایدار به دست می‌آید [۳۶].

اجتماعی (بیمارستان‌ها، مراکز بهداشتی، مدارس، دانشگاه‌ها و غیره) ب: سروصدای ناشی از کارگاه‌ها و صنایع کوچک و دستی و همچنین آلودگی هوا به دلیل تهویه نامناسب و کمبود نور خورشید در داخل واحد مسکونی به دلیل شرایط تنگ و باریک کوچه [۲۷ و ۲۸].

با توجه به گسترش شهرنشینی به‌خصوص شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی تهدیدهای امنیتی در شهرهای بزرگ افزایش می‌یابد، به هم زدن تهدیدهای امنیتی و وقوع جرم و جنایت در این مناطق شهری ترس را در بین شهروندان برمی‌انگیزد، نگرانی مدیران محلی را افزایش می‌دهد و سرمایه‌گذاران را از خود دور می‌کند [۲۹]. برای کاهش تهدیدهای امنیتی و کاهش میزان جرم و جنایت، عوامل فیزیکی و اجتماعی وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد [۳۰]. عوامل اجتماعی در فقر، بیکاری و کیفیت زندگی افراد نمایان می‌شود. از سوی دیگر، عوامل محیطی شامل عوامل برنامه‌ریزی و طراحی در شهرها و مناطق شهری است. عناصر کالبدی مؤثر بر میزان جرم و جنایت در برنامه‌ریزی شهری عبارت‌اند از: برنامه‌ریزی شبکه معابر، کاربری زمین و تراکم ساختمان و در طراحی شهری عبارت‌اند از: فضای عمومی، ارتفاع ساختمان، طراحی خیابان، سلسله‌مراتب فضاها، چیدمان و جهت‌گیری ساختمان‌ها، محل ورودی‌ها و غیره. شهر مجموعه‌ای از تعامل بین عناصر کالبدی (جنبه کالبدی و شهری) و عناصر غیرمادی یا نامحسوس (جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی) است [۳۱]. برنامه‌ریزی و طراحی شهری در تقویت روابط اجتماعی بین افراد و احساس امنیت آن‌ها و کاهش فرصت‌های

جدول ۱. مؤلفه‌های امنیت در ادبیات امنیت ملی و امنیت پایدار [۳۷-۳۹]

مؤلفه‌های امنیت	امنیت ملی	امنیت پایدار
مرجع	دولت	جامعه
موضوع	سرزمین یا نهاد	ایجاد فرصت‌های برابر
منبع	هجوم خارجی یا شورش داخلی	تبعیض
کارگزار	نظامیان	شبکه‌های اخلاقی و اجتماعی
نقش‌نخبگان	تصمیم‌گیری استراتژیک	تسهیل‌گری
دغدغه	بقاء	بالتنگی و رهایی‌بخشی
اولویت	تهدید خارجی	آسیب‌پذیری داخلی
هنجارهای بین‌المللی	تشریفات	فرصت
دغدغه دولت	نظم	توزیع فرصت
روش تولید امنیت	وادارسازی	بازدارندگی و ترغیب

کلان‌شهرها و به‌خصوص در سکونتگاه‌های غیررسمی کلان‌شهرها بسیار مهم و حیاتی است.

مواد و روش‌ها

روش این پژوهش از نظر ماهیت توصیفی-اکتشافی به صورت کیفی-کمی بوده و از نظر هدف جزء پژوهش‌های کاربردی محسوب می‌شود و از جهت گردآوری اطلاعات از نوع تحقیقات پیمایشی است. جامعه آماری شامل دو گروه: خبرگان و ساکنان محله ایده‌لو در شهر تبریز که برابر ۲۵۱۲۶ نفر است. حجم نمونه خبرگان برابر ۲۰ نفر انتخاب شد. در تحقیقات خبرم‌محور محدودیتی در انتخاب حجم نمونه وجود ندارد. حجم نمونه ساکنان محله ایده‌لو تبریز است که با استفاده از فرمول کوکران ۳۷۸ نفر به دست آمد. نمونه‌ها به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند. در قسمت کیفی روش داده‌بنیاد به کار گرفته شد که با استفاده از نرم‌افزار Maxqda به تحلیل داده‌ها و کدگذاری متغیرهای تحقیق در سه گام کدگذاری باز، محوری و انتخابی پرداخته شد. سپس، در قسمت کمی از ابزار پرسشنامه برای جمع‌آوری داده‌ها

امنیت پایدار ساکنان شهرها در سکونتگاه‌های غیررسمی را می‌توان در سطوح مختلف در نظر گرفت که در حوزه مسائل مربوط به معماری و شهرسازی شهرهای معاصر، امنیت پایدار را می‌توان در سطوح زیر در نظر گرفت [۴۰]:

- نظارت و پیشگیری و حفاظت در برابر تهدیدهای اجتماعی
- استفاده از فضاهای عمومی و فضاهای ارتباطی برای آسایش و راحتی کاربران
- برنامه‌ریزی فضایی سازه‌های شهری و زیرساخت‌های شهری
- طراحی و اجرای سرمایه‌گذاری‌های عمرانی
- استفاده از سازه‌های ساختمانی ایمن
- مدیریت امنیت در سطوح مختلف در جامعه
- نظارت، پیشگیری و حفاظت در برابر تهدیدهای اقلیمی
- نظارت، پیشگیری و حفاظت در برابر تهدیدهای تروریستی
- نظارت، پیشگیری و حفاظت در برابر شیوع بیماری همه‌گیر [۴۱].

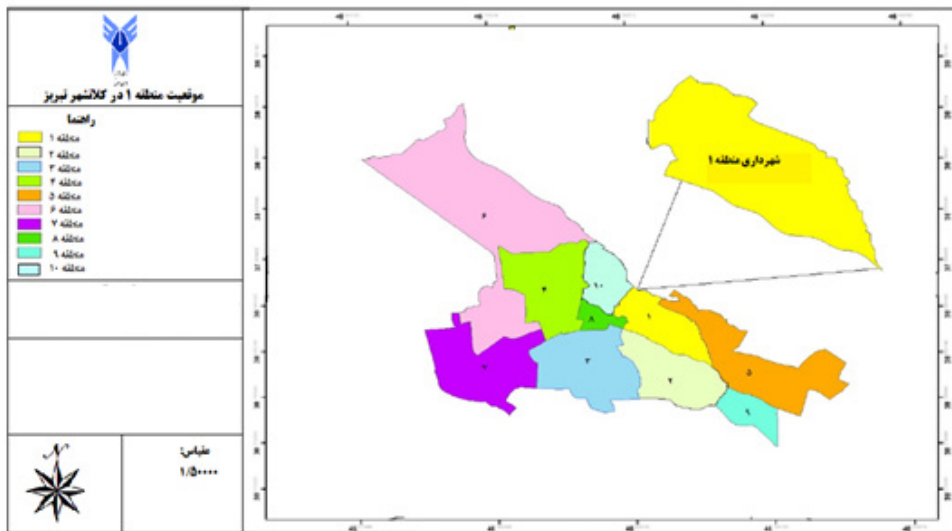
همان‌طور که از موارد یادشده پیداست، مشکلات مربوط به امنیت پایدار در شهرها با همه حوزه‌ها و فعالیت‌های شهری و افراد شهر درگیر است. با توجه به تهدیدهای جدید و مهم در مناطق شهری، رسیدگی به این موضوع در

بریدگی‌های متعدد از هم جدا می‌شوند. این محله در حد فاصل بین اتوبان پاسداران و کوه‌های عون بن علی و بین محله‌های احمدآباد، خلیل‌آباد، منبج، اسماعیل‌بقال و ششگیلان تبریز قرار گرفته است. خیابان ایده‌لو یکی از معابر اصلی این محلات در تبریز است. این خیابان از خیابان‌های مهم شهر تبریز است. خیابان ایده‌لو به معابر مهمی مانند بزرگراه پاسداران، سرباز شهید، پل ایده‌لو، عارف، منبج، ملازینال، صدرالشعراء، مصطفی‌خمینی، وحدت-اسماعیل‌بقال و همچنین ذاکری (کوثر) متصل شده است. مساحت محله ایده‌لو ۲۸۳۹۱۲۶ متر مربع و جمعیت محله ایده‌لو حدود ۲۵۱۲۶ نفر است. این محله دارای تراکم بالای جمعیتی، نرخ سواد و اشتغال پایین و دارای کوچه‌های پرپیچ‌وخم و شیب زیاد است. از طرفی، وضعیت سلامت و پاکیزگی در این محله پایین است [۴۲].

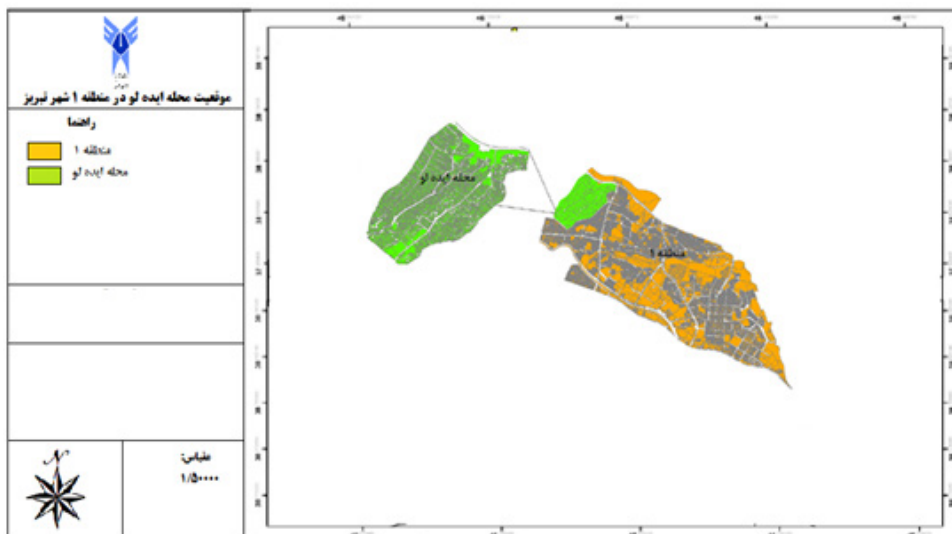
استفاده شد که برای اندازه‌گیری از طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای استفاده شد. بعد از مراحل یادشده، اقدام به دسته‌بندی داده‌ها شد. برای این کار از معادلات ساختاری با روش تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. سپس، برای تأیید عوامل استخراج‌شده از تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم استفاده شد و تحلیل داده‌ها در محیط نرم‌افزارهای SPSS و Amos انجام شد. برای پایایی سوالات از آلفای کرونباخ استفاده شد. مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) یکی از روش‌های اصلی تجزیه و تحلیل چندمتغیره است که برای بررسی روابط پیچیده میان متغیرهای آشکار و مکنون به کار می‌رود و از دو بخش مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری تشکیل شده است و از شاخص‌های برازش هم به منظور ارزیابی برازش مدل نهایی به دست آمده از رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شد.

معرفی محدوده مورد مطالعه

ایده‌لو در دامنه‌های کوه عینالی در شهر تبریز قرار گرفته است که با



شکل ۲. موقعیت منطقه ۱ در تبریز



شکل ۳. موقعیت محله ایده‌لو در منطقه ۱ تبریز

یافته‌ها

میان، مؤلفه زیست‌محیطی شامل دو شاخص کیفیت بصری، فضای سبز و حمل‌ونقل است که خود شامل ۱۲ زیرشاخص است، مؤلفه کالبدی دارای دو شاخص اصلی دسترسی به خدمات اساسی و کیفیت دسترسی، مسکن امکانات و خدمات زیربنایی و دارای ۲۳ زیرشاخص است، مؤلفه اقتصادی با دو شاخص اصلی اشتغال و درآمد و دارای ۱۱ زیرشاخص و در نهایت مؤلفه اجتماعی-فرهنگی با سه شاخص اصلی آموزش عمومی، امنیت فردی-اجتماعی و تعلق مکانی و دارای ۱۷ زیرشاخص است که به صورت مدل مفهومی و الگوی مفهومی در شکل ۴ ارائه شده است.

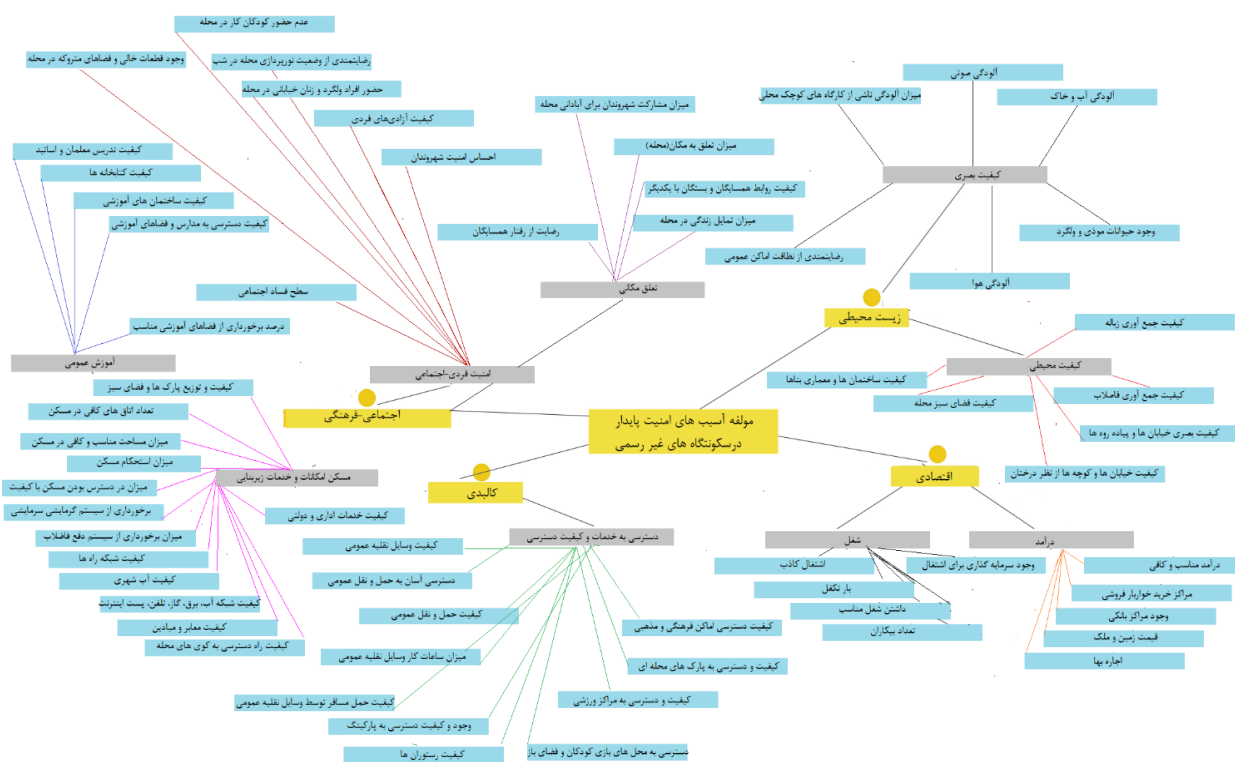
الگوی مفهومی الگویی است که محقق براساس آن ضمن تبیین عوامل و مؤلفه‌های اثرگذار در ایجاد مسئله به نظریه‌پردازی اقدام می‌کند. در این تحقیق براساس مرحله شناخت و بررسی مبانی نظری تحقیق با توجه به نظرات جامعه آماری گروه متخصصان، اقدام به ارائه الگوی مفهومی تحقیق شده است که براساس مصاحبه نیمه عمیق ساختاری با خبرگان و تحلیل با نرم‌افزار Maxqda چهار مؤلفه اصلی زیست‌محیطی، کالبدی، اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی و نه شاخص و ۶۳ زیرشاخص به دست آمد که در این

جدول ۲. گروه‌بندی کدها حاصل مصاحبه با خبرگان

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
EN زیست‌محیطی	کیفیت بصری	آلودگی صوتی
		آلودگی آب و خاک
		وجود حیوانات موذی و ولگرد
		رضایتمندی از نظافت اماکن عمومی
		میزان آلودگی هوا
	کیفیت محیطی	میزان آلودگی ناشی از کارگاه‌های کوچک محلی
		کیفیت جمع‌آوری زباله
		کیفیت جمع‌آوری فاضلاب
		کیفیت ساختمان‌ها و معماری بناها
		کیفیت فضای سبز محله
PH کالبدی	دسترسی به خدمات و کیفیت دسترسی	کیفیت دسترسی بصری خیابان‌ها و پیاده‌روها
		کیفیت دسترسی بصری خیابان‌ها و کوچه‌ها از نظر درختان
		کیفیت دسترسی به رستوران‌ها
		کیفیت دسترسی اماکن فرهنگی و مذهبی
		کیفیت دسترسی به پارک‌های محله‌ای
		کیفیت دسترسی به مراکز ورزشی
		دسترسی به محل‌های بازی کودکان و فضای باز
		کیفیت وسایل نقلیه عمومی
		دسترسی آسان به حمل‌ونقل عمومی
		کیفیت حمل‌ونقل عمومی
	مسکن امکانات و خدمات زیربنایی	میزان ساعات کار وسایل نقلیه عمومی
		کیفیت حمل مسافر توسط وسایل نقلیه عمومی
		وجود و کیفیت دسترسی به پارکینگ
		کیفیت و توزیع پارک‌ها و فضای سبز
		تعداد اتاق‌های کافی در مسکن
		میزان مساحت مناسب و کافی در مسکن
		میزان استحکام مسکن

کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی
میزان در دسترس بودن مسکن با کیفیت	مسکن امکانات و خدمات زیربنایی	PH کالبدی
برخورداري از سیستم گرمایشی سرمایه‌ی		
میزان برخورداري از سیستم دفع فاضلاب		
کیفیت شبکه راهها		
کیفیت آب شهری		
کیفیت شبکه آب، برق، گاز، تلفن، پست اینترنت		
کیفیت خدمات اداری		
کیفیت معابر و میداين		
کیفیت راه دسترسی به کوی‌های محله		
وجود سرمایه‌گذاری برای اشتغال	اشتغال	EC اقتصادی
اشتغال کاذب		
تعداد بیکاران		
تناسب بار تکفل		
داشتن شغل مناسب		
درآمد مناسب و کافی	درآمد	
مراکز خواربار فروشی		
وجود مراکز بانکی		
قیمت زمین و ملک		
اجاره‌بها		
درصد برخورداري از فضاهای آموزشی مناسب	آموزش عمومی	
کیفیت دسترسی به مدارس و فضاهای آموزشی		
کیفیت ساختمان‌های آموزشی		
کیفیت تدریس معلمان و اساتید		
کیفیت کتابخانه‌ها		
احساس امنیت شهروندان	امنیت فردی و اجتماعی	SC اجتماعی
سطح فساد اجتماعی		
کیفیت آزادی‌های فردی		
رضایتمندی از وضعیت نورپردازی محله در شب		
عدم حضور کودکان کار در محله		
حضور افراد ولگرد و زنان خیابانی در محله		
وجود قطعات خالی و فضاهای متروکه در محله		
کدگذاری باز		

میزان تمایل زندگی در محله	تعلق مکانی و مشارکت	SC اجتماعی
رضایت از رفتار همسایگان		
کیفیت روابط همسایگان و بستگان با یکدیگر		
میزان تعلق به مکان (محله)		
میزان مشارکت شهروندان برای آبادانی محله		



شکل ۴. مدل مفهومی مؤلفه‌های آسیب‌شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی محله ایده‌لوی تبریز

روایی همگرایی متغیرهای تحقیق در رابطه با مؤلفه‌های آسیب‌شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی محله ایده‌لوی تبریز

روایی همگرا توسط معیار میانگین واریانس استخراج‌شده (AVE) مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در جدول ۳ روایی همگرایی متغیرهای مکنون بیان شده است.

جدول ۳. روایی همگرایی سازه‌های تحقیق (متغیرهای مکنون)

متغیر مکنون	روایی همگرا
زیست‌محیطی	۰/۷۰۱
کالبدی	۰/۷۸۸
اقتصادی	۰/۷۱۲
اجتماعی-فرهنگی	۰/۸۰۴
پایایی ترکیبی	

روایی افتراقی مؤلفه‌های آسیب‌شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی محله ایده‌لوی تبریز

برای ارزیابی اعتبار افتراقی بررسی می‌شود که میزان میانگین واریانس استخراج‌شده (AVE) برای یک سازه (متغیر مکنون)، بیشتر از توان دوم همبستگی میان آن سازه و سازه‌های دیگر مدل است یا خیر؟ در جدول ۴ روایی افتراقی متغیرهای مکنون مورد بررسی قرار گرفته است.

با توجه به جدول ۳ تمامی مقادیر میانگین واریانس استخراج‌شده از ۰/۵ بیشتر بوده و مدل اندازه‌گیری از روایی همگرایی مناسب برخوردار است. در بین متغیرها، متغیر اجتماعی-فرهنگی دارای همگرایی بیشتری نسبت به بقیه متغیرها است.

جدول ۴. اعتبار افتراقی سازه‌ها (متغیرهای مکنون)

SC	EC	PH	EN	سازه
-۰/۳۰۲	-۰/۲۰۹	-۰/۳۱۷	-۰/۷۱۵	زیست‌محیطی
-۰/۴۳۹	-۰/۴۱۶	-۰/۸۱۲	-۰/۶۹۸	کالبدی
-۰/۳۰۵	-۰/۷۷۵	-۰/۵۲۱	-۰/۵۹۶	اقتصادی
-۰/۸۶۴	-۰/۴۲۱	-۰/۵۰۵	-۰/۶۸۳	اجتماعی-فرهنگی

در سکونتگاه‌های غیررسمی و مؤلفه‌هایش، میانگین، انحراف معیار، چولگی، کشیدگی، مینیمم و ماکزیمم محاسبه شده به صورت جدول ۵ است. نمرات در بازه ۱ تا ۵ در نظر گرفته شده‌اند که متغیر اجتماعی-فرهنگی دارای بیشترین میانگین در بین مؤلفه‌های آسیب‌شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی محله ایده‌لوی تبریز برابر ۳/۷۴ است. بعد از متغیر اجتماعی-فرهنگی به ترتیب متغیرهای کالبدی با میانگین ۳/۴۳، اقتصادی با میانگین ۳/۱۷ و مؤلفه زیست‌محیطی با میانگین ۳/۱۳ قرار دارند.

مقادیر قطر اصلی در جدول یادشده نشان‌دهنده ریشه دوم AVE و سایر مقادیر نیز نشان‌دهنده همبستگی میان سازه‌ها هستند. ملاحظه می‌شود که تمامی سازه‌ها با شرایط مورد نظر مطابقت دارند. بنابراین می‌توان بیان کرد که سازه‌ها از اعتبار افتراقی برخوردارند. همان‌گونه که در جدول ۳ مشخص است، عناصر روی قطر اصلی دارای مقادیری بیشتری نسبت به قطرهای فرعی هستند. در بین قطرهای اصلی متغیر اجتماعی-فرهنگی نسبت به بقیه قطرهای اصلی دارای وزن بیشتری با میزان ۰/۸۶۴ است. با توجه به تحلیل توصیفی شاخص‌ها برای متغیر آسیب‌شناسی امنیت پایدار

جدول ۵. شاخص‌های توصیفی مؤلفه‌های آسیب‌شناسی امنیت پایدار

متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	مینیمم	ماکزیمم
زیست‌محیطی	۳۷۸	۳/۱۳	۱/۰۱	-۰/۵۴	-۰/۴۳	۱/۹۲	۳/۵۸
کالبدی	۳۷۸	۳/۴۳	۰/۸۲۴	-۰/۶۸	-۰/۴۲	۲/۷۱	۳/۹۴
اقتصادی	۳۷۸	۳/۱۷	۰/۹۵۳	-۰/۵۹	-۰/۴۸	۱/۹۸	۳/۰۶
اجتماعی-فرهنگی	۳۷۸	۳/۷۴	۰/۷۹۶	-۰/۷۲	-۰/۶۱	۲/۸۵	۴/۹۱

برای بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد، که سطوح معناداری همه متغیرهای تحقیق با توجه به جدول ۵ بزرگ‌تر از ۰/۰۵ به دست آمد، که نشان می‌دهد تمام متغیرهای چهارگانه

زیست‌محیطی، کالبدی، اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی به همراه ۶۳ زیرشاخصشان در رابطه با آسیب‌شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی محله ایده‌لوی دارای توزیع نرمال هستند.

جدول ۶. نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها

متغیرها	تعداد	آماره Z کولموگروف-اسمیرنوف	سطح معناداری
زیست‌محیطی	۳۷۸	۰/۸۱۳	۰/۰۷۵
کالبدی	۳۷۸	۱/۱۰۵	۰/۰۶۹
اقتصادی	۳۷۸	۰/۸۴۸	۰/۰۸۴
اجتماعی-فرهنگی	۳۷۸	۰/۴۱۷	۰/۰۸۹

برای بررسی روابط آماری بین شاخص‌های اثرگذار بر امنیت پایدار سکونتگاه غیررسمی محله ایده‌لوی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. یعنی با توجه به جدول ۶ تمام متغیرهای چهارگانه زیست‌محیطی، کالبدی، اقتصادی

اجتماعی-فرهنگی به همراه ۶۳ زیرشاخصشان در رابطه با آسیب‌شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی محله ایده‌لوی دارای رابطه مثبت و معناداری هستند.

جدول ۷. آزمون همبستگی پیرسون برای رابطه آسیب‌شناسی امنیت پایدار با شاخص‌هایش

متغیر	EN	EC	EC	SC
زیست‌محیطی	۱			
کالبدی	۰/۷۴۲	۱		
اقتصادی	۰/۷۰۶	۰/۵۸۴	۱	
اجتماعی-فرهنگی	۰/۸۰۹	۰/۷۱۵	۰/۶۱۳	۱

شاخص‌های برازندگی مدل معادلات ساختاری پژوهش

ماتریس کوواریانس ورودی شامل ۷۵ متغیر بوده که ۶۳ متغیر مشاهده شده و ۱۲ متغیر پنهان دارد. این مدل دارای ۲۹۳ گشتاور نمونه متمایز و ۹۶ پارامتر متمایز که باید برآورد شود، است. بنابراین این مدل دارای ۳۸۶ درجه آزادی است و از این رو شاخص برازش کای اسکور نیز محاسبه شده است که در جدول ۸ مشاهده می‌شود. این یافته‌ها نشان می‌دهد مدل به خوبی با داده‌ها برازش دارد. آزمون کای اسکور بیانگر برازش مناسب مدل با ماتریس واریانس-کوواریانس است. همچنین آماره‌های CFI، NFI، RFI، IFI، TLI و RMSEA نیز کمتر از ۰/۱ است که همگی نشان‌دهنده برازش بسیار خوب مدل با داده‌های پژوهش است. در نرم‌افزار Amos 23 شاخص‌های GFI، CFI، NFI، RFI، IFI و مقایسه کای اسکور مدل با

کای اسکور مدل مینا گزارش می‌شود که همگی این شاخص‌ها بین ۱ و ۰ قرار دارند و هرچه مقدار آن‌ها به مقدار ۱ نزدیک‌تر شود، بیانگر قابل قبول بودن مدل است. یکی از شاخص‌های عمومی برای به حساب آوردن پارامترهای آزاد در محاسبه شاخص برازش، کای اسکور بهنجار یا نسبی است که از تقسیم مقدار کای اسکور بر درجه آزادی مدل محاسبه می‌شود. اغلب، مقدار ۲ تا ۳ را برای این شاخص قابل قبول می‌دانند و چون بیشتر از ۲ است. بنابراین این شاخص هم مورد قبول است. در این پژوهش از عوامل مؤثر بر آسیب‌رسانی امنیت پایدار در سکونتگاه‌های غیر رسمی به خصوص محله ایده‌لوی تبریز به مصادیقی رسیدیم (جدول ۵) که امکان استفاده مستقیم این مصادیق در کاهش آسیب سکونتگاه غیررسمی محله ایده‌لوی شهر تبریز از نظر امنیت و ارتقاء و تأمین امنیت پایدار در طراحی محلات و فضاهای شهری این محله وجود دارد.

جدول ۸. شاخص کای ساختاری پژوهش

کای اسکور	درجه آزادی	کای دو/درجه آزادی
۱۷۵۴۱/۱۲	۳۷۸	۳/۸۶

جدول ۹. برازش نهایی مدل تحقیق

شاخص‌های برازش	معیارهای برازش	مدل نهایی برازش	برازش نهایی
SRMR	< ۰/۰۵	۰/۴۰۸	بله
CFI	> ۰/۹۰	۰/۹۳	بله
RMSEA	< ۰/۰۵ (برازش خوب)؛ ۰/۰۸-۰/۰۵ (برازش منطقی)	۰/۰۶۳	بله
NFI	> ۰/۹۰	۰/۹۴	بله
CFI	> ۰/۹۰	۰/۹۷	بله
X ²	p > ۰/۰۵	۳۹۱/۳۵۷ (p = ۰/۰۰۰)	خیر
NC(X ² /df)	۱ < NC < ۳	۲/۱۷۶	بله
CN	> ۳۰۰	۲۹۶	بله
AIC	مدل اشباع شده < مدل پیش فرض مستقل < مدل پیش فرض	۳۳۶۱/۴۶۵ > ۶۰/۰۰۰ ۴۷۸/۹۰۲ < ۳۵۱۲/۶۵۷	بله

جدول ۱۰. بارهای عاملی استاندارد شده شاخص‌های امنیت پایدار در محله ایده‌لوی تبریز در رابطه با آسیب‌شناسی

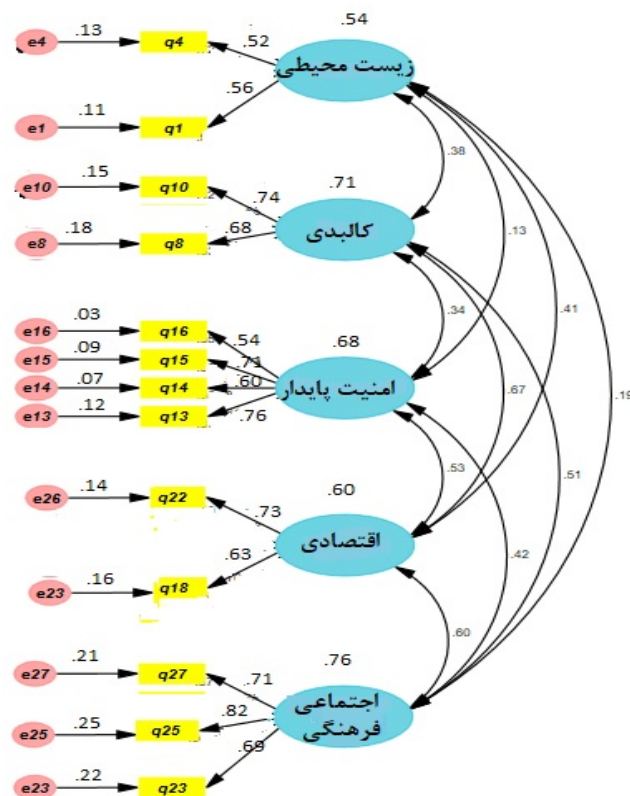
(Default model - Standardized Regression Weights: (Group number 1				
Estimate		متغیر وابسته	شکل رابطه	عنوان شاخص
بر آورد				
کیفیت بصری ۰/۵۲	۰/۶۵	آسیب‌شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<_	آلودگی صوتی
	۰/۵۹	آسیب‌شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<_	آلودگی آب و خاک
	۰/۴۳	آسیب‌شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<_	وجود حیوانات موذی و ولگرد
	۰/۴۶	آسیب‌شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<_	رضایت‌مندی از نظافت اماکن عمومی
	۰/۵۷	آسیب‌شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<_	میزان آلودگی هوا
	۰/۴۱	آسیب‌شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<_	میزان آلودگی ناشی از کارگاه‌های کوچک محلی
کیفیت محیطی ۰/۵۶ جمع مؤلفه زیست‌محیطی ۰/۵۴	۰/۵۲	آسیب‌شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<_	کیفیت جمع‌آوری زباله
	۰/۵۷	آسیب‌شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<_	کیفیت جمع‌آوری فاضلاب
	۰/۶۹	آسیب‌شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<_	کیفیت ساختمان‌ها و معماری بناها
	۰/۵۱	آسیب‌شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<_	کیفیت فضای سبز محله
	۰/۷۵	آسیب‌شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<_	کیفیت بصری خیابان‌ها و پیاده‌روها
	۰/۴۳	آسیب‌شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<_	کیفیت خیابان‌ها و کوچه‌ها از نظر درختان
دسترسی به خدمات و کیفیت دسترسی ۰/۷۴	۰/۶۱	آسیب‌شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<_	کیفیت دسترسی به رستوران‌ها
	۰/۵۸	آسیب‌شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<_	کیفیت دسترسی اماکن فرهنگی و مذهبی
	۰/۷۸	آسیب‌شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<_	کیفیت و دسترسی به پارک‌های محله‌ای
	۰/۵۵	آسیب‌شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<_	کیفیت و دسترسی به مراکز ورزشی
	۰/۸۲	آسیب‌شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<_	دسترسی به محل‌های بازی کودکان و فضای باز
	۰/۶۸	آسیب‌شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<_	کیفیت وسایل نقلیه عمومی
	۰/۶۷	آسیب‌شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<_	دسترسی آسان به حمل‌ونقل عمومی
	۰/۶۳	آسیب‌شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<_	کیفیت حمل‌ونقل عمومی
	۰/۴۷	آسیب‌شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<_	میزان ساعات کار وسایل نقلیه عمومی
	۰/۶۴	آسیب‌شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<_	کیفیت حمل مسافر توسط وسایل نقلیه عمومی
مسکن امکانات و خدمات زیربنایی ۰/۶۸ جمع مؤلفه کالیدی ۰/۷۱	۰/۶۱	آسیب‌شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<_	کیفیت و توزیع پارک‌ها و فضای سبز
	۰/۷۸	آسیب‌شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<_	تعداد اتاق‌های کافی در مسکن
	۰/۷۱	آسیب‌شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<_	میزان مساحت مناسب و کافی در مسکن
	۰/۷۲	آسیب‌شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<_	میزان استحکام مسکن
	۰/۶۴	آسیب‌شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<_	میزان در دسترس بودن مسکن با کیفیت
	۰/۵۱	آسیب‌شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<_	برخورداری از سیستم گرمایشی سرمایشی
	۰/۶۲	آسیب‌شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<_	میزان برخورداری از سیستم دفع فاضلاب
	۰/۵۷	آسیب‌شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<_	کیفیت شبکه راه‌ها
۰/۵۲	آسیب‌شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<_	کیفیت آب شهری	

(Default model. Standardized Regression Weights: (Group number 1				
Estimate		متغیر وابسته	شکل رابطه	عنوان شاخص
برآورد				
مسکن امکانات و خدمات زیربنایی ۰/۶۸ جمع مؤلفه کالبدی ۰/۷۱	۰/۴۹	آسیب شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<--	کیفیت شبکه آب، برق، گاز، تلفن، پست اینترنت
	۰/۴۷	آسیب شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<--	کیفیت خدمات اداری
	۰/۵۱	آسیب شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<--	کیفیت معابر و میداين
	۰/۵۴	آسیب شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<--	کیفیت راه دسترسی به کوی‌های محله
اشتغال ۰/۵۷	۰/۴۳	آسیب شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<--	وجود سرمایه‌گذاری برای اشتغال
	۰/۴۱	آسیب شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<--	اشتغال کاذب
	۰/۵۸	آسیب شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<--	تعداد بیکاران
	۰/۵۰	آسیب شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<--	تناسب بار تکفل
	۰/۶۳	آسیب شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<--	داشتن شغل مناسب
درآمد ۰/۶۳ جمع مؤلفه اقتصاد ۰/۶۰	۰/۷۶	آسیب شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<--	درآمد مناسب و کافی
	۰/۵۲	آسیب شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<--	مراکز خرید خواربار فروشی
	۰/۴۸	آسیب شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<--	وجود مراکز بانکی
	۰/۶۴	آسیب شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<--	قیمت زمین و ملک
	۰/۵۹	آسیب شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<--	اجاره بها
آموزش عمومی ۰/۷۱	۰/۷۳	آسیب شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<--	درصد برخورداری از فضاهای آموزشی مناسب
	۰/۷۱	آسیب شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<--	کیفیت دسترسی به مدارس و فضاهای آموزشی
	۰/۶۶	آسیب شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<--	کیفیت ساختمان‌های آموزشی
	۰/۵۸	آسیب شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<--	کیفیت تدریس معلمان و اساتید
	۰/۶۳	آسیب شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<--	کیفیت کتابخانه‌ها
امنیت فردی- اجتماعی ۰/۸۲	۰/۵۲	آسیب شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<--	احساس امنیت شهروندان
	۰/۶۵	آسیب شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<--	سطح فساد اجتماعی
	۰/۷۲	آسیب شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<--	کیفیت آزادی‌های فردی
	۰/۸۹	آسیب شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<--	رضایتمندی از وضعیت نورپردازی محله در شب
	۰/۶۶	آسیب شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<--	حضور کودکان کار در محله
	۰/۷۹	آسیب شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<--	حضور افراد ولگرد و زنان خیابانی در محله
	۰/۹۱	آسیب شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<--	وجود قطعات خالی و فضاهای متروکه در محله
تعلق مکانی و مشارکت ۰/۶۹ جمع مؤلفه اجتماعی- فرهنگی ۰/۷۶	۰/۵۴	آسیب شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<--	میزان تمایل زندگی در محله
	۰/۵۳	آسیب شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<--	رضایت از رفتار همسایگان
	۰/۴۶	آسیب شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<--	کیفیت روابط همسایگان و بستگان با یکدیگر
	۰/۷۹	آسیب شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<--	میزان تعلق به مکان (محله)
	۰/۶۷	آسیب شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی	<--	میزان مشارکت شهروندان برای آبادانی محله

محلۀ ایده‌لوی تبریز باید مواردی مانند دسترسی به محل بازی کودکان، کیفیت و دسترسی به پارک‌های محله‌ای، وجود پارکینگ و دسترسی به آن، تعداد اتاق در مسکن، استحکام مسکن از نظر کالبدی در برنامه‌ریزی‌ها و طرحی محلۀ ایده‌لو در اولویت کاری از نظر بعد کالبدی قرار بگیرند. در رابطه با شاخص‌های اقتصادی هم شاخص درآمد با بار عاملی $0/63$ بیشترین اثر در زمینه آسیب‌پذیری از نظر امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی محلۀ ایده‌لوی تبریز است که برای کاهش آسیب‌های امنیت پایدار در محلۀ ایده‌لو و تقویت و بهبود کیفیت امنیت پایدار در این محله باید این مسائل بیشتر در سرلوحۀ کاری مدیران شهری و محلی در سکونتگاه غیررسمی ایده‌لو قرار بگیرد که عبارت‌اند از: درآمد مناسب و کافی، داشتن شغل مناسب، قیمت زمین و ملک و اجاره‌بها.

از نظر شاخص‌های بعد زیست‌محیطی، شاخص کیفیت محیطی با بار عاملی $0/56$ بیشترین تأثیر را در آسیب‌پذیری امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی محلۀ ایده‌لوی تبریز دارد. برای تحقق امنیت پایدار در محلۀ ایده‌لوی تبریز از نظر زیست‌محیطی باید به زیرشاخص‌های کیفیت و دسترسی به پارک‌های محله‌ای، کیفیت بصری خیابان‌ها و پیاده‌روها، آلودگی صوتی و آلودگی هوا، کیفیت ساختمان‌ها و معماری بناها توجه بیشتری شود تا امنیت پایدار از نظر زیست‌محیطی در سکونتگاه غیررسمی ایده‌لوی تبریز برقرار شود و از وقوع انواع حوادث ناخواسته، جرم و جنایت تا حد امکان در این محله جلوگیری شود (جدول ۱۰ و شکل ۵)

باتوجه به نتایج جدول ۱۰ مشاهده می‌شود که بارهای عاملی متغیرهای مربوط به هر یک از مؤلفه‌ها بزرگ‌تر از $0/4$ است و هیچ‌یک از متغیرها حذف نشدند. بنابراین نتیجه گرفته می‌شود که بارهای عاملی شاخص‌های مؤثر بر آسیب‌پذیری امنیت پایدار سکونتگاه غیررسمی محلۀ ایده‌لوی شهر تبریز از پایایی و روایی سازه‌ای مناسبی برخوردارند. همچنین، تحلیل عاملی مرتبۀ دوم نشان می‌دهد ابعاد اجتماعی- فرهنگی با بار عاملی استاندارد شده $0/76$ بیشترین تأثیر را در مؤلفۀ آسیب‌شناسی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی محلۀ ایده‌لوی تبریز را دارد و پس از آن به ترتیب ابعاد کالبدی با بار عاملی $0/71$ ، ابعاد اقتصادی با بار عاملی $0/68$ و ابعاد زیست‌محیطی با بار عاملی $0/54$ در ردیف‌های بعدی قرار دارند. در ادامه براساس یافته‌های جدول ۱۰ ملاحظه می‌شود که در بین شاخص‌های بعد اجتماعی- فرهنگی، شاخص امنیت فردی- اجتماعی با بار عاملی $0/82$ دارای اثرگذاری بیشتری بر آسیب‌پذیری امنیت پایدار در محلۀ ایده‌لوی شهر تبریز از نظر ساکنان محله بوده است. برای داشتن امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی محلۀ ایده‌لوی تبریز از نظر اجتماعی باید به زیرشاخص‌های مانند وجود قطعات خالی و فضاهای متروکه در محله، رضایتمندی از وضعیت نورپردازی محله در شب، میزان تعلق به مکان (محله) و جلوگیری حضور افراد ولگرد در سطح محله توجه ویژه‌ای شود. در رابطه با شاخص‌های بعد کالبدی بیشترین اثر در آسیب‌پذیری در امنیت پایدار سکونتگاه غیررسمی محلۀ ایده‌لوی تبریز دسترسی به خدمات و کیفیت دسترسی با بار عاملی $0/74$ داشته است. در همین راستا برای کاهش آسیب و ارتقای امنیت پایدار سکونتگاه غیررسمی



شکل ۵. روابط علی استاندارد شده مدل نهایی پژوهش خروجی نرم افزار Amos

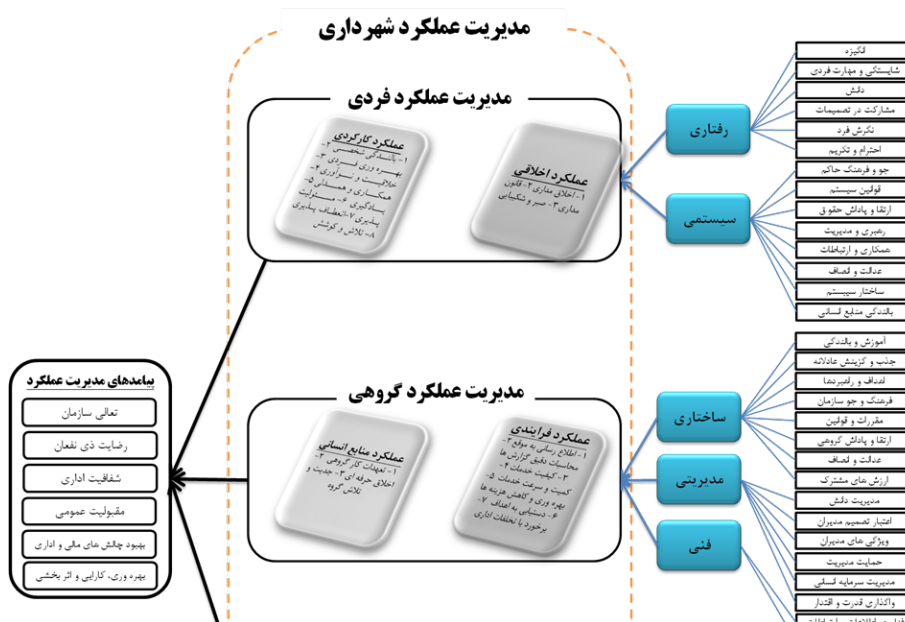
و غیرمستقیم $0/252$ بیشترین اثرگذاری در امنیت پایدار سکونتگاه غیررسمی ایده‌لو در شهر تبریز از نظر آسیب‌شناسی داشته است. پس از آن به ترتیب بعد

جدول ۱۱ و شکل ۶ ساختار نهایی مدل را با اثرات تأثیرگذاری شاخص‌ها نشان می‌دهد در مدل ساختاری نهایی بعد اجتماعی- فرهنگی با اثر مستقیم $0/486$

کالبدی با اثر مستقیم ۰/۳۹۸ و غیر مستقیم ۰/۲۰۱، بعد اقتصادی با اثر مستقیم ۰/۲۱۹ و غیر مستقیم ۰/۱۴۳ و در نهایت بعد زیست محیطی با اثر مستقیم ۰/۱۹۸ و غیر مستقیم ۰/۱۰۱ بیشترین تا کمترین میزان تأثیر گذاری در داشته است.

جدول ۱۱. تحلیل مسیر اثرات معنادار مستقیم و غیر مستقیم بر متغیرهای تحقیق

وزن رگرسیون (مستقیم)		تأثیرات استاندارد شده			اثرات امنیتی در سکونتگاه‌های غیررسمی
P	C.R	تخمین	غیر مستقیم	اثر مستقیم	
<۰.۰۱	۴/۸۵	۰/۳۹۴	۰/۱۰۱	-۰/۱۹۸	زیست محیطی
<۰.۰۱	۶/۶۹	۰/۶۰۲	۰/۲۰۱	-۰/۳۹۸	کالبدی
<۰.۰۱	۵/۷۲	۰/۶۷۴	۰/۱۴۳	-۰/۲۱۹	اقتصادی
<۰.۰۱	۸/۱۳	۰/۷۱۲	۰/۲۵۲	-۰/۴۸۶	زیست محیطی



شکل ۶. اثرات مستقیم و غیر مستقیم تأثیر گذاری شاخص‌های امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی ایده‌لو در شهر تبریز از نظر آسیب‌شناسی

هیچ محیطی وجود ندارد که معنای زندگی شهری را بهتر از یک بافت شهری منعکس کند. امنیت تنها در مورد جرم و جنایات نیست بلکه شامل مواردی همچون شرایط اجتماعی و انسجام اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیست محیطی است. محیط‌ها و سکونتگاه‌های غیررسمی باید برای ساکنان خودش مراکز را برای گرد هم آمدن و تعاملات اجتماعی باشند. بدون شک سطح کیفی پایین محلات غیررسمی در گرایش ساکنان برای ماندن، حس تعلق، احساس امنیت، مشارکت در بازسازی به این بافت‌ها از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. همچنین شبکه معابر سکونتگاه ایده‌لو می‌تواند بستر بالندگی انسان اجتماعی، فضای بروز تظاهرات فردی در جمع و واکنشها و رفتارهای جمعی در محله ایده‌لو باشند؛ اما متأسفانه در حال حاضر، کیفیت شبکه معابر در سطح پایینی بوده و کمبود پارکینگ، پایین بودن استحکام بنا از دیگر مشکلات کالبدی امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی محله ایده‌لوی شهر تبریز است که باید به این مسائل توجه ویژه شود. با توجه به هدف که آسیب‌شناسی

امنیت پایدار در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر تبریز است. برای شناسایی عوامل و مؤلفه‌های مؤثر آسیب‌پذیری و امنیت پایدار در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر تبریز ابتدا از طریق تحلیل کیفی و مصاحبه نیمه عمیق ساختاری با خبرگان و آنالیز و کدبندی آن‌ها، چهار بعد اصلی زیست محیطی، کالبدی، اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی، نه شاخص که در این میان مؤلفه زیست محیطی شامل دو شاخص کیفیت بصری، فضای سبز و حمل و نقل که شامل ۱۲ زیرشاخص، مؤلفه کالبدی دارای دو شاخص اصلی دسترسی به خدمات اساسی و کیفیت دسترسی، مسکن امکانات و خدمات زیربنایی با ۲۳ زیرشاخص، مؤلفه اقتصادی با دو شاخص اصلی اشتغال و درآمد با ۱۱ زیرشاخص و مؤلفه اجتماعی فرهنگی با سه شاخص اصلی آموزش عمومی، امنیت فردی و اجتماعی و تعلق مکانی و ۱۷ زیرشاخص و در کل با ۶۳ زیرشاخص شناسایی شدند. در قسمت کمی هم با توجه به یافته‌های کمی حاصل از معادلات ساختاری، مشخص شد که در بین چهار بعد شناسایی و بررسی شده شاخص‌های بعد اجتماعی- فرهنگی با اثر مستقیم ۰/۴۸۶ و غیر

بحث و نتیجه گیری

تبریز به شدت تحت تأثیر بحث‌های مربوط به شرایط محیطی و جرم، بی‌نظمی و ناامنی است. با توجه به یافته‌های تحقیق برای کاهش آسیب‌پذیری و بهبود امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی محله ایده‌لوی تبریز باید به چهار بعد زیست‌محیطی، کالبدی، اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی توجه ویژه شود، چرا که رسیدن به امنیت پایدار در محله ایده‌لوی تبریز جزء توجه به این ابعاد چهارگانه ممکن نیست و نخواهد بود. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از تحقیق حاضر، پیشنهادهای ذیل قابل ارائه است:

- تلاش در راستای استفاده حداکثری از ظرفیت‌های مردم‌نهاد و سرمایه اجتماعی در زمینه برنامه‌ریزی و نظارت در اجرای طرح‌ها برای بهبود وضع محله ایده‌لو.
- نورپردازی مناسب کلیه فضاها و معابر برای افزایش حس امنیت در شب در محله ایده‌لو.
- طراحی مبلمان مناسب در محله ایده‌لو
- نوسازی و بهسازی بافت‌های ناکارآمد در محله ایده‌لو
- احیای اراضی بایر و رهاشده در محله ایده‌لو
- ایجاد شرایط مناسب برای انجام تعاملات اجتماعی در محله ایده‌لو
- ایجاد مسیر یکپارچه پیاده برای ساکنان محله
- ایجاد فعالیت‌های هویت بخش در محله ایده‌لو
- افزایش ایمنی ساکنان و استفاده‌کنندگان از فضا
- ایجاد کاربری‌های خدماتی و جاذب در سطح محله
- استفاده از تابلوهای راهنمایی و رانندگی برای کاهش حجم ترافیک در محله ایده‌لو

■ مشارکت نویسندگان

نویسنده اول ۳۵ درصد، نویسنده دوم ۳۵ درصد، نویسنده سوم ۳۰ درصد است.

■ تشکر و قدردانی

از کلیه کسانی که در این پژوهش، پژوهشگران را یاری کرده‌اند، صمیمانه تقدیر و تشکر می‌کنیم. این پژوهش منافع تجاری نداشته‌اند و در قبال ارائه اثر خود وجهی دریافت نکرده‌اند و مقاله حامی مادی و معنوی ندارد.

■ تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

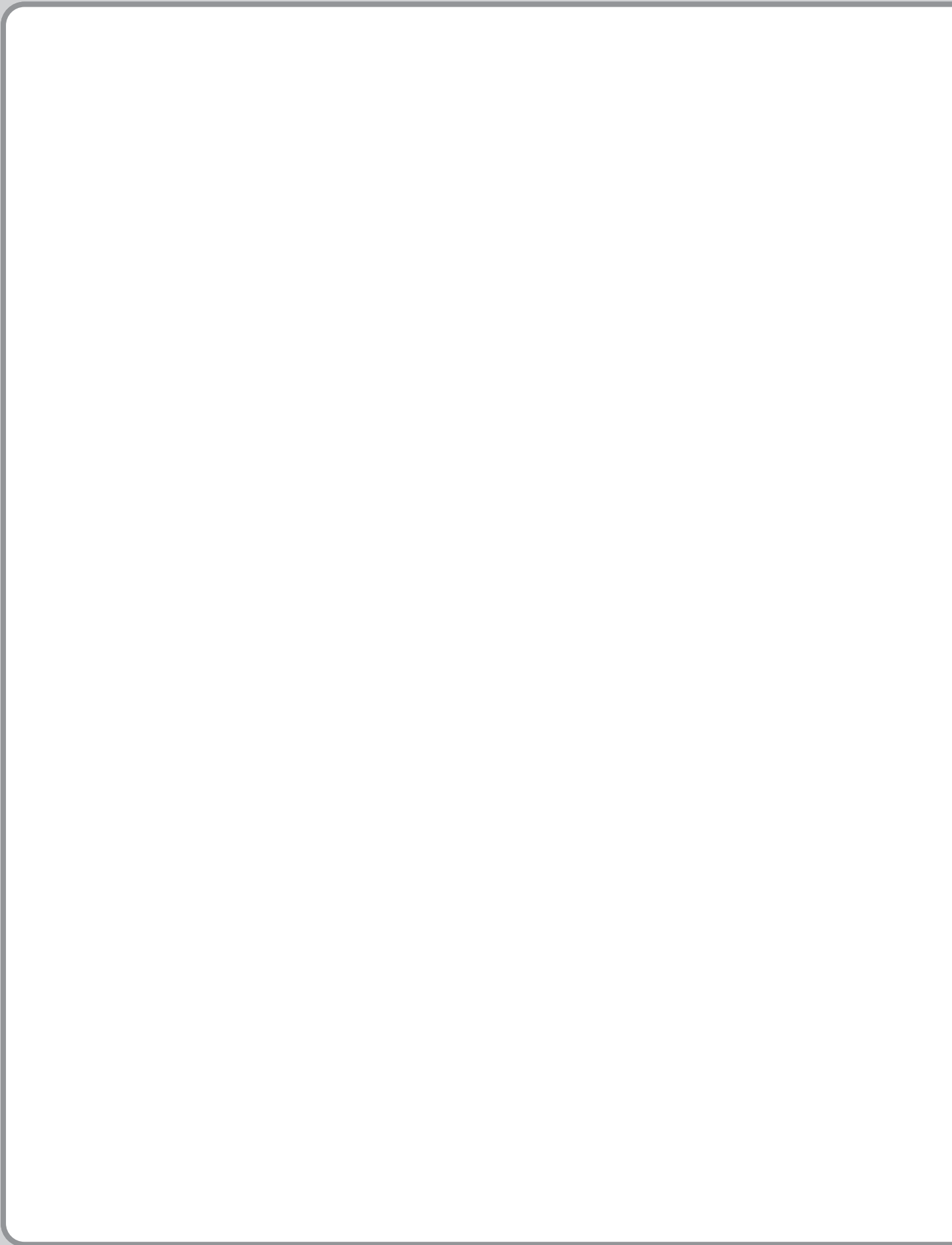
مستقیم ۰/۲۵۲ بیشترین اثرگذاری در امنیت پایدار سکونتگاه غیررسمی ایده‌لو در شهر تبریز از نظر آسیب‌شناسی داشته است. پس از آن به ترتیب و بعد کالبدی با اثر مستقیم ۰/۳۹۸ و غیر مستقیم ۰/۲۰۱، بعد اقتصادی با اثر مستقیم ۰/۲۱۹ و غیر مستقیم ۰/۱۴۳ و در نهایت بعد زیست‌محیطی با اثر مستقیم ۰/۱۹۸ و غیر مستقیم ۰/۱۰۱ در امنیت پایدار سکونتگاه غیررسمی ایده‌لو در شهر تبریز از نظر آسیب‌شناسی تأثیرگذار بوده است.

همچنین باتوجه به نتایج به‌دست‌آمده از تحقیق در رابطه با شاخص‌های بعد اجتماعی- فرهنگی برای داشتن امنیت پایدار در سکونتگاه غیررسمی محله ایده‌لو در تبریز و آسیب‌شناسی آن باید به زیرشاخص‌های مانند وجود قطعات خالی و فضاهای متروکه در محله، رضایتمندی از وضعیت نورپردازی محله در شب، میزان تعلق به مکان (محله) و جلوگیری حضور افراد ولگرد در سطح محله توجه ویژه‌ای شود که با یافته‌های رحیمی و کارگر [۱۱]، سجادزاده و همکاران [۸] نوری‌زاده و همکاران [۱۳]، اتاناکا و همکاران [۱۶] مشابه است.

در رابطه با شاخص‌های بعد کالبدی برای کاهش آسیب و ارتقای امنیت پایدار سکونتگاه غیررسمی محله ایده‌لو در شهر تبریز باید مواردی مانند دسترسی به محل بازی کودکان، کیفیت و دسترسی به پارک‌های محله‌ای، وجود پارکینگ و دسترسی به آن، تعداد اتاق در مسکن، استحکام مسکن از نظر کالبدی در برنامه‌ریزی‌ها و طراحی محله ایده‌لو در اولویت کاری و برنامه از نظر بعد کالبدی قرار گیرند این قسمت از نتایج تحقیق هم‌راستا با تحقیقات حکیمی و همکاران، [۱۰]، طیبیان و احمدی [۹] و قلی‌پور و همکاران [۱۵] است. در رابطه با شاخص‌های اقتصادی هم برای کاهش آسیب‌های امنیت پایدار در محله ایده‌لو و تقویت و بهبود کیفیت امنیت پایدار این مسائل باید بیشتر در سرلوحه کاری مدیران شهری و محلی در سکونتگاه غیررسمی ایده‌لو قرار گیرد که عبارت‌اند از: درآمد مناسب و کافی، داشتن شغل مناسب، قیمت زمین و ملک، اجاره‌بها که با نتایج رحیمی و کارگر [۱۱] و هونگ [۱۷] همخوانی دارد. از نظر شاخص‌های بعد زیست‌محیطی، برای تحقق امنیت پایدار در محله ایده‌لوی تبریز از نظر زیست‌محیطی باید به زیرشاخص‌های کیفیت و دسترسی به پارک‌های محله‌ای، کیفیت بصری خیابان‌ها و پیاده‌روها، آلودگی صوتی و آلودگی هوا، کیفیت ساختمان‌ها و معماری بناها توجه بیشتری شود تا امنیت پایدار از نظر زیست‌محیطی در سکونتگاه غیررسمی ایده‌لو برقرار شود. تا از وقوع انواع حوادث ناخواسته، جرم و جنایت و کاهش آن تا حد امکان جلوگیری به عمل آید. به این ترتیب سکونتگاه‌های غیررسمی شهر تبریز به خصوص محله ایده‌لوی تبریز در سال‌های اخیر به دلیل داشتن بسترهای لازم اما آن‌چنان که باید و شاید از لحاظ امنیت پایدار شهری توسعه نیافته است تا به این طریق در جهت حفظ و نگهداشت جمعیت و از مهاجرت‌های شدید و هجوم الکل‌وژیکی در این محله جلوگیری کند. بنابراین همه عوامل دست در دست هم داده‌اند تا تأمین امنیت پایدار شهری در سطح پایینی قرار بگیرد. در نتیجه نظم فضایی، برنامه‌ریزی و طراحی سکونتگاه غیررسمی محله ایده‌لوی شهر

- [27] pooyan, S., tavakolan, A., kargar, B. Evaluation of informal settlements in Rasht in order to provide sustainable urban regeneration strategies. *Geographical Engineering of Territory*, 2023; 7(2): 433-446. <https://doi.net/dor/20.1001.1.25381490.1402.7.2.11.7>. [In Persian]
- [28] javadi, M., jahanbin, N., Heidari, A., Kohzadi Seifabad, O. 'Developing the Conceptual Model of Local Empowering of Informal Settlements Using Fundamental Point of View', *Urban Environmental Planning and Development*, 2023, 3(10). 105-118 <https://doi.org/10.30495/juepd.2023.1960913.1089>. [In Persian]
- [29] Arabi, M., Saberi Naseri, T., & Jahdi, R. Use All Generation of Crime Prevention through Environmental Design (CPTED) for Design urban Historical Fabric (Case Study: The central area of Tehran Metropolis, Eastern Oudlajan). *Ain Shams Engineering Journal*, 2020, 11(2), 519-533. <https://doi.org/10.1016/j.asej.2019.11.003>.
- [30] Tang, R.; Guan, X.; Zhu, J.; Liu, B.; Wang, Z.; Xie, F. Evaluation of Sustainable City and Old Age Security Policy Intervention in China. *Sustainability*, 2023, 15, 6192. <https://doi.org/10.3390/su15076192>.
- [31] Lysova, T. Video Surveillance and Public Space: Surveillance Society Vs. Security State. In: Comunello, F., Martire, F., Sabetta, L. (eds) *What People Leave Behind*. *Frontiers in Sociology and Social Research*, 2022, 7. 221-236, Cham. <https://doi.org/10.1007/9783-14-5-11756-031>.
- [32] Shach Pinsky, D, Measuring security in the built environment: Evaluating urban vulnerability in a human scale urban form. *Land-scape and Urban Planning*, 2018, 142(191), S0169204618308818. <https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2018.08.022>.
- [33] Afsari, R., Behzadfar, M., Kheyroddin, R. Explanation of Formation and Transformation Process of Space Security in informal settlements. *Geographical Urban Planning Research (GUPR)*, 2021; 9(1): 231-265. https://jurbangeo.ut.ac.ir/article_82692.html. [In Persian]
- [34] Arabi, M., Saberi Naseri, T., & Jahdi, R. Use All Generation of Crime Prevention through Environmental Design (CPTED) for Design urban Historical Fabric (Case Study: The central area of Tehran Metropolis, Eastern Oudlajan). *Ain Shams Engineering Journal*, 2020, 11(2), 519-533. <https://doi.org/10.1016/j.asej.2019.11.003>.
- [35] Abdi, M & Alizadeh, H. Applying the features of a safe and stable place in order to improve the security of urban spaces; A research sample of the central area of Sanandaj city, *Safe City*, 2018; 1(2): 19-42. https://www.ispdrc.ir/article_705604.html?lang=fa.
- [36] Sohn, D. Residential Crimes and Neighborhood Built Environment: Assessing the Effectiveness of Crime Prevention through Environmental Design (CPTED). *Cities*, 2019, 52: 86-93. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2015.11.023>.
- [37] Lewis M. B, Sustainable cities: Safety and security.2006, 28(1,(2 - 225-234. <https://doi.org/10.1016/j.techsoc.2005.10.004>.
- [38] Ntakana, K, Mbanga, S, Safety and Security in Urban Public Spaces as a significant component of Social Sustainability, *Journal of Public Administration*, 2022, 27(2), 101-110. <https://hdl.handle.net/10210/502142>.
- [39] Mottaghi, A., Ghorbani Sepehr, A., amraie, M., ghorbani sepehr, P. The role of GIS in the development of sustainable security in Tabriz. *Sustainable Development of Geographical Environment*, 2021; 3(5): 67-86. <https://doi.org/10.52547/sdge.3.5.67>. [In Persian]
- [40] Bwalya Umar B, Kapembwa J, Kaluma K, Siloka L, Mukwena D. Legalizing illegalities? Land titling and land tenure security in informal settlements. *Front. Sustain. Cities*, 2023, 5, (2), 1922419 :15 . <https://doi.org/10.3389/frsc.2023.922419>.
- [41] UN Habitat. *Cities and Pandemics: Towards a More Just, Green and Healthy Future*, Nairobi: United Nations, 2021. https://unhabitat.org/news/29_mar2021_/cities_and_pandemics_towards_a_more_just_green_and_healthy_future.
- [42] *Statistical annals of the country*, Planning and Budget Organization, Tehran: Iran Statistics Center. 2020, <https://www.amar.org.ir>. [In Persian]

- منابع ■
- [1] Khan, S. S., Te Lintelo, D., & Macgregor, H. Framing 'slums': global policy discourses and urban inequalities. *Environment and Urbanization*, 2023, 35(1), 74-90. <https://doi.org/10.1177/09562478221150210>.
 - [2] Oskouee Aras, A., Hakimi, H. Measuring Indicators of Urban Vitality in Informal Settlements (Case study: Seilab Qoshkhane Tabriz). *Geographical Urban Planning Research (GUPR)*, 2021; 9(1): 143-163. <https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2021.309948.1363>. [In Persian]
 - [3] Makumba, C. P. Enabling Approaches to the Upgrading of Informal Settlements: A Case Study of Misisi Compound in Lusaka, Zambia. Master's Thesis. Department of Urban and Regional Planning. University of the Free State, South Africa, 2019, 38(3), 1-19, <http://hdl.handle.net/11660/10423>.
 - [4] Shirzad, M., Namfar, H., Ghanbari, A. Estimating the Level of Vulnerability of Informal Settlements in Tabriz City against the Risk of Earthquake. *Journal of Geography and Environmental Hazards*, 2023; 12(2): 285-304. <https://doi.org/10.22067/geoeh.2022.78381.1273>. [In Persian]
 - [5] Muanda, C., Goldin, J., and Haldewang, R. Factors and impacts of informal settlements residents' sanitation practices on access and sustainability of sanitation services in the policy context of Free Basic Sanitation. *J. Water Sanitat. Hygiene Develo*, 2020. 10, 238-248. <https://doi.org/10.2166/washdev.2020.123>.
 - [6] Nixon, B. Assessing the environmental impacts of informal settlements in Vietnam: the case study of the hue citadel UNESCO world heritage. *Int. J. Environ. Impacts*, 2020, 3, 189-206. https://doi.org/10.2495/EI_V3_N3206.189.
 - [7] Samper, J, Shelby, J, Behary D, The Paradox of Informal Settlements Revealed in an ATLAS of Informality: Findings from Mapping Growth in the Most Common Yet Unmapped Forms of Urbanization, *Sustainability* 2020, 12(22), 9510; <https://doi.org/10.3390/su12229510>
 - [8] Sajadzadeh. H., Safari, M. Improvement of Environmental Quality in Informal Settlements with Emphasis on Environmental Security (Case Study: Manouchehri neighborhood in Hamadan). *Urban Structure and Function Studies*, 2015; 3(12): 146-103. https://shahr.journals.umz.ac.ir/article_1459.html?lang=en. [In Persian].
 - [9] Tabibian, M., Ahmadi, B. Analysis on relation of urban services accessibility and perceived tenure security in informal settlement; Case study: Koshtargah neighborhood in Urmia. *Journal of Architecture and Urban Planning*, 2015; 7(14): 41-58. <https://doi.org/10.30480/aup.2015.83>. [In Persian].
 - [10] Hakimi, H., Heydari Chianeh, R., Balalakeh, S. Analyzing the Role of Security of Tenure the Quality of Housing in Informal Settlements in The North of Tabriz (Case Study: Yousef Abad Quarter). *Urban Space and Social Life*, 2022; 1(1): 15-26. <https://doi.org/10.22034/jprd.2022.15044>. [In Persian].
 - [11] Rahimi, M., kargar, B. Check the security situation in informal settlements Case study: District 19 of Tehran. *journal of police Geography*, 2021; 9(34): 1-28. <https://doi.org/10.22034/po-gra.2021.205665.1237>. [In Persian].
 - [12] Bayramzadeh, N., Ahmadyan, Z., Shiva, A., Mostafazadegan Henareh, Y. Assess the Level of Security in Informal Settlements (Case Study: Hakim Nezami Neighborhood Urmia). Application of Geography information system and remote sensing in planning, 2021; 12(2): 68-86. <https://dori.net/dor/20.1001.1.26763508.14.00.12.2.5.8>. [In Persian].
 - [13] Nourinejad, M., Gholamhosseini, Ismail, Alavi Wafa, H. Explanation and analysis of sustainable security indicators in the marginal areas of Tehran metropolis (Islamshahr case study). *Crisis Management Studies*, 2022; 14(3): 133-169. https://cmj.jhu.ac.ir/article_207932.html. [In Persian].
 - [14] Homafar, Z., & Seifi Sasansara, A. Identifying Unsafe Public Spaces in Urban Neighborhoods and Redesigning Them with the Approach of Improving Environmental Security (Case Study: Narmak, Sangalaj, Kargar Shomali, and Bagh Shater Neighborhoods of Tehran). *Urban Economics and Planning*, 2023, 4(3), 72-87. <https://doi.org/10.22034/uep.2023.389188.1360>. [In Persian].
 - [15] Gholipour, S., MahdiNejad, JeD. & Saleh Sedghpour, B. Security and urban satisfaction: developing a model based on safe urban park design components extracted from users' preferences. *Secur J*, 2022, 35, 863-892. <https://doi.org/10.1057/s4128400303.021.4>.
 - [16] Ntakana, K, Mbanga, J, Botha, B, The Significance of Safety and Security in Urban Public Space Design for Sustainability, *Home Journal of Public Administration*, 2022, 57(2), 1-16, https://hdl.handle.net/10520/ejc_jpad_v57_n2_a6.
 - [17] Hong, C, "Safe Cities" in Pakistan: Knowledge Infrastructures, Urban Planning, and the Security State, *ANTIPODE*, 2022, 54(4), 1476-1496. <https://doi.org/10.1111/anti.12799>.
 - [18] Zhang, N.; Zhu, L.; Li, J.; Sun, Y.; Wang, X.; Wu, H. The Spatial Interface of Informal Settlements to Women's Safety: A Human Scale Measurement for the Largest Urban Village in Changsha, Hunan Province, China. *Sustainability* 2023, 15(15), 1-22. 11748. <https://doi.org/10.3390/su151511748>.
 - [19] Alene, E, T. Determinant factors for the expansion of informal settlement in Gondar city, Northwest Ethiopia, *Journal of Urban Management*, 2022, 11(2022)321-337. <https://doi.org/10.1016/j.jum.2022.04.005>.
 - [20] Turner, J., *Uncontrol ling Urban Settlements Problem and Policies, Urbanization Development Policies Planning International Social Development Review*, (1), New York & United Nations, 1986. 110-113. <http://repository.corp.at/id/eprint/816>.
 - [21] UN Habitat, *The Challenges of Slums, U.K.&U.S.A: Global of Human Settlements*, 2003, 1-345 <https://reliefweb.int/report/world/challenge-slums-global-report-human-settlements2003>.
 - [22] Fouad Z, Abbas, S, The Role of Urban Land Management on the Informal Settlements, *IOP Conf. Series: Earth and Environmental Science*, 2021, 754(2021), 012014IOP Publishing <https://doi.org/10.1088/17551315/754/1/012014>.
 - [23] Khakparaghi, B., Latifi, G., Moradi Masihi, V. Futures Study of the Development of informal Settlements based on Scenario Writing (Case Study: Tehran Metropolis). *Journal of Geography and Regional Development*, 2022; 20(4): 314-287. <https://doi.org/10.22067/jgrd.2023.79420.1208>. [In Persian]
 - [24] Nuhu, S, Munuo, N & Mngumi, L. Governance challenges of regularization of informal settlements in peri urban Tanzania: perspectives from local stakeholders, *International Journal of Urban Sustainable Development*, 2023, 15:1, 35-47. <https://doi.org/10.1080/19463138.2023.2167821>.
 - [25] Zerbo A, Delgado RC, González PA. 2020. Vulnerability and everyday health risks of urban informal settlements in Sub Saharan Africa. *Global Health Journal*. 4(2):46-50. <http://dx.doi.org/10.1016/j.glohj.2020.04.003>.
 - [26] Niva V, Taka M, Varis O. Rural urban migration and the growth of informal settlements: a socio ecological system conceptualization with insights through a "water lens". *Sustainability*, 2019. 11(12):1-16. <https://doi.org/10.3390/su11123487>.



and SmartPLS software. The research questionnaire consists of 49 items based on the objectives and theoretical foundations of the research, and the questions are designed based on the 5-point Likert scale. The research process generally consists of two stages: exploratory factor analysis and confirmatory factor analysis, the first stage and the second stage the theoretical model of the research is first validated using exploratory factor analysis, and after confirming the model, using confirmatory factor analysis of factor loadings. It is determined.

Findings

Based on the findings of the research, the effective factors in re-creating the base culture in the informal settlements in the south of Tabriz city were divided into 4 social, cultural, economic, and infrastructure indicators. Among these indicators; the Social index explains 41%, the cultural index 27%, the economic index 11%, and the infrastructure index 7% of the total variance. Among the social factors, the security index has a factor load of 0.969. The highest index of the rights of ethnic minorities with a factor load of 0.567. They have the lowest factor load among the indicators. According to experts, providing security in informal settlement contexts, which are constantly facing numerous threats in terms of social security due to migration, is one of the effective factors in recreating the basic culture in informal settlement contexts. All cultural and executive activities can be implemented in a safe environment, and for this reason, the factor of security can be introduced as one of the most important drivers of re-creating the base culture in the contexts of informal settlements in Tabriz city. Among the cultural factors, the factor of holding cultural events with 0.839. It has the highest factor load among cultural indicators. One of the most important tools for branding cultural products in informal settlement contexts is holding cultural events and introducing the cultural-artistic potential of these contexts, which has been chosen as the chosen factor by experts due to the importance of the mentioned factor.

On the other hand, tourist guidance agents with 0.399. It had the lowest factor load among cultural factors. It seems that ensuring the prerequisites of cultural tourism, such as branding of tangible and intangible cultural products, is preferable to guiding tourists, and this is not a reason for the lack of importance of the tourism factor in recreating the culture based on the informal settlement contexts of Tabriz city. In a general summary, we can conclude that there is a significant difference between the identified factors. The results show that the social index with a factor load of 0.862 and a total average of 3.43 ranks first, the cultural index with a factor load of 0.913 and a total average of 2.6 ranks second, an infrastructure index with a factor load of 0.959 and a total average of 2.11 as the third rank and economic index with a factor load of 0.933 and a total average of 1.86 have won the fourth rank of factors affecting the regeneration of informal settlements in Tabriz metropolis with the approach of culture as the basis.

Conclusion

The results of this research introduced four effective social, cultural, infrastructural, and economic factors as key and effective drivers in the regeneration of the informal settlement context of Tabriz city, and the next part specifies the importance of cultural planning in the regeneration of informal settlement contexts. The investigation of the background of the research shows that most of the previous research has investigated the issue of recreating the base culture with a review approach or a future research approach, but the present research, in addition to its comprehensive and systematic methodological approach, is based on the method of exploratory factor analysis and two-stage confirmatory factor analysis; He looks at this issue with a new theoretical perspective and tries to protect and revive informal settlement contexts by adopting a cultural approach (based culture) and values the preservation of the historical-cultural identity of informal settlement contexts as the most important strategy in recreating the context of informal settlement settlements

COPYRIGHTS

©2022 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.



HOW TO CITE THIS ARTICLE

Mokari B. Azar A. Moosavi M.S. An Analysis of the Influencing Factors in Culture-Led Regeneration in the Southern Part of the Informal Settlements of Tabriz City. Urban Economics and Planning Vol 5(1):222-238. [In Persian]

DOI: 10.22034/UEP.2024.455402.1481



An Analysis of the Influencing Factors in Culture-Led Regeneration in the Southern Part of the Informal Settlements of Tabriz City

Original Article

Behrang Mokari¹, Ali Azar^{2*}, MirSaeed Moosavi³

1- PhD Candidate of Geograpy and Urban Planning, Marand Branch, Islamic Azad University, Marand, Iran

2- Associate Professor, Department of Urban Planning and Architecture, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran

3- Assistant Professor, Department of Urban Planning and Architecture, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

ARTICLE INFO

Article History

Received: 2024-05-02

Revised: 2024-06-04

Accepted: 2024-07-02

Keywords

Informal Settlement

Pathology

Stable Security

Tabriz city

ABSTRACT

Introduction

The increase in the urban population, the expansion of industries, and the consequent diversity of activities and population, as a result of the rapid physical changes of the city, changed the previous equations governing the spatial organization of cities. The city faced new and often unknown issues and problems in the environmental, social, economic, and physical fields. Confront with. One of the most important changes in the physical and social fields has been the emergence of the phenomenon of informal settlement as a spatial crystallization of urban poverty and the lack of urban management planning for the huge flood of migrant population, especially rural-urban migrants, which in third world countries and especially our country Iran in 60 It has been created in recent years. The city of Tabriz is the center of economic, commercial, and cultural exchanges in the northwest of the country and is the sixth-largest city in the country in terms of population. The importance and historical-cultural status of this city are not hidden from anyone, and history is proof of the 3500-year civilization background of this city. The existence of such potential has always led Tabriz to be one of the most immigrant-friendly cities in the country. This increase in population, especially in the past 50 years, led to the rapid spatial development of the city due to the lack of planning and cultural and political developments in the country, which took the form of the vast development of informal settlements in the northern parts. And the south of the city appeared. The adjacency of a significant part of the informal settlements of Tabriz city with historically valuable structures such as Yousef Abad-Abbasi neighborhoods (adjacent to Rabe Rashidi), historical neighborhoods of Maralan, Sheshgolan, Aref, Taleghani, Doh Chi, Sorkhab, etc. shows high cultural-historical potentials.

Materials and Methods

The present research is part of applied research in terms of its purpose and descriptive-analytical research in terms of method. Considering that this research examines the factors influencing the re-creation of base culture in informal settlements from the point of view of specialists and experts in this field, the statistical sample in this research consists of 40 regional and national experts in the researched field using the snowball method and Experts have been identified and selected. The most important research tool is the questionnaire made by the researcher. Also, to analyze the research data, as needed, a variety of statistical methods and models, including Bartlett's test, KMO, exploratory factor analysis, confirmatory factor analysis, etc., have been used in SPSS, Amos,

* Corresponding author: azar167@yahoo.com

تحلیلی بر عوامل تأثیر گذار در باز آفرینی فرهنگ مبنا در پهنه جنوبی سکونتگاه‌های غیر رسمی شهر تبریز

مقاله پژوهشی

به‌رنگ مکاری^۱؛ علی آذر^{۲*}؛ میرسعید موسوی^۳

- ۱- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران
 ۲- دانشیار گروه شهرسازی و معماری، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران
 ۳- استادیار گروه شهرسازی و معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

چکیده

مقدمه

افزایش جمعیت شهری، گسترش صنایع و به تبع آن تنوع فعالیت‌ها و جمعیتی و در نتیجه تحولات سریع کالبدی شهر، معادلات پیشین حاکم بر سازمان فضایی شهرها را متحول ساخت و شهر در عرصه‌های محیطی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی با مسائل و مشکلاتی جدید و اغلب ناشناخته مواجه شد. یکی از مهم‌ترین تغییرات به وجود آمده در عرصه‌های کالبدی و اجتماعی ظهور پدیده و اسکان غیررسمی به‌عنوان تبلور فضایی فقر شهری و نبود برنامه‌ریزی مدیریت شهری برای سیل عظیم جمعیت مهاجر به‌خصوص مهاجران روستا-شهری بوده است که در کشورهای جهان سوم و بخصوص کشور ما ایران در ۶۰ سال اخیر به وجود آمده است. شهر تبریز مرکز مبادلات اقتصادی، تجاری و فرهنگی شمال غرب کشور است و از نظر جمعیتی ششمین شهر کشور به شمار می‌رود. اهمیت و جایگاه تاریخی-فرهنگی این شهر بر کسی پنهان نیست و تاریخ گواه بر پیشینه تمدنی ۳۵۰۰ ساله این شهر است. وجود چنین پتانسیلی همواره منجر شده شهر تبریز یکی از مهاجرپذیرترین شهرهای کشور باشد که این افزایش جمعیت به‌خصوص در ۵۰ سال گذشته منجر به توسعه فضایی شتابان شهر به دلیل عدم برنامه‌ریزی تحولات فرهنگی و سیاسی کشور شد که این تحولات بصورت توسعه وسیع سکونتگاه‌های غیررسمی در بخش‌های شمالی و جنوبی شهر نمود پیدا کرد. هم‌جواری بخش قابل توجهی از محلات اسکان غیررسمی شهر تبریز با بافت‌های واجد ارزش تاریخی مانند محلات یوسف آباد-عباسی (مجاورت با ربع رشیدی)، محله تاریخی مارالان، ششگلان، عارف، طالقانی، دوه چی، سرخاب و غیره نشان از پتانسیل‌های بالای فرهنگی-تاریخی در بخش وسیعی از بافت اسکان غیررسمی شهر تبریز دارد.

مواد و روش‌ها

تحقیق حاضر از نظر هدف جز تحقیقات کاربردی و از نظر روش جزء تحقیقات توصیفی-تحلیلی هست. با توجه به اینکه این تحقیق عوامل مؤثر بر باز آفرینی فرهنگ مبنا در سکونتگاه‌های غیررسمی را از دیدگاه متخصصان و خبرگان این حوزه مورد بررسی قرار می‌دهد نمونه آماری در این تحقیق عبارت‌اند از ۴۰ نفر از متخصصین منطقه‌ای و ملی در حوزه مورد تحقیق که با استفاده از روش گلوله برفی و کارشناسی مورد شناسایی قرار گرفته و انتخاب شده‌اند. مهم‌ترین ابزار تحقیق پرسشنامه محقق ساخته است همچنین جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات تحقیق به فراخور نیاز از انواع روش‌ها و مدل‌های آماری من جمله آزمون بارتلت، KMO، تحلیل عاملی اکتشافی، تحلیل عاملی تأییدی و غیره در نرم‌افزارهای SPSS، آمووس و اسمارت پی ال اس استفاده شده است. پرسشنامه تحقیق بر اساس اهداف و مبانی نظری تحقیق از ۴۹ گویه تشکیل شده است که سوالات بر مبنای طیف ۵ طبقه‌ای لیکرت طراحی شده است. فرآیند تحقیق به‌طور کلی از دو مرحله تحلیل عاملی اکتشافی و تحلیل عاملی تأییدی مرحله اول و

اطلاعات مقاله

تاریخ‌های مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۳
 تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۳/۱۵
 تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۲

کلمات کلیدی

باز آفرینی شهری
 سکونتگاه‌های غیررسمی
 شهر تبریز
 فرهنگ

گردشگری فرهنگی مانند برند سازی محصولات ملموس و ناملموس فرهنگی نسبت به راهنمایی گردشگران در ارجحیت هستند و این دلیلی بر کم‌اهمیت بودن عامل گردشگری در بازآفرینی فرهنگ مینا در بافت‌های اسکان غیررسمی شهر تبریز ندارد. در یک جمع بندی کلی می‌توان نتیجه گرفت که بین عامل‌های شناسایی شده تفاوت معنی‌داری وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد شاخص اجتماعی با بار عاملی ۰.۸۶۲ و مجموع میانگین ۳.۴۳ رتبه اول، شاخص فرهنگی با بار عاملی ۰.۹۱۳ و مجموع میانگین ۲.۰۶ در رتبه دو، شاخص زیرساختی با بار عاملی ۰.۹۵۹ و مجموع میانگین ۲.۱۱ به‌عنوان رتبه سوم و شاخص اقتصادی با بار عاملی ۰.۹۲۳ و مجموع میانگین ۱.۸۶ رتبه چهارم عوامل مؤثر بر بازآفرینی سکونتگاه‌های غیررسمی کلان‌شهر تبریز با رویکرد فرهنگ مینا را کسب کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

نتایج این تحقیق چهار عامل مؤثر اجتماعی، فرهنگی، زیرساختی و اقتصادی را به‌عنوان پیشران‌های کلیدی و مؤثر در بازآفرینی بافت اسکان غیررسمی شهر تبریز معرفی کرده و در بخش بعدی اهمیت برنامه‌ریزی فرهنگی در بازآفرینی بافت‌های اسکان غیررسمی را مشخص می‌کند. بررسی پیشینه تحقیق نشان می‌دهد اکثر تحقیقات قبلی با رویکرد مروری و یا رویکرد آینده پژوهی به بررسی موضوع بازآفرینی فرهنگ مینا پرداخته‌اند ولی تحقیق حاضر علاوه بر رویکرد روش شناختی جامع و سیستماتیک خود مبتنی بر روش تحلیل عاملی اکتشافی و تحلیل عاملی تأیید دومرحله‌ای؛ با یک نگاه نظری نوین به این موضوع نگاه کرده و در تلاش برای حفاظت و احیا بافت‌های اسکان غیررسمی با اتخاذ رویکرد فرهنگی (فرهنگ مینا) است و حفظ هویت تاریخی-فرهنگی بافت‌های اسکان غیررسمی را به‌عنوان مهم‌ترین راهبرد در بازآفرینی بافت سکونتگاه‌های اسکان غیررسمی واجد ارزش معرفی می‌نماید.

مرحله دوم تشکیل شده است که در واقع مدل نظری تحقیق ابتدا با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی مورد صحت‌سنجی قرار می‌گیرد و پس از تأیید مدل با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی بارهای عاملی آن مشخص می‌شود.

یافته‌ها

بر اساس یافته‌های تحقیق عوامل مؤثر بر در بازآفرینی فرهنگ مینا در سکونتگاه‌های غیررسمی جنوب شهر تبریز در قالب ۴ شاخص اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیرساختی تقسیم‌بندی شدند. در بین این شاخص‌ها؛ شاخص اجتماعی ۴۱ درصد، شاخص فرهنگی ۲۷ درصد، شاخص اقتصادی ۱۱ درصد و شاخص زیرساختی ۷ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کنند. در میان عامل‌های اجتماعی شاخص امنیت با بار عاملی ۰.۹۶۹. بیشترین و شاخص حقوق اقلیت‌های قومی با بار عاملی ۰.۵۶۷. کمترین بار عاملی را در جمع شاخص‌ها دارا هستند. از نظر متخصصین تأمین امنیت در بافت‌های اسکان غیررسمی که به دلیل مهاجرت‌پذیر بودن دائماً با تهدیدهای متعدد در بعد امنیت اجتماعی مواجه است جز عوامل مؤثر در بازآفرینی فرهنگ مینا در بافت‌های اسکان غیررسمی است. تمامی فعالیت‌های فرهنگی و اجرایی در بستر محیطی امن قابلیت اجرایی دارد و به همین دلیل عامل امنیت را می‌توان یکی از مهم‌ترین پیشران‌های بازآفرینی فرهنگ مینا در بافت‌های اسکان غیررسمی شهر تبریز معرفی کرد. در میان عامل‌های فرهنگی عامل برگزاری رویدادهای فرهنگی با ۰.۸۳۹. بیشترین بار عاملی را در بین شاخص‌های فرهنگی دارد. یکی از مهم‌ترین ابزارهای برند سازی محصولات فرهنگی در بافت‌های اسکان غیررسمی برگزاری رویدادهای فرهنگی و معرفی پتانسیل‌های فرهنگی-هنری این بافت‌ها است که نظر به اهمیت عامل یادشده این عامل از نظر متخصصین به‌عنوان عامل منتخب انتخاب شده است. از طرفی عامل راهنمایی گردشگران با ۰.۳۹۹. کمترین بار عاملی در بین عوامل فرهنگی را دارا بود. به نظر می‌رسد تأمین پیش‌نیازهای

مقدمه

رشد جمعیت جهان که در بافت‌های شهری زندگی می‌کنند، شتاب بی‌سابقه‌ای یافته است و به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین تغییرات قرن بیست و یکم تلقی می‌شود [۱]. آمار تحولات جمعیتی حاکی از این امر هستند که جمعیت جهان در طی دو قرن گذشته رو به تمرکز در شهرها دارد. به‌عبارت‌دیگر، به دنبال وقوع انقلاب صنعتی شاهد روند فزاینده شهرنشینی در جهان هستیم که این امر نخست در کشورهای موسوم به جهان اول و از اوایل قرن گذشته در کشورهای جهان سومی اتفاق می‌افتد (۷) افزایش جمعیت شهری، گسترش صنایع و به‌تبع آن تنوع فعالیتی و جمعیتی و در نتیجه تحولات سریع کالبدی شهر، معادلات پیشین حاکم بر سازمان فضایی شهرها را متحول ساخت و شهر در عرصه‌های محیطی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی با مسائل و مشکلاتی جدید و اغلب ناشناخته مواجه شد [۲].

یکی از مهم‌ترین تغییرات به‌وجودآمده در عرصه‌های کالبدی و اجتماعی ظهور پدیده و اسکان غیررسمی به‌عنوان تبلور فضایی فقر شهری و نبود برنامه‌ریزی مدیریت شهری برای سیل عظیم جمعیت مهاجر به‌خصوص مهاجران روستا-شهری بوده است که در کشورهای جهان سوم و بخصوص کشور ما ایران در ۶۰ سال اخیر به‌وجودآمده است. اسکان غیر رسمی و مشکلات آن، به‌خصوص در کشورهای درحال توسعه، به‌عنوان یک معضل بزرگ شهری محسوب می‌شود. ضرورت پرداختن به این موضوع از آنجاست که این پدیده در عین حال که نتیجه و حاصل معضلات اجتماعی و خصوصاً اقتصادی است، موجب بروز مشکلات دیگری همچون بزهکاری می‌گردد. با گسترش شهرها و تبدیل آن‌ها به کلان‌شهرها لزوم کنترل وضعیت اسکان غیررسمی و جلوگیری از گسترش آن بیش‌ازپیش احساس می‌شود [۳]. یکی از مهم‌ترین راهبردها در خصوص ساماندهی بافت‌های ناکارآمد و فرسوده شهری بازآفرینی شهری است.

بازآفرینی شهری یک فرایند است که به منظور بهبود و تحول شهرها و فضاهای شهری صورت می‌گیرد. هدف اصلی بازآفرینی شهری، بهبود کیفیت زندگی شهروندان و ایجاد فضاهای سالم، پایدار و عملکردی است. رویارویی شهرهای امروزی با سیستم اقتصادی غیرقابل پیش‌بینی، باعث شده است که شهرها بیش‌ازپیش بر منابع داخل خود تکیه کنند؛ منابعی مانند تاریخ، فضاها و نیروی خلاق، فشار جهانی شدن و به‌تبع آن، مشکلاتی که به دلیل تغییر ساختار اقتصادی به وجود آمد و همچنین نیاز به ایجاد هویت جدید، شهرها را واداشت که از دارایی‌های فرهنگی خود به‌منظور تمایز هویت و نیز بازآفرینی بافتشهری استفاده کنند [۴-۵]. این تغییرات ماهیتی در فرایند ساماندهی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری باعث شد که از دهه ۹۰ میلادی به این سو، دگرگونی‌هایی در رویکرد بازآفرینی در ابعاد مختلف صورت پذیرفت که یک از مهم‌ترین این رویکردها رویکرد فرهنگ مینا است.

اگر نگاهی به سیر گونه‌گونی رویکردهای بازآفرینی شهری بیاندازیم، متوجه می‌شویم که توجه به جنبه‌های برخاسته از لایه‌های انباشت تاریخی و استفاده از اندوخته‌های پیشینه‌ای و فرهنگی، نسبت به دیگر نگاه‌های مرتبط با بازآفرینی شهری بسیار بیشتر است. به همین دلیل، رویکرد فرهنگی در بازآفرینی شهری به صورت چشم‌گیری از جنبه‌های مرتبط با مرمت شهری برجسته‌تر است. به نظر می‌رسد استفاده از بازآفرینی شهری با تأکید بر فرهنگ مینا و انتشار آن، به نیازهای توسعه‌ای شهرها پاسخ می‌دهد و همچنین به حفظ میراث شهری، حفاظت از ساختارها و کارکردهای تاریخی و شناخت هویت شهری کمک می‌کند [۶]. کهن شهر تبریز مرکز مبادلات اقتصادی، تجاری و فرهنگی شمال غرب کشور است و از نظر جمعیتی ششمین شهر کشور به‌شمار می‌رود. اهمیت و جایگاه تاریخی-فرهنگی این شهر بر کسی پنهان نیست و تاریخ گواه بر پیشینه تمدنی ۳۵۰۰ ساله این شهر است. وجود چنین پتانسیلی همواره منجر شده شهر تبریز یکی از مهاجرپذیرترین شهرهای کشور باشد که این افزایش جمعیت به‌خصوص در ۵۰ سال گذشته منجر به توسعه فضایی شتابان شهر به دلیل عدم برنامه‌ریزی تحولات فرهنگی و سیاسی کشور شد که این تحولات بصورت توسعه وسیع سکونتگاه‌های

غیررسمی در بخش‌های شمالی و جنوبی شهر نمود پیدا کرد. هم‌جواری بخش قابل توجهی از محلات اسکان غیررسمی شهر تبریز با بافت‌های واجد ارزش تاریخی مانند محلات یوسف آباد-عباسی (مجاورت با ربع رشیدی)، محله تاریخی مارالان، ششگلان، عارف، طالقانی، دوه چی، سرخاب و غیره نشان از پتانسیل‌های بالای فرهنگی-تاریخی در بخش وسیعی از بافت اسکان غیررسمی شهر تبریز دارد که در این تحقیق نیز مهمترین سوال تحقیق را می‌توان چنین عنوان کرد که عوامل مؤثر بر بازآفرینی فرهنگ مینا به‌عنوان مؤثرترین راهبرد در ساماندهی فضاها و بافت‌های اسکان غیررسمی شهر تبریز چیست؟

پیشینه تحقیق

پیر بابایی و بهالو [۷] در مقاله‌ای با عنوان «بازآفرینی فرهنگ مینای بافت تاریخی با تأکید بر جذب گردشگران (نمونه موردی: محور خاقانی شهر تبریز)» به بررسی راهکارهای بازآفرینی بافت تاریخی تبریز با استفاده از رویکرد فرهنگ مینا پرداخته‌اند. روش تحقیق توصیفی و بر مبنای استفاده از روش سوات است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد رویکرد بازآفرینی فرهنگ مینا با توجه به مشخصات و ویژگی‌های خود می‌تواند پویایی و حیات اقتصادی شهر تبریز را تضمین و نیازهای کالبدی جمعیت ساکن در آن محدوده تأمین شود. قربانی و همکاران [۸] در مقاله‌ای با عنوان «تحلیلی بر بازآفرینی پایدار شهری با رویکرد انسجام و پیوستگی بر اساس آینده‌پژوهی سناریو مینا مطالعه موردی: محلات شمالی بافت تاریخی-فرهنگی شهر تبریز» به بررسی سناریوهای پیش روی بازآفرینی‌بافت‌های تاریخی فرهنگی شهر تبریز پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که از بین ۳۹ عامل ۱۵ عامل کلیدی در بازآفرینی محدوده مورد مطالعه نقش دارند که بر اساس اهمیت عدم قطعیت دو عامل اقتصادی و مدیریتی چهار سناریو مطرح گردیده است.

پوردکریا و فدایی نژاد [۹] در مقاله‌ای با عنوان «بازخوانی رویکرد بازآفرینی فرهنگ مینا در ساخت شهر خلاق (تدوین چارچوب تحلیلی بازآفرینی قطب خلاق و فرهنگی)» به بررسی شناسایی عوامل مؤثر در ارتقای فرهنگ جامعه و نقش آن در ایجاد شهر خلاق پرداخته‌اند. روش تحقیق با رویکرد کیفی و مطالعات کتابخانه‌ای و مروری انجام گرفته است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که علیرغم ناهم‌نگی‌ها و پیامدهای پیش‌بینی‌نشده، رویکردهایی مانند شکوفایی اقتصاد فرهنگی، افزایش امکانات رفاهی و پیشرفت گردشگری نوآورانه منجر به پویایی اجتماعی مناطق عمومی و مشارکت افراد از بخش خلاق در ارتقای خود (شهروندان) خواهد شد.

پیرنو و همکاران [۱۰] در مقاله‌ای با عنوان «تدابیر جمعی نهادی برای بازسازی شهری به روایت فرهنگ و ارث: یک تجزیه و تحلیل تطبیقی کیفی» به اقدامات جمعی نهادی (ICA) در زمینه ابتکارات بازآفرینی شهری مبتنی بر فرهنگ و میراث پرداخته‌اند و شرایط و عواملی را که به موفقیت یا شکست این ابتکارات مشارکتی کمک می‌کنند تجزیه و تحلیل می‌کنند. نتایج نشان می‌دهد که عناصر متنوعی برای توسعه ابتکارات مشارکتی ضروری است و شرایط خاص برای تبیین عملکرد اقدامات جمعی نهادی (ICA) یا یکدیگر تعامل دارند. سکونتگاه‌های غیررسمی در اکثر کشورها مخصوصاً کشورهای جهان سوم همواره به‌عنوان یکی از بخش‌های یادرفته و جدا از بافت شهر به‌شمار می‌آیند که مدیران شهری از این بافت‌ها به‌عنوان بیماری متورم شهرها یاد می‌کنند و اکثراً در مواجهه با چنین بافت‌هایی سیاست‌های بازسازی و نوسازی و روش‌هایی مانند تجمیع و انتقال سایت و ... اتخاذ می‌شود.

بوسونه و همکاران [۱۱] در مقاله خود با عنوان «شبه‌سازیبازآفرینی شهری مدور از طریق جوامع فرهنگی و پایدار» به بررسی چشم‌انداز برنامه جوانان سبز-آبی (Green Blue Youth) در سال ۲۰۳۰ پرداخته‌اند. این مقاله نتایج اولیه رویکرد «چشم‌انداز جوانان آبی سبز ۲۰۳۰» را ارائه می‌دهد که شامل تعریف پیشنهادات جمع‌آوری شده در طول میزهای گرد طراحی مشترک و تجزیه و تحلیل نتایج کلیدی نظرسنجی در مورد ذینفعان پروژه روزهای آبی سبز در جنوب ایتالیا است. این نتایج به درک چگونگی درک و ارائه گزینه‌های

اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و زیست‌محیطی منطقه‌ای است که دستخوش تغییر شده است اطلاق می‌شود. یک حوزه تجربی از سیاست و عملکرد است، در یک محیط پیچیده با بازیگران متعدد و مسائل متضاد ذاتی عمل می‌کند. بازآفرینی شهر مشکلات و فرصت‌های شهری را از مراحل تاریخی توسعه شهری، رابطه بین شرایط کالبدی و اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی و نیاز به بازسازی شهرها را به تصویر می‌کشد [۱۷]. بازآفرینی زمین شهری امروزه فراتر از عمل بازآفرینی توسعه مجدد کالبدی شهر، به دنبال تحریک رشد اقتصادی، همراه با افزایش انسجام جامعه در زمینه اجتماعی - فرهنگی است. مداخله بازآفرینی شهری مبتنی بر تحلیل دقیق شرایط کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و محیطی منطقه است [۱۸]. استراتژی یکپارچه برنامه‌ریزی و پیاده‌سازی با استفاده بهینه از ویژگی‌های موجود در محل و اهداف قابل اندازه‌گیری واضح ایجاد می‌شود [۱۹].

بازآفرینی فرهنگ - مبنا

مروری بر شهرها در کشورهای پیشرفته، مانند ایالات متحده، ژاپن، سنگاپور و برخی از کشورهای اروپایی، نشان می‌دهد که استراتژی‌های بازآفرینی شهری مبتنی بر فرهنگ به مروج رشد اقتصادی تبدیل شده‌اند. گزارشی که توسط کمیسیون سکونتگاه‌های انسانی سازمان ملل منتشر شد، نشان داد که بازسازی شهری مبتنی بر فرهنگ به وسیله‌ای شناخته شده برای شهرها برای دستیابی به رقابت جهانی و همچنین بهبود مناظر شهری و عملکرد اقتصادی شهری خود تبدیل شده است [۲۰]. بازآفرینی فرهنگ مبنا به عنوان یکی از رویکردهای اصلی در بازآفرینی شهری در دو دهه اخیر شناخته شده است. این رویکرد بر این اصل تکیه می‌کند که با بهره‌گیری از فرهنگ و ارزش‌های آن، می‌توان سازوکار اقتصادی و پررونق را برای شهرها ایجاد کرد و چهره‌های فرهنگ‌گرا برای آنها ترسیم نمود. در این رویکرد، مفاهیم پاینده مانند استفاده از حوزه‌های نوآورانه اقتصادی و صنایع خلاق به کار گرفته می‌شوند. فرهنگ مبنا به این نتیجه می‌رسد که می‌توان با استفاده از رویکرد فرهنگی و ویژگی‌های مثبت آن، در بافت‌های درونی و هسته‌های مرکزی شهرها، از نتایج مثبت فرآیند بازآفرینی بهره‌برداری کرد. در این رویکرد، ارجاع به کالبد دیروز (ساختار و زیرساخت فرهنگی و اجتماعی گذشته) صورت می‌گیرد و ساختارهای نو با ساختارهای قدیمی در همخوانی قرار می‌گیرند؛ به عبارت دیگر، این رویکرد تلاش می‌کند تا با ساختارهای دیروز هماهنگی بیشتری برقرار کند و ساختارهای نو را در ارتباط با آنها قرار دهد [۱۷]. این میانجیگری میان دو ساختار باعث ارائه محتوا و کارکردی می‌شود که به واسطه‌ی آن روند فرهنگی و اجتماعی جاری و سازوکار اقتصادی و بازده آن بهبود می‌یابد. در نتیجه، بازآفرینی فرهنگ مبنا به نوعی همگرایی در هدف و وسیله بازآفرینی شهری منجر می‌شود. این رویکرد به عنوان یک راهبرد جامع، تلاش می‌کند تا با استفاده از فرهنگ و ارزش‌های آن، هدف‌ها و اهداف بازآفرینی شهری را محقق کند و در عین حال به جوانب اقتصادی و پایداری توجه کند. چنین نگاهی موجب رسیدن به نوعی همگرایی در هدف و وسیله بازآفرینی شهری می‌شود [۲۱]. فرایند بازآفرینی شهری فرهنگ‌مبنا نیازمند مشارکت عاملان درگیر در این فرایند است. شناسایی عوامل اصلی مشارکت در بازآفرینی فرهنگ مبنا از اهمیت بالایی برخوردار است. بخش عمومی دولت‌های مرکزی و دولت‌های محلی یا شهرداری‌ها بخش خصوصی و گروه‌های داوطلب عمده‌ترین عاملان درگیر در این رهیافت به شمار آورد [۲۲].

سکونتگاه غیررسمی

سکونتگاه‌های غیررسمی یک مشکل جدی و رایج در کشورهای جهان سوم است. این شهرک‌ها بازیگران حاشیه‌ای در بازار املاک و مستغلات نیستند. آنها نقش مهمی بر عرضه و تقاضای مسکن دارند [۲۳]. به دلیل عدم برنامه‌ریزی و طراحی رسمی، سکونتگاه‌های مشخص شده با غیررسمی بودن، فاقد خدمات عمومی هستند. این بافت‌های غیررسمی به طور متناوب به عنوان شهرک‌های خودرو یا شهرک‌های بدون قانون نامیده می‌شوند زیرا فاقد

فرهنگی نوآورانه برای پایداری، با تمرکز بر غلبه بر تعارضات فرهنگی، اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی برای تحریک بازآفریندیرهای شهری در جنوب ایتالیا کمک می‌کند.

فن و کیم [۱۲] در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه فضاهای مسکونی در بازآفرینی فرهنگ مبنا: نمونه موردی: استان هنان (چین)» به شناسایی هویت فرهنگی و تعلق فرهنگی در فضاهای مسکونی و پیشنهاد طرح‌بندی فضایی مناسب، بر فرهنگ مسکونی در بازآفرینی شهری مبتنی بر فرهنگ در استان هنان کشور چین پرداخته‌اند. ایشان الگوهای فضای زندگی اقامتگاه‌های سنتی و مدرن در استان هنان را تجزیه و تحلیل کرده و ویژگی‌های فرهنگی منطقه را بررسی می‌کنند که در نهایت چهار مدل بازسازی فضای مسکونی با تأکید بر مشارکت ساکنان و بهبود طراحی فضاهای زندگی مدرن پیشنهاد داده‌اند.

تورسی [۱۳] در مقاله‌ای به بررسی نقش بازآفرینی فرهنگ مبنا در ارتقا کیفی و باز زنده سازی یک منطقه صنعتی-تاریخی در شهر تیمیشوارا پرداخته است. روش تحقیق کیفی و بر مبنای تحلیل مصاحبه‌های عمیق می‌باشد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد علاوه بر اینکه این شهر پس از گذار از دوران کمونیست با مشکلات زیادی همراه بوده است ولی استفاده از روش‌های بازآفرینی مبتنی بر فرهنگ توانسته منجر به نجات میراث صنعتی، ارتقا شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی و در یک کلمه احیای بافت شهر شود چنانچه این پروژه هم‌اکنون الیهام‌بخش سایر شهرهای اروپایی شده است.

در پژوهش ادوین [۱۴]، به تحلیل مفهوم طراحی شهری پایدار و بررسی عوامل اساسی برای بهبود پایداری اجتماعی در پروژه‌های بهسازی و تجدید حیات شهری پرداخته شده است. این پژوهش از طریق اجرای یک پرسش‌نامه در هنگ‌کنگ انجام شده است و نظرات معماران، طراحان و مدیران توسعه‌داری و شهروندان محلی جمع‌آوری و ارزیابی شده‌اند.

نتایج تجزیه و تحلیل عوامل مختلف نشان می‌دهد که ویژگی‌های مشخصی برای دستیابی به پایداری اجتماعی باید در طرح‌ها و پروژه‌ها در نظر گرفته شوند. برخی از عوامل اساسی و مهم برای افزایش و پایداری اجتماعی در پروژه‌های نوسازی شهری عبارتند از: رضایتمندی از نیازهای آسایش، حفظ و نگهداری منابع و محیط، ایجاد محیط زندگی هماهنگ، دسترسی آسان به خدمات روزانه و فضاهای بازار. این عوامل اساسی و مهم می‌توانند بهبود پایداری اجتماعی در پروژه‌های نوسازی شهری محلی را تسهیل کنند. تحقیق حاضر علاوه بر رویکرد روش‌شناختی جامع و سیستماتیک خود مبتنی بر روش تحلیل عاملی اکتشافی و تحلیل عاملی تأیید دومرحله‌ای؛ با یک نگاه نظری نوین به این موضوع نگاه کرده و در تلاش برای حفاظت و احیا بافت‌های اسکان غیررسمی با اتخاذ رویکرد فرهنگی (فرهنگ مبنا) است و حفظ هویت تاریخی فرهنگی بافت‌های اسکان غیررسمی را به عنوان مهم‌ترین راهبرد در بازآفرینی بافت سکونتگاه‌های اسکان غیررسمی واجد ارزش معرفی می‌نماید.

مبانی نظری

بازآفرینی شهری

در طول زمان، رویکردهای اساسی سیاست‌های بازسازی شهری و به تبعیت از آن، استراتژی‌های اجرایی آنها تغییر کرده است. رویکردهای نئولیبرال دهه ۸۰، رویکردهای جامع و محلی دهه ۹۰ تا رویکردهای فعلی مبتنی بر «رقابت‌پذیری شهرها»، «بازسازی محرک گردشگری» و «بازسازی فرهنگی»، نتیجه‌ای از تحول پیوسته محیط‌های شهری و جوامع است [۱۵]. بازآفرینی شهری به مفهوم احیاء، تجدید حیات و نوزایی شهری و به عبارتی زنده شدن شهر است. این رهیافت تلاش و عملی است جامع و یکپارچه برای به زندگی برگرداندن بافت‌ها و مناطق روبه‌زوال. این فرایند از متوقف نمودن فرایند فرسودگی آغاز می‌گردد و به بازآفرینی فضا و مکان می‌انجامد. از این رو عملکرد رهیافت بازآفرینی شهری توقف افت در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، محیطی، ... خارج نمودن بافت از چرخه تنزل و ارتقاء کیفیت زندگی در آن است [۱۶]. بازآفرینی شهری به چشم‌انداز و اقدامی جامع و یکپارچه که منجر به حل مشکلات شهری می‌شود و به دنبال بهبود پایداری در وضعیت

طراحی شده است. فرآیند تحقیق به طور کلی از دو مرحله تحلیل عاملی اکتشافی و تحلیل عاملی تأییدی مرحله اول و مرحله دوم تشکیل شده است که در واقع مدل نظری تحقیق ابتدا با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی مورد صحت سنجی قرار می‌گیرد و پس از تأیید مدل با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی بارهای عاملی آن مشخص می‌شود.

محدوده مورد مطالعه

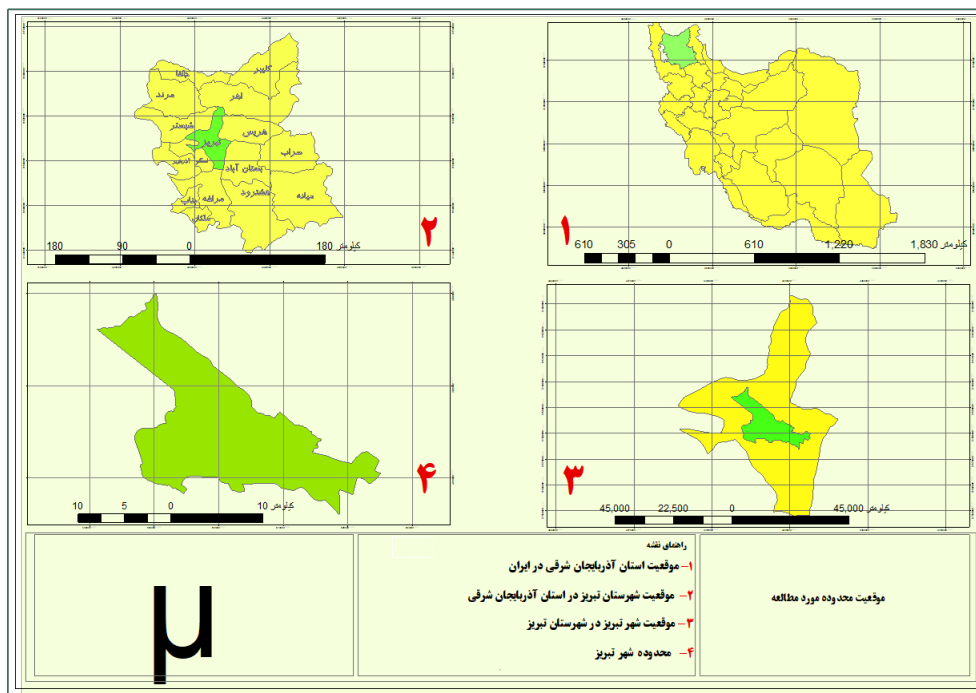
محدوده مورد مطالعه این مقاله محدوده شهر تبریز هست. شهر تبریز بزرگ‌ترین شهر شمال غرب ایران با وسعتی حدود ۲۴۴۹۸ هکتار است. از لحاظ تقسیمات سیاسی این شهر مرکز استان آذربایجان شرقی و از لحاظ موقعیت ریاضی این شهر در ۳۸ درجه و ۸ دقیقه عرض شمالی از خط استوا و ۴۶ درجه و ۱۵ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ قرار دارد. متوسط ارتفاع شهر حدود ۱۴۶۰ متر از سطح دریاهای آزاد برآورد گردیده است [۲۵]. طبق آخرین آمار رسمی سرشماری نفوس و مسکن برای شهر تبریز ۱۵۹۳۳۳۳ نفر جمعیت ثبت شده است؛ که آمارهای غیر رسمی این رقم را برای سال ۱۴۰۳ بالاتر از ۲ میلیون نفر برآورد می‌کنند. سکونتگاه‌های اسکان غیر رسمی در شهر تبریز در چهار پهنه شمالی، جنوبی، شمال غرب و جنوب غرب قرار دارند. گونه اسکان غیررسمی جنوب تبریز، انتهای محله مارالان، طالقانی و لاله را شامل می‌شود که علیرغم سکونت در اراضی ناهموار و شیبدار، با گونه شمال شهر تفاوت‌هایی نیز دارد. این محدوده خطر گسل و رانش زمین ندارد. همچنین دسترس‌یها و به ویژه نفوذپذیری در این محلات بسیار بالاتر از محلات حاشیه نشین شمال است. تراکم نسبتاً بالا، کیفیت پایین مصالح ساختمانی و ساخت و ساز در شیب و ... از مشخصه‌های عمده این پهنه است. مجاورت این محلات با محلات نوساز و مجتمع‌های آپارتمانی جدید نظیر کوی دانشگاه، میرداماد (بوپژه در انتهای خیابان مارالان) و شهرک‌های مسکونی انتهای لاله و رسالت برخوردار بودن این حاشیه نشین‌ها را از امکانات شهری بیشتر فراهم کرده است. این پهنه بر اساس اطلاعات بلوک‌های آماری آخرین سرشماری نفوس و مسکن کشور جمعیتی در حدود ۸۹۵۲۱ نفر را در خود جای داده است.

نظارت و کمک‌های ارائه شده توسط دولت یا شهرداری‌ها هستند. در برخی موارد، آن‌ها حتی به عنوان سکونتگاه‌های بیمار برچسب‌گذاری می‌شوند زیرا ساکنان آن‌ها عمدتاً از گروه‌های فقیر تشکیل شده‌اند. با این حال، تعیین آن‌ها به عنوان سکونتگاه‌های حاشیه‌ای عمدتاً از موقعیت محیطی آن‌ها در رابطه با شهرها ناشی می‌شود. گاهی اوقات، این شهرک‌های حاشیه‌ای به مناطق شهری تجاوز می‌کنند و علیرغم گسترش به مکان‌های ناخوشایند مانند دره‌ها، خندق‌ها، مسیرها و کوه‌ها، در شهر اصلی جذب می‌شوند. مشخصه اصلی این سکونتگاه‌های حاشیه‌ای کیفیت پایین مسکن است که به اشکال مختلف ظاهر می‌شود. در این شهرک‌های غیررسمی، مسکن کیفیت بسیار پایینی دارد و از زیرساخت‌های ناکافی، شامل کمبود آب، برق و گاز رنج می‌برد. علاوه بر این، ارائه امکانات و خدمات عمومی، از جمله مدارس و کلینیک‌ها، به طور قابل توجهی کم است. در نتیجه بهداشت، دفع فاضلاب و پاکیزگی محیط‌زیست نیز به شدت در این شهرک‌ها به خطر می‌افتد [۲۴].

مواد و روش‌ها

تحقیق حاضر از نظر هدف جز تحقیقات کاربردی و از نظر روش جزء تحقیقات توصیفی-تحلیلی هست. با توجه به اینکه این تحقیق عوامل مؤثر بر بازآفرینی فرهنگ مینا در سکونتگاه‌های غیررسمی را از دیدگاه متخصصان و خبرگان این حوزه مورد بررسی قرار می‌دهد نمونه آماری در این تحقیق عبارت‌اند از ۴۰ نفر از متخصصین منطقه‌ای و ملی در حوزه مورد تحقیق که با استفاده از روش گلوله برفی و کارشناسی مورد شناسایی قرار گرفته و انتخاب شده‌اند. مهم‌ترین ابزار تحقیق پرسشنامه محقق ساخته است همچنین جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات تحقیق به فراخور نیاز از انواع روش‌ها و مدل‌های آماری من جمله آزمون بارتلت، KMO، تحلیل عاملی اکتشافی، تحلیل عاملی تأییدی و غیره در نرم‌افزارهای SPSS، Amos و SmartPLS استفاده شده است.

پرسشنامه تحقیق بر اساس اهداف و مبانی نظری تحقیق از ۴۹ گویه تشکیل شده است که سوالات بر مبنای طیف ۵ طبقه‌ای لیکرت طراحی شده است. با توجه به رویکرد سیستمی و جامع این تحقیق متغیرهای ۴۹ گانه تحقیق در قالب ۴ شاخص اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیرساختی



شکل ۱- موقعیت محدوده مورد مطالعه

یافته‌ها

ارزیابی و شناخت شاخص‌های تأثیرگذار در بازآفرینی فرهنگ مینا در سکونتگاه‌های غیررسمی با روش اکتشافی

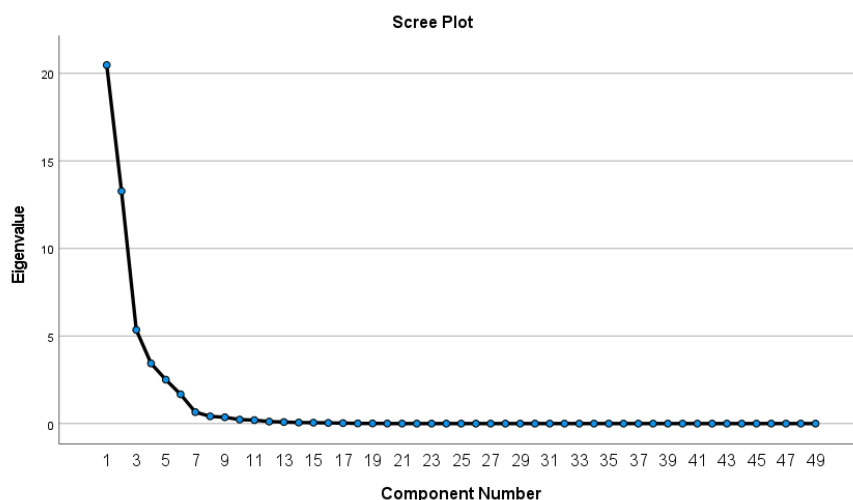
لیکرت تهیه و تنظیم و پس از بررسی روایی صوری و محتوایی آن توسط صاحب‌نظران و متخصصین در میان نمونه‌های کمی پژوهش توزیع و جمع‌آوری گردید. نهایتاً تجزیه و تحلیل بر روی ۴۰ پرسشنامه انجام شد. پس از تحلیل عاملی اکتشافی با روش چرخش واریماکس، ۶ عامل اصلی شناسایی شده است. ارزش ویژه هر یک از این عامل‌ها بالاتر از مقدار یک بود. این ۶ عامل در مجموع ۹۵/۳ درصد از واریانس را تبیین می‌کنند.

در این مرحله به منظور کاهش تعداد متغیرها و گویه‌های ابزار و تناسب و همخوانی بین گویه‌ها با عامل‌های پرسشنامه، از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. ۴۹ گویه مشخص شده در قالب پرسشنامه‌ای با طیف پنج گزینه‌ای

جدول ۱- نتایج تحلیل عاملی اکتشافی

مؤلفه‌ها	ارزش ویژه	درصد تبیین واریانس	درصد واریانس تراکمی
۱	۲۰/۴۷	۴۱/۷۸	۴۱/۷۸
۲	۱۳/۲۷	۳۷/۸	۶۸/۸۷
۳	۵/۳۵	۱۰/۹۲	۷۹/۷۹
۴	۳/۴۳	۷/۱	۸۶/۸۱
۵	۲/۵۰	۵/۱۱	۹۱/۹۳
۶	۱/۶۷	۳/۴۱	۹۵/۳۴

همین‌طور به بررسی نمودار عامل‌های کشف شده در شکل (۱) پرداخته شد.



شکل ۲- عامل‌های شناسایی شده

همچنین برای اطمینان از وجود ۶ عامل، در گام بعدی به تحلیل موازی با نرم‌افزار Monte Carlo PCA پرداخته شده است. پس از اجرای تحلیل موازی، به این نتیجه رسیده شد که ۵ عامل مورد تأیید هست. از طرفی اکثر سؤالات زیر عامل ۵ ام، دارای بار عاملی کمتر از ۰/۴ بودند و در مواردی نیز، بار

عاملی سؤالات در عامل‌های دیگر به صورت مشابه بیشتر بود. در نتیجه عامل ۵ را کنار گذاشته شد. در گام بعدی به بررسی ماتریس روابط بین عامل‌های کشف شده پرداخته شده است.

جدول ۲- ماتریس همبستگی بین عامل‌ها

عامل‌ها	۱	۲	۳	۴
۱	-			
۲	۰/۱۱	-		
۳	۰/۲۲۲	-۰/۱۴۴	-	
۴	۰/۵۶۵	-۰/۱۵۰	-۰/۲۷۱	-

عاملی بالایی داشت، آنسؤال حذف شد. همین‌طور در صورتی که بار عاملی سؤال کوچک بود نیز سؤال حذف گردید. بر اساس بررسی بارهای عاملی، سؤالات ۳ و ۱۰ را در عامل اول، سؤالات ۲ و ۹ و ۵ را در عامل دوم، سؤالات ۷ و ۸ و ۳ در عامل سوم و سؤالات ۷ و ۱۱ و ۱۳ و ۱۶ در عامل چهارم حذف شدند.

همان‌طور که از جدول ۲، مشخص است رابطه هیچ‌یک از عامل‌ها با یکدیگر بیشتر از ضریب ۰/۳ نمی‌باشد. در نتیجه مستقل بودن هر یک از این عامل‌ها یقین‌ناپذیر شده مورد تأیید قرار گرفت. همین‌طور به بررسی بارهای عاملی سؤالات بر روی عامل‌ها پرداخته شد. در این بررسی به دو دلیل برخی از سؤالات حذف شدند. در صورتی که سؤالی بر روی بیش از یک عامل بار

جدول ۳- بار عاملی، درصد واریانس و ارزش ویژه عوامل

بار عاملی	گویه‌ها	درصد واریانس	عوامل
۰/۹۶۹	احساس امنیت تا چه اندازه در بازآفرینی فرهنگ مینا مؤثر است؟	۴۱/۷۸	عامل اول (اجتماعی)
۰/۹۵۴	مشارکت اجتماعی تا چه اندازه در بازآفرینی فرهنگ مینا مؤثر است؟		
-	حیات شبانه تا چه اندازه در بازآفرینی فرهنگ مینا مؤثر است؟ (حذف شده)		
۰/۹۶۹	سرمایه‌های اجتماعی تا چه اندازه در بازآفرینی فرهنگ مینا مؤثر است؟		
۰/۹۵۷	همه‌شمولی تا چه اندازه در بازآفرینی فرهنگ مینا مؤثر است؟		
۰/۹۶۹	هویت محله‌ای تا چه اندازه در بازآفرینی فرهنگ مینا مؤثر است؟		
۰/۹۵۷	حس تعلق مکانی تا چه اندازه در بازآفرینی فرهنگ مینا مؤثر است؟		
۰/۹۵۷	حقوق شهروندی تا چه اندازه در بازآفرینی فرهنگ مینا مؤثر است؟		
۰/۶۵۷	همکاری با نهادهای دولتی تا چه اندازه در بازآفرینی فرهنگ مینا مؤثر است؟		
-	آموزش شهروندی تا چه اندازه در بازآفرینی فرهنگ مینا مؤثر است؟ (حذف شده)		
۰/۹۶۹	وضعیت تضاد طبقاتی تا چه اندازه در بازآفرینی فرهنگ مینا مؤثر است؟		
۰/۹۶۹	فعالیت زنان و کودکان تا چه اندازه در بازآفرینی فرهنگ مینا مؤثر است؟		
۰/۵۶۷	حقوق اقلیت‌های قومی تا چه اندازه در بازآفرینی فرهنگ مینا مؤثر است؟		
۰/۸۳۹	برگزاری رویدادهای فرهنگی و آیینی تا چه اندازه در بازآفرینی فرهنگ مینا مؤثر است؟		
-	برگزاری کلاس‌های هنری تا چه اندازه در بازآفرینی فرهنگ مینا مؤثر است؟ (حذف شده)		
۰/۴۳۵	ترویج صنایع دستی تا چه اندازه در بازآفرینی فرهنگ مینا مؤثر است؟		
۰/۴۰۷	هویت تاریخی تا چه اندازه در بازآفرینی فرهنگ مینا مؤثر است؟		
-	عناصر و اماکن تاریخی تا چه اندازه در بازآفرینی فرهنگ مینا مؤثر است؟ (حذف شده)		
۰/۴۱۲	پذیرش گردشگر تا چه اندازه در بازآفرینی فرهنگ مینا مؤثر است؟		
۰/۳۹۹	راهنمایی گردشگران تا چه اندازه در بازآفرینی فرهنگ مینا مؤثر است؟		
۰/۷۸۰	مرمت آثار تاریخی تا چه اندازه در بازآفرینی فرهنگ مینا مؤثر است؟		
-	فرهنگ‌های محلی (فولکلور) تا چه اندازه در بازآفرینی فرهنگ مینا مؤثر است؟ (حذف شده)		
۰/۶۳۰	جشنواره‌های موسیقی محلی (عاشیق) تا چه اندازه در بازآفرینی فرهنگ مینا مؤثر است؟		
۰/۸۸۳	حمایت از کسب‌وکارهای فرهنگی تا چه اندازه در بازآفرینی فرهنگ مینا مؤثر است؟	۱۰/۹۲	عامل سوم (اقتصادی)
۰/۸۸۳	صنایع خلاق تا چه اندازه در بازآفرینی فرهنگ مینا مؤثر است؟		
-	جذب سرمایه‌گذار تا چه اندازه در بازآفرینی فرهنگ مینا مؤثر است؟ (حذف شده)		
۰/۸۵۶	درآمد تا چه اندازه در بازآفرینی فرهنگ مینا مؤثر است؟		
۰/۸۴۶	اشتغال تا چه اندازه در بازآفرینی فرهنگ مینا مؤثر است؟		
۰/۷۷۷	برند سازی محصولات فرهنگی تا چه اندازه در بازآفرینی فرهنگ مینا مؤثر است؟		
۰/۳۹۰	حمایت از تولیدات خانگی تا چه اندازه در بازآفرینی فرهنگ مینا مؤثر است؟ (حذف شده)		
-	صنعت فرش تا چه اندازه در بازآفرینی فرهنگ مینا مؤثر است؟ (حذف شده)		
۰/۸۳۴	اعطای تسهیلات بانکی تا چه اندازه در بازآفرینی فرهنگ مینا مؤثر است؟		
۰/۸۵۳	حمایت از بازارهای فصلی و محلی تا چه اندازه در بازآفرینی فرهنگ مینا مؤثر است؟		
بار عاملی	گویه‌ها	درصد واریانس	عوامل

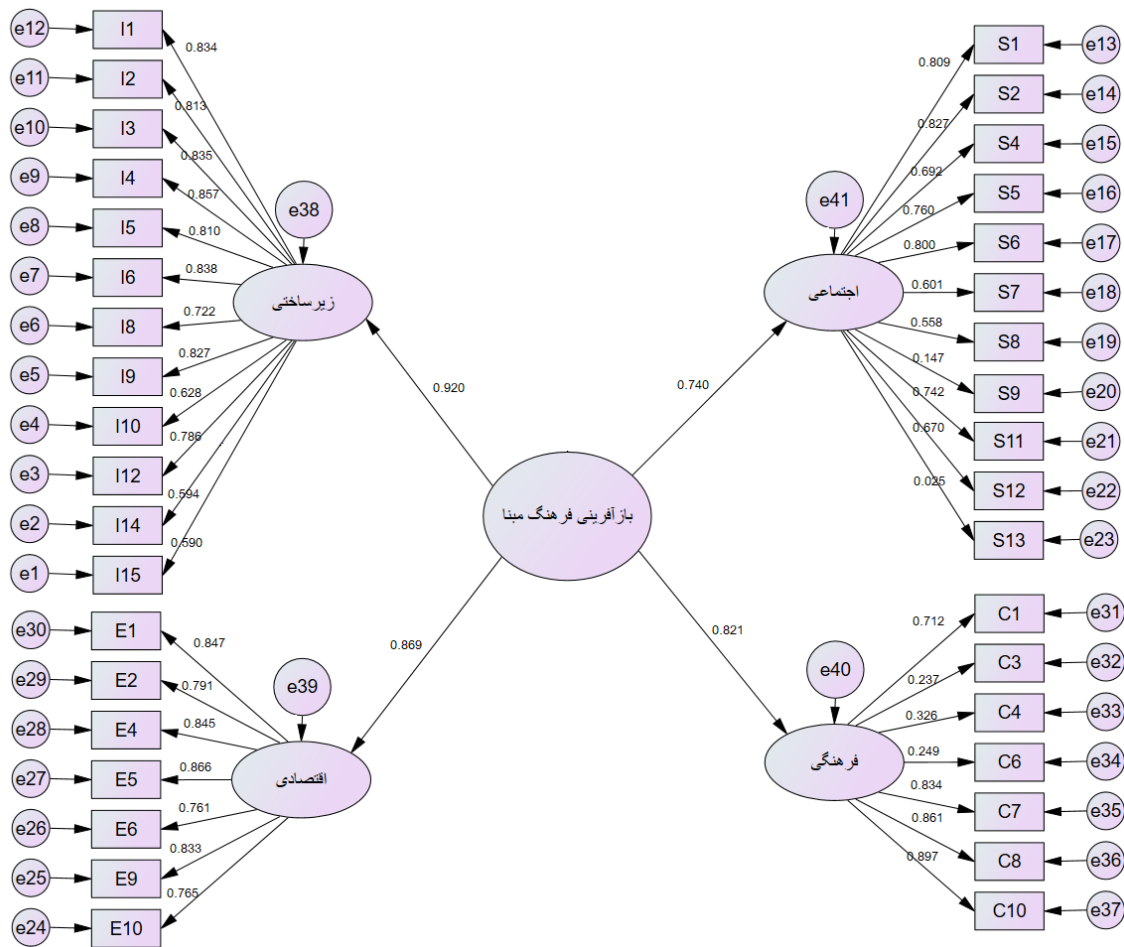
۰/۷۷۸	افزایش سرانه فضاهای فرهنگی تا چه اندازه در بازآفرینی فرهنگ مینا مؤثر است؟	۷/۱۷	عامل چهارم (زیرساختی)
۰/۸۰۰	نفوذپذیریافت تا چه اندازه در بازآفرینی فرهنگ مینا مؤثر است؟		
۰/۸۰۰	دانه بندی قطعات تا چه اندازه در بازآفرینی فرهنگ مینا مؤثر است؟		
۰/۸۳۸	فضاهای عمومی و سبز تا چه اندازه در بازآفرینی فرهنگ مینا مؤثر است؟		
۰/۸۵۴	دسترس پذیری تا چه اندازه در بازآفرینی فرهنگ مینا مؤثر است؟		
۰/۸۵۰	حمل و نقل عمومی تا چه اندازه در بازآفرینی فرهنگ مینا مؤثر است؟		
-	اختلاط کاربری ها تا چه اندازه در بازآفرینی فرهنگ مینا مؤثر است؟ (حذف شده)		
۰/۸۹۰	کیفیت منظر شهری تا چه اندازه در بازآفرینی فرهنگ مینا مؤثر است؟		
۰/۸۸۳	پیاده مداری تا چه اندازه در بازآفرینی فرهنگ مینا مؤثر است؟		
۰/۸۷۰	بدنه سازی فضای شهری تا چه اندازه در بازآفرینی فرهنگ مینا مؤثر است؟		
-	فضاهای مکت و تجمع تا چه اندازه در بازآفرینی فرهنگ مینا مؤثر است؟ (حذف شده)		
۰/۸۸۰	اماکن فراغت و گردشگری تا چه اندازه در بازآفرینی فرهنگ مینا مؤثر است؟		
-	اماکن اقامتی و هتل تا چه اندازه در بازآفرینی فرهنگ مینا مؤثر است؟ (حذف شده)		
۰/۷۷۷	مراکز اطلاع رسانی گردشگری تا چه اندازه در بازآفرینی فرهنگ مینا مؤثر است؟		
۰/۷۵۷	اماکن انتظامی تا چه اندازه در بازآفرینی فرهنگ مینا مؤثر است؟		
-	نشانه ها و فضاهای خاطره انگیز تا چه اندازه در بازآفرینی فرهنگ مینا مؤثر است؟ (حذف شده)		

آن چنان که در جدول فوق مشاهده می شود ۴ عامل شناسایی شده در قالب ۴ شاخص اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیرساختی تقسیم بندی شدند. در بین این شاخص ها؛ شاخص اجتماعی ۴۱ درصد، شاخص فرهنگی ۲۷ درصد، شاخص اقتصادی ۱۱ درصد و شاخص زیرساختی ۷ درصد از واریانس کل را تبیین می کنند. در میان عامل های اجتماعی شاخص امنیت با بار عاملی ۰۹۶۹. بیشترین و شاخص حقوق اقلیت های قومی با بار عاملی ۰۵۶۷. کمترین بار عاملی را در جمع شاخص ها دارا هستند. از نظر متخصصین تأمین امنیت در بافت های اسکان غیررسمی که به دلیل مهاجرت پذیر بودن دائماً با تهدیدهای متعدد در بعد امنیت اجتماعی مواجه است جز عوامل مؤثر در بازآفرینی فرهنگ مینا در بافت های اسکان غیررسمی است. تمامی فعالیت های فرهنگی و اجرایی در بستر محیطی امن قابلیت اجرایی دارد و به همین دلیل عامل امنیت را می توان یکی از مهم ترین پیشران های بازآفرینی فرهنگ مینا در بافت های اسکان غیررسمی شهر تبریز معرفی کرد. در میان عامل های فرهنگی عامل برگزاری رویدادهای فرهنگی با ۰۸۳۹. بیشترین بار عاملی را در بین شاخص های فرهنگی دارد. یکی از مهم ترین ابزارهای برند سازی محصولات فرهنگی در بافت های اسکان غیررسمی برگزاری رویدادهای فرهنگی و معرفی پتانسیل های فرهنگی هنری این بافت ها است که نظر به اهمیت عامل یاد شده این عامل از نظر متخصصین به عنوان عامل منتخب انتخاب شده است.

از طرفی عامل راهنمایی گردشگران با ۰۳۹۹. کمترین بار عاملی در بین عوامل فرهنگی را دارا بود. به نظر می رسد تأمین پیش نیازهای گردشگری فرهنگی مانند برند سازی محصولات ملموس و ناملموس فرهنگی نسبت به راهنمایی گردشگران در ارجحیت هستند و این دلیلی بر کم اهمیت بودن عامل گردشگری در بازآفرینی فرهنگ مینا در بافت های اسکان غیررسمی شهر تبریز ندارد.

در بین عامل های اقتصادی عامل حمایت از کسب و کارهای فرهنگی با ۰۸۸۳. بیشترین بار عاملی را به خود اختصاص داده است که این نشان دهنده میزان

تحلیل و رتبه بندی شاخص های مؤثر در بازآفرینی فرهنگ مینا در پهنه جنوبی سکونتگاه های غیررسمی شهر تبریز (تحلیل عاملی تأییدی)
ابتدا مدل اندازه گیری مورد بررسی و بعد مدل ساختاری مورد ارزیابی قرار می گیرد.

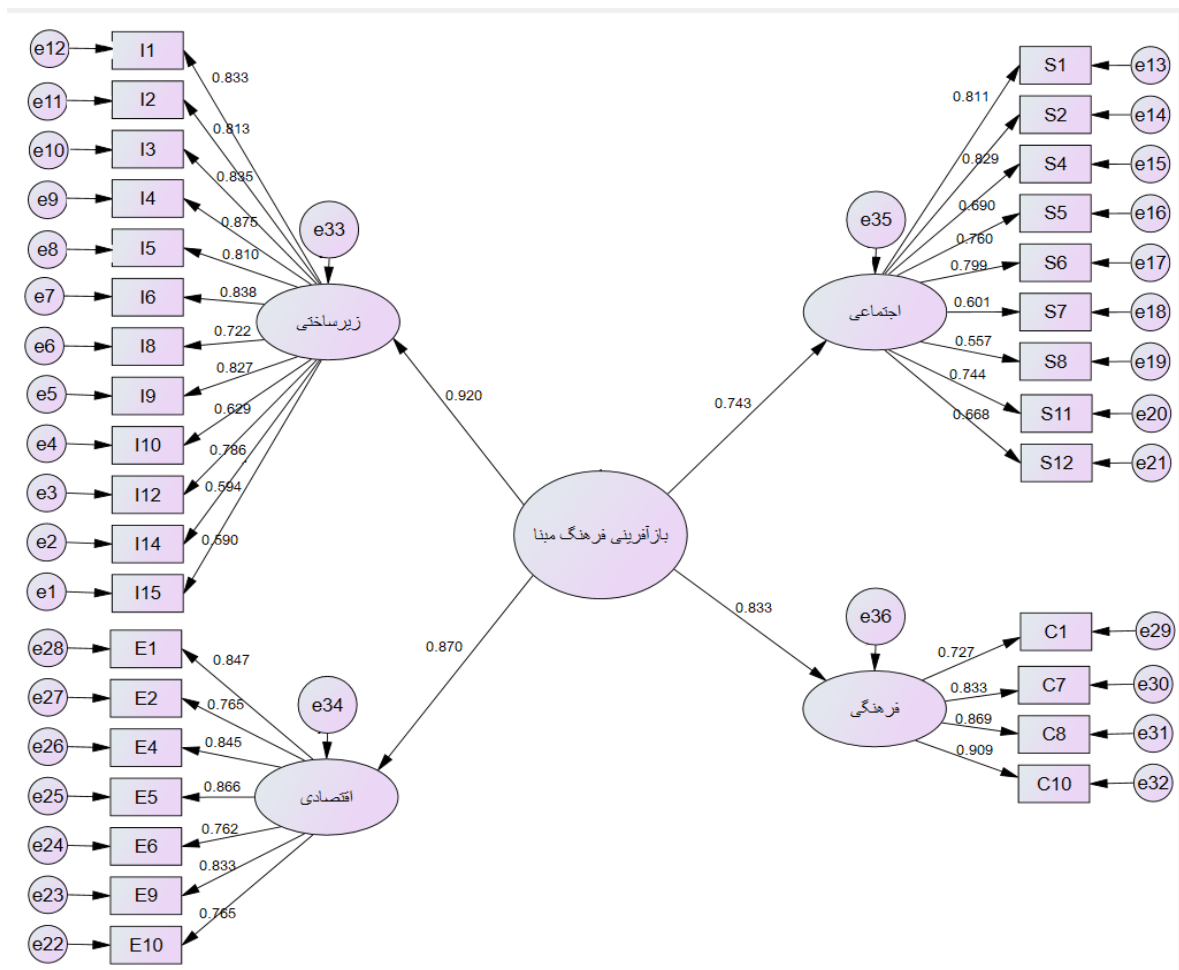


شکل ۳- مدل اولیه تحقیق

نمود. این سؤالات شامل، سؤال ۳ و ۴ و ۶ در عامل فرهنگی و سؤالات ۹ و ۱۳ در عامل اجتماعی بودند. پس از حذف سؤالات و اصلاح مدل دوباره مدل اجرا شد.

بررسی مدل اندازه گیری

در گام ابتدایی به بررسی بارهای عاملی هر کدام از گویه ها بر روی عامل ها پرداخته شد. اگر پس از محاسبه بارهای عاملی بین عامل و گویه های آن با مقادیری کمتر از ۰/۴ مواجه شد، باید آن سؤالات را از مدل تحقیق خود حذف



شکل ۴- مدل اصلاح شده و نهایی تحقیق

و مجذور واریانس استخراج شده ارزیابی شد. سپس رویای همگرا با استفاده از متوسط واریانس استخراج شده (Average Variance Extract) تحلیل شد و رویای واگرا نیز به روش فورنل - لارکر بررسی شد.

ارزیابی مدل اندازه گیری شاخص های مؤثر در بازار آفرینی فرهنگ مینا در پهنه جنوبی سکونتگاه های غیررسمی شهر تبریز در این بخش پایایی مدل با سه شاخص ضریب آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی

جدول ۴- بررسی شاخص های روایی و پایایی سازه تحقیق

سازه	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	مجذور واریانس استخراج شده AVE
عامل اجتماعی	۰/۸۸۳	۰/۹۰۷	۰/۵۲۳
عامل اقتصادی	۰/۹۱۶	۰/۹۳۳	۰/۶۶۶
عامل زیرساختی	۰/۹۳۴	۰/۹۴۴	۰/۵۸۹
عامل فرهنگی	۰/۸۵۵	۰/۹۰۳	۰/۷۰۱

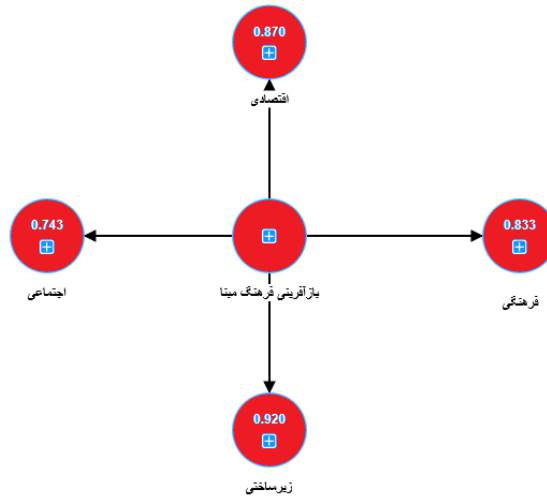
بالا، رویای همگرای مدل اندازه گیری قابل قبول بود. در گام بعدی به بررسی روایی واگرا مدل پرداخته شد. در گام ابتدایی از مقادیر AVE به دست آمده برای ضریب دیلون-گلداشتاین یا پایایی ترکیبی نیز حاکم است. طبق نتایج آزمون مدل در جدول

بر اساس نتایج آزمون در جدول بالا میزان آلفای کرونباخ عامل ها بالاتر از ۰/۷ است که ثبات درونی بالای پرسشنامه را نشان می دهد. مقادیر به دست آمده برای ضریب دیلون-گلداشتاین یا پایایی ترکیبی نیز حاکم است. طبق نتایج آزمون مدل در جدول پایایی قابل قبول مدل تحقیق حاضر هست.

جدول ۵- بررسی روایی و اگر نیز به روش فورنل-لارکر

عامل‌ها	۱	۲	۳	۴
عامل اجتماعی	۰/۷۲			
عامل اقتصادی	-۰/۱۱	-۰/۸۱		
عامل زیرساختی	-۰/۲۲۲	-۰/۱۴۴	۰/۷۶	
عامل فرهنگی	۰/۵۶۵	-۰/۱۵۰	-۰/۲۷۱	-۰/۸۳

از آنجایی که مقادیر همبستگی بین عامل‌ها از مقادیر قطر ماتریس بیشتر نیست، می‌توان نتیجه گرفت روایی و اگر مدل نیز تأیید شد. برای ارزیابی مدل درونی یا مدل ساختاری، شاخص‌های متعددی وجود دارد که از جمله می‌توان به ضریب تعیین (R^2) و ضرایب مسیر اشاره کرد.



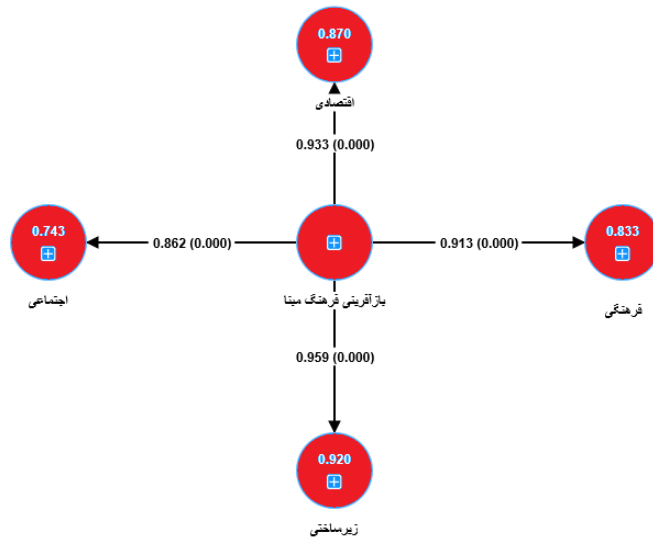
شکل ۵- ضرایب تعیین مدل

ضریب تعیین یک معیار اساسی برای ارزیابی متغیرهای مکنون درون‌زاهست. بر اساس نتایج در جدول زیر، ضریب تعیین برای تمام متغیرهای درون‌زا مقدار قابل قبول است که کیفیت مدل ساختاری را نشان می‌دهد.

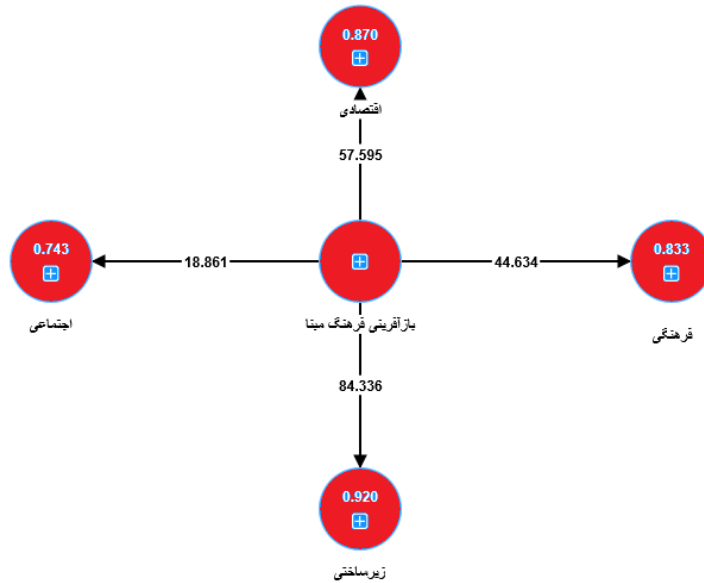
جدول ۶- ضریب تعیین متغیرهای درون‌زای تحقیق

ضریب تعیین	متغیرهای درون‌زا
۰/۷۴۳	عامل اجتماعی
۰/۸۳۳	عامل فرهنگی
۰/۸۷۰	عامل اقتصادی
۰/۹۲۰	عامل زیرساختی

ضریب مسیر و معنی‌داری مدل عوامل موثر در بازآفرینی فرهنگ مبنا در این بخش به بررسی ضریب مسیر مدل پرداخته شده است.



شکل ۶- ضرایب مسیر مدل



شکل ۷- مقادیر t مدل

معنی داری ضریب مسیر به روش BT و به وسیله بررسی شاخص t مشخص می شود، به طوریکه مقادیر t بالاتر از ۱/۹۶ معنی دار در نظر گرفته می شود.

جدول ۷- ضرایب مسیر مدل و معنی‌داری مدل

عامل‌ها	ضریب مسیر	سطح معنی‌داری	t-value
عامل اجتماعی	۰/۸۶۲	P<۰/۰۰۱	۱۸/۸۶
عامل فرهنگی	۰/۹۱۳	P<۰/۰۰۱	۴۴/۶۳
عامل اقتصادی	۰/۹۳۳	P<۰/۰۰۱	۵۷/۵۹
عامل زیرساختی	۰/۹۵۹	P<۰/۰۰۱	۸۴/۳۳

یک از عامل‌ها از روش رتبه‌بندی فریدمن استفاده شد. در این مرحله نمرات کل عامل‌های اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و زیرساختی محاسبه شده و سپس بر اساس آزمون فریدمن، میانگین‌ها بر رتبه‌ی عامل‌ها محاسبه شدند.

همان‌طور که از جدول بالا استنباط می‌شود، عامل‌ها دارای سطح معنی‌داری باشند و می‌توان آن‌ها را در مدل نگه داشت. در گام بعدی به بررسی اهمیت عامل‌ها یک‌شکاف شده و تأیید شده برای تعیین میزان اهمیت هر

جدول ۸- اولویت‌بندی مؤلفه‌ها

رتبه	میانگین رتبه‌ها	مؤلفه‌ها
۱	۳/۴۳	عامل اجتماعی
۲	۲/۶	عامل فرهنگی
۴	۱/۸۶	عامل اقتصادی
۳	۲/۱۱	عامل زیرساختی

(اولویت آخر) مربوط به عامل اقتصادی بود.

با توجه به نتایج آزمون فریدمن در جدول بالا، بیشترین میانگین و کسب رتبه ۱ (اولویت اول) مربوط به عامل اجتماعی و کمترین میانگین و کسب رتبه چهارم

جدول ۹- نتایج آزمون فریدمن

عوامل	Chi_square (کای اسکوئر)	(درجه آزادی)	سطح معنی‌داری
مؤلفه‌ها	۳۴/۴۷۷	۳	۰/۱

تبریز از رهگذر توجه به احیا و مرمت بافت و آثار تاریخی آن به همراه توجه به فرهنگ‌ها سنتی من جمله موسیقی سنتی آذربایجان خواهد گذشت. متغیرهای زیرساختی با رتبه سوم نقش موثری در بازآفرینی فرهنگ مینا در این بافت‌ها خواهند داشت چنانچه بررسی وضعیت موجود این بافت‌ها نشان از ضعف شدید زیرساختی در این مناطق است. تمرکز و تأکید متخصصین در این بافت‌ها بیشتر در حوزه مسایل کالبدی و حمل و نقل بوده است چنانچه بیشترین بار عاملی ذیل این گروه مربوط به متغیر دسترسی به فضاهای باز و عمومی و حمل و نقل عمومی است. چنانچه در برخی محلات سرانه فضاهای باز نزدیک به صفر بوده و حمل و نقل عمومی به‌جز در شریان‌های اصلی وجود ندارد. این موارد در کنار مسائل حوزه مدیریت بحران و پدافند غیرعاملی جمله نزدیکی به گسل‌های فعال زنگ خطر جدی در خصوص لزوم توجه به بازآفرینی در این مناطق را به صدا درآورده است و موضوع تخلیه جمعیت در مواقع بحرانی یکی از مهمترین دغدغه‌های مدیریت شهری در این بافت‌ها است و در سال‌های اخیر بیشترین بودجه بازآفرینی در این محلات صرف گشایش معابر و راه‌های حیاتی تخلیه جمعیت شده است که راهبرد تقویت حمل و نقل عمومی نیز جز با تحقق این مسیر گشایی‌ها ممکن نخواهد بود. از نظر اقتصادی افزایش درآمد ساکنین، ایجاد اشتغال و رونق کسب و کارهای فرهنگی مهمترین جزو مهمترین دغدغه‌های متخصصین در امر بازآفرینی فرهنگ مینا در این بافت‌ها است. کاهش درآمد ساکنین مخصوصاً در سال‌های اخیر مانعی مهمی بر سر مشارکت شهروندان در احیا و بازآفرینی این بافت‌ها از طریق بازسازی و نوسازی واحد‌های مسکونی شده است. یکی از مهم‌ترین راهبردهایی که در بازآفرین فرهنگ مینا می‌تواند جهت حل این مشکلات

با توجه به سطح معنی‌داری که کمتر از ۰/۵ هستمی توان نتیجه گرفت که بین عامل‌های شناسایی شده تفاوت معنی‌داری وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد شاخص اجتماعی با بار عاملی ۰/۸۶۲ و مجموع میانگین ۳/۴۳ رتبه اول، شاخص فرهنگی با بار عاملی ۰/۹۱۳ و مجموع میانگین ۲/۶ رتبه دوم، شاخص زیرساختی با بار عاملی ۰/۹۵۹ و مجموع میانگین ۲/۱۱ به‌عنوان رتبه سوم و شاخص اقتصادی با بار عاملی ۰/۹۳۳ و مجموع میانگین ۱/۸۶ رتبه چهارم عوامل مؤثر بر بازآفرینی سکونتگاه‌های غیررسمی کلان‌شهر تبریز با رویکرد فرهنگ مینا را کسب کرده‌اند. در خصوص عوامل اجتماعی که در رتبه اول را در بین سایر متغیرها قرار دارند کمبودهای زیادی در وضع موجود این بافت‌ها قابل مشاهده است. در بین متغیرهای اجتماعی شاخص‌های امنیت، تضاد طبقاتی و مشارکت اجتماعی جز متغیرهای بالاترین بار عاملی هستند یکی دیگر از متغیرهای مستقل که سیستم وابستگی زیادی به آن دارد مشارکت اجتماعی است که می‌توان گفت در صورت فقدان این متغیر سایر متغیرها نیز کارایی چندانی نخواهند داشت و اهمیت این متغیر از نگاه متخصصین پنهان نمانده است. با توجه به اینکه اساس بازآفرینی مخصوصاً بازآفرینی فرهنگ مینا بر مشارکت حداکثری شهروندان و اهالی ساکن در بافت است تقویت و جلب مشارکت اجتماعی از مهمترین راهبردهای تحقق بازآفرینی فرهنگ مینا در این بافت‌ها است. از بعد فرهنگی از نظر متخصصین در بین شاخص‌های فرهنگی بیشترین بار عاملی مربوط به متغیرهای مرمت آثار تاریخی و جواره‌های موسیقی محلی است. در واقع می‌توان گفت احیا‌داری‌های ملموس و ناملموس فرهنگی بیشترین اهمیت و تأثیر را در بازآفرینی این بافت‌ها با رویکرد فرهنگ محور دارند که راهبرد تحقق بازآفرینی این بافت‌ها در شهر

رویکرد آینده پژوهی به بررسی موضوع بازآفرینی فرهنگ مبنا پرداخته اند ولی تحقیق حاضر علاوه بر رویکرد روش شناختی جامع و سیستماتیک خود مبتنی بر روش تحلیل عاملی اکتشافی و تحلیل عاملی تأیید دومرحله‌ای؛ با یک نگاه نظری نوین به این موضوع نگاه کرده و در تلاش برای حفاظت و احیای بافت‌های اسکان غیررسمی با اتخاذ رویکرد فرهنگی (فرهنگ مبنا) است و حفظ هویت تاریخی-فرهنگی بافت‌های اسکان غیررسمی را به عنوان مهم‌ترین راهبرد در بازآفرینی بافت سکونتگاه‌های اسکان غیررسمی واجد ارزش معرفی می‌نماید.

جهت نیل به اهداف تحقیق و تحقق بازآفرینی فرهنگ مبنا در سکونتگاه‌های غیررسمی کلان‌شهر تبریز پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

۱. تشکیل بازارچه‌های فروش صنایع دستی و محصولات فرهنگی.
۲. برگزاری جشنواره‌های فرهنگی در حوزه تئاتر و موسیقی.
۳. توسعه، برند سازی، بازاریابی و گسترش صنایع خلاق جهت تقویت اقتصاد بافت.
۴. ایجاد و تقویت فضاهای شهری خلاق.
۵. تقویت و افزایش کیفیت منظر شهری و تقویت بدنه‌های شهری.
۶. ارتقا سطح مشارکت مردم برای هویت بخشی به محلات و بافت‌ها.

مشارکت نویسندگان

نویسنده اول (۵۰ درصد)، نویسنده دوم (۳۰ درصد)، نویسنده سوم (۲۰ درصد).

تشکر و قدردانی

از کلیه کسانی که در این پژوهش، پژوهشگران را یاری کرده‌اند، صمیمانه تقدیر و تشکر می‌کنیم. پژوهش حاضر حامی مالی نداشته و حاصل فعالیت علمی نویسندگان است.

تعارض منافع

نویسندگان هیچگونه تعارض منافی ندارند.

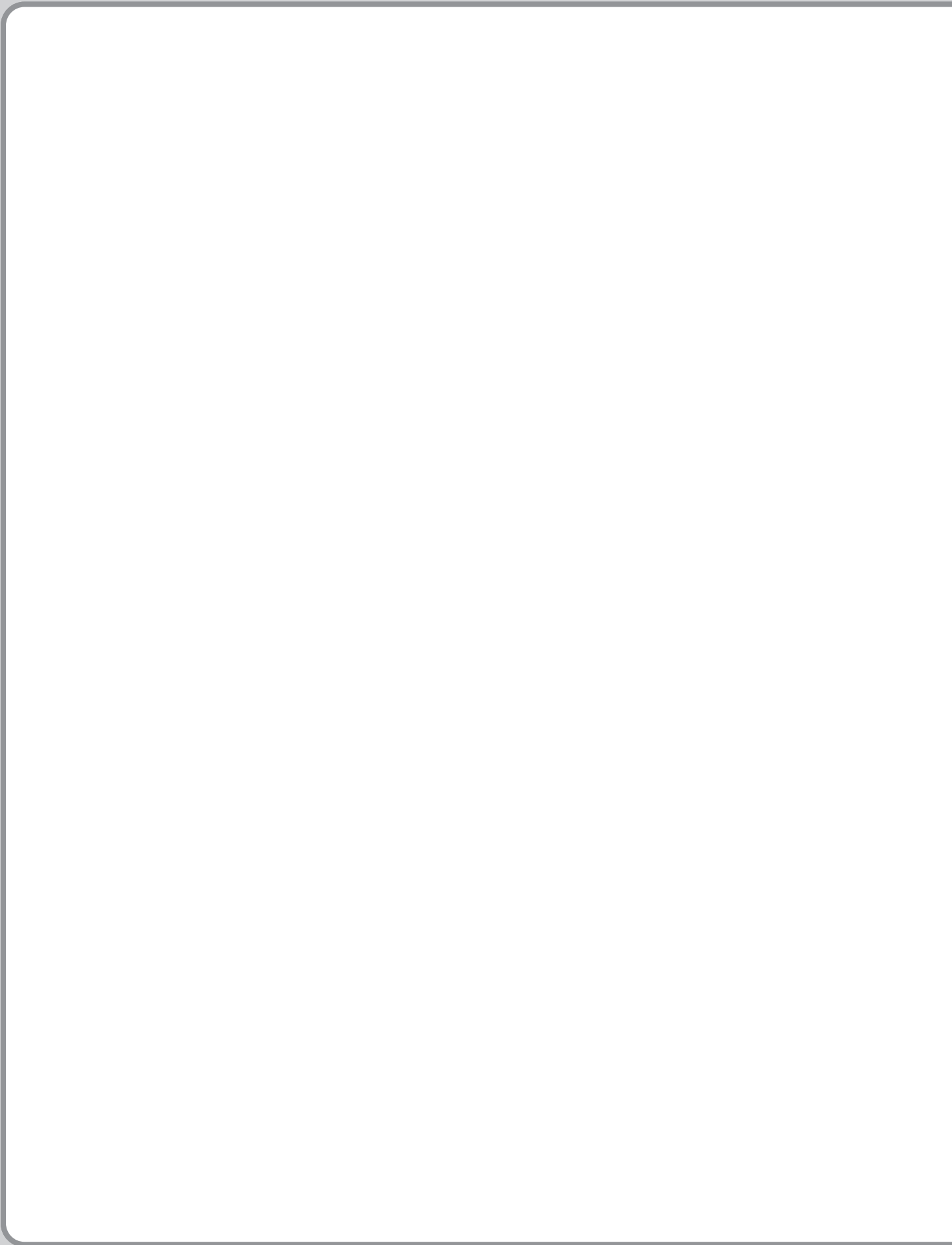
مطرح شود رونق و برند سازی کسب و کارهای فرهنگی است که هم باعث احیای فرهنگی بافت و همچنین افزایش درآمد و ایجاد اشتغال پایدار خواهد شد.

نتیجه‌گیری

سکونتگاه‌های غیررسمی یکی از بزرگ‌ترین معضلات سیستم مدیریت شهری در کلان‌شهرهای ایران است که وضعیت پیچیده شهر تبریز از منظر بحران‌های طبیعی من جمله عبور گسل فعال تبریز از نوار شمالی و حضور پراکنده آن در بخش‌های مرکزی و جنوب شرقی وضعیت این بافت با جمعیت بیش از ۵۰۰ هزار نفری را بیش از پیش پیچیده‌تر کرده است. نوع نگاه این تحقیق به ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی از منظر بازآفرینی فرهنگ مبنا بوده که در این راستا مدل نظری تحقیق با ۴۹ گویه در قالب ۴ عنصر کلان اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیرساختی طراحی شده و این تحقیق به دنبال آزمون این مدل بوده است. در این راستا با استفاده از آزمون آماری تحلیل عاملی اکتشافی کل این ۴۹ گویه ابتدا مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفت و نتایج حاکی از این است که این عوامل را می‌توان در ۴ شاخص یادشده طبقه‌بندی کرد و این ۴ عامل در مجموع ۹۵/۳ درصد از واریانس کلرا تبیین می‌کند. پس از تأیید مدل تحقیق با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی این مدل مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد شاخص اجتماعی با بار عاملی ۰/۷۴۳ و مجموع میانگین ۳/۴۳ به عنوان رتبه اول؛ شاخص فرهنگی با بار عاملی ۰/۸۳۳ و مجموع میانگین ۲/۶ در به عنوان رتبه دوم؛ شاخص زیرساختی با بار عاملی ۰/۹۲ و مجموع میانگین ۲/۱۱ به عنوان رتبه سوم و شاخص اقتصادی با بار عاملی ۰/۸۷ و مجموع میانگین ۱/۸۶ رتبه چهارم عوامل مؤثر بر بازآفرینی سکونتگاه‌های غیررسمی کلان‌شهر تبریز با رویکرد فرهنگ مبنا را کسب کرده‌اند. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت بافت‌های اسکان غیررسمی در شهر تبریز همواره در حال توسعه و گسترش هستند و به دلیل حضور بیش از یک سوم جمعیت شهر تبریز در این محلات؛ این پدیده هم‌اکنون در اولویت اول مدیریت شهری و حتی سیاست‌گذاران و مسئولین کشوری است. در این رهگذر هویت محله‌ای و حضور بافت‌های تاریخی متعدد در این بافت‌ها مدیران را ناگزیر از نگاه فرهنگی به این بافت‌ها کرده است و بازآفرینی فرهنگ مبنا می‌تواند یکی از مهم‌ترین رویکردهایی باشد که در بازآفرینی این بافت‌ها در نظر گرفت. نتایج این تحقیق چهار عامل مؤثر اجتماعی، فرهنگی، زیرساختی و اقتصادی را به عنوان پیشران‌های کلیدی و مؤثر در بازآفرینی بافت اسکان غیررسمی شهر تبریز معرفی کرده و در بخش بعدی اهمیت برنامه‌ریزی فرهنگی در بازآفرینی بافت‌های اسکان غیررسمی را مشخص می‌کند. بررسی پیشینه تحقیق نشان می‌دهد اکثر تحقیقات قبلی با رویکرد مروری و یا

منابع ■

- [1] United Nations, Department of Economic and Social Affairs, Population Division. Patterns and trends in household size and composition: Evidence from a United Nations dataset, 2019. (ST/ESA/SER.A/433). United Nations New York, <http://creativecommons.org/licenses/by/3.0/igo/>.
- [2] malekyan, A., abdollahi, S., yar mohamad tuosky, M. Study of the effect of informal settlements on Sense of social security (Case study: Yahya Abad in Aran and Bidgol). Two Quarterly Journal of Contemporary Sociological Research, 2016; 5(9): 75-89. <https://doi.org/10.22084/csr.2016.1808>.
- [3] Mahmoodzadeh, H, Alirezaie M, Zarei A. An Analytical Approach to the Causes and Consequences of the Formation of Tabriz Metropolitan Polar Regions. Spatial Locational Researches. 2018;2(2):1-21. Available from: <https://sid.ir/paper/270592/en>.
- [4] Izadi, m (2006) A study on citycenter Regeneration: A comparative analysis of two different approaches to the revitalization of historic city centers in Iran, University Newcastle. <http://hdl.handle.net/10443/759>.
- [5] Richards, G. & Palmer, R. Eventful cities: Cultural management and urban revitalization. Oxford: Butterworth-Heinemann. 2010, Publisher: Routledge <http://dx.doi.org/10.4324/9780080940960>.
- [6] Lotfi, S. Culture-led Regeneration: A Reflection upon Cultural Fundaments and the Act of Regeneration. Journal of Fine Arts: Architecture & Urban Planning, 2011; 3(45): 49-62. <https://dori.net/dor/20.1001.1.22286020.1390.3.45.5.7>.
- [7] Pirbabaee, M. T., Bahaloo, F. Culture recreating the historical context with emphasis on attracting tourists (Case Study: Khaghani Street, Tabriz). Journal of Sustainable Urban & Regional Development Studies (JSURDS), 2023; 4(2): 52-73. https://www.srds.ir/article_183203.html?lang=en.
- [8] Ghorbani, R., Zamani, A., tahooni, M. An analysis of sustainable urban regeneration with the approach of cohesion and continuity based on scenario-based future research The case study northern neighborhoods of historical-cultural context Tabriz city. Geographical Urban Planning Research (GUPR), 2023; 10(4): 41-63. <https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2023.342899.1696>.
- [9] Pourzakarya M, FadaeiNezhad Bahramjerdi S. A Restudy of Culture-Led Regeneration Approach in Creative City Building Developing an Analytical Framework for the Regeneration of Cultural and Creative Quarter. Baghe Nazar. 2019;16(77):5-14. <https://sid.ir/paper/125644/en>.
- [10] Piperno, A.; Iaione, C.; Kappler, L. Institutional Collective Actions for Culture and Heritage-Led Urban Regeneration: A Qualitative Comparative Analysis. Sustainability, 2023, 15, 1-22, 8521. <https://doi.org/10.3390/su15118521>.
- [11] Bosone, M.; Casola, M.; Daldanise, G.; Vito, D. Stimulating Circular Urban Regeneration through Cultural and Sustainable Communities: The Proposal for a Green Blue Youth Vision 2030. Sustainability, 2023, 15, 11294. <https://doi.org/10.3390/su151411294>.
- [12] Fan DD, Kim SH. The Study on the Residential Space in Culture-led Urban Regeneration: A case study of Residential Space in Henan. InEYS Web of Conferences, EDP Sciences, 2019, 79, 1-4. <https://doi.org/10.1051/e3sconf/20197901005>.
- [13] Tursie, C, Culture-Led Urban Regeneration of Industrial Derelict Places, RAIS Journal for Social Sciences, 2017: 1(1), RAIS Journal for Social Sciences, <https://doi.org/10.5281/zenodo.1169286>.
- [14] Edwin, john M. Urban economics. The New Palgrave Dictionary of Economics (2nd Ed.), 2008. <https://api.semanticscholar.org/CorpusID:30232170>.
- [15] Manganelli, B & Tataranna, S & Pontrandolfi, P, A model to support the decision-making in urban regeneration, Land Use Policy, 2022, 99(3). <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2020.104865>.
- [16] Toopchi Sani, A. Urban Regeneration, New Approach to Intervention in Urban Deteriorated Fabrics. MSc Thesis of Urban Engineering, Esfahan: Esfahan University, 2010. <https://www.scirp.org/reference/referencespapers?referenceid=1848543>.
- [17] Zeynali Azim, A., Babazadeh Oskouei, S., Mehmani, R., Faraji, S., Rafizadeh, M. Evaluation of Urban Regeneration in the Historical Context of Tabriz City with a Culture-Oriented Approach. Sustainable Development of Geographical Environment, 2023; 5(8): 51-69. <https://doi.org/10.48308/sdge.2023.103833>.
- [18] Pazzini, M.; Corticelli, R.; Lantieri, C.; Mazzoli, C. Multi-Criteria Analysis and Decision-Making Approach for the Urban Regeneration: The Application to the Rimini Canal Port (Italy). Sustainability, 15, 2023, 772. <https://doi.org/10.3390/su15010772>.
- [19] Neduřcin, D, Krklješ M. Culture-Led Regeneration of Industrial Brownfield Hosting Temporary Uses: A Post-Socialist Context–Case Study from Novi Sad, Serbia. Sustainability, 2022, 14, 1-26. 16150. <https://doi.org/10.3390/su142316150>.
- [20] Chiu YH, Lee MS, Wang JW. Culture-led urban regeneration strategy: An evaluation of the management strategies and performance of urban regeneration stations in Taipei City. Habitat International, 2019 86(2):1-9 <http://dx.doi.org/10.1016/j.habitatint.2019.01.003>.
- [21] Kara, C.; Iranmanesh, A. Modelling and Assessing Sustainable Urban Regeneration for Historic Urban Quarters via Analytical Hierarchy Process. Land, 2023, 12 (72), 1-20. <https://doi.org/10.3390/land12010072>.
- [22] Diao, J.; Lu, S. The Culture-Oriented Urban Regeneration: Place Narrative in the Case of the Inner City of Haiyan (Zhejiang, China). Sustainability, 2022, 14, 1-23, 7992. <https://doi.org/10.3390/su14137992>.
- [23] Nassar DM, Elsayed HG. From informal settlements to sustainable communities. Alexandria Eng J, 2018. 57 (4):2367–2376. <https://doi.org/10.1016/j.aej.2017.09.004>.
- [24] Saffouri, S., Beik Babaei, B., Nowrozi, P. Evaluation of urban regeneration scenarios in worn-out urban tissues (case study: Tabriz Hasht region). Amish Environment, 2022, 15(59), 187-206. <https://dori.net/dor/20.1001.1.2676783.1401.15.59.9.4>.
- [25] Zeynali Azim, A., Babazadeh Oskouei, S. Analyzing of Creating a Livable Smart City in the City of Tabriz', Urban Economics and Planning, 2022, 3(4), 24-37. <https://doi.org/10.22034/uep.2022.365191.1286>.



راهنمای نویسندگان

۱- هر مقاله باید نتیجه پژوهش نویسنده (ها) و در راستای الویت های فصلنامه و موضوعات تدوین شده بوده و دارای اصالت و نوآوری و نتیجه یک کار تحقیقاتی باشد.

۲- فصلنامه به مقالاتی که در سایر نشریات و یا همایش ها منتشر شده اند، ترتیب اثر نخواهد داد و در صورت آگاهی از این امر در هر مرحله (اعم از دریافت، داوری و یا چاپ)، فرایند داوری و چاپ را متوقف خواهد کرد و من بعد از نویسنده های آن مقاله ای را پذیرش نخواهد نمود.

۳- تمامی مقالات ارسالی قبل از ورود به فرایند داوری از طریق سامانه های مشابهت یاب بررسی خواهند شد (مشابهت زیر ۱۰ درصد قابل قبول، بین ۱۰ تا ۳۰ درصد نیازمند اصلاح و بیشتر از ۳۰ درصد غیرقابل قبول است). توجه داشته باشید مسئولیت اصالت اثر یا نویسنده مسئول است و در صورت تخلف نویسنده، آگاهی نشریه در هر مرحله از فرایند سبب رد مقاله خواهد شد و حق نشریه برای پیگیری قانونی محفوظ خواهد بود.

۴- از هر نویسنده مسئول تنها یک مقاله به طور هم زمان در فرایند داوری شرکت داده می شود.

۵- با توجه به دو سو کور بودن فرایند داوری مقالات، فایل اصل مقاله باید بدون نام و مشخصات نویسندگان تنظیم شده و مشخصات نویسندگان در فایل جداگانه ای بارگزاری شود.

۶- از فروردین ماه ۱۴۰۱، هرگونه مشارکت و درج اسامی معاونان، مدیران و کارشناسان در مقالات مستخرج از آثار پژوهشی اعم از پروژه های مطالعاتی در تمامی سطوح و پایان نامه های دانشجویی ممنوع می باشد.

۷- نوشته های مقاله باید روان و برابر دستور زبان فارسی بوده و در صورت استفاده از واژه های مخفف لاتین، تنها برای اولین بار فرم کامل آن دقیقاً کنار آن و در پرانتز آورده شود و در صورت تکرار نیازی به تکرار فرم کامل و گسترده آن نیست. از درج پاورقی خودداری فرمایید.

۸- مقاله باید در نرم افزار Word ۲۰۰۷ و یا بالاتر به صورت تک ستونی و مطابق فرمت فصلنامه تایپ شود. آماده سازی مقاله جهت چاپ توسط تیم ویراستاری و صفحه آرایی صورت خواهد پذیرفت.

۹- کلیه شکلها، عکسها و نمودارها باید به فرمت JPEG و با کیفیت خوب در داخل فایل اصلی مقاله قرار داده شده و در صورت نیاز و تقاضای نشریه به صورت جداگانه نیز بارگزاری شوند.

۱۰- مقالات بایستی دارای بخش های زیر باشد:

الف- عنوان

عنوان باید صریح، دقیق و مختصر باشد.

توجه: مشخصات کامل نویسندگان (فارسی و انگلیسی) در فایل جداگانه ثبت شود. هم چنین نویسنده مسئول با قرار دادن ستاره در بالای نام و در پانویس صفحه اول مشخص و ایمیل او ذکر گردد. لطفاً توجه شود که نویسنده مسئول ضرورتاً نویسنده رابط نبوده، اما مسئولیت علمی مقاله بر عهده اوست.

عنوان نویسندگان باید در برگبرنده درجه دانشگاهی (مربی، استادیار، دانشیار، استاد)، نام دانشکده و یا گروه آموزشی، نام دانشگاه و محل جغرافیایی (شهر و کشور) آن ذکر شود.

مثال: هاشم داداشپور، دانشیار گروه طراحی و برنامه ریزی شهری و منطقه ای، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس تهران، ایران

ب- چکیده فارسی و انگلیسی

چکیده باید به زبان فارسی و انگلیسی، حداکثر تا ۲۵۰ کلمه و در برگبرنده زمینه و هدف، روش بررسی، یافته ها، بحث و نتیجه گیری باشد. از آوردن نکات مقدماتی، بدیهی، حاشیه ای یا توجیهی خودداری شود. چکیده انگلیسی باید

ج- کلمات کلیدی

کلمات کلیدی بایستی بین ۴ تا ۷ واژه بوده و به ترتیب حروف الفبا نوشته شود (هم در فارسی و هم در انگلیسی).

د- متن اصلی مقاله

این بخش شامل عناوین زیر است:

۱- **مقدمه:** باید در برگبرنده دانش موجود درباره موضوع و مبانی نظری آن، ضرورت انجام تحقیق و هدف مطالعه باشد. در صورت استفاده از جدول، نمودار، شکل یا نقشه بایستی نمات زیر مورد توجه قرار گیرد:

شماره و عنوان جداول در بالای جدول و همراه با منبع بیان شود. شماره و عنوان شکل ها در پائین و همراه با منبع بیان شود. از ذکر عنوان های «نمودار»، «عکس»، «نقشه» و... خودداری شده و همه با عنوان «شکل» آورده شود.

۲- پیشینه تحقیق

۳- **مواد و روشها:** نوع مطالعه، جامعه پژوهشی، نمونه مورد مطالعه، روش نمونه گیری، ابزار گردآوری داده ها و روشهای آماری (در صورت استفاده) به دقت بیان شود.

۴- **یافته ها:** در این قسمت، از متن، جداول، نمودار و عکس به تناسب برای بیان یافته ها استفاده شود. جداول و نمودارها باید دارای شماره و عنوان کامل و رسا باشد و محل قرار گیری عناوین به همان ترتیبی که در بالا ذکر شد، قرار گیرد.

۵- **بحث و نتیجه گیری:** مقاله در آخرین بخش از بدنه اصلی خود، باید بخشی به نام بحث و نتیجه گیری داشته باشد، که مروری بر کل مقاله به عنوان نتایج حاصل است. در این بخش بایستی یافته های مهم تحقیق بر اساس اهداف ویژه آن به اختصار و با رعایت ترتیب منطقی ذکر گردد. هم چنین اگر فرضیاتی در مطالعه مطرح شده، تأیید و یا رد آن مورد بحث قرار گیرد. این بخش بایستی به صورت روشن و در حد یافته های تحقیق بیان شود.

۶- **مشارکت نویسندگان:** درصد همکاری نویسندگان بدون ذکر نام نوشته شود.

۷- **تشکر و قدردانی:** چنانچه مقاله دارای حامی مادی یا معنوی باشد، درج قدردانی از حامی یا تامین کننده اعتبار پژوهش الزامی است. در صورت عدم وجود نیز ذکر گردد که مقاله حامی مادی و معنوی ندارد.

۸- تعارض منافع

۹- **منابع:** ارجاعات به منابع و مأخذ در متن مقاله و در انتهای آن باید بر اساس شیوه ارجاع دهی ونکوور (Vancouver) باشد:

- منابع مورد استفاده به ترتیب ورود به متن شماره گذاری شوند؛ مثال: [۱].
- چنانچه از یک منبع در دو قسمت از متن استفاده میشود همان شماره منبع اصلی مجدداً تکرار شده و نیازی به اختصاف شماره جدید نیست.
- چنانچه دو منبع برای یک جمله مد نظر است، شماره هر دو منبع در پایان جمله بیاید؛ مثال: [۱و۴].

به طور مثال برای منابع انگلیسی:
Dadashpour H. Yousefi Z. Centralization or decentralization? A review on the effects of information and communication technology on urban spatial structure. Cities 2018 Aug; Vol 78:194-205

و برای منابع فارسی:
Raеisi M. Noghrekar A. Semantics in Architectural Works Based on Islamic View. Naqshejahan 2019; 8(4): 259-266 [In Persian]

*بمنابع در فهرست منابع به صورت زیر بیان شود:

-تعداد منابع پایانی با منابع استفاده شده در متن باید یکسان باشد. منابع فارسی به انگلیسی برگردان شود و در انتها کلمه [In Persian] نوشته شود.

-نحوه منبع دهی:

نام خانوادگی نویسنده(فاصله)حرف اول نام کوچک(نقطه)عنوان مقاله(نقطه) نام مجله(فاصله)سال انتشار(فاصله)ماه(ز) دوره ی انتشار(شماره)(دو نقطه) شماره صفحات

اصول اخلاقی انتشار مقاله

در اختیار شخصی غیر از سردبیر قرار دهند.
• بی طرفانه بودن: داوران باید مقالات را به طور عینی، بی طرفانه و عادلانه ارزیابی کنند. داوران باید از طرفداری های شخصی در توصیه ها و قضاوت های خود اجتناب کنند.

• مراجع: داوران باید مراجعی را که نویسنده به آن ها ارجاع داده شناسایی و بررسی کنند. هرگونه نتیجه گیری یا بحثی که پیش از این مطرح شده باشد، باید همراه با منبع ذکر شود. همچنین، داوران باید در صورت مشاهده هر گونه شباهت یا هم پوشانی بین مقاله ارسالی و مقاله دیگر مراتب را به سردبیر اطلاع دهند.

• تضاد منافع: داوران نباید از اطلاعات یا ایده هایی که طی فرایند داوری به دست می آورند، برای منافع شخصی استفاده کنند. همچنین، داوران باید از ارزیابی مقالاتی که از دید آن ها مشمول تضاد منافع اعم از منافع مشترک مالی، سازمانی، شخصی یا هرگونه ارتباط یا پیوندهای دیگر با شرکت ها، نهادها یا افراد مرتبط با مقالات است، اجتناب کنند.

نویسندگان:

• نویسنده مسئول مکاتبه، مسئول محتوای مقاله ارسالی است. نویسندگان متعهد هستند، یافته های خود را به طور کامل گزارش کنند و در ارائه یافته ها و تفسیر آن ها دقت ویژه داشته باشند. مقاله باید دارای جزئیات و منابع کافی باشد به نحوی که امکان دسترسی سایر پژوهشگران به داده های یکسان برای تکرار مطالعه وجود داشته باشد.

• اصالت: نویسندگان باید اعلام کنند، نسخه ارسالی اصلی است و قبلاً به طور جزئی یا به طور کامل در هیچ جای دیگر نه به زبان فارسی و نه به هیچ زبانی دیگر چاپ نشده است. نویسندگان نمی توانند مقاله ای را که کل یا بخشی از آن در جای دیگری در دست بررسی است، یا قبلاً به نشریه دیگری ارسال شده به مجله «اقتصاد و برنامه ریزی شهری» ارسال کنند.

• تألیف مقاله: همه نویسندگان مندرج در مقاله باید در نوشتن مقاله مشارکت و همکاری جدی داشته و پاسخگوی نتایج باشند. اعتبار و امتیاز نویسندگی یا تألیف باید به نسبت مساعدت در نوشتن بخش های مختلف تسهیم شود. نویسندگان باید مسئولیت مقاله را بپذیرند. نویسندگان مسئول مکاتبه که مقاله را به نشریه ارسال می کند باید یک نسخه یا پیش نویس مقاله را به همه نویسندگان همکار ارسال و رضایت آن ها را برای ارسال مقاله به نشریه و انتشار آن کسب کند.

• تغییر نویسندگان: فهرست و ترتیب نویسندگان پیش از ارسال مقاله باید توسط همه نویسندگان تأیید شود. هرگونه افزودن، حذف یا باز نویسی در فهرست نویسندگان باید با ذکر دلایل توسط نویسنده

به باور نشریه اقتصاد و برنامه ریزی شهری تمامی افرادی که در روند چاپ یک مقاله درگیر هستند (نویسنده، کادر مجله و داوران) می باید قوانین و منشور اخلاقی مجله را پذیرفته و بر مبنای آن عمل کنند. «این نشریه با احترام به قوانین بین المللی اخلاق در نشریات تابع قوانین کمیته اخلاق در انتشار (COPE) می باشد و از آیین نامه اجرایی قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در آثار علمی پیروی می نماید»

برای دسترسی کامل به این دستورالعمل ها، تعاریف و قوانین می توانید به آدرس www.publicationethics.org/resources مراجعه فرمایید.

سردبیر، اعضای هیئت تحریریه و مشاوران علمی:

• پذیرش مقالات: سردبیر نشریه مسئول پذیرش یا رد مقالات ارسالی است. سردبیر با مشورت هیئت تحریریه و مشاوران علمی، داوران و ویراستاران و با در نظر گرفتن حق کی برداری، سرقت علمی و سایر موضوعات مرتبط به مقاله درباره پذیرش مقاله تصمیم می گیرد.

• عدالت: سردبیر وظیفه قضاوت درباره مقالات را فقط از لحاظ شایستگی علمی برعهده دارد و باید بدون طرفداری یا کینه توزی شخصی یا در نظر گرفتن ملیت، جنسیت، مذهب و مسائل قومی، نژادی و سیاسی رفتار کند.

• حریم شخصی: طی فرایند داوری، سردبیر، هیئت تحریریه و مشاوران علمی نباید اطلاعات مربوط به مقاله را برای فردی غیر از داوران، نویسندگان و ویراستاران افشا کنند.

• محرمانه بودن و عدم استفاده شخصی: همه یا بخشی از مطالب مقالات ارسالی که منتشر نشده است، نباید در پژوهش شخصی سردبیر، هیئت تحریریه یا مشاوران علمی بدون کسب رضایت مکتوب نویسنده استفاده شود. اطلاعات یا ایده های محرمانه که از طریق داوری مقالات کسب شده اند، باید به طور محرمانه حفظ شوند و برای منافع شخصی استفاده نشوند.

داوران:

• پذیرش مقالات: داوران به سردبیر، اعضای هیئت تحریریه و مشاوران علمی در اتخاذ تصمیم برای پذیرش یا رد مقاله کمک می کنند و با ارسال اصلاحات به نویسندگان در بهبود مقاله آن ها سهیم هستند.

• حق امتناع و عدم پذیرش: امتناع و رد درخواست داوری مقاله برحسب زمان یا موقعیت ضروری و لازم است. داوری که احساس عدم صلاحیت کافی برای ارزیابی مقاله می کند، باید از داوری مقاله امتناع کند.

• محرمانه بودن: داوران باید به محرمانه بودن فرایند ارزیابی احترام بگذارند و نباید اطلاعات مربوط به مقاله را بدون اجازه مکتوب نویسنده

مسئول توضیح داده شود و توسط سایر نویسندگان تأیید شده و پیش از ارسال مقاله برای داوری و فقط با تأیید سردبیر نشریه انجام شود.

- **قدردانی:** نویسندگان باید به مراکز یا افرادی که در شکل‌گیری پژوهش آن‌ها اثرگذار بودند، اشاره کرده و از کمک آن‌ها قدردانی کنند. همچنین در صورت وجود، حامی مالی پژوهش در این بخش ذکر شده و قدردانی شود.
- **تضاد منافع:** نویسندگان باید هر گونه تضاد منافی را که بر نتایج پژوهش یا تفسیر یافته‌ها اثرگذار بوده است، مطرح کرده و منابع مالی حامی پژوهش خود را ذکر کنند.
- **بازبینی مقاله:** اگر نویسنده یا نویسندگان متوجه اشتباه یا بی‌دقتی مهمی در کار خود شود، موظف است مراتب را به سرعت به سردبیر مجله «اقتصاد و برنامه ریزی شهری» اطلاع دهد و در فرایند بازبینی و اصلاح مقاله همکاری کند.

سامانه داوری مقاله:

- نشریه از فرایند داوری مخفی دو طرفی (دو سو کور) برای ارزیابی همه مقالات استفاده می‌کند.

سرقت ادبی:

- از نرم‌افزار سرقت ادبی (نرم‌افزار مشابهت یاب همیاب سیناوب) برای تشخیص شباهت بین مقالات ارسال شده و سایر مقالات چاپ شده استفاده می‌شود.

خط مشی دسترسی آزاد:

- این نشریه دسترسی آزاد به محتوای مقالات را براساس این اصل فراهم می‌کند که پژوهش را به‌طور رایگان در دسترس عموم قرار می‌دهد تا از تبادل جهانی گسترده دانش حمایت کند.

حق کپی برداری:

- مراحل ثبت، بررسی، داوری و انتشار مقالات در مجله «حسابداری و منافع اجتماعی» برای نویسندگان رایگان است.
- کاربران به‌طور رایگان حق خواندن، دانلود، کپی و پرینت کل متن مقالات را دارند.
- بدین معنا که در استفاده علمی و پژوهشی باید به مقاله مربوط ارجاع دهند و حق تغییر مطالب یا استفاده تجاری از آن را ندارند.

سیاست نشریه در مورد نحوه برخورد با سرقت ادبی:

- در صورتی که برای نشریه سرقت ادبی یک مقاله محرز شود، نشریه نویسنده / نویسندگان را در لیست سیاه قرار داده و اگر مقاله ایشان منتشر شده باشد، مقاله بایگانی شده و ذیل نام نویسنده/نویسندگان، عبارت «مقاله سرقت ادبی می باشد» درج می‌شود.

تألیف مشترک:

- همه نویسندگان مقاله باید در کارپژوهش مساعدت و همکاری جدی داشته و در مقابل نتایج پاسخگو باشند. اعتبار و امتیاز نویسندگی یا تألیف، باید به نسبت مساعدت های بخش های مختلف تقسیم شود. نویسندگان باید مسئولیت و اعتبار کار را تقبل کنند که شامل اعتبار نویسندگی یا تألیف، تنها برای کاری که به طور عملی انجام داده اند یا کاری که در انجام آن مساعدت کرده اند، است.
- نویسندگان باید در تجدید نظر و انجام اصلاحات مقاله سریع و مناسب عمل کنند. اگر نویسنده ای نمی تواند در سررسید زمانی تعیین شده عمل کند، باید هر چه زودتر با سردبیر برای تعیین مدت زمان بیشتر یا انصراف از فرایند ارزیابی تماس گیرد.



Director in Charge

A. Rafiei Atani, Ph.D.
Head of Tehran urban research and planning Center, Tehran, Iran
Email: rafieiatani@iust.ac.ir

Editor in Chef

H. dadashpour, Ph.D.
Professor, Department of Urban and Regional Planning, Faculty of Arts and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran
Email: h-dadashpour@modares.ac.ir

Managing Editor

Z. Rouhi Dehkordi, Ph.D. candidate,
Department of Urban Planning, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran
Email: zhr.rouhi@ut.ac.ir

English Editor

Leyla Ghasempour, Ph.D.,
Department of Urban and Regional Planning, Faculty of Arts and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Cover and Page Designer

M. Nazarzade

Editorial Contact Information

Innovation Center and City Technology Park, Shaghayegh Street, Ostad Hassan Bana Street, Tehran, Iran
Postal Code: 1617396551

Tel.: +989022458457, +982196015424

Fax: +982196090641

Email: info@juep.net

Website: JUEP.net

Printed at

Shahr Publication



Urban Economics and Planning

Vol 5(1), Spring 2024

(QUARTERLY PUBLICATION)



Editorial Board

Mohammad Mannan Raeisi

Head of Tehran Urban Research and Planning Center

Hashem Dadashpour

Professor, Department of Urban and Regional Planning, Faculty of Arts, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Behnaz Aminzadeh Goharrizi

Professor, Department of Urban Planning, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran

Ali Akbar Anabestani

Professor, Human Geography and Spatial Planning, Faculty of Earth sciences Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Hossein Kalantari

Associate Professor, Urban Planning Department, Institute of Humanities and Social Studies, Jahad University

Ali Khaksari

Professor, Urban and Regional Planning department, Faculty of Social Science, Allameh Tabataba'i University

Reza Kheiroddin

Associate Professor, Department of Urban Planning, Faculty of Architectural and Urban Engineering, University of Science and Technology, Tehran, Iran

Hossein Panahi

Professor, Department of Economics, University of Tabriz, Iran

Parvin Partovi

Professor, Department of Urban Planning and design, Faculty of Architecture and Urban Planning, University of Tehran

Reza Ranjpour

Associate Professor, Department of Economic Development and Planning, Faculty of Economics and Management, Tabriz University, Tabriz, Iran

Mohammad Taghi Pirabaei

Professor, Urban Planning, Faculty of Architecture and Urbanism, Tabriz Islamic Art University

Sayed Saeid Zahed Zahedani

Associate Professor, Faculty of Economics, Management and Social Sciences, Shiraz University





Journal of Urban Economics and Planning

Scientific rank "B"
Ministry of Science Research and Technology

Vol 5(1), Spring 2024

The Role of Artificial Intelligence in Improving Citizens' Quality of Life with a Future Study Approach (Case Study: Mashhad Metropolis) Aliakbar Anabestani, Jamileh Tavakolinia, Nasim Niknami	7
Analyzing the Concept of Urban Shrinkage and the Factors Affecting its Formation (Case Study: Arkauz City, Ilam Province) Zainab Adeli, Azin Pirasteh	23
Explaining the Phenomenon of Rent Generation in Urban Planning and Presenting an Alternative Model Mazyar Nabizadeh Zolpirani, Mohammad Taghi Pirbabaei, Yaser Shahbazi	41
Presenting a Conceptual Model of Performance Management in Municipalities Using Content Analysis and Fuzzy Delphi Approach (Study Case: Bandar Abbas Municipality) Hamideh Afshar, Mohammad Taghi Amini, Mohamad Mehdi Parhizgar, Mohammad Kheiri	57
Agenda Setting Models in City Councils, the Role of Policy Makers and Executives Seyed Hamed Rastegar	75
Explanation of the Situation and Factors Affecting the Quality of Life in the Historical Context and Surface of Qazvin City Armin Eslami, Mohammad Saleh Shokouhi Bidhendi	91
Investigating the Accessibility and Spatial Distribution of Urban Services Using Geographic Information System (GIS) in Ardabil Urban Neighborhoods (Case Example: Laundry and Dry-Cleaning Units) Navid Ghaffari Chanzanaq, Ata Ghaffari Gilandeh, Vahid Safarian Zengir	107
Designing a Dynamic Model of the Impact of Infrastructure and Technology on the Traffic Flow of Tehran Metropolis Seyyed Jafar Takshari Hashemi, Abbas Toloui Ashlaghi, Shahriar Effendizadeh	121
Investigating and Evaluating the Livability Status of Worn-Out Neighborhoods in Behbahan City with a Future Research Approach Saeed Amanpour, Eghbal Nasiri Barm Elvan	139
A Review on the International Experiences of Organizing Peddlers with an Emphasis on the Role of Peddlers in the Urban Landscape Nahideh Rezaei, Rana Najjari Nabi	155
Spatial Justice Analysis in the Distribution and Access to joy-generating Land Uses (Case Study: Babol City) Milad Hasanalizadeh, Mohsen Ahadnejad Reveshty, Abolfazl Meshkini	173
Identifying the Influential Components on Urban Tourism Branding (Case Study: Kermanshah City) Parisa Nazari	187
Pathology of Sustainable Security in Tabriz's Ideloo Neighborhood Peyman Aghaei, Hassan Sattari Sarbanghooli, Mohammadreza Pakdel Fard	201
An Analysis of the Influencing Factors in Culture-Led Regeneration in the Southern Part of the Informal Settlements of Tabriz City Behrang Mokari, Ali Azar, MirSaeed Moosavi	223

